ترجمه

قرآن کریم

ناصر مکارم شیرازی

قرآن کریم با ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

مشخصات کتاب

عنوان قراردادی : قرآن. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : القرآن الکریم/ ترجمه مکارم شیرازی؛ خطاط عثمان طه؛ تحقیق و تصحیح هیئت علمی دار القرآن الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی محمدرضا انصاری ... [و دیگران]

مشخصات نشر : تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، 1380.

مشخصات ظاهری : [608] ص با جلد زیپ دار؛ 8 13xس م

شابک : 964-7098-14-6 ؛ 964-7098-14-6

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : عنوان دیگر: قرآن مجید.

عنوان دیگر : قرآن مجید.

عنوان دیگر : قرآن مجید

شناسه افزوده : مکارم شیرازی، ناصر، 1355 - ، مترجم

شناسه افزوده : انصاری محلاتی، محمدرضا، ویراستار

شناسه افزوده : طه، عثمان، خطاط

شناسه افزوده : دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. دار القرآن الکریم

شناسه افزوده : دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی

رده بندی کنگره : BP59/66/م 7 1380

رده بندی دیویی : 297/141

شماره کتابشناسی ملی : م 81-4423

ص: 1

جزء 1

سوره الفاتحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (1)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر (1)

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2)

ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (2)

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (3)

(خداوندی که) بخشنده و بخشایشگر است (و رحمت عام و خاصش همگان را فرا گرفته). (3)

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (4)

(خداوندی که) مالک روز جزاست. (4)

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (5)

(پروردگارا!) تنها تو را می پرستیم؛ و تنها از تو یاری می جوییم. (5)

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (6)

ما را به راه راست هدایت کن... (6)

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (7)

راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی؛ نه کسانی که بر آنان غضب کرده ای؛ و نه گمراهان. (7)

سوره البقره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (1)

الم (بزرگ است خداوندی که این کتاب عظیم را، از حروف ساده الفبا به وجود آورده). (1)

ذَلِکَ الْکِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (2)

آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است. (2)

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (3)

(پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [=آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می آورند؛ و نماز را برپا می دارند؛ و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند. (3)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْکَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِکَ وَبِالْآخِرَهِ هُمْ يُوقِنُونَ (4)

و آنان که به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می آورند؛ و به رستاخیز یقین دارند. (4)

أُولَئِکَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (5)

آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند؛ و آنان رستگارانند. (5)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (6)

کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد. (6)

خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (7)

خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده؛ و بر چشمهایشان پرده ای افکنده شده؛ و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست. (7)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ (8)

گروهی از مردم کسانی هستند که می گویند: «به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده ایم.» در حالی که ایمان ندارند. (8)

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (9)

می خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند؛ در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند؛ (اما) نمی فهمند. (9)

فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (10)

در دلهای آنان یک نوع بیماری است؛ خداوند بر بیماری آنان افزوده؛ و به خاطر دروغهایی که میگفتند، عذاب دردناکی در انتظار آنهاست. (10)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (11)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید» می گویند: «ما فقط اصلاح کننده ایم» ! (11)

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ (12)

آگاه باشید ! اینها همان مفسدانند؛ ولی نمی فهمند. (12)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالَوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ (13)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «همانند (سایر) مردم ایمان بیاورید!» می گویند: «آیا همچون ابلهان ایمان بیاوریم؟!» بدانید اینها همان ابلهانند ولی نمی دانند! (13)

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ (14)

و هنگامی که افراد باایمان را ملاقات می کنند، و می گویند: «ما ایمان آورده ایم!» (ولی) هنگامی که با شیطانهای خود خلوت می کنند، می گویند: «ما با شمائیم! ما فقط (آنها را) مسخره می کنیم!» (14)

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِى طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (15)

خداوند آنان را استهزا می کند؛ و آنها را در طغیانشان نگه می دارد، تا سرگردان شوند. (15)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (16)

آنان کسانی هستند که «هدایت» را به «گمراهی» فروخته اند؛ و (این) تجارت آنها سودی نداده؛ و هدایت نیافته اند. (16)

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِی اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِی ظُلُمَاتٍ لَّا يُبْصِرُونَ (17)

آنان [= منافقان] همانند کسی هستند که آتشی افروخته (تا در بیابان تاریک، راه خود را پیدا کند)، ولی هنگامی که آتش اطراف او را روشن ساخت، خداوند (طوفانی می فرستد و) آن را خاموش می کند؛ و در تاریکیهای وحشتناکی که چشم کار نمی کند، آنها را رها می سازد. (17)

صُمٌّ بُكْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (18)

آنها کران، گنگها و کورانند؛ لذا (از راه خطا) بازنمی گردند! (18)

أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِی آذَانِهِم مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (19)

یا همچون بارانی از آسمان، که در شب تاریک همراه با رعد و برق و صاعقه (بر سر رهگذران) ببارد. آنها از ترس مرگ، انگشتانشان را در گوشهای خود می گذارند؛ تا صدای صاعقه را نشنوند. و خداوند به کافران احاطه دارد (و در قبضه قدرت او هستند). (19)

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُم مَّشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ (20)

(روشنائی خیره کننده) برق، نزدیک است چشمانشان را برباید. هر زمان که (برق جستن می کند، و صفحه بیابان را) برای آنها روشن می سازد، (چند گامی) در پرتو آن راه می روند؛ و چون خاموش می شود، توقف می کنند. و اگر خدا بخواهد، گوش و چشم آنها را از بین می برد؛ چرا که خداوند بر هر چیز تواناست. (20)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِی خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (21)

ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزکار شوید. (21)

الَّذِی جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (22)

آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان [= جو زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد؛ و از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و به وسیله آن، میوه ها را پرورش داد؛ تا روزی شما باشد. بنابر این، برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که می دانید (هیچ یک از آنها، نه شما را آفریده اند، و نه شما را روزی می دهند). (22)

وَإِن كُنتُمْ فِی رَیْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِینَ (23)

و اگر در باره آنچه بر بنده خود [= پیامبر] نازل کرده ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار، فرا خوانید اگر راست می گویید! (23)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَن تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِی وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِینَ (24)

پس اگر چنین نکنید - که هرگز نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن، بدنهای مردم (گنهکار) و سنگها [= بتها] است، و برای کافران، آماده شده است! (24)

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِى رُزِقْنَا مِن قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (25)

به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، بشارت ده که باغهایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. هر زمان که میوه ای از آن، به آنان داده شود، می گویند: «این همان است که قبلا به ما روزی داده شده بود. (ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالیتر است.)» و میوه هایی که برای آنها آورده می شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند. و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود. (25)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِى أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِى بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (26)

خداوند از این که (به موجودات ظاهرا کوچکی مانند) پشه، و حتی کمتر از آن، مثال بزند شرم نمی کند. (در این میان) آنان که ایمان آورده اند، می دانند که آن، حقیقتی است از طرف پروردگارشان؛ و اما آنها که راه کفر را پیموده اند، (این موضوع را بهانه کرده) می گویند: «منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟!» (آری،) خدا جمع زیادی را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می کند؛ ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می سازد! (26)

الَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِى الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (27)

فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، میشکنند؛ و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده، و در روی زمین فساد میکنند؛ اینها زیانکارانند. (27)

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (28)

چگونه به خداوند کافر می شوید؟! در حالی که شما مردگان (و اجسام بی روحی) بودید، و او شما را زنده کرد؛ سپس شما را می میراند؛ و بار دیگر

شما را زنده می کند؛ سپس به سوی او بازگردانده می شوید. (بنابر این، نه حیات و زندگی شما از شماست، و نه مرگتان؛ آنچه دارید از خداست). (28)

هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُم مَّا فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا ثُمَّ اسْتَوَی إِلَی السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ (29)

او خدایی است که همه آنچه را (از نعمتها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید؛ سپس به آسمان پرداخت؛ و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود؛ و او به هر چیز آگاه است. (29)

وَإِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَهِ إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِیهَا مَن یُفْسِدُ فِیهَا وَیَسْفِکُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَنُقَدِّسُ لَکَ قَالَ إِنِّی أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (30)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [= نماینده ای] قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «پروردگارا !» آیا کسی را در آن قرار می دهی که فساد و خونریزی کند؟ ! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است،) ما تسبیح و حمد تو را بجا می آوریم، و تو را تقدیس می کنیم.» پروردگار فرمود: «من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید.» (30)

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ کُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَی الْمَلَائِکَهِ فَقَالَ أَنبِئُونِی بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِن کُنتُمْ صَادِقِینَ (31)

سپس علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می گویید، اسامی اینها را به من خبر دهید !» (31)

قَالُوا سُبْحَانَکَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّکَ أَنتَ الْعَلِیمُ الْحَکِیمُ (32)

فرشتگان عرض کردند: «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده ای، نمی دانیم؛ تو دانا و حکیمی.» (32)

قَالَ یَا آدَمُ أَنبِئْهُم بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنبَأَهُم بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّکُمْ إِنِّی أَعْلَمُ غَیْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا کُنتُمْ تَکْتُمُونَ (33)

فرمود: «ای آدم! آنان را از اسامی (و اسرار) این موجودات آگاه کن.» هنگامی که آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: «آیا به شما نگفتم که من، غیب آسمانها و زمین را میدانم؟ ! و نیز میدانم آنچه را شما آشکار میکنید، و آنچه را پنهان میداشتید !» (33)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِکَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِیسَ أَبَی وَاسْتَکْبَرَ وَکَانَ مِنَ الْکَافِرِینَ (34)

و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد. (34)

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (35)

و گفتیم: «ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن؛ و از (نعمتهای) آن، از هر جا می خواهید، گوارا بخورید؛ (اما) نزدیک این درخت نشوید؛ که از ستمگران خواهید شد. (35)

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِى الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (36)

پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد؛ و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و (در این هنگام) به آنها گفتیم: «همگی (به زمین) فرود آیید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود.» (36)

فَتَلَقَّى آدَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (37)

سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آنها توبه کرد.) و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چرا که خداوند توبه پذیر و مهربان است. (37)

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّى هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَاىَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (38)

گفتيم: «همگى از آن، فرود آييد! هرگاه هدايتى از طرف من براى شما آمد، كسانى كه از آن پيروى كنند، نه ترسى بر آنهاست، و نه غمگين شوند.» (38)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (39)

و كسانى كه كافر شدند، و آيات ما را دروغ پنداشتند اهل دوزخند؛ و هميشه در آن خواهند بود. (39)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِىَ الَّتِى أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِى أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّاىَ فَارْهَبُونِ (40)

اى فرزندان اسرائيل! نعمتهايى را كه به شما ارزانى داشتم به ياد آوريد! و به پيمانى كه با من بسته ايد وفا كنيد، تا من نيز به پيمان شما وفا كنم. (و در راه انجام وظيفه، و عمل به پيمانها) تنها از من بترسيد! (40)

وَآمِنُوا بِمَا أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِى ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّاىَ فَاتَّقُونِ (41)

و به آنچه نازل كرده ام [= قرآن] ايمان بياوريد! كه نشانه هاى آن، با آنچه در كتابهاى شماست، مطابقت دارد؛ و نخستين كافر به آن نباشيد! و آيات مرا به بهاى ناچيزى نفروشيد! (و به خاطر درآمد مختصرى، نشانه هاى قرآن و پيامبر اسلام را، كه در كتب شما موجود است، پنهان نكنيد!) و تنها از من (و مخالفت دستورهايم) بترسيد (نه از مردم)! (41)

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (42)

و حق را با باطل نياميزيد! و حقيقت را با اينكه مى دانيد كتمان نكنيد! (42)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (43)

و نماز را بپا داريد، و زكات را بپردازيد، و همراه ركوع كنندگان ركوع كنيد (و نماز را با جماعت بگزاريد)! (43)

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (44)

آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می نمایید؛ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می خوانید! آیا نمی اندیشید؟! (44)

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (45)

از صبر و نماز یاری جوئید؛ (و با استقامت و مهار هوسهای درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید؛) و این کار، جز برای خاشعان، گران است. (45)

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُو رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (46)

آنها کسانی هستند که می دانند دیدارکننده پروردگار خویشند، و به سوی او بازمی گردند. (46)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (47)

ای بنی اسرائیل! نعمتهایی را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید؛ و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم. (47)

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (48)

و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می شود؛ و نه غرامت از او قبول خواهد شد؛ و نه یاری می شوند. (48)

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِى ذَلِكُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (49)

و (نیز به یاد آورید) آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم؛ که همواره شما را به بدترین صورت آزار می دادند: پسران شما را سر می بریدند؛ و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می داشتند. و در اینها، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود. (49)

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (50)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دریا را برای شما شکافتیم؛ و شما را نجات دادیم؛ و فرعونیان را غرق ساختیم؛ در حالی که شما تماشا می کردید. (50)

وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنتُمْ ظَالِمُونَ (51)

و (به یاد آورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم؛ (و او، برای گرفتن فرمانهای الهی، به میعادگاه آمد؛) سپس شما گوساله را بعد از او (معبود خود) انتخاب نمودید؛ در حالی که ستمکار بودید. (51)

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (52)

سپس شما را بعد از آن بخشیدیم؛ شاید شکر (این نعمت را) بجا آورید. (52)

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (53)

و (نیز به خاطر آورید) هنگامی را که به موسی، کتاب و وسیله تشخیص (حق از باطل) را دادیم؛ تا هدایت شوید. (53)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (54)

و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید! پس توبه کنید؛ و به سوی

خالق خود باز گردید! و خود را [=یکدیگر را] به قتل برسانید! این کار، برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است.» سپس خداوند توبه شما را پذیرفت؛ زیرا که او توبه پذیر و رحیم است. (54)

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (55)

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد؛ مگر اینکه خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم!» پس صاعقه شما را گرفت؛ در حالی که تماشا می کردید. (55)

ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (56)

سپس شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم؛ شاید شکر (نعمت او را) بجا آورید. (56)

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (57)

و ابر را بر شما سایبان قرار دادیم؛ و «من» [= شیره مخصوص و لذیذ درختان] و «سلوی» [= مرغان مخصوص شبیه کبوتر] را بر شما فرستادیم؛ (و گفتیم:) «از نعمتهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید!» (ولی شما کفران کردید!) آنها به ما ستم نکردند؛ بلکه به خود ستم می نمودند. (57)

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (58)

و (به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتیم: «در این شهر [= بیت المقدس] وارد شوید! و از نعمتهای فراوان آن، هر چه می خواهید بخورید! و از در (معبد بیت المقدس) با خضوع و خشوع وارد گردید! و بگویید: «خداوندا! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشیم؛ و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.» (58)

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِى قِيلَ لَهُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (59)

اما افراد ستمگر، این سخن را که به آنها گفته شده بود، تغییر دادند؛ (و به جای آن، جمله استهزاآمیزی گفتند؛) لذا بر ستمگران، در برابر این نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم. (59)

وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِى الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (60)

و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن!» ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید؛ آن گونه که هر یک (از طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل)، چشمه مخصوص خود را می شناختند! (و گفتیم:) «از روزیهای الهی بخورید و بیاشامید! و در زمین فساد نکنید!» (60)

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَن نَّصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِى هُوَ أَدْنَى بِالَّذِى هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ (61)

و (نیز به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتید: «ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم! از خدای خود بخواه که از آنچه زمین می رویاند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد.» موسی گفت: «آیا غذای پست تر را به جای غذای بهتر انتخاب می

کنید؟! (اکنون که چنین است، بکوشید از این بیابان) در شهری فرود آئید؛ زیرا هر چه خواستید، در آنجا برای شما هست.» و (مهر) ذلت و نیاز، بر پیشانی آنها زده شد؛ و باز گرفتار خشم خدائی شدند؛ چرا که آنان نسبت به آیات الهی، کفر می ورزیدند؛ و پیامبران را به ناحق می کشتند. اینها به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند. (61)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (62)

کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده اند، و کسانی که به آئین یهود گرویدند و نصاری و صابئان [= پیروان یحیی] هر گاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و هیچ گونه ترس و اندوهی برای آنها نیست. (هر کدام از پیروان ادیان الهی، که در عصر و زمان خود، بر طبق وظایف و فرمان دین عمل کرده اند، مأجور و رستگارند.) (62)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (63)

و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم؛ و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم؛ (و به شما گفتیم:) «آنچه را (از آیات و دستورهای خداوند) به شما داده ایم، با قدرت بگیرید؛ و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید (و به آن عمل کنید)؛ شاید پرهیزکار شوید!» (63)

ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنتُم مِّنَ الْخَاسِرِينَ (64)

سپس شما پس از این، روگردان شدید؛ و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، از زیانکاران بودید. (64)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (65)

به طور قطع از حال کسانی از شما، که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده اید! ما به آنها گفتیم: «به صورت بوزینه هایی طردشده درآیید!» (65)

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (66)

ما این کیفر را درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسلهای بعد از آنان، و پند و اندرزی برای پرهیزکاران قرار دادیم. (66)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللّهَ يَأْمُرُكُمْ أن تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالَوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (67)

و (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «خداوند به شما دستور می دهد ماده گاوی را ذبح کنید (و قطعه ای از بدن آن را به مقتولی که قاتل او شناخته نشده بزنید، تا زنده شود و قاتل خویش را معرفی کند؛ و غوغا خاموش گردد.)» گفتند: «آیا ما را مسخره می کنی؟» (موسی) گفت: «به خدا پناه می برم از اینکه از جاهلان باشم !» (67)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّکَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِىَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِکَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ (68)

گفتند: «(پس) از خدای خود بخواه که برای ما روشن کند این ماده گاو چگونه ماده گاوی باشد؟» گفت: خداوند می فرماید: «ماده گاوی است که نه پیر و از کار افتاده باشد، و نه بکر و جوان؛ بلکه میان این دو باشد. آنچه به شما دستور داده شده، (هر چه زودتر) انجام دهید.» (68)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّکَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ (69)

گفتند: «از پروردگار خود بخواه که برای ما روشن سازد رنگ آن چگونه باشد؟ «گفت: خداوند می گوید: «گاوی باشد زرد یکدست، که رنگ آن، بینندگان را شاد و مسرور سازد.» (69)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّکَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِیَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (70)

گفتند: «از خدایت بخواه برای ما روشن کند که چگونه گاوی باید باشد؟ زیرا این گاو برای ما مبهم شده! و اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد!» (70)

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِی الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ (71)

گفت: خداوند می فرماید: «گاوی باشد که نه برای شخم زدن رام شده؛ و نه برای زراعت آبکشی کند؛ از هر عیبی برکنار باشد، و حتی هیچ گونه رنگ دیگری در آن نباشد.» گفتند: «الان حق مطلب را آوردی!» سپس (چنان گاوی را پیدا کردند و) آن را سر بریدند؛ ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند. (71)

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ (72)

و (به یاد آورید) هنگامی را که فردی را به قتل رساندید؛ سپس درباره (قاتل) او به نزاع پرداختید؛ و خداوند آنچه را مخفی می داشتید، آشکار می سازد. (72)

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِکَ يُحْيِی اللَّهُ الْمَوْتَی وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (73)

سپس گفتیم: «قسمتی از گاو را به مقتول بزنید! (تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند.) خداوند این گونه مردگان را زنده می کند؛ و آیات خود را به شما نشان می دهد؛ شاید اندیشه کنید!» (73)

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَلِکَ فَهِیَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (74)

سپس دلهای شما بعد از این واقعه سخت شد؛ همچون سنگ، یا سخت تر! چرا که پاره ای از سنگها می شکافد، و از آن نهرها جاری می شود؛ و پاره ای از آنها شکاف برمی دارد، و آب از آن تراوش می کند؛ و پاره ای از

خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می افتد؛ (اما دلهای شما، نه از خوف خدا می تپد، و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است!) و خداوند از اعمال شما غافل نیست. (74)

أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (75)

آیا انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، با اینکه عده ای از آنان، سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند؟! (75)

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُم بِهِ عِندَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (76)

و هنگامی که مؤمنان را ملاقات کنند، می گویند: «ایمان آورده ایم.» ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می کنند، (بعضی به بعضی دیگر اعتراض کرده،) می گویند: «چرا مطالبی را که خداوند (در باره صفات پیامبر اسلام) برای شما بیان کرد، به مسلمانان بازگو می کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه خدا، بر ضد شما به آن استدلال کنند؟! آیا نمی فهمید؟!» (76)

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (77)

آیا اینها نمی دانند خداوند آنچه را پنهان می دارند یا آشکار می کنند می داند؟! (77)

وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (78)

و پاره ای از آنان عوامانی هستند که کتاب خدا را جز یک مشت خیالات و آرزوها نمی دانند؛ و تنها به پندارهایشان دل بسته اند. (78)

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِندِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا يَكْسِبُونَ (79)

پس وای بر آنها که نوشته ای با دست خود می نویسند، سپس می گویند: «این، از طرف خداست.» تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند؛ و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می آورند! (79)

وَقَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِندَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَن يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (80)

و گفتند: «هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی، به ما نخواهد رسید.» بگو: «آیا پیمانی از خدا گرفته اید؟! -و خداوند هرگز از پیمانش تخلف نمی ورزد- یا چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت می دهید»؟! (80)

بَلَى مَن كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (81)

آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آنها اهل آتشند؛ و جاودانه در آن خواهند بود. (81)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (82)

و آنها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند. (82)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِى إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلّا اللّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنكُمْ وَأَنتُم مُّعْرِضُونَ (83)

و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید؛ و به مردم نیک بگویید؛ نماز را برپا دارید؛ و زکات بدهید. سپس (با اینکه پیمان بسته بودید) همه شما -جز عده کمی- سرپیچی کردید؛ و (از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید. (83)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنفُسَكُم مِّن دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ (84)

و هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید؛ و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید. سپس شما اقرار کردید؛ (و بر این پیمان) گواه بودید. (84)

ثُمَّ أَنتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنكُم مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (85)

اما این شما هستید که یکدیگر را می کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می کنید؛ و در این گناه و تجاوز، به یکدیگر کمک می نمایید؛ (و اینها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته اید) در حالی که اگر بعضی از آنها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیه می دهید و آنان را آزاد می سازید! با اینکه بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می آورید، و به بعضی کافر می شوید؟! برای کسی از شما که این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز به شدیدترین عذابها گرفتار می شوند. و خداوند از آنچه انجام می دهید غافل نیست. (85)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (86)

اینها همان کسانند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته اند؛ از این رو عذاب آنها تخفیف داده نمی شود؛ و کسی آنها را یاری نخواهد کرد. (86)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِن بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (87)

ما به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و بعد از او، پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم؛ و به عیسی بن مریم دلایل روشن دادیم؛ و او را به وسیله روح

القدس تأیید کردیم. آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید (و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید)؛ پس عده ای را تکذیب کرده، و جمعی را به قتل رساندید؟! (87)

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَل لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلاً مَّا يُؤْمِنُونَ (88)

و (آنها از روی استهزا) گفتند: دلهای ما در غلاف است! (و ما از گفته تو چیزی نمی فهمیم. آری، همین طور است!) خداوند آنها را به خاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته، (به همین دلیل، چیزی درک نمی کنند؛) و کمتر ایمان می آورند. (88)

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُم مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (89)

و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می دادند (که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند.) با این همه، هنگامی که این کتاب، و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند؛ لعنت خدا بر کافران باد! (89)

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَن يُنَزِّلَ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (90)

ولی آنها در مقابل بهای بدی، خود را فروختند؛ که به ناروا، به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند. و معترض بودند، چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگانش بخواهد، آیات خود را نازل می کند؟! از این رو به خشمی بعد از خشمی (از سوی خدا) گرفتار شدند. و برای کافران مجازاتی خوارکننده است. (90)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنبِيَاءَ اللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (91)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به آنچه خداوند نازل فرموده، ایمان بیاورید!» می گویند: «ما به چیزی ایمان می آوریم که بر خود ما نازل شده است.» و به غیر آن، کافر می شوند؛ در حالی که حق است؛ و آیاتی را که بر آنها نازل شده، تصدیق می کند. بگو: «اگر (راست می گویید، و به آیاتی که بر خودتان نازل شده) ایمان دارید، پس چرا پیامبران خدا را پیش از این، به قتل می رساندید؟!» (91)

وَلَقَدْ جَاءَكُم مُّوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنتُمْ ظَالِمُونَ (92)

و (نیز) موسی آن همه معجزات را برای شما آورد، و شما پس از (غیبت) او، گوساله را انتخاب کردید؛ در حالی که ستمگر بودید. (92)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالَوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِى قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُم بِهِ إِيمَانُكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (93)

و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم؛ و کوه طور را بالای سر شما برافراشتیم؛ (و گفتیم:) «این دستوراتی را که به شما داده ایم محکم بگیرید، و درست بشنوید!» آنها گفتند: «شنیدیم؛ ولی مخالفت کردیم.» و دلهای آنها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد. بگو: «ایمان شما، چه فرمان بدی به شما می دهد، اگر ایمان دارید!» (93)

قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِندَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (94)

بگو: «اگر آن (چنان که مدعی هستید) سرای دیگر در نزد خدا، مخصوص شماست نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می گویید!» (94)

وَلَن يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (95)

ولی آنها، به خاطر اعمال بدی که پیش از خود فرستاده اند، هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد؛ و خداوند از ستمگران آگاه است. (95)

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَن يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (96)

و آنها را حریص ترین مردم -حتی حریصتر از مشرکان- بر زندگی (این دنیا، و اندوختن ثروت) خواهی یافت؛ (تا آنجا) که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر (الهی) باز نخواهد داشت. و خداوند به اعمال آنها بیناست. (96)

قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (97)

(آنها می گویند: «چون فرشته ای که وحی را بر تو نازل می کند، جبرئیل است، و ما با جبرئیل دشمن هستیم، به تو ایمان نمی آوریم!») بگو: «کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست) چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است؛ در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می کند؛ و هدایت و بشارت است برای مؤمنان.» (97)

مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ (98)

کسی که دشمن خدا و فرشتگان و رسولان او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است؛ و) خداوند دشمن کافران است. (98)

وَلَقَدْ أنزَلْنَا إِلَيْکَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلّا الْفَاسِقُونَ (99)

ما نشانه های روشنی برای تو فرستادیم؛ و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی ورزد. (99)

أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُم بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (100)

و آیا چنین نیست که هر بار آنها [=یهود] پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند، جمعی آن را دور افکندند (و مخالفت کردند.) آری، بیشتر آنان ایمان نمی آورند. (100)

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (101)

و هنگامی که فرستاده ای از سوی خدا به سراغشان آمد، و با نشانه هایی که نزد آنها بود مطابقت داشت، جمعی از آنان که به آنها کتاب (آسمانی) داده شده بود، کتاب خدا را پشت سر افکندند؛ گویی هیچ از آن خبر ندارند!! (101)

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُم بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (102)

و (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند پیروی کردند. سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود؛ و) کافر نشد؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند. (آن دو، راه سحر کردن را، برای آشنایی با طرز ابطال آن، به مردم یاد می دادند. و) به هیچ کس چیزی یاد نمی دادند، مگر اینکه از پیش به او می گفتند: «ما وسیله آزمایشیم کافر نشو! (و از این تعلیمات، سوء استفاده نکن!)» ولی آنها از آن دو فرشته، مطالبی را می آموختند که بتوانند به وسیله آن، میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند؛ ولی هیچ گاه نمی توانند بدون اجازه خداوند، به انسانی زیان برسانند. آنها قسمتهایی را فرامی گرفتند که به آنان زیان می رسانید و نفعی نمی داد. و مسلما می دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد، در آخرت بهره ای نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند بود آنچه خود را به آن فروختند، اگر می دانستند!! (102)

وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (103)

و اگر آنها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، پاداشی که نزد خداست، برای آنان بهتر بود، اگر آگاهی داشتند!! (103)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (104)

ای افراد باایمان! (هنگامی که از پیغمبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می کنید) نگویید: «راعنا»؛ بلکه بگویید: «انظرنا». (زیرا کلمه اول، هم به معنی «ما را مهلت بده!»، و هم به معنی «ما را تحمیق کن!» می باشد؛ و دستاویزی برای دشمنان است.) و (آنچه به شما دستور داده می شود) بشنوید! و برای کافران (و استهزاکنندگان) عذاب دردناکی است. (104)

مَّا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُم مِّنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (105)

کافران اهل کتاب، و (همچنین) مشرکان، دوست ندارند که از سوی خداوند، خیر و برکتی بر شما نازل گردد؛ در حالی که خداوند، رحمت خود را به هر کس بخواهد، اختصاص می دهد؛ و خداوند، صاحب فضل بزرگ است. (105)

مَا نَنسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (106)

هر حکمی را نسخ کنیم، و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می آوریم. آیا نمی دانستی که خداوند بر هر چیز توانا است؟ ! (106)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ (107)

آیا نمی دانستی که حکومت آسمانها و زمین، از آن خداست؟ ! (و حق دارد هر گونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد؟ !) و جز خدا، ولی و یاوری برای شما نیست. (و اوست که مصلحت شما را می داند و تعیین می کند). (107)

أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِن قَبْلُ وَمَن يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (108)

آیا می خواهید از پیامبر خود، همان تقاضای (نامعقولی را) بکنید که پیش از این، از موسی کردند؟ ! (و با این بهانه جویی ها، از ایمان آوردن سر باز زدند.) کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد، از راه مستقیم (عقل و فطرت) گمراه شده است. (108)

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنفُسِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِىَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (109)

بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد -که در وجود آنها ریشه دوانده- آرزو می کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند؛ با اینکه حق برای آنها کاملا روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید؛ تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد؛ خداوند بر هر چیزی تواناست. (109)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (110)

و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید؛ و هر کار خیری را برای خود از پیش می فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت؛ خداوند به اعمال شما بیناست. (110)

وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (111)

آنها گفتند: «هیچ کس، جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد.» این آرزوی آنهاست! بگو: «اگر راست می گویید، دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید!» (111)

بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِندَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (112)

آری، کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند. (بنابر این، بهشت خدا در انحصار هیچ گروهی نیست.) (112)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (113)

یهودیان گفتند: «مسیحیان هیچ موقعیتی (نزد خدا) ندارند»، و مسیحیان نیز گفتند: «یهودیان هیچ موقعیتی ندارند (و بر باطلند)»؛ در حالی که هر دو دسته، کتاب آسمانی را می خوانند (و باید از این گونه تعصبها برکنار باشند) افراد نادان (دیگر، همچون مشرکان) نیز، سخنی همانند سخن آنها داشتند! خداوند، روز قیامت، در باره آنچه در آن اختلاف داشتند، داوری می کند. (113)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَن يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (114)

کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانونهای عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!! (114)

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (115)

مشرق و مغرب، از آن خداست! و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست! خداوند بی نیاز و داناست! (115)

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَل لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ (116)

و (یهود و نصاری و مشرکان) گفتند: «خداوند، فرزندی برای خود انتخاب کرده است»! -منزه است او- بلکه آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست؛ و همه در برابر او خاضعند! (116)

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (117)

هستی بخش آسمانها و زمین اوست! و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می گوید: «موجود باش!» و آن، فوری موجود می شود. (117)

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (118)

افراد ناآگاه گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی گوید؟! و یا چرا آیه و نشانه ای برای خود ما نمی آید؟!» پیشینیان آنها نیز، همین گونه سخن می گفتند؛ دلها و افکارشان مشابه یکدیگر است؛ ولی ما (به اندازه کافی) آیات و نشانه ها را برای اهل یقین (و حقیقت جویان) روشن ساخته ایم. (118)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (119)

ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم؛ و تو مسئول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی! (119)

وَلَن تَرْضَى عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم بَعْدَ الَّذِى جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ (120)

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوسهای آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده ای، هیچ سرپرست و یاوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود. (120)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (121)

کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده ایم [= یهود و نصاری] آن را چنان که شایسته آن است می خوانند؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان می آورند؛ و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند. (121)

يَا بَنِى إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِىَ الَّتِى أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (122)

ای بنی اسرائیل! نعمت مرا، که به شما ارزانی داشتم، به یاد آورید! و (نیز به خاطر آورید) که من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم! (122)

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِى نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (123)

از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی کند؛ و هیچ گونه عوضی از او قبول نمی شود؛ و شفاعت، او را سود نمی دهد؛ و (از هیچ سوئی) یاری نمی شوند! (123)

وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّى جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِى قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِى الظَّالِمِينَ (124)

(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز

امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)». (124)

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (125)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم! و (برای تجدید خاطره،) از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید! و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: «خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید!» (125)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُم بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (126)

و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده! و اهل آن را -آنها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده اند- از ثمرات (گوناگون)، روزی ده!» گفت: «(ما دعای تو را اجابت کردیم؛ و مؤمنان را از انواع برکات، بهره مند ساختیم؛) اما به آنها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد؛ سپس آنها را به عذاب آتش می کشانیم؛ و چه بد سرانجامی دارند» (126)

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (127)

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند، (و می گفتند:) «پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی! (127)

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَکَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّکَ وَأَرِنَا مَنَاسِکَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّکَ أَنتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (128)

پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده! و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور! و طرز عبادتمان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر، که تو توبه پذیر و مهربانی! (128)

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولاً مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِکَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَيُزَکِّيهِمْ إِنَّکَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَکِيمُ (129)

پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار، قادری)!» (129)

وَمَن يَرْغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِی الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِی الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (130)

جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، (با آن پاکی و درخشندگی،) روی گردان خواهد شد؟! ما او را در این جهان برگزیدیم؛ و او در جهان دیگر، از صالحان است. (130)

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (131)

در آن هنگام که پروردگارش به او گفت: اسلام بیاور! (و در برابر حق، تسلیم باش! او فرمان پروردگار را، از جان و دل پذیرفت؛ و) گفت: «در برابر پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.» (131)

وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِیَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَکُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (132)

و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر،) فرزندان خود را به این آیین، وصیت کردند؛ (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند:) «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است؛ و شما، جز به آیین اسلام [= تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید!» (132)

أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (133)

آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم.» (133)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (134)

آنها امتی بودند که درگذشتند. اعمال آنان، مربوط به خودشان بود و اعمال شما نیز مربوط به خود شماست؛ و شما هیچ گاه مسئول اعمال آنها نخواهید بود. (134)

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (135)

(اهل کتاب) گفتند: «یهودی یا مسیحی شوید، تا هدایت یابید!» بگو: «(این آیینهای تحریف شده، هرگز نمی تواند موجب هدایت گردد،) بلکه از آیین خالص ابراهیم پیروی کنید! و او هرگز از مشرکان نبود!» (135)

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (136)

بگویید: «ما به خدا ایمان آورده ایم؛ و به آنچه بر ما نازل شده؛ و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید، و (همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و در میان هیچ یک از آنها جدایی قائل نمی شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم؛ (و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم.)» (136)

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنتُم بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوا وَّإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (137)

اگر آنها نیز به مانند آنچه شما ایمان آورده اید ایمان بیاورند، هدایت یافته اند؛ و اگر سرپیچی کنند، از حق جدا شده اند و خداوند، شر آنها را از تو دفع می کند؛ و او شنونده و داناست. (137)

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (138)

رنگ خدایی (بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام؛) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را عبادت می کنیم. (138)

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ (139)

بگو: «آیا در باره خداوند با ما محاجه می کنید؟! در حالی که او، پروردگار ما و شماست؛ و اعمال ما از آن ما، و اعمال شما از آن شماست؛ و ما او

را با اخلاص پرستش می کنیم، (و موحد خالصیم).» (139)

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَأَنتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةً عِندَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (140)

یا می گویید: «ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند»؟! بگو: «شما بهتر می دانید یا خدا؟! (و با اینکه می دانید آنها یهودی یا نصرانی نبودند، چرا حقیقت را کتمان می کنید؟)» و چه کسی ستمکارتر است از آن کس که گواهی و شهادت الهی را که نزد اوست، کتمان می کند؟! و خدا از اعمال شما غافل نیست. (140)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (141)

(به هر حال) آنها امتی بودند که درگذشتند. آنچه کردند، برای خودشان است؛ و آنچه هم شما کرده اید، برای خودتان است؛ و شما مسئول اعمال آنها نیستید. (141)

جزء 2

ادامه سوره بقره

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ الَّتِى كَانُوا عَلَيْهَا قُل لِّلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِى مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (142)

به زودی سبک مغزان از مردم می گویند: «چه چیز آنها [= مسلمانان] را، از قبله ای که بر آن بودند، بازگردانید؟ !» بگو: «مشرق و مغرب، از آن خداست؛ خدا هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند.» (142)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِى كُنتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَى عَقِبَيْهِ وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (143)

همان گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط؛) تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است. و ما، آن قبله ای را که قبلا بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می کنند، از آنها که به جاهلیت بازمی گردند، مشخص شوند. و مسلماً این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود. (این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق، صحیح بوده است؛) و خدا هرگز ایمان [= نماز] شما را ضایع نمی گرداند؛ زیرا خداوند، نسبت به مردم، رحیم و مهربان است. (143)

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِى السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (144)

نگاه های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم! اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی، باز می گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن! و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید! و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، بخوبی می دانند این فرمانِ حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده؛ (و در کتابهای خود خوانده اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله،

نماز می خواند). و خداوند از اعمال آنها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست! (144)

وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُم بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ (145)

سوگند که اگر برای (این گروه از) اهل کتاب، هرگونه آیه (و نشانه و دلیلی) بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهند کرد؛ و تو نیز، هیچ گاه از قبله آنان، پیروی نخواهی نمود. (آنها نباید تصور کنند که بار دیگر، تغییر قبله امکان پذیر است!) و حتی هیچ یک از آنها، پیروی از قبله دیگری نخواهد کرد! و اگر تو، پس از این آگاهی، متابعت هوسهای آنها کنی، مسلماً از ستمگران خواهی بود! (145)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (146)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او [= پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند! (146)

الْحَقُّ مِن رَّبِّکَ فَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (147)

این (فرمان تغییر قبله) حکمِ حقی از طرف پروردگار توست، بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان در آن مباش! (147)

وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (148)

هر طایفه ای قبله ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است؛ (بنابراین، زیاد در باره قبله گفتگو نکنید! و به جای آن،) در نیکی ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید! هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز،) حاضر می کند؛ زیرا او، بر هر کاری تواناست. (148)

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِن رَّبِّکَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (149)

از هر جا (و از هر شهر و نقطه ای) خارج شدی، (به هنگام نماز،) روی خود را به جانب «مسجد الحرام» کن! این دستور حقی از طرف پروردگار توست! و خداوند، از آنچه انجام می دهید، غافل نیست! (149)

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِى وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِى عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (150)

و از هر جا خارج شدی، روی خود را به جانب مسجد الحرام کن! و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید! تا مردم، جز ظالمان (که دست از لجاجت برنمی دارند،) دلیلی بر ضدّ شما نداشته باشند؛ (زیرا از نشانه های پیامبر، که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او، به سوی دو قبله،

نماز می خواند.) از آنها نترسید! و (تنها) از من بترسید! (این تغییر قبله، به خاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید! (150)

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولاً مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (151)

همان گونه (که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم،) رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاک کند؛ و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد؛ و آنچه را نمی دانستید، به شما یاد دهد. (151)

فَاذْكُرُونِى أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِى وَلَا تَكْفُرُونِ (152)

پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم! و شکر مرا گویید و (در برابر نعمتهایم) کفران نکنید! (152)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (153)

ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است. (153)

وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِی سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِن لَّا تَشْعُرُونَ (154)

و به آنها که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید! (154)

وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَیْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (155)

قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوه ها، آزمایش می کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان! (155)

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (156)

آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می رسد، می گویند: «ما از آنِ خدائیم؛ و به سوی او بازمی گردیم!» (156)

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (157)

اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛ و آنها هستند هدایت یافتگان! (157)

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ (158)

«صفا» و «مروه» از شعائر (و نشانه های) خداست! بنابراین، کسانی که حجِ خانه خدا و یا عمره انجام می دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند؛ (و سعیِ صفا و مروه انجام دهند. و هرگز اعمال بی رویّه مشرکان، که بتهایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیّت این دو مکان مقدّس نمی کاهد!) و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار، و (از افعال وی) آگاه است. (158)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِن بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِی الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ (159)

کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می کند؛ و همه لعن کنندگان نیز، آنها را لعن می کنند؛ (159)

إِلّا الّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَأُولَئِکَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (160)

مگر آنها که توبه و بازگشت کردند، و (اعمال بد خود را، با اعمال نیک،) اصلاح نمودند، (و آنچه را کتمان کرده بودند؛ آشکار ساختند؛) من توبه آنها را می پذیرم؛ که من توّاب و رحیمم. (160)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِکَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (161)

کسانی که کافر شدند، و در حالِ کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آنها خواهد بود! (161)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (162)

همیشه در آن (لعن و دوری از رحمت پروردگار) باقی می مانند؛ نه در عذاب آنان تخفیف داده می شود، و نه مهلتی خواهند داشت! (162)

وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (163)

و خدای شما، خداوند یگانه ای است، که غیر از او معبودی نیست! اوست بخشنده و مهربان (و دارای رحمت عام و خاصّ)! (163)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (164)

در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتیهایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می اندیشند! (164)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ (165)

بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می کنند؛ و آنها را همچون خدا دوست می دارند. امّا آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهاشان،) شدیدتر است. و آنها که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند،) هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت، از آنِ خداست؛ و خدا دارای مجازات شدید است؛ (نه معبودهای خیالی که از آنها می هراسند.) (165)

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ (166)

در آن هنگام، رهبران (گمراه و گمراه کننده) از پیروانِ خود، بیزاری می جویند؛ و کیفر خدا را مشاهده می کنند؛ و دستشان از همه جا کوتاه می شود. (166)

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُم بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ (167)

و (در این هنگام) پیروان می گویند: «کاش بار دیگر به دنیا برمی گشتیم، تا از آنها [= پیشوایان گمراه] بیزاری جوییم، آن چنان که آنان (امروز) از ما بیزاری جستند! (آری،) خداوند این چنین اعمال آنها را به صورت حسرت

زایی به آنان نشان می دهد؛ و هرگز از آتش (دوزخ) خارج نخواهند شد! (167)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِی الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (168)

ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست! (168)

إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (169)

او شما را فقط به بدیها و کار زشت فرمان می دهد؛ (و نیز دستور می دهد) آنچه را که نمی دانید، به خدا نسبت دهید. (169)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (170)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید!» می گویند: «نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می نماییم.» آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد)؟! (170)

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِى يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (171)

مَثَل (تو در دعوت) کافران، بسان کسی است که (گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر،) صدا می زند؛ ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمی شنوند؛ (و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی کنند. این کافران، در واقع) کر و لال و نابینا هستند؛ از این رو چیزی نمی فهمند! (171)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (172)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمتهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید؛ اگر او را پرستش می کنید! (172)

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (173)

خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را نام غیرِ خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است. (ولی) آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست؛ (و می تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد؛) خداوند بخشنده و مهربان است. (173)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (174)

کسانی که کتمان می کنند آنچه را خدا از کتاب نازل کرده، و آن را به بهای کمی می فروشند، آنها جز آتش چیزی نمی خورند؛ (و هدایا و اموالی که از این رهگذر به دست می آورند، در حقیقت آتش سوزانی است.) و خداوند، روز قیامت، با آنها سخن نمی گوید؛ و آنان را پاکیزه نمی کند؛ و برای آنها عذاب دردناکی است. (174)

أُولَئِکَ الَّذِینَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَهَ بِالْهُدَی وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَهِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَی النَّارِ (175)

اینان، همانهایی هستند که گمراهی را با هدایت، و عذاب را با آمرزش، مبادله کرده اند؛ راستی چقدر در برابر عذاب خداوند، شکیبا هستند!! (175)

ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِینَ اخْتَلَفُوا فِی الْکِتَابِ لَفِی شِقَاقٍ بَعِیدٍ (176)

اینها، به خاطر آن است که خداوند، کتاب (آسمانی) را به حق، (و توأم با نشانه ها و دلایل روشن،) نازل کرده؛ و آنها که در آن اختلاف می کنند، (و با کتمان و تحریف، اختلاف به وجود می آورند،) در شکاف و (پراکندگی) عمیقی قرار دارند. (176)

لَّيْسَ الْبِرَّ أَن تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَهِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِى الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِى الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِکَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (177)

نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) رویِ خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید؛ (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد؛ و همه وقت خود را مصروف آن سازید؛) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده؛ و مال (خود) را، با همه علاقه ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می کند؛ نماز را برپا می دارد و زکات را می پردازد؛ و (همچنین) کسانی که به عهد خود -به هنگامی که عهد بستند-وفا می کنند؛ و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می دهند؛ اینها کسانی هستند که راست می گویند؛ و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است؛) و اینها هستند پرهیزکاران! (177)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِى الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِىَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَىْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِکَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَهٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِکَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (178)

ای افرادی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خونبها گردد،) باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد.) و او [= قاتل] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد؛ (و در آن، مسامحه نکند.) این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت. (178)

وَلَكُمْ فِى الْقِصَاصِ حَيَاهٌ يَا أُولِى الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (179)

و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خِرد! شاید شما تقوا پیشه کنید. (179)

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (180)

بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [= مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کند! این حقّی است بر پرهیزکاران!» (180)

فَمَن بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (181)

پس کسانی که بعد از شنیدنش آن را تغییر دهند، گناه آن، تنها بر کسانی است که آن (وصیّت) را تغییر می دهند؛ خداوند، شنوا و داناست. (181)

فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (182)

و کسی که از انحرافِ وصیت کننده (و تمایل یک جانبه او به بعض ورثه)، یا از گناه او (که مبادا وصیّت به کار خلافی کند) بترسد، و میان آنها را اصلاح دهد، گناهی بر او نیست؛ (و مشمولِ حکم تبدیلِ وصیّت نمی باشد.) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (182)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (183)

ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید. (183)

أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (184)

چند روز معدودی را (باید روزه بدارید!) و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بدارد) و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست؛ (همچون بیماران مزمن، و پیرمردان و پیرزنان،) لازم است کفّاره بدهند: مسکینی را اطعام کنند؛ و کسی که کارِ خیری انجام دهد، برای او بهتر است؛ و روزه داشتن برای شما بهتر است اگر بدانید! (184)

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِى أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (185)

(روزه، در چند روز معدودِ) ماهِ رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد! و آن کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد! خداوند، راحتی شما را می خواهد، نه زحمت شما را! هدف

این است که این روزها را تکمیل کنید؛ و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید؛ باشد که شکرگزاری کنید! (185)

وَإِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَلْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ (186)

و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)! (186)

أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (187)

آمیزش جنسی با همسرانتان، در شبِ روزهایی که روزه می گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید؛ (و این کارِ ممنوع را انجام می دادید؛) پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است؛ پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می سازد، باشد که پرهیزکار گردند! (187)

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (188)

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است)! (188)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَن تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِن ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (189)

در باره «هلالهای ماه» از تو سؤال می کنند؛ بگو: «آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظامِ زندگیِ) مردم و (تعیینِ وقتِ) حج است». و (آن چنان که در جاهلیّت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می پوشیدند، از درِ خانه وارد نمی شدند، و از نقبِ پشتِ خانه وارد می شدند، نکنید!) کارِ نیک، آن نیست که از پشتِ خانه ها وارد شوید؛ بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از درِ خانه ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید! (189)

وَقَاتِلَوا فِی سَبِیلِ اللّهِ الّذِینَ یُقَاتِلَونَکُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللّهَ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ (190)

و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید! و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا تعدّی کنندگان را دوست نمی دارد! (190)

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُم مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (191)

و آنها را [= بت پرستانی که از هیچ گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آن جا که شما را بیرون ساختند [= مکه]، آنها را بیرون کنید! و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است! و با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید! مگر اینکه در آن جا با شما بجنگند. پس اگر (در آن جا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید! چنین است جزای کافران! (191)

فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (192)

و اگر خودداری کردند، خداوند آمرزنده و مهربان است. (192)

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (193)

و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم،) باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید! زیرا) تعدّی جز بر ستمکاران روا نیست. (193)

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (194)

ماهِ حرام، در برابر ماهِ حرام! (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرامها، (قابلِ) قصاص است. و (به طور کلّی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدّی کنید! و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید)! و بدانید خدا با پرهیزکاران است! (194)

وَأَنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (195)

و در راهِ خدا، انفاق کنید! و (با ترک انفاق،) خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد. (195)

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنتُمْ فَمَن تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (196)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید! و اگر محصور شدید، (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام بستن، وارد مکه شوید،) آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید)! و سرهای خود را نتراشید، تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود)! و اگر کسی از شما بیمار بود، و یا ناراحتی در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را بتراشد،) باید فدیه و کفّاره ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد! و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسّر است (ذبح کند)! و هر که نیافت، سه روز در ایام حج، و هفت روز هنگامی که باز می گردید، روزه بدارد! این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد [= اهل مکّه و اطرافِ آن نباشد]. و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت کیفر است! (196)

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (197)

حج، در ماه های معینی است! و کسانی که (با بستن احرام، و شروع به مناسک حج،) حج را بر خود فرض کرده اند، (باید بدانند که) در حج، آمیزش جنسی با زنان، و گناه و جدال نیست! و آنچه از کارهای نیک انجام دهید، خدا آن را می داند. و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است! و از من بپرهیزید ای خردمندان! (197)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ (198)

گناهی بر شما نیست که از فضلِ پروردگارتان (و از منافع اقتصادی در ایّام حج) طلب کنید (که یکی از منافع حج، پی ریزیِ یک اقتصادِ صحیح است). و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد «مشعَرِ الحرام» یاد کنید! او را یاد کنید همان طور که شما را هدایت نمود و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید. (198)

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (199)

سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند، (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید! و از خداوند، آمرزش بطلبید، که خدا آمرزنده مهربان است! (199)

فَإِذَا قَضَيْتُم مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ (200)

و هنگامی که مناسکِ (حج)ِ خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانند یادآوری از پدرانتان (آن گونه که رسم آن زمان بود) بلکه از آن هم بیشتر! (در این مراسم، مردم دو گروهند:) بعضی از مردم می گویند: «خداوندا! به ما در دنیا، (*نیکی*) عطا کن!» ولی در آخرت، بهره ای ندارند. (200)

وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (201)

و بعضی می گویند: «پروردگارا! به ما در دنیا (*نیکی*) عطا کن! و در آخرت نیز (*نیکی*) مرحمت فرما! و ما را از عذابِ آتش نگاه دار!» (201)

أُولَئِکَ لَهُمْ نَصِیبٌ مِّمَّا کَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِیعُ الْحِسَابِ (202)

آنها از کار (و دعای) خود، نصیب و بهره ای دارند؛ و خداوند، سریع الحساب است. (202)

وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِی أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَن تَعَجَّلَ فِی يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (203)

و خدا را در روزهای معیّنی یاد کنید! (روزهای 11 و 12 و 13 ماه ذی حجه). و هر کس شتاب کند، (و ذکر خدا را) در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست، و هر که تأخیر کند، (و سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست؛ برای کسی که تقوا پیشه کند. و از خدا بپرهیزید! و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد! (203)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِی الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَى مَا فِی قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ (204)

و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه اعجاب تو می شود؛ (در ظاهر، اظهار محبّت شدید می کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت ترین دشمنانند. (204)

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِی الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ (205)

(نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می کنند، و زراعتها و چهارپایان را نابود می سازند؛ (با اینکه می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد. (205)

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّهُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ (206)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «از خدا بترسید!» (لجاجت آنان بیشتر می شود)، و لجاجت و تعصب، آنها را به گناه می کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است؛ و چه بد جایگاهی است! (206)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (207)

بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی (ع) در «لیله المبیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر ص)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. (207)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلَوا فِی السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (208)

ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در صلح و آشتی درآیید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست (208)

فَإِن زَلَلْتُم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (209)

و اگر بعد از این همه نشانه های روشن، که برای شما آمده است، لغزش کردید (و گمراه شدید)، بدانید (از چنگال عدالت خدا، فرار نتوانید کرد؛) که خداوند، توانا و حکیم است. (209)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِی ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِیَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (210)

آیا (پیروان فرمان شیطان، پس از این همه نشانه ها و برنامه های روشن) انتظار دارند که خداوند و فرشتگان، در سایه هائی از ابرها به سوی آنان بیایند (و دلایل تازه ای در اختیارشان بگذارند؟! با اینکه چنین چیزی محال است!) و همه چیز انجام شده، و همه کارها به سوی خدا بازمی گردد. (210)

سَلْ بَنِی إِسْرَائِیلَ کَمْ آتَیْنَاهُم مِّنْ آیَهٍ بَیِّنَهٍ وَمَن یُبَدِّلْ نِعْمَهَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ (211)

از بنی اسرائیل بپرس: «چه اندازه نشانه های روشن به آنها دادیم؟» (ولی آنان، نعمتها و امکانات مادی و معنوی را که خداوند در اختیارشان گذاشته بود، در راه غلط به کار گرفتند.) و کسی که نعمت خدا را، پس از آن که به سراغش آمد، تبدیل کند (و در مسیر خلاف به کار گیرد، گرفتار عذاب شدید الهی خواهد شد) که خداوند شدید العقاب است. (211)

زُیِّنَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا الْحَیَاهُ الدُّنْیَا وَیَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا وَالَّذِینَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَاللَّهُ یَرْزُقُ مَن یَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ (212)

زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این رو افراد باایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می کنند؛ در حالی که پرهیزگاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند؛ (چراکه ارزشهای حقیقی در آنجا آشکار می گردد، و صورت عینی به خود می گیرد؛) و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می دهد. (212)

کَانَ النَّاسُ أُمَّهً وَاحِدَهً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرِینَ وَمُنذِرِینَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ لِیَحْکُمَ بَیْنَ النَّاسِ فِیمَا اخْتَلَفُوا فِیهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِیهِ إِلَّا الَّذِینَ أُوتُوهُ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَیِّنَاتُ بَغْیًا بَیْنَهُمْ فَهَدَی اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِیهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ یَهْدِی مَن یَشَاءُ إِلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ (213)

مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند؛) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنهایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (امّا افراد بی ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند. (213)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُم مَّسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (214)

آیا گمان کردید داخل بهشت می شوید، بی آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که گرفتاریها و ناراحتیها به آنها رسید، و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی خواهد آمد؟!» (در این هنگام، تقاضای یاری از او کردند، و به آنها گفته شد:) آگاه باشید، یاریِ خدا نزدیک است! (214)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنفَقْتُم مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (215)

از تو سؤال می کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد.» و هر کار خیری که انجام دهید، خداوند از آن آگاه است. (لازم نیست تظاهر کنید، او می داند). (215)

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (216)

جهاد در راه خدا، بر شما مقرّر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیرِ شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرِّ شما در آن است. و خدا می داند، و شما نمی دانید. (216)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (217)

از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می کنند؛ بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است؛ ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و هتک احترام مسجد الحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان بازمی دارد) حتّی از قتل بالاتر است. و مشرکان، پیوسته با شما می جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند؛ ولی کسی که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او، در دنیا و آخرت، برباد می رود؛ و آنان اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند بود. (217)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِى سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (218)

کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است. (218)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (219)

در باره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است. و از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود.» اینچنین خداوند آیات را برای شما روشن می سازد، شاید اندیشه کنید! (219)

فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ وَیَسْأَلُونَکَ عَنِ الْیَتَامَی قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَیْرٌ وَإِن تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُکُمْ وَاللَّهُ یَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَکُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ (220)

(تا اندیشه کنید) درباره دنیا و آخرت! و از تو در باره یتیمان سؤال می کنند، بگو: «اصلاح کار آنان بهتر است. و اگر زندگی خود را با زندگی آنان بیامیزید، (مانعی ندارد؛) آنها برادر (دینی) شما هستند.» (و همچون یک برادر با آنها رفتار کنید!) خداوند، مفسدان را از مصلحان، بازمی شناسد. و اگر خدا بخواهد، شما را به زحمت می اندازد؛ (و دستور می دهد در عین سرپرستی یتیمان، زندگی و اموال آنها را بکلی از اموال خود، جدا سازید؛ ولی خداوند چنین نمی کند؛) زیرا او توانا و حکیم است. (220)

وَلَا تَنکِحُوا الْمُشْرِکَاتِ حَتَّی یُؤْمِنَّ وَلَأَمَهٌ مُّؤْمِنَهٌ خَیْرٌ مِّن مُّشْرِکَهٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْکُمْ وَلَا تُنکِحُوا الْمُشْرِکِینَ حَتَّی یُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَیْرٌ مِّن مُّشْرِکٍ وَلَوْ أَعْجَبَکُمْ أُولَئِکَ یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ وَاللَّهُ یَدْعُو إِلَی الْجَنَّهِ وَالْمَغْفِرَهِ بِإِذْنِهِ وَیُبَیِّنُ آیَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (221)

و با زنان مشرک و بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید! (اگر چه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید؛ زیرا) کنیز باایمان، از زن آزاد بت پرست، بهتر است؛ هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، در نیاورید! (اگر چه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان باایمان درآورید؛ زیرا) یک غلام باایمان، از یک مرد آزاد بت پرست، بهتر است؛ هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او،) شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می کنند؛ و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می سازد؛ شاید متذکر شوند! (221)

وَیَسْأَلُونَکَ عَنِ الْمَحِیضِ قُلْ هُوَ أَذًی فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِی الْمَحِیضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّی یَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَیْثُ أَمَرَکُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوَّابِینَ وَیُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ (222)

و از تو، در باره خون حیض سؤال می کنند، بگو: «چیز زیانبار و آلوده ای است؛ از این رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره گیری کنید! و با آنها نزدیکی ننماید، تا پاک شوند! و هنگامی که پاک شدند، از طریقی که خدا به

شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید! خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد. (222)

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُم مُّلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (223)

زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می توانید با آنها آمیزش کنید. و (سعی نمائید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده! (223)

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِّأَيْمَانِكُمْ أَن تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (224)

خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید! و برای اینکه نیکی کنید، و تقوا پیشه سازید، و در میان مردم اصلاح کنید (سوگند یاد ننمایید)! و خداوند شنوا و داناست. (224)

لَّا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِی أَيْمَانِكُمْ وَلَكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (225)

خداوند شما را به خاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد می کنید، مؤاخذه نخواهد کرد، اما به آنچه دلهای شما کسب کرده، (و سوگندهایی که از روی اراده و اختیار، یاد می کنید،) مؤاخذه می کند. و خداوند، آمرزنده و بردبار است. (225)

لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَهِ أَشْهُرٍ فَإِن فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (226)

کسانی که زنان خود را «ایلاء» می نمایند [= سوگند یاد می کنند که با آنها، آمیزش جنسی ننمایند،] حق دارند چهار ماه انتظار بکشند. (و در ضمن این چهار ماه، وضع خود را با همسر خویش، از نظر ادامه زندگی یا طلاق، روشن سازند.) اگر (در این فرصت،) بازگشت کنند، (چیزی بر آنها نیست؛ زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (226)

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (227)

و اگر تصمیم به جدایی گرفتند، (آن هم با شرایطش مانعی ندارد؛) خداوند شنوا و داناست. (227)

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَاثَهَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِی أَرْحَامِهِنَّ إِن كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِی ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِی عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَهٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (228)

زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! [= عده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند؛ در صورتی که (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته ای قرار داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند؛ و خداوند توانا و حکیم است. (228)

الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلّ لَكُمْ أَن تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَن يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (229)

طلاق، (طلاقی که رجوع و بازگشت دارد،) دو مرتبه است؛ (و در هر مرتبه،) باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده اید، پس بگیرید؛ مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آنها نیست که زن، فدیه و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). اینها حدود و مرزهای الهی است؛ از آن، تجاوز نکنید! و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است. (229)

فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِن بَعْدُ حَتَّى تَنكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يَتَرَاجَعَا إِن ظَنَّا أَن يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (230)

اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود؛ مگر اینکه همسر دیگری انتخاب کند (و با او، آمیزش جنسی نماید. در این صورت،) اگر (همسر دوم) او را طلاق گفت، گناهی ندارد که بازگشت کنند؛ (و با همسر اول، دوباره ازدواج نماید؛) در صورتی که امید داشته باشند که حدود الهی را محترم میشمرند. اینها حدود الهی است که (خدا) آن را برای گروهی که آگاهند، بیان می نماید. (230)

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُم بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (231)

و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به آخرین روزهای «عدّه» رسیدند، یا به طرز صحیحی آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده ای آنها را رها سازید! و هیچ گاه به خاطر زیان رساندن و تعدّی کردن، آنها را نگاه ندارید! و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است. (و با این اعمال، و سوء استفاده از قوانین الهی،) آیات خدا را به استهزا نگیرید! و به یاد بیاورید نعمت خدا را بر خود، و کتاب آسمانی و علم و دانشی که بر شما نازل کرده، و شما را با آن، پند می دهد! و از خدا بپرهیزید! و بدانید خداوند از هر چیزی آگاه است (و از نیات کسانی که از قوانین او، سوء استفاده می کنند، با خبر است)! (231)

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ مِنكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (232)

و هنگامی که زنان را طلاق دادید و عدّه خود را به پایان رساندند، مانع آنها نشوید که با همسران (سابق) خویش، ازدواج کنند! اگر در میان آنان، به طرز پسندیده ای تراضی برقرار گردد. این دستوری است که تنها افرادی از شما، که ایمان به خدا و روز قیامت دارند، از آن، پند می گیرند (و به آن، عمل می کنند). این (دستور)، برای رشد (خانواده های) شما مؤثرتر، و برای شستن آلودگیها مفیدتر است؛ و خدا می داند و شما نمی دانید. (232)

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدتُّمْ أَن تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُم مَّا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (233)

مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند

برای او متولّد شده [= پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد.) هیچ کس موظّف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد [= هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می دهید، بیناست! (233)

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِى أَنفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (234)

و کسانی که از شما می میرند و همسرانی باقی می گذارند، باید چهار ماه و ده روز، انتظار بکشند (و عدّه نگه دارند)! و هنگامی که به آخر مدتشان رسیدند، گناهی بر شما نیست که هر چه می خواهند، در باره خودشان به طور شایسته انجام دهند (و با مرد دلخواه خود، ازدواج کنند). و خدا به آنچه عمل می کنید، آگاه است. (234)

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُم بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنتُمْ فِى أَنفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَن تَقُولُوا قَوْلًا مَّعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى أَنفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (235)

و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه، (از زنانی که همسرانشان مرده اند) خواستگاری کنید، و یا در دل تصمیم بر این کار بگیرید (بدون اینکه آن را اظهار کنید). خداوند می دانست شما به یاد آنها خواهید افتاد؛ (و با خواسته طبیعی شما به شکل معقول، مخالف نیست؛) ولی پنهانی با آنها قرار زناشویی نگذارید، مگر اینکه به طرز پسندیده ای (به طور کنایه) اظهار کنید! (ولی در هر حال،) اقدام به ازدواج ننمایید، تا عدّه آنها سرآید! و بدانید خداوند آنچه را در دل دارید، می داند! از مخالفت او بپرهیزید! و بدانید خداوند، آمرزنده و بردبار است (و در مجازات بندگان، عجله نمی کند)! (235)

لَّا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (236)

اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. (و در این موقع،) آنها را (با هدیه ای مناسب،) بهره مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه تواناییش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش، هدیه ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد) بدهد! و این بر نیکوکاران، الزامی است. (236)

وَإِن طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَن يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَن تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (237)

و اگر آنان را، پیش از آن که با آنها تماس بگیرید و (آمیزش جنسی کنید) طلاق دهید، در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده اید، (لازم است) نصف آنچه را تعیین کرده اید (به آنها بدهید) مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند؛ یا (در صورتی که صغیر و سفیه باشند، ولیّ آنها، یعنی) آن کس که گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد. و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آنها) به پرهیزکاری نزدیکتر است، و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست! (237)

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (238)

در انجام همه نمازها، (به خصوص) نماز وسطی [= نماز ظهر] کوشا باشید! و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید! (238)

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (239)

و اگر (به خاطر جنگ، یا خطر دیگری) بترسید، (نماز را) در حال پیاده یا سواره انجام دهید! اما هنگامی که امنیت خود را بازیافتید، خدا را یاد کنید! [= نماز را به صورت معمولی بخوانید!] همان گونه که خداوند، چیزهایی را که نمی دانستید، به شما تعلیم داد. (239)

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَاجِهِم مَّتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَّ مِن مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (240)

و کسانی که از شما در آستانه مرگ قرارمی گیرند و همسرانی از خود به جا می گذارند، باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال، آنها را (با پرداختن هزینه زندگی) بهره مند سازند؛ به شرط اینکه آنها (از خانه شوهر) بیرون نروند (و اقدام به ازدواج مجدد نکنند). و اگر بیرون روند، (حقی در هزینه ندارند؛ ولی) گناهی بر شما نیست نسبت به آنچه در باره خود، به طور شایسته انجام می دهند. و خداوند، توانا و حکیم است. (240)

وَلِلْمُطَلَّقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (241)

و برای زنان مطلقه، هدیه مناسبی لازم است (که از طرف شوهر، پرداخت گردد). این، حقی است بر مردان پرهیزکار. (241)

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (242)

این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می دهد؛ شاید اندیشه کنید! (242)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

(243)

آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه های خود فرار کردند؟ و آنان، هزارها نفر بودند (که به بهانه بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری نمودند). خداوند به آنها گفت: بمیرید! (و به همان بیماری، که آن را بهانه قرار داده بودند، مردند.) سپس خدا آنها را زنده کرد؛ (و ماجرای زندگی آنها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد.) خداوند نسبت به بندگان خود احسان می کند؛ ولی بیشتر مردم، شکر (او را) بجا نمی آورند. (243)

وَقَاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ عَلِیمٌ (244)

و در راه خدا، پیکار کنید! و بدانید خداوند، شنوا و داناست. (244)

مَّن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَةً وَاللَّهُ یَقْبِضُ وَیَبْسُطُ وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ (245)

کیست که به خدا «قرض الحسنه ای» دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند،) تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است (که روزی بندگان را) محدود یا گسترده می سازد؛ (و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی شود). و به سوی او باز می گردید (و پاداش خود را خواهید گرفت). (245)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ مِن بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَّهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُّقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِن دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (246)

آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: «زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم. پیامبر آنها گفت: «شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، (سرپیچی کنید، و) در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید!» گفتند: «چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه ها و فرزندانمان رانده شده ایم، (و شهرهای ما به وسیله دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده اند)؟!» اما هنگامی که دستور پیکار به آنها داده شد، جز عدّه کمی از آنان، همه سرپیچی کردند. و خداوند از ستمکاران، آگاه است. (246)

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (247)

و پیامبرشان به آنها گفت: «خداوند (*طالوت*) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و (از لیاقت افراد برای منصب ها) آگاه است.» (247)

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَن يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (248)

و پیامبرشان به آنها گفت: «نشانه حکومت او، این است که (*صندوق عهد*) به سوی شما خواهد آمد. (همان صندوقی که) در آن، آرامشی از پروردگار شما، و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد؛ در حالی که فرشتگان، آن را حمل می کنند. در این موضوع، نشانه ای (روشن) برای شماست؛ اگر ایمان داشته باشید.» (248)

ص: 40

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُم بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّی وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّی إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُو اللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (249)

و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد، و) سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: «خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می کند؛ آنها (که به هنگام تشنگی،) از آن بنوشند، از من نیستند؛ و آنها که جز یک پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند» جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او، و افرادی که با او ایمان آورده بودند، (و از بوته آزمایش، سالم به در آمدند،) از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرات خود، ناراحت شدند؛ و عده ای) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با (*جالوت*) و سپاهیان او را نداریم.» اما آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز، ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت کنندگان) است. (249)

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (250)

و هنگامی که در برابر (*جالوت*) و سپاهیان او قرارگرفتند گفتند: «پروردگارا! پیمانه شکیبایی و استقامت را بر ما بریز! و قدمهای ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیّت کافران، پیروز بگردان! (250)

فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (251)

سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند. و «داوود» (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر «طالوت» بود)، «جالوت» را کشت؛ و خداوند، حکومت و دانش را به او بخشید؛ و از آنچه می خواست به او تعلیم داد. و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، زمین را فساد فرامی گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد. (251)

تِلْکَ آیَاتُ اللّهِ نَتْلُوهَا عَلَیْکَ بِالْحَقِّ وَإِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ (252)

اینها، آیات خداست که به حق، بر تو می خوانیم؛ و تو از رسولان (ما) هستی. (252)

ص: 41

جزء 3

ادامه سوره بقره

تِلْکَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَی بَعْضٍ مِّنْهُم مَّن کَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَیْنَا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ الْبَیِّنَاتِ وَأَیَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِینَ مِن بَعْدِهِم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَیِّنَاتُ وَلَکِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُم مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُم مَّن کَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَکِنَّ اللَّهَ یَفْعَلُ مَا یُرِیدُ (253)

بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم؛ برخی از آنها، خدا با او سخن می گفت؛ و بعضی را درجاتی برتر داد؛ و به عیسی بن مریم، نشانه های روشن دادیم؛ و او را با «روح القدس» تأیید نمودیم؛ (ولی فضیلت و مقام آن پیامبران، مانع اختلاف امتها نشد.) و اگر خدا می خواست، کسانی که بعد از آنها بودند، پس از آن همه نشانه های روشن که برای آنها آمد، جنگ و ستیز نمی کردند؛ (اما خدا مردم را مجبور نساخته؛ و آنها را در پیمودن راه سعادت، آزاد گذارده است؛) ولی این امتها بودند که با هم اختلاف کردند؛ بعضی ایمان آوردند و بعضی کافر شدند؛ (و جنگ و خونریزی بروز کرد. و باز) اگر خدا می خواست، با هم پیکار نمی کردند؛ ولی خداوند، آنچه را می خواهد، (از روی حکمت) انجام می دهد (و هیچ کس را به قبول چیزی مجبور نمی کند). (253)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاکُم مِّن قَبْلِ أَن یَأْتِیَ یَوْمٌ لَّا بَیْعٌ فِیهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْکَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (254)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید! پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است (تا بتوانید سعادت و نجات از کیفر را برای خود خریداری کنید)، و نه دوستی (و رفاقتهای مادی سودی دارد)، و نه شفاعت؛ (زیرا شما شایسته شفاعت نخواهید بود.) و کافران، خود ستمگرند؛ (هم به خودشان ستم می کنند، هم به دیگران). (254)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَّهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ مَن ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا یَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ (255)

هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او هستند؛ هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرانمی گیرد؛ (و لحظه ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟! (بنابراین، شفاعت شفاعت کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعتند، از مالکیت مطلقه او نمی کاهد.) آنچه را در پیش روی آنها [= بندگان] و پشت سرشان است می داند؛ (و گذشته و آینده، در پیشگاه علم او، یکسان است.) و کسی از علم او آگاه نمی گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است؛ و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی پایان و نامحدود اوست.) تخت (حکومت) او، آسمانها و زمین را دربرگرفته؛ و نگاهداری آن دو [= آسمان و زمین]، او را خسته نمیکند. بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست. (255)

لَا إِكْرَاهَ فِی الدِّینِ قَد تَّبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ فَمَن یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَیُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقَی لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ (256)

در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابر این، کسی که به طاغوت [= بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست. (256)

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (257)

خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند؛ آنها را از ظلمتها، به سوی نور بیرون می برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی ظلمتها بیرون می برند؛ آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند. (257)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِی حَاجَّ إِبْرَاهِیمَ فِی رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْکَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِیمُ رَبِّیَ الَّذِی یُحْیِی وَیُمِیتُ قَالَ أَنَا أُحْیِی وَأُمِیتُ قَالَ إِبْرَاهِیمُ فَإِنَّ اللَّهَ یَأْتِی بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِی کَفَرَ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ (258)

آیا ندیدی (و آگاهی نداری از) کسی [= نمرود] که با ابراهیم در باره پروردگارش محاجه و گفتگو کرد؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود؛ (و بر اثر کمی ظرفیت، از باده غرور سرمست شده بود؛) هنگامی که ابراهیم گفت: «خدای من آن کسی است که زنده می کند و می میراند.» او گفت: «من نیز زنده می کنم و می میرانم!» (و برای اثبات این کار و مشتبه ساختن بر مردم دستور داد دو زندانی را حاضر کردند، فرمان آزادی یکی و قتل دیگری را داد) ابراهیم گفت: «خداوند، خورشید را از افق مشرق می آورد؛ (اگر راست می گویی که حاکم بر جهان هستی تویی،) خورشید را از مغرب بیاور!» (در اینجا) آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد. و خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی کند. (258)

أَوْ کَالَّذِی مَرَّ عَلَى قَرْیَةٍ وَهِیَ خَاوِیَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى یُحْیِی هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ کَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ یَوْمًا أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِکَ وَشَرَابِکَ لَمْ یَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِکَ وَلِنَجْعَلَکَ آیَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ کَیْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَکْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَیَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (259)

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در هر سو پراکنده بود؛ او با خود) گفت: «چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده می کند؟!» (در این هنگام،) خدا او را یکصد سال میراند؛ سپس زنده کرد؛ و به او گفت: «چه قدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز؛ یا

بخشی از یک روز.» فرمود: «نه، بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سالها) هیچ گونه تغییر نیافته است! (خدایی که یک چنین مواد فاسدشدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای اینکه تو را نشانه ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوانها (ی مرکب سواری خود نگاه کن که چگونه آنها را برداشته، به هم پیوند می دهیم، و گوشت بر آن می پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می دانم خدا بر هر کاری توانا است». (259)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِی كَيْفَ تُحْيِی الْمَوْتَى قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن قَالَ بَلَى وَلَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِی قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (260)

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: «خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده ای؟!» عرض کرد: «آری، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد.» فرمود: «در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن! و آنها را (پس از ذبح کردن،) قطعه قطعه کن (و در هم بیامیز)! سپس بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده، بعد آنها را بخوان، به سرعت به سوی تو می آیند! و بدان خداوند قادر و حکیم است؛ (هم از ذرات بدن مردگان آگاه است، و هم توانایی بر جمع آنها دارد)». (260)

مَّثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (261)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یکصد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند؛ و خدا (از نظر قدرت و رحمت،) وسیع، و (به همه چیز) داناست. (261)

الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (262)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده اند، منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان (محفوظ) است؛ و نه ترسی دارند، و نه غمگین می شوند. (262)

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِیٌّ حَلِيمٌ (263)

گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان)، و عفو (و گذشت از خشونتهای آنها)، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است؛ و خداوند، بی نیاز و بردبار است. (263)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُم بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (264)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بخششهای خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می کند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی آورد؛ (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشانده شود؛) و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاکها و بذرها را بشوید،) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده اند، چیزی به دست نمی آورند؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی کند. (264)

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (265)

و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و بارانهای درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره گیرد،) و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است.) و اگر باران درشت به آن نرسد، بارانی نرم به آن می رسد. و خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست. (265)

أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (266)

آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن، نهرها بگذرد، و برای او در آن (باغ)، از هر گونه میوه ای وجود داشته باشد، در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندانی (کوچک و) ضعیف دارد؛ (در این هنگام،) گردبادی (کوبنده)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله ور گردد و بسوزد؟! (همین طور است حال کسانی که انفاقهای خود را، با ریا و منت و آزار، باطل می کنند.) این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد؛ شاید بیندیشید (و با اندیشه، راه حق را بیابید)! (266)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (267)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمتهای پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمتهای ناپاک نروید در حالی که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال،) حاضر نیستید آنها را بپذیرید؛ مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است. (267)

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (268)

شیطان، شما را (به هنگام انفاق،) وعده فقر و تهیدستی می دهد؛ و به فحشا (و زشتیها) امر می کند؛ ولی خداوند وعده «آمرزش» و «فزونی» به شما می دهد؛ و خداوند، قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست. (به همین دلیل، به وعده های خود، وفا می کند.) (268)

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (269)

(خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می دهد؛ و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است. و جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی کنند، و) متذکر نمی گردند. (269)

وَمَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (270)

و هر چیز را که انفاق می کنید، یا (اموالی را که) نذر کرده اید (در راه خدا انفاق کنید)، خداوند آنها را می داند. و ستمگران یاوری ندارند. (270)

إِن تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (271)

اگر انفاقها را آشکار کنید، خوب است! و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است! و قسمتی از گناهان شما را می پوشاند؛ (و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد.) و خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (271)

لَّيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنفُسِكُمْ وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (272)

هدایت آنها (به طور اجبار،) بر تو نیست؛ (بنابر این، ترک انفاق به غیر مسلمانان، برای اجبار به اسلام، صحیح نیست؛) ولی خداوند، هر که را بخواهد (و شایسته بداند)، هدایت می کند. و آنچه را از خوبیها و اموال انفاق می کنید، برای خودتان است؛ (ولی) جز برای رضای خدا، انفاق نکنید! و آنچه از خوبیها انفاق می کنید، (پاداش آن) به طور کامل به شما داده می شود؛ و به شما ستم نخواهد شد. (272)

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (273)

(انفاق شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته اند؛ (و توجّه به آیین خدا، آنها را از وطنهای خویش آواره ساخته؛ و شرکت در میدانِ جهاد، به آنها اجازه نمی دهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتی بزنند؛) نمی توانند مسافرتی کنند (و سرمایه ای به دست آورند؛) و از شدّت خویشتن داری، افراد ناآگاه آنها را بی نیاز می پندارند؛ امّا آنها را از چهره هایشان می شناسی؛ و هرگز با

اصرار چیزی از مردم نمی خواهند. (این است مشخّصات آنها!) و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است. (273)

الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (274)

آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می شوند. (274)

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَن جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (275)

کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) برنمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماسّ شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می خورد، گاهی بپا می خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست.)» در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است.) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق [= قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال اوست؛ (و این حکم، گذشته را شامل نمی گردد؛) و کار او به خدا واگذار می شود؛ (و گذشته او را خواهد بخشید.) امّا کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتشند؛ و همیشه در آن می مانند. (275)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (276)

خداوند، ربا را نابود می کند؛ و صدقات را افزایش می دهد! و خداوند، هیچ انسانِ ناسپاسِ گنهکاری را دوست نمی دارد. (276)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (277)

کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان است؛ و نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می شوند. (277)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (278)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید! (278)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (279)

اگر (چنین) نمی کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه های شما، از آنِ شماست [= اصل سرمایه، بدون سود]؛ نه ستم می کنید، و نه بر شما ستم وارد می شود. (279)

وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (280)

و اگر (بدهکار،) قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید! (و در صورتی که براستی قدرت پرداخت را ندارد،) برای خدا به او ببخشید بهتر است؛ اگر (منافع این کار را) بدانید! (280)

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (281)

و از روزی بپرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به سوی خدا بازمی گردانند؛ سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می شود، و به آنها ستم نخواهد شد. (چون هر چه می بینند، نتایج اعمال خودشان است.) (281)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَن يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِن رِّجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِندَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِن تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (282)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدّت داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید! و باید نویسنده ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد! و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن -همان طور که خدا به او تعلیم داده- خودداری کند! پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند، و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید! و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه (یا از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به خاطر لال بودن،) توانایی بر املاکردن ندارد، باید ولیّ او (به جای او،) با رعایت عدالت، املا کند! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حقّ) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند،) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می کنند، خودداری نمایند! و از نوشتن (بدهیِ خود،) چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید)! این، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مستقیم تر، و برای جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفتگو) بهتر می باشد؛ مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می کنید، شاهد بگیرید! و نباید به نویسنده و شاهد، (به خاطر حقگویی،) زیانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند)! و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده اید. از خدا بپرهیزید! و خداوند به شما تعلیم می دهد؛ خداوند به همه چیز داناست. (282)

ص: 48

وَإِن كُنتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِى إِؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (283)

و اگر در سفر بودید، و نویسنده ای نیافتید، گروگان بگیرید! (گروگانی که در اختیار طلبکار قرار گیرد.) و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید، (گروگان لازم نیست، و) باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان، چیزی از دیگری گرفته)، امانت (و بدهی خود را بموقع) بپردازد؛ و از خدایی که پروردگار اوست. بپرهیزد! و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می دهید، داناست. (283)

لِّلَّهِ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ وَإِن تُبْدُوا مَا فِى أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُم بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (284)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آنِ خداست. و (از این رو) اگر آنچه را در دل دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن، محاسبه می کند. سپس هر کس را بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، می بخشد؛ و هر کس را بخواهد (و مستحق باشد)، مجازات می کند. و خداوند به همه چیز قدرت دارد. (284)

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (285)

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می باشد.) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده اند؛ (و می گویند:) ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی گذاریم (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظارِ) آمرزش تو را (داریم)؛ و بازگشت (ما) به سوی توست.» (285)

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا

رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أنتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (286)

خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی کند. (انسان،) هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده؛ و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مؤمنان می گویند:) پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن! پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان،) بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی! پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرّر مدار! و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیّت کافران، پیروز گردان! (286)

سوره آل عمران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (1)

الم (1)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ (2)

معبودی جز خداوندِ یگانه زنده و پایدار و نگهدارنده، نیست. (2)

نَزَّلَ عَلَيْکَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ (3)

(همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه های کتب پیشین، منطبق است؛ و «تورات» و «انجیل» را. (3)

مِن قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (4)

پیش از آن، برای هدایت مردم فرستاد؛ و (نیز) کتابی که حق را از باطل مشخّص می سازد، نازل کرد؛ کسانی که به آیات خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند؛ و خداوند (برای کیفرِ بدکاران و کافران لجوج،) توانا و صاحب انتقام است. (4)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَىْءٌ فِى الْأَرْضِ وَلَا فِى السَّمَاءِ (5)

هیچ چیز، در آسمان و زمین، بر خدا مخفی نمی ماند. (بنابر این، تدبیر آنها بر او مشکل نیست.) (5)

هُوَ الَّذِى يُصَوِّرُكُمْ فِى الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (6)

او کسی است که شما را در رحمِ (مادران)، آنچنان که می خواهد تصویر می کند. معبودی جز خداوندِ توانا و حکیم، نیست. (6)

هُوَ الَّذِى أَنزَلَ عَلَيْکَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِى قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِى الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِندِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (7)

او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» [= صریح و روشن] است؛ که اساس این کتاب می باشد؛ (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می گردد.) و قسمتی از آن، «متشابه» است [= آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می رود؛ ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها آشکار می گردد.] اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند؛ در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند. (آنها که به دنبال فهم و درکِ اسرارِ همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگارِ ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند). (7)

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنتَ الْوَهَّابُ (8)

(راسخانِ در علم، می گویند:) «پروردگارا! دلهایمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده ای! (8)

رَبَّنَا إِنَّکَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (9)

پروردگارا! تو مردم را، برای روزی که تردیدی در آن نیست، جمع خواهی کرد؛ زیرا خداوند، از وعده خود، تخلّف نمی کند. (ما به تو و رحمت بی پایانت، و به وعده رستاخیز و قیامت ایمان داریم.)» (9)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن تُغْنِىَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِکَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ (10)

ثروتها و فرزندانِ کسانی که کافر شدند، نمی تواند آنان را از (عذابِ) خداوند باز دارد؛ (و از کیفر، رهایی بخشد.) و آنان خود، آتشگیره دوزخند. (10)

کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ کَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (11)

(عادت آنان در انکار و تحریفِ حقایق،) همچون عادتِ آل فرعون و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت؛ و خداوند، شدید العقاب است. (11)

قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (12)

به آنها که کافر شدند بگو: «(از پیروزی موقت خود در جنگ اُحُد، شاد نباشید!) بزودی مغلوب خواهید شد؛ (و سپس در رستاخیز) به سوی جهنم، محشور خواهید شد. و چه بد جایگاهی است! (12)

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِى فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأْىَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِى ذَلِکَ لَعِبْرَةً لِّأُولِى الْأَبْصَارِ (13)

در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر،) با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می کرد؛ و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت،) در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد.) و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، با یاری خود، تأیید می کند. در این، عبرتی است برای بینایان! (13)

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِکَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (14)

محبّت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،) سرمایه زندگی پست (مادی) است؛ و سرانجام نیک (و زندگیِ والا و جاویدان)، نزد خداست. (14)

قُلْ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيْرٍ مِّن ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (15)

بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده اند، (و از این سرمایه ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می کنند،) در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغهایی است که نهرها از پایِ درختانش می گذرد؛ همیشه در آن خواهند بود؛ و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آنهاست). و خدا به (امورِ) بندگان، بیناست. (15)

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (16)

همان کسانی که می گویند: «پروردگارا! ما ایمان آورده ایم؛ پس گناهان ما را بیامرز، و ما را از عذابِ آتش، نگاهدار!» (16)

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ (17)

آنها که (در برابر مشکلات، و در مسیر اطاعت و ترک گناه،) استقامت می ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می کنند، و در سحرگاهان، استغفار می نمایند. (17)

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (18)

خداوند، (با ایجادِ نظامِ واحدِ جهانِ هستی،) گواهی می دهد که معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش، (هر کدام به گونه ای بر این مطلب،) گواهی می دهند؛ در حالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد؛ معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است. (18)

إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَن يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (19)

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است. (19)

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُل لِّلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوا وَّإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (20)

اگر با تو، به گفتگو و ستیز برخیزند، (با آنها مجادله نکن! و) بگو: «من و پیروانم، در برابر خداوند (و فرمان او)، تسلیم شده ایم.» و به آنها که اهل کتاب هستند [= یهود و نصاری] و بی سوادان [= مشرکان] بگو: «آیا شما هم تسلیم شده اید؟» اگر (در برابر فرمان و منطق حق، تسلیم

شوند، هدایت می یابند؛ و اگر سرپیچی کنند، (نگران مباش! زیرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است؛ و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان، بیناست. (20)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (21)

کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را بناحق می کشند، و (نیز) مردمی را که امر به عدالت می کنند به قتل می رسانند، و به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده! (21)

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (22)

آنها کسانی هستند که اعمال (نیکشان، به خاطر این گناهان بزرگ،) در دنیا و آخرت تباه شده، و یاور و مددکار (و شفاعت کننده ای) ندارند. (22)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُم مُّعْرِضُونَ (23)

آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب (آسمانی) داشتند، به سوی کتاب الهی دعوت شدند تا در میان آنها داوری کند، سپس گروهی از آنان، (با علم و آگاهی،) روی می گردانند، در حالی که (از قبول حق) اعراض دارند؟ (23)

ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِی دِينِهِم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (24)

این عمل آنها، به خاطر آن است که می گفتند: «آتش (دوزخ)، جز چند روزی به ما نمی رسد. (و کیفر ما، به خاطر امتیازی که بر اقوام دیگر داریم، بسیار محدود است.)» این افترا (و دروغی که به خدا بسته بودند،) آنها را در دینشان مغرور ساخت (و گرفتار انواع گناهان شدند). (24)

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (25)

پس چه گونه خواهند بود هنگامی که آنها را برای روزی که شکّی در آن نیست [= روز رستاخیز] جمع کنیم، و به هر کس، آنچه (از اعمال برای خود) فراهم کرده، بطور کامل داده شود؟ و به آنها ستم نخواهد شد (زیرا محصول اعمال خود را می چینند). (25)

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَن تَشَاءُ وَتَنزِعُ الْمُلْکَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِکَ الْخَيْرُ إِنَّکَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (26)

بگو: «بارالها! مالک حکومتها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می کنی. تمام خوبیها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری. (26)

تُولِجُ اللَّيْلَ فِی النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (27)

شب را در روز داخل می کنی، و روز را در شب؛ و زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را زنده؛ و به هر کس بخواهی، بدون حساب، روزی می بخشی.» (27)

لَّا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِى شَىْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (28)

افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛ و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلّی از خدا گسسته می شود)؛ مگر اینکه از آنها بپرهیزید (و به خاطر هدفهای مهمتری تقیّه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، برحذر می دارد؛ و بازگشت (شما) به سوی خداست. (28)

قُلْ إِن تُخْفُوا مَا فِى صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (29)

بگو: «اگر آنچه را در سینه های شماست، پنهان دارید یا آشکار کنید، خداوند آن را می داند؛ و (نیز) از آنچه در آسمانها و زمین است، آگاه می باشد؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست. (29)

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِن سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (30)

روزی که هر کس، آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می بیند؛ و آرزو می کند میان او، و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانیِ زیادی باشد. خداوند شما را از (نافرمانی) خودش، برحذر می دارد؛ و (در عین حال،) خدا نسبت به همه بندگان، مهربان است.» (30)

قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (31)

بگو: «اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است.» (31)

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (32)

بگو: «از خدا و فرستاده (او)، اطاعت کنید! و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی دارد.» (32)

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (33)

خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد. (33)

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (34)

آنها فرزندان و (دودمانی) بودند که (از نظر پاکی و تقوا و فضیلت،) بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند؛ و خداوند، شنوا و داناست (و از کوششهای آنها در مسیر رسالت خود، آگاه می باشد). (34)

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّى نَذَرْتُ لَكَ مَا فِى بَطْنِى مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّى إِنَّكَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (35)

(به یاد آورید) هنگامی را که همسرِ «عمران» گفت: «خداوندا! آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محرَّر» (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی! (35)

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّی وَضَعْتُهَا أُنثَی وَاللّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَیْسَ الذَّکَرُ کَالْأُنثَی وَإِنِّی سَمَّیْتُهَا مَرْیَمَ وَإِنِّی أُعِیذُهَا بِکَ وَذُرِّیَّتَهَا مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ (36)

ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت،) گفت: «خداوندا! من او را دختر آوردم -ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاهتر بود- و پسر، همانند دختر نیست. (دختر نمی تواند وظیفه خدمتگزاری معبد را همانند پسر انجام دهد.) من او را مریم نام گذاردم؛ و او و فرزندانش را از (وسوسه های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می دهم.» (36)

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَکَفَّلَهَا زَکَرِیَّا کُلَّمَا دَخَلَ عَلَیْهَا زَکَرِیَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزْقًا قَالَ یَا مَرْیَمُ أَنَّی لَکِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَن یَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ (37)

خداوند، او [= مریم] را به طرز نیکویی پذیرفت؛ و به طرز شایسته ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد)؛ و کفالت او را به «زکریا» سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آن جا می دید. از او پرسید: «ای مریم! این را از کجا آورده ای؟!» گفت: «این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می دهد.» (37)

هُنَالِکَ دَعَا زَکَرِیَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِی مِن لَّدُنکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ (38)

در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم،) پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: «خداوندا! از طرف خود، فرزند پاکیزه ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می شنوی!» (38)

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِکَةُ وَهُوَ قَائِمٌ یُصَلِّی فِی الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُکَ بِیَحْیَی مُصَدِّقًا بِکَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَسَیِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِیًّا مِّنَ الصَّالِحِینَ (39)

و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که: «خدا تو را به» یحیی «بشارت می دهد؛ (کسی) که کلمه خدا [= مسیح] را تصدیق می کند؛ و رهبر خواهد بود؛ و از هوسهای سرکش برکنار، و پیامبری از صالحان است.» (39)

قَالَ رَبِّ أَنَّی یَکُونُ لِی غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِیَ الْکِبَرُ وَامْرَأَتِی عَاقِرٌ قَالَ کَذَلِکَ اللَّهُ یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ (40)

او عرض کرد: «پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که پیری به سراغ من آمده، و همسرم نازاست؟!» فرمود: «بدین گونه خداوند هر کاری را بخواهد انجام می دهد.» (40)

قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّی آیَةً قَالَ آیَتُکَ أَلَّا تُکَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَیَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَاذْکُر رَّبَّکَ کَثِیرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِیِّ وَالْإِبْکَارِ (41)

(زکریا) عرض کرد: «پروردگارا! نشانه ای برای من قرار ده!» گفت: «نشانه تو آن است که سه روز، جز به اشاره و رمز، با مردم سخن نخواهی گفت. (و زبان تو، بدون هیچ علّت ظاهری، برای گفتگو با مردم از کار می افتد.) پروردگار خود را (به شکرانه این نعمت بزرگ،) بسیار یاد کن! و به هنگام صبح و شام، او را تسبیح بگو! (41)

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِکَةُ یَا مَرْیَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاکِ وَطَهَّرَکِ وَاصْطَفَاکِ عَلَی نِسَاءِ الْعَالَمِینَ (42)

و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. (42)

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِی لِرَبِّکِ وَاسْجُدِی وَارْکَعِی مَعَ الرَّاکِعِینَ (43)

ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده بجا آور! و با رکوع کنندگان، رکوع کن! (43)

ذَلِکَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَیْبِ نُوحِیهِ إِلَیْکَ وَمَا کُنتَ لَدَیْهِمْ إِذْ یُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَیُّهُمْ یَکْفُلُ مَرْیَمَ وَمَا کُنتَ لَدَیْهِمْ إِذْ یَخْتَصِمُونَ (44)

(ای پیامبر!) این، از خبرهای غیبی است که به تو وحی می کنیم؛ و تو در آن هنگام که قلمهای خود را (برای قرعه کشی) به آب می افکندند تا کدامیک کفالت و سرپرستی مریم را عهده دار شود، و (نیز) به هنگامی که (دانشمندان بنی اسرائیل، برای کسب افتخار سرپرستی او،) با هم کشمکش داشتند، حضور نداشتی؛ و همه اینها، از راه وحی به تو گفته شد.) (44)

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِکَهُ یَا مَرْیَمُ إِنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُکِ بِکَلِمَهٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِیحُ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ وَجِیهًا فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ (45)

(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه ای [= وجود باعظمتی] از طرف خودش بشارت می دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است؛ در حالی که در این جهان و جهان دیگر، صاحب شخصیّت خواهد بود؛ و از مقرّبان (الهی) است. (45)

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِی الْمَهْدِ وَكَهْلاً وَمِنَ الصَّالِحِينَ (46)

و با مردم، در گاهواره و در حالت کهولت (و میانسال شدن) سخن خواهد گفت؛ و از شایستگان است.» (46)

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِی وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِی بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (47)

(مریم) گفت: «پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که انسانی با من تماس نگرفته است؟!» فرمود: «خداوند، این گونه هر چه را بخواهد می آفریند! هنگامی که چیزی را مقرّر دارد (و فرمان هستی آن را صادر کند)، فقط به آن می گوید: «موجود باش!» آن نیز فوراً موجود می شود. (47)

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ (48)

و به او، کتاب و دانش و تورات و انجیل، می آموزد. (48)

وَرَسُولاً إِلَى بَنِی إِسْرَائِيلَ أَنِّی قَدْ جِئْتُكُم بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّی أَخْلُقُ لَكُم مِّنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِی الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِی بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِی ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (49)

و (او را به عنوان) رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده، که به آنها می گوید:) من نشانه ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده ام؛ من از گِل، چیزی به شکل پرنده می سازم؛ سپس در آن می دمم و به فرمان خدا، پرنده ای می گردد. و به اذن خدا، کورِ مادرزاد و مبتلایان به برص [= پیسی] را بهبودی می بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم؛ و از آنچه می خورید، و در خانه های خود ذخیره می کنید، به شما خبر می دهم؛ مسلماً در اینها، نشانه ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید! (49)

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَیَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعْضَ الَّذِی حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُم بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (50)

و آنچه را پیش از من از تورات بوده، تصدیق می کنم؛ و (آمده ام) تا پاره ای از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه،) بر شما حرام شده، (مانند گوشت بعضی از چهارپایان و ماهیها،) حلال کنم؛ و نشانه ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده ام؛ پس از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید! (50)

إِنَّ اللَّهَ رَبِّی وَرَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِیمٌ (51)

خداوند، پروردگار من و شماست؛ او را بپرستید (نه من، و نه چیز دیگر را)! این است راه راست!» (51)

فَلَمَّا أَحَسَّ عِیسَی مِنْهُمُ الْکُفْرَ قَالَ مَنْ أَنصَارِی إِلَی اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِیُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (52)

هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت) کرد، گفت: «کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) گردد؟» حواریان [= شاگردان مخصوص او] گفتند: «ما یاوران خداییم؛ به خدا ایمان آوردیم؛ و تو (نیز) گواه باش که ما اسلام آورده ایم. (52)

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (53)

پروردگارا! به آنچه نازل کرده ای، ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم؛ ما را در زمره گواهان بنویس!» (53)

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (54)

و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش،) نقشه کشیدند؛ و خداوند (بر حفظ او و آیینش،) چاره جویی کرد؛ و خداوند، بهترین چاره جویان است. (54)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى إِنِّى مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَىَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ ثُمَّ إِلَىَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (55)

(به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: «من تو را برمی گیرم و به سوی خود، بالا می برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می سازم؛ و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرارمی دهم؛ سپس بازگشت شما به سوی من است و در میان شما، در آنچه اختلاف داشتید، داوری می کنم. (55)

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (56)

امّا آنها که کافر شدند، (و پس از شناختن حق، آن را انکار کردند،) در دنیا و آخرت، آنان را مجازات دردناکی خواهم کرد؛ و برای آنها، یاورانی نیست. (56)

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (57)

امّا آنها که ایمان آوردند، و اعمال صالح انجام دادند، خداوند پاداش آنان را بطور کامل خواهد داد؛ و خداوند، ستمکاران را دوست نمی دارد.» (57)

ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ (58)

اینها را که بر تو می خوانیم، از نشانه ها (ی حقّانیّت تو) است، و یادآوری حکیمانه است. (58)

إِنَّ مَثَلَ عِیسَی عِندَ اللَّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ کُن فَیَکُونُ (59)

مَثَل عیسی در نزد خدا، همچون آدم است؛ که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «موجود باش!» او هم فوراً موجود شد. (بنابر این، ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیّت او نیست.) (59)

الْحَقُّ مِن رَّبِّکَ فَلَا تَکُن مِّنَ الْمُمْتَرِینَ (60)

اینها حقیقتی است از جانب پروردگار تو؛ بنابر این، از تردید کنندگان مباش! (60)

فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَکُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَکُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَی الْکَاذِبِینَ (61)

هرگاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: «بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباهله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (61)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (62)

این همان سرگذشتِ واقعی (مسیح) است. (و ادعاهایی همچون الوهیّت او، یا فرزند خدا بودنش، بی اساس است.) و هیچ معبودی، جز خداوند یگانه نیست؛ و خداوند توانا و حکیم است. (62)

فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ (63)

اگر (با این همه شواهد روشن، باز هم از پذیرش حق) روی گردانند، (بدان که طالب حق نیستند؛ و) خداوند از مفسده جویان، آگاه است. (63)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (64)

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را -غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد.» هرگاه (از این دعوت،) سرباز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!» (64)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَاةُ وَالْإِنجِيلُ إِلَّا مِن بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (65)

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم، گفتگو و نزاع می کنید (و هر کدام، او را پیرو آیین خودتان معرفی می نمایید)؟! در حالی که تورات و انجیل، بعد از او نازل شده است! آیا اندیشه نمی کنید؟! (65)

هَا أَنتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (66)

شما کسانی هستید که درباره آنچه نسبت به آن آگاه بودید، گفتگو و ستیز کردید؛ چرا درباره آنچه آگاه نیستید، گفتگو می کنید؟! و خدا می داند، و شما نمی دانید. (66)

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (67)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی؛ بلکه موحّدی خالص و مسلمان بود؛ و هرگز از مشرکان نبود. (67)

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ (68)

سزاوارترین مردم به ابراهیم، آنها هستند که از او پیروی کردند، و (در زمان و عصر او، به مکتب او وفادار بودند؛ همچنین) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده اند (از همه سزاوارترند)؛ و خداوند، ولیّ و سرپرست مؤمنان است. (68)

وَدَّت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (69)

جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو می کردند) شما را گمراه کنند؛ (امّا آنها باید بدانند که نمی توانند شما را گمراه سازند،) آنها گمراه نمی کنند مگر خودشان را، و نمی فهمند! (69)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ (70)

ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کافر می شوید، در حالی که (به درستی آن) گواهی می دهید؟! (70)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (71)

ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می زمیزید و) مشتبه می کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند)، و حقیقت را پوشیده می دارید در حالی که می دانید؟! (71)

وَقَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِی أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (72)

و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: «(بروید در ظاهر) به آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز ایمان بیاورید؛ و در پایان روز، کافر شوید (و باز گردید)! شاید آنها (از آیین خود) بازگردند! (زیرا شما را، اهل کتاب و آگاه از بشارات آسمانی پیشین می دانند؛ و این توطئه کافی است که آنها را متزلزل سازد). (72)

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَن يُؤْتَى أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِندَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (73)

و جز به کسی که از آیین شما پیروی می کند، (واقعاً) ایمان نیاورید!» بگو: «هدایت، هدایت الهی است! (و این توطئه شما، در برابر آن بی اثر است)»! (سپس اضافه کردند: «تصور نکنید) به کسی همانند شما (کتاب آسمانی) داده می شود، یا اینکه می توانند در پیشگاه پروردگارتان، با شما بحث و گفتگو کنند، (بلکه نبوّت و منطق، هر دو نزد شماست!)» بگو: «فضل (و موهبت نبوّت و عقل و منطق، در انحصار کسی نیست؛ بلکه) به دست خداست؛ و به هر کس بخواهد (و شایسته بداند،) می دهد؛ و خداوند، واسع [= دارای مواهب گسترده] و آگاه (از موارد شایسته آن) است. (73)

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (74)

هر کس را بخواهد، ویژه رحمت خود می کند؛ و خداوند، دارای مواهب عظیم است.» (74)

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُم مَّنْ إِن تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِی الْأُمِّيِّينَ

سَبِيلٌ وَيَقُولَونَ عَلَى اللّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (75)

و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز می گردانند؛ و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی گردانند؛ مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلّط) باشی! این بخاطر آن است که می گویند: «ما در برابر امّیّین [= غیر یهود]، مسؤول نیستیم.» و بر خدا دروغ می بندند؛ در حالی که می دانند (این سخن دروغ است). (75)

بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (76)

آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری پیشه نماید، (خدا او را دوست می دارد؛ زیرا) خداوند پرهیزگاران را دوست دارد. (76)

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِى الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (77)

کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود (به نام مقدس او) را به بهای ناچیزی می فروشند، آنها بهره ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آنها سخن نمی گوید و به آنان در قیامت نمی نگرد و آنها را (از گناه) پاک نمی سازد؛ و عذاب دردناکی برای آنهاست. (77)

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (78)

در میان آنها [= یهود] کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می گردانند که گمان کنید (آنچه را می خوانند،) از کتاب (خدا) است؛ در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می گویند: «آن از طرف خداست!» با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می بندند در حالی که می دانند! (78)

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِّي مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنتُمْ تَدْرُسُونَ (79)

برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوّت به او دهد سپس او به مردم بگوید: «غیر از خدا، مرا پرستش کنید!» بلکه (سزاوار مقام او، این است که بگوید:) مردمی الهی باشید، آن گونه که کتاب خدا را می آموختید و درس می خواندید! (و غیر از خدا را پرستش نکنید!) (79)

وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَن تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُم بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (80)

و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید. آیا شما را، پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر دعوت می کند؟! (80)

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّن كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَى ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ (81)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان مؤکّد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس (خداوند) به آنها گفت: «آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان مؤکّد بستید؟» گفتند: «(آری) اقرار

داریم!» (خداوند به آنها) گفت: «پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم.» (81)

فَمَن تَوَلَّی بَعْدَ ذَلِکَ فَأُولَئِکَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (82)

پس کسی که بعد از این (پیمان محکم)، روی گرداند، فاسق است. (82)

أَفَغَیْرَ دِینِ اللَّهِ یَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَکَرْهًا وَإِلَیْهِ یُرْجَعُونَ (83)

آیا آنها غیر از آیین خدا می طلبند؟! (آیین او همین اسلام است؛) و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابرِ (فرمان) او تسلیمند، و همه به سوی او بازگردانده می شوند. (83)

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (84)

بگو: «به خدا ایمان آوردیم؛ و (همچنین) به آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده؛ و آنچه به موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران، از طرف پروردگارشان داده شده است؛ ما در میان هیچ یک از آنان فرقی نمی گذاریم؛ و در برابرِ (فرمان) او تسلیم هستیم.» (84)

وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (85)

و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق،) آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است. (85)

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (86)

چگونه خداوند جمعیّتی را هدایت می کند که بعد از ایمان و گواهی به حقّانیّت رسول و آمدن نشانه های روشن برای آنها، کافر شدند؟! و خدا، جمعیّت ستمکاران را هدایت نخواهد کرد! (86)

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (87)

کیفر آنها، این است که لعن (و طرد) خداوند و فرشتگان و مردم همگی بر آنهاست. (87)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (88)

همواره در این لعن (و طرد و نفرین) می مانند؛ مجازاتشان تخفیف نمی یابد؛ و به آنها مهلت داده نمی شود. (88)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (89)

مگر کسانی که پس از آن، توبه کنند و اصلاح نمایند؛ (و در مقام جبران گناهان گذشته برآیند، که توبه آنها پذیرفته خواهد شد؛) زیرا خداوند،

آمرزنده و بخشنده است. (89)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَّن تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِکَ هُمُ الضَّالُّونَ (90)

کسانی که پس از ایمان کافر شدند و سپس بر کفر (خود) افزودند، (و در این راه اصرار ورزیدند،) هیچ گاه توبه آنان، (که از روی ناچاری یا در آستانه مرگ صورت می گیرد،) قبول نمی شود؛ و آنها گمراهان (واقعی) اند (چرا که هم راه خدا را گم کرده اند، و هم راه توبه را!). (90)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِم مِّلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوِ افْتَدَى بِهِ أُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (91)

کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه روی زمین پر از طلا باشد، و آن را بعنوان فدیه (و کفّاره اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچ یک آنها قبول نخواهد شد؛ و برای آنان، مجازاتِ دردناک است؛ و یاورانی ندارند. (91)

لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَىْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (92)

هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است. (92)

جزء 4

ادامه سوره آل عمران

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلًّا لِّبَنِى إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِن قَبْلِ أَن تُنَزَّلَ التَّوْرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَاهِ فَاتْلُوهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (93)

همه غذاها (ی پاک) بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل (یعقوب)، پیش از نزول تورات، بر خود تحریم کرده بود؛ (مانند گوشت شتر که برای او ضرر داشت.) بگو: «اگر راست می گویید تورات را بیاورید و بخوانید! (این نسبتهایی که به پیامبران پیشین می دهید، حتّی در تورات تحریف شده شما نیست!)» (93)

فَمَنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِن بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (94)

بنا بر این، آنها که بعد از این به خدا دروغ می بندند، ستمگرند! (زیرا از روی علم و عمد چنین می کنند). (94)

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (95)

بگو: «خدا راست گفته (و اینها در آیین پاک ابراهیم نبوده) است. بنا بر این، از آیین ابراهیم پیروی کنید، که به حق گرایش داشت، و از مشرکان نبود!» (95)

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ (96)

نخستین خانه ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکّه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است. (96)

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِىٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (97)

در آن، نشانه های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل آن [= خانه خدا] شود؛ در امان خواهد بود، و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است. (97)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللّهِ وَاللّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ (98)

بگو: «ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می ورزید؟! و خدا گواه است بر اعمالی که انجام می دهید!» (98)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (99)

بگو: «ای اهل کتاب! چرا افرادی را که ایمان آورده اند، از راه خدا بازمی دارید، و می خواهید این راه را کج سازید؟! در حالی که شما (به درستی این راه) گواه هستید؛ و خداوند از آنچه انجام می دهید، غافل نیست!» (99)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تُطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ (100)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از گروهی از اهل کتاب، (که کارشان نفاق افکنی و شعله ورساختن آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان، به کفر بازمی گردانند. (100)

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنتُمْ تُتْلَى عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَن يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (101)

و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با اینکه (در دامان وحی قرار گرفته اید، و) آیات خدا بر شما خوانده می شود، و پیامبر او در میان شماست؟! (بنابر این، به خدا تمسّک جویید!) و هر کس به خدا تمسّک جوید، به راهی راست، هدایت شده است. (101)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (102)

ای کسانی که ایمان آورده اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید! و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید! (باید گوهر ایمان را تا پایان عمر، حفظ کنید!) (102)

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (103)

و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگِ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید. (103)

وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (104)

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند. (104)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (105)

و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی

دارند. (105)

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (106)

(آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره هائی سفید، و چهره هائی سیاه می گردد، اما آنها که صورتهایشان سیاه شده، (به آنها گفته می شود:) آیا بعد از ایمان، و (اخوّت و برادری در سایه آن،) کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را، به سبب آنچه کفر می ورزیدید! (106)

وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِى رَحْمَهِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (107)

و امّا آنها که چهره هایشان سفید شده، در رحمت خداوند خواهند بود؛ و جاودانه در آن می مانند. (107)

تِلْکَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْکَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ (108)

اینها آیات خداست؛ که بحق بر تو می خوانیم. و خداوند (هیچ گاه) ستمی برای (احدی از) جهانیان نمی خواهد. (108)

وَلِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَإِلَی اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (109)

و (چگونه ممکن است خدا ستم کند؟! در حالی که) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، مال اوست؛ و همه کارها، به سوی او باز می گردد (و به فرمان اوست.) (109)

کُنتُمْ خَیْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْکِتَابِ لَکَانَ خَیْرًا لَّهُم مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَکْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (110)

شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی،) ایمان آورند، برای آنها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند، و بیشتر آنها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار) (110)

لَن یَضُرُّوکُمْ إِلَّا أَذًی وَإِن یُقَاتِلُوکُمْ یُوَلُّوکُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا یُنصَرُونَ (111)

آنها [= اهل کتاب، مخصوصا» یهود] هرگز نمی توانند به شما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر؛ و اگر با شما پیکار کنند، به شما پشت خواهند کرد (و شکست می خورند)؛ سپس کسی آنها را یاری نمی کند. (111)

ضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذِّلَّةُ أَیْنَ مَا ثُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الْمَسْکَنَةُ ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ کَانُوا یَکْفُرُونَ بِآیَاتِ اللَّهِ وَیَقْتُلُونَ الْأَنبِیَاءَ بِغَیْرِ حَقٍّ ذَلِکَ بِمَا عَصَوا وَّکَانُوا یَعْتَدُونَ (112)

هر جا یافت شوند، مهر ذلت بر آنان خورده است؛ مگر با ارتباط به خدا، (و تجدید نظر در روش ناپسند خود،) و (یا) با ارتباط به مردم (و وابستگی به این و آن)؛ و به خشم خدا، گرفتار شده اند؛ و مهر بیچارگی بر آنها زده شده؛ چرا که آنها به آیات خدا، کفر می ورزیدند و پیامبران را بناحق می کشتند. اینها بخاطر آن است که گناه کردند؛ و (به حقوق دیگران،) تجاوز می نمودند. (112)

لَیْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْکِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ یَتْلُونَ آیَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّیْلِ وَهُمْ یَسْجُدُونَ (113)

آنها همه یکسان نیستند؛ از اهل کتاب، جمعیّتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می کنند؛ و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می خوانند؛ در حالی که سجده می نمایند. (113)

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِى الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (114)

به خدا و روز دیگر ایمان می آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می گیرند؛ و آنها از صالحانند. (114)

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (115)

و آنچه از اعمال نیک انجام دهند، هرگز کفران نخواهد شد! (و پاداش شایسته آن را می بینند.) و خدا از پرهیزکاران، آگاه است. (115)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (116)

کسانی که کافر شدند، هرگز نمی توانند در پناه اموال و فرزندانشان، از مجازات خدا در امان بمانند! آنها اصحاب دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند. (116)

مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (117)

آنچه آنها در این زندگی پست دنیوی انفاق می کنند، همانند باد سوزانی است که به زراعت قومی که بر خود ستم کرده (و در غیر محل و وقت مناسب، کشت نموده اند)، بوزد؛ و آن را نابود سازد. خدا به آنها ستم نکرده؛ بلکه آنها، خودشان به خویشتن ستم می کنند. (117)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ (118)

ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هرگونه شرّ و فسادی در باره شما، کوتاهی نمی کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آنچه در دلهایشان پنهان می دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راه های پیشگیری از شرّ آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید! (118)

هَا أَنتُمْ أُولَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (119)

شما کسانی هستید که آنها را دوست می دارید؛ امّا آنها شما را دوست ندارند! در حالی که شما به همه کتابهای آسمانی ایمان دارید (و آنها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می کنند، (به دروغ) می گویند: «ایمان آورده ایم!» امّا هنگامی که تنها می شوند، از شدّت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می گزند! بگو: «با

همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه ها آگاه است.» (119)

إِن تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (120)

اگر نیکی به شما برسد، آنها را ناراحت می کند؛ و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می شوند. (امّا) اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه های (خائنانه) آنان، به شما زیانی نمی رساند؛ خداوند به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد. (120)

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (121)

و (به یاد آور) زمانی را که صبحگاهان، از میان خانواده خود، جهت انتخاب اردوگاه جنگ برای مؤمنان، بیرون رفتی! و خداوند، شنوا و داناست (گفتگوهای مختلفی را که درباره طرح جنگ گفته می شد، می شنید؛ و اندیشه هایی را که بعضی در سر می پروراندند، می دانست). (121)

إِذْ هَمَّت طَّائِفَتَانِ مِنكُمْ أَن تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (122)

(و نیز به یاد آور) زمانی را که دو طایفه از شما تصمیم گرفتند سستی نشان دهند (و از وسط راه بازگردند)؛ و خداوند پشتیبان آنها بود (و به آنها کمک کرد که از این فکر بازگردند)؛ و افراد باایمان، باید تنها بر خدا توکّل کنند! (122)

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (123)

خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت)؛ در حالی که شما (نسبت به آنها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفتِ فرمانِ پیامبر نکنید)، تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید! (123)

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَن يَكْفِيَكُمْ أَن يُمِدَّكُمْ رَبُّكُم بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ (124)

در آن هنگام که تو به مؤمنان می گفتنی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان، که از آسمان فرود می آیند، یاری کند؟!» (124)

بَلَى إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُم بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (125)

آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه هایی با خود دارند، مدد خواهد داد! (125)

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (126)

ولی اینها را خداوند فقط بشارت، و برای اطمینان خاطر شما قرار داده؛ وگرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است! (126)

لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنقَلِبُوا خَائِبِينَ (127)

(این وعده را که خدا به شما داده،) برای این است که قسمتی از پیکر لشکر کافران را قطع کند؛ یا آنها را با ذلّت برگرداند؛ تا مأیوس و ناامید، (به وطن خود) بازگردند. (127)

لَيْسَ لَکَ مِنَ الْأَمْرِ شَیْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ (128)

هیچ گونه اختیاری (در باره عفو کافران، یا مؤمنان فراری از جنگ،) برای تو نیست؛ مگر اینکه (خدا) بخواهد آنها را ببخشد، یا مجازات کند؛ زیرا آنها ستمگرند. (128)

وَلِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (129)

و آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست. هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می بخشد؛ و هر کس را بخواهد، مجازات می کند؛ و خداوند آمرزنده مهربان است. (129)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (130)

ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید! (130)

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِی أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (131)

و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است! (131)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (132)

و خدا و پیامبر را اطاعت کنید، تا مشمول رحمت شوید! (132)

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (133)

و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان؛ و بهشتی که وسعت آن، آسمانها و زمین است؛ و برای پرهیزگاران آماده شده است. (133)

الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (134)

همانها که در توانگری و تنگدستی، انفاق می کنند؛ و خشم خود را فرو می برند؛ و از خطای مردم درمی گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (134)

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (135)

و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می افتند؛ و برای گناهان خود، طلب آمرزش می کنند -و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟- و بر گناه، اصرار نمی ورزند، با اینکه می دانند. (135)

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (136)

آنها پاداششان آمرزش پروردگار، و بهشتهایی است که از زیر درختانش، نهرها جاری است؛ جاودانه در آن میمانند؛ چه نیکو است پاداش اهل عمل! (136)

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِى الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (137)

پیش از شما، سنّت هایی وجود داشت؛ (و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشتهایی داشتند؛ که شما نیز، همانند آن را دارید.) پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟! (137)

هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (138)

این، بیانی است برای عموم مردم؛ و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران! (138)

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (139)

و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید! (139)

إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (140)

اگر (در میدان احد،) به شما جراحتی رسید (و ضربه ای وارد شد)، به آن جمعیّت نیز (در میدان بدر)، جراحتی همانند آن وارد گردید. و ما این روزها(ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می گردانیم؛ (-و این خاصیّت زندگی دنیاست-) تا خدا، افرادی را که ایمان آورده اند، بداند (و شناخته شوند)؛ و خداوند از میان شما، شاهدانی بگیرد. و خدا ظالمان را دوست نمی دارد. (140)

وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ (141)

و تا خداوند، افراد باایمان را خالص گرداند (و ورزیده شوند)؛ و کافران را به تدریج نابود سازد. (141)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ (142)

آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادّعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخصّ نساخته است؟! (142)

وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (143)

و شما مرگ (و شهادت در راه خدا) را، پیش از آنکه با آن روبه رو شوید، آرزو می کردید؛ سپس آن را با چشم خود دیدید، در حالی که به آن نگاه می کردید (و حاضر نبودید به آن تن دردهید! چقدر میان گفتار و کردار شما فاصله است؟!) (143)

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَن يَنقَلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (144)

محمد (ص) فقط فرستاده خداست؛ و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیّت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی زند؛ و خداوند بزودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد. (144)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّؤَجَّلًا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ (145)

هیچ کس، جز به فرمان خدا، نمی میرد؛ سرنوشتی است تعیین شده؛ (بنابر این، مرگ پیامبر یا دیگران، یک سنّت الهی است.) هر کس پاداش دنیا را بخواهد (و در زندگی خود، در این راه گام بردارد،) چیزی از آن به او

خواهیم داد؛ و هر کس پاداش آخرت را بخواهد، از آن به او می دهیم؛ و بزودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد. (145)

وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (146)

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد. (146)

وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِى أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (147)

سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از تندرویهای ما در کارها، چشم پوشی کن! قدمهای ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیّت کافران، پیروز گردان! (147)

فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (148)

از این رو خداوند پاداش این جهان، و پاداش نیک آن جهان را به آنها داد؛ و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد. (148)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ (149)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از کسانی که کافر شده اند اطاعت کنید، شما را به گذشته هایتان بازمی گردانند؛ و سرانجام، زیانکار خواهید شد. (149)

بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ (150)

(آنها تکیه گاه شما نیستند،) بلکه ولی و سرپرست شما، خداست؛ و او بهترین یاوران است. (150)

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ (151)

بزودی در دلهای کافران، بخاطر اینکه بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا همتا قرار دادند، رعب و ترس می افکنیم؛ و جایگاه آنها، آتش است؛ و چه بد جایگاهی است جایگاه ستمکاران! (151)

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّن بَعْدِ مَا أَرَاكُم مَّا تُحِبُّونَ مِنكُم مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (152)

خداوند، وعده خود را به شما، (در باره پیروزی بر دشمن در احد،) تحقق بخشید؛ در آن هنگام (که در آغاز جنگ،) دشمنان را به فرمان او، به قتل می رساندید؛ (و این پیروزی ادامه داشت) تا اینکه سست شدید؛ و (بر سر رهاکردن سنگرها،) در کار خود به نزاع پرداختید؛ و بعد از آن که آنچه را دوست می داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید. بعضی از شما، خواهان دنیا بودند؛ و بعضی خواهان آخرت. سپس خداوند شما را از آنان منصرف ساخت؛ (و پیروزی شما به شکست انجامید؛) تا شما را آزمایش کند. و او شما را بخشید؛ و خداوند نسبت به مؤمنان، فضل و بخشش دارد. (152)

إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (153)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که از کوه بالا میرفتید؛ و جمعی در وسط بیابان پراکنده شدند؛ و از شدت وحشت،) به عقب ماندگان نگاه نمی کردید، و پیامبر از پشت سر، شما را صدا می زد. سپس اندوه ها را یکی پس از دیگری به شما جزا داد؛ این بخاطر آن بود که دیگر برای از دست رفتن (غنایم جنگی) غمگین نشوید، و نه بخاطر مصیبت هایی که بر شما وارد می گردد. و خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است. (153)

ص: 69

ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُل لَّوْ كُنتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (154)

سپس بدنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش، بصورت خواب سبکی بود که (در شب بعد از حادثه احد،) گروهی از شما را فرا گرفت؛ اماگروه دیگری در فکر جان خویش بودند؛ (و خواب به چشمانشان نرفت.) آنها گمانهای نادرستی -همچون گمانهای دوران جاهلیت- درباره خدا داشتند؛ و می گفتند: «آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می شود؟ !» بگو: «همه کارها (و پیروزیها) به دست خداست !» آنها در دل خود، چیزی را پنهان می دارند که برای تو آشکار نمی سازند؛ می گویند: «اگر ما سهمی از پیروزی داشتیم، در این جا کشته نمی شدیم !» بگو: «اگر هم در خانه های خود بودید، آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، قطعاً به سوی آرامگاه های خود، بیرون می آمدند (و آنها را به قتل می رساندند). و اینها برای این است که خداوند، آنچه در سینه هایتان پنهان دارید، بیازماید؛ و آنچه را در دلهای شما (از ایمان) است، خالص گرداند؛ و خداوند از آنچه در درون سینه هاست، با خبر است. (154)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (155)

کسانی که در روز روبرو شدن دو جمعیت با یکدیگر (در جنگ احد)، فرار کردند، شیطان آنها را بر اثر بعضی از گناهانی که مرتکب شده بودند، به لغزش انداخت؛ و خداوند آنها را بخشید. خداوند، آمرزنده و بردبار است. (155)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًّى لَّوْ كَانُوا عِندَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (156)

ای کسانی که ایمان آورده اید ! همانند کافران نباشید که چون برادرانشان به مسافرتی می روند، یا در جنگ شرکت می کنند (و از دنیا می روند و یا کشته می شوند)، می گویند: «اگر آنها نزد ما بودند، نمی مردند و کشته

نمی شدند!» (شما از این گونه سخنان نگویید،) تا خدا این حسرت را بر دل آنها [= کافران] بگذارد. خداوند، زنده می کند و می میراند؛ (و زندگی و مرگ، به دست اوست؛) و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (156)

وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَهٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَهٌ خَیْرٌ مِّمَّا یَجْمَعُونَ (157)

اگر هم در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، (زیان نکرده اید؛ زیرا) آمرزش و رحمت خدا، از تمام آنچه آنها (در طول عمر خود،) جمع آوری میکنند، بهتر است! (157)

وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ (158)

و اگر بمیرید یا کشته شوید، به سوی خدا محشور می شوید. (بنابراین، فانی نمی شوید که از فنا، وحشت داشته باشید.) (158)

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِى الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (159)

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. (159)

إِن يَنصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِى يَنصُرُكُم مِّن بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (160)

اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد! و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان، تنها بر خداوند باید توکل کنند! (160)

وَمَا كَانَ لِنَبِىٍّ أَن يَغُلَّ وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (161)

(گمان کردید ممکن است پیامبر به شما خیانت کند؟! در حالی که) ممکن نیست هیچ پیامبری خیانت کند! و هر کس خیانت کند، روز رستاخیز، آنچه را در آن خیانت کرده، با خود (به صحنه محشر) می آورد؛ سپس به هر کس، آنچه را فراهم کرده (و انجام داده است)، بطور کامل داده می شود؛ و (به همین دلیل) به آنها ستم نخواهد شد (چرا که محصول اعمال خود را خواهند دید). (161)

أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَن بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (162)

آیا کسی که از رضای خدا پیروی کرده، همانند کسی است که به خشم و غضب خدا بازگشته؟! و جایگاه او جهنم، و پایان کار او بسیار بد است. (162)

هُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (163)

هر یک از آنان، درجه و مقامی در پیشگاه خدا دارند؛ و خداوند به آنچه انجام می دهند، بیناست. (163)

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ (164)

خداوند بر مؤمنان منت نهاد [= نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند. (164)

أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُم مِّثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِندِ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (165)

آیا هنگامی که مصیبتی (در میدان جنک احد) به شما رسید، در حالی که دو برابر آن را (در میدان جنگ بدر بر دشمن) وارد ساخته بودید، گفتید: «این مصیبت از کجاست؟!» بگو: «از ناحیه خود شماست (که در میدان جنگ احد، با دستور پیامبر مخالفت کردید)! خداوند بر هر چیزی قادر است. (و چنانچه روش خود را اصلاح کنید، در آینده شما را پیروز می کند.)» (165)

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ (166)

و آنچه (در روز احد،) در روزی که دو دسته [= مؤمنان و کافران] با هم نبرد کردند به شما رسید، به فرمان خدا (و طبق سنت الهی) بود؛ و برای این بود که مؤمنان را مشخص کند. (166)

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَّاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِم مَّا لَيْسَ فِی قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (167)

و نیز برای این بود که منافقان شناخته شوند؛ آنهایی که به ایشان گفته شد: «بیایید در راه خدا نبرد کنید! یا (حداقل) از حریم خود، دفاع نمایید!» گفتند: «اگر می دانستیم جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می کردیم. (اما می دانیم جنگی نمی شود.)» آنها در آن هنگام، به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان؛ به زبان خود چیزی می گویند که در دلهایشان نیست! و خداوند از آنچه کتمان می کنند، آگاهتر است. (167)

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (168)

(منافقان) آنها هستند که به برادران خود -در حالی که از حمایت آنها دست کشیده بودند- گفتند: «اگر آنها از ما پیروی می کردند، کشته نمی شدند!» بگو: «(مگر شما می توانید مرگ افراد را پیش بینی کنید؟!) پس مرگ را از خودتان دور سازید اگر راست می گویید!» (168)

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (169)

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. (169)

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (170)

آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند؛ و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده اند [=

مجاهدان و شهیدان آینده]، خوشوقتند؛ (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می بینند؛ و می دانند) که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت. (170)

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (171)

و از نعمت خدا و فضل او (نسبت به خودشان نیز) مسرورند؛ و (می بینند که) خداوند، پاداش مؤمنان را ضایع نمی کند؛ (نه پاداش شهیدان، و نه پاداش مجاهدانی که شهید نشدند). (171)

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِن بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِيمٌ (172)

آنها که دعوت خدا و پیامبر (ص) را، پس از آن همه جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند؛ (و هنوز زخمهای میدان احد التیام نیافته بود، به سوی میدان «حمراء الاسد» حرکت نمودند؛) برای کسانی از آنها، که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است. (172)

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (173)

اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم [= لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده اند؛ از آنها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست.» (173)

فَانقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ (174)

به همین جهت، آنها (از این میدان،) با نعمت و فضل پروردگارشان، بازگشتند؛ در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید؛ و از رضای خدا، پیروی کردند؛ و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است. (174)

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (175)

این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی اساس،) می ترساند. از آنها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید! (175)

وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (176)

کسانی که در راه کفر، شتاب میکنند، تو را غمگین نسازند! به یقین، آنها هرگز زیانی به خداوند نمی رسانند. (بعلاوه) خدا می خواهد (آنها را به حال خودشان واگذارد؛ و در نتیجه،) بهره ای برای آنها در آخرت قرار ندهد. و برای آنها مجازات بزرگی است! (176)

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (177)

(آری،) کسانی که ایمان را دادند و کفر را خریداری کردند، هرگز به خدا زیانی نمی رسانند؛ و برای آنها، مجازات دردناکی است! (177)

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (178)

آنها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند،) تصور نکنند اگر به آنان مهلت می دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آنها، عذاب خوارکننده ای (آماده شده) است! (178)

مَّا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ

فَآمِنُوا بِاللّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ (179)

چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان گونه که شما هستید واگذارد؛ مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد. و نیز چنین نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید؛ این بر خلاف سنت الهی است؛) ولی خداوند از میان رسولان خود، هر کس را بخواهد برمیگزیند؛ (و قسمتی از اسرار نهان را که برای مقام رهبری او لازم است، در اختیار او می گذارد.) پس (اکنون که این جهان، بوته آزمایش پاک و ناپاک است،) به خدا و رسولان او ایمان بیاورید! و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برای شماست. (179)

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُم بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (180)

کسانی که بخل می ورزند، و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده، انفاق نمی کنند، گمان نکنند این کار به سود آنها است؛ بلکه برای آنها شر است؛ بزودی در روز قیامت، آنچه را نسبت به آن بخل ورزیدند، همانند طوقی به گردنشان می افکنند. و میراث آسمانها و زمین، از آن خداست؛ و خداوند، از آنچه انجام می دهید، آگاه است. (180)

لَّقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (181)

خداوند، سخن آنها را که گفتند: «خدا فقیر است، و ما بی نیازیم»، شنید! به زودی آنچه را گفتند، خواهیم نوشت؛ و (همچنین) کشتن پیامبران را بناحق (می نویسیم)؛ و به آنها می گوییم: «بچشید عذاب سوزان را (در برابر کارهایتان!)» (181)

ذَلِکَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (182)

این بخاطر چیزی است که دستهای شما از پیش فرستاده (و نتیجه کار شماست) و بخاطر آن است که خداوند، به بندگان (خود)، ستم نمی کند. (182)

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِى بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِى قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (183)

(اینها) همان کسانی (هستند) که گفتند: «خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا (این معجزه را انجام دهد:) یک قربانی بیاورد، که آتش [= صاعقه آسمانی] آن را بخورد!» بگو: «پیامبرانی پیش از من، برای شما آمدند؛ و دلایل روشن، و آنچه را گفتید آوردند؛ پس چرا آنها را به قتل رساندید اگر راست می گویید؟!» (183)

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (184)

پس (اگر این بهانه جویان،) تو را تکذیب کنند، (چیز تازه ای نیست؛) رسولان پیش از تو (نیز) تکذیب شدند؛ پیامبرانی که دلایل آشکار، و نوشته های متین و محکم، و کتاب روشنی بخش آورده بودند. (184)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (185)

هر کسی مرگ را می چشد؛ و شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت؛ آنها که از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد

شوند نجات یافته و رستگار شده اند و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست! (185)

لَتُبْلَوُنَّ فِی أَمْوَالِکُمْ وَأَنفُسِکُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ مِن قَبْلِکُمْ وَمِنَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا أَذًی کَثِیرًا وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (186)

به یقین (همه شما) در اموال و جانهای خود، آزمایش می شوید! و از کسانی که پیش از شما به آنها کتاب (آسمانی) داده شده [= یهود]، و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید! و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته تر است؛ زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است. (186)

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ (187)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خدا، از کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده، پیمان گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید! ولی آنها، آن را پشت سر افکندند؛ و به بهای کمی فروختند؛ و چه بد متاعی می خرند؟! (187)

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوا وَّيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (188)

گمان مبر آنها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می شوند، و دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند! (بلکه) برای آنها، عذاب دردناکی است! (188)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (189)

و حکومت آسمانها و زمین، از آن خداست؛ و خدا بر همه چیز تواناست. (189)

إِنَّ فِى خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِى الْأَلْبَابِ (190)

مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه های (روشنی) برای خردمندان است. (190)

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِى خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (191)

همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند؛ (و می گویند:) بار الها! اینها را بیهوده نیافریده ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار! (191)

رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (192)

پروردگارا! هر که را تو (بخاطر اعمالش،) به آتش افکنی، او را خوار و رسوا ساخته ای! و برای افراد ستمگر، هیچ یاوری نیست! (192)

رَّبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِى لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (193)

پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» و ما ایمان آوردیم؛ پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدیهای ما را بپوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران! (193)

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (194)

پروردگارا! آنچه را به وسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن! و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان! زیرا تو هیچ گاه از وعده خود، تخلف نمی کنی. (194)

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّی لَا أُضِیعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنکُم مِّن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَی بَعْضُکُم مِّن بَعْضٍ فَالَّذِینَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِن دِیَارِهِمْ وَأُوذُوا فِی سَبِیلِی وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَیِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ (195)

خداوند، درخواست آنها را پذیرفت؛ (و فرمود:) من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما همنوعید، و از جنس یکدیگر! آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند، بیقین گناهانشان را می بخشم؛ و آنها را در باغهای بهشتی، که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می کنم. این پاداشی است از طرف خداوند؛ و بهترین پاداشها نزد پروردگار است. (195)

لَا یَغُرَّنَّکَ تَقَلُّبُ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی الْبِلَادِ (196)

رفت و آمد (پیروزمندانه) کافران در شهرها، تو را نفریبد! (196)

مَتَاعٌ قَلِیلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (197)

این متاع ناچیزی است؛ و سپس جایگاهشان دوزخ، و چه بد جایگاهی است! (197)

لَکِنِ الَّذِینَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا نُزُلًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَمَا عِندَ اللَّهِ خَیْرٌ لِّلْأَبْرَارِ (198)

ولی کسانی (که ایمان دارند، و) از پروردگارشان می پرهیزند، برای آنها باغهایی از بهشت است، که از زیر درختانش نهرها جاری است؛ همیشه در آن خواهند بود. این، نخستین پذیرایی است که از سوی خداوند به آنها می رسد؛ و آنچه در نزد خداست، برای نیکان بهتر است! (198)

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْکِتَابِ لَمَن یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَیْکُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَیْهِمْ خَاشِعِینَ لِلَّهِ لَا یَشْتَرُونَ بِآیَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِیلًا أُولَئِکَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِیعُ الْحِسَابِ (199)

و از اهل کتاب، کسانی هستند که به خدا، و آنچه بر شما نازل شده، و آنچه بر خودشان نازل گردیده، ایمان دارند؛ در برابر (فرمان) خدا خاضعند؛ و

آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی فروشند. پاداش آنها، نزد پروردگارشان است. خداوند، سریع الحساب است. (تمام اعمال نیک آنها را به سرعت حساب می کند، و پاداش می دهد.) (199)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (200)

ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوسها،) استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید! (200)

سوره النساء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِی خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (1)

ای مردم ! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید ! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید؛ و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید، نام او را می برید ! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید ! زیرا خداوند، مراقب شماست. (1)

وَآتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (2)

و اموال یتیمان را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آنها بدهید ! و اموال بد (خود) را، با اموال خوب (آنها) عوض نکنید ! و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید، زیرا این گناه بزرگی است ! (2)

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِی الْيَتَامَى فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُم مِّنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا (3)

و اگر می ترسید که (بهنگام ازدواج با دختران یتیم،) عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنهائید استفاده کنید، این کار، از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می کند. (3)

وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَیْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا (4)

و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه،) به آنان بپردازید! (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید! (4)

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِی جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (5)

اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آنها روزی دهید! و لباس بر آنان بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید! (5)

وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (6)

و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید! و پیش از آنکه بزرگ شوند، اموالشان را از روی اسراف نخورید! هر کس که بی نیاز است، (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند؛ و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته (و مطابق زحمتی که می کشد،) از آن بخورد. و هنگامی که اموالشان را به آنها بازمی گردانید، شاهد بگیرید! اگر چه خداوند برای محاسبه کافی است. (6)

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (7)

برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می گذارند، سهمی است؛ و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می گذارند، سهمی؛ خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی. (7)

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (8)

و اگر بهنگام تقسیم (ارث)، خویشاوندان (و طبقه ای که ارث نمی برند) و یتیمان و مستمندان، حضور داشته باشند، چیزی از آن اموال را به آنها بدهید! و با آنان به طور شایسته سخن بگویید! (8)

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (9)

کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند. (9)

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (10)

کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، (در حقیقت،) تنها آتش می خورند؛ و بزودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند. (10)

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (11)

خداوند در باره فرزندانتان به شما سفارش می کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست؛ و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث،) از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر او، یک ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است)؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است). (همه اینها،) بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است -شما نمی دانید پدران و مادران و فرزندانتان، کدامیک برای شما سودمندترند!- این فریضه الهی است؛ و خداوند، دانا و حکیم است. (11)

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم مِّن بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِن ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِى الثُّلُثِ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ (12)

و برای شما، نصف میراث زنانتان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست؛ پس از انجام وصیتی که کرده اند، و ادای دین (آنها). و برای زنان شما، یک چهارم میراث شماست، اگر فرزندی نداشته باشید؛ و اگر برای شما فرزندی باشد، یک هشتم از آن آنهاست؛ بعد از انجام وصیتی که کرده اید، و ادای دین. و اگر مردی بوده باشد که کلاله [= خواهر یا برادر] از او ارث می برد، یا زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام، یک ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند)؛ و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک سوم شریکند؛ پس از انجام وصیتی که شده، و ادای دین؛ بشرط آنکه (از طریق وصیت و اقرار به دین،) به آنها ضرر نزند. این سفارش خداست؛ و خدا دانا و بردبار است. (12)

تِلْکَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (13)

اینها مرزهای الهی است؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، (و قوانین او را محترم بشمرد،) خداوند وی را در باغهایی از بهشت وارد می کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن می مانند؛ و این، پیروزی بزرگی است! (13)

وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ (14)

و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می کند که جاودانه در آن خواهد ماند؛ و برای او مجازات خوارکننده ای است. (14)

وَاللَّاتِی یَأْتِینَ الْفَاحِشَةَ مِن نِّسَائِکُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَیْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنکُمْ فَإِن شَهِدُوا فَأَمْسِکُوهُنَّ فِی الْبُیُوتِ حَتَّی یَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ یَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِیلًا (15)

و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را بعنوان شاهد بر آنها بطلبید! اگر گواهی دادند، آنان [= زنان] را در خانه ها (ی خود) نگاه دارید تا مرگشان فرارسد؛ یا اینکه خداوند، راهی برای آنها قرار دهد. (15)

وَاللَّذَانِ یَأْتِیَانِهَا مِنکُمْ فَآذُوهُمَا فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ کَانَ تَوَّابًا رَّحِیمًا (16)

و از میان شما، آن مردان و زنانی که (همسر ندارند، و) مرتکب آن کار (زشت) می شوند، آنها را آزار دهید (و حد بر آنان جاری نمایید)! و اگر توبه کنند، و (خود را) اصلاح نمایند، (و به جبران گذشته بپردازند،) از آنها درگذرید! زیرا خداوند، توبه پذیر و مهربان است. (16)

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَی اللَّهِ لِلَّذِینَ یَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ یَتُوبُونَ مِن قَرِیبٍ فَأُولَئِکَ یَتُوبُ اللَّهُ عَلَیْهِمْ وَکَانَ اللَّهُ عَلِیمًا حَکِیمًا (17)

پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می دهند، سپس زود توبه می کنند. خداوند، توبه چنین اشخاصی را می پذیرد؛ و خدا دانا و حکیم است. (17)

وَلَیْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِینَ یَعْمَلُونَ السَّیِّئَاتِ حَتَّی إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّی تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِینَ یَمُوتُونَ وَهُمْ کُفَّارٌ أُولَئِکَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِیمًا (18)

برای کسانی که کارهای بد را انجام می دهند، و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید: «الان توبه کردم!» توبه نیست؛ و نه برای کسانی که در حال کفر از دنیا می روند؛ اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کرده ایم. (18)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا یَحِلُّ لَکُمْ أَن تَرِثُوا النِّسَاءَ کَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَیْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَن یَأْتِینَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَیِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِن کَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَی أَن تَکْرَهُوا شَیْئًا وَیَجْعَلَ اللَّهُ فِیهِ خَیْرًا کَثِیرًا (19)

ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها،) ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده اید (از مهر)، تملک کنید! مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد! (19)

ص: 80

وَإِنْ أَرَدتُّمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (20)

و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (بعنوان مهر) به او پرداخته اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می شوید؟! (20)

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (21)

و چگونه آن را باز پس می گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید؟ و (از این گذشته،) آنها (هنگام ازدواج،) از شما پیمان محکمی گرفته اند! (21)

وَلَا تَنكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُم مِّنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا (22)

با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده اند، هرگز ازدواج نکنید! مگر آنچه درگذشته (پیش از نزول این حکم) انجام شده است؛ زیرا این کار، عملی زشت و تنفرآور و راه نادرستی است. (22)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (23)

حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه ها، و خاله ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسرتان که در دامان شما پرورش یافته اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته اید -و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد- و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (-نه پسرخوانده ها-) و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید؛ مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ چرا که خداوند، آمرزنده و مهربان است. (23)

ص: 81

جزء 5

ادامه سوره النساء

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَاءَ ذَلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُم مُّحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُم بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (24)

و زنان شوهردار (بر شما حرام است؛) مگر آنها را که (از راه اسارت) مالک شده اید؛ (زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است؛) اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرّر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. و زنانی را که متعه [= ازدواج موقت] می کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده اید. (بعداً می توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید.) خداوند، دانا و حکیم است. (24)

وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلًا أَن يَنكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُم مِّن فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُم بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنكُمْ وَأَن تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (25)

و آنها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند -خدا به ایمان شما آگاه تر است؛ و همگی اعضای یک پیکرید- آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید؛ به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه بطور آشکار مرتکب زنا شوند، و نه دوست پنهانی بگیرند. و در صورتی که «محصنه» باشند و مرتکب عمل منافی عفت شوند، نصف مجازات زنان آزاد را خواهند داشت. این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شماست که بترسند (از نظر غریزه جنسی) به زحمت بیفتند؛ و (با این حال نیز) خودداری (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است. و خداوند، آمرزنده و مهربان است. (25)

يُرِيدُ اللّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (26)

خداوند می خواهد (با این دستورها، راه های خوشبختی و سعادت را) برای شما آشکار سازد، و به سنتهای (صحیح) پیشینیان رهبری کند. و خداوند دانا و حکیم است. (26)

ص: 82

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَن تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا (27)

خدا می خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید)، امّا آنها که پیرو شهواتند، می خواهند شما بکلی منحرف شوید. (27)

يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمْ وَخُلِقَ الْإِنسَانُ ضَعِيفًا (28)

خدا میخواهد (با احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن،) کار را بر شما سبک کند؛ و انسان، ضعیف آفریده شده؛ (و در برابر طوفان غرایز، مقاومت او کم است) (28)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (29)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است. (29)

وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (30)

و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، بزودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت؛ و این کار برای خدا آسان است. (30)

إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُم مُّدْخَلًا كَرِيمًا (31)

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم؛ و شما را در جایگاه خوبی وارد می سازیم. (31)

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِن فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (32)

برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! (این تفاوتهای طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر

طبق عدالت است. ولی با این حال،) مردان نصیبی از آنچه به دست می آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد). و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست. (32)

وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (33)

برای هر کسی، وارثانی قرار دادیم، که از میراث پدر و مادر و نزدیکان ارث ببرند؛ و (نیز) کسانی که با آنها پیمان بسته اید، نصیبشان را بپردازید! خداوند بر هر چیز، شاهد و ناظر است. (33)

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا (34)

مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود،) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می کنند. و (امّا) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدّی بر آنها نجویید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست.) (34)

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا (35)

و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می کند؛ زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیات همه، با خبر است). (35)

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (36)

و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می زند،) دوست نمی دارد. (36)

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (37)

آنها کسانی هستند که بخل می ورزند، و مردم را به بخل دعوت می کنند، و آنچه را که خداوند از فضل (و رحمت) خود به آنها داده، کتمان می نمایند. (این عمل، در حقیقت از کفرشان سرچشمه گرفته؛) و ما برای کافران، عذاب خوارکننده ای آماده کرده ایم. (37)

وَالَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (38)

و آنها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند، و ایمان به خدا و روز بازپسین ندارند؛ (چرا که شیطان، رفیق و همنشین آنهاست؛) و کسی که شیطان قرین او باشد، بد همنشین و قرینی است. (38)

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا (39)

چه می شد اگر آنها به خدا و روز بازپسین ایمان می آوردند، و از آنچه خدا به آنان روزی داده، (در راه او) انفاق می کردند؟! و خداوند از (اعمال و نیات) آنها آگاه است. (39)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (40)

خداوند (حتّی) به اندازه سنگینی ذره ای ستم نمی کند؛ و اگر کار نیکی باشد، آن را دو چندان می سازد؛ و از نزد خود، پاداش عظیمی (در برابر آن) می دهد. (40)

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا (41)

حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟ (41)

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا (42)

در آن روز، آنها که کافر شدند و با پیامبر (ص) بمخالفت برخاستند، آرزو می کنند که ای کاش (خاک بودند، و) خاک آنها با زمینهای اطراف یکسان می شد (و بکلی محو و فراموش می شدند). در آن روز، (با آن همه گواهان،) سخنی را نمی توانند از خدا پنهان کنند. (42)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِن كُنتُم مَّرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا (43)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می گویید! و همچنین هنگامی که جنب هستید -مگر اینکه مسافر باشید- تا غسل کنید. و اگر بیمارید، یا مسافر، و یا «قضای حاجت» کرده اید، و یا با زنان آمیزش جنسی داشته اید، و در این حال، آب (برای وضو یا غسل) نیافتید، با خاک پاکی تیمّم کنید! (به این طریق که) صورتها و دستهایتان را با آن مسح نمایید. خداوند، بخشنده و آمرزنده است. (43)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ (44)

آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب (خدا) به آنها داده شده بود، (به جای اینکه از آن، برای هدایت خود و دیگران استفاده کنند، برای خویش) گمراهی می خرند، و می خواهند شما نیز گمراه شوید؟ (44)

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا (45)

خدا به دشمنان شما آگاهتر است؛ (ولی آنها زیانی به شما نمی رسانند.) و کافی است که خدا ولیّ شما باشد؛ و کافی است که خدا یاور شما باشد. (45)

مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (46)

بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می کنند؛ و (به جای اینکه بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»)، می گویند: «شنیدیم و مخالفت کردیم! و (نیز می گویند:) بشنو! که هرگز نشنوی! و (از روی تمسخر می گویند:) راعنا [= ما را تحمیق کن!]» تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا، طعنه زنند. ولی اگر آنها (به جای این همه لجاجت) می گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم؛ و سخنان ما را بشنو و به ما مهلت ده (تا حقایق را درک کنیم)»، برای آنان بهتر، و با واقعیت سازگارتر بود. ولی خداوند، آنها را بخاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته است؛ از این رو جز عدّه کمی ایمان نمی آورند. (46)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُم مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (47)

ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم -و هماهنگ با نشانه هایی است که با شماست- ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورتهایی را محو کنیم، سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم، همان گونه که «اصحاب سبت» [= گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل] را دور ساختیم؛ و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است! (47)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا (48)

خداوند (هرگز) شرک را نمی بخشد! و پایین تر از آن را برای هر کس (بخواهد و شایسته بداند) می بخشد. و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است. (48)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُم بَلِ اللَّهُ يُزَكِّى مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (49)

آیا ندیدی کسانی را که خودستایی می کنند؟! (این خود ستاییها، بی ارزش است؛) بلکه خدا هر کس را بخواهد، ستایش می کند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (49)

انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا (50)

ببین چگونه بر خدا دروغ می بندند! و همین گناه آشکار، (برای مجازات آنان) کافی است. (50)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا (51)

آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب (خدا) به آنان داده شده، (با این حال)، به «جبت» و «طاغوت» [= بت و بت پرستان] ایمان می آورند، و درباره کافران می گویند: «آنها، از کسانی که ایمان آورده اند، هدایت یافته ترند»؟! (51)

أُولَئِکَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا (52)

آنها کسانی هستند که خداوند، ایشان را از رحمت خود، دور ساخته است؛ و هر کس را خدا از رحمتش دور سازد، یاوری برای او نخواهی یافت. (52)

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْکِ فَإِذًا لَّا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا (53)

آیا آنها [= یهود] سهمی در حکومت دارند (که بخواهند چنین داوری کنند)؟ در حالی که اگر چنین بود، (همه چیز را در انحصار خود می گرفتند،) و کمترین حق را به مردم نمی دادند. (53)

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَآتَيْنَاهُم مُّلْکًا عَظِيمًا (54)

یا اینکه نسبت به مردم [= پیامبر و خاندانش]، و بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می ورزند؟ ما به آل ابراهیم، (که یهود از خاندان او هستند نیز،) کتاب و حکمت دادیم؛ و حکومت عظیمی در اختیار آنها [= پیامبران بنی اسرائیل] قرار دادیم. (54)

فَمِنْهُم مَّنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُم مَّن صَدَّ عَنْهُ وَکَفَى بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا (55)

ولی جمعی از آنها به آن ایمان آوردند؛ و جمعی راه (مردم را) بر آن بستند. و شعله فروزانِ آتش دوزخ، برای آنها کافی است! (55)

إِنَّ الَّذِينَ کَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا کُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ کَانَ عَزِيزًا حَکِيمًا (56)

کسانی که به آیات ما کافر شدند، بزودی آنها را در آتشی وارد می کنیم که هرگاه پوستهای تنشان (در آن) بریان گردد (و بسوزد)، پوستهای دیگری به جای آن قرار می دهیم، تا کیفر (الهی) را بچشند. خداوند، توانا و حکیم است (و روی حساب، کیفر می دهد). (56)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا (57)

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، بزودی آنها را در باغهایی از بهشت وارد می کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن خواهند ماند؛ و همسرانی پاکیزه برای آنها خواهد بود؛ و آنان را در سایه های گسترده (و فرح بخش) جای میدهیم. (57)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (58)

خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزهای خوبی به شما می دهد! خداوند، شنوا و بیناست. (58)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (59)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [= اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است. (59)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْکَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِکَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (60)

آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آنچه (از کتابهای آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده اند، ولی می خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکّام باطل بروند؟! با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. امّا شیطان می خواهد آنان را گمراه کند، و به بیراهه های دور دستی بیفکند. (60)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنکَ صُدُودًا (61)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خداوند نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید»، منافقان را می بینی که (از قبول دعوت)ِ تو، اعراض می کنند! (61)

فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوکَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا (62)

پس چگونه وقتی به خاطر اعمالشان، گرفتار مصیبتی می شوند، سپس به سراغ تو می آیند، سوگند یاد می کنند که منظورِ (ما از بردنِ داوری نزد دیگران)، جز نیکی کردن و توافق (میان طرفین نزاع،) نبوده است؟! (62)

أُولَئِکَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِى قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِى أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (63)

آنها کسانی هستند که خدا، آنچه را در دل دارند، می داند. از (مجازات)ِ آنان صرف نظر کن! و آنها را اندرز ده! و با بیانی رسا، نتایج اعمالشان را به آنها گوشزد نما! (63)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا (64)

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود. و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می کردند (و

فرمانهای خدا را زیر پا می گذاردند)، به نزد تو می آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می کردند؛ و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند. (64)

فَلَا وَرَبِّکَ لَا یُؤْمِنُونَ حَتَّی یُحَکِّمُوکَ فِیمَا شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لَا یَجِدُوا فِی أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَیْتَ وَیُسَلِّمُوا تَسْلِیمًا (65)

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملا تسلیم باشند. (65)

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا مِن دِيَارِكُم مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا (66)

اگر (همانند بعضی از امتهای پیشین،) به آنان دستور می دادیم: «یکدیگر را به قتل برسانید»، و یا: «از وطن و خانه خود، بیرون روید»، تنها عده کمی از آنها عمل می کردند! و اگر اندرزهایی را که به آنان داده می شد انجام می دادند، برای آنها بهتر بود؛ و موجب تقویت ایمان آنها می شد. (66)

وَإِذًا لَّآتَيْنَاهُم مِّن لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا (67)

و در این صورت، پاداش بزرگی از ناحیه خود به آنها می دادیم. (67)

وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (68)

و آنان را به راه راست، هدایت می کردیم. (68)

وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا (69)

و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز،) همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدّیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها رفیقهای خوبی هستند! (69)

ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا (70)

این موهبتی از ناحیه خداست. و کافی است که او، (از حالِ بندگان، و نیّات و اعمالشان) آگاه است. (70)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انفِرُوا جَمِيعًا (71)

ای کسانی که ایمان آورده اید! آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته های متعدّد، یا بصورت دسته واحد، (طبق شرایط هر زمان و هر مکان،) به سوی دشمن حرکت نمایید! (71)

وَإِنَّ مِنكُمْ لَمَن لَّيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُن مَّعَهُمْ شَهِيدًا (72)

در میان شما، افرادی (منافق) هستند، که (هم خودشان سست می باشند، و هم) دیگران را به سستی می کشانند؛ اگر مصیبتی به شما برسد، می گویند: «خدا به ما نعمت داد که با مجاهدان نبودیم، تا شاهد (آن مصیبت) باشیم !» (72)

وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُن بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِى كُنتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا (73)

و اگر غنیمتی از جانب خدا به شما برسد، درست مثل اینکه هرگز میان شما و آنها دوستی و موّدتی نبوده، می گویند: «ای کاش ما هم با آنها بودیم، و به رستگاری (و پیروزی)ِ بزرگی می رسیدیم !» (73)

فَلْيُقَاتِلْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (74)

کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته اند، باید در راه خدا پیکار کنند ! و آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (74)

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْیَهِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنکَ وَلِیًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنکَ نَصِیرًا (75)

چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند، پیکار نمی کنید؟! همان افراد (ستمدیده ای) که می گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یاوری برای ما تعیین فرما! (75)

الَّذِینَ آمَنُوا یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَالَّذِینَ کَفَرُوا یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِیَاءَ الشَّیْطَانِ إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطَانِ کَانَ ضَعِیفًا (76)

کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می کنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت [= بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است. (76)

أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ قِیلَ لَهُمْ کُفُّوا أَیْدِیَکُمْ وَأَقِیمُوا الصَّلَاهَ وَآتُوا الزَّکَاهَ فَلَمَّا کُتِبَ عَلَیْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِیقٌ مِّنْهُمْ یَخْشَوْنَ النَّاسَ کَخَشْیَهِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْیَهً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ کَتَبْتَ عَلَیْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَی أَجَلٍ قَرِیبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْیَا قَلِیلٌ وَالْآخِرَهُ خَیْرٌ لِّمَنِ اتَّقَی وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِیلًا (77)

آیا ندیدی کسانی را که (در مکّه) به آنها گفته شد: «فعلا ً دست از جهاد بدارید! و نماز را برپا کنید! و زکات بپردازید!» (امّا آنها از این دستور، ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می ترسیدند، همان گونه که از خدا می ترسند، بلکه بیشتر! و گفتند: «پروردگارا! چرا جهاد را بر ما مقرّر داشتی؟! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تأخیر نینداختی؟!» به آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است! و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شکافِ هسته خرمایی، به شما ستم نخواهد شد! (77)

أَیْنَمَا تَکُونُوا یُدْرِککُّمُ الْمَوْتُ وَلَوْ کُنتُمْ فِی بُرُوجٍ مُّشَیَّدَهٍ وَإِن تُصِبْهُمْ حَسَنَهٌ یَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَإِن تُصِبْهُمْ سَیِّئَهٌ یَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِندِکَ قُلْ کُلٌّ مِّنْ عِندِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا یَکَادُونَ یَفْقَهُونَ حَدِیثًا (78)

هر جا باشید، مرگ شما را درمی یابد؛ هر چند در برجهای محکم باشید! و اگر به آنها [= منافقان] حسنه (و پیروزی) برسد، می گویند: «این، از ناحیه خداست.» و اگر سیّئه (و شکستی) برسد، می گویند: «این، از ناحیه توست.» بگو: «همه اینها از ناحیه خداست.» پس چرا این گروه حاضر نیستند سخنی را درک کنند؟! (78)

مَّا أَصَابَکَ مِنْ حَسَنَهٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَکَ مِن سَيِّئَهٍ فَمِن نَّفْسِکَ وَأَرْسَلْنَاکَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَکَفَی بِاللَّهِ شَهِيدًا (79)

(آری،) آنچه از نیکیها به تو می رسد، از طرف خداست؛ و آنچه از بدی به تو می رسد، از سوی خود توست. و ما تو را رسول برای مردم فرستادیم؛ و گواهی خدا در این باره، کافی است! (79)

مَّن يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَن تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاکَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (80)

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده؛ و کسی که سرباز زند، تو را نگهبان (و مراقب) او نفرستادیم (و در برابر او، مسؤول نیستی). (80)

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِندِکَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَکْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَکَّلْ عَلَى اللَّهِ وَکَفَى بِاللَّهِ وَکِيلًا (81)

آنها در حضور تو می گویند: «فرمانبرداریم»؛ امّا هنگامی که از نزد تو بیرون می روند، جمعی از آنان بر خلاف گفته های تو، جلسات سرّی شبانه تشکیل می دهند؛ آنچه را در این جلسات می گویند، خداوند می نویسد. اعتنایی به آنها نکن! (و از نقشه های آنان وحشت نداشته باش!) و بر خدا توکّل کن! کافی است که او یار و مدافع تو باشد. (81)

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ کَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا کَثِيرًا (82)

آیا درباره قرآن نمی اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می یافتند. (82)

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْکُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (83)

و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق،) آن را شایع می سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان -که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عدّه کمی، همگی از شیطان پیروی می کردید (و گمراه می شدید). (83)

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُکَلَّفُ إِلَّا نَفْسَکَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَن يَکُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ کَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنکِيلًا (84)

در راه خدا پیکار کن! تنها مسؤول وظیفه خود هستی! و مؤمنان را (بر این کار،) تشویق نما! امید است خداوند از قدرت کافران جلوگیری کند (حتی

اگر تنها خودت به میدان بروی)! و خداوند قدرتش بیشتر، و مجازاتش دردناکتر است. (84)

مَّن يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُن لَّهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَن يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُن لَّهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ مُّقِيتًا (85)

کسی که شفاعت [= تشویق و کمک] به کار نیکی کند، نصیبی از آن برای او خواهد بود؛ و کسی که شفاعت [= تشویق و کمک] به کار بدی کند، سهمی از آن خواهد داشت. و خداوند، حسابرس و نگهدار هر چیز است. (85)

وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ حَسِيبًا (86)

هرگاه به شما تحیّت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید؛ یا (لااقل) به همان گونه پاسخ گویید! خداوند حساب همه چیز را دارد. (86)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (87)

خداوند، معبودی جز او نیست! و به یقین، همه شما را در روز رستاخیز -که شکی در آن نیست- جمع می کند! و کیست که از خداوند، راستگوتر باشد؟ (87)

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَن تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (88)

چرا درباره منافقین دو دسته شده اید؟! (بعضی جنگ با آنها را ممنوع، و بعضی مجاز می دانید.) در حالی که خداوند بخاطر اعمالشان، (افکار) آنها را کاملاً وارونه کرده است! آیا شما می خواهید کسانی را که خداوند (بر اثر اعمال زشتشان) گمراه کرده، هدایت کنید؟! در حالی که هر کس را خداوند گمراه کند، راهی برای او نخواهی یافت. (88)

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (89)

آنان آرزو می کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید، و مساوی یکدیگر باشید. بنابر این، از آنها دوستانی انتخاب نکنید، مگر اینکه (توبه کنند، و) در راه خدا هجرت نمایند. هرگاه از این کار سر باز زنند، (و به اقدام بر ضدّ شما ادامه دهند،) هر جا آنها را یافتید، اسیر کنید! و (در صورت احساس خطر) به قتل برسانید! و از میان آنها، دوست و یار و یاوری اختیار نکنید!. (89)

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (90)

مگر آنها که با همپیمانان شما، پیمان بسته اند؛ یا آنها که به سوی شما می آیند، و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود ناتوان شده اند؛ (نه سر جنگ با شما دارند، و نه توانایی مبارزه با قوم خود.) و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما مسلطّ می کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کناره گیری

کرده و با شما پیکار ننمودند، (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی دهد که متعرّض آنان شوید. (90)

سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (91)

بزودی جمعیّت دیگری را می یابید که می خواهند هم از ناحیه شما در امان باشند، و هم از ناحیه قوم خودشان (که مشرکند. لذا نزد شما ادّعای ایمان می کنند؛ ولی) هر زمان آنان را به سوی فتنه (و بت پرستی) بازگردانند، با سر در آن فرو می روند! اگر از درگیری با شما کنار نرفتند و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما نکشیدند، آنها را هر جا یافتید اسیر کنید و (یا) به قتل برسانید! آنها کسانی هستند که ما برای شما، تسلّط آشکاری نسبت به آنان قرار داده ایم. (91)

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَن يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَن قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَن يَصَّدَّقُوا فَإِن كَانَ مِن قَوْمٍ عَدُوٍّ لَّكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَإِن كَانَ مِن قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (92)

هیچ فرد باایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سر زند؛ (و در عین حال،) کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خونبهایی به کسان او بپردازد؛ مگر اینکه آنها خونبها را ببخشند. و اگر مقتول، از گروهی باشد که دشمنان شما هستند (و کافرند)، ولی مقتول باایمان بوده، (تنها) باید یک برده مؤمن را آزاد کند (و پرداختن خونبها لازم نیست). و اگر از جمعیّتی باشد که میان شما و آنها پیمانی برقرار است، باید خونبهای او را به کسان او بپردازد، و یک برده مؤمن (نیز) آزاد کند. و آن کس که دسترسی (به آزاد کردن برده) ندارد، دو ماه پی در پی روزه می گیرد. این، (یک نوع تخفیف، و) توبه الهی است. و خداوند، دانا و حکیم است. (92)

وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (93)

و هر کس، فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازاتِ او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می ماند؛ و خداوند بر او غضب می کند؛ و او را از رحمتش دور می سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است. (93)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنتُم مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (94)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که در راه خدا گام می زنید (و به سفری برای جهاد می روید)، تحقیق کنید! و بخاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می کند نگویید: «مسلمان نیستی» زیرا غنیمتهای فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید؛ و خداوند بر شما منّت نهاد (و هدایت

شدید). پس، (بشکرانه این نعمت بزرگ،) تحقیق کنید! خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (94)

ص: 93

لَّا يَسْتَوِى الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (95)

(هرگز) افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [= ترک کنندگان جهاد] برتری مهمّی بخشیده؛ و به هر یک از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان،) خداوند وعده پاداش نیک داده، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است. (95)

دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (96)

درجات (مهمّی) از ناحیه خداوند، و آمرزش و رحمت (نصیب آنان می گردد)؛ و (اگر لغزشهایی داشته اند،) خداوند آمرزنده و مهربان است. (96)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِى أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِى الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (97)

کسانی که فرشتگان (قبض ارواح)، روح آنها را گرفتند در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند، به آنها گفتند: «شما در چه حالی بودید؟ (و چرا با اینکه مسلمان بودید، در صفِ کفّار جای داشتید؟!)» گفتند: «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم.» آنها [= فرشتگان] گفتند: «مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!» آنها (عذری نداشتند، و) جایگاهشان دوزخ است، و سرانجام بدی دارند. (97)

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (98)

مگر آن دسته از مردان و زنان و کودکانی که براستی تحت فشار قرار گرفته اند (و حقیقتاً مستضعفند)؛ نه چاره ای دارند، و نه راهی (برای نجات از آن محیط آلوده) می یابند. (98)

فَأولَئِکَ عَسَى اللّهُ أن يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللّهُ عَفُوًّا غَفُورًا (99)

ممکن است خداوند، آنها را مورد عفو قرار دهد؛ و خداوند، عفو کننده و آمرزنده است. (99)

وَمَن يُهَاجِرْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِی الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَن يَخْرُجْ مِن بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (100)

کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امنِ فراوان و گسترده ای در زمین می یابد. و هر کس بعنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست؛ و خداوند، آمرزنده و مهربان است. (100)

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِی الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَن يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا (101)

هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید اگر از فتنه (و خطر)ِ کافران بترسید؛ زیرا کافران، برای شما دشمن آشکاری هستند. (101)

وَإِذَا كُنتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِّنْهُم مَّعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِن وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُم مَّيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّن مَّطَرٍ أَوْ كُنتُم مَّرْضَى أَن تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (102)

و هنگامی که در میان آنها باشی، و (در میدان جنگ) برای آنها نماز را برپا کنی، باید دسته ای از آنها با تو (به نماز) برخیزند، و سلاحهایشان را با خود برگیرند؛ و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رساندند)، باید به پشتِ سرِ شما (به میدان نبرد) بروند، و آن دسته دیگر که نماز نخوانده اند (و مشغول پیکار بوده اند)، بیایند و با تو نماز بخوانند؛ آنها باید وسایل دفاعی و سلاحهایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند؛ (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاحها و متاعهای خود غافل شوید و یکباره به شما هجوم آورند. و اگر از باران ناراحتید، و یا بیمار (و مجروح) هستید، مانعی ندارد که سلاحهای خود را بر زمین بگذارید؛ ولی وسایل دفاعی (مانند زره و خود را) با خود بردارید خداوند، عذاب خوارکننده ای برای کافران فراهم ساخته است. (102)

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا (103)

و هنگامی که نماز را به پایان رساندید، خدا را یاد کنید؛ ایستاده، و نشسته، و در حالی که به پهلو خوابیده اید! و هرگاه آرامش یافتید (و حالت ترس زایل گشت)، نماز را (به طور معمول) انجام دهید، زیرا نماز، وظیفه ثابت و معیّنی برای مؤمنان است! (103)

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِن تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (104)

و در راه تعقیب دشمن، (هرگز) سست نشوید! (زیرا) اگر شما درد و رنج می بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می بینند؛ ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند؛ و خداوند، دانا و حکیم است. (104)

إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِنِينَ خَصِيمًا (105)

ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی! (105)

ص: 95

وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (106)

و از خداوند، طلب آمرزش نما! که خداوند، آمرزنده و مهربان است. (106)

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا (107)

و از آنها که به خود خیانت کردند، دفاع مکن! زیرا خداوند، افراد خیانت پیشه گنهکار را دوست ندارد. (107)

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (108)

آنها زشتکاریِ خود را از مردم پنهان می دارند؛ اما از خدا پنهان نمی دارند، و هنگامی که در مجالس شبانه، سخنانی که خدا راضی نبود می گفتند، خدا با آنها بود، خدا به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد. (108)

هَا أَنتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَن يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَم مَّن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (109)

آری، شما همانها هستید که در زندگی این جهان، از آنان دفاع کردید! اما کیست که در برابر خداوند، در روز رستاخیز از آنها دفاع کند؟! یا چه کسی است که وکیل و حامی آنها باشد؟! (109)

وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا (110)

کسی که کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند، سپس از خداوند طلب آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت. (110)

وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (111)

و کسی که گناهی مرتکب شود، به زیان خود مرتکب شده؛ خداوند، دانا و حکیم است. (111)

وَمَن يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (112)

و کسی که خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس بیگناهی را متهم سازد، بار بهتان و گناهِ آشکاری بر دوش گرفته است. (112)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيْءٍ وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا (113)

اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نبود، گروهی از آنان تصمیم داشتند تو را گمراه کنند؛ اما جز خودشان را گمراه نمی کنند؛ و هیچ گونه زیانی به تو نمی رسانند. و خداوند، کتاب و حکمت بر تو نازل کرد؛ و آنچه را نمی دانستی، به تو آموخت؛ و فضل خدا بر تو (همواره) بزرگ بوده است. (113)

لَّا خَيْرَ فِی كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (114)

در بسیاری از سخنانِ درِگوشی (و جلسات محرمانه) آنها، خیر و سودی نیست؛ مگر کسی که (به این وسیله،) امر به کمک به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم کند؛ و هر کس برای خشنودی پروردگار چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (114)

وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (115)

کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان راه که می رود می بریم؛ و به دوزخ داخل می کنیم؛ و جایگاه بدی دارد. (115)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (116)

خداوند، شرک به او را نمی آمرزد؛ (ولی) کمتر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می آمرزد. و هر کس برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی دوری افتاده است. (116)

إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا (117)

آنچه غیر از خدا می خوانند، فقط بتهایی است (بی روح)، که هیچ اثری ندارد؛ و (یا) شیطان سرکش و ویرانگر است. (117)

لَّعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (118)

خدا او را از رحمت خویش دور ساخته؛ و او گفته است: «از بندگان تو، سهم معیّنی خواهم گرفت! (118)

وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا (119)

و آنها را گمراه می کنم! و به آرزوها سرگرم می سازم! و به آنان دستور می دهم که (اعمال خرافی انجام دهند، و) گوش چهارپایان را بشکافند، و

آفرینشِ پاک خدایی را تغییر دهند! (و فطرت توحید را به شرک بیالایند!)» و هر کَس، شیطان را به جای خدا ولّیِ خود برگزیند، زیانِ آشکاری کرده است. (119)

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (120)

شیطان به آنها وعده ها (ی دروغین) می دهد؛ و به آرزوها، سرگرم می سازد؛ در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمی دهد. (120)

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا (121)

آنها [= پیروان شیطان] جایگاهشان جهنم است؛ و هیچ راه فراری ندارند. (121)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (122)

و کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند، بزودی آن را در باغهایی از بهشت وارد می کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند. وعده حق خداوند است و کیست که در گفتار و وعده هایش، از خدا صادقتر باشد؟! (122)

لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِىِّ أَهْلِ الْكِتَابِ مَن يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (123)

(فضیلت و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست؛ هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می شود؛ و کسی را جز خدا، ولّی و یاور خود نخواهد یافت. (123)

وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا (124)

و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می شوند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (124)

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (125)

دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و پیرو آیین خالص و پاکِ ابراهیم گردد؟ و خدا ابراهیم را به دوستیِ خود، انتخاب کرد. (125)

وَلِلَّهِ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ مُّحِيطًا (126)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست؛ و خداوند به هر چیزی احاطه دارد. (126)

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِى النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِى الْكِتَابِ فِى يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِى لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ

وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَن تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا (127)

از تو درباره حکم زنان سؤال می کنند؛ بگو: «خداوند درباره آنان به شما پاسخ می دهد: آنچه در قرآن درباره زنان یتیمی که حقوقشان را به آنها نمی دهید، و می خواهید با آنها ازدواج کنید، و نیز آنچه درباره کودکان صغیر و ناتوان برای شما بیان شده است، (قسمتی از سفارشهای خداوند در این زمینه می باشد؛ و نیز به شما سفارش می کند که) با یتیمان به عدالت رفتار کنید! و آنچه از نیکیها انجام می دهید؛ خداوند از آن آگاه است (و به شما پاداش شایسته می دهد). (127)

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِن بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (128)

و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراضِ شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره ای از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف نظر نماید.) و صلح، بهتر است؛ اگر چه مردم (طبق غریزه حبّ ذات، در این گونه موارد) بخل می ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید (و بخاطر صلح، گذشت نمایید)، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد). (128)

وَلَن تَسْتَطِيعُوا أَن تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِن تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (129)

شما هرگز نمی توانید (از نظر محّبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هر چند کوشش نمایید! ولی تمایل خود را بکلّی متوجّه یک طرف نسازید که دیگری را بصورت زنی که شوهرش را از دست داده درآورید! و اگر راه صلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است. (129)

وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا (130)

(اما) اگر (راهی برای اصلاح در میان خود نیابند، و) از هم جدا شوند، خداوند هر کدام از آنها را با فضل و کرم خود، بی نیاز می کند؛ و خداوند، دارای فضل و کرم، و حکیم است. (130)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا (131)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن خداست. و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آنها داده شده بود، سفارش کردیم، (همچنین) به شما (نیز) سفارش می کنیم که از (نافرمانی) خدا بپرهیزید! و اگر کافر شوید، (به خدا زیانی نمی رسد؛ زیرا) برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، و خداوند، بی نیاز و ستوده است. (131)

وَلِلّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَکَفَی بِاللّهِ وَکِیلاً (132)

برای خداست آنچه در آسمانها و زمین است؛ و کافی است که خدا، حافظ و نگاهبان آنها باشد. (132)

إِن یَشَأْ یُذْهِبْکُمْ أَیُّهَا النَّاسُ وَیَأْتِ بِآخَرِینَ وَکَانَ اللَّهُ عَلَی ذَلِکَ قَدِیرًا (133)

ای مردم! اگر او بخواهد، شما را از میان می برد و افراد دیگری را (به جای شما) می آورد، و خداوند، بر این کار تواناست. (133)

مَّن کَانَ یُرِیدُ ثَوَابَ الدُّنْیَا فَعِندَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ وَکَانَ اللَّهُ سَمِیعًا بَصِیرًا (134)

کسانی که پاداش دنیوی بخواهند، (و در قید نتایج معنوی و اخروی نباشند، در اشتباهند؛ زیرا) پاداش دنیا و آخرت نزد خداست؛ و خداوند، شنوا و بیناست. (134)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَى بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (135)

ای کسانی که ایمان آورده اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چرا که) اگر آنها غنیّ یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید؛ که از حق، منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (135)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (136)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب (آسمانی) که پیش از این فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید کسی که خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دور و درازی افتاده است. (136)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا (137)

کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، باز هم ایمان آوردند، و دیگربار کافر شدند، سپس بر کفر خود افزودند، خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید، و آنها را به راه (راست) هدایت نخواهد کرد. (137)

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (138)

به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنهاست! (138)

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ عِندَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (139)

همانها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می کنند. آیا عزّت و آبرو نزد آنان می جویند؟ با اینکه همه عزّتها از آن خداست؟! (139)

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِى الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِى حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِى جَهَنَّمَ جَمِيعًا (140)

و خداوند (این حکم را) در قرآن بر شما نازل کرده که هرگاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می کنند، با آنها ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند! وگرنه، شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ جمع می کند. (140)

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِن كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ وَإِن كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (141)

منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می کشند و مراقب شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنایم شریکیم!) «و اگر بهره ای نصیب کافران گردد، به آنان می گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!)» خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می کند؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلّطی نداده است. (141)

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاهِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (142)

منافقان می خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی خیزند، با کسالت برمی خیزند؛ و در برابر مردم ریا می کنند؛ و خدا را جز اندکی یاد نمی نمایند! (142)

مُّذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (143)

آنها افراد بی هدفی هستند که نه سوی اینها، و نه سوی آنهایند! (نه در صف مؤمنان قرار دارند، و نه در صف کافران!) و هر کس را خداوند گمراه کند، راهی برای او نخواهی یافت. (143)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَن تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (144)

ای کسانی که ایمان آورده اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولّی و تکیه گاه خود قرار ندهید! آیا می خواهید (با این عمل،) دلیل آشکاری بر ضدّ خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟! (144)

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِى الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا (145)

منافقان در پایین ترین درکات دوزخ قرار دارند؛ و هرگز یاوری برای آنها نخواهی یافت! (بنابر این، از طرح دوستی با دشمنان خدا، که نشانه نفاق است، بپرهیزید!) (145)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (146)

مگر آنها که توبه کنند، و جبران و اصلاح نمایند، به (دامن لطف) خدا، چنگ زنند، و دین خود را برای خدا خالص کنند؛ آنها با مؤمنان خواهند بود؛ و خداوند به افراد باایمان، پاداش عظیمی خواهد داد. (146)

مَّا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَآمَنتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا (147)

خدا چه نیازی به مجازات شما دارد اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید؟ خدا شکرگزار و آگاه است. (اعمال و نیّات شما را می داند، و به اعمال نیک، پاداش نیک می دهد.) (147)

جزء 6

ادامه سوره النساء

لَّا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَن ظُلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (148)

خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیها (ی دیگران) را اظهار کند؛ مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و داناست. (148)

إِن تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَن سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا (149)

اگر نیکیها را آشکار یا مخفی سازید، و از بدیها گذشت نمایید، خداوند بخشنده و تواناست (و با اینکه قادر بر انتقام است، عفو و گذشت می کند). (149)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (150)

کسانی که خدا و پیامبرانِ او را انکار می کنند، و می خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می گویند: «به بعضی ایمان می آوریم، و بعضی را انکار می کنیم» و می خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند... (150)

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (151)

آنها کافران حقیقی اند؛ و برای کافران، مجازات خوارکننده ای فراهم ساخته ایم. (151)

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (152)

(ولی) کسانی که به خدا و رسولان او ایمان آورده، و میان احدی از آنها فرق نمی گذارند، پاداششان را خواهد داد؛ خداوند، آمرزنده و مهربان است. (152)

يَسْأَلَكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَن تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِن ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَن ذَلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُّبِينًا (153)

اهل کتاب از تو می خواهند کتابی از آسمان (یکجا) بر آنها نازل کنی؛ (در حالی که این یک بهانه است؛) آنها از موسی، بزرگتر از این را خواستند، و گفتند: «خدا را آشکارا به ما نشان ده!» و بخاطر این ظلم و ستم، صاعقه آنها را فرا گرفت. سپس گوساله (سامری) را، پس از آن همه دلایل روشن که برای آنها آمد، (به خدایی) انتخاب کردند، ولی ما از آن درگذشتیم (و عفو کردیم) و به موسی، برهان آشکاری دادیم. (153)

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِى السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (154)

و کوه طور را بر فراز آنها برافراشتیم؛ و در همان حال از آنها پیمان گرفتیم، و به آنها گفتیم: «(برای توبه،) از در (بیت المقدس) با خضوع درآیید!» و (نیز) گفتیم: «روز شنبه تعدّی نکنید (و دست از کار بکشید!)» و از آنان (در برابر همه اینها،) پیمان محکمی گرفتیم. (154)

فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِم بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (155)

(ولی) بخاطر پیمان شکنی آنها، و انکار آیات خدا، و کشتن پیامبران بناحق، و بخاطر اینکه (از روی استهزا) می گفتند: «بر دلهای ما، پرده افکنده (شده و سخنان پیامبر را درک نمی کنیم!» رانده درگاه خدا شدند.) آری، خداوند بعلّت کفرشان، بر دلهای آنها مهر زده؛ که جز عده کمی (که راه حق می پویند و لجاج ندارند،) ایمان نمی آورند. (155)

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا (156)

و (نیز) بخاطر کفرشان، و تهمت بزرگی که بر مریم زدند. (156)

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا (157)

و گفتارشان که: «ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!» در حالی که نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند؛ لکن امر بر آنها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند؛ و قطعاً او را نکشتند! (157)

بَل رَّفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (158)

بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد. و خداوند، توانا و حکیم است. (158)

وَإِن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا (159)

و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگش به او [= حضرت مسیح] ایمان می آورد؛ و روز قیامت، بر آنها گواه خواهد بود. (159)

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا (160)

بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و (نیز) بخاطر جلوگیری بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم.

(160)

وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (161)

و (همچنین) بخاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند؛ و خوردن اموال مردم بباطل؛ و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده ایم. (161)

لَّكِنِ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْکَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِکَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِکَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا (162)

ولی راسخانِ در علم از آنها، و مؤمنان (از امّت اسلام،) به تمام آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان می آورند. (همچنین) نمازگزاران و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز قیامت، بزودی به همه آنان پاداش عظیمی خواهیم داد. (162)

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْکَ کَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (163)

ما به تو وحی فرستادیم؛ همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم؛ و (نیز) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [= بنی اسرائیل] و عیسی و ایّوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم؛ و به داوود زبور دادیم. (163)

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْکَ مِن قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْکَ وَکَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَکْلِيمًا (164)

و پیامبرانی که سرگذشت آنها را پیش از این، برای تو باز گفته ایم؛ و پیامبرانی که سرگذشت آنها را بیان نکرده ایم؛ و خداوند با موسی سخن گفت. (و این امتیاز، از آن او بود.) (164)

رُّسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَکُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَکَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَکِيمًا (165)

پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود؛) و خداوند، توانا و حکیم است. (165)

لَّکِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنزَلَ إِلَيْکَ أَنزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِکَةُ يَشْهَدُونَ وَکَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (166)

ولی خداوند گواهی می دهد به آنچه بر تو نازل کرده؛ که از روی علمش نازل کرده است، و فرشتگان (نیز) گواهی می دهند؛ هر چند گواهی خدا کافی است. (166)

إِنَّ الَّذِينَ کَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا (167)

کسانی که کافر شدند، و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، در گمراهی دوری گرفتار شده اند. (167)

إِنَّ الَّذِينَ کَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَکُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا (168)

کسانی که کافر شدند، و (به خود و دیگران) ستم کردند، هرگز خدا آنها را نخواهد بخشید، و آنان را به هیچ راهی هدایت نخواهد کرد، (168)

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (169)

مگر به راه دوزخ! که جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این کار برای خدا آسان است! (169)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِن رَّبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَّكُمْ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (170)

ای مردم! پیامبر (ی که انتظارش را می کشیدید،) حق را از جانب پروردگارتان آورد؛ به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است! و اگر کافر شوید، (به خدا زیانی نمی رسد، زیرا) آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، و خداوند، دانا و حکیم است. (170)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِی دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَن يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَّهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (171)

ای اهل کتاب! در دین خود، غلوّ (و زیاده روی) نکنید! و در باره خدا، غیر از حق نگویید! مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا، و کلمه (و مخلوق) اوست، که او را به مریم القا نمود؛ و روحی (شایسته) از طرف او بود. بنابر این، به خدا و پیامبران او، ایمان بیاورید! و نگویید: «(خداوند) سه گانه است!» (از این سخن) خودداری کنید که برای شما بهتر است! خدا، تنها معبود یگانه است؛ او منزه است که فرزندی داشته باشد؛ (بلکه) از آن اوست آنچه در آسمانها و در زمین است؛ و برای تدبیر و سرپرستی آنها، خداوند کافی است. (171)

لَّن يَسْتَنكِفَ الْمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبْدًا لِّلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَن يَسْتَنكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (172)

هرگز مسیح از این ابا نداشت که بنده خدا باشد؛ و نه فرشتگان مقرّب او (از این ابا دارند). و آنها که از عبودیّت و بندگی او، روی برتابند و تکبّر کنند، بزودی همه آنها را (در قیامت) نزد خود جمع خواهد کرد. (172)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (173)

امّا آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پاداششان را بطور کامل خواهد داد؛ و از فضل و بخشش خود، بر آنها خواهد افزود. و آنها را که ابا کردند و تکبّر ورزیدند، مجازات دردناکی خواهد کرد؛ و برای خود، غیر از خدا، سرپرست و یاوری نخواهند یافت. (173)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا (174)

ای مردم! دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم. (174)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلَهُمْ فِی رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطاً مُّسْتَقِيمًا (175)

امّا آنها که به خدا ایمان آوردند و به (آن کتاب آسمانی) چنگ زدند، بزودی همه را در رحمت و فضل خود، وارد خواهد ساخت؛ و در راه راستی، به سوی خودش هدایت می کند. (175)

ص: 105

يَسْتَفْتُونَکَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِی الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَکَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَکَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِن لَّمْ يَكُن لَّهَا وَلَدٌ فَإِن كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَکَ وَإِن كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِيمٌ (176)

از تو (در باره ارث خواهران و برادران) سؤال می کنند، بگو: «خداوند، حکم کلاله (خواهر و برادر) را برای شما بیان می کند: اگر مردی از دنیا برود، که فرزند نداشته باشد، و برای او خواهری باشد، نصف اموالی را که به جا گذاشته، از او (ارث) می برد؛ و (اگر خواهری از دنیا برود، وارث او یک برادر باشد،) او تمام مال را از آن خواهر به ارث می برد، در صورتی که (میّت) فرزند نداشته باشد؛ و اگر دو خواهر (از او) باقی باشند دو سوم اموال را می برند؛ و اگر برادران و خواهران با هم باشند، (تمام اموال را میان خود تقسیم می کنند؛ و) برای هر مذکّر، دو برابر سهم مؤنّث است. خداوند (احکام خود را) برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید؛ و خداوند به همه چیز داناست.» (176)

سوره المائده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُم بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّی الصَّيْدِ وَأَنتُمْ حُرُمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (1)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمانها (و قراردادها) وفا کنید! چهارپایان (و جنین آنها) برای شما حلال شده است؛ مگر آنچه بر شما خوانده می شود (و استثنا خواهد شد). و به هنگام احرام، صید را حلال نشمرید! خداوند هر چه بخواهد (و مصلحت باشد) حکم می کند. (1)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْیَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّينَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (2)

ای کسانی که ایمان آورده اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به

دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صیدکردن برای شما مانعی ندارد. و خصومت با جمعیّتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدّی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدّی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است! (2)

ص: 106

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَن تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِّإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (3)

گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده -مگر آنکه (بموقع به آن حیوان برسید، و) آن را سرببرید- و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می شوند، (همه) بر شما حرام شده است؛ و (همچنین) قسمت کردن گوشت حیوان به وسیله چوبه های تیر مخصوص بخت آزمایی؛ تمام این اعمال، فسق و گناه است -امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابر این، از آنها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم- امّا آنها که در حال گرسنگی، دستشان به غذای دیگری نرسد، و متمایل به گناه نباشند، (مانعی ندارد که از گوشتهای ممنوع بخورند؛) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (3)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (4)

از تو سؤال می کنند چه چیزهایی برای آنها حلال شده است؟ بگو: «آنچه پاکیزه است، برای شما حلال گردیده؛ (و نیز صید) حیوانات شکاری و سگهای آموخته (و تربیت یافته) که از آنچه خداوند به شما تعلیم داده به آنها یاد داده اید، (بر شما حلال است؛) پس، از آنچه این حیوانات برای شما (صید می کنند و) نگاه می دارند، بخورید؛ و نام خدا را (به هنگام فرستادن حیوان برای شکار،) بر آن ببرید؛ و از (معصیت) خدا بپرهیزید که خداوند سریع الحساب است!» (4)

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَّهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن

قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِی أَخْدَانٍ وَمَن يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (5)

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده؛ و (همچنین) طعام اهل کتاب، برای شما حلال است؛ و طعام شما برای آنها حلال؛ و (نیز) زنان پاکدامن از مسلمانان، و زنان پاکدامن از اهل کتاب، حلالند؛ هنگامی که مهر آنها را بپردازید و پاکدامن باشید؛ نه زناکار، و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید. و کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می گردد؛ و در سرای دیگر، از زیانکاران خواهد بود. (5)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِن كُنتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِن كُنتُم مَّرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُم مِّنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ وَلَكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (6)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که به نماز می ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا مفصل [= برآمدگی پشت پا] مسح کنید! و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید)! و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [= قضای حاجت کرده]، یا با زنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید! و از آن، بر صورت [= پیشانی] و دستها بکشید! خداوند نمی خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ شاید شکر او را بجا آورید! (6)

وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُم بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (7)

و به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، و پیمانی را که با تأکید از شما گرفت، آن زمان که گفتید: «شنیدیم و اطاعت کردیم»! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که خدا، از آنچه درون سینه هاست، آگاه است! (7)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (8)

ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیّتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می دهید، با خبر است! (8)

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (9)

خداوند، به آنها که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است. (9)

ص: 108

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (10)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل دوزخند. (10)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (11)

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمتی را که خدا به شما بخشید، به یاد آورید؛ آن زمان که جمعی (از دشمنان)، قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند (و شما را از میان بردارند)، اما خدا دست آنها را از شما باز داشت! از خدا بپرهیزید! و مؤمنان باید تنها بر خدا توکّل کنند! (11)

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنتُم بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (12)

خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت. و از آنها، دوازده نقیب [= سرپرست] برانگیختیم. و خداوند (به آنها) گفت: «من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسن بدهید [= در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می پوشانم [= می بخشم]؛ و شما را در باغهایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است. (12)

فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (13)

ولی بخاطر پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم؛ و دلهای آنان را سخت و سنگین نمودیم؛ سخنان (خدا) را از موردش تحریف می کنند؛ و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند؛ و هر زمان، از خیانتی (تازه) از آنها آگاه می شوی، مگر عده کمی از آنان؛ ولی از آنها درگذر و صرف نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد! (13)

ص: 109

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (14)

و از کسانی که ادّعای نصرانیّت (و یاری مسیح) داشتند (نیز) پیمان گرفتیم؛ ولی آنها قسمت مهمّی را از آنچه به آنان تذکّر داده شده بود فراموش کردند؛ از این رو در میان آنها، تا دامنه قیامت، عداوت و دشمنی افکندیم. و خداوند، (در قیامت) آنها را از آنچه انجام می دادند (و نتایج آن)، آگاه خواهد ساخت. (14)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُم مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ (15)

ای اهل کتاب! پیامبر ما، که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می کردید روشن می سازد، به سوی شما آمد؛ و از بسیاری از آن، (که فعلاً افشای آن مصلحت نیست،) صرف نظر می نماید. (آری،) از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. (15)

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (16)

خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه های سلامت، هدایت می کند؛ و به فرمان خود، از تاریکیها به سوی روشنایی می برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می نماید. (16)

لَّقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَن يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (17)

آنها که گفتند: «خدا، همان مسیح بن مریم است»، بطور مسلّم کافر شدند؛ بگو: «اگر خدا بخواهد مسیح بن مریم و مادرش و همه کسانی را که روی زمین هستند هلاک کند، چه کسی می تواند جلوگیری کند؟ (آری،) حکومت آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد از آن خداست؛ هر چه بخواهد، می آفریند؛ (حتّی انسانی بدون پدر، مانند مسیح؛) و او، بر هر چیزی تواناست.» (17)

ص: 110

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُم بَلْ أَنتُم بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (18)

یهود و نصاری گفتند: «ما، فرزندان خدا و دوستان (خاصّ) او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می کند؟! بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقاتی که آفریده؛ هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می بخشد؛ و هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)، مجازات می کند؛ و حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، از آن اوست؛ و بازگشت همه موجودات، به سوی اوست.» (18)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُم بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (19)

ای اهل کتاب! رسول ما، پس از فاصله و فترتی میان پیامبران، به سوی شما آمد؛ در حالی که حقایق را برای شما بیان می کند؛ تا مبادا (روز قیامت) بگویید: «نه بشارت دهنده ای به سراغ ما آمد، و نه بیم دهنده ای»! (هم اکنون، پیامبر) بشارت دهنده و بیم دهنده، به سوی شما آمد! و خداوند بر همه چیز تواناست. (19)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنبِيَاءَ وَجَعَلَكُم مُّلُوكًا وَآتَاكُم مَّا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ (20)

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! نعمت خدا را بر خود متذکّر شوید هنگامی که در میان شما، پیامبرانی قرار داد؛ (و زنجیر بندگی و اسارت فرعونی را شکست) و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد؛ و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود! (20)

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِى كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ (21)

ای قوم! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما مقرّر داشته، وارد شوید! و به پشت سر خود بازنگردید (و عقب گرد نکنید) که زیانکار خواهید بود!» (21)

قَالَوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ (22)

گفتند: «ای موسی! در آن (سرزمین)، جمعیّتی (نیرومند و) ستمگرند؛ و ما هرگز وارد آن نمی شویم تا آنها از آن خارج شوند؛ اگر آنها از آن خارج شوند، ما وارد خواهیم شد!» (22)

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (23)

(ولی) دو نفر از مردانی که از خدا می ترسیدند، و خداوند به آنها، نعمت (عقل و ایمان و شهامت) داده بود، گفتند: «شما وارد دروازه شهر آنان شوید! هنگامی که وارد شدید، پیروز خواهید شد. و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید!» (23)

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَّا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّکَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (24)

(بنی اسرائیل) گفتند: «ای موسی! تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همینجا نشسته ایم»! (24)

قَالَ رَبِّ إِنِّی لَا أَمْلِکُ إِلَّا نَفْسِی وَأَخِی فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (25)

(موسی) گفت: «پروردگارا! من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم، میان ما و این جمعیّت گنهکار، جدایی بیفکن!» (25)

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِی الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (26)

خداوند (به موسی) فرمود: «این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)؛ پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان خواهند بود؛ و در باره (سرنوشت) این جمعیّت گنهکار، غمگین مباش!» (26)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَیْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّکَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (27)

و داستان دو فرزند آدم را بحقّ بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرّب (به پروردگار) انجام دادند؛ امّا از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد؛ (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: «(من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد! (27)

لَئِن بَسَطتَ إِلَیَّ يَدَکَ لِتَقْتُلَنِی مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِیَ إِلَيْکَ لِأَقْتُلَکَ إِنِّی أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (28)

اگر تو برای کشتن من، دست دراز کنی، من هرگز به قتل تو دست نمی گشایم، چون از پروردگار جهانیان می ترسم! (28)

إِنِّی أُرِیدُ أَن تَبُوءَ بِإِثْمِی وَإِثْمِکَ فَتَکُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِکَ جَزَاءُ الظَّالِمِینَ (29)

من می خواهم تو با گناه من و خودت (از این عمل) بازگردی (و بار هر دو گناه را به دوش کشی)؛ و از دوزخیان گردی. و همین است سزای ستمکاران! (29)

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِیهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِینَ (30)

نفس سرکش، کم کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد؛ (سرانجام) او را کشت؛ و از زیانکاران شد. (30)

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا یَبْحَثُ فِی الْأَرْضِ لِیُرِیَهُ کَیْفَ یُوَارِی سَوْءَةَ أَخِیهِ قَالَ یَا وَیْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَکُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِیَ سَوْءَةَ أَخِی فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِینَ (31)

سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین، جستجو (و کندوکاو) می کرد؛ تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: «وای بر من! آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟!» و سرانجام (از ترس رسوایی، و بر اثر فشار وجدان، از کار خود) پشیمان شد. (31)

مِنْ أَجْلِ ذَلِکَ کَتَبْنَا عَلَى بَنِی إِسْرَائِیلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَیْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِی الْأَرْضِ فَکَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِیعًا وَمَنْ أَحْیَاهَا فَکَأَنَّمَا أَحْیَا النَّاسَ جَمِیعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَیِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ کَثِیرًا مِّنْهُم بَعْدَ ذَلِکَ فِی الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (32)

به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرّر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. و رسولان ما، دلایل روشن برای بنی اسرائیل آوردند، اما بسیاری از آنها، پس از آن در روی زمین، تعدّی و اسراف کردند. (32)

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِینَ یُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَیَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَسَادًا أَن یُقَتَّلُوا أَوْ یُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَیْدِیهِمْ وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلَافٍ أَوْ یُنفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِکَ لَهُمْ خِزْیٌ فِی الدُّنْیَا وَلَهُمْ فِی الْآخِرَهِ عَذَابٌ عَظِیمٌ (33)

کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند،) فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، بعکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند. (33)

إِلَّا الَّذِینَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُوا عَلَیْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (34)

مگر آنها که پیش از دست یافتن شما بر آنان، توبه کنند؛ پس بدانید (خدا توبه آنها را می پذیرد؛) خداوند آمرزنده و مهربان است. (34)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ وَجَاهِدُوا فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (35)

ای کسانی که ایمان آورده اید ! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید ! و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید ! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید ! (35)

إِنَّ الّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَهِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (36)

بیقین کسانی که کافر شدند، اگر تمام آنچه روی زمین است و همانند آن، مال آنها باشد و همه آن را برای نجات از کیفر روز قیامت بدهند، از آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و مجازات دردناکی خواهند داشت. (36)

ص: 113

يُرِيدُونَ أَن يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُم بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (37)

پیوسته می خواهند از آتش خارج شوند، ولی نمی توانند از آن خارج گردند؛ و برای آنها مجازاتی پایدار است. (37)

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (38)

دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده اند، بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است. (38)

فَمَن تَابَ مِن بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (39)

اما آن کس که پس از ستم کردن، توبه و جبران نماید، خداوند توبه او را می پذیرد؛ (و از این مجازات؛ معاف می شود، زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (39)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (40)

آیا نمی دانی که حکومت و فرمانروائی آسمانها و زمین از آن خداست؟ هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)، کیفر می کند؛ و هر کس را بخواهد و شایسته بداند، می بخشد؛ و خداوند بر هر چیزی قادر است. (40)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِى الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِن بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَن يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَن تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَن يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِى الدُّنْيَا خِزْىٌ وَلَهُمْ فِى الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (41)

ای فرستاده (خدا)! آنها که در مسیر کفر شتاب می کنند و با زبان می گویند: «ایمان آوردیم» و قلب آنها ایمان نیاورده، تو را اندوهگین نسازند! و (همچنین) گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند؛ آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که

خودشان نزد تو نیامده اند؛ آنها سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می کنند، و (به یکدیگر) می گویند: «اگر این (که ما می خواهیم) به شما داده شد (و محمد بر طبق خواسته شما داوری کرد،) بپذیرید، وگرنه (از او) دوری کنید!» (ولی) کسی را که خدا (بر اثر گناهان پی درپی او) بخواهد مجازات کند، قادر به دفاع از او نیستی؛ آنها کسانی هستند که خدا نخواسته دلهایشان را پاک کند؛ در دنیا رسوایی، و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد. (41)

سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِن جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِن تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (42)

آنها بسیار به سخنان تو گوش می دهند تا آن را تکذیب کنند؛ مال حرام فراوان می خورند؛ پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) آنها را به حال خود واگذار! و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی رسانند؛ و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد! (42)

وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِندَهُمُ التَّوْرَاةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (43)

چگونه تو را به داوری می طلبند؟! در حالی که تورات نزد ایشان است؛ و در آن، حکم خدا هست. (وانگهی) پس از داوری خواستن از حکم تو، (چرا) روی می گردانند؟! آنها مؤمن نیستند. (43)

إِنَّا أَنزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِن كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (44)

ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هدایت و نور بود؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می کردند؛ و (همچنین) علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می نمودند. بنابر این، (بخاطر داوری بر طبق آیات الهی،) از مردم نهراسید! و از من بترسید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرند. (44)

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنفَ بِالْأَنفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (45)

و بر آنها [= بنی اسرائیل] در آن [= تورات]، مقرر داشتیم که جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در

مقابل گوش، و دندان در برابر دندان می باشد؛ و هر زخمی، قصاص دارد؛ و اگر کسی آن را ببخشد (و از قصاص، صرف نظر کند)، کفاره (گناهان) او محسوب می شود؛ و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است. (45)

وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاهِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاهِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (46)

و بدنبال آنها [= پیامبران پیشین]، عیسی بن مریم را فرستادیم در حالی که کتاب تورات را که پیش از او فرستاده شده بود تصدیق داشت؛ و انجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نور بود؛ و (این کتاب آسمانی نیز) تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می کرد؛ و هدایت و موعظه ای برای پرهیزگاران بود. (46)

وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (47)

اهل انجیل [= پیروان مسیح] نیز باید به آنچه خداوند در آن نازل کرده حکم کنند! و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی کنند، فاسقند. (47)

وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (48)

و این کتاب [= قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست؛ پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن! از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن! و از احکام الهی، روی مگردان! ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه روشنی قرار دادیم؛ و اگر خدا می خواست، همه شما را امت واحدی قرارمی داد؛ ولی خدا می خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد). پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جویید! بازگشت همه شما، به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می کردید؛ به شما خبر خواهد داد. (48)

وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَن بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (49)

و در میان آنها [= اهل کتاب]، طبق آنچه خداوند نازل کرده، داوری کن! و از هوسهای آنان پیروی مکن! و از آنها برحذر باش، مبادا تو را از بعض احکامی که خدا بر تو نازل کرده، منحرف سازند! و اگر آنها (از حکم و داوری تو)، روی گردانند، بدان که خداوند می خواهد آنان را بخاطر پاره ای از گناهانشان مجازات کند؛ و بسیاری از مردم فاسقند. (49)

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّهِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (50)

آیا آنها حکم جاهلیّت را (از تو) می خواهند؟! و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می کند؟! (50)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (51)

ای کسانی که ایمان آورده اید! یهود و نصاری را ولّی (و دوست و تکیه گاه خود،) انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند؛ خداوند، جمعیّت ستمکار را هدایت نمی کند (51)

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَن تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِندِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسَرُّوا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ (52)

(ولی) کسانی را که در دلهایشان بیماری است می بینی که در (دوستی با آنان)، بر یکدیگر پیشی می گیرند، و می گویند: «می ترسیم حادثه ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم!)» شاید خداوند پیروزی یا حادثه دیگری از سوی خود (به نفع مسلمانان) پیش بیاورد؛ و این دسته، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند! (52)

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ (53)

آنها که ایمان آورده اند می گویند: «آیا این (منافقان) همانها هستند که با نهایت تأکید سوگند یاد کردند که با شما هستند؟! (چرا کارشان به اینجا رسید؟!)» (آری،) اعمالشان نابود گشت، و زیانکار شدند. (53)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (54)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زیانی نمی رساند؛ خداوند جمعیّتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آنها در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست. (54)

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّهُ وَرَسُولَهُ وَالّذِينَ آمَنُوا الّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (55)

سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند. (55)

وَمَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (56)

و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند؛ (زیرا) حزب و جمعیّت خدا پیروز است. (56)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (57)

ای کسانی که ایمان آورده اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می گیرند -از اهل کتاب و مشرکان- ولیّ خود انتخاب نکنید؛ و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید! (57)

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ (58)

آنها هنگامی که (اذان می گویید، و مردم را) به نماز فرا می خوانید، آن را به مسخره و بازی می گیرند؛ این بخاطر آن است که آنها جمعی نابخردند. (58)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ (59)

بگو: «ای اهل کتاب! آیا به ما خرده می گیرید؟ (مگر ما چه کرده ایم) جز اینکه به خداوند یگانه، و به آنچه بر ما نازل شده، و به آنچه پیش از این نازل گردیده، ایمان آورده ایم. و این، بخاطر آن است که بیشتر شما، از راه حق، خارج شده اید.» (59)

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَلِكَ مَثُوبَةً عِندَ اللَّهِ مَن لَّعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ (60)

بگو: «آیا شما را از کسانی که موقعیّت و پاداششان نزد خدا بدتر از این است، با خبر کنم؟ کسانی که خداوند آنها را از رحمت خود دور ساخته، و مورد خشم قرار داده، (و مسخ کرده،) و از آنها، میمونها و خوکهایی قرار داده، و پرستش بت کرده اند؛ موقعیّت و محل آنها، بدتر است؛ و از راه راست، گمراهترند.» (60)

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَد دَّخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ (61)

هنگامی که نزد شما می آیند، می گویند: «ایمان آورده ایم!» (امّا) با کفر وارد می شوند، و با کفر خارج می گردند؛ و خداوند، از آنچه کتمان می کردند، آگاهتر است! (61)

وَتَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (62)

بسیاری از آنان را می بینی که در گناه و تعدّی، و خوردن مال حرام، شتاب می کنند! چه زشت است کاری که انجام می دادند! (62)

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (63)

چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی کنند؟! چه زشت است عملی که انجام می دادند! (63)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِى الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (64)

و یهود گفتند: «دست خدا (با زنجیر) بسته است.» دستهایشان بسته باد! و بخاطر این سخن، از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است؛ هرگونه بخواهد، می بخشد! ولی این آیات، که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می افزاید. و ما در میان آنها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکندیم. هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت؛ و برای فساد در زمین، تلاش می کنند؛ و خداوند، مفسدان را دوست ندارد. (64)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (65)

و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آنها را می بخشیم؛ و آنها را در باغهای پرنعمت بهشت، وارد می سازیم. (65)

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِم مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِم مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (66)

و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده [= قرآن] برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد؛ جمعی از آنها، معتدل و میانه رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می دهند. (66)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (67)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد؛ و خداوند، جمعیّت کافران (لجوج) را هدایت نمی کند. (67)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (68)

ای اهل کتاب! شما هیچ آیین صحیحی ندارید، مگر اینکه تورات و انجیل و آنچه را از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده است، برپا دارید. ولی آنچه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده، (نه تنها مایه بیداری آنها نمی گردد، بلکه) بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می افزاید. بنابر این، از این قوم کافر، (و مخالفت آنها،) غمگین مباش! (68)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (69)

آنها که ایمان آورده اند، و یهود و صابئان و مسیحیان، هرگاه به خداوند یگانه و روز جزا، ایمان بیاورند، و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین خواهند شد. (69)

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ (70)

ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم؛ و رسولانی به سوی آنها فرستادیم؛ (ولی) هر زمان پیامبری حکمی بر خلاف هوسها و دلخواه آنها می آورد، عده ای را تکذیب می کردند؛ و عده ای را می کشتند. (70)

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (71)

گمان کردند مجازاتی در کار نخواهد بود! از این رو (از دیدن حقایق و شنیدن سخنان حق،) نابینا و کر شدند؛ سپس (بیدار گشتند، و) خداوند توبه آنها را پذیرفت، دیگربار (در خواب غفلت فرو رفتند، و) بسیاری از آنها کور و کر شدند؛ و خداوند، به آنچه انجام می دهند، بیناست. (71)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (72)

آنها که گفتند: «خداوند همان مسیح بن مریم است»، بیقین کافر شدند، (با اینکه خود) مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خداوند یگانه را، که پروردگار من و شماست، پرستش کنید! زیرا هر کس شریکی برای خدا قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده است؛ و جایگاه او دوزخ است؛ و ستمکاران، یار و یاوری ندارند. (72)

لَّقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (73)

آنها که گفتند: «خداوند، یکی از سه خداست» (نیز) بیقین کافر شدند؛ معبودی جز معبود یگانه نیست؛ و اگر از آنچه می گویند دست بر ندارند، عذاب دردناکی به کافران آنها (که روی این عقیده ایستادگی کنند،) خواهد رسید. (73)

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (74)

آیا به سوی خدا بازنمی گردند، و از او طلب آمرزش نمی کنند؟ (در حالی که) خداوند آمرزنده مهربان است. (74)

مَّا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (75)

مسیح فرزند مریم، فقط فرستاده (خدا) بود؛ پیش از وی نیز، فرستادگان دیگری بودند، مادرش، زن بسیار راستگویی بود؛ هر دو، غذا می خوردند؛ (با

این حال، چگونه دعوی الوهیّت مسیح و پرستش مریم را دارید؟!) بنگر چگونه نشانه را برای آنها آشکار می سازیم! سپس بنگر چگونه از حق بازگردانده می شوند! (75)

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (76)

بگو: «آیا جز خدا چیزی را می پرستید که مالک سود و زیان شما نیست؟! و خداوند، شنوا و داناست.» (76)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُواْ فِی دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ (77)

بگو: «ای اهل کتاب! در دین خود، غلوّ (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگویید! و از هوسهای جمعیّتی که پیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید!» (77)

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن بَنِی إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ (78)

کافران بنی اسرائیل، بر زبان داوود و عیسی بن مریم، لعن (و نفرین) شدند! این بخاطر آن بود که گناه کردند، و تجاوز می نمودند. (78)

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (79)

آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند، یکدیگر را نهی نمی کردند؛ چه بدکاری انجام می دادند! (79)

تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِی الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (80)

بسیاری از آنها را می بینی که کافران (و بت پرستان) را دوست می دارند (و با آنها طرح دوستی می ریزند)؛ نفس (سرکش) آنها، چه بد اعمالی از پیش برای (معاد) آنها فرستاد! که نتیجه آن، خشم خداوند بود؛ و در عذاب (الهی) جاودانه خواهند ماند. (80)

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِیِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (81)

و اگر به خدا و پیامبر (ص) و آنچه بر او نازل شده، ایمان می آوردند، (هرگز) آنان [= کافران] را به دوستی اختیار نمی کردند؛ ولی بسیاری از آنها فاسقند. (81)

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُواَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِکَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (82)

بطور مسلّم، دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می یابی که می گویند: «ما نصاری هستیم»؛ این بخاطر آن است که در میان آنها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند؛ و آنها (در برابر حق) تکبّر نمی ورزند. (82)

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (83)

و هر زمان آیاتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشمهای آنها را می بینی که (از شوق،) اشک می ریزد، بخاطر حقیقتی که دریافته اند؛ آنها می گویند: «پروردگارا! ایمان آوردیم؛ پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس! (83)

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (84)

چرا ما به خدا و آنچه از حق به ما رسیده است، ایمان نیاوریم، در حالی که آرزو داریم پروردگارمان ما را در زمره صالحان قرار دهد؟!» (84)

فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (85)

خداوند بخاطر این سخن، به آنها باغهایی از بهشت پاداش داد که از زیر درختانش، نهرها جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است جزای نیکوکاران! (85)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (86)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، همانها اهل دوزخند. (86)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (87)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید! و از حدّ، تجاوز ننمایید! زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی دارد. (87)

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِى أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ (88)

و از نعمتهای حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید! و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید! (88)

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّهُ بِاللّغْوِ فِی أَيْمَانِكُمْ وَلَكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (89)

خداوند شما را بخاطر سوگندهای بیهوده (و خالی از اراده،) مؤاخذه نمی کند؛ ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده اید، مؤاخذه می نماید. کفاره این گونه قسمها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده خود می دهید؛ یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر؛ و یا آزاد کردن یک برده؛ و کسی که هیچ کدام از اینها را نیابد، سه روز روزه می گیرد؛ این، کفاره سوگندهای شماست به هنگامی که سوگند یاد می کنید (و مخالفت می نمایید). و سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید!) خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند، شاید شکر او را بجا آورید! (89)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (90)

ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بتها و ازلام [= نوعی بخت آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید! (90)

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِی الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ (91)

شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید،) خودداری خواهید کرد؟! (91)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (92)

اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید! و (از مخالفت فرمان او) بترسید! و اگر روی برگردانید، (مستحق مجازات خواهید بود؛ و) بدانید بر پیامبر ما، جز ابلاغ آشکار، چیز دیگری نیست (و این وظیفه را در برابر شما، انجام داده است). (92)

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوا وَّآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوا وَّآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوا وَّأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (93)

بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، گناهی در آنچه خورده اند نیست؛ (و نسبت به نوشیدن شراب، قبل از نزول حکم تحریم، مجازات نمی شوند؛) اگر تقوا پیشه کنند، و ایمان بیاورند، و اعمال صالح انجام دهند؛ سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند؛ سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند. و خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد. (93)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَىْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (94)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خداوند شما را به چیزی از شکار که (به نزدیکی شما می آید، بطوری که) دستها و نیزه هایتان به آن می رسد، می آزماید؛ تا معلوم شود چه کسی باایمان به غیب، از خدا می ترسد؛ و هر کس بعد از آن تجاوز کند، مجازات دردناکی خواهد داشت. (94)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنتُمْ حُرُمٌ وَمَن قَتَلَهُ مِنكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (95)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال احرام، شکار نکنید، و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفاره ای معادل آن از چهارپایان بدهد؛ کفاره ای که دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند؛ و به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسد؛ یا (به جای قربانی،) اطعام مستمندان کند؛ یا معادل آن، روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد. خداوند گذشته را عفو کرده، ولی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می گیرد؛ و خداوند، توانا و صاحب انتقام است. (95)

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِى إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (96)

صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است؛ تا (در حال احرام) از آن بهره مند شوید؛ ولی مادام که محرم هستید، شکار صحرا برای شما حرام است؛ و از (نافرمانی) خدایی که به سوی او محشور می شوید، بترسید! (96)

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْىَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ (97)

خداوند، کعبه -بیت الحرام- را وسیله ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده؛ و همچنین ماه حرام، و قربانیهای بی نشان، و قربانیهای نشاندار را؛ این گونه احکام (حساب شده و دقیق،) بخاطر آن است که بدانید خداوند، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، می داند؛ و خدا به هر چیزی داناست. (97)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (98)

بدانید خدا دارای مجازات شدید، و (در عین حال) آمرزنده و مهربان است. (98)

مَّا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (99)

پیامبر وظیفه ای جز رسانیدن پیام (الهی) ندارد؛ (و مسؤول اعمال شما نیست). و خداوند آنچه را آشکار، و آنچه را پنهان می دارید می داند. (99)

قُل لَّا يَسْتَوِى الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِى الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (100)

بگو: «(هیچ گاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند؛ هر چند فزونی ناپاکها، تو را به شگفتی اندازد! از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید! (100)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِن تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (101)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می کند! و اگر به هنگام نزول قرآن، از آنها سؤال کنید، برای شما آشکار می شود؛ خداوند آنها را بخشیده (و نادیده گرفته) است. و خداوند، آمرزنده و بردبار است. (101)

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ (102)

جمعی از پیشینیان شما، از آن سئوال کردند؛ و سپس با آن به مخالفت برخاستند. (ممکن است شما هم چنین سرنوشتی پیدا کنید.) (102)

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِن بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (103)

خداوند هیچ گونه «بحیره» و «سائبه» و «وصیله» و «حام» قرار نداده است [اشاره به چهار نوع از حیوانات اهلی است که در زمان جاهلیت، استفاده از آنها را بعللی حرام می دانستند؛ و این بدعت، در اسلام ممنوع شد.] ولی کسانی که کافر شدند، بر خدا دروغ می بندند؛ و بیشتر آنها نمی فهمند! (103)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (104)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید!»، می گویند: «آنچه از پدران خود یافته ایم، ما را بس است!»؛ آیا اگر پدران آنها چیزی نمی دانستند، و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می کنند)؟! (104)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (105)

ای کسانی که ایمان آورده اید! مراقب خود باشید! اگر شما هدایت یافته اید، گمراهی کسانی که گمراه شده اند، به شما زیانی نمی رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ و شما را از آنچه عمل می کردید، آگاه می سازد. (105)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُم مُّصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِن بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الْآثِمِينَ (106)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در موقع وصیت باید از میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبد؛ یا اگر مسافرت کردید، و مصیبت مرگ شما فرا رسید، (و در آن جا مسلمانی نیافتید،) دو نفر از غیر خودتان را به گواهی بطلبید، و اگر به هنگام ادای شهادت، در صدق آنها شک کردید، آنها را بعد از نماز نگاه می دارید تا سوگند یاد کنند که: «ما حاضر نیستیم حق را به چیزی بفروشیم، هر چند در مورد خویشاوندان ما باشد! و شهادت الهی را کتمان نمی کنیم، که از گناهکاران خواهیم بود!» (106)

فَإِنْ عُثِرَ عَلَى أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلَيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِن شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ (107)

و اگر اطلاعی حاصل شود که آن دو، مرتکب گناهی شده اند (و حق را کتمان کرده اند)، دو نفر از کسانی که نسبت به میت، اولی هستند، به جای

آنها قرار می گیرند، و به خدا سوگند یاد می کنند که: «گواهی ما، از گواهی آن دو، به حق نزدیکتر است! و ما تجاوزی نکرده ایم؛ که اگر چنین کرده باشیم، از ظالمان خواهیم بود!» (107)

ذَلِکَ أَدْنَی أَن یَأْتُوا بِالشَّهَادَهِ عَلَی وَجْهِهَا أَوْ یَخَافُوا أَن تُرَدَّ أَیْمَانٌ بَعْدَ أَیْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفَاسِقِینَ (108)

این کار، نزدیکتر است به اینکه گواهی بحق دهند، (و از خدا بترسند،) و یا (از مردم) بترسند که (دروغشان فاش گردد، و) سوگندهایی جای سوگندهای آنها را بگیرد. از (مخالفت) خدا بپرهیزید، و گوش فرا دهید! و خداوند، جمعیّت فاسقان را هدایت نمی کند. (108)

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّکَ أَنتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (109)

(از) روزی (بترسید) که خداوند، پیامبران را جمع می کند، و به آنها می گوید: «(در برابر دعوت شما،) چه پاسخی به شما داده شد؟»، می گویند: «ما چیزی نمی دانیم؛ تو خود، از همه اسرار نهان آگاهی.» (109)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْکَ وَعَلَى وَالِدَتِکَ إِذْ أَيَّدتُّکَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُکَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنکَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (110)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: «یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدم! زمانی که تو را با» روح القدس «تقویت کردم؛ که در گاهواره و به هنگام بزرگی، با مردم سخن می گفتی؛ و هنگامی که کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو آموختم؛ و هنگامی که به فرمان من، از گل چیزی بصورت پرنده می ساختی، و در آن می دمیدی، و به فرمان من، پرنده ای می شد؛ و کور مادرزاد، و مبتلا به بیماری پیسی را به فرمان من، شفا می دادی؛ و مردگان را (نیز) به فرمان من زنده می کردی؛ و هنگامی که بنی اسرائیل را از آسیب رساندن به تو، بازداشتم؛ در آن موقع که دلایل روشن برای آنها آوردی، ولی جمعی از کافران آنها گفتند: اینها جز سحر آشکار نیست!» (110)

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ (111)

و (به یاد آور) زمانی را که به حواریون وحی فرستادم که: «به من و فرستاده من، ایمان بیاورید!» آنها گفتند: «ایمان آوردیم، و گواه باش که ما مسلمانیم!» (111)

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّکَ أَن يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (112)

در آن هنگام که حواریون گفتند: «ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می تواند مائده ای از آسمان بر ما نازل کند؟» او (در پاسخ) گفت: «از خدا بپرهیزید اگر با ایمان هستید!» (112)

قَالُوا نُرِيدُ أَن نَّأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَن قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ (113)

گفتند: «(ما نظر بدی نداریم،) می خواهیم از آن بخوریم، و دلهای ما (به رسالت تو) مطمئن گردد؛ و بدانیم به ما راست گفته ای؛ و بر آن، گواه باشیم.» (113)

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِّأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِّنكَ وَارْزُقْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (114)

عیسی بن مریم عرض کرد: «خداوندا! پروردگارا! از آسمان مائده ای بر ما بفرست! تا برای اول و آخر ما، عیدی باشد، و نشانه ای از تو؛ و به ما روزی ده! تو بهترین روزی دهندگانی!» (114)

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَن يَكْفُرْ بَعْدُ مِنكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَّا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ (115)

خداوند (دعای او را مستجاب کرد؛ و) فرمود: «من آن را بر شما نازل می کنم؛ ولی هر کس از شما بعد از آن کافر گردد (و راه انکار پوید)، او را مجازاتی می کنم که احدی از جهانیان را چنان مجازات نکرده باشم!» (115)

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِن كُنتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (116)

و آنگاه که خداوند به عیسی بن مریم می گوید: «آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را بعنوان دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟!»، او می گوید: «منزهی تو! من حق ندارم آنچه را که شایسته من نیست، بگویم! اگر چنین سخنی را گفته باشم، تو می دانی! تو از آنچه در روح و جان من است، آگاهی؛ و من از آنچه در ذات (پاک) توست، آگاه نیستم! بیقین تو از تمام اسرار و پنهانیها باخبری. (116)

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنتَ أَنتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (117)

من، جز آنچه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آنها نگفتم؛ (به آنها گفتم:) خداوندی را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست! و تا زمانی که در میان آنها بودم، مراقب و گواهشان بودم؛ ولی هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی، تو خود مراقب آنها بودی؛ و تو بر هر چیز، گواهی! (117)

إِن تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُکَ وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّکَ أنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (118)

(با این حال،) اگر آنها را مجازات کنی، بندگان تواند. (و قادر به فرار از مجازات تو نیستند)؛ و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی! (نه کیفر تو نشانه بی حکمتی است، و نه بخشش تو نشانه ضعف!)» (118)

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَّضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (119)

خداوند می گوید: «امروز، روزی است که راستی راستگویان، به آنها سود می بخشد؛ برای آنها باغهایی از بهشت است که نهرها از زیر (درختان) آن می گذرد، و تا ابد، جاودانه در آن می مانند؛ هم خداوند از آنها خشنود است، و هم آنها از خدا خشنودند؛ این، رستگاری بزرگ است!» (119)

لِلَّهِ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ (120)

حکومت آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست، از آن خداست؛ و او بر هر چیزی تواناست. (120)

سوره الأنعام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (1)

ستایش برای خداوندی است که آسمانها و زمین را آفرید، و ظلمتها و نور را پدید آورد؛ اما کافران برای پروردگار خود، شریک و شبیه قرارمی دهند (با اینکه دلایل توحید و یگانگی او، در آفرینش جهان آشکار است) ! (1)

هُوَ الَّذِی خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ (2)

او کسی است که شما را از گل آفرید؛ سپس مدتی مقرّر داشت (تا انسان تکامل یابد)؛ و اجل حتمی نزد اوست (و فقط او از آن آگاه است). با این همه، شما (مشرکان در توحید و یگانگی و قدرت او،) تردید می کنید ! (2)

وَهُوَ اللَّهُ فِی السَّمَاوَاتِ وَفِی الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ (3)

اوست خداوند در آسمانها و در زمین؛ پنهان و آشکار شما را می داند؛ و از آنچه (انجام می دهید و) به دست می آورید، با خبر است. (3)

وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (4)

هیچ نشانه و آیه ای از آیات پروردگارشان برای آنان نمی آید، مگر اینکه از آن رویگردان می شوند ! (4)

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (5)

آنان، حق را هنگامی که سراغشان آمد، تکذیب کردند ! ولی بزودی خبر آنچه را به باد مسخره می گرفتند، به آنان می رسد؛ (و از نتایج کار خود، آگاه می شوند). (5)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ مَّكَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّن لَّكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِم مِّدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِی مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (6)

آیا ندیدند چقدر از اقوام پیشین را هلاک کردیم؟! اقوامی که (از شما نیرومندتر بودند؛ و) قدرتهایی به آنها داده بودیم که به شما ندادیم؛ بارانهای پی درپی برای آنها فرستادیم؛ و از زیر (آبادیهای) آنها، نهرها را جاری ساختیم؛ (اما هنگامی که سرکشی و طغیان کردند،) آنان را بخاطر گناهانشان نابود کردیم؛ و جمعیت دیگری بعد از آنان پدید آوردیم. (6)

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْکَ کِتَابًا فِی قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ کَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (7)

(حتّی) اگر ما نامه ای روی صفحه ای بر تو نازل کنیم، و (علاوه بر دیدن و خواندن،) آن را با دستهای خود لمس کنند، باز کافران می گویند: «این، چیزی جز یک سحر آشکار نیست»! (7)

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَکٌ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَکًا لَّقُضِیَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ (8)

(از بهانه های آنها این بود که) گفتند: «چرا فرشته ای بر او نازل نشده (تا او را در دعوت مردم به سوی خدا همراهی کند؟!)» ولی اگر فرشته ای بفرستیم، (و موضوع، جنبه حسی و شهود پیدا کند،) کار تمام می شود؛ (یعنی اگر مخالفت کنند،) دیگر به آنها مهلت داده نخواهد شد (و همه هلاک می شوند). (8)

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكاً لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلاً وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ (9)

و اگر او را فرشته ای قرارمی دادیم، حتماً وی را بصورت انسانی درمی آوردیم؛ (باز به پندار آنان،) کار را بر آنها مشتبه می ساختیم؛ همان طور که آنها کار را بر دیگران مشتبه می سازند! (9)

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِکَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (10)

(با این حال، نگران نباش!) جمعی از پیامبران پیش از تو را استهزا کردند؛ امّا سرانجام، آنچه را مسخره می کردند، دامانشان را می گرفت؛ (و عذاب الهی بر آنها فرود آمد). (10)

قُلْ سِيرُوا فِی الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (11)

بگو: «روی زمین گردش کنید! سپس بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان آیات الهی چه شد؟!» (11)

قُل لِّمَن مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُل لِّلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (12)

بگو: «آنچه در آسمانها و زمین است، از آن کیست؟» بگو: «از آن خداست؛ رحمت (و بخشش) را بر خود، حتم کرده؛ (و به همین دلیل،) بطور قطع همه شما را در روز قیامت، که در آن شکّ و تردیدی نیست، گرد خواهد آورد. (آری،) فقط کسانی که سرمایه های وجود خویش را از دست داده و گرفتار خسران شدند، ایمان نمی آورند. (12)

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِی اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (13)

و برای اوست آنچه در شب و روز قرار دارد؛ و او، شنوا و داناست. (13)

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّی أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (14)

بگو: «آیا غیر خدا را ولیّ خود انتخاب کنم؟! (خدایی) که آفریننده آسمانها و زمین است؛ اوست که روزی می دهد، و از کسی روزی نمی گیرد.» بگو:

«من مأمورم که نخستین مسلمان باشم؛ و (خداوند به من دستور داده که) از مشرکان نباش!» (14)

قُلْ إِنِّی أَخَافُ إِنْ عَصَیْتُ رَبِّی عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ (15)

بگو: «من (نیز) اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روزی بزرگ [= روز رستاخیز] می ترسم! (15)

مَّن یُصْرَفْ عَنْهُ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِکَ الْفَوْزُ الْمُبِینُ (16)

آن کس که در آن روز، مجازات الهی به او نرسد، خداوند او را مشمول رحمت خویش ساخته؛ و این همان پیروزی آشکار است.» (16)

وَإِن یَمْسَسْکَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا کَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن یَمْسَسْکَ بِخَیْرٍ فَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (17)

اگر خداوند زیانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی تواند آن را برطرف سازد! و اگر خیری به تو رساند، او بر همه چیز تواناست؛ (و از قدرت او، هرگونه نیکی ساخته است.) (17)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ (18)

اوست که بر بندگان خود، قاهر و مسلّط است؛ و اوست حکیم آگاه! (18)

قُلْ أَيُّ شَىْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِىَ إِلَىَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُم بِهِ وَمَن بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُل لَّا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِى بَرِىءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (19)

بگو: «بالاترین گواهی، گواهی کیست؟» (و خودت پاسخ بده و) بگو: «خداوند، گواه میان من و شماست؛ و (بهترین دلیل آن این است که) این قرآن بر من وحی شده، تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می رسد، بیم دهم (و از مخالفت فرمان خدا بترسانم). آیا براستی شما گواهی می دهید که معبودان دیگری با خداست؟!» بگو: «من هرگز چنین گواهی نمی دهم». بگو: «اوست تنها معبود یگانه؛ و من از آنچه برای او شریک قرارمی دهید، بیزارم!» (19)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (20)

آنان که کتاب آسمانی به ایشان داده ایم، بخوبی او [= پیامبر] را می شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می شناسند؛ فقط کسانی که سرمایه وجود خود را از دست داده اند، ایمان نمی آورند. (20)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (21)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته [= همتایی برای او قائل شده]، و یا آیات او را تکذیب کرده است؟! مسلماً ظالمان، رستگار نخواهند شد! (21)

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (22)

آن روز که همه آنها را محشور می کنیم؛ سپس به مشرکان می گوییم: «معبودهایتان، که همتای خدا می پنداشتید، کجایند؟» (چرا به یاری شما نمی شتابند؟!) (22)

ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ (23)

سپس پاسخ و عذر آنها، چیزی جز این نیست که می گویند: «به خداوندی که پروردگار ماست سوگند که ما مشرک نبودیم !» (23)

انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (24)

ببین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می گویند، و آنچه را بدروغ همتای خدا می پنداشتند، از دست می دهند ! (24)

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِى آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (25)

پاره ای از آنها به (سخنان) تو، گوش فرامی دهند؛ ولی بر دلهای آنان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمند؛ و در گوش آنها، سنگینی قرار داده ایم. و (آنها بقدری لجوجند که) اگر تمام نشانه های حق را ببینند، ایمان نمی آورند؛ تا آنجا که وقتی به سراغ تو می آیند که با تو پرخاشگری کنند، کافران می گویند: «اینها فقط افسانه های پیشینیان است !» (25)

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِن يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (26)

آنها دیگران را از آن بازمی دارند؛ و خود نیز از آن دوری می کنند؛ آنها جز خود را هلاک نمی کنند، ولی نمی فهمند ! (26)

وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (27)

کاش (حال آنها را) هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده اند، ببینی ! می گویند: ای کاش (بار دیگر، به دنیا) بازگردانده می شدیم، و آیات پروردگارمان را تکذیب نمی کردیم، و از مؤمنان می بودیم ! (27)

بَلْ بَدَا لَهُم مَّا كَانُوا يُخْفُونَ مِن قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (28)

(آنها در واقع پشیمان نیستند،) بلکه اعمال و نیّاتی را که قبلاً پنهان می کردند، در برابر آنها آشکار شده (و به وحشت افتاده اند). و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی گردند؛ آنها دروغگویانند. (28)

وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (29)

آنها گفتند: «چیزی جز این زندگی دنیای ما نیست؛ و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد!» (29)

وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (30)

اگر آنها را به هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان ایستاده اند، ببینی! (به آنها) می گوید: «آیا این حق نیست؟» می گویند: «آری، قسم به پروردگارمان (حق است!)» می گوید: «پس مجازات را بچشید به سزای آنچه انکار می کردید!» (30)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (31)

آنها که لقای پروردگار را تکذیب کردند، مسلماً زیان دیدند؛ (و این تکذیب، ادامه می یابد) تا هنگامی که ناگهان قیامت به سراغشان بیاید؛ می گویند: «ای افسوس بر ما که درباره آن، کوتاهی کردیم!» و آنها (بار سنگین) گناهانشان را بر دوش می کشند؛ چه بد باری بر دوش خواهند داشت! (31)

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (32)

زندگی دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی نیست! و سرای آخرت، برای آنها که پرهیزگارند، بهتر است! آیا نمی اندیشید؟! (32)

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُکَ الّذِی یَقُولَونَ فَإِنَّهُمْ لَا یُکَذِّبُونَکَ وَلَکِنَّ الظّالِمِینَ بِآیَاتِ اللَّهِ یَجْحَدُونَ (33)

ما می دانیم که گفتار آنها، تو را غمگین می کند؛ ولی (غم مخور! و بدان که) آنها تو را تکذیب نمی کنند؛ بلکه ظالمان، آیات خدا را انکار می نمایند. (33)

وَلَقَدْ کُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِکَ فَصَبَرُوا عَلَی مَا کُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّی أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِکَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَکَ مِن نَّبَإِ الْمُرْسَلِینَ (34)

پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند؛ و در برابر تکذیبها، صبر و استقامت کردند؛ و (در این راه،) آزار دیدند، تا هنگامی که یاری ما به آنها رسید. (تو نیز چنین باش! و این، یکی از سنتهای الهی است؛) و هیچ چیز نمی تواند سنن خدا را تغییر دهد؛ و اخبار پیامبران به تو رسیده است. (34)

وَإِن کَانَ کَبُرَ عَلَیْکَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِیَ نَفَقًا فِی الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِی السَّمَاءِ فَتَأْتِیَهُم بِآیَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَی الْهُدَی فَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِینَ (35)

و اگر اعراض آنها بر تو سنگین است، چنانچه بتوانی نقبی در زمین بزنی، یا نردبانی به آسمان بگذاری (و اعماق زمین و آسمانها را جستجو کنی، چنین کن) تا آیه (و نشانه دیگری) برای آنها بیاوری! (ولی بدان که این لجوجان، ایمان نمی آورند!) امّا اگر خدا بخواهد، آنها را (به اجبار) بر هدایت جمع خواهد کرد. (ولی هدایت اجباری، چه سودی دارد؟) پس هرگز از جاهلان مباش! (35)

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (36)

تنها کسانی (دعوت تو را) می پذیرند که گوش شنوا دارند؛ امّا مردگان (و آنها که روح انسانی را از دست داده اند، ایمان نمی آورند؛ و) خدا آنها را (در قیامت) برمی انگیزد؛ سپس به سوی او، بازمی گردند. (36)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَن يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (37)

و گفتند: «چرا نشانه (و معجزه ای) از طرف پروردگارش بر او نازل نمی شود؟ !» بگو: «خداوند، قادر است که نشانه ای نازل کند؛ ولی بیشتر آنها نمی دانند !» (37)

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُم مَّا فَرَّطْنَا فِی الْكِتَابِ مِن شَیْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ (38)

هیچ جنبنده ای در زمین، و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر اینکه امتهایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فرو گذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می گردند. (38)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِی الظُّلُمَاتِ مَن يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (39)

آنها که آیات ما را تکذیب کردند، کرها و لالهایی هستند که در تاریکیها قرار دارند. هر کس را خدا بخواهد (و مستحق باشد،) گمراه می کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند،) بر راه راست قرار خواهد داد. (39)

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (40)

بگو: «به من خبر دهید اگر عذاب پروردگار به سراغ شما آید، یا رستاخیز برپا شود، آیا (برای حل مشکلات خود،) غیر خدا را می خوانید اگر راست می گویید؟ !» (40)

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ (41)

(نه،) بلکه تنها او را می خوانید! و او اگر بخواهد، مشکلی را که بخاطر آن او را خوانده اید، برطرف می سازد؛ و آنچه را (امروز) همتای خدا قرارمی دهید، (در آن روز) فراموش خواهید کرد. (41)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِکَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (42)

ما به سوی امتهایی که پیش از تو بودند، (پیامبرانی) فرستادیم؛ (و هنگامی که با این پیامبران به مخالفت برخاستند،) آنها را با شدّت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم؛ شاید (بیدار شوند و در برابر حق،) خضوع کنند و تسلیم گردند! (42)

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَکِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (43)

چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید، (خضوع نکردند و) تسلیم نشدند؟! بلکه دلهای آنها قساوت پیدا کرد؛ و شیطان، هر کاری را که می کردند، در نظرشان زینت داد! (43)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ (44)

(آری،) هنگامی که (اندرزها سودی نبخشید، و) آنچه را به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم؛ تا (کاملا) ً خوشحال شدند (و دل به آن بستند)؛ ناگهان آنها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم)؛ در این هنگام، همگی مأیوس شدند؛ (و درهای امید به روی آنها بسته شد). (44)

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (45)

و (به این ترتیب،) دنباله (زندگی) جمعیّتی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است. (45)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُم مَّنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ (46)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند، گوش و چشمهایتان را بگیرد، و بر دلهای شما مهر نهد (که چیزی را نفهمید)، چه کسی جز خداست که آنها را به شما بدهد؟!» ببین چگونه آیات را به گونه های مختلف برای آنها شرح می دهیم، سپس آنها روی می گردانند! (46)

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ (47)

بگو: «به من خبر دهید اگر عذاب خدا بطور ناگهانی (و پنهانی) یا آشکارا به سراغ شما بیاید، آیا جز جمعیّت ستمکار هلاک می شوند؟!» (47)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (48)

ما پیامبران را، جز (به عنوان) بشارت دهنده و بیم دهنده، نمی فرستیم؛ آنها که ایمان بیاورند و (خویشتن را) اصلاح کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند. (48)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (49)

و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، عذاب (پروردگار) بخاطر نافرمانیها به آنان می رسد. (49)

قُل لَّا أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (50)

بگو: «من نمی گویم خزاین خدا نزد من است؛ و من، (جز آنچه خدا به من بیاموزد،) از غیب آگاه نیستم! و به شما نمی گویم من فرشته ام؛ تنها از

آنچه به من وحی می شود پیروی می کنم.» بگو: «آیا نابینا و بینا مساویند؟! پس چرا نمی اندیشید؟!» (50)

وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (51)

و به وسیله آن (قرآن)، کسانی را که از روز حشر و رستاخیز می ترسند، بیم ده! (روزی که در آن،) یاور و سرپرست و شفاعت کننده ای جز او [= خدا] ندارند؛ شاید پرهیزگاری پیشه کنند! (51)

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاهِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ (52)

و کسانی را که صبح و شام خدا را می خوانند، و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن! نه چیزی از حساب آنها بر توست، و نه چیزی از حساب تو بر آنها! اگر آنها را طرد کنی، از ستمگران خواهی بود! (52)

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّن بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ (53)

و این چنین بعضی از آنها را با بعض دیگر آزمودیم (توانگران را بوسیله فقیران)؛ تا بگویند: «آیا اینها هستند که خداوند از میان ما (برگزیده، و) بر آنها منّت گذارده (و نعمت ایمان بخشیده است؟!» آیا خداوند، شاکران را بهتر نمی شناسد؟! (53)

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (54)

هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: «سلام بر شما پروردگارتان، رحمت را بر خود فرض کرده؛ هر کس از شما کار بدی از روی نادانی کند، سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید، (مشمول رحمت خدا می شود چرا که) او آمرزنده مهربان است.» (54)

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ (55)

و این چنین آیات را برمیشمریم، (تا حقیقت بر شما روشن شود،) و راه گناهکاران آشکار گردد. (55)

قُلْ إِنِّى نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قُل لَّا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (56)

بگو: «من از پرستش کسانی که غیر از خدا می خوانید، نهی شده ام!» بگو: «من از هوی و هوسهای شما، پیروی نمی کنم؛ اگر چنین کنم، گمراه شده ام؛ و از هدایت یافتگان نخواهم بود!» (56)

قُلْ إِنِّى عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّى وَكَذَّبْتُم بِهِ مَا عِندِى مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (57)

بگو: «من دلیل روشنی از پروردگارم دارم؛ و شما آن را تکذیب کرده اید! آنچه شما در باره آن (از نزول عذاب الهی) عجله دارید، به دستِ من نیست! حکم و فرمان، تنها از آنِ خداست! حق را از باطل جدا می کند، و او بهترین جداکننده (حق از باطل) است.» (57)

قُل لَّوْ أَنَّ عِندِی مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِیَ الْأَمْرُ بَیْنِی وَبَیْنَکُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِینَ (58)

بگو: «اگر آنچه درباره آن عجله دارید نزد من بود، (و به درخواست شما ترتیب اثر می دادم، عذاب الهی بر شما نازل می گشت؛) و کار میان من و شما پایان گرفته بود؛ ولی خداوند ظالمان را بهتر می شناسد (و بموقع مجازات می کند.)» (58)

وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَیْبِ لَا یَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَیَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَهٍ إِلَّا یَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّهٍ فِی ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا یَابِسٍ إِلَّا فِی کِتَابٍ مُّبِینٍ (59)

کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسی آنها را نمی داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی افتد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار [= در کتاب علم خدا] ثبت است. (59)

وَهُوَ الَّذِی یَتَوَفَّاکُم بِاللَّیْلِ وَیَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ یَبْعَثُکُمْ فِیهِ لِیُقْضَی أَجَلٌ مُّسَمًّی ثُمَّ إِلَیْهِ مَرْجِعُکُمْ ثُمَّ یُنَبِّئُکُم بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ (60)

او کسی است که (روح) شما را در شب (به هنگام خواب) می گیرد؛ و از آنچه در روز کرده اید، با خبر است؛ سپس در روز شما را (از خواب) برمی انگیزد؛ و (این وضع همچنان ادامه می یابد) تا سرآمد معینی فرا رسد؛ سپس بازگشت شما به سوی اوست؛ و سپس شما را از آنچه عمل می کردید، با خبر می سازد. (60)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَیُرْسِلُ عَلَیْکُمْ حَفَظَةً حَتَّی إِذَا جَاءَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا یُفَرِّطُونَ (61)

او بر بندگان خود تسلّط کامل دارد؛ و مراقبانی بر شما می گمارد؛ تا زمانی که یکی از شما را مرگ فرا رسد؛ (در این موقع،) فرستادگان ما جان او را می گیرند؛ و آنها (در نگاهداری حساب عمر و اعمال بندگان،) کوتاهی نمی کنند. (61)

ثُمَّ رُدُّوا إِلَی اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُکْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِینَ (62)

سپس (تمام بندگان) به سوی خدا، که مولای حقیقی آنهاست، بازمی گردند. بدانید که حکم و داوری، مخصوص اوست؛ و او، سریعترین حسابگران است! (62)

قُلْ مَن یُنَجِّیکُم مِّن ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْیَةً لَّئِنْ أَنجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَکُونَنَّ مِنَ الشَّاکِرِینَ (63)

بگو: «چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا رهایی می بخشد؟ در حالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می خوانید؛ (و می گویید:) اگر از این (خطرات و ظلمتها) ما را رهایی می بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود.» (63)

قُلِ اللَّهُ یُنَجِّیکُم مِّنْهَا وَمِن کُلِّ کَرْبٍ ثُمَّ أَنتُمْ تُشْرِکُونَ (64)

بگو: «خداوند شما را از اینها، و از هر مشکل و ناراحتی، نجات می دهد؛ باز هم شما برای او شریک قرار می دهید! (و راه کفر می پویید.)» (64)

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (65)

بگو: «او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد؛ یا بصورت دسته های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری بچشاند.» ببین چگونه آیات گوناگون را (برای آنها) بازگو می کنیم! شاید بفهمند (و بازگردند)! (65)

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُل لَّسْتُ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ (66)

قوم و جمعیّت تو، آن (آیات الهی) را تکذیب و انکار کردند، در حالی که حق است! (به آنها) بگو: «من مسؤول (ایمان آوردن) شما نیستم! (وظیفه من، تنها ابلاغ رسالت است، نه اجبار شما بر ایمان.)» (66)

لِّكُلِّ نَبَإٍ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (67)

هر خبری (که خداوند به شما داده،) سرانجام قرارگاهی دارد، (و در موعد خود انجام میگیرد.) و بزودی خواهید دانست! (67)

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (68)

هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یادآمدن با این جمعیّت ستمگر منشین! (68)

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَىْءٍ وَلَكِن ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (69)

و (اگر) افراد با تقوا (برای ارشاد و اندرز با آنها بنشینند)، چیزی از حساب (و گناه) آنها بر ایشان نیست؛ ولی (این کار، باید تنها) برای یادآوری آنها باشد، شاید (بشنوند و) تقوی پیشه کنند! (69)

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ وَلِىٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذْ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (70)

و رها کن کسانی را که آیین (فطری) خود را به بازی و سرگرمی گرفتند، و زندگی دنیا، آنها را مغرور ساخته، و با این (قرآن)، به آنها یادآوری نما، تا گرفتار (عواقب شوم) اعمال خود نشوند! (و در قیامت) جز خدا، نه یاوری دارند، و نه شفاعت کننده ای! و (چنین کسی) هر گونه عوضی بپردازد، از او پذیرفته نخواهد شد؛ آنها کسانی هستند که گرفتار اعمالی شده اند که خود انجام داده اند؛ نوشابه ای از آب سوزان برای آنهاست؛ و عذاب دردناکی بخاطر اینکه کفر می ورزیدند (و آیات الهی را انکار) می کردند. (70)

قُلْ أَنَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِى اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِى الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (71)

بگو: «آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال ما دارد، نه زیانی؛ و (به این ترتیب،) به عقب برگردیم بعد از آنکه خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که بر اثر وسوسه های شیطان، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است؛ در حالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت می کنند (و می گویند:) به سوی ما بیا!» بگو: «تنها هدایت خداوند، هدایت است؛ و ما دستور داریم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم. (71)

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِى إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (72)

و (نیز به ما فرمان داده شده به) اینکه: نماز را برپا دارید! و از او بپرهیزید! و تنها اوست که به سویش محشور خواهید شد.» (72)

وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَیَوْمَ یَقُولُ کُن فَیَکُونُ قَوْلَهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْکُ یَوْمَ یُنفَخُ فِی الصُّورِ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَهِ وَهُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ (73)

اوست که آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و آن روز که (به هر چیز) می گوید: «موجود باش!» موجود می شود؛ سخن او، حق است؛ و در آن روز که در «صور» دمیده می شود، حکومت مخصوص اوست، از پنهان و آشکار با خبر است، و اوست حکیم و آگاه. (73)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّی أَرَاکَ وَقَوْمَکَ فِی ضَلَالٍ مُّبِينٍ (74)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که ابراهیم به پدرش [= عمویش] «آزر» گفت: «آیا بتهائی را معبودان خود انتخاب می کنی؟! من، تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می بینم.» (74)

وَكَذَلِکَ نُرِی إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (75)

و این چنین، ملکوت آسمانها و زمین (و حکومت مطلقه خداوند بر آنها) را به ابراهیم نشان دادیم؛ (تا به آن استدلال کند،) و اهل یقین گردد. (75)

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَی كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّی فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ (76)

هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره ای مشاهده کرد، گفت: «این خدای من است؟» امّا هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم!» (76)

فَلَمَّا رَأَی الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّی فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِی رَبِّی لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (77)

و هنگامی که ماه را دید که (سینه افق را) می شکافد، گفت: «این خدای من است؟» امّا هنگامی که (آن هم) غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلّماً از گروه گمراهان خواهم بود.» (77)

فَلَمَّا رَأَی الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّی هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّی بَرِیءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (78)

و هنگامی که خورشید را دید که (سینه افق را) می شکافت، گفت: «این خدای من است؟ این (که از همه) بزرگتر است!» امّا هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم من از شریکهایی که شما (برای خدا) می سازید، بیزارم! (78)

إِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (79)

من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمانها و زمین را آفریده؛ من در ایمان خود خالصم؛ و از مشرکان نیستم! (79)

وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِّی فِی اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِکُونَ بِهِ إِلَّا أَن یَشَاءَ رَبِّی شَیْئًا وَسِعَ رَبِّی کُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَکَّرُونَ (80)

ولی قوم او [= ابراهیم]، با وی به گفتگو و ستیز پرداختند؛ گفت: «آیا درباره خدا با من گفتگو و ستیز می کنید؟! در حالی که خداوند، مرا با دلایل روشن هدایت کرده؛ و من از آنچه شما همتای (خدا) قرار می دهید، نمی ترسم (و به من زیانی نمی رسانند)! مگر پروردگارم چیزی را بخواهد! وسعت آگاهی پروردگارم همه چیز را در برمی گیرد؛ آیا متذکّر (و بیدار) نمی شوید؟! (80)

وَکَیْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَکْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّکُمْ أَشْرَکْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ عَلَیْکُمْ سُلْطَانًا فَأَیُّ الْفَرِیقَیْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِن کُنتُمْ تَعْلَمُونَ (81)

چگونه من از بتهای شما بترسم؟! در حالی که شما از این نمی ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده اید که هیچ گونه دلیلی درباره آن، بر شما نازل نکرده است! (راست بگویید) کدام یک از این دو دسته (بت پرستان و خداپرستان)، شایسته تر به ایمنی (از مجازات) هستند اگر می دانید؟! (81)

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُم بِظُلْمٍ أُولَئِکَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ (82)

(آری،) آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست؛ و آنها هدایت یافتگانند !» (82)

وَتِلْکَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّکَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (83)

اینها دلایل ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم ! درجات هر کس را بخواهیم (و شایسته بدانیم،) بالا می بریم؛ پروردگار تو، حکیم و داناست. (83)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِکَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (84)

و اسحاق و یعقوب را به او [= ابراهیم] بخشیدیم؛ و هر دو را هدایت کردیم؛ و نوح را (نیز) پیش از آن هدایت نمودیم؛ و از فرزندان او، داوود و سلیمان و ایّوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت کردیم)؛ این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم ! (84)

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ (85)

و (همچنین) زکریّا و یحیی و عیسی و الیاس را؛ همه از صالحان بودند. (85)

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ (86)

و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط را؛ و همه را بر جهانیان برتری دادیم. (86)

وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (87)

و از پدران و فرزندان و برادران آنها (افرادی را برتری دادیم) و برگزیدیم و به راه راست، هدایت نمودیم. (87)

ذَلِکَ هُدَی اللّهِ یَهْدِی بِهِ مَن یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَکُوا لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا کَانُوا یَعْمَلُونَ (88)

این، هدایت خداست؛ که هر کس از بندگان خود را بخواهد با آن راهنمایی می کند! و اگر آنها مشرک شوند، اعمال (نیکی) که انجام داده اند، نابود می گردد (و نتیجه ای از آن نمی گیرند). (88)

أُولَئِکَ الَّذِینَ آتَیْنَاهُمُ الْکِتَابَ وَالْحُکْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِن یَکْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَکَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّیْسُوا بِهَا بِکَافِرِینَ (89)

آنها کسانی هستند که کتاب و حکم و نبوّت به آنان دادیم؛ و اگر (بفرض) نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حقّ زمین نمی ماند؛ زیرا) کسان دیگری را نگاهبان آن می سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند. (89)

أُولَئِکَ الَّذِینَ هَدَی اللَّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُل لَّا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرَی لِلْعَالَمِینَ (90)

آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن! (و) بگو: «در برابر این (رسالت و تبلیغ)، پاداشی از شما نمی طلبم! این (رسالت)، چیزی جز یک یادآوری برای جهانیان نیست! (این وظیفه من است)» (90)

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّن شَىْءٍ قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِى جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوا أَنتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِى خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (91)

آنها خدا را درست نشناختند که گفتند: «خدا، هیچ چیز بر هیچ انسانی، نفرستاده است!» بگو: «چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود؛ 0امّا شما) آن را بصورت پراکنده قرارمی دهید؛ قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان می دارید؛ و مطالبی به شما تعلیم داده شده که نه شما و نه پدرانتان، از آن با خبر نبودید!» بگو: «خدا!» سپس آنها را در گفتگوهای لجاجت آمیزشان رها کن، تا بازی کنند! (91)

وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (92)

و این کتابی است که ما آن را نازل کردیم؛ کتابی است پربرکت، که آنچه را پیش از آن آمده، تصدیق می کند؛ (آن را فرستادیم تا مردم را به پاداشهای الهی، بشارت دهی،) و تا (اهل) امّ القری [= مکّه] و کسانی را که گرد آن هستند، بترسانی! (یقین بدان) آنها که به آخرت ایمان دارند، به آن ایمان می آورند؛ و بر نمازهای خویش، مراقبت می کنند! (92)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِىَ إِلَىَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَىْءٌ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِى غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ (93)

چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغی به خدا ببندد، یا بگوید: «بر من، وحی فرستاده شده»، در حالی که به او وحی نشده است، و کسی که بگوید: «من نیز همانند آنچه خدا نازل کرده است، نازل می کنم»؟! و اگر ببینی هنگامی که (این) ظالمان در شداید مرگ فرو رفته اند، و فرشتگان دستها را گشوده، به آنان می گویند: «جان خود را خارج سازید! امروز در برابر دروغهایی که به خدا بستید و نسبت به آیات او تکبّر ورزیدید، مجازات خوارکننده ای خواهید دید»! (به حال آنها تأسف خواهی خورد) (93)

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُم مَّا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَد تَّقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (94)

و (روز قیامت به آنها گفته می شود:) همه شما تنها به سوی ما بازگشت نمودید، همان گونه که روز اوّل شما را آفریدیم! و آنچه را به شما بخشیده بودیم، پشت سر گذاردید! و شفیعانی را که شریک در شفاعت خود می پنداشتید، با شما نمی بینیم! پیوندهای شما بریده شده است؛ و تمام آنچه را تکیه گاه خود تصوّر می کردید، از شما دور و گم شده اند! (94)

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَىِّ ذَلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (95)

خداوند، شکافنده دانه و هسته است؛ زنده را از مرده خارج می سازد، و مرده را از زنده بیرون می آورد؛ این است خدای شما! پس چگونه از حقّ منحرف می شوید؟! (95)

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (96)

او شکافنده صبح است؛ و شب را مایه آرامش، و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است؛ این، اندازه گیری خداوند توانای داناست! (96)

وَهُوَ الَّذِى جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِى ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (97)

او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد، تا در تاریکیهای خشکی و دریا، به وسیله آنها راه یابید! ما نشانه ها (ی خود) را برای کسانی که می دانند، (و اهل فکر و اندیشه اند) بیان داشتیم! (97)

وَهُوَ الَّذِى أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (98)

او کسی است که شما را از یک نفس آفرید! و شما دو گروه هستید: بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل)، و بعضی ناپایدار؛ ما آیات خود را برای کسانی که می فهمند، تشریح نمودیم! (98)

وَهُوَ الَّذِى أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَىْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِى ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (99)

او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویاندیم؛ و از آن، ساقه ها و شاخه های سبز، خارج ساختیم؛ و از آنها دانه های متراکم، و از شکوفه نخل، شکوفه هایی با رشته های باریک بیرون فرستادیم؛ و باغهایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به

یکدیگر، و (گاه) بی شباهت! هنگامی که میوه می دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه هایی (از عظمت خدا) برای افراد باایمان است! (99)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ (100)

آنان برای خدا همتایانی از جنّ قرار دادند، در حالی که خداوند همه آنها را آفریده است؛ و برای خدا، به دروغ و از روی جهل، پسران و دخترانی ساختند؛ منزّه است خدا، و برتر است از آنچه توصیف می کنند! (100)

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (101)

او پدید آورنده آسمانها و زمین است؛ چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد؟! حال آنکه همسری نداشته، و همه چیز را آفریده؛ و او به همه چیز داناست. (101)

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَىْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ وَكِيلٌ (102)

(آری، این است پروردگار شما! هیچ معبودی جز او نیست؛ آفریدگار همه چیز است؛ او را بپرستید و او نگهبان و مدّبر همه موجودات است. (102)

لَّا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (103)

چشمها او را نمی بینند؛ ولی او همه چشمها را می بیند؛ و او بخشنده (انواع نعمتها، و با خبر از دقایق موجودات،) و آگاه (از همه) چیز است. (103)

قَدْ جَاءَكُم بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِىَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ (104)

دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که (به وسیله آن، حقّ را) ببیند، به سود خود اوست؛ و کسی که از دیدن آن چشم بپوشد، به زیان خودش می باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم (و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی کنم) (104)

وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (105)

و اینچنین آیات (خود) را تشریح می کنیم؛ بگذار آنها بگویند: «تو درس خوانده ای (و آنها را از دیگری آموخته ای)»! می خواهیم آن را برای کسانی که آماده درک حقایقند، روشن سازیم. (105)

اتَّبِعْ مَا أُوحِىَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (106)

از آنچه که از سوی پروردگارت بر تو وحی شده، پیروی کن! هیچ معبودی جز او نیست! و از مشرکان، روی بگردان! (106)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (107)

اگر خدا می خواست، (همه به اجبار ایمان می آوردند،) و هیچ یک مشرک نمی شدند؛ و ما تو را مسؤول (اعمال) آنها قرار نداده ایم؛ و وظیفه نداری آنها را (به ایمان) مجبور سازی! (107)

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (108)

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! اینچنین برای هر امّتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آنها را از آنچه عمل می کردند، آگاه می سازد (و پاداش و کیفر می دهد). (108)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِندَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ (109)

با نهایت اصرار، به خدا سوگند یاد کردند که اگر نشانه ای [= معجزه ای] برای آنان بیاید، حتماً به آن ایمان می آورند؛ بگو: «معجزات فقط از سوی خداست (و در اختیار من نیست که به میل شما معجزه ای بیاورم)؛ و شما از کجا می دانید که هرگاه معجزه ای بیاید (ایمان می آورند؟ خیر،) ایمان نمی آورند!» (109)

وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِى طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (110)

و ما دلها و چشمهای آنها را واژگونه می سازیم؛ (آری آنها ایمان نمی آورند) همان گونه که در آغاز، به آن ایمان نیاوردند! و آنان را در حال طغیان و سرکشی، به خود وامی گذاریم تا سرگردان شوند! (110)

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَىْءٍ قُبُلًا مَّا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ (111)

(و حتّی) اگر فرشتگان را بر آنها نازل می کردیم، و مردگان با آنان سخن می گفتند، و همه چیز را در برابر آنها جمع می نمودیم، هرگز ایمان نمی آوردند؛ مگر آنکه خدا بخواهد! ولی بیشتر آنها نمی دانند! (111)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِىٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (112)

اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جنّ قرار دادیم؛ آنها بطور سری (و درگوشی) سخنان فریبنده و بی اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می گفتند؛ و اگر پروردگارت می خواست، چنین نمی کردند؛ (و می توانست جلو آنها را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد.) بنابر این، آنها و تهمتهایشان را به حال خود واگذار! (112)

وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ (113)

نتیجه (وسوسه های شیطان و تبلیغات شیطان صفتان) این خواهد شد که دلهای منکران قیامت، به آنها متمایل گردد؛ و به آن راضی شوند؛ و هر گناهی که بخواهند، انجام دهند! (113)

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِى حَكَمًا وَهُوَ الَّذِى أَنزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (114)

(با این حال،) آیا غیر خدا را به داوری طلبم؟! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن آمده، به سوی شما فرستاده است؛ و کسانی که به آنها کتاب آسمانی داده ایم می دانند این کتاب، بحق از طرف پروردگارت نازل شده؛ بنابر این از تردیدکنندگان مباش! (114)

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (115)

و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حدّ تمام رسید؛ هیچ کس نمی تواند کلمات او را دگرگون سازد؛ و او شنونده داناست. (115)

وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِی الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (116)

اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند؛ (زیرا) آنها تنها از گمان پیروی می نمایند، و تخمین و حدس (واهی) می زنند. (116)

إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (117)

پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه گشته اند، آگاهتر است؛ و همچنین از کسانی که هدایت یافته اند. (117)

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِن كُنتُم بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (118)

از (گوشت) آنچه نام خدا (هنگام سر بریدن) بر آن گفته شده، بخورید (و غیر از آن نخورید) اگر به آیات او ایمان دارید! (118)

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ (119)

چرا از چیزها [= گوشتها] ئی که نام خدا بر آنها برده شده نمی خورید؟! در حالی که (خداوند) آنچه را بر شما حرام بوده، بیان کرده است! مگر اینکه ناچار باشید؛ (که در این صورت، خوردن از گوشت آن حیوانات جایز است.) و بسیاری از مردم، به خاطر هوی و هوس و بی دانشی، (دیگران را) گمراه می سازند؛ و پروردگارت، تجاوزکاران را بهتر می شناسد. (119)

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ (120)

گناهان آشکار و پنهان را رها کنید! زیرا کسانی که گناه می کنند، بزودی در برابر آنچه مرتکب می شدند، مجازات خواهند شد. (120)

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (121)

و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید! این کار گناه است؛ و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می کنند، تا با شما به مجادله برخیزند؛ اگر از آنها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود! (121)

أَوَمَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (122)

آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم، و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمتها باشد و از آن خارج نگردد؟! این گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می دادند، تزیین شده (و زیبا جلوه کرده) است. (122)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (123)

و (نیز) این گونه در هر شهر و آبادی، بزرگان گنهکاری قرار دادیم؛ (افرادی که همه گونه قدرت در اختیارشان گذاردیم؛ اما آنها سوء استفاده کرده، و

راه خطا پیش گرفتند؛) و سرانجام کارشان این شد که به مکر (و فریب مردم) پرداختند؛ ولی تنها خودشان را فریب می دهند و نمی فهمند! (123)

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَن نُّؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِندَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ (124)

و هنگامی که آیه ای برای آنها بیاید، می گویند: «ما هرگز ایمان نمی آوریم، مگر اینکه همانند چیزی که به پیامبران خدا داده شده، به ما هم داده شود!» خداوند آگاهتر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد! بزودی کسانی که مرتکب گناه شدند، (و مردم را از راه حق منحرف ساختند،) در مقابل مکر (و فریب و نیرنگی) که می کردند، گرفتار حقارت در پیشگاه خدا، و عذاب شدید خواهند شد. (124)

فَمَن يُرِدِ اللَّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِى السَّمَاءِ كَذَلِکَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (125)

آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می سازد؛ و آن کس را که بخاطر اعمال خلافش بخواهد گمراه سازد، سینه اش را آنچنان تنگ می کند که گویا می خواهد به آسمان بالا برود؛ این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی آورند قرار می دهد! (125)

وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّکَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (126)

و این راه مستقیم (و سنت جاویدان) پروردگار توست؛ ما آیات خود را برای کسانی که پند می گیرند، بیان کردیم! (126)

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِندَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (127)

برای آنها (در بهشت) خانه امن و امان نزد پروردگارشان خواهد بود؛ و او، ولیّ و یاور آنهاست بخاطر اعمال (نیکی) که انجام می دادند. (127)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُم مِّنَ الْإِنسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُم مِّنَ الْإِنسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِى أَجَّلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّکَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (128)

در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور میسازد، (می گوید:) ای جمعیّت شیاطین و جن! شما افراد زیادی از انسانها را گمراه ساختید! دوستان و پیروان آنها از میان انسانها می گویند: «پروردگارا! هر یک از ما دو گروه [= پیشوایان و پیروان گمراه] از دیگری استفاده کردیم؛ (ما به لذّات هوس آلود و زودگذر رسیدیم؛ و آنها بر ما حکومت کردند؛) و به اجلی که برای ما مقرّر داشته بودی رسیدیم.» (خداوند) می گوید: «آتش جایگاه شماست؛ جاودانه در آن خواهید ماند، مگر آنچه خدا بخواهد» پروردگار تو حکیم و داناست. (128)

وَكَذَلِکَ نُوَلِّى بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (129)

ما این گونه بعضی از ستمگران را به بعضی دیگر وامی گذاریم به سبب اعمالی که انجام می دادند. (129)

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِى وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (130)

(در آن روز به آنها می گوید:) ای گروه جنّ و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می کردند، و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می دادند؟! آنها می گویند: «بر ضدّ خودمان گواهی می دهیم؛ (آری، ما بد کردیم.)» و زندگی (پر زرق و برق) دنیا آنها را فریب داد؛ و به زیان خود گواهی می دهند که کافر بودند! (130)

ذَلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ (131)

این بخاطر آن است که پروردگارت هیچ گاه (مردم) شهرها و آبادیها را بخاطر ستمهایشان در حال غفلت و بی خبری هلاک نمی کند. (بلکه قبلاً رسولانی برای آنها می فرستد.) (131)

وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّکَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (132)

و برای هر یک (از این دو دسته)، درجات (و مراتبی) است از آنچه عمل کردند؛ و پروردگارت از اعمالی که انجام می دهند، غافل نیست. (132)

وَرَبُّکَ الْغَنِیُّ ذُو الرَّحْمَهِ إِن يَشَأْ يُذْهِبْکُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِن بَعْدِکُم مَّا يَشَاءُ کَمَا أَنشَأَکُم مِّن ذُرِّيَّهِ قَوْمٍ آخَرِينَ (133)

پروردگارت بی نیاز و مهربان است؛ (پس به کسی ستم نمی کند؛ بلکه همه، نتیجه اعمال خود را می گیرند؛) اگر بخواهد، همه شما را می برد؛ سپس هر کس را بخواهد جانشین شما می سازد؛ همان طور که شما را از نسل اقوام دیگری به وجود آورد. (133)

إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (134)

آنچه به شما وعده داده می شود، یقیناً می آید؛ و شما نمی توانید (خدا را) ناتوان سازید (و از عدالت و کیفر او فرار کنید)! (134)

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَکَانَتِکُمْ إِنِّی عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن تَکُونُ لَهُ عَاقِبَهُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (135)

بگو: «ای قوم من! هر کار در قدرت دارید بکنید! من (هم به وظیفه خود) عمل می کنم؛ امّا بزودی خواهید دانست چه کسی سرانجام نیک خواهد داشت (و پیروزی با چه کسی است! امّا) به یقین، ظالمان رستگار نخواهند شد!» (135)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَکَائِنَا فَمَا کَانَ لِشُرَکَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا کَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَکَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْکُمُونَ (136)

آنها [= مشرکان] سهمی از آنچه خداوند از زراعت و چهارپایان آفریده، برای او قرار دادند؛ (و سهمی برای بتها!) و بگمان خود گفتند: «این مال خداست! و این هم مال شرکای ما [= یعنی بتها] است!» آنچه مال شرکای آنها بود، به خدا نمی رسید؛ ولی آنچه مال خدا بود، به شرکایشان می رسید! (آری، اگر سهم بتها با کمبودی مواجه می شد، مال خدا را به

بتها می دادند؛ امّا عکس آن را مجاز نمی دانستند!) چه بد حکم می کنند (که علاوه بر شرک، حتّی خدا را کمتر از بتها می دانند)! (136)

وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (137)

همین گونه شرکای آنها [= بتها]، قتل فرزندانشان را در نظرشان جلوه دادند؛ (کودکان خود را قربانی بتها می کردند، و افتخار می نمودند!) سرانجام آنها را به هلاکت افکندند؛ و آیینشان را بر آنان مشتبه ساختند. و اگر خدا می خواست، چنین نمی کردند؛ (زیرا می توانست جلو آنان را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد.) بنابر این، آنها و تهمتهایشان را به حال خود واگذار (و به آنها اعتنا مکن)! (137)

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَّا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَن نَّشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَّا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِم بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (138)

و گفتند: «این قسمت از چهارپایان و زراعت (که مخصوص بتهاست، برای همه) ممنوع است؛ و جز کسانی که ما بخواهیم -به گمان آنها- نباید از آن بخورند! و (اینها) چهارپایانی است که سوارشدن بر آنها (بر ما) حرام شده است!» و (نیز) چهارپایانی (بود) که (هنگام ذبح،) نام خدا را بر آن نمی بردند، و به خدا دروغ می بستند؛ (و می گفتند: «این احکام، همه از ناحیه اوست.») بزودی (خدا) کیفر افتراهای آنها را می دهد! (138)

وَقَالُوا مَا فِی بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى أَزْوَاجِنَا وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (139)

و گفتند: «آنچه (از بچّه) در شکم این حیوانات است، مخصوص مردان ماست؛ و بر همسران ما حرام است! امّا اگر مرده باشد [= مرده متولّد شود]، همگی در آن شریکند.» بزودی (خدا) کیفر این توصیف (و احکام دروغین) آنها را می دهد؛ او حکیم و داناست. (139)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (140)

به یقین آنها که فرزندان خود را از روی جهل و نادانی کشتند، گرفتار خسران شدند؛ (زیرا) آنچه را خدا به آنها روزی داده بود، بر خود تحریم کردند؛ و بر خدا افترا بستند. آنها گمراه شدند؛ و (هرگز) هدایت نیافته بودند. (140)

وَهُوَ الَّذِی أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (141)

اوست که باغهای معروش [= باغهایی که درختانش روی داربست ها قرار دارد]، و باغهای غیرمعروش [= باغهایی که نیاز به داربست ندارد] را آفرید؛ همچنین نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند؛ و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از جهتی با هم شبیه، و از جهتی تفاوت دارند؛ (برگ و ساختمان ظاهریشان شبیه یکدیگر است، در حالی که

طعم میوه آنها متفاوت می باشد.) از میوه آن، به هنگامی که به ثمر می نشیند، بخورید! و حقّ آن را به هنگام درو، بپردازید! و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد! (141)

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (142)

(او کسی است که) از چهارپایان، برای شما حیوانات باربر، و حیوانات کوچک (برای منافع دیگر) آفرید؛ از آنچه به شما روزی داده است، بخورید! و از گامهای شیطان پیروی ننمایید، که او دشمن آشکار شماست! (142)

ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نَبِّئُونِى بِعِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (143)

هشت جفت از چهارپایان (برای شما) آفرید؛ از میش دو جفت، و از بز دو جفت؛ بگو: «آیا خداوند نرهای آنها را حرام کرده، یا ماده ها را؟ یا آنچه شکم ماده ها در برگرفته؟ اگر راست می گویید (و بر تحریم اینها دلیلی دارید)، به من خبر دهید!» (143)

وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (144)

و از شتر یک جفت، و از گاو هم یک جفت (برای شما آفرید)؛ بگو: «کدامیک از اینها را خدا حرام کرده است؟ نرها یا ماده ها را؟ یا آنچه را شکم ماده ها دربرگرفته؟ یا هنگامی که خدا شما را به این موضوع توصیه کرد، شما گواه (بر این تحریم) بودید؟! پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می بندد، تا مردم را از روی جهل گمراه سازد؟! خداوند هیچ گاه ستمگران را هدایت نمی کند» (144)

قُل لَّا أَجِدُ فِى مَا أُوحِىَ إِلَىَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَن يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (145)

بگو: «در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی یابم؛ بجز اینکه مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته، یا گوشت خوک -که اینها همه پلیدند- یا حیوانی که به گناه، هنگام سر بریدن، نام غیر خدا [= نام بتها] بر آن برده شده است.» اما کسی که مضطر (به خوردن این محرمات) شود، بی آنکه خواهان لذت باشد و یا زیاده روی کند (گناهی بر او نیست)؛ زیرا پروردگارت، آمرزنده مهربان است. (145)

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِى ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (146)

و بر یهودیان، هر حیوان ناخن دار [= حیواناتی که سم یکپارچه دارند] را حرام کردیم؛ و از گاو و گوسفند، پیه و چربیشان را بر آنان تحریم نمودیم؛ مگر چربیهایی که بر پشت آنها قرار دارد، و یا در دو طرف پهلوها، و یا آنها که با استخوان آمیخته است؛ این را بخاطر ستمی که می کردند به آنها کیفر دادیم؛ و ما راست می گوییم. (146)

ص: 147

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (147)

اگر تو را تکذیب کنند (و این حقایق را نپذیرند)، به آنها بگو: «پروردگار شما، رحمت گسترده ای دارد؛ اما مجازات او هم از مجرمان دفع شدنی نیست! (و اگر ادامه دهید کیفر شما حتمی است) (147)

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (148)

بزودی مشرکان (برای تبرئه خویش) می گویند: «اگر خدا می خواست، نه ما مشرک می شدیم و نه پدران ما؛ و نه چیزی را تحریم می کردیم!» کسانی که پیش از آنها بودند نیز، همین گونه دروغ می گفتند؛ و سرانجام (طعم) کیفر ما را چشیدند. بگو: «آیا دلیل روشنی (بر این موضوع) دارید؟ پس آن را به ما نشان دهید؟ شما فقط از پندارهای بی اساس پیروی می کنید، و تخمینهای نابجا می زنید.» (148)

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (149)

بگو: «دلیل رسا (و قاطع) برای خداست (دلیلی که برای هیچ کس بهانه ای باقی نمی گذارد). و اگر او بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می کند. (ولی چون هدایت اجباری بی ثمر است، این کار را نمی کند.)» (149)

قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِن شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُم بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (150)

بگو: «گواهان خود را، که گواهی می دهند خداوند اینها را حرام کرده است، بیاورید!» اگر آنها (بدروغ) گواهی دهند، تو با آنان (هم‌صدا نشو! و) گواهی نده! و از هوی و هوس کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و کسانی که به آخرت ایمان ندارند و برای خدا شریک قائلند، پیروی مکن! (150)

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُم مِّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ

مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللّٰهُ إِلّا بِالْحَقِّ ذَلِکُمْ وَصَّاکُم بِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ (151)

بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندانتان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق)؛ این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید! (151)

ص: 148

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ حَتَّی یَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْکَیْلَ وَالْمِیزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُکَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ کَانَ ذَا قُرْبَی وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِکُمْ وَصَّاکُم بِهِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ (152)

و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد! و حق پیمانه و وزن را بعدالت ادا کنید! -هیچ کس را، جز بمقدار تواناییش، تکلیف نمی کنیم- و هنگامی که سخنی می گویید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، تا متذکّر شوید! (152)

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِی مُسْتَقِیمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَن سَبِیلِهِ ذَلِکُمْ وَصَّاکُم بِهِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ (153)

این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!» (153)

ثُمَّ آتَیْنَا مُوسَی الْکِتَابَ تَمَامًا عَلَی الَّذِی أَحْسَنَ وَتَفْصِیلًا لِّکُلِّ شَیْءٍ وَهُدًی وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ یُؤْمِنُونَ (154)

سپس به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ (و نعمت خود را) بر آنها که نیکوکار بودند، کامل کردیم؛ و همه چیز را (که مورد نیاز آنها بود، در آن) روشن ساختیم؛ کتابی که مایه هدایت و رحمت بود؛ شاید به لقای پروردگارشان (و روز رستاخیز)، ایمان بیاورند! (154)

وَهَذَا کِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَکٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ (155)

و این کتابی است پر برکت، که ما (بر تو) نازل کردیم؛ از آن پیروی کنید، و پرهیزگاری پیشه نمائید، باشد که مورد رحمت (خدا) قرار گیرید! (155)

أَن تَقُولُوا إِنَّمَا أُنزِلَ الْکِتَابُ عَلَی طَائِفَتَیْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن کُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِینَ (156)

(ما این کتاب را با این امتیازات نازل کردیم) تا نگویید: «کتاب آسمانی تنها بر دو طایفه پیش از ما [= یهود و نصاری] نازل شده بود؛ و ما از بحث و بررسی آنها بی خبر بودیم» ! (156)

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ (157)

یا نگویید: «اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می شد، از آنها هدایت یافته تر بودیم» ! اینک آیات و دلایل روشن از جانب پروردگارتان، و هدایت و رحمت برای شما آمد ! پس، چه کسی ستمکارتر است از کسی که آیات خدا را تکذیب کرده، و از آن روی گردانده است؟ ! اما بزودی کسانی را که از آیات ما روی می گردانند، بخاطر همین اعراض بی دلیلشان، مجازات شدید خواهیم کرد ! (157)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَهُ أَوْ يَأْتِىَ رَبُّکَ أَوْ يَأْتِىَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّکَ يَوْمَ يَأتِى بَعْضُ آيَاتِ رَبِّکَ لَا يَنفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِى إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ (158)

آيا جز اين انتظار دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آيند، يا خداوند (خودش) به سوى آنها بيايد، يا بعضى از آيات پروردگارت (و نشانه هاى رستاخيز)؟! اما آن روز که بعضى از آيات پروردگارت تحقّق پذيرد، ايمان آوردن افرادى که قبلاً ايمان نياورده اند، يا در ايمانشان عمل نيکى انجام نداده اند، سودى به حالشان نخواهد داشت! بگو: «(اکنون که شما چنين انتظارات نادرستى داريد،) انتظار بکشيد ما هم انتظار (کيفر شما را) مى کشيم!» (158)

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَکَانُوا شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِى شَىْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا کَانُوا يَفْعَلُونَ (159)

کسانى که آيين خود را پراکنده ساختند، و به دسته هاى گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسيم شدند، تو هيچ گونه رابطه اى با آنها نداري! سر و کار آنها تنها با خداست؛ سپس خدا آنها را از آنچه انجام مى دادند، با خبر مى کند. (159)

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَهِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (160)

هر کس کار نيکى بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدى انجام دهد، جز بمانند آن، کيفر نخواهد ديد؛ و ستمى بر آنها نخواهد شد. (160)

قُلْ إِنَّنِى هَدَانِى رَبِّى إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّهَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا کَانَ مِنَ الْمُشْرِکِينَ (161)

بگو: «پروردگارم مرا به راه راست هدايت کرده؛ آيينى پابرجا (و ضامن سعادت دين و دنيا)؛ آيين ابراهيم؛ که از آيينهاى خرافى روى برگرداند؛ و از مشرکان نبود.» (161)

قُلْ إِنَّ صَلَاتِى وَنُسُکِى وَمَحْيَاىَ وَمَمَاتِى لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (162)

بگو: «نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. (162)

لَا شَرِیکَ لَهُ وَبِذَلِکَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِینَ (163)

همتایی برای او نیست؛ و به همین مأمور شده ام؛ و من نخستین مسلمانم !» (163)

قُلْ أَغَیْرَ اللَّهِ أَبْغِی رَبًّا وَهُوَ رَبُّ کُلِّ شَیْءٍ وَلَا تَکْسِبُ کُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَیْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَی ثُمَّ إِلَی رَبِّکُم مَّرْجِعُکُمْ فَیُنَبِّئُکُم بِمَا کُنتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ (164)

بگو: «آیا غیر خدا، پروردگاری را بطلبم، در حالی که او پروردگار همه چیز است؟ ! هیچ کس، عمل (بدی) جز به زیان خودش، انجام نمی دهد؛ و هیچ گنهکاری گناه دیگری را متحمّل نمی شود؛ سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است؛ و شما را از آنچه در آن اختلاف داشتید، خبر خواهد داد. (164)

وَهُوَ الَّذِی جَعَلَکُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَکُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّیَبْلُوَکُمْ فِی مَا آتَاکُمْ إِنَّ رَبَّکَ سَرِیعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِیمٌ (165)

و او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان) خود در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید؛ به یقین پروردگار تو سریع العقاب و آمرزنده مهربان است. (کیفر کسانی را که از بوته امتحان نادرست درآیند، زود می دهد؛ و نسبت به حق پویان مهربان است.) (165)

سوره الأعراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ المص (1)

المص (1)

كِتَابٌ أُنزِلَ إِلَيْکَ فَلَا يَکُن فِی صَدْرِکَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (2)

این کتابی است که بر تو نازل شده؛ و نباید از ناحیه آن، ناراحتی در سینه داشته باشی! تا به وسیله آن، (مردم را از عواقب سوء عقاید و اعمال نادرستشان) بیم دهی؛ و تذکّری است برای مؤمنان. (2)

اتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلاً مَّا تَذَكَّرُونَ (3)

از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید! و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید! اما کمتر متذکّر می شوید! (3)

وَكَم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ (4)

چه بسیار شهرها و آبادیها که آنها را (بر اثر گناه فراوانشان) هلاک کردیم! و عذاب ما شب هنگام، یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند، به سراغشان آمد. (4)

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا إِلَّا أَن قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (5)

و در آن موقع که عذاب ما به سراغ آنها آمد، سخنی نداشتند جز اینکه گفتند: «ما ظالم بودیم!» (ولی این اعتراف به گناه، دیگر دیر شده بود؛ و سودی به حالشان نداشت.) (5)

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ (6)

به یقین، (هم) از کسانی که پیامبران به سوی آنها فرستاده شدند سؤال خواهیم کرد؛ (و هم) از پیامبران سؤال می کنیم! (6)

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ (7)

و مسلماً (اعمالشان را) با علم (خود) برای آنان شرح خواهیم داد؛ و ما هرگز غایب نبودیم (بلکه همه جا حاضر و ناظر اعمال بندگان هستیم)! (7)

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (8)

وزن کردن (اعمال، و سنجش ارزش آنها) در آن روز، حقّ است! کسانی که میزانهای (عمل) آنها سنگین است، همان رستگارانند! (8)

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِکَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُم بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ (9)

و کسانی که میزانهای (عمل) آنها سبک است، افرادی هستند که سرمایه وجود خود را، بخاطر ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما می کردند، از دست داده اند. (9)

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِی الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (10)

ما تسلّط و مالکیّت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم؛ و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم؛ اما کمتر شکرگزاری می کنید! (10)

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ (11)

ما شما را آفریدیم؛ سپس صورت بندی کردیم؛ بعد به فرشتگان گفتیم: «برای آدم خضوع کنید!» آنها همه سجده کردند؛ جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود. (11)

قَالَ مَا مَنَعَکَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُکَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِی مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ (12)

(خداوند به او) فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده ای و او را از گل !» (12)

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَکَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّکَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (13)

گفت: «از آن (مقام و مرتبه ات) فرود آی ! تو حقّ نداری در آن (مقام و مرتبه) تکبّر کنی ! بیرون رو، که تو از افراد پست و کوچکی ! (13)

قَالَ أَنظِرْنِی إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (14)

گفت: «مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته می شوند مهلت ده (و زنده بگذار !)» (14)

قَالَ إِنَّکَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (15)

فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی !» (15)

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِی لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَکَ الْمُسْتَقِيمَ (16)

گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می کنم ! (16)

ثُمَّ لَآتِيَنَّهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَن شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (17)

سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می روم؛ و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت !» (17)

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا لَّمَن تَبِعَکَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمْ أَجْمَعِينَ (18)

فرمود: «از آن (مقام)، با ننگ و عار و خواری، بیرون رو ! و سوگند یاد می کنم که هر کس از آنها از تو پیروی کند، جهنم را از شما همگی پر می کنم !

(18)

وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُکَ الْجَنَّهَ فَکُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَهَ فَتَکُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (19)

و ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید! و از هر جا که خواستید، بخورید! امّا به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود!» (19)

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِیَ لَهُمَا مَا وُورِیَ عَنْهُمَا مِن سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاکُمَا رَبُّکُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَهِ إِلَّا أَن تَکُونَا مَلَکَيْنِ أَوْ تَکُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ (20)

سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد؛ و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر بخاطر اینکه (اگر از آن بخورید،) فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!» (20)

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّی لَکُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ (21)

و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم. (21)

فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَهَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّهِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَکُمَا عَن تِلْکُمَا الشَّجَرَهِ وَأَقُل لَّکُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَکُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ (22)

و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرودآورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان [= عورتشان] بر آنها آشکار شد؛ و شروع کردند به قرار دادن برگهای (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند. و پروردگارشان آنها را نداد داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!» (22)

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (23)

گفتند: «پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود!» (23)

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِی الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَی حِينٍ (24)

فرمود: «(از مقام خویش،) فرود آیید، در حالی که بعضی از شما نسبت به بعض دیگر، دشمن خواهید بود! (شیطان دشمن شماست، و شما دشمن او!) و برای شما در زمین، قرارگاه و وسیله بهره گیری تا زمان معینی خواهد بود.» (24)

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ (25)

فرمود: «در آن [= زمین] زنده می شوید؛ و در آن می میرید؛ و (در رستاخیز) از آن خارج خواهید شد.» (25)

يَا بَنِی آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِی سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَی ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (26)

ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست، تا متذکّر (نعمتهای او) شوند! (26)

يَا بَنِی آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (27)

ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، و لباسشان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد! چه اینکه او و همکارانش شما را می بینند از جایی که شما آنها را نمی بینید؛ (امّا بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند! (27)

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (28)

و هنگامی که کار زشتی انجام می دهند می گویند: «پدران خود را بر این عمل یافتیم؛ و خداوند ما را به آن دستور داده است!» بگو: «خداوند (هرگز) به کار زشت فرمان نمی دهد! آیا چیزی به خدا نسبت می دهید که نمی دانید؟!» (28)

قُلْ أَمَرَ رَبِّی بِالْقِسْطِ وَأَقِیمُوا وُجُوهَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ کَمَا بَدَأَکُمْ تَعُودُونَ (29)

بگو: «پروردگارم امر به عدالت کرده است؛ و توجّه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید! و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید! (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) بازمی گردید! (29)

فَرِیقًا هَدَى وَفَرِیقًا حَقَّ عَلَیْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّیَاطِینَ أَوْلِیَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَیَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ (30)

جمعی را هدایت کرده؛ و جمعی (که شایستگی نداشته اند،) گمراهی بر آنها مسلّم شده است. آنها (کسانی هستند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند؛ و گمان می کنند هدایت یافته اند! (30)

يَا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (31)

ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد! (31)

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِی الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (32)

بگو: «چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده اند؛ (اگر چه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند؛ ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود.» این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح می دهیم! (32)

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْیَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَن تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (33)

بگو: «خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است؛ و (همچنین) گناه و ستم بناحق را؛ و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید؛ و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی دانید.» (33)

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (34)

برای هر قوم و جمعیّتی، زمان و سرآمد (معیّنی) است؛ و هنگامی که سرآمد آنها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می کنند، و نه بر آن پیشی می گیرند. (34)

يَا بَنِی آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِی فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (35)

ای فرزندان آدم! اگر رسولانی از خود شما به سراغتان بیایند که آیات مرا برای شما بازگو کنند، (از آنها پیروی کنید؛) کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند)، نه ترسی بر آنهاست و نه غمناک می شوند. (35)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (36)

و آنها که آیات ما را تکذیب کنند، و در برابر آن تکبّر ورزند، اهل دوزخند؛ جاودانه در آن خواهند ماند. (36)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (37)

چه کسی ستمکارتر است از آنها که بر خدا دروغ می بندند، یا آیات او را تکذیب می کنند؟! آنها نصیبشان را از آنچه مقدّر شده (از نعمتها و مواهب این جهان) می برند؛ تا زمانی که فرستادگان ما [= فرشتگان قبض ارواح] به سراغشان روند و جانشان را بگیرند؛ از آنها می پرسند: «کجایند معبودهایی که غیر از خدا می خواندید؟! (چرا به یاری شما نمی آیند؟!)» می گویند: «آنها (همه) گم شدند (و از ما دور گشتند!)» و بر ضدّ خود گواهی می دهند که کافر بودند! (37)

قَالَ ادْخُلُوا فِی أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِکُم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ فِی النَّارِ کُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّی إِذَا ادَّارَکُوا فِیهَا جَمِیعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِکُلٍّ ضِعْفٌ وَلَکِن لَّا تَعْلَمُونَ (38)

(خداوند به آنها) می گوید: «در صفّ گروه های مشابه خود از جنّ و انس در آتش وارد شوید!» هر زمان که گروهی وارد می شوند، گروه دیگر را لعن می کنند؛ تا همگی با ذلّت در آن قرار گیرند. (در این هنگام) گروه پیروان درباره پیشوایان خود می گویند: «خداوندا! اینها بودند که ما را گمراه ساختند؛ پس کیفر آنها را از آتش دو برابر کن! (کیفری برای گمراهیشان، و کیفری بخاطر گمراه ساختن ما.)» می فرماید: «برای هر کدام (از شما) عذاب مضاعف است؛ ولی نمی دانید! (چرا که پیروان اگر گرد پیشوایان گمراه را نگرفته بودند، قدرتی بر اغوای مردم نداشتند.)» (38)

وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا کَانَ لَکُمْ عَلَیْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا کُنتُمْ تَکْسِبُونَ (39)

و پیشوایان آنها به پیروان خود می گویند: «شما امتیازی بر ما نداشتید؛ پس بچشید عذاب (الهی) را در برابر آنچه انجام می دادید! (39)

إِنَّ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا وَاسْتَکْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا یَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّی یَلِجَ الْجَمَلُ فِی سَمِّ الْخِیَاطِ وَکَذَلِکَ نَجْزِی الْمُجْرِمِینَ (40)

کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن تکبّر ورزیدند، (هرگز) درهای آسمان به رویشان گشوده نمی شود؛ و (هیچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد! این گونه، گنهکاران را جزا می دهیم! (40)

لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَکَذَلِکَ نَجْزِی الظَّالِمِینَ (41)

برای آنها بستری از (آتش) دوزخ، و روی آنها پوششهایی (از آن) است؛ و اینچنین ظالمان را جزا میدهیم! (41)

وَالَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُکَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (42)

و کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند -البته هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی کنیم- آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند. (42)

وَنَزَعْنَا مَا فِی صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِی مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (43)

و آنچه در دلها از کینه و حسد دارند، برمی کنیم (تا در صفا و صمیمیّت با هم زندگی کنند)؛ و از زیر (قصرها و درختان) آنها، نهرها جریان دارد؛ می گویند: «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمتها) رهنمون شد؛ و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به اینها) راه نمی یافتیم! مسلّماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند!» و (در این هنگام) به آنان ندا داده می شود که: «این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می دادید، به ارث بردید!» (43)

وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّهِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَهُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (44)

و بهشتیان دوزخیان را صدا می زنند که: «آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود، همه را حق یافتیم؛ آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟ !» گفتند: «بله !» در این هنگام، ندادهنده ای در میان آنها ندا می دهد که: «لعنت خدا بر ستمگران باد ! (44)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَهِ كَافِرُونَ (45)

همانها که (مردم را) از راه خدا بازمی دارند، و (با القای شبهات) می خواهند آن را کج و معوج نشان دهند؛ و آنها به آخرت کافرند !» (45)

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّهِ أَن سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ (46)

و در میان آن دو [= بهشتیان و دوزخیان]، حجابی است؛ و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره شان می شناسند؛ و به بهشتیان صدا می زنند که: «درود بر شما باد !» امّا داخل بهشت نمی شوند، در حالی که امید آن را دارند. (46)

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (47)

و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می افتد می گویند: «پروردگارا ! ما را با گروه ستمگران قرار مده !» (47)

وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُم بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَى عَنكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ (48)

و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می شناسند، صدا می زنند و می گویند: «(دیدید که) گردآوری شما (از مال و ثروت و آن و فرزند) و تکبّرهای شما، به حالتان سودی نداد !» (48)

أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالَهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ (49)

آیا اینها [= این واماندگان بر اعراف] همانان نیستند که سوگند یاد کردید رحمت خدا هرگز شامل حالشان نخواهد شد؟! (ولی خداوند بخاطر ایمان و بعضی اعمال خیرشان، آنها را بخشید؛ هم اکنون به آنها گفته می شود:) داخل بهشت شوید، که نه ترسی دارید و نه غمناک می شوید! (49)

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ (50)

و دوزخیان، بهشتیان را صدا می زنند که: «(محبّت کنید) و مقداری آب، یا از آنچه خدا به شما روزی داده، به ما ببخشید!» آنها (در پاسخ) می گویند: «خداوند اینها را بر کافران حرام کرده است!» (50)

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (51)

همانها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند؛ و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت؛ امروز ما آنها را فراموش می کنیم، همان گونه که لقای چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار نمودند. (51)

وَلَقَدْ جِئْنَاهُم بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (52)

ما کتابی برای آنها آوردیم که (اسرار و رموز) آن را با آگاهی شرح دادیم؛ (کتابی) که مایه هدایت و رحمت برای جمعیّتی است که ایمان می آورند. (52)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (53)

آیا آنها جز انتظار تأویل آیات (و فرا رسیدن تهدیدهای الهی) دارند؟ آن روز که تأویل آنها فرا رسد، (کار از کار گذشته، و پشیمانی سودی ندارد؛ و) کسانی که قبلاً آن را فراموش کرده بودند می گویند: «فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند؛ آیا (امروز) شفیعانی برای ما وجود دارند که برای ما شفاعت کنند؟ یا (به ما اجازه داده شود به دنیا) بازگردیم، و اعمالی غیر از آنچه انجام می دادیم، انجام دهیم؟!» (ولی) آنها سرمایه وجود خود را از دست داده اند؛ و معبودهایی را که به دروغ ساخته بودند، همگی از نظرشان: گم می شوند. (نه راه بازگشتی دارند، و نه شفیعانی!) (53)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (54)

پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت؛ با (پرده تاریک) شب، روز را می پوشاند؛ و شب به دنبال روز، به سرعت در حرکت است؛ و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید، که مسخّر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) ست! پر برکت (و زوال ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است! (54)

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (55)

پروردگار خود را (آشکارا) از روی تضرّع، و در پنهانی، بخوانید! (و از تجاوز، دست بردارید که) او متجاوزان را دوست نمی دارد! (55)

وَلَا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِیبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِینَ (56)

و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، و او را با بیم و امید بخوانید! (بیم از مسؤولیتها، و امید به رحمتش. و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است! (56)

وَهُوَ الَّذِی یُرْسِلُ الرِّیَاحَ بُشْرًا بَیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ حَتَّی إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّیِّتٍ فَأَنزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِن کُلِّ الثَّمَرَاتِ کَذَلِکَ نُخْرِجُ الْمَوْتَی لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ (57)

او کسی است که بادها را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می فرستد؛ تا ابرهای سنگین بار را (بر دوش) کشند؛ (سپس) ما آنها را به سوی زمینهای مرده می فرستیم؛ و به وسیله آنها، آب (حیاتبخش) را نازل می کنیم؛ و با آن، از هرگونه میوه ای (از خاک تیره) بیرون می آوریم؛ این گونه (که زمینهای مرده را زنده کردیم،) مردگان را (نیز در قیامت) زنده می کنیم، شاید (با توجه به این مثال) متذکّر شوید! (57)

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِى خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (58)

سرزمين پاكيزه) و شيرين)، گياهش به فرمان پروردگار مى رويد؛ امّا سرزمينهاى بد طينت (و شوره زار)، جز گياه ناچيز و بى ارزش، از آن نمى رويد؛ اين گونه آيات (خود) را براى آنها كه شكرگزارند، بيان مى كنيم! (58)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّى أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (59)

ما نوح را به سوى قومش فرستاديم؛ او به آنان گفت: «اى قوم من! (تنها) خداوند يگانه را پرستش كنيد، كه معبودى جز او براى شما نيست! (و اگر غير او را عبادت كنيد،) من بر شما از عذاب روز بزرگى مى ترسم!» (59)

قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ (60)

(ولى) اشراف قومش به او گفتند: «ما تو را در گمراهى آشكارى مى بينيم!» (60)

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِى ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّى رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (61)

گفت: «اى قوم من! هيچ گونه گمراهى در من نيست؛ ولى من فرستاده اى از جانب پروردگار جهانيانم! (61)

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّى وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (62)

رسالتهاى پروردگارم را به شما ابلاغ مى كنم؛ و خيرخواه شما هستم؛ و از خداوند چيزهايى مى دانم كه شما نمى دانيد. (62)

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (63)

آيا تعجّب كرده ايد كه دستور آگاه كننده پروردگارتان به وسيله مردى از ميان شما به شما برسد، تا (از عواقب اعمال خلاف) بيمتان دهد، و (در پرتو اين دستور،) پرهيزگارى پيشه كنيد و شايد مشمول رحمت (الهى) گرديد؟! (63)

فَكَذَّبُوهُ فَأنجَيْنَاهُ وَالّذِينَ مَعَهُ فِی الْفُلْکِ وَأغْرَقْنَا الّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ (64)

امّا سرانجام او را تکذیب کردند؛ و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند، رهایی بخشیدیم؛ و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق کردیم؛ چه اینکه آنها گروهی نابینا (و کوردل) بودند. (64)

وَإِلَی عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (65)

و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را پرستش کنید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا پرهیزگاری پیشه نمی کنید؟!» (65)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِی سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (66)

اشراف کافر قوم او گفتند: «ما تو را در سفاهت (و نادانی و سبک مغزی) می بینیم، و ما مسلّماً تو را از دروغگویان می دانیم!» (66)

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِی سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّی رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (67)

گرفت: «ای قوم من! هیچ گونه سفاهتی در من نیست؛ ولی فرستاده ای از طرف پروردگار جهانیانم. (67)

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّی وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (68)

رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم؛ و من خیرخواه امینی برای شما هستم. (68)

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِی الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (69)

آیا تعجّب کرده اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد تا (از مجازات الهی) بیمتان دهد؟! و به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرار داد؛ و شما را از جهت خلقت (جسمانی) گسترش (و قدرت) داد؛ پس نعمتهای خدا را به یاد آورید، شاید رستگار شوید!» (69)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (70)

گفتند: «آیا به سراغ ما آمده ای که تنها خدای یگانه را بپرستیم، و آنچه را پدران ما می پرستند، رها کنیم؟! پس اگر راست می گوئی آنچه را (از بلا و عذاب الهی) به ما وعده می دهی، بیاور»! (70)

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِی فِی أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ فَانتَظِرُوا إِنِّی مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (71)

گفت: «پلیدی و غضب پروردگارتان، شما را فرا گرفته است! آیا با من در مورد نامهایی مجادله می کنید که شما و پدرانتان 0بعنوان معبود و خدا، بر بتها) گذارده اید، در حالی که خداوند هیچ دلیلی درباره آن نازل نکرده است؟! پس شما منتظر باشید، من هم با شما انتظار می کشم! (شما انتظار شکست من، و من انتظار عذاب الهی برای شما!)» (71)

فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ (72)

سرانجام، او و کسانی را که با او بودند، برحمت خود نجات بخشیدیم؛ و ریشه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند، قطع کردیم! (72)

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِى أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (73)

و به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را بپرستید، که جز او، معبودی برای شما نیست! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده: این «ناقه» الهی برای شما معجزه ای است؛ او را به حال خود واگذارید که در زمین خدا (از علفهای بیابان) بخورد! و آن را آزار نرسانید، که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت! (73)

وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (74)

و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم «عاد» قرار داد، و در زمین مستقر ساخت، که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می کنید؛ و در کوه ها، برای خود خانه ها می تراشید! بنابر این، نعمتهای خدا را متذکر شوید! و در زمین، به فساد نکوشید!» (74)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ (75)

(ولی) اشراف متکبر قوم او، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا (براستی) شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟!» آنها گفتند: «ما به آنچه او بدان مأموریت یافته، ایمان آورده ایم.» (75)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنتُم بِهِ كَافِرُونَ (76)

متکبران گفتند: «(ولی) ما به آنچه شما به آن ایمان آورده اید، کافریم!» (76)

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (77)

سپس «ناقه» را پی کردند، و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند؛ و گفتند: «ای صالح! اگر تو از فرستادگان (خدا) هستی، آنچه ما را با آن تهدید می کنی، بیاور!» (77)

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (78)

سرانجام زمین لرزه آنها را فرا گرفت؛ و صبحگاهان، (تنها) جسم بی جانشان در خانه هاشان باقی مانده بود. (78)

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ (79)

(صالح) از آنها روی برتافت؛ و گفت: «ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید!» (79)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ (80)

و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می دهید که هیچیک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! (80)

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (81)

آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید، نه زنان؟! شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید! (81)

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا أَخْرِجُوهُم مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (82)

ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «اینها را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها مردمی هستند که پاکدامنی را می طلبند (و با ما همصدا نیستند!)» (82)

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (83)

(چون کار به اینجا رسید،) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم؛ جز همسرش، که از بازماندگان (در شهر) بود. (83)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (84)

و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم؛ (که آنها را در هم کوبید و نابود ساخت.) پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد! (84)

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (85)

و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است؛ بنابر این، حق پیمانه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نکاهید! و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید! (85)

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (86)

و بر سر هر راه ننشینید که (مردم با ایمان را) تهدید کنید و مؤمنان را از راه خدا باز دارید، و با (القای شبهات،) آن را کج و معوج نشان دهید! و به خاطر بیاورید زمانی را که اندک بودید، و او شما را فزونی داد! و بنگرید سرانجام مفسدان چگونه بود! (86)

وَإِن كَانَ طَائِفَةٌ مِّنكُمْ آمَنُوا بِالَّذِى أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (87)

و اگر گروهی از شما به آنچه من به آن فرستاده شده ام ایمان آورده اند، و گروهی ایمان نیاورده اند، صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند، که او بهترین داوران است! (87)

جزء 9

ادامه سوره الأعراف

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِی مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ (88)

اشراف زورمند و متکبّر از قوم او گفتند: «ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که به تو ایمان آورده اند، از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد، یا به آیین ما بازگردید!» کفت: «آیا (می خواهید ما را بازگردانید) اگر چه مایل نباشیم؟! (88)

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِی مِلَّتِكُم بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَن نَّعُودَ فِيهَا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (89)

اگر ما به آیین شما بازگردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته ایم؛ و شایسته نیست که ما به آن بازگردیم مگر اینکه خدایی که پروردگار ماست بخواهد؛ علم پروردگار ما، به همه چیز احاطه دارد. تنها بر خدا توکل کرده ایم. پروردگارا! میان ما و قوم ما بحق داوری کن، که تو بهترین داورانی!» (89)

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ (90)

اشراف زورمند از قوم او که کافر شده بودند گفتند: «اگر از شعیب پیروی کنید، شما هم زیانکار خواهید شد!» (90)

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِی دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (91)

سپس زمین لرزه آنها را فرا گرفت؛ و صبحگاهان بصورت اجسادی بی جان در خانه هاشان مانده بودند. (91)

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ (92)

آنها که شعیب را تکذیب کردند، (آنچنان نابود شدند که) گویا هرگز در آن (خانه ها) سکونت نداشتند! آنها که شعیب را تکذیب کردند، زیانکار بودند! (92)

فَتَوَلّی عَنْهُمْ وَقَالَ یَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُکُمْ رِسَالَاتِ رَبِّی وَنَصَحْتُ لَکُمْ فَکَیْفَ آسَی عَلَی قَوْمٍ کَافِرِینَ (93)

سپس از آنان روی برتافت و گفت: «ای قوم من! من رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم؛ با این حال، چگونه بر حال قوم بی ایمان تأسف بخورم؟!» (93)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِی قَرْیَهٍ مِّن نَّبِیٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ یَضَّرَّعُونَ (94)

و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتیها و خسارتها گرفتار ساختیم؛ شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) بازگردند و تضرع کنند! (94)

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَکَانَ السَّیِّئَهِ الْحَسَنَهَ حَتَّی عَفَوا وَّقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُم بَغْتَهً وَهُمْ لَا یَشْعُرُونَ (95)

سپس (هنگامی که این هشدارها در آنان اثر نگذاشت)، نیکی (و فراوانی نعمت و رفاه) را به جای بدی (و ناراحتی و گرفتاری) قرار دادیم؛ آنچنان که فزونی گرفتند، (و همه گونه نعمت و برکت یافتند، و مغرور شدند،) و گفتند: «(تنها ما نبودیم که گرفتار این مشکلات شدیم؛) به پدران ما نیز ناراحتیهای جسمی و مالی رسید.» چون چنین شد، آنها را ناگهان (به سبب اعمالشان) گرفتیم (و مجازات کردیم)، در حالی که نمی فهمیدند. (95)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (96)

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. (96)

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ (97)

آیا اهل این آبادیها، از این ایمنند که عذاب ما شبانه به سراغ آنها بیاید در حالی که در خواب باشند؟! (97)

أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ (98)

آیا اهل این آبادیها، از این ایمنند که عذاب ما هنگام روز به سراغشان بیاید در حالی که سرگرم بازی هستند؟! (98)

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (99)

آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی دانند! (99)

أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (100)

آیا کسانی که وارث روی زمین بعد از صاحبان آن می شوند، عبرت نمی گیرند که اگر بخواهیم، آنها را نیز به گناهانشان هلاک می کنیم، و بر دلهایشان مهر می نهیم تا (صدای حق را) نشنوند؟! (100)

تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ (101)

اینها، شهرها و آبادیهایی است که قسمتی از اخبار آن را برای تو شرح می دهیم؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند؛ (ولی آنها چنان لجوج بودند که) به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند، ایمان نمی آوردند! این گونه خداوند بر دلهای کافران مهر می نهد (و بر اثر لجاجت و ادامه گناه، حس تشخیصشان را سلب می کند)! (101)

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (102)

و بیشتر آنها را بر سر پیمان خود نیافتیم؛ (بلکه) اکثر آنها را فاسق و گنهکار یافتیم! (102)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (103)

سپس بدنبال آنها [= پیامبران پیشین] موسی را با آیات خویش به سوی فرعون و اطرافیان او فرستادیم؛ اما آنها (با عدم پذیرش)، به آن (آیات) ظلم کردند. ببین عاقبت مفسدان چگونه بود! (103)

وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّى رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (104)

و موسی گفت: «ای فرعون! من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم. (104)

حَقِيقٌ عَلَى أَن لَّا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُم بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِى إِسْرَائِيلَ (105)

سزاوار است که بر خدا جز حق نگویم. من دلیل روشنی از پروردگارتان برای شما آورده ام؛ پس بنی اسرائیل را با من بفرست!» (105)

قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (106)

(فرعون) گفت: «اگر نشانه ای آورده ای، نشان بده اگر از راستگویانی!» (106)

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (107)

(موسی) عصای خود را افکند؛ ناگهان اژدهای آشکاری شد! (107)

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِىَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ (108)

و دست خود را (از گریبان) بیرون آورد؛ سفید (و درخشان) برای بینندگان بود! (108)

قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (109)

اطرافیان فرعون گفتند: «بی شک، این ساحری ماهر و دانا است! (109)

يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (110)

می خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند؛ (نظر شما چیست، و) در برابر او چه دستوری دارید؟» (110)

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِى الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (111)

(سپس به فرعون) گفتند: «(کار) او و برادرش را به تأخیر انداز، و جمع آوری کنندگان را به همه شهرها بفرست... (111)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (112)

تا هر ساحر دانا (و کارآزموده ای) را به خدمت تو بیاورند!» (112)

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالَوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (113)

ساحران نزد فرعون آمدند و گفتند: «آیا اگر ما پیروز گردیم، اجر و پاداش مهمی خواهیم داشت؟!» (113)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (114)

گفت: «آری، و شما از مقربان خواهید بود!» (114)

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ (115)

(روز مبارزه فرا رسید. ساحران) گفتند: «ای موسی! یا تو (وسایل سحرت را) بیفکن، یا ما می افکنیم!» (115)

قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ (116)

گفت: «شما بیفکنید!» و هنگامی (که وسایل سحر خود را) افکندند، مردم را چشم بندی کردند و ترساندند؛ و سحر عظیمی پدید آوردند. (116)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (117)

(ما) به موسی وحی کردیم که: «عصای خود را بیفکن!» ناگهان (بصورت مار عظیمی در آمد که) وسایل دروغین آنها را بسرعت برمی گرفت. (117)

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (118)

(در این هنگام،) حق آشکار شد؛ و آنچه آنها ساخته بودند، باطل گشت. (118)

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانقَلَبُوا صَاغِرِينَ (119)

و در آنجا (همگی) مغلوب شدند؛ و خوار و کوچک گشتند. (119)

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (120)

و ساحران (بی اختیار) به سجده افتادند. (120)

ص: 164

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (121)

و گفتند: «ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم؛ (121)

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ (122)

پروردگار موسی و هارون!» (122)

قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنتُم بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (123)

فرعون گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟! حتماً این نیرنگ و توطئه ای است که در این شهر (و دیار) چیده اید، تا اهلش را از آن بیرون کنید؛ ولی بزودی خواهید دانست! (123)

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (124)

سوگند می خورم که دستها و پاهای شما را بطور مخالف [= دست راست با پای چپ، یا دست چپ با پای راست] قطع می کنم؛ سپس همگی را به دار می آویزم! (124)

قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ (125)

(ساحران) گفتند: «(مهم نیست،) ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم! (125)

وَمَا تَنقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (126)

انتقام تو از ما، تنها بخاطر این است که ما به آیات پروردگار خویش -هنگامی که به سراغ ما آمد- ایمان آوردیم. بار الها! صبر و استقامت بر ما فرو ریز! (و آخرین درجه شکیبائی را به ما مرحمت فرما!) و ما را مسلمان بمیران!» (126)

وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ (127)

و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می کنی که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را رها سازد؟!» گفت: «بزودی پسرانشان را می کشیم، و دخترانشان را زنده نگه می داریم (تا به ما خدمت کنند)؛ و ما بر آنها کاملاً مسلّطیم!» (127)

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (128)

موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!» (128)

قَالُوا أُوذِينَا مِن قَبْلِ أَن تَأْتِيَنَا وَمِن بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِى الْأَرْضِ فَيَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (129)

گفتند: «پیش از آنکه به سوی ما بیایی آزار دیدیم، (هم اکنون) پس از آمدنت نیز آزار می بینیم! (کی این آزارها سر خواهد آمد؟)» گفت: «امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند، و شما را در زمین جانشین (آنها) سازد، و بنگرد چگونه عمل می کنید!» (129)

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (130)

و ما نزدیکان فرعون (و قوم او) را به خشکسالی و کمبود میوه ها گرفتار کردیم، شاید متذکر گردند! (130)

فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَهُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَهٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَن مَّعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِندَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (131)

(اما آنها نه تنها پند نگرفتند، بلکه) هنگامی که نیکی (و نعمت) به آنها می رسید، می گفتند: «بخاطر خود ماست.» ولی موقعی که بدی (و بلا) به آنها می رسید، می گفتند: «از شومی موسی و کسان اوست»! آگاه باشید سرچشمه همه اینها، نزد خداست؛ ولی بیشتر آنها نمی دانند! (131)

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَهٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَکَ بِمُؤْمِنِينَ (132)

و گفتند: «هر زمان نشانه و معجزه ای برای ما بیاوری که سحرمان کنی، ما به تو ایمان نمی آوریم!» (132)

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (133)

سپس (بلاها را پشت سر هم بر آنها نازل کردیم:) طوفان و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه ها و خون را -که نشانه هایی از هم جدا بودند- بر آنها فرستادیم؛ (ولی باز بیدار نشدند، و) تکبر ورزیدند، و جمعیّت گنهکاری بودند! (133)

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّکَ بِمَا عَهِدَ عِندَکَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَکَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَکَ بَنِى إِسْرَائِيلَ (134)

هنگامی که بلا بر آنها مسلط می شد، می گفتند: «ای موسی! از خدایت برای ما بخواه به عهدی که با تو کرده، رفتار کند! اگر این بلا را از ما مرتفع سازی، قطعاً به تو ایمان می آوریم، و بنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد!» (134)

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُم بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ (135)

اما هنگامی که بلا را، پس از مدت معینی که به آن می رسیدند، از آنها برمی داشتیم، پیمان خویش را می شکستند! (135)

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِى الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (136)

سرانجام از آنها انتقام گرفتیم، و آنان را در دریا غرق کردیم؛ زیرا آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند. (136)

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (137)

و مشرقها و مغربهای پر برکت زمین را به آن قومِ به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)، واگذار کردیم؛ و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، بخاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقّق یافت؛ و آنچه فرعون و فرعونیان (از کاخهای مجلّل) می ساختند، و آنچه از باغهای داربست دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم! (137)

وَجَاوَزْنَا بِبَنِی إِسْرَائِیلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَی قَوْمٍ یَعْکُفُونَ عَلَی أَصْنَامٍ لَّهُمْ قَالُوا یَا مُوسَی اجْعَل لَّنَا إِلَهًا کَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّکُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (138)

و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم؛ (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بتهایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: «تو هم برای ما معبودی قرار ده، همان گونه که آنها معبودان (و خدایانی) دارند!» گفت: «شما جمعیّتی جاهل و نادان هستید! (138)

إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَبَّرٌ مَّا هُمْ فِیهِ وَبَاطِلٌ مَّا کَانُوا یَعْمَلُونَ (139)

اینها (را که می بینید)، سرانجام کارشان نابودی است؛ و آنچه انجام می دهند، باطل (و بیهوده) است. (139)

قَالَ أَغَیْرَ اللَّهِ أَبْغِیکُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَکُمْ عَلَی الْعَالَمِینَ (140)

(سپس) گفت: «آیا غیر از خداوند، مبعودی برای شما بطلبم؟! خدایی که شما را بر جهانیان (و مردم عصرتان) برتری داد!» (140)

وَإِذْ أَنجَیْنَاکُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سُوءَ الْعَذَابِ یُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَکُمْ وَیَسْتَحْیُونَ نِسَاءَکُمْ وَفِی ذَلِکُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّکُمْ عَظِیمٌ (141)

(به خاطر بیاورید) زمانی را که از (چنگال) فرعونیان نجاتتان بخشیدیم! آنها که پیوسته شما را شکنجه می دادند، پسرانتان را می کشتند، و زنانتان را (برای خدمتگاری) زنده می گذاشتند؛ و در این، آزمایش بزرگی از سوی خدا برای شما بود. (141)

وَوَاعَدْنَا مُوسَی ثَلَاثِینَ لَیْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِیقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِینَ لَیْلَةً وَقَالَ مُوسَی لِأَخِیهِ هَارُونَ اخْلُفْنِی فِی قَوْمِی وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِیلَ الْمُفْسِدِینَ (142)

و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب، میعاد پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش. و (آنها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما!» (142)

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِى أَنظُرْ إِلَيْکَ قَالَ لَن تَرَانِى وَلَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِى فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَکَ تُبْتُ إِلَيْکَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ (143)

و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم!» گفت: «هرگز مرا نخواهی دید! ولی به کوه بنگر، اگر در جای خود ثابت ماند، مرا خواهی دید!» اما هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن را همسان خاک قرار داد؛ و موسی مدهوش به زمین افتاد. چون به هوش آمد، عرض کرد: «خداوندا! منزهی تو (از اینکه با چشم تو را ببینم)! من به سوی تو بازگشتم! و من نخستین مؤمنانم!» (143)

قَالَ يَا مُوسَى إِنِّى اصْطَفَيْتُکَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِى وَبِكَلَامِى فَخُذْ مَا آتَيْتُکَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ (144)

(خداوند) فرمود: «ای موسی! من تو را با رسالتهای خویش، و با سخن گفتنم (با تو)، بر مردم برتری دادم و برگزیدم؛ پس آنچه را به تو داده ام بگیر و از شکرگزاران باش!» (144)

وَكَتَبْنَا لَهُ فِى الْأَلْوَاحِ مِن كُلِّ شَىْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَىْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَکَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ (145)

و برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتیم؛ و بیانی از هر چیز کردیم -«پس آن را با جدّیت بگیر! و به قوم خود بگو: به نیکوترین آنها عمل کنند! (و آنها که به مخالفت برخیزند، کیفرشان دوزخ است؛) و بزودی جایگاه فاسقان را به شما نشان خواهم داد!» (145)

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِىَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِى الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (146)

بزودی کسانی را که در روی زمین بناحق تکبّر می ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می سازم! آنها چنانند که اگر هر آیه و نشانه ای را ببینند، به آن ایمان نمی آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی کنند؛ و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن را راه خود انتخاب می کنند! (همه اینها) بخاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند! (146)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (147)

و کسانی که آیات، و دیدار رستاخیز را تکذیب (و انکار) کنند، اعمالشان نابود می گردد؛ آیا جز آنچه را عمل می کردند پاداش داده می شوند؟! (147)

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِن بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ (148)

قوم موسی بعد (از رفتن) او (به میعادگاه خدا)، از زیورهای خود گوساله ای ساختند؛ جسد بی جانی که صدای گوساله داشت! آیا آنها نمی دیدند که با آنان سخن نمی گوید، و به راه (راست) هدایتشان نمی کند؟! آن را (خدای خود) انتخاب کردند، و ظالم بودند! (148)

وَلَمَّا سُقِطَ فِی أَیْدِیهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ یَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَیَغْفِرْ لَنَا لَنَکُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِینَ (149)

و هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد، و دیدند گمراه شده اند، گفتند: «اگر پروردگارمان به ما رحم نکند، و ما را نیامرزد، بطور قطع از زیانکاران خواهیم بود!» (149)

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِى مِن بَعْدِى أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِى وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِى فَلَا تُشْمِتْ بِىَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (150)

و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من، بد جانشینانی برایم بودید (و آیین مرا ضایع کردید) ! آیا درمورد فرمان پروردگارتان (و تمدید مدّت میعاد او)، عجله نمودید (و زود قضاوت کردید؟ !)» سپس الواح را افکند، و سر برادر خود را گرفت (و با عصبانیت) به سوی خود کشید؛ او گفت: «فرزند مادرم ! این گروه، مرا در فشار گذاردند و ناتوان کردند؛ و نزدیک بود مرا بکشند، پس کاری نکن که دشمنان مرا شماتت کنند و مرا با گروه ستمکاران قرار مده !» (150)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِى وَلِأَخِى وَأَدْخِلْنَا فِى رَحْمَتِكَ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (151)

(موسی) گفت: «پروردگارا ! من و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمت خود داخل فرما، و تو مهربانترین مهربانانی !» (151)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِى الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِى الْمُفْتَرِينَ (152)

کسانی که گوساله را (معبود خود) قرار دادند، بزودی خشم پروردگارشان، و ذلّت در زندگی دنیا به آنها می رسد؛ و اینچنین، کسانی را که (بر خدا) افترا می بندند، کیفر می دهیم ! (152)

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (153)

و آنها که گناه کردند، و بعد از آن توبه نمودند و ایمان آوردند، (امید عفو او را دارند؛ زیرا) پروردگار تو، در پی این کار، آمرزنده و مهربان است. (153)

وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَفِى نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (154)

هنگامی که خشم موسی فرو نشست؛ الواح (تورات) را برگرفت؛ و در نوشته های آن، هدایت و رحمت برای کسانی بود که از پروردگار خویش می ترسند (و از مخالفت فرمانش بیم دارند). (154)

وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (155)

موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید؛ و هنگامی که زمین لرزه آنها را فرا گرفت (و هلاک شدند)، گفت: «پروردگارا! اگر می خواستی، می توانستی آنها و مرا پیش از این نیز هلاک کنی! آیا ما را به آنچه سفیهانمان انجام داده اند، (مجازات و) هلاک می کنی؟! این، جز آزمایش تو، چیز دیگر نیست؛ که هر کس را بخواهی (و مستحق بدانی)، به وسیله آن گمراه می سازی؛ و هر کس را بخواهی (و شایسته ببینی)، هدایت می کنی! تو ولیّ مایی، و ما را بیامرز، بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگانی! (155)

وَاكْتُبْ لَنَا فِی هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْکَ قَالَ عَذَابِی أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (156)

و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرّر فرما؛ چه اینکه ما به سوی تو بازگشت کرده ایم! «(خداوند در برابر این تقاضا، به موسی) گفت:» مجازاتم را به هر کس بخواهم می رسانم؛ و رحمتم همه چیز را فراگرفته؛ و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند، و زکات را بپردازند، و آنها که به آیات ما ایمان می آورند، مقرّر خواهم داشت! (156)

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِی التَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِی كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (157)

همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز میدارد؛ اشیار پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد، و ناپاکیها را تحریم می کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند. (157)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِی لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِی وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ الَّذِی يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (158)

بگو: «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمانها و زمین، از آن اوست؛ معبودی جز او نیست؛ زنده می کند و می میراند؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، آن پیامبر درس نخوانده ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا هدایت یابید!» (158)

وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (159)

و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می کنند؛ و به حق و عدالت حکم می نمایند. (159)

ص: 170

وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَىْ عَشْرَةَ أَسْبَاطاً أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاکَ الْحَجَرَ فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (160)

ما آنها را به دوازده گروه -که هر یک شاخه ای (از دودمان اسرائیل) بود- تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی (در بیابان) از او تقاضای آب کردند، به او وحی فرستادیم که: «عصای خود را بر سنگ بزن!» ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست؛ آنچنان که هر گروه، چشمه و آبشخور خود را می شناخت. و ابر را بر سر آنها سایبان ساختیم؛ و بر آنها «مَن» و «سَلوی» فرستادیم؛ (و به آنان گفتیم:) از روزیهای پاکیزه ای که به شما داده ایم، بخورید! (و شکر خدا را بجا آورید! آنها نافرمانی و ستم کردند؛ ولی) به ما ستم نکردند، لکن به خودشان ستم می نمودند. (160)

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (161)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که به آنها گفته شد: «در این شهر [= بیت المقدّس] ساکن شوید، و از هر جا (و به هر کیفیت) بخواهید، از آن بخورید (و بهره گیرید)! و بگویید: خداوندا! گناهان ما را بریز! و از درِ (بیت المقدس) با تواضع وارد شوید! که اگر چنین کنید، گناهان شما را می بخشم؛ و نیکوکاران را پاداش بیشتر خواهیم داد.» (161)

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِى قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ (162)

اما ستمگران آنها، این سخن (و آن فرمانها) را، بغیر آنچه به آنها گفته شده بود، تغییر دادند؛ از این رو بخاطر ستمی که روا میداشتند، بلایی از آسمان بر آنها فرستادیم (و مجازاتشان کردیم). (162)

وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِى كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِى السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِکَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (163)

و از آنها درباره (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود بپرس! زمانی که آنها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی) خدا می کردند؛ همان هنگام که

ماهیانشان، روز شنبه (که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود، بر سطح آب،) آشکار می شدند؛ امّا در غیر روز شنبه، به سراغ آنها نمی آمدند؛ این چنین آنها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می کردند! (163)

ص: 171

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (164)

و (به یاد آر) هنگامی را که گروهی از آنها (به گروه دیگر) گفتند: «چرا جمعی (گنهکار) را اندرز می دهید که سرانجام خداوند آنها را هلاک خواهد کرد، یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت؟! (آنها را به حال خود واگذارید تا نابود شوند!)» گفتند: «(این اندرزها،) برای اعتذار (و رفع مسؤولیت) در پیشگاه پروردگار شماست؛ بعلاوه شاید آنها (بپذیرند، و از گناه باز ایستند، و) تقوا پیشه کنند!» (164)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (165)

امّا هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید؛ و) نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم؛ و کسانی را که ستم کردند، بخاطر نافرمانیشان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم. (165)

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (166)

(آری،) هنگامی که در برابر آنچه از آن نهی شده بودند سرکشی کردند، به آنها گفتیم: «به شکل میمونهایی طردشده در آیید!» (166)

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (167)

و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد: تا دامنه قیامت، کسی را بر آنها مسلّط خواهد ساخت که همواره آنها را در عذاب سختی قرار دهد؛ زیرا پروردگارت مجازاتش سریع، (و در عین حال، نسبت به توبه کاران) آمرزنده و مهربان است. (167)

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا مِّنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (168)

و آنها را در زمین بصورت گروه هایی، پراکنده ساختیم؛ گروهی از آنها صالح، و گروهی ناصالحند. و آنها را با نیکی ها و بدی ها آزمودیم، شاید

بازگردند! (168)

فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِم مِّيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَّا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (169)

پس از آنها، فرزندانی جای آنها را گرفتند که وارث کتاب (آسمانی، تورات) شدند؛ (امّا با این حال،) متاع این دنیای پست را گرفته، (بر اطاعت فرمان خدا ترجیح می دهند) و می گویند: «(اگر ما گنهکاریم توبه می کنیم و) بزودی بخشیده خواهیم شد!» اما اگر متاع دیگری همانند آن به دستشان بیفتد، آن را (نیز) می گیرند، (و باز حکم خدا را پشت سر می افکنند.) آیا پیمان کتاب (خدا) از آنها گرفته نشده که بر خدا (دروغ نبندند، و) جز حق نگویند، و آنان بارها آنرا خوانده اند؟! و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیا نمی فهمید؟! (169)

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (170)

و آنها که به کتاب (خدا) تمسّک جویند، و نماز را برپا دارند، (پاداش بزرگی خواهند داشت؛ زیرا) ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد! (170)

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (171)

و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی که کوه را همچون سایبانی بر فراز آنها بلند کردیم، آنچنان که گمان کردند بر آنان فرود می آمد؛ (و در همین حال، از آنها پیمان گرفتیم و گفتیم:) آنچه را (از احکام و دستورها) به شما داده ایم، با قوّت (و جدیت) بگیرید! و آنچه در آن است، به یاد داشته باشید، (و عمل کنید،) تا پرهیزگار شوید! (171)

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِى آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (172)

و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت؛ و آنها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (و فرمود:) «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویید: «ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی خبر ماندیم)»! (172)

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ (173)

یا بگویید: «پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، ما هم فرزندانی بعد از آنها بودیم؛ (و چاره ای جز پیروی از آنان نداشتیم؛) آیا ما را به آنچه باطل گرایان انجام دادند مجازات می کنی؟!» (173)

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (174)

این گونه، آیات را توضیح می دهیم؛ و شاید به سوی حق بازگردند (و بدانند ندای توحید در درون جانشان، از روز نخست بوده است)! (174)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِى آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (175)

و بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم؛ ولی (سرانجام) خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از

گمراهان شد! (175)

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث ذَّلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (176)

و اگر می خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانشها) بالا می بردیم؛ (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست؛ پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد! مثل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را برون می آورد، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می کند؛ (گویی چنان تشنه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی شود! (این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ این داستانها را (برای آنها) بازگو کن، شاید بیندیشند (و بیدار شوند)! (176)

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ (177)

چه بد مثلی دارند گروهی که آیات ما را تکذیب کردند؛ و آنها تنها به خودشان ستم می نمودند! (177)

مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَن يُضْلِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (178)

آن کس را که خدا هدایت کند، هدایت یافته (واقعی) اوست؛ و کسانی را که (بخاطر اعمالشان) گمراه سازد، زیانکاران (واقعی) آنها هستند! (178)

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِکَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِکَ هُمُ الْغَافِلُونَ (179)

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دلها [= عقلها] یی دارند که با آن (اندیشه نمی کنند، و) نمی فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی بینند؛ و گوشهایی که با آن نمی شنوند؛ آنها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند)! (179)

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِی أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (180)

و برای خدا، نامهای نیک است؛ خدا را به آن (نامها) بخوانید! و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می کنند (و بر غیر او می نهند، و شریک برایش قائل می شوند)، رها سازید! آنها بزودی جزای اعمالی را که انجام می دادند، می بینند! (180)

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (181)

و از آنها که آفریدیم، گروهی بحق هدایت می کنند، و بحق اجرای عدالت می نمایند. (181)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (182)

و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جائی که نمی دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد. (182)

وَأُمْلِی لَهُمْ إِنَّ كَيْدِی مَتِينٌ (183)

و به آنها مهلت می دهم (تا مجازاتشان دردناکتر باشد)؛ زیرا طرح و نقشه من، قوی (و حساب شده) است. (و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست.) (183)

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (184)

آیا فکر نکردند که همنشین آنها [= پیامبر] هیچ گونه (اثری از) جنون ندارد؟! (پس چگونه چنین نسبت ناروایی به او می دهند؟!) او فقط بیم دهنده آشکاری است (که مردم را متوجه وظایفشان می سازد). (184)

أَوَلَمْ يَنظُرُوا فِی مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِن شَیْءٍ وَأَنْ عَسَى أَن يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَیِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (185)

آیا در حکومت و نظام آسمانها و زمین، و آنچه خدا آفریده است، (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند؟! (و آیا در این نیز اندیشه نکردند که) شاید پایان زندگی آنها نزدیک شده باشد؟! (اگر به این کتاب آسمانی روشن ایمان نیاورند،) بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟! (185)

مَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِیَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِی طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (186)

هر کس را خداوند (به جرم اعمال زشتش) گمراه سازد، هدایت کننده ای ندارد؛ و آنها را در طغیان و سرکشی شان رها می سازد، تا سرگردان شوند! (186)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّی لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِیٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (187)

درباره قیامت از تو سؤال می کنند، کی فرامی رسد؟! بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است؛ و هیچ کس جز او (نمی تواند) وقت آن را آشکار سازد؛ (اما قیام قیامت، حتی) در آسمانها و زمین، سنگین (و بسیار پر اهمیت) است؛ و جز بطور ناگهانی، به سراغ شما نمی آید!» (باز) از تو سؤال می کنند، چنان که گویی تو از زمان وقوع آن باخبری! بگو: «علمش تنها نزد خداست؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.» (187)

قُل لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِی نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِیَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (188)

بگو: «من مالک سود و زیان خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد؛ (و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم، مگر آنچه خداوند اراده کند؛) و اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می کردم، و هیچ بدی (و زیانی) به من نمی رسید؛ من فقط بیم دهنده و بشارت دهنده ام برای گروهی که ایمان می آورند! (و آماده پذیرش حقند) (188)

هُوَ الَّذِی خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَت دَّعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (189)

او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می داد؛ و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند «اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود!» (189)

فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (190)

اما هنگامی که خداوند فرزند صالحی به آنها داد، (موجودات دیگر را در این موهبت مؤثر دانستند؛ و) برای خدا، در این نعمت که به آنها بخشیده بود، همتایانی قائل شدند؛ خداوند برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند! (190)

أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (191)

آیا موجوداتی را همتای او قرارمی دهند که چیزی را نمی آفرینند، و خودشان مخلوقند. (191)

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ (192)

و نمی توانند آنان را یاری کنند، و نه خودشان را یاری می دهند. (192)

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنتُمْ صَامِتُونَ (193)

و هرگاه آنها را به سوی هدایت دعوت کنید، از شما پیروی نمی کنند؛ و برای شما یکسان است چه آنها را دعوت کنید و چه خاموش باشید؟! (193)

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (194)

آنهایی را که غیر از خدا می خوانید (و پرستش می کنید)، بندگانی همچون خود شما هستند؛ آنها را بخوانید، و اگر راست می گویید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایتان را برآورند)! (194)

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ (195)

آیا (آنها حداقل همانند خود شما) پاهایی دارند که با آن راه بروند؟! یا دستهایی دارند که با آن چیزی را بگیرند (و کاری انجام دهند)؟! یا چشمانی دارند که با آن ببینند؟! یا گوشهایی دارند که با آن بشنوند؟! (نه، هرگز، هیچ کدام،) بگو: «(اکنون که چنین است،) بتهای خویش را که شریک خدا قرار داده اید (بر ضد من) بخوانید، و برای من نقشه بکشید، و لحظه ای مهلت ندهید، (تا بدانید کاری از آنها ساخته نیست)! (195)

إِنَّ وَلِيِّیَ اللَّهُ الَّذِی نَزَّلَ الْکِتَابَ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصَّالِحِینَ (196)

ولی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده؛ و او همه صالحان را سرپرستی می کند. (196)

وَالَّذِینَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا یَسْتَطِیعُونَ نَصْرَکُمْ وَلَا أَنفُسَهُمْ یَنصُرُونَ (197)

و آنهایی را که جز او می خوانید، نمی توانند یاریتان کنند، و نه (حتی) خودشان را یاری دهند؛ (197)

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَی الْهُدَی لَا یَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ یَنظُرُونَ إِلَیْکَ وَهُمْ لَا یُبْصِرُونَ (198)

و اگر آنها را به هدایت فرا خوانید، سخنانتان را نمی شنوند! و آنها را می بینی (که با چشمهای مصنوعیشان) به تو نگاه می کنند، اما در حقیقت نمی بینند!» (198)

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِینَ (199)

(به هر حال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن)! (199)

وَإِمَّا یَنزَغَنَّکَ مِنَ الشَّیْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ (200)

و هرگاه وسوسه ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر؛ که او شنونده و داناست! (200)

إِنَّ الَّذِینَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّیْطَانِ تَذَکَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ (201)

پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و) ناگهان بینا می گردند. (201)

وَإِخْوَانُهُمْ یَمُدُّونَهُمْ فِی الْغَیِّ ثُمَّ لَا یُقْصِرُونَ (202)

و (ناپرهیزگاران را) برادرانشان (از شیاطین) پیوسته در گمراهی پیش می برند، و باز نمی ایستند! (202)

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَى إِلَيَّ مِن رَّبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (203)

هنگامی که (در نزول وحی تاخیر افتد، و) آیه ای برای آنان نیاوری، می گویند: «چرا خودت (از پیش خود) آن را برنگزیدی؟!» بگو: «من تنها از چیزی پیروی می کنم که بر من وحی می شود؛ این وسیله بینایی از طرف پروردگارتان، و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیّتی که ایمان می آورند. (203)

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (204)

هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید! (204)

وَاذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ (205)

پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن؛ و از غافلان مباش! (205)

إِنَّ الَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ (206)

آنها که (در مقام قرب) نزد پروردگار تو هستند، (هیچ گاه) از عبادتش تکبر نمی ورزند، و او را تسبیح می گویند، و برایش سجده می کنند. (206)

سوره الأنفال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَسْأَلُونَکَ عَنِ الْأَنفَالِ قُلِ الْأَنفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (1)

از تو درباره انفال [= غنایم، و هرگونه مال بدون مالک مشخص] سؤال می کنند؛ بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است؛ پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصومتهایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید! (1)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (2)

مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دلهاشان ترسان میگردد؛ و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می شود، ایمانشان فزونتر می گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکل دارند. (2)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (3)

آنها که نماز را برپا می دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده ایم، انفاق می کنند. (3)

أُولَئِکَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (4)

(آری،) مؤمنان حقیقی آنها هستند؛ برای آنان درجاتی (مهم) نزد پروردگارشان است؛ و برای آنها، آمرزش و روزی بی نقص و عیب است. (4)

كَمَا أَخْرَجَکَ رَبُّکَ مِن بَيْتِکَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ (5)

همان گونه که خدا تو را بحق از خانه (به سوی میدان بدر،) بیرون فرستاد، در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند (؛ ولی سرانجامش پیروزی بود! ناخشنودی عده ای از چگونگی تقسیم غنایم بدر نیز چنین است)! (5)

يُجَادِلُونَکَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنظُرُونَ (6)

آنها پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می کردند؛ (و چنان ترس و وحشت آنها را فراگرفته بود، که) گویی به سوی مرگ رانده می شوند، و آن را با چشم خود می نگرند! (6)

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَن يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (7)

و (به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه [= کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آنها] نصیب شما خواهد بود؛ و شما دوست می داشتید که کاروان (غیر مسلح) برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید)؛ ولی خداوند می خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند؛ (از این رو شما را بر خلاف میلتان با لشکر قریش درگیر ساخت، و آن پیروزی بزرگ نصیبتان شد.) (7)

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (8)

تا حق را تثبیت کند، و باطل را از میان بردارد، هر چند مجرمان کراهت داشته باشند. (8)

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّى مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَهِ مُرْدِفِينَ (9)

(به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر،) از پروردگارتان کمک می خواستید؛ و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یکهزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می آیند، یاری می کنم. (9)

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (10)

ولی خداوند، این را تنها برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد؛ وگرنه، پیروزی جز از طرف خدا نیست؛ خداوند توانا و حکیم است! (10)

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (11)

و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت؛ و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دلهایتان را محکم، و گامها را با آن استوار دارد! (11)

إِذْ يُوحِى رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَهِ أَنِّى مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِى فِى قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (12)

و (به یاد آر) موقعی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «من با شما هستم؛ کسانی را که ایمان آورده اند، ثابت قدم دارید! بزودی در دلهای کافران ترس و وحشت می افکنم؛ ضربه ها را بر بالاتر از گردن (بر سرهای دشمنان) فرود آرید! و همه انگشتانشان را قطع کنید! (12)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَن يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (13)

این بخاطر آن است که آنها با خدا و پیامبرش (ص) دشمنی ورزیدند؛ و هر کس با خدا و پیامبرش دشمنی کند، (کیفر شدیدی می بیند؛) و خداوند شدید العقاب است! (13)

ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ (14)

این (مجازات دنیا) را بچشید! و برای کافران، مجازات آتش (در جهان دیگر) خواهد بود! (14)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ (15)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبه رو شوید، به آنها پشت نکنید (و فرار ننمایید)! (15)

وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (16)

و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند -مگر آنکه هدفش کناره گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد- (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد؛ و جایگاه او جهنم، و چه بد جایگاهی است! (16)

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (17)

این شما نبودید که آنها را کشتید؛ بلکه خداوند آنها را کشت! و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها) انداختی؛ بلکه خدا انداخت! و خدا می خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند؛ خداوند شنوا و داناست. (17)

ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ (18)

سرنوشت مؤمنان و کافران، همان بود که دیدید! و خداوند سست کننده نقشه های کافران است. (18)

إِن تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِن تَنتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَعُودُوا نَعُدْ وَلَن تُغْنِيَ عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ (19)

اگر شما فتح و پیروزی می خواهید، پیروزی به سراغ شما آمد! و اگر (از مخالفت) خودداری کنید، برای شما بهتر است! و اگر بازگردید، ما هم باز خواهیم گشت؛ و جمعیت شما هر چند زیاد باشد، شما را (از یاری خدا) بی نیاز نخواهد کرد؛ و خداوند با مؤمنان است! (19)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنتُمْ تَسْمَعُونَ (20)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا و پیامبرش را اطاعت کنید؛ و سرپیچی ننمایید در حالی که (سخنان او را) می شنوید! (20)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (21)

و همانند کسانی نباشید که می گفتند: «شنیدیم!» ولی در حقیقت نمی شنیدند! (21)

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (22)

بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی کنند. (22)

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوا وَّهُم مُّعْرِضُونَ (23)

و اگر خداوند خیری در آنها می دانست، (حرف حق را) به گوش آنها می رساند؛ ولی (با این حال که دارند،) اگر حق را به گوش آنها برساند، سرپیچی کرده و روگردان می شوند. (23)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (24)

ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد! و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حایل می شود، و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می شوید! (24)

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (25)

و از فتنه ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند.) و بدانید خداوند کیفر شدید دارد! (25)

وَاذْكُرُوا إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (26)

و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ آنچنان که می ترسیدید مردم شما را بربایند! ولی او شما را پناه داد؛ و با یاری خود تقویت کرد؛ و از روزیهای پاکیزه بهره مند ساخت؛ شاید شکر نعمتش را بجا آورید! (26)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (27)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که میدانید (این کار، گناه بزرگی است)! (27)

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (28)

و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است؛ و (برای کسانی که از عهده امتحان برآیند،) پاداش عظیمی نزد خداست! (28)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (29)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرارمی دهد؛ (روشن بینی خاصّی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛) و گناهانتان را می پوشاند؛ و شما را می زمرزد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است! (29)

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (30)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند، و یا (از مکّه) خارج سازند؛ آنها چاره می اندیشیدند (و نقشه می کشیدند)، و خداوند هم تدبیر می کرد؛ و خدا بهترین چاره جویان و تدبیرکنندگان است! (30)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (31)

و هنگامی که آیات ما بر آنها خوانده می شود، می گویند: «شنیدیم؛ (چیز مهمّی نیست؛) ما هم اگر بخواهیم مثل آن را می گوییم؛ اینها همان افسانه های پیشینیان است!» (ولی دروغ می گویند، و هرگز مثل آن را نمی آورند.) (31)

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِندِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (32)

و (به خاطر بیاور) زمانی را که گفتند: «پروردگارا! اگر این حق است و از طرف توست، بارانی از سنگ از آسمان بر ما فرود آر! یا عذاب دردناکی برای ما بفرست!» (32)

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (33)

ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند. (33)

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (34)

چرا خدا آنها را مجازات نکند، با اینکه از (عبادت موحدّان در کنار) مسجد الحرام جلوگیری می کنند در حالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن، فقط پرهیزگارانند؛ ولی بیشتر آنها نمی دانند. (34)

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِندَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (35)

(آنها که مدّعی هستند ما هم نماز داریم،) نمازشان نزد خانه (خدا)، چیزی جز «سوت کشیدن» «کف زدن» نبود؛ پس بچشید عذاب (الهی) را بخاطر کفرتان! (35)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ (36)

آنها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه خدا خرج می کنند؛ آنان این اموال را (که برای به دست آوردنش زحمت کشیده اند، در این راه) مصرف می کنند، امّا مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد؛ و سپس شکست خواهند خورد؛ و (در جهان دیگر) کافران همگی به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد. (36)

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (37)

(اینها همه) بخاطر آن است که خداوند (می خواهد) ناپاک را از پاک جدا سازد، و ناپاکها را روی هم بگذارد، و همه را متراکم سازد، و یکجا در دوزخ قرار دهد؛ و اینها هستند زیانکاران! (37)

قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَنتَهُوا يُغْفَرْ لَهُم مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِن يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ (38)

به آنها که کافر شدند بگو: «چنانچه از مخالفت باز ایستند، (و ایمان آورند،) گذشته آنها بخشوده خواهد شد؛ و اگر به اعمال سابق بازگردند، سنّت

خداوند در گذشتگان، درباره آنها جاری می شود (؛ و حکم نابودی آنان صادر می گردد). (38)

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (39)

و با آنها پیکار کنید، تا فتنه [= شرک و سلب آزادی] برچیده شود، و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا باشد! و اگر آنها (از راه شرک و فساد بازگردند، و از اعمال نادرست) خودداری کنند، (خداوند آنها را می پذیرد؛) خدا به آنچه انجام می دهند بیناست. (39)

وَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (40)

و اگر سرپیچی کنند، بدانید (ضرری به شما نمی رسانند؛) خداوند سرپرست شماست! چه سرپرست خوبی! و چه یاور خوبی! (40)

جزء 10

ادامه سوره الأنفال

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللَّهِ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (41)

بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی ایمان) [= روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده اید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست! (41)

إِذْ أَنتُم بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُم بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدتُّمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِى الْمِيعَادِ وَلَكِن لِّيَقْضِىَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِّيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَىَّ عَن بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ (42)

در آن هنگام که شما در طرف پایین بودید، و آنها در طرف بالأ (و دشمن بر شما برتری داشت؛) و کاروان (قریش)، پایین تر از شما بود؛ (و وضع چنان سخت بود که) اگر با یکدیگر وعده می گذاشتید (که در میدان نبرد حاضر شوید)، در انجام وعده خود اختلاف می کردید؛ ولی (همه اینها) برای آن بود که خداوند، کاری را که می بایست انجام شود، تحقّق بخشد؛ تا آنها که هلاک (و گمراه) می شوند، از روی اتمام حجّت باشد؛ و آنها که زنده می شوند (و هدایت می یابند)، از روی دلیل روشن باشد؛ و خداوند شنوا و داناست. (42)

إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِى مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَّفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِى الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (43)

در آن هنگام که خداوند تعداد آنها را در خواب به تو کم نشان داد؛ و اگر فراوان نشان می داد، مسلّماً سست می شدید؛ و (درباره شروع جنگ با آنها) کارتان به اختلاف می کشید؛ ولی خداوند (شما را از شرّ اینها) سالم نگه داشت؛ خداوند به آنچه درون سینه هاست، داناست. (43)

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِى أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِى أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِىَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (44)

و در آن هنگام (که در میدان نبرد،) با هم روبه رو شدید، آنها را به چشم شما کم نشان می داد؛ و شما را (نیز) به چشم آنها کم می نمود؛ تا خداوند، کاری را که می بایست انجام گیرد، صورت بخشد؛ (شما نترسید و اقدام به جنگ کنید، آنها هم وحشت نکنند و حاضر به جنگ شوند، و سرانجام شکست بخورند!) و همه کارها به خداوند باز می گردد. (44)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (45)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید! (45)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (46)

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است! (46)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِم بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (47)

و مانند کسانی نباشید که از روی هوی پرستی و غرور و خودنمایی در برابر مردم، از سرزمین خود به (سوی میدان بدر) بیرون آمدند؛ و (مردم را) از راه خدا بازمی داشتند؛ (و سرانجام شکست خوردند) و خداوند به آنچه عمل می کنند، احاطه (و آگاهی) دارد! (47)

وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (48)

و (به یاد آور) هنگامی را که شیطان، اعمال آنها [= مشرکان] را در نظرشان جلوه داد، و گفت: «امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی گردد! و من، همسایه (و پناه دهنده) شما هستم!» امّا هنگامی که دو گروه (کافران، و مؤمنان مورد حمایت فرشتگان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: «من از شما (دوستان و پیروانم) بیزارم! من چیزی می بینم که شما نمی بینید؛ من از خدا می ترسم، خداوند شدیدالعقاب است!» (48)

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (49)

و هنگامی را که منافقان، و آنها که در دلهایشان بیماری است می گفتند: «این گروه (مسلمانان) را دینشان مغرور ساخته است.» (آنها نمی دانستند که) هر کس بر خدا توکّل کند، (پیروز می گردد؛) خداوند قدرتمند و حکیم است! (49)

وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (50)

و اگر ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان (مرگ)، جانشان را می گیرند و بر صورت و پشت آنها می زنند و (می گویند:) بچشید عذاب سوزنده را (، به حال آنان تأسف خواهی خورد)! (50)

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (51)

این، در مقابل کارهایی است که از پیش فرستاده اید؛ و خداوند نسبت به بندگانش، هرگز ستم روا نمی دارد! (51)

كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (52)

(حال این گروه مشرکان،) همانند حال نزدیکان فرعون، و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ آنها آیات خدا را انکار کردند؛ خداوند هم آنان را به گناهانشان کیفر داد؛ خداوند قویّ، و کیفرش شدید است (52)

ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ یَکُ مُغَیِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى یُغَیِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ عَلِیمٌ (53)

این، بخاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند؛ و خداوند، شنوا و داناست! (53)

کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ کَذَّبُوا بِآیَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَکْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَکُلٌّ کَانُوا ظَالِمِینَ (54)

این، (درست) شبیه (حال) فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات پروردگارشان را تکذیب کردند؛ ما هم بخاطر گناهانشان، آنها را هلاک کردیم، و فرعونیان را غرق نمودیم؛ و همه آنها ظالم (و ستمگر) بودند! (54)

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الَّذِینَ کَفَرُوا فَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ (55)

به یقین، بدترین جنبندگان نزد خدا، کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی آورند. (55)

الَّذِینَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ یَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِی کُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا یَتَّقُونَ (56)

همان کسانی که با آنها پیمان بستی؛ سپس هر بار عهد و پیمان خود را می شکنند؛ و (از پیمان شکنی و خیانت،) پرهیز ندارند. (56)

فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِی الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَذَّکَّرُونَ (57)

اگر آنها را در (میدان) جنگ بیابی، آنچنان به آنها حمله کن که جمعیّتهایی که پشت سر آنها هستند، پراکنده شوند؛ شاید متذکّر گردند (و عبرت گیرند)! (57)

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِیَانَةً فَانبِذْ إِلَیْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْخَائِنِینَ (58)

و هرگاه (با ظهور نشانه هایی،) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، بطور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی دارد! (58)

وَلَا يَحْسَبَنَّ الّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ (59)

آنها که راه کفر پیش گرفتند، گمان نکنند (با این اعمال،) پیش برده اند (و از قلمرو کیفر ما، بیرون رفته اند)! آنها هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد! (59)

وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَىْءٍ فِى سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (60)

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می شود، و به شما ستم نخواهد شد! (60)

وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (61)

و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خدا توکّل کن، که او شنوا و داناست! (61)

وَإِن يُرِيدُوا أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِی أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ (62)

و اگر بخواهند تو را فريب دهند، خدا برای تو كافی است؛ او همان كسی است كه تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقويت كرد... (62)

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (63)

و دلهای آنها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمين است صرف می كردی كه ميان دلهای آنان الفت دهی، نمی توانستی! ولی خداوند در ميان آنها الفت ايجاد كرد! او توانا و حكيم است! (63)

يَا أَيُّهَا النَّبِیُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (64)

ای پيامبر! خداوند و مؤمنانی كه از تو پيروی می كنند، برای حمايت تو كافی است (؛ فقط بر آنها تكيه كن)! (64)

يَا أَيُّهَا النَّبِیُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (65)

ای پيامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشويق كن! هرگاه بيست نفر با استقامت از شما باشند، بر دويست نفر غلبه می كنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از كسانی كه كافر شدند، پيروز می گردند؛ چرا كه آنها گروهی هستند كه نمی فهمند! (65)

الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (66)

هم اكنون خداوند به شما تخفيف داد، و دانست كه در شما ضعفی است؛ بنابراين، هرگاه يكصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دويست نفر پيروز می شوند؛ و اگر يكهزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند كرد! و خدا با صابران است! (66)

مَا كَانَ لِنَبِیٍّ أن یَکُونَ لَهُ أسْرَی حَتَّی یُثْخِنَ فِی الْأرْضِ تُرِیدُونَ عَرَضَ الدُّنْیَا وَاللَّهُ یُرِیدُ الْآخِرَهَ وَاللَّهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ (67)

هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی (از دشمن) بگیرد تا کاملاً بر آنها پیروز گردد (؛ و جای پای خود را در زمین محکم کند)! شما متاع ناپایدار دنیا را می خواهید؛ (و مایلید اسیران بیشتری بگیرید، و در برابر گرفتن فدیه آزاد کنید؛ ولی خداوند، سرای دیگر را (برای شما) می خواهد؛ و خداوند قادر و حکیم است! (67)

لَّوْلَا کِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّکُمْ فِیمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِیمٌ (68)

اگر فرمان سابق خدا نبود (که بدون ابلاغ، هیچ امّتی را کیفر ندهد)، بخاطر چیزی [= اسیرانی] که گرفتید، مجازات بزرگی به شما می رسید. (68)

فَکُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَیِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (69)

از آنچه به غنیمت گرفته اید، حلال و پاکیزه بخورید؛ و از خدا بپرهیزید؛ خداوند آمرزنده و مهربان است! (69)

يَا أَيُّهَا النَّبِىُّ قُل لِّمَن فِى أَيْدِيكُم مِّنَ الْأَسْرَى إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِى قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (70)

ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: «اگر خداوند، خیری در دلهای شما بداند، (و نیّات پاکی داشته باشید،) بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما می دهد؛ و شما را می بخشد؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است!» (70)

وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (71)

امّا اگر بخواهند با تو خیانت کنند، (تازگی ندارد) آنها پیش از این (نیز) به خدا خیانت کردند؛ و خداوند (شما را) بر آنها پیروز کرد؛ خداوند دانا و حکیم است! (71)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلَايَتِهِم مِّن شَىْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنصَرُوكُمْ فِى الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (72)

کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران یکدیگرند؛ و آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایت [= دوستی و تعّهدی] در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند! و (تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شماست که آنها را یاری کنید، جز بر ضدّ گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترک مخاصمه) است؛ و خداوند به آنچه عمل می کنید، بیناست! (72)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِى الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (73)

کسانی که کافر شدند، اولیاء (و یاوران و مدافعان) یکدیگرند؛ اگر (این دستور را) انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می دهد. (73)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (74)

و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی اند؛ برای آنها، آمرزش (و رحمت خدا) و روزی شایسته ای است. (74)

وَالَّذِینَ آمَنُوا مِن بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَکُمْ فَأُولَئِکَ مِنکُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِی کِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ (75)

و کسانی که بعداً ایمان آوردند و هجرت کردند و با شما جهاد نمودند، از شما هستند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرّر داشته، (از دیگران) سزاوارترند؛ خداوند به همه چیز داناست. (75)

سوره التوبه

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ (1)

(این، اعلام) بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان است که با آنها عهد بسته اید! (1)

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ (2)

با این حال، چهار ماه (مهلت دارید که آزادانه) در زمین سیر کنید (و هر جا می خواهید بروید، و بیندیشید)! و بدانید شما نمی توانید خدا را ناتوان سازید، (و از قدرت او فرار کنید! و بدانید) خداوند خوارکننده کافران است! (2)

وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (3)

و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر [= روز عید قربان] که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند! با این حال، اگر توبه کنید، برای شما بهتر است! و اگر سرپیچی نمایید، بدانید شما نمی توانید خدا را ناتوان سازید (و از قلمرو قدرتش خارج شوید)! و کافران را به مجازات دردناک بشارت ده! (3)

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (4)

مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید، و چیزی از آن را در حقّ شما فروگذار نکردند، و احدی را بر ضدّ شما تقویت ننمودند؛ پیمان آنها را تا پایان مدّتشان محترم بشمرید؛ زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد! (4)

فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (5)

(امّا) وقتی ماه های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید؛ و آنها را اسیر سازید؛ و محاصره کنید؛ و در هر کمینگاه، بر سر راه آنها بنشینید! هرگاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است! (5)

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْلَمُونَ (6)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند! (6)

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِندَ اللَّهِ وَعِندَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدتُّمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (7)

چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آنها همواره آماده شکستن پیمانشان هستند)؟! مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستید؛ (و پیمان خود را محترم شمردند؛) تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نیز وفاداری کنید، که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد! (7)

كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُم بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ (8)

چگونه (پیمان مشرکان ارزش دارد)، در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می کنند، و نه پیمان را؟! شما را با زبان خود خشنود می کنند، ولی دلهایشان ابا دارد؛ و بیشتر آنها فرمانبردار نیستند! (8)

اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (9)

آنها آیات خدا را به بهای کمی فروختند؛ و (مردم را) از راه او باز داشتند؛ آنها اعمال بدی انجام می دادند! (9)

لَا يَرْقُبُونَ فِى مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ (10)

(نه تنها درباره شما،) درباره هیچ فرد باایمانی رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی کنند؛ و آنها همان تجاوز کارانند! (10)

فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِى الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (11)

(ولی) اگر توبه کنند، نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، برادر دینی شما هستند؛ و ما آیات خود را برای گروهی که می دانند (و می اندیشند)، شرح می دهیم! (11)

وَإِن نَّكَثُوا أَيْمَانَهُم مِّن بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِى دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنتَهُونَ (12)

و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدّت عمل) دست بردارند! (12)

أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (13)

آیا با گروهی که پیمانهای خود را شکستند، و تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند، پیکار نمی کنید؟! در حالی که آنها نخستین بار (پیکار با شما را) آغاز کردند؛ آیا از آنها می ترسید؟! با اینکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید! (13)

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (14)

با آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات می کند؛ و آنان را رسوا می سازد؛ و سینه گروهی از مؤمنان را شفا می بخشد (؛ و بر قلب آنها مرهم می نهد) (14)

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (15)

و خشم دلهای آنان را از میان می برد! و خدا توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می پذیرد؛ و خداوند دانا و حکیم است. (15)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (16)

آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می شوید در حالی که هنوز کسانی که از شما جهاد کردند، و غیر از خدا و رسولش و مؤمنان را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند، (از دیگران) مشخصّ نشده اند؟! (باید آزمون شوید؛ و صفوف از هم جدا گردد؛) و خداوند به آنچه عمل می کنید، آگاه است! (16)

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنفُسِهِم بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِى النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (17)

مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می دهند! آنها اعمالشان نابود (و بی ارزش) شده؛ و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند! (17)

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (18)

مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند. (18)

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِی سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِندَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (19)

آیا سیراب کردن حجاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو،) نزد خدا مساوی نیستند! و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند! (19)

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ اللَّهِ وَأُولَئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ (20)

آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آنها پیروز و رستگارند! (20)

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ (21)

پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش)، و باغهایی از بهشت بشارت می دهد که در آن، نعمتهای جاودانه دارند؛ (21)

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (22)

همواره و تا ابد در این باغها (و در میان این نعمتها) خواهند بود؛ زیرا پاداش عظیم نزد خداوند است! (22)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (23)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه پدران و برادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنها را ولیّ (و یار و یاور و تکیه گاه) خود قرار ندهید! و کسانی از شما که آنان را ولیّ خود قرار دهند، ستمگرند! (23)

قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (24)

بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده اید، و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید، و خانه هائی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیّت نافرمانبردار را هدایت نمی کند! (24)

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ (25)

خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید)؛ و در روز حنین (نیز یاری نمود)؛ در آن هنگام که فزونی جمعیّتتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیّت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شده؛ سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید! (25)

ثُمَّ أَنزَلَ اللّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (26)

سپس خداوند «سکینه» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد؛ و لشکرهایی فرستاد که شما نمی دیدید؛ و کافران را مجازات کرد؛ و این است جزای کافران! (26)

ص: 190

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِن بَعْدِ ذَلِکَ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (27)

سپس خداوند -بعد از آن- توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می پذیرد؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است. (27)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ إِن شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (28)

ای کسانی که ایمان آورده اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به کرمش بی نیاز می سازد؛ (و از راه دیگر جبران می کند؛) خداوند دانا و حکیم است. (28)

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (29)

با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می شمرند، و نه آیین حق را می پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند! (29)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِکَ قَوْلُهُم بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (30)

یهود گفتند: «عزیر پسر خداست!» و نصاری کفتند: «مسیح پسر خداست!» این سخنی است که با زبان خود می گویند، که همانند گفتار کافران پیشین است؛ خدا آنان را بکشد، چگونه از حق انحراف می یابند؟! (30)

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (31)

(آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند، و (همچنین) مسیح فرزند مریم را؛ در حالی که دستور نداشتند جز خداوند

یکتائی را که معبودی جز او نیست، بپرستند، او پاک و منزه است از آنچه همتایش قرار می دهند! (31)

ص: 191

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (32)

آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند! (32)

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (33)

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند! (33)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (34)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را بباطل می خورند، و (آنان را) از راه خدا بازمی دارند! و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده! (34)

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ (35)

در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن صورتها و پهلوها و پشتهایشان را داغ می کنند؛ (و به آنها می گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوختید (و گنجینه ساختید)! پس بچشید چیزی را که برای خود می اندوختید! (35)

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (36)

تعداد ماه ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمانها و زمین را آفریده، دوازده ماه است؛ که چهار ماه از آن، ماه حرام است؛ (و جنگ در آن ممنوع می باشد.) این، آیین ثابت و پابرجا (ی الهی) است! بنابر این، در

این ماه ها به خود ستم نکنید (و از هرگونه خونریزی بپرهیزید) ! و (به هنگام نبرد) با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آنها دسته جمعی با شما پیکار می کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است ! (36)

إِنَّمَا النَّسِىءُ زِيَادَةٌ فِى الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (37)

نسی ء [= جا به جا کردن و تأخیر ماه های حرام]، افزایشی در کفر (مشرکان) است؛ که با آن، کافران گمراه می شوند؛ یک سال، آن را حلال، و سال دیگر آن را حرام می کنند، تا به مقدار ماه هایی که خداوند تحریم کرده بشود (و عدد چهار ماه، به پندارشان تکمیل گردد)؛ و به این ترتیب، آنچه را خدا حرام کرده، حلال بشمرند. اعمال زشتشان در نظرشان زیبا جلوه داده شده؛ و خداوند جمعیّت کافران را هدایت نمی کند! (37)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُم بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِى الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (38)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا هنگامی که به شما گفته می شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین سنگینی می کنید (و سستی به خرج می دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید؟! با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست! (38)

إِلَّا تَنفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (39)

اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، شما را مجازات دردناکی می کند، و گروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرارمی دهد؛ و هیچ زیانی به او نمی رسانید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست! (39)

إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِىَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِى الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِىَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (40)

اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد؛ (و در مشکلترین ساعات، او را تنها نگذاشت؛) آن هنگام که کافران او را (از مکّه) بیرون کردند، در حالی که دوّمین نفر بود (و یک نفر بیشتر همراه نداشت)؛ در آن هنگام که آن دو در غار بودند، و او به همراه خود می گفت: «غم مخور، خدا با

ماست!» در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد؛ و با لشکرهایی که مشاهده نمی کردید، او را تقویت نمود؛ و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آنها را با شکست مواجه ساخت؛) و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز) است؛ و خداوند عزیز و حکیم است! (40)

انفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَیْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (41)

(همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید؛ سبکبار باشید یا سنگین بار! و با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید! (41)

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِیبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوكَ وَلَكِن بَعُدَتْ عَلَیْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَیَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ یُهْلِكُونَ أَنفُسَهُمْ وَاللَّهُ یَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (42)

(امّا گروهی از آنها، چنانند که) اگر غنایمی نزدیک (و در دسترس)، و سفری آسان باشد، (به طمع دنیا) از تو پیروی می کنند؛ ولی (اکنون که برای میدان تبوک،) راه بر آنها دور (و پر مشقت) است، (سرباز می زنند؛) و بزودی به خدا سوگند یاد می کنند که: «اگر توانایی داشتیم، همراه شما حرکت می کردیم!» (آنها با این اعمال و این دروغها، در واقع) خود را هلاک می کنند؛ و خداوند می داند آنها دروغگو هستند! (42)

عَفَا اللَّهُ عَنكَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتَّی یَتَبَیَّنَ لَكَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِینَ (43)

خداوند تو را بخشید؛ چرا پیش از آنکه راستگویان و دروغگویان را بشناسی، به آنها اجازه دادی؟! (خوب بود صبر می کردی، تا هر دو گروه خود را نشان دهند!) (43)

لَا یَسْتَأْذِنُكَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ أَن یُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِیمٌ بِالْمُتَّقِینَ (44)

آنها که به خدا و روز جزا ایمان دارند، هیچ گاه برای ترک جهاد (در راه خدا) با اموال و جانهایشان، از تو اجازه نمی گیرند؛ و خداوند پرهیزگاران را می شناسد. (44)

إِنَّمَا یَسْتَأْذِنُكَ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِی رَیْبِهِمْ یَتَرَدَّدُونَ (45)

تنها کسانی از تو اجازه (این کار را) می گیرند که به خدا و روز جزا ایمان ندارند، و دلهایشان با شکّ و تردید آمیخته است؛ آنها در تردید خود

سرگردانند. (45)

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِن كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ (46)

اگر آنها (راست می گفتند، و) اراده داشتند که (بسوی میدان جهاد) خارج شوند، وسیله ای برای آن فراهم می ساختند! ولی خدا از حرکت آنها کراهت داشت؛ از این رو (توفیقش را از آنان سلب کرد؛ و) آنها را (از جهاد) باز داشت؛ و به آنان گفته شد: «با «قاعدین» [= کودکان و پیران و بیماران] بنشینید!» (46)

لَوْ خَرَجُوا فِيكُم مَّا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (47)

اگر آنها همراه شما (بسوی میدان جهاد) خارج می شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی افزودند؛ و بسرعت در بین شما به فتنه انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می پرداختند؛ و در میان شما، افرادی (سست و ضعیف) هستند که به سخنان آنها کاملاً گوش فرامی دهند؛ و خداوند، ظالمان را می شناسد. (47)

لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِن قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَکَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ کَارِهُونَ (48)

آنها پیش از این (نیز) در پی فتنه انگیزی بودند، و کارها را بر تو دگرگون ساختند (و به هم ریختند)؛ تا آن که حق فرا رسید، و فرمان خدا آشکار گشت (و پیروز شدید)، در حالی که آنها کراهت داشتند. (48)

وَمِنْهُم مَّن یَقُولُ ائْذَن لِّی وَلَا تَفْتِنِّی أَلَا فِی الْفِتْنَهِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِیطَهٌ بِالْکَافِرِینَ (49)

بعضی از آنها می گویند: «به ما اجازه ده (تا در جهاد شرکت نکنیم)، و ما را به گناه نیفکن»! آگاه باشید آنها (هم اکنون) در گناه سقوط کرده اند؛ و جهنم، کافران را احاطه کرده است! (49)

إِن تُصِبْکَ حَسَنَهٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْکَ مُصِیبَهٌ یَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَیَتَوَلَّوا وَّهُمْ فَرِحُونَ (50)

هرگاه نیکی به تو رسد، آنها را ناراحت می کند؛ و اگر مصیبتی به تو رسد، می گویند: «ما تصمیم خود را از پیش گرفته ایم.» و بازمی گردند در حالی که خوشحالند! (50)

قُل لَّن یُصِیبَنَا إِلَّا مَا کَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (51)

بگو: «هیچ حادثه ای برای ما رخ نمی دهد، مگر آنچه خداوند برای ما نوشته و مقرّر داشته است؛ او مولا (و سرپرست) ماست؛ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکّل کنند!» (51)

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَیَیْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِکُمْ أَن یُصِیبَکُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِندِهِ أَوْ بِأَیْدِینَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَکُم مُّتَرَبِّصُونَ (52)

بگو: «آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟! (: یا پیروزی یا شهادت) ولی ما انتظار داریم که خداوند، عذابی از سوی خودش (در آن جهان) به شما برساند، یا (در این جهان) به دست ما (مجازات شوید) اکنون که چنین است، شما انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می کشیم!» (52)

قُلْ أنفِقُوا طَوْعًا أوْ كَرْهًا لّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمْ إِنَّكُمْ كُنتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ (53)

بگو: «انفاق کنید؛ خواه از روی میل باشد یا اکراه، هرگز از شما پذیرفته نمی شود؛ چرا که شما قوم فاسقی بودید!» (53)

وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ (54)

هیچ چیز مانع قبول انفاقهای آنها نشد، جز اینکه آنها به خدا و پیامبرش کافر شدند، و نماز بجا نمی آورند جز با کسالت، و انفاق نمی کنند مگر با کراهت! (54)

فَلَا تُعْجِبْکَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُم بِهَا فِی الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (55)

و (فزونی) اموال و اولاد آنها، تو را در شگفتی فرو نبرد؛ خدا می خواهد آنان را به وسیله آن، در زندگی دنیا عذاب کند، و در حال کفر بمیرند! (55)

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ (56)

آنها به خدا سوگند می خورند که از شما هستند، در حالی که از شما نیستند؛ ولی آنها گروهی هستند که می ترسند (و به خاطر ترس از فاش شدن اسرارشان دروغ می گویند)! (56)

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ (57)

اگر پناهگاه یا غارها یا راهی در زیر زمین بیابند، بسوی آن حرکت می کنند، و با سرعت و شتاب فرار می کنند. (57)

وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُکَ فِی الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ (58)

و در میان آنها کسانی هستند که در (تقسیم) غنایم به تو خرده میگیرند؛ اگر از آن (غنایم، سهمی) به آنها داده شود، راضی می شوند؛ و اگر داده نشود، خشم می گیرند (؛ خواه حقّ آنها باشد یا نه)! (58)

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ (59)

(در حالی که) اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده راضی باشند، و بگویند: «خداوند برای ما کافی است! و بزودی خدا و رسولش، از فضل خود به ما می بخشند؛ ما تنها رضای او را می طلبیم.» (برای آنها بهتر است)! (59)

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ وَفِی الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِی سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَهً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (60)

زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می کشند، و کسانی که برای جلب محبّتشان اقدام می شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است! (60)

وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (61)

از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: «او آدم خوش باوری است!» بگو: «خوش باور بودن او به نفع شماست! (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد؛ و (تنها) مؤمنان را تصدیق می کند؛ و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده اند!» و آنها که رسول خدا را آزار می دهند، عذاب دردناکی دارند! (61)

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَن يُرْضُوهُ إِن كَانُوا مُؤْمِنِينَ (62)

آنها برای شما به خدا سوگند یاد می کنند، تا شما را راضی سازند؛ در حالی که شایسته تر این است که خدا و رسولش را راضی کنند، اگر ایمان دارند! (62)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ (63)

آیا نمی دانند هر کس با خدا و رسولش دشمنی کند، برای او آتش دوزخ است؛ جاودانه در آن می ماند؟! این، همان رسوایی بزرگ است! (63)

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِى قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ (64)

منافقان از آن بیم دارند که سوره ای بر ضدّ آنان نازل گردد، و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد. بگو: «استهزا کنید! خداوند، آنچه را از آن بیم دارید، آشکار می سازد!» (64)

وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ (65)

و اگر از آنها بپرسی (: «چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟!»)، می گویند: «ما بازی و شوخی می کردیم!» بگو: «آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟!» (65)

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِن نَّعْفُ عَن طَائِفَةٍ مِّنكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (66)

(بگو:) عذر خواهی نکنید (که بیهوده است؛ چرا که) شما پس از ایمان آوردن، کافر شدید! اگر گروهی از شما را (بخاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را عذاب خواهیم کرد؛ زیرا مجرم بودند! (66)

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّن بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

(67)

مردان منافق و زنان منافق، همه از یک گروهند! آنها امر به منکر، و نهی از معروف می کنند؛ و دستهایشان را (از انفاق و بخشش) می بندند؛ خدا را فراموش کردند، و خدا (نیز) آنها را فراموش کرد (، و رحمتش را از آنها قطع نمود)؛ به یقین، منافقان همان فاسقانند! (67)

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (68)

خداوند به مردان و زنان منافق و کفّار، وعده آتش دوزخ داده؛ جاودانه در آن خواهند ماند -همان برای آنها کافی است!- و خدا آنها را از رحمت خود دور ساخته؛ و عذاب همیشگی برای آنهاست! (68)

كَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُم بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُم بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِى خَاضُوا أُولَئِکَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (69)

(شما منافقان،) همانند کسانی هستید که قبل از شما بودند (و راه نفاق پیمودند؛ بلکه) آنها از شما نیرومندتر، و اموال و فرزندانشان بیشتر بود! آنها از بهره خود (از مواهب الهی در راه گناه و هوس) استفاده کردند؛ شما نیز از بهره خود، (در این راه) استفاده کردید، همان گونه که آنها استفاده کردند؛ شما (در کفر و نفاق و استهزای مؤمنان) فرو رفتید، همان گونه که آنها فرو رفتند؛ (ولی سرانجام) اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شد؛ و آنها همان زیانکارانند! (69)

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (70)

آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین» [= قوم شعیب] و «شهرهای زیر و رو شده» [= قوم لوط]؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند؛) خداوند به آنها ستم نکرد، امّا خودشان بر خویشتن ستم می کردند! (70)

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِکَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (71)

مردان و زنان باایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می کنند؛ نماز را برپا می دارند؛ و زکات را می پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرارمی دهد؛ خداوند توانا و حکیم است! (71)

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِى جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (72)

خداوند به مردان و زنان باایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن های پاکیزه ای در بهشتهای جاودان (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر است؛ و پیروزی بزرگ، همین است! (72)

ص: 198

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (73)

ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است؛ و چه بد سرنوشتی دارند! (73)

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِن فَضْلِهِ فَإِن يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ وَإِن يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ وَمَا لَهُمْ فِى الْأَرْضِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ (74)

به خدا سوگند می خورند که (در غیاب پیامبر، سخنان نادرست) نگفته اند؛ در حالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته اند؛ و پس از اسلام آوردنشان، کافر شده اند؛ و تصمیم (به کار خطرناکی) گرفتند، که به آن نرسیدند. آنها فقط از این انتقام می گیرند که خداوند و رسولش، آنان را به فضل (و کرم) خود، بی نیاز ساختند! (با این حال،) اگر توبه کنند، برای آنها بهتر است؛ و اگر روی گردانند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت، به مجازات دردناکی کیفر خواهد داد؛ و در سراسر زمین، نه ولیّ و حامی دارند، و نه یاوری! (74)

وَمِنْهُم مَّنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِن فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ (75)

بعضی از آنها با خدا پیمان بسته بودند که: «اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه خواهیم داد؛ و از صالحان (و شاکران) خواهیم بود!» (75)

فَلَمَّا آتَاهُم مِّن فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوا وَّهُم مُّعْرِضُونَ (76)

امّا هنگامی که خدا از فضل خود به آنها بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی برتافتند! (76)

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِى قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (77)

این عمل، (روح) نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دلهایشان برقرار ساخت. این بخاطر آن است که از پیمان الهی تخلّف جستند؛ و بخاطر آن است که دروغ می گفتند. (77)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (78)

آیا نمی دانستند که خداوند، اسرار و سخنان درگوشی آنها را می داند؛ و خداوند دانای همه غیبها (و امور پنهانی) است؟! (78)

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (79)

آنهایی که از مؤمنان اطاعت کار، در صدقاتشان عیبجویی می کنند، و کسانی را که (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار (ناچیز) توانائی خود دسترسی ندارند، مسخره می نمایند، خدا آنها را مسخره می کند؛ (و کیفر استهزاکنندگان را به آنها می دهد؛) و برای آنها عذاب دردناکی است! (79)

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (80)

چه برای آنها استغفار کنی، و چه نکنی، (حتّی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی، هرگز خدا آنها را نمی آمرزد! چرا که خدا و پیامبرش را انکار کردند؛ و خداوند جمعیّت فاسقان را هدایت نمی کند! (80)

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَن يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَّوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (81)

تخلّف جویان (از جنگ تبوک،) از مخالفت با رسول خدا خوشحال شدند؛ و کراهت داشتند که با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد کنند؛ و (به یکدیگر و به مؤمنان) گفتند: «در این گرما، (بسوی میدان) حرکت نکنید!» (به آنان) بگو: «آتش دوزخ از این هم گرمتر است!» اگر می دانستند! (81)

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (82)

از این رو آنها باید کمتر بخندند و بسیار بگریند! (چرا که آتش جهنم در انتظارشان است) این، جزای کارهایی است که انجام می دادند! (82)

فَإِن رَّجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُل لَّن تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَن تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُم بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ (83)

هرگاه خداوند تو را بسوی گروهی از آنان بازگرداند، و از تو اجازه خروج (بسوی میدان جهاد) بخواهند، بگو: «هیچ گاه با من خارج نخواهید شد! و هرگز همراه من، با دشمنی نخواهید جنگید! شما نخستین بار به کناره گیری راضی شدید، اکنون نیز با متخلّفان بمانید!» (83)

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ (84)

هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان! و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش،) نایست! چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند؛ و در

حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند! (84)

وَلَا تُعْجِبْکَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُعَذِّبَهُم بِهَا فِی الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (85)

مبادا اموال و فرزندانشان، مایه شگفتی تو گردد! (این برای آنها نعمت نیست؛ بلکه) خدا می خواهد آنها را به این وسیله در دنیا عذاب کند، و جانشان برآید در حالی که کافرند! (85)

وَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَکَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُن مَّعَ الْقَاعِدِينَ (86)

و هنگامی که سوره ای نازل شود (و به آنان دستور دهد) که: «به خدا ایمان بیاورید! و همراه پیامبرش جهاد کنید!»، افرادی از آنها [= گروه منافقان] که توانایی دارند، از تو اجازه می خواهند و می گویند: «بگذار ما با قاعدین [= آنها که از جهاد معافند] باشیم!» (86)

رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (87)

(آری،) آنها راضی شدند که با متخلّفان باشند؛ و بر دلهایشان مهر نهاده شده؛ از این رو (چیزی) نمی فهمند! (87)

لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (88)

ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جانهایشان جهاد کردند؛ و همه نیکیها برای آنهاست؛ و آنها همان رستگارانند! (88)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (89)

خداوند برای آنها باغهایی از بهشت فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند بود؛ و این است رستگاری (و پیروزی) بزرگ! (89)

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (90)

و عذرآورندگان از اعراب، (نزد تو) آمدند که به آنها اجازه (عدم شرکت در جهاد) داده شود؛ و آنها که به خدا و پیامبرش دروغ گفتند، (بدون هیچ عذری در خانه خود) نشستند؛ بزودی به کسانی از آنها که مخالفت کردند (و معذور نبودند)، عذاب دردناکی خواهد رسید! (90)

لَّيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (91)

بر ضعیفان و بیماران و آنها که وسیله ای برای انفاق (در راه جهاد) ندارند، ایرادی نیست (که در میدان جنگ شرکت نجویند،) هرگاه برای خدا و رسولش خیرخواهی کنند (؛ و از آنچه در توان دارند، مضایقه ننمایند). بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است! (91)

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلَكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوا وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنفِقُونَ (92)

و (نیز) ایرادی نیست بر آنها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی (برای جهاد) سوار کنی، گفتی: «مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، ندارم!» (از نزد تو) بازگشتند در حالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود؛ زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند (و با آن به میدان بروند) (92)

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَکَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (93)

راه مؤاخذه تنها به روی کسانی باز است که از تو اجازه می خواهند در حالی که توانگرند؛ (و امکانات کافی برای جهاد دارند؛) آنها راضی شدند که با متخلّفان [= زنان و کودکان و بیماران] بمانند؛ و خداوند بر دلهایشان مهر نهاده؛ به همین جهت چیزی نمی دانند! (93)

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُل لَّا تَعْتَذِرُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (94)

هنگامی که بسوی آنها (که از جهاد تخلّف کردند) باز گردید، از شما عذرخواهی می کنند؛ بگو: «عذرخواهی نکنید، ما هرگز به شما ایمان نخواهیم آورد! چرا که خدا ما را از اخبارتان آگاه ساخته؛ و خدا و رسولش، اعمال شما را می بینند؛ سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است بازگشت داده می شوید؛ و او شما را به آنچه انجام می دادید، آگاه می کند (و جزا می دهد!)» (94)

سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (95)

هنگامی که بسوی آنان بازگردید، برای شما به خدا سوگند یاد می کنند، تا از آنها اعراض (و صرف نظر) کنید؛ از آنها اعراض کنید (و روی بگردانید)؛ چرا که پلیدند! و جایگاهشان دوزخ است، بکیفر اعمالی که انجام می دادند. (95)

يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِن تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (96)

برای شما قسم یاد می کنند تا از آنها راضی شوید؛ اگر شما از آنها راضی شوید، خداوند (هرگز) از جمعیّت فاسقان راضی نخواهد شد! (96)

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (97)

بادیه نشینان عرب، کفر و نفاقشان شدیدتر است؛ و به ناآگاهی از حدود و احکامی که خدا بر پیامبرش نازل کرده، سزاوارترند؛ و خداوند دانا و حکیم است! (97)

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (98)

گروهی از (این) اعراب بادیه نشین، چیزی را که (در راه خدا) انفاق می کنند، غرامت محسوب می دارند؛ و انتظار حوادث دردناکی برای شما می کشند؛ حوادث دردناک برای خود آنهاست؛ و خداوند شنوا و داناست! (98)

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ قُرُبَاتٍ عِندَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِى رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (99)

گروهی (دیگر) از عربهای بادیه نشین، به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند؛ و آنچه را انفاق می کنند، مایه تقرّب به خدا، و دعای پیامبر می دانند؛ آگاه باشید اینها مایه تقرّب آنهاست! خداوند بزودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است! (99)

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (100)

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند؛ و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است پیروزی بزرگ! (100)

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَهِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُم مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ (101)

و از (میان) اعراب بادیه نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقند؛ و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پای بندند. تو آنها را نمی شناسی، ولی ما آنها را می شناسیم. بزودی آنها را دو بار مجازات می کنیم (: مجازاتی با رسوایی در دنیا، و مجازاتی به هنگام مرگ)؛ سپس بسوی مجازات بزرگی (در قیامت) فرستاده می شوند. (101)

وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (102)

و گروهی دیگر، به گناهان خود اعتراف کردند؛ و کار خوب و بد را به هم آمیختند؛ امید می رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است! (102)

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (103)

از اموال آنها صدقه ای (بعنوان زکات) بگیر، تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات،) به آنها دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آنهاست؛ و خداوند شنوا و داناست! (103)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (104)

آیا نمی دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگانش می پذیرد، و صدقات را می گیرد، و خداوند توبه پذیر و مهربان است؟! (104)

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (105)

بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند! و بزودی، بسوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می شوید؛ و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد!» (105)

وَآخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (106)

و گروهی دیگر، به فرمان خدا واگذار شده اند (و کارشان با خداست)؛ یا آنها را مجازات می کند، و یا توبه آنان را می پذیرد (، هر طور که شایسته باشند)؛ و خداوند دانا و حکیم است! (106)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (107)

(گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان)، و (تقوّیت) کفر، و تفرقه افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنها سوگند یاد می کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته ایم!» امّا خداوند گواهی می دهد که آنها دروغگو هستند! (107)

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ (108)

هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می دارند پاکیزه باشند؛ و خداوند پاکیزگان را دوست دارد! (108)

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَم مَّنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِى نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (109)

آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی کند! (109)

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِى بَنَوْا رِيبَةً فِى قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (110)

(امّا) این بنایی را که آنها ساختند، همواره بصورت یک وسیله شک و تردید، در دلهایشان باقی می ماند؛ مگر اینکه دلهایشان پاره پاره شود (و بمیرند؛ وگرنه، هرگز از دل آنها بیرون نمی رود)؛ و خداوند دانا و حکیم است! (110)

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِى التَّوْرَاهِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ

وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الّذِی بَايَعْتُم بِهِ وَذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (111)

خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند؛ این وعده حقّی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ! (111)

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (112)

توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان! (112)

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَن يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِى قُرْبَى مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (113)

برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نبود که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرزش کنند، هر چند از نزدیکانشان باشند؛ (آن هم) پس از آنکه بر آنها روشن شد که این گروه، اهل دوزخند! (113)

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ (114)

و استغفار ابراهیم برای پدرش [= عمویش آزر]، فقط بخاطر وعده ای بود که به او داده بود (تا وی را بسوی ایمان جذب کند)؛ امّا هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، از او بیزاری جست؛ به یقین، ابراهیم مهربان و بردبار بود! (114)

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ (115)

چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آنها را هدایت کرد (و ایمان آوردند) گمراه (و مجازات) کند؛ مگر آنکه اموری را که باید از آن بپرهیزند، برای آنان بیان نماید (و آنها مخالفت کنند)؛ زیرا خداوند به هر چیزی داناست! (115)

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِى وَيُمِيتُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ (116)

حکومت آسمانها و زمین تنها از آن خداست؛ زنده می کند و می میراند؛ و جز خدا، ولیّ و یاوری ندارید! (116)

لَّقَد تَّابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِى سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِن بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (117)

مسلّماً خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدّت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، نمود؛ بعد از آنکه نزدیک بود دلهای گروهی از آنها، از حقّ منحرف شود (و از میدان جنگ بازگردند)؛ سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است! (117)

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (118)

(همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) تخلّف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند،) تا آن حدّ که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد؛ (حتّی) در وجود خویش، جایی برای خود نمی یافتند؛ (در آن هنگام) دانستند پناهگاهی از خدا جز بسوی او نیست؛ سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود، (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند؛ خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است! (118)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (119)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید! (119)

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُم مِّنَ الْأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (120)

سزاوار نیست که اهل مدینه، و بادیه نشینانی که اطراف آنها هستند، از رسول خدا تخلّف جویند؛ و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم بپوشند! این بخاطر آن است که هیچ تشنگی و خستگی، و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می شود برنمی دارند، و ضربه ای از دشمن نمی خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می شود؛ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند! (120)

وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (121)

و هیچ مال کوچک یا بزرگی را (در این راه) انفاق نمی کنند، و هیچ سرزمینی را (بسوی میدان جهاد و یا در بازگشت) نمی پیمایند، مگر اینکه برای آنها نوشته می شود؛ تا خداوند آن را بعنوان بهترین اعمالشان، پاداش دهد. (121)

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِى الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (122)

شایسته نیست مؤمنان همگی (بسوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند (و طایفه ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند! (122)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (123)

ای کسانی که ایمان آورده اید! با کافرانی که به شما نزدیکترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آنها باید در شما شدّت و خشونت (و قدرت) احساس کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است! (123)

وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (124)

و هنگامی که سوره ای نازل می شود، بعضی از آنان (به دیگران) می گویند: «این سوره، ایمان کدام یک از شما را افزون ساخت؟!» (به آنها بگو:) اما کسانی که ایمان آورده اند، بر ایمانشان افزوده؛ و آنها (به فضل و رحمت الهی) خوشحالند. (124)

وَأَمَّا الَّذِينَ فِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ (125)

و امّا آنها که در دلهایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیشان افزوده؛ و از دنیا رفتند در حالی که کافر بودند. (125)

أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِی كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ (126)

آیا آنها نمی بینند که در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می شوند؟! باز توبه نمی کنند، و متذکّر هم نمی گردند! (126)

وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُم مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (127)

و هنگامی که سوره ای نازل می شود، بعضی از آنها [= منافقان] به یکدیگر نگاه می کنند و می گویند: «آیا کسی شما را می بیند؟ (اگر از حضور پیامبر بیرون رویم، کسی متوجّه ما نمی شود!)» سپس منصرف می شوند (و بیرون می روند)؛ خداوند دلهایشان را (از حق) منصرف ساخته؛ چرا که آنها، گروهی هستند که نمی فهمند (و بی دانشند)! (127)

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (128)

به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است! (128)

فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (129)

اگر آنها (از حق) روی بگردانند، (نگران مباش!) بگو: «خداوند مرا کفایت می کند؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ بر او توکّل کردم؛ و او صاحب عرش بزرگ است!» (129)

سوره یونس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر تِلْکَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (1)

الر، این آیات کتاب استوار و حکمت آمیز است! (1)

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِندَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ (2)

آیا برای مردم، موجب شگفتی بود که به مردی از آنها وحی فرستادیم که مردم را (از عواقب کفر و گناه) بترسان، و به کسانی که ایمان آورده اند بشارت ده که برای آنها، سابقه نیک (و پاداشهای مسلّم) نزد پروردگارشان است؟! (امّا) کافران گفتند: «این مرد، ساحر آشکاری است!» (2)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِن شَفِيعٍ إِلَّا مِن بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (3)

پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت؛ هیچ شفاعت کننده ای، جز با اذن او نیست؛ این است خداوند، پروردگار شما! پس او را پرستش کنید! آیا متذکّر نمی شوید؟! (3)

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (4)

بازگشت همه شما بسوی اوست! خداوند وعده حقّی فرموده؛ او آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را بازمی گرداند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، بعدالت جزا دهد؛ و برای کسانی که کافر شدند، نوشیدنی از مایع سوزان است؛ و عذابی دردناک، بخاطر آنکه کفر می ورزیدند! (4)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (5)

او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه هایی مقدّر کرد، تا عدد سالها و حساب (کارها) را بدانید؛ خداوند این را جز بحق نیافریده؛ او آیات (خود را) برای گروهی که اهل دانشند، شرح می دهد! (5)

إِنَّ فِی اخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَتَّقُونَ (6)

مسلّماً در آمد و شد شب و روز، و آنچه خداوند در آسمانها و زمین آفریده، آیات (و نشانه هایی) است برای گروهی که پرهیزگارند (و حقایق را می بینند). (6)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (7)

آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند، (7)

أُولَئِکَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا کَانُوا يَکْسِبُونَ (8)

(همه) آنها جایگاهشان آتش است، بخاطر کارهایی که انجام می دادند! (8)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِی مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِی جَنَّاتِ النَّعِيمِ (9)

(ولی) کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارشان آنها را در پرتو ایمانشان هدایت می کند؛ از زیر (قصرهای) آنها در باغهای بهشت، نهرها جاری است. (9)

دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (10)

گفتار (و دعای) آنها در بهشت این است که: «خداوندا، منزهی تو!» و تحیّت آنها در آنجا: سلام؛ و آخرین سخنشان این است که: «حمد، مخصوص پروردگار عالمیان است!» (10)

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُم بِالْخَيْرِ لَقُضِیَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِی طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (11)

اگر همان گونه که مردم در به دست آوردن «خوبی» ها عجله دارند، خداوند در مجازاتشان شتاب می کرد، (بزودی) عمرشان به پایان می رسید (و همگی نابود می شدند)؛ ولی کسانی را که ایمان به لقای ما ندارند، به حال خود رها می کنیم تا در طغیانشان سرگردان شوند! (11)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرٍّ مَّسَّهُ كَذَلِکَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (12)

هنگامی که به انسان زیان (و ناراحتی) رسد، ما را (در هر حال:) در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده است، می خواند؛ امّا هنگامی که

ناراحتی را از او برطرف ساختیم، چنان می رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده بود، نخوانده است! این گونه برای اسرافکاران، اعمالشان زینت داده شده است (که زشتی این عمل را درک نمی کنند)! (12)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِى الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (13)

ما امّتهای پیش از شما را، هنگامی که ظلم کردند، هلاک نمودیم؛ در حالی که پیامبرانشان دلایل روشن برای آنها آوردند، ولی آنها ایمان نیاوردند؛ این گونه گروه مجرمان را کیفر می دهیم! (13)

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِى الْأَرْضِ مِن بَعْدِهِمْ لِنَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (14)

سپس شما را جانشینان آنها در روی زمین -پس از ایشان- قرار دادیم؛ تا ببینیم شما چگونه عمل می کنید! (14)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِن تِلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (15)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می شود، کسانی که ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند می گویند: «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تبدیل کن! (و آیات نکوهش بتها را بردار)» بگو: «من حق ندارم که از پیش خود آن را تغییر دهم؛ فقط از چیزی که بر من وحی می شود، پیروی می کنم! من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از مجازات روز بزرگ (قیامت) می ترسم!» (15)

قُل لَّوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُم بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (16)

بگو: «اگر خدا می خواست، من این آیات را بر شما نمی خواندم؛ و خداوند از آن آگاهتان نمی کرد؛ چه اینکه مدّتها پیش از این، در میان شما زندگی نمودم؛ (و هرگز آیه ای نیاوردم؛) آیا نمی فهمید؟!» (16)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ (17)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می بندد، یا آیات او را تکذیب می کند؟! مسلماً مجرمان رستگار نخواهند شد! (17)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِندَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (18)

آنها غیر از خدا، چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند، و نه سودی می بخشد؛ و می گویند: «اینها شفیعان ما نزد خدا هستند!» بگو: «آیا خدا را به چیزی خبر می دهید که در آسمانها و زمین سراغ ندارد؟!» منزه است او، و برتر است از آن همتایانی که قرار می دهند! (18)

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (19)

(در آغاز) همه مردم امّت واحدی بودند؛ سپس اختلاف کردند؛ و اگر فرمانی از طرف پروردگارت (درباره عدم مجازات سریع آنان) از قبل صادر نشده بود، در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می شد (و سپس همگی به مجازات می رسیدند). (19)

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانتَظِرُوا إِنِّى مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (20)

می گویند: «چرا معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود؟!» بگو: «غیب (و معجزات) تنها برای خدا (و به فرمان او) است! شما در انتظار باشید، من هم با شما در انتظارم! (شما در انتظار معجزات بهانه جویانه باشید، و من هم در انتظار مجازات شما!)» (20)

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ فِی آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (21)

هنگامی که به مردم، پس از ناراحتی که به آنها رسیده است، رحمتی بچشانیم، در آیات ما نیرنگ می کنند (، و برای آن نعمت و رحمت توجیهات ناروا می کنند)؛ بگو: «خداوند سریعتر از شما مکر [= چاره جویی] می کند؛ و رسولان [= فرشتگان] ما، آنچه نیرنگ می کنید (و نقشه می کشید)، می نویسند!» (21)

هُوَ الَّذِی يُسَيِّرُكُمْ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّی إِذَا كُنتُمْ فِی الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (22)

او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد؛ زمانی که در کشتی قرارمی گیرید، و بادهای موافق آنان را (بسوی مقصد) حرکت میدهد و خوشحال می شوند، ناگهان طوفان شدیدی می وزد؛ و امواج از هر سو به سراغ آنها می آید؛ و گمان می کنند هلاک خواهند شد؛ در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می خوانند که: «اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود!» (22)

فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَی أَنفُسِكُم مَّتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (23)

امّا هنگامی که خدا آنها را رهایی بخشید، (باز) به ناحق، در زمین ستم میکنند. ای مردم! ستمهای شما، به زیان خود شماست! از زندگی دنیا بهره (میبرید)، سپس بازگشت شما بسوی ماست؛ و ما، شما را به آنچه عمل میکردید، خبر میدهیم! (23)

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّی إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (24)

مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده ایم؛ که در پی آن، گیاهان (گوناگون) زمین -که مردم و چهارپایان از آن می خورند- می روید؛ تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می گردد، و اهل آن مطمئن می شوند که می توانند از آن بهره مند گردند، (ناگهان) فرمان ما، شب هنگام یا در روز، (برای نابودی آن) فرامی رسد؛ (سرما یا صاعقه ای را بر آن مسلّط می سازیم؛) و آنچنان آن را درو می کنیم که گویی دیروز هرگز (چنین کشتزاری) نبوده است! این گونه، آیات خود را برای گروهی که می اندیشند، شرح می دهیم! (24)

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِى مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (25)

و خداوند به سرای صلح و سلامت دعوت می کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته و لایق ببیند)، به راه راست هدایت می نماید. (25)

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (26)

کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و افزون بر آن دارند؛ و تاریکی و ذلّت، چهره هایشان را نمی پوشاند؛ آنها اهل بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند. (26)

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (27)

امّا کسانی که مرتکب گناهان شدند، جزای بدی بمقدار آن دارند؛ و ذلّت و خواری، چهره آنان را می پوشاند؛ و هیچ چیز نمی تواند آنها را از (مجازات) خدا نگه دارد! (چهره هایشان آنچنان تاریک است که) گویی با پاره هایی از شب تاریک، صورت آنها پوشیده شده! آنها اهل دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند! (27)

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُم مَّا كُنتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ (28)

(به خاطر بیاورید) روزی را که همه آنها را جمع می کنیم، سپس به مشرکان می گوییم: «شما و معبودهایتان در جای خودتان باشید (تا به حسابتان رسیدگی شود!)» سپس آنها را از هم جدا می سازیم (و از هر یک جداگانه سؤال می کنیم). و معبودهایشان (به آنها) می گویند: «شما (هرگز) ما را عبادت نمی کردید!» (28)

فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ (29)

(آنها در پاسخ می گویند:) همین بس که خدا میان ما و شما گواه باشد، اگر ما از عبادت شما غافل بودیم! (29)

هُنَالِکَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (30)

در آن جا، هر کس عملی را که قبلاً انجام داده است، می آزماید. و همگی بسوی «اللّه» -مولا و سرپرستِ حقیقی خود- بازگردانده می شوند؛ و

چیزهایی را که بدروغ همتای خدا قرار داده بودند، گم و نابود می شوند! (30)

قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَن يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (31)

بگو: «چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق) گوش و چشمهاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تدبیر می کند؟» بزودی (در پاسخ) می گویند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پیشه نمی کنید (و از خدا نمی ترسید)؟! (31)

فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (32)

آن است خداوند، پروردگار حقّ شما (دارای همه این صفات)! با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! پس چرا (از پرستش او) روی گردان می شوید؟! (32)

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (33)

اینچنین فرمان پروردگارت بر فاسقان مسلّم شده که آنها (پس از این همه لجاجت و گناه)، ایمان نخواهند آورد! (33)

قُلْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (34)

بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، آفرینش را ایجاد می کند و سپس بازمی گرداند؟ !» بگو: «تنها خدا آفرینش را ایجاد کرده، سپس بازمی گرداند؛ با این حال، چرا از حق روی گردان می شوید؟ !» (34)

قُلْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لَّا يَهِدِّي إِلَّا أَن يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (35)

بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می کند؟ ! بگو: «تنها خدا به حق هدایت می کند ! آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید؟ !» (35)

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (36)

و بیشتر آنها، جز از گمان (و پندارهای بی اساس)، پیروی نمی کنند؛ (در حالی که) گمان، هرگز انسان را از حقّ بی نیاز نمی سازد (و به حق نمی رساند) ! به یقین، خداوند از آنچه انجام می دهند، آگاه است ! (36)

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَن يُفْتَرَى مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (37)

شایسته نبود (و امکان نداشت) که این قرآن، بدون وحی الهی به خدا نسبت داده شود؛ ولی تصدیقی است برای آنچه پیش از آن است (از کتب آسمانی)، و شرح و تفصیلی بر آنها است؛ شکّی در آن نیست، و از طرف پروردگار جهانیان است. (37)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (38)

آیا آنها می گویند: «او قرآن را بدروغ به خدا نسبت داده است»؟ ! بگو: «اگر راست می گویید، یک سوره همانند آن بیاورید؛ و غیر از خدا، هر کس

را می توانید (به یاری) طلبید!» (38)

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (39)

(ولی آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نکردند؛) بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است! پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند؛ پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود! (39)

وَمِنْهُم مَّن يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُم مَّن لَّا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (40)

بعضی از آنها، به آن ایمان می آورند؛ و بعضی ایمان نمی آورند؛ و پروردگارت به مفسدان آگاهتر است (و آنها را بهتر می شناسد)! (40)

وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنتُم بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ (41)

و اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «عمل من برای من، و عمل شما برای شماست! شما از آنچه من انجام می دهم بیزارید و من (نیز) از آنچه شماانجام می دهید بیزارم!» (41)

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ (42)

گروهی از آنان، بسوی تو گوش فرامی دهند (؛ امّا گویی هیچ نمی شنوند و کرند)! آیا تو می توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، هر چند نفهمند؟! (42)

وَمِنْهُم مَّن يَنظُرُ إِلَيْکَ أَفَأَنتَ تَهْدِی الْعُمْیَ وَلَوْ کَانُوا لَا یُبْصِرُونَ (43)

و گروهی از آنان، به سوی تو می نگرند (امّا گویی هیچ نمی بینند)! آیا تو می توانی نابینایان را هدایت کنی، هر چند نبینند؟! (43)

إِنَّ اللَّهَ لَا یَظْلِمُ النَّاسَ شَیْئًا وَلَکِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ (44)

خداوند هیچ به مردم ستم نمی کند؛ ولی این مردمند که به خویشتن ستم می کند! (44)

وَیَوْمَ یَحْشُرُهُمْ کَأَن لَّمْ یَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ یَتَعَارَفُونَ بَیْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا کَانُوا مُهْتَدِینَ (45)

(به یاد آور) روزی را که (خداوند) آنها را جمع (و محشور) می سازد؛ آنچنان که (احساس می کنند) گویی جز ساعتی از روز، (در دنیا) توقّف نکردند؛ به آن مقدار که یکدیگر را (ببینند و) بشناسند! مسلّماً آنها که لقای خداوند (و روز رستاخیز) را تکذیب کردند، زیان بردند و هدایت نیافتند! (45)

وَإِمَّا نُرِیَنَّکَ بَعْضَ الَّذِی نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّیَنَّکَ فَإِلَیْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِیدٌ عَلَی مَا یَفْعَلُونَ (46)

اگر ما، پاره ای از مجازاتهایی را که به آنها وعده داده ایم، (در حال حیات تو (به تو نشان دهیم، و یا) پیش از آنکه گرفتار عذاب شوند،) تو را از دنیا ببریم، در هر حال، بازگشتشان به سوی ماست؛ سپس خداوند بر آنچه آنها انجام می دادند گواه است! (46)

وَلِکُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِیَ بَیْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ (47)

برای هر امّتی، رسولی است؛ هنگامی که رسولشان به سوی آنان بیاید، بعدالت در میان آنها داوری می شود؛ و ستمی به آنها نخواهد شد! (47)

وَیَقُولُونَ مَتَی هَذَا الْوَعْدُ إِن کُنتُمْ صَادِقِینَ (48)

و می گویند: «اگر راست می گوئی، این وعده (مجازات) کی خواهد بود؟» (48)

قُل لّا أَمْلِکُ لِنَفْسِی ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلّا مَا شَاءَ اللّهُ لِکُلِّ أُمَّهٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلَهُمْ فَلَا یَسْتَأْخِرُونَ سَاعَهً وَلَا یَسْتَقْدِمُونَ (49)

بگو: «من (حتّی) برای خودم زیان و سودی را مالک نیستم، (تا چه رسد برای شما!) مگر آنچه خدا بخواهد. (این مقدار می دانم که) برای هر قوم و ملّتی، سرآمدی است؛ هنگامی که اجل آنها فرا رسد، (و فرمان مجازات یا مرگشان صادر شود،) نه ساعتی تأخیر می کنند، و نه پیشی می گیرند! (49)

قُلْ أَرَأَیْتُمْ إِنْ أَتَاکُمْ عَذَابُهُ بَیَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا یَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ (50)

بگو: «اگر مجازات او، شب هنگام یا در روز به سراغ شما آید (، آیا می توانید آن را از خود دفع کنید؟!)» پس مجرمان برای چه عجله می کنند؟! (50)

أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنتُم بِهِ آلْآنَ وَقَدْ کُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (51)

یا اینکه آنگاه که واقع شد، به آن ایمان می آورید! (به شما گفته می شود:) حالا؟! در حالی که قبلاً برای آن عجله می کردید! (ولی اکنون چه سود!) (51)

ثُمَّ قِیلَ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا کُنتُمْ تَکْسِبُونَ (52)

سپس به کسانی که ستم کردند گفته می شود: عذاب ابدی را بچشید! آیا جز به آنچه انجام می دادید کیفر داده می شوید؟!» (52)

وَیَسْتَنبِئُونَکَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِی وَرَبِّی إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِینَ (53)

از تو می پرسند: «آیا آن (وعده مجازات الهی) حقّ است؟» بگو: «آری، به پروردگارم سوگند، قطعاً حقّ است؛ و شما نمی توانید از آن جلوگیری کنید!» (53)

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِی الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِیَ بَیْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ (54)

و هر کس که ستم کرده، اگر تمامی آنچه روی زمین است در اختیار داشته باشد، (همه را از هول عذاب،) برای نجات خویش می دهد! و هنگامی که عذاب را ببینند، (پشیمان می شوند؛ امّا) پشیمانی خود را کتمان می کنند (، مبادا رسواتر شوند)! و در میان آنها، بعدالت داوری می شود؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد! (54)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لَا یَعْلَمُونَ (55)

آگاه باشید آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست! آگاه باشید وعده خدا حقّ است، ولی بیشتر آنها نمی دانند! (55)

هُوَ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ (56)

اوست که زنده می کند و می میراند، و به سوی او بازگردانده می شوید! (56)

یَا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْکُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّکُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِی الصُّدُورِ وَهُدًی وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِینَ (57)

ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه هاست؛ (درمانی برای دلهای شما؛) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان! (57)

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِکَ فَلْیَفْرَحُوا هُوَ خَیْرٌ مِّمَّا یَجْمَعُونَ (58)

بگو: «به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند؛ که این، از تمام آنچه گردآوری کرده اند، بهتر است!» (58)

قُلْ أَرَأَیْتُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ لَکُم مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَکُمْ أَمْ عَلَی اللَّهِ تَفْتَرُونَ (59)

بگو: «آیا روزیهایی را که خداوند بر شما نازل کرده دیده اید، که بعضی از آن را حلال، و بعضی را حرام نموده اید؟!» بگو: «آیا خداوند به شما اجازه

داده، یا بر خدا افترا می بندید (و از پیش خود، حلال و حرام می کنید؟!)» (59)

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (60)

آنها که بر خدا افترا می بندند، درباره (مجازات) روز رستاخیز، چه می اندیشند؟! خداوند نسبت به همه مردم فضل (و بخشش) دارد، امّا اکثر آنها سپاسگزاری نمی کنند! (60)

وَمَا تَكُونُ فِى شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِن قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّهٍ فِى الْأَرْضِ وَلَا فِى السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِن ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِى كِتَابٍ مُّبِينٍ (61)

در هیچ حال (و اندیشه ای) نیستی، و هیچ قسمتی از قرآن را تلاوت نمی کنی، و هیچ عملی را انجام نمی دهید، مگر اینکه ما گواه بر شما هستیم در آن هنگام که وارد آن می شوید! و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی ماند؛ حتّی به اندازه سنگینی ذرّه ای، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر اینکه (همه آنها) در کتاب آشکار (و لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است! (61)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (62)

آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند! (62)

الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (63)

همانها که ایمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می کردند. (63)

لَهُمُ الْبُشْرَى فِى الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَفِى الْآخِرَهِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (64)

در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور) ند؛ وعده های الهی تخلّف ناپذیر است! این است آن رستگاری بزرگ! (64)

وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّهَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (65)

سخن آنها تو را غمگین نسازد! تمام عزّت (و قدرت)، از آن خداست؛ و او شنوا و داناست! (65)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَن فِى السَّمَاوَاتِ وَمَن فِى الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (66)

آگاه باشید تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از آن خدا می باشند! و آنها که غیر خدا را همتای او می خوانند، (از منطق و دلیلی) پیروی نمی کنند؛ آنها فقط از پندار بی اساس پیروی می کنند؛ و آنها فقط دروغ می گویند! (66)

هُوَ الَّذِى جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (67)

او کسی است که شب را برای شما آفرید، تا در آن آرامش بیابید؛ و روز را روشنی بخش (تا به تلاش زندگی پردازید) در اینها نشانه هایی است برای کسانی که گوش شنوا دارند! (67)

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِىُّ لَهُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ إِنْ عِندَكُم مِّن سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (68)

گفتند: «خداوند فرزندی برای خود انتخاب کرده است»! (از هر عیب و نقص و احتیاجی) منزه است! او بی نیاز است! از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است! شما هیچ گونه دلیلی بر این ادعا ندارید! آیا به خدا نسبتی می دهید که نمی دانید؟! (68)

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (69)

بگو: «آنها که به خدا دروغ می بندند، (هرگز) رستگار نمی شوند! (69)

مَتَاعٌ فِى الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (70)

بهره ای (ناچیز) از دنیا دارند؛ سپس بازگشتشان بسوی ماست؛ و بعد، به آنها مجازات شدید به سزای کفرشان می چشانیم! (70)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُم مَّقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ (71)

سرگذشت نوح را بر آنها بخوان! در آن هنگام که به قوم خود گفت: «ای قوم من! اگر تذکّرات من نسبت به آیات الهی، بر شما سنگین (و غیر قابل تحمّل) است، (هر کار از دستتان ساخته است بکنید.) من بر خدا توکّل کرده ام! فکر خود، و قدرت معبودهایتان را جمع کنید؛ سپس هیچ چیز بر شما پوشیده نماند؛ (تمام جوانب کارتان را بنگرید؛) سپس به حیات من پایان دهید، و (لحظه ای) مهلتم ندهید! (امّا توانایی ندارید!) (71)

فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (72)

و اگر از قبول دعوتم روی بگردانید، (کار نادرستی کرده اید؛ چه اینکه) من از شما مزدی نمی خواهم؛ مزد من، تنها بر خداست! و من مأمورم که از مسلمین [= تسلیم شدگان در برابر فرمان خدا] باشم!» (72)

فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ (73)

امّا آنها او را تکذیب کردند! و ما، او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم؛ و آنان را جانشین (و وارث کافران) قرار دادیم؛ و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم! پس ببین عاقبت کار کسانی که انذار شدند (و به انذار الهی اهمیّت ندادند)، چگونه بود! (73)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِن قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ (74)

سپس بعد از نوح، رسولانی به سوی قومشان فرستادیم؛ آنان دلایل روشن برایشان آوردند؛ امّا آنها، به چیزی که پیش از آن تکذیب کرده بودند، ایمان نیاوردند! اینچنین بر دلهای تجاوزکاران مهر می نهیم (تا چیزی را درک نکنند)! (74)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (75)

بعد از آنها، موسی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و اطرافیانش فرستادیم؛ اما آنها تکبّر کردند (و زیر بار حق نرفتند؛ چرا که) آنها گروهی مجرم بودند! (75)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ (76)

و هنگامی که حق از نزد ما بسراغ آنها آمد، گفتند: «این، سحری است آشکار!» (76)

قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ (77)

موسی گفت: «آیا درباره حقّ، هنگامی که به سوی شما آمد، (چنین) می گویید؟! آیا این سحر است؟! در حالی که ساحران (هرگز) رستگار (و پیروز) نمی شوند! (77)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِى الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ (78)

گفتند: «آیا آمده ای که ما را، از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، منصرف سازی؛ و بزرگی (و ریاست) در روی زمین، از آن شما دو تن باشد؟! ما (هرگز) به شما ایمان نمی آوریم!» (78)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِی بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (79)

فرعون گفت: «(بروید و) هر جادوگر (و ساحر) دانایی را نزد من آورید!» (79)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَى أَلْقُوا مَا أَنتُم مُّلْقُونَ (80)

هنگامی که ساحران (به میدان مبارزه) آمدند، موسی به آنها گفت: «آنچه (از وسایل سحر) را می توانید بیفکنید، بیفکنید!» (80)

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ (81)

هنگامی که افکندند، موسی گفت: «آنچه شما آوردید، سحر است؛ که خداوند بزودی آن را باطل می کند؛ چرا که خداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمی کند! (81)

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (82)

او حق را به وعده خویش، تحقق می بخشد؛ هر چند مجرمان کراهت داشته باشند!» (82)

فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِی الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ (83)

(در آغاز،) هیچ کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او؛ (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیانش، مبادا آنها را شکنجه کنند؛ زیرا فرعون، برتری جویی در زمین داشت؛ و از اسرافکاران بود! (83)

وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُم مُّسْلِمِينَ (84)

موسی گفت: «ای قوم من! اگر شما به خدا ایمان آورده اید، بر او توکّل کنید اگر تسلیم فرمان او هستید!» (84)

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (85)

گفتند: «تنها بر خدا توکل داریم؛ پروردگارا! ما را مورد شکنجه گروه ستمگر قرار مده! (85)

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِکَ مِنَ الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ (86)

و ما را با رحمتت از (دست) قوم کافر رهایی بخش! (86)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (87)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که: «برای قوم خود، خانه هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید؛ و خانه هایتان را مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید! و نماز را برپا دارید! و به مؤمنان بشارت ده (که سرانجام پیروز می شوند!)» (87)

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّکَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِی الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِکَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (88)

موسی گفت: «پروردگارا! تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموالی (سرشار) در زندگی دنیا داده ای، پروردگارا! در نتیجه (بندگانت را) از راه تو گمراه می سازند! پروردگارا! اموالشان را نابود کن! و (بجرم گناهانشان،) دلهایشان را سخت و سنگین ساز، به گونه ای که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند!» (88)

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَّعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (89)

فرمود: «دعای شما پذیرفته شد! استقامت به خرج دهید؛ و از راه (و رسم) کسانی که نمی دانند، تبعیت نکنید!» (89)

وَجَاوَزْنَا بِبَنِی إِسْرَائِیلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْیًا وَعَدْوًا حَتَّی إِذَا أَدْرَکَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِی آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِیلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ (90)

(سرانجام) بنی اسرائیل را از دریا [= رود عظیم نیل] عبور دادیم؛ و فرعون و لشکرش از سر ظلم و تجاوز، به دنبال آنها رفتند؛ هنگامی که غرقاب دامن او را گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند، وجود ندارد؛ و من از مسلمین هستم!» (90)

آلْآنَ وَقَدْ عَصَیْتَ قَبْلُ وَکُنتَ مِنَ الْمُفْسِدِینَ (91)

(امّا به او خطاب شد:) الآن؟!! در حالی که قبلاً عصیان کردی، و از مفسدان بودی! (91)

فَالْیَوْمَ نُنَجِّیکَ بِبَدَنِکَ لِتَکُونَ لِمَنْ خَلْفَکَ آیَةً وَإِنَّ کَثِیرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آیَاتِنَا لَغَافِلُونَ (92)

ولی امروز، بدنت را (از آب) نجات می دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی! و بسیاری از مردم، از آیات ما غافلند! (92)

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِی إِسْرَائِیلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّیِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّی جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّکَ یَقْضِی بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فِیمَا کَانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ (93)

(سپس) بنی اسرائیل را در جایگاه صدق (و راستی) منزل دادیم؛ و از روزیهای پاکیزه به آنها عطا کردیم؛ (امّا آنها به نزاع و اختلاف برخاستند!) و اختلاف نکردند، مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد! پروردگار تو روز قیامت، در آنچه اختلاف می کردند، میان آنها داوری می کند! (93)

فَإِن کُنتَ فِی شَکٍّ مِّمَّا أَنزَلْنَا إِلَیْکَ فَاسْأَلِ الَّذِینَ یَقْرَءُونَ الْکِتَابَ مِن قَبْلِکَ لَقَدْ جَاءَکَ الْحَقُّ مِن رَّبِّکَ فَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِینَ (94)

و اگر در آنچه بر تو نازل کرده ایم تردیدی داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می خواندند بپرس، به یقین، «حق» از طرف پروردگارت به تو رسیده است؛ بنابر این، هرگز از تردیدکنندگان مباش! [مسلماً او تردیدی نداشت! این درسی برای مردم بود!] (94)

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (95)

و از آنها مباش که آیات خدا را تکذیب کردند، که از زیانکاران خواهی بود! (95)

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (96)

(و بدان) آنها که فرمان پروردگار تو بر آنان تحقق یافته، (و بجرم اعمالشان، توفیق هدایت را از آنها گرفته هرگز) ایمان نمی آورند، (96)

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (97)

هر چند تمام آیات (و نشانه های الهی) به آنان برسد، تا زمانی که عذاب دردناک را ببینند! (زیرا تاریکی گناه، قلبهایشان را فرا گرفته، و راهی به روشنایی ندارند!) (97)

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِى الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ (98)

چرا هیچ یک از شهرها و آبادیها ایمان نیاوردند که (ایمانشان بموقع باشد، و) به حالشان مفید افتد؟! مگر قوم یونس، هنگامی که آنها ایمان آوردند، عذاب رسوا کننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم؛ و تا مدّت معیّنی [= پایان زندگی و اجلشان] آنها را بهره مند ساختیم. (98)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّکَ لَآمَنَ مَن فِى الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (99)

و اگر پروردگار تو می خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به (اجبار) ایمان می آوردند؛ آیا تو می خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! (ایمان اجباری چه سودی دارد؟!) (99)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (100)

(اما) هیچ کس نمی تواند ایمان بیاورد، جز به فرمان خدا (و توفیق و یاری و هدایت او)! و پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرارمی دهد که نمی اندیشند. (100)

قُلِ انظُرُوا مَاذَا فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِى الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ (101)

بگو: «نگاه کنید چه چیز (از آیات خدا و نشانه های توحیدش) در آسمانها و زمین است!» اما این آیات و انذارها به حال کسانی که (به خاطر لجاجت) ایمان نمی آورند مفید نخواهد بود! (101)

فَهَلْ يَنتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِهِمْ قُلْ فَانتَظِرُوا إِنِّى مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (102)

آیا آنها (چیزی) جز همانند روزهای پیشینیان (و بلاها و مجازاتهایشان) را انتظار می کشند؟! بگو: «شما انتظار بکشید، من نیز با شما انتظار می کشم!» (102)

ثُمَّ نُنَجِّی رُسُلَنَا وَالَّذِینَ آمَنُوا کَذَلِکَ حَقًّا عَلَیْنَا نُنجِ الْمُؤْمِنِینَ (103)

سپس (هنگام نزول بلا و مجازات،) فرستادگان خود و کسانی را که (به آنان) ایمان می آورند، نجات می دهیم و همین گونه، بر ما حق است که مؤمنان (به تو) را (نیز) رهایی بخشیم! (103)

قُلْ یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِن کُنتُمْ فِی شَکٍّ مِّن دِینِی فَلَا أَعْبُدُ الَّذِینَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَکِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِی یَتَوَفَّاکُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَکُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ (104)

بگو: «ای مردم! اگر در عقیده من شک دارید، من آنهایی را که جز خدا می پرستید، نمی پرستم! تنها خداوندی را پرستش می کنم که شما را می میراند! و من مأمورم که از مؤمنان باشم! (104)

وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفًا وَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِکِینَ (105)

و (به من دستور داده شده که:) روی خود را به آیینی متوجه ساز که از هر گونه شرک، خالی است؛ و از مشرکان مباش! (105)

وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا یَنفَعُکَ وَلَا یَضُرُّکَ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّکَ إِذًا مِّنَ الظَّالِمِینَ (106)

و جز خدا، چیزی را که نه سودی به تو می رساند و نه زیانی، مخوان! که اگر چنین کنی، از ستمکاران خواهی بود! (106)

وَإِن يَمْسَسْکَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا کَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يُرِدْکَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (107)

و اگر خداوند، (برای امتحان یا کیفر گناه،) زیانی به تو رساند، هیچ کس جز او آن را برطرف نمی سازد؛ و اگر اراده خیری برای تو کند، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد! آنرا به هر کس از بندگانش بخواهد می رساند؛ و او غفور و رحیم است!» (107)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَکُمُ الْحَقُّ مِن رَّبِّکُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْکُم بِوَکِيلٍ (108)

بگو: «ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد، برای خود هدایت شده؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می گردد؛ و من مأمور (به اجبار) شما نیستم!» (108)

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْکَ وَاصْبِرْ حَتَّى يَحْکُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاکِمِينَ (109)

و از آنچه بر تو وحی می شود پیروی کن، و شکیبا باش (و استقامت نما)، تا خداوند فرمان (پیروزی) را صادر کند؛ و او بهترین حاکمان است! (109)

سوره هود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر کِتَابٌ أُحْکِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَکِيمٍ خَبِيرٍ (1)

الر، این کتابی است که آیاتش استحکام یافته؛ سپس تشریح شده و از نزد خداوند حکیم و آگاه (نازل گردیده) است! (1)

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَکُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ (2)

(دعوت من این است) که: جز «اللّه» را نپرستید! من از سوی او برای شما بیم دهنده و بشارت دهنده ام! (2)

وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْکُم مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ کُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْکُمْ عَذَابَ يَوْمٍ کَبِيرٍ (3)

و اینکه: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید؛ سپس بسوی او بازگردید؛ تا شما را تا مدّت معیّنی، (از مواهب زندگی این جهان،) به خوبی بهره مند سازد؛ و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد! و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید، من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم! (3)

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (4)

(بدانید) بازگشت شما بسوی «اللّه» است، و او بر هر چیز تواناست! (4)

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (5)

آگاه باشید، آنها (سرها را به هم نزدیک ساخته، و) سینه هاشان را در کنار هم قرارمی دهند، تا خود (و سخنان خویش) را از او [= پیامبر] پنهان دارند! آگاه باشید، آنگاه که آنها لباسهایشان را به خود می پیچند و خویش را در آن پنهان می کنند، (خداوند) می داند آنچه را پنهان می کنند و آنچه را آشکار می سازند؛ چرا که او، از اسرار درون سینه ها، آگاه است! (5)

جزء 12

ادامه سوره هود

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ إِلَّا عَلَی اللَّهِ رِزْقُهَا وَیَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا کُلٌّ فِی کِتَابٍ مُّبِینٍ (6)

هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند؛ همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! [= در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا] (6)

وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ وَکَانَ عَرْشُهُ عَلَی الْمَاءِ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتَ إِنَّکُم مَّبْعُوثُونَ مِن بَعْدِ الْمَوْتِ لَیَقُولَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِینٌ (7)

او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت؛ (بخاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدامیک عملتان بهتر است! و اگر (به آنها) بگویی: «شما بعد از مرگ، برانگیخته می شوید!»، مسلّماً کافران می گویند: «این سحری آشکار است!» (7)

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَی أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّیَقُولُنَّ مَا یَحْبِسُهُ أَلَا یَوْمَ یَأْتِیهِمْ لَیْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم مَّا کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِئُونَ (8)

و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزا) می گویند: «چه چیز مانع آن شده است؟!» آگاه باشید، آن روز که (عذاب) به سراغشان آید، از آنها بازگردانده نخواهد شد؛ (و هیچ قدرتی مانع آن نخواهد بود؛) و آنچه را مسخره می کردند، دامانشان را می گیرد! (8)

وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَیَئُوسٌ کَفُورٌ (9)

و اگر از جانب خویش، نعمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم، بسیار نومید و ناسپاس خواهد بود! (9)

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَیَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّیِّئَاتُ عَنِّی إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ (10)

و اگر بعد از شدّت و رنجی که به او رسیده، نعمتهایی به او بچشانیم، می گوید: «مشکلات از من برطرف شد، و دیگر باز نخواهد گشت!» و غرق شادی و غفلت و فخرفروشی می شود... (10)

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِکَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (11)

مگر آنها که (در سایه ایمان راستین،) صبر و استقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند؛ که برای آنها، آمرزش و اجر بزرگی است! (11)

فَلَعَلَّکَ تَارِکٌ بَعْضَ مَا يُوحَى إِلَيْکَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ أَن يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَکٌ إِنَّمَا أَنتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ وَكِيلٌ (12)

شاید (ابلاغ) بعض آیاتی را که به تو وحی می شود، (بخاطر عدم پذیرش آنها) ترک کنی (و به تأخیر اندازی)؛ و سینه ات از این جهت تنگ (و ناراحت) شود که می گویند: «چرا گنجی بر او نازل نشده؟! و یا چرا فرشته ای همراه او نیامده است؟!» (ابلاغ کن، و نگران و ناراحت مباش! چرا که) تو فقط بیم دهنده ای؛ و خداوند، نگاهبان و ناظر بر همه چیز است (؛ و به حساب آنان می رسد)! (12)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (13)

آنها می گویند: «او به دروغ این (قرآن) را (به خدا) نسبت داده (و ساختگی است)!» بگو: «اگر راست می گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید؛ و تمام کسانی را که می توانید -غیر از خدا- (برای این کار) دعوت کنید!» (13)

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَن لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (14)

و اگر آنها دعوت شما را نپذیرفتند، بدانید (قرآن) تنها با علم الهی نازل شده؛ و هیچ معبودی جز او نیست! آیا با این حال، تسلیم می شوید؟ (14)

مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (15)

کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در همین دنیا بطور کامل به آنها می دهیم؛ و چیزی کم و کاست از آنها نخواهد شد! (15)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِى الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (16)

(ولی) آنها در آخرت، جز آتش، (سهمی) نخواهند داشت؛ و آنچه را در دنیا (برای غیر خدا) انجام دادند، بر باد می رود؛ و آنچه را عمل می کردند، باطل و بی اثر می شود! (16)

أَفَمَن كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِى مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (17)

آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد، و بدنبال آن، شاهدی از سوی او می باشد، و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (گواهی بر آن می دهد، همچون کسی است که چنین نباشد)؟! آنها [= حق طلبان و حقیقت جویان] به او (که دارای این ویژگیهاست،) ایمان می

آورند! و هر کس از گروه های مختلف به او کافر شود، آتش وعده گاه اوست! پس، تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت! ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند! (17)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (18)

چه کسی ستمکارتر است از کسانی که بر خدا افترا می بندند؟! آنان (روز رستاخیز) بر پروردگارشان عرضه می شوند، در حالی که شاهدان [= پیامبران و فرشتگان] می گویند: «اینها همانها هستند که به پروردگارشان دروغ بستند! ای لعنت خدا بر ظالمان باد!» (18)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (19)

همانها که (مردم را) از راه خدا بازمی دارند؛ و راه حق را کج و معوج نشان می دهند؛ و به سرای آخرت کافرند! (19)

أُولَئِکَ لَمْ یَکُونُوا مُعْجِزِینَ فِی الْأَرْضِ وَمَا کَانَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِیَاءَ یُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا کَانُوا یَسْتَطِیعُونَ السَّمْعَ وَمَا کَانُوا یُبْصِرُونَ (20)

آنها هیچ گاه توانایی فرار در زمین را ندارند؛ و جز خدا، پشتیبانهایی نمی یابند! عذاب خدا برای آنها مضاعف خواهد بود؛ (چرا که هم خودشان گمراه بودند، و هم دیگران را گمراه ساختند؛) آنها هرگز توانایی شنیدن (حق را) نداشتند؛ و (حقیقت را) نمی دیدند! (20)

أُولَئِکَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا کَانُوا یَفْتَرُونَ (21)

آنان کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده اند؛ و تمام معبودهای دروغین از نظرشان گم شدند... (21)

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِی الْآخِرَهِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (22)

(به ناچار) آنها در سرای آخرت، قطعاً از همه زیانکارترند! (22)

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَی رَبِّهِمْ أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَنَّهِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (23)

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان خضوع و خشوع کردند، آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند! (23)

مَثَلُ الْفَرِیقَیْنِ کَالْأَعْمَی وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِیرِ وَالسَّمِیعِ هَلْ یَسْتَوِیَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَکَّرُونَ (24)

حال این دو گروه [= مؤمنان و منکران]، حال «نابینا و کر» و «بینا و شنوا» است؛ آیا این دو، همانند یکدیگرند؟! آیا پند نمی گیرند؟! (24)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَی قَوْمِهِ إِنِّی لَکُمْ نَذِیرٌ مُّبِینٌ (25)

ما نوح را بسوی قومش فرستادیم (؛ نخستین بار به آنها گفت): «من برای شما بیم دهنده ای آشکارم! (25)

أَن لَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّی أَخَافُ عَلَیْکُمْ عَذَابَ یَوْمٍ أَلِیمٍ (26)

جز «الله» [= خدای یگانه یکتا] را نپرستید؛ زیرا بر شما از عذاب روز دردناکی می ترسم! (26)

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ (27)

اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: «ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی بینیم! و کسانی را که از تو پیروی کرده اند، جز گروهی اراذل ساده لوح، مشاهده نمی کنیم؛ و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی بینیم؛ بلکه شما را دروغگو تصور می کنیم!» (27)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِندِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا كَارِهُونَ (28)

(نوح) گفت: «اگر من دلیل روشنی از پروردگارم داشته باشم، و از نزد خودش رحمتی به من داده باشد -و بر شما مخفی مانده- (آیا باز هم رسالت مرا انکار می کنید)؟! آیا ما می توانیم شما را به پذیرش این دلیل روشن مجبور سازیم، با اینکه شما کراهت دارید؟! (28)

وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُم مُّلَاقُو رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (29)

ای قوم! من به خاطر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من، تنها بر خداست! و من، آنها را که ایمان آورده اند، (بخاطر شما) از خود طرد نمی کنم؛ چرا که آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد؛ (اگر آنها را از خود برانم، در دادگاه قیامت، خصم من خواهند بود؛) ولی شما را قوم جاهلی می بینم! (29)

وَيَا قَوْمِ مَن يَنصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِن طَرَدتُّهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (30)

ای قوم! چه کسی مرا در برابر (مجازات) خدا یاری می دهد اگر آنان را طرد کنم؟! آیا اندیشه نمی کنید؟! (30)

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ (31)

من هرگز به شما نمی گویم خزائن الهی نزد من است! و غیب هم نمی دانم! و نمی گویم من فرشته ام! و (نیز) نمی گویم کسانی که در نظر شما خوار می آیند، خداوند خیری به آنها نخواهد داد؛ خدا از دل آنان آگاهتر است! (با این حال، اگر آنها را برانم،) در این صورت از ستمکاران خواهم بود!» (31)

قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (32)

گفتند: «ای نوح! با ما جر و بحث کردی، و زیاد هم جر و بحث کردی! (بس است!) اکنون اگر راستی می گویی، آنچه را (از عذاب الهی) به ما وعده می دهی بیاور!» (32)

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ اللَّهُ إِن شَاءَ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (33)

(نوح) گفت: «اگر خدا اراده کند، خواهد آورد؛ و شما قدرت فرار (از آن را) نخواهید داشت! (33)

وَلَا يَنفَعُكُمْ نُصْحِی إِنْ أَرَدتُّ أَنْ أنصَحَ لَكُمْ إِن كَانَ اللّهُ يُرِيدُ أَن يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (34)

(اما چه سود که) هرگاه خدا بخواهد شما را (بخاطر گناهانتان) گمراه سازد، و من بخواهم شما را اندرز دهم، اندرز من سودی به حالتان نخواهد داشت! او پروردگار شماست؛ و بسوی او بازگشت داده می شوید.» (34)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَیَّ إِجْرَامِی وَأَنَا بَرِیءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ (35)

(مشرکان) می گویند: «او [= محمد (ص)] این سخنان را بدروغ به خدا نسبت داده است! «بگو: «اگر من اینها را از پیش خود ساخته باشم و به او نسبت دهم، گناهش بر عهده من است؛ ولی من از گناهان شما بیزارم!» (35)

وَأُوحِیَ إِلَی نُوحٍ أَنَّهُ لَن يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (36)

به نوح وحی شد که: «جز آنها که (تاکنون) ایمان آورده اند، دیگر هیچ کس از قوم تو ایمان نخواهد آورد! پس، از کارهایی که می کردند، غمگین مباش! (36)

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِی فِی الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ (37)

و (اکنون) در حضور ما و طبق وحی ما، کشتی بساز! و درباره آنها که ستم کردند شفاعت مکن، که (همه) آنها غرق شدنی هستند!» (37)

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ (38)

او مشغول ساختن کشتی بود، و هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می گذشتند، او را مسخره می کردند؛ (ولی نوح) گفت: «اگر ما را مسخره می کنید، ما نیز شما را همین گونه مسخره خواهیم کرد! (38)

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (39)

بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش خواهد آمد، و مجازات جاودان بر او وارد خواهد شد!» (39)

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ (40)

(این وضع همچنان ادامه یافت) تا آن زمان که فرمان ما فرا رسید، و تنور جوشیدن گرفت؛ (به نوح) گفتیم: «از هر جفتی از حیوانات (از نر و ماده) یک زوج در آن (کشتی) حمل کن! همچنین خاندانت را (بر آن سوار کن) -مگر آنها که قبلاً وعده هلاک آنان داده شده [= همسر و یکی از فرزندانت]- و همچنین مؤمنان را!» اما جز عده کمی همراه او ایمان نیاوردند! (40)

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّى لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (41)

او گفت: «به نام خدا بر آن سوار شوید! و هنگام حرکت و توقف کشتی، یاد او کنید، که پروردگارم آمرزنده و مهربان است!» (41)

وَهِىَ تَجْرِى بِهِمْ فِى مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِى مَعْزِلٍ يَا بُنَىَّ ارْكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ الْكَافِرِينَ (42)

و آن کشتی، آنها را از میان امواجی همچون کوه ها حرکت میداد؛ (در این هنگام،) نوح فرزندش را که در گوشه ای بود صدا زد: «پسرم! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش!» (42)

قَالَ سَآوِى إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِى مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَن رَّحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (43)

گفت: «بزودی به کوهی پناه میبرم تا مرا از آب حفظ کند!» (نوح) گفت: «امروز هیچ نگهداری در برابر فرمان خدا نیسست؛ مگر آن کس را که او رحم کند!» در این هنگام، موج در میان آن دو حایل شد؛ و او در زمره غرق شدگان قرار گرفت! (43)

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِی مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِی وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِیَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِیِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (44)

و گفته شد: «ای زمین، آبت را فرو بر! و ای آسمان، خودداری کن! و آب فرو نشست و کار پایان یافت و (کشتی) بر (دامنه کوه) جودی، پهلو گرفت؛ و (در این هنگام،) گفته شد:» دور باد قوم ستمگر (از سعادت و نجات و رحمت خدا!)» (44)

وَنَادَى نُوحٌ رَّبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِی مِنْ أَهْلِی وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (45)

نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا! پسرم از خاندان من است؛ و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است؛ و تو از همه حکم کنندگان برتری!» (45)

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِکَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّی أَعِظُکَ أَن تَکُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (46)

فرمود: «ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است [= فرد ناشایسته ای است]! پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از من مخواه! من به تو اندرز می دهم تا از جاهلان نباشی!!» (46)

قَالَ رَبِّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَسْأَلَکَ مَا لَيْسَ لِی بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِی وَتَرْحَمْنِی أَکُن مِّنَ الْخَاسِرِينَ (47)

عرض کرد: «پروردگارا! من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم! و اگر مرا نبخشی، و بر من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود!» (47)

قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَکَاتٍ عَلَيْکَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّن مَّعَکَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (48)

(به نوح) گفته شد: «ای نوح! با سلامت و برکاتی از ناحیه ما بر تو و بر تمام امتهایی که با تواند، فرود آی! و امتهای نیز هستند که ما آنها را از نعمتها بهره مند خواهیم ساخت، سپس عذاب دردناکی از سوی ما به آنها می رسد (، چرا که این نعمتها را کفران می کنند!)» (48)

تِلْکَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْکَ مَا کُنتَ تَعْلَمُهَا أَنتَ وَلَا قَوْمُکَ مِن قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ (49)

اینها از خبرهای غیب است که به تو (ای پیامبر) وحی می کنیم؛ نه تو، و نه قومت، اینها را پیش از این نمی دانستید! بنابر این، صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزگاران است! (49)

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَکُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ (50)

(ما) به سوی (قوم) عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم؛ (به آنها) گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! شما فقط تهمت می زنید (و بتها را شریک او می خوانید)! (50)

يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ (51)

ای قوم من! من از شما برای این (رسالت)، پاداشی نمی طلبم؛ پاداش من، تنها بر کسی است که مرا آفریده است؛ آیا نمی فهمید؟! (51)

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ (52)

و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد؛ و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید! و گنهکارانه، روی (از حق) بر نتابید!» (52)

قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَن قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (53)

گفتند: «ای هود! تو دلیل روشنی برای ما نیاورده ای! و ما خدایان خود را بخاطر حرف تو، رها نخواهیم کرد! و ما (اصلاً) به تو ایمان نمی آوریم! (53)

إِن نَّقُولُ إِلَّا اعْتَرَاکَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّی أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّی بَرِیءٌ مِّمَّا تُشْرِکُونَ (54)

ما (درباره تو) فقط می گوییم: بعضی از خدایان ما، به تو زیان رسانده (و عقلت را ربوده) اند!» (هود) گفت: «من خدا را به شهادت می طلبم، شما نیز گواه باشید که من بیزارم از آنچه شریک (خدا) قرارمی دهید... (54)

مِن دُونِهِ فَکِیدُونِی جَمِیعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ (55)

از آنچه غیر او (می پرستید)! حال که چنین است، همگی برای من نقشه بکشید؛ و مرا مهلت ندهید! (اما بدانید کاری از دست شما ساخته نیست!) (55)

إِنِّی تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ رَبِّی وَرَبِّکُم مَّا مِن دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا إِنَّ رَبِّی عَلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ (56)

من، بر «الله» که پروردگار من و شماست، توکل کرده ام! هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او بر آن تسلط دارد؛ (اما سلطه ای با عدالت! چرا که) پروردگار من بر راه راست است! (56)

فَإِن تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُکُم مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَیْکُمْ وَیَسْتَخْلِفُ رَبِّی قَوْمًا غَیْرَکُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَیْئًا إِنَّ رَبِّی عَلَی کُلِّ شَیْءٍ حَفِیظٌ (57)

پس اگر روی برگردانید، من رسالتی را که مأمور بودم به شما رساندم؛ و پروردگارم گروه دیگری را جانشین شما می کند؛ و شما کمترین ضرری به او نمی رسایند؛ پروردگارم حافظ و نگاهبان هر چیز است!» (57)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّیْنَا هُودًا وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَنَجَّیْنَاهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِیظٍ (58)

و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، «هود» و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم؛ و آنها را از عذاب شدید، رهایی بخشیدیم! (58)

وَتِلْکَ عَادٌ جَحَدُوا بِآیَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ (59)

و این قوم «عاد» بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند؛ و پیامبران او را معصیت نمودند؛ و از فرمان هر ستمگر دشمن حق، پیروی کردند! (59)

وَأُتْبِعُوا فِی هَذِهِ الدُّنْیَا لَعْنَةً وَیَوْمَ الْقِیَامَهِ أَلَا إِنَّ عَادًا کَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ (60)

آنان، در این دنیا و روز قیامت، لعنت (و نام ننگینی) بدنبال دارند! بدانید «عاد» نسبت به پروردگارشان کفر ورزیدند! دور باد «عاد» -قوم هود- (از رحمت خدا، و خیر و سعادت)! (60)

وَإِلَی ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ یَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَکُم مِّنْ إِلَهٍ غَیْرُهُ هُوَ أَنشَأَکُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَکُمْ فِیهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ إِنَّ رَبِّی قَرِیبٌ مُّجِیبٌ (61)

و بسوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت! از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک، و اجابت کننده (خواسته های آنها) است!» (61)

قَالُوا یَا صَالِحُ قَدْ کُنتَ فِینَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَن نَّعْبُدَ مَا یَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِی شَکٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَیْهِ مُرِیبٍ (62)

گفتند: «ای صالح! تو پیش از این، مایه امید ما بودی! آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می پرستیدند، نهی می کنی؟! در حالی که ما، در مورد آنچه به سوی آن دعوتمان می کنی، در شک و تردید هستیم!» (62)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّى وَآتَانِى مِنْهُ رَحْمَةً فَمَن يَنصُرُنِى مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِى غَيْرَ تَخْسِيرٍ (63)

گفت: «ای قوم! اگر من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رحمتی از جانب خود به من داده باشد (، می توانم از ابلاغ رسالت او سرپیچی کنم)؟! اگر من نافرمانی او کنم، چه کسی می تواند مرا در برابر وی یاری دهد؟! پس، (سخنان) شما، جز اطمینان به زیانکار بودنتان، چیزی بر من نمی افزاید! (63)

وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِى أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (64)

ای قوم من! این «ناقه» خداوند است، که برای شما نشانه ای است؛ بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود؛ هیچ گونه آزاری به آن نرسانید، که بزودی عذاب خدا شما را خواهد گرفت!» (64)

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِى دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ (65)

(اما) آنها آن (ناقه) را از پای در آوردند! و (صالح به آنها) گفت: «(مهلت شما تمام شد!) سه روز در خانه هایتان بهره مند گردید؛ (و بعد از آن، عذاب الهی فرا خواهد رسید؛) این وعده ای است که دروغ نخواهد بود!» (65)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِىُّ الْعَزِيزُ (66)

و هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرا رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز، رهایی بخشیدیم؛ چرا که پروردگارت قوی و شکست ناپذیر است! (66)

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِى دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (67)

و کسانی را که ستم کرده بودند، صیحه (آسمانی) فروگرفت؛ و در خانه هایشان به روی افتادند و مردند... (67)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ (68)

آنچنان که گویی هرگز ساکن آن دیار نبودند! بدانید قوم ثمود، پروردگارشان را انکار کردند! دور باد قوم ثمود (از رحمت پروردگار)! (68)

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَن جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ (69)

فرستادگان ما [= فرشتگان] برای ابراهیم بشارت آوردند؛ گفتند: «سلام!» (او نیز) گفت: «سلام!» و طولی نکشید که گوساله بریانی (برای آنها) آورد. (69)

فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ (70)

(اما) هنگامی که دید دست آنها به آن نمی رسد (و از آن نمی خورند، کار) آنها را زشت شمرد؛ و در دل احساس ترس نمود. به او گفتند: «نترس! ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم!» (70)

وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِن وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (71)

و همسرش ایستاده بود، (از خوشحالی) خندید؛ پس او را بشارت به اسحاق، و بعد از او یعقوب دادیم. (71)

قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِى شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَىْءٌ عَجِيبٌ (72)

گفت: «ای وای بر من! آیا من فرزند می آورم در حالی که پیرزنم، و این شوهرم پیرمردی است؟! این راستی چیز عجیبی است!» (72)

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ (73)

گفتند: «آیا از فرمان خدا تعجب میکنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است؛ چرا که او ستوده و والا است!» (73)

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِى قَوْمِ لُوطٍ (74)

هنگامی که ترس ابراهیم فرو نشست، و بشارت به او رسید، درباره قوم لوط با ما مجادله می کرد... (74)

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُّنِيبٌ (75)

چرا که ابراهیم، بردبار و دلسوز و بازگشت کننده (بسوی خدا) بود! (75)

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (76)

ای ابراهیم! از این (درخواست) صرف نظر کن، که فرمان پروردگارت فرا رسیده؛ و بطور قطع عذاب (الهی) به سراغ آنها می آید؛ و برگشت ندارد! (76)

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِىءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ (77)

و هنگامی که رسولان ما [= فرشتگان عذاب] به سراغ لوط آمدند، از آمدنشان ناراحت شد؛ و قلبش پریشان گشت؛ و گفت: «امروز روز سختی است!» (زیرا آنها را نشناخت؛ و ترسید قوم تبهکار مزاحم آنها شوند.) (77)

وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِى هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِى ضَيْفِى أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ

رَّشِيدٌ (78)

قوم او (بقصد مزاحمت میهمانان) بسرعت به سراغ او آمدند -و قبلاً کارهای بد انجام می دادند- گفت: «ای قوم من! اینها دختران منند؛ برای شما پاکیزه ترند! (با آنها ازدواج کنید؛ و از زشتکاری چشم بپوشید!) از خدا بترسید؛ و مرا در مورد میهمانانم رسوا نسازید! آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!» (78)

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِی بَنَاتِکَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّکَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِیدُ (79)

گفتند: «تو که می دانی ما تمایلی به دختران تو نداریم؛ و خوب می دانی ما چه می خواهیم!» (79)

قَالَ لَوْ أَنَّ لِی بِکُمْ قُوَّةً أَوْ آوِی إِلَی رُکْنٍ شَدِیدٍ (80)

گفت: «(افسوس!) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم؛ یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود! (آنگاه می دانستم با شما زشت سیرتان ددمنش چه کنم!)» (80)

قَالُوا یَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّکَ لَن یَصِلُوا إِلَیْکَ فَأَسْرِ بِأَهْلِکَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّیْلِ وَلَا یَلْتَفِتْ مِنکُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَکَ إِنَّهُ مُصِیبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَیْسَ الصُّبْحُ بِقَرِیبٍ (81)

(فرشتگان عذاب) گفتند: «ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم! آنها هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهند کرد! در دل شب، خانواده ات را (از این شهر) حرکت ده! و هیچ یک از شما پشت سرش را نگاه نکند؛ مگر همسرت، که او هم به همان بلایی که آنها گرفتار می شوند، گرفتار خواهد شد! موعد آنها صبح است؛ آیا صبح نزدیک نیست؟!» (81)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ (82)

و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو کردیم؛ و بارانی از سنگ [= گِلهای متحجر] متراکم بر روی هم، بر آنها نازل نمودیم... (82)

مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّکَ وَمَا هِیَ مِنَ الظَّالِمِینَ بِبَعِیدٍ (83)

(سنگهایی که) نزد پروردگارت نشاندار بود؛ و آن، (از سایر) ستمگران دور نیست! (83)

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّی أَرَاكُم بِخَيْرٍ وَإِنِّی أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ (84)

و بسوی «مدین» برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که جز او، معبود دیگری برای شما نیست! پیمانه و وزن را کم نکنید (و دست به کم فروشی نزنید)! من (هم اکنون) شما را در نعمت می بینم؛ (ولی) از عذاب روز فراگیر، بر شما بیمناکم! (84)

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (85)

و ای قوم من! پیمانه و وزن را با عدالت، تمام دهید! و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذارید؛ و از حق آنان نکاهید! و در زمین به فساد نکوشید! (85)

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ (86)

آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (از سرمایه های حلال)، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید! و من، پاسدار شما (و مأمور بر اجبارتان به ایمان) نیستم! (86)

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَن نَّفْعَلَ فِی أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (87)

گفتند: «ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می دهد که آنچه را پدرانمان می پرستیدند، ترک کنیم؛ یا آنچه را می خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده ای هستی!» (87)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّى وَرَزَقَنِى مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِى إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (88)

گفت: «ای قوم! به من بگویید، هرگاه من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رزق (و موهبت) خوبی به من داده باشد، (آیا می توانم بر خلاف فرمان او رفتار کنم؟!) من هرگز نمی خواهم چیزی که شما را از آن باز می دارم، خودم مرتکب شوم! من جز اصلاح -تا آنجا که توانایی دارم- نمی خواهم! و توفیق من، جز به خدا نیست! بر او توکّل کردم؛ و به سوی او بازمی گردم! (88)

وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِى أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ (89)

و ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید! و قوم لوط از شما چندان دور نیست! (89)

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّى رَحِيمٌ وَدُودٌ (90)

از پروردگار خود، آمرزش بطلبید؛ و به سوی او بازگردید؛ که پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه کار) است!» (90)

قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (91)

گفتند: «ای شعیب! بسیاری از آنچه را می گویی، ما نمی فهمیم! و ما تو را در میان خود، ضعیف می یابیم؛ و اگر (بخاطر) قبیله کوچکت نبود، تو را سنگسار می کردیم؛ و تو در برابر ما قدرتی نداری!» (91)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِى أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّى بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (92)

گفت: «ای قوم! آیا قبیله کوچک من، نزد شما عزیزتر از خداوند است؟! در حالی که (فرمان) او را پشت سر انداخته اید! پروردگارم به آنچه انجام می دهید، احاطه دارد (و آگاه است)! (92)

وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّى مَعَكُمْ رَقِيبٌ (93)

ای قوم! هر کاری از دستتان ساخته است، انجام دهید، من هم کار خود را خواهم کرد؛ و بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش می آید، و چه کسی دروغگوست! شما انتظار بکشید، من هم در انتظارم!» (93)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِى دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (94)

و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم؛ و آنها را که ستم کردند، صیحه (آسمانی) فرو گرفت؛ و در دیار خود، به رو افتادند (و مردند)... (94)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ (95)

آنچنان که گویی هرگز از ساکنان آن (دیار) نبودند! دور باد مدین (و اهل آن) از رحمت خدا، همان گونه که قوم ثمود دور شدند! (95)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (96)

ما، موسی را با آیات خود و دلیل آشکاری فرستادیم... (96)

إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ (97)

بسوی فرعون و اطرافیانش؛ اما آنها از فرمان فرعون پیروی کردند؛ در حالی که فرمان فرعون، مایه رشد و نجات نبود! (97)

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ (98)

روز قیامت، او در پیشاپیش قومش خواهد بود؛ و (به جای چشمه های زلال بهشت) آنها را وارد آتش می کند! و چه بد آبشخوری است (آتش)، که بر آن وارد می شوند! (98)

وَأُتْبِعُوا فِی هَذِهِ لَعْنَهً وَیَوْمَ الْقِیَامَهِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ (99)

آنان در این جهان و روز قیامت، لعنتی بدنبال دارند؛ و چه بد عطایی است (لعن و دوری از رحمت خدا)، که نصیب آنان می شود! (99)

ذَلِکَ مِنْ أَنبَاءِ الْقُرَی نَقُصُّهُ عَلَیْکَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِیدٌ (100)

این از اخبار شهرها و آبادیهاست که ما برای تو بازگو می کنیم؛ که بعضی (هنوز) برپا هستند، و بعضی درو شده اند (و از میان رفته اند)! (100)

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَکِن ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِی یَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مِن شَیْءٍ لَّمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّکَ وَمَا زَادُوهُمْ غَیْرَ تَتْبِیبٍ (101)

ما به آنها ستم نکردیم؛ بلکه آنها خودشان بر خویشتن ستم روا داشتند! و هنگامی که فرمان مجازات الهی فرا رسید، معبودانی را که غیر از خدا می خواندند، آنها را یاری نکردند؛ و جز بر هلاکت آنان نیفزودند! (101)

وَکَذَلِکَ أَخْذُ رَبِّکَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَی وَهِیَ ظَالِمَهٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِیمٌ شَدِیدٌ (102)

و اینچنین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که شهرها و آبادیهای ظالم را مجازات می کند! (آری،) مجازات او، دردناک و شدید است! (102)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَهً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَهِ ذَلِکَ یَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِکَ یَوْمٌ مَّشْهُودٌ (103)

در این، نشانه ای است برای کسی که از عذاب آخرت می ترسد؛ همان روزی است که مردم در آن جمع می شوند، و روزی که همه آن را مشاهده می کنند. (103)

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ (104)

و ما آن (مجازات) را، جز تا زمان محدودی، تأخیر نمی اندازیم! (104)

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ (105)

آن روز که (قیامت و زمان مجازات) فرا رسد، هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی گوید؛ گروهی بدبختند و گروهی خوشبخت! (105)

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِى النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ (106)

امّا آنها که بدبخت شدند، در آتشند؛ و برای آنان در آنجا، «زفیر» و «شهیق» [= ناله های طولانی دم و بازدم] است... (106)

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ (107)

جاودانه در آن خواهند ماند، تا آسمانها و زمین برپاست؛ مگر آنچه پروردگارت بخواهد! پروردگارت هر چه را بخواهد انجام می دهد! (107)

وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِى الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ (108)

امّا آنها که خوشبخت و سعادتمند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند، تا آسمانها و زمین برپاست، مگر آنچه پروردگارت بخواهد! بخششی است قطع نشدنی! (108)

فَلَا تَكُ فِی مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُم مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ (109)

پس شکّ و تردیدی (در باطل بودن) معبودهایی که آنها می پرستند، به خود راه مده! آنها همان گونه این معبودها را پرستش می کنند که پدرانشان قبلاً می پرستیدند، و ما نصیب آنان را بی کم و کاست خواهیم داد! (109)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِی شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (110)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ سپس در آن اختلاف شد؛ و اگر فرمان قبلی خدا (در زمینه آزمایش و اتمام حجّت بر آنها) نبود، در میان آنان داوری می شد! و آنها (هنوز) در شکّ اند، شکّی آمیخته به بدگمانی! (110)

وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (111)

و پروردگارت اعمال هر یک را بی کم و کاست به آنها خواهد داد؛ او به آنچه عمل می کنند آگاه است! (111)

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (112)

پس همان گونه که فرمان یافته ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو بسوی خدا آمده اند (باید استقامت کنند)! و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می دهید می بیند! (112)

وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (113)

و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در آن حال، هیچ ولیّ و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی شوید! (113)

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ (114)

در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می برند؛ این تذکّری است برای کسانی که اهل تذکّرند! (114)

وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (115)

و شکیبایی کن، که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد! (115)

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِى الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ (116)

چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم! و آنان که ستم می کردند، از تنعّم و کامجوئی پیروی کردند؛ و گناهکار بودند (و نابود شدند)! (116)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ (117)

و چنین نبود که پروردگارت آبادیها را بظلم و ستم نابود کند در حالی که اهلش در صدد اصلاح بوده باشند! (117)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّکَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ (118)

و اگر پروردگارت می خواست، همه مردم را یک امّت (بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می داد؛ ولی آنها همواره مختلفند... (118)

إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّکَ وَلِذَلِکَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (119)

مگر کسی را که پروردگارت رحم کند! و برای همین (پذیرش رحمت) آنها را آفرید! و فرمان پروردگارت قطعی شده که: جهنّم را از همه (سرکشان و طاغیان) جنّ و انس پر خواهم کرد! (119)

وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيْکَ مِنْ أَنبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَکَ وَجَاءَکَ فِی هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (120)

ما از هر یک از سرگذشتهای انبیا برای تو بازگو کردیم، تا به وسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم؛ و اراده ات قوّی گردد. و در این (اخبار و سرگذشتها،) برای تو حقّ، و برای مؤمنان موعظه و تذکّر آمده است. (120)

وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ (121)

و به آنها که ایمان نمی آورند، بگو: «هر چه در قدرت دارید، انجام دهید! ما هم انجام می دهیم! (121)

وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ (122)

و انتظار بکشید! ما هم منتظریم! (122)

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّکَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (123)

و (آگاهی از) غیب (و اسرار نهان) آسمانها و زمین، تنها از آن خداست؛ و همه کارها به سوی او بازمی گردد! پس او را پرستش کن! و بر او توکّل نما! و پروردگارت از کارهایی که می کنید، هرگز غافل نیست! (123)

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر تِلْکَ آيَاتُ الْکِتَابِ الْمُبِينِ (1)

الر، آن آيات كتاب آشكار است! (1)

إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (2)

ما آن را قرآنى عربى نازل كرديم، شايد شما درک كنيد (و بينديشيد)! (2)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْکَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْکَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِن كُنتَ مِن قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (3)

ما بهترين سرگذشتها را از طريق اين قرآن -كه به تو وحى كرديم- بر تو بازگو مى كنيم؛ و مسلّماً پيش از اين، از آن خبر نداشتى! (3)

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّى رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِى سَاجِدِينَ (4)

(به خاطر بياور) هنگامى را كه يوسف به پدرش گفت: «پدرم! من در خواب ديدم كه يازده ستاره، و خورشيد و ماه در برابرم سجده مى كنند!» (4)

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاکَ عَلَى إِخْوَتِکَ فَيَکِيدُوا لَکَ کَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (5)

گفت: «فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، که برای تو نقشه (خطرناکی) می کشند؛ چرا که شیطان، دشمن آشکار انسان است! (5)

وَکَذَلِکَ يَجْتَبِيکَ رَبُّکَ وَيُعَلِّمُکَ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْکَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ کَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْکَ مِن قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّکَ عَلِيمٌ حَکِيمٌ (6)

و این گونه پروردگارت تو را برمی گزیند؛ و از تعبیر خوابها به تو می آموزد؛ و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام و کامل می کند، همان گونه که پیش از این، بر پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام کرد؛ به یقین، پروردگار تو دانا و حکیم است!» (6)

لَّقَدْ کَانَ فِی يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ (7)

در (داستان) یوسف و برادرانش، نشانه ها (ی هدایت) برای سؤال کنندگان بود! (7)

إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَى أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِی ضَلَالٍ مُّبِينٍ (8)

هنگامی که (برادران) گفتند: «یوسف و برادرش [= بنیامین] نزد پدر، از ما محبوبترند؛ در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم! مسلّماً پدر ما، در گمراهی آشکاری است! (8)

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَکُمْ وَجْهُ أَبِيکُمْ وَتَکُونُوا مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ (9)

یوسف را بکشید؛ یا او را به سرزمین دوردستی بیفکنید؛ تا توجه پدر، فقط به شما باشد؛ و بعد از آن، (از گناه خود توبه می کنید؛ و) افراد صالحی خواهید بود! (9)

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِی غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَهِ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (10)

یکی از آنها گفت: «یوسف را نکشید! و اگر می خواهید کاری انجام دهید، او را در نهانگاه چاه بیفکنید؛ تا بعضی از قافله ها او را برگیرند (و با خود به مکان دوری ببرند)!» (10)

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَکَ لَا تَأْمَنَّا عَلَی يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ (11)

(و برای انجام این کار، برادران نزد پدر آمدند و) گفتند: «پدرجان! چرا تو درباره (برادرمان) یوسف، به ما اطمینان نمی کنی؟! در حالی که ما خیرخواه او هستیم! (11)

أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (12)

فردا او را با ما (به خارج شهر) بفرست، تا غذای کافی بخورد و تفریح کند؛ و ما نگهبان او هستیم!» (12)

قَالَ إِنِّی لَيَحْزُنُنِی أَن تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ (13)

(پدر) گفت: «من از بردن او غمگین می شوم؛ و از این می ترسم که گرگ او را بخورد، و شما از او غافل باشید!» (13)

قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَهٌ إِنَّا إِذًا لَّخَاسِرُونَ (14)

گفتند: «با اینکه ما گروه نیرومندی هستیم، اگر گرگ او را بخورد، ما از زیانکاران خواهیم بود (و هرگز چنین چیزی) ممکن نیست!)» (14)

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِی غَيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (15)

هنگامی که او را با خود بردند، و تصمیم گرفتند وی را در مخفی گاه چاه قرار دهند، (سرانجام مقصد خود را عملی ساختند؛) و به او وحی فرستادیم که آنها را در آینده از این کارشان با خبر خواهی ساخت؛ در حالی که آنها نمی دانند! (15)

وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ (16)

(برادران یوسف) شب هنگام، گریان به سراغ پدر آمدند. (16)

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ (17)

گفتند: «ای پدر! ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم، و یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم؛ و گرگ او را خورد! تو هرگز سخن ما را باور نخواهی کرد، هر چند راستگو باشیم!» (17)

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (18)

و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند؛ گفت: «هوسهای نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل (و شکیبائی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت؛ و در برابر آنچه می گویید، از خداوند یاری می طلبم!» (18)

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (19)

و (در همین حال) کاروانی فرا رسید؛ و مأمور آب را (به سراغ آب) فرستادند؛ او دلو خود را در چاه افکند؛ (ناگهان) صدا زد: «مژده باد! این کودکی است (زیبا و دوست داشتنی!)» و این امر را بعنوان یک سرمایه از دیگران مخفی داشتند. و خداوند به آنچه آنها انجام می دادند، آگاه بود. (19)

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَهٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ (20)

و (سرانجام،) او را به بهای کمی -چند درهم- فروختند؛ و نسبت به (فروختن) او، بی رغبت بودند (؛ چرا که می ترسیدند رازشان فاش شود). (20)

وَقَالَ الَّذِی اشْتَرَاهُ مِن مِّصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِی مَثْوَاهُ عَسَی أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِی الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَی أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (21)

و آن کس که او را از سرزمین مصر خرید [= عزیز مصر]، به همسرش گفت: «مقام وی را گرامی دار، شاید برای ما سودمند باشد؛ و یا او را بعنوان فرزند انتخاب کنیم!» و اینچنین یوسف را در آن سرزمین متمکّن ساختیم! (ما این کار را کردیم، تا او را بزرگ داریم؛ و) از علم تعبیر خواب به او بیاموزیم؛ خداوند بر کار خود پیروز است، ولی بیشتر مردم نمی دانند! (21)

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِينَ (22)

و هنگامی که به بلوغ و قوّت رسید، ما «حکم» [= نبوّت] و «علم» به او دادیم؛ و اینچنین نیکوکاران را پاداش می دهیم! (22)

وَرَاوَدَتْهُ الَّتِی هُوَ فِی بَیْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَیْتَ لَکَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّی أَحْسَنَ مَثْوَایَ إِنَّهُ لَا یُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (23)

و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنّای کامجویی کرد؛ درها را بست و گفت: «بیا (بسوی آنچه برای تو مهیاست!)» (یوسف) گفت: «پناه می برم به خدا! او [= عزیز مصر] صاحب نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟!) مسلّماً ظالمان رستگار نمی شوند!» (23)

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَن رَّأَی بُرْهَانَ رَبِّهِ کَذَلِکَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِینَ (24)

آن زن قصد او کرد؛ و او نیز -اگر برهان پروردگار را نمی دید- قصد وی می نمود! اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود! (24)

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِیصَهُ مِن دُبُرٍ وَأَلْفَیَا سَیِّدَهَا لَدَی الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِکَ سُوءًا إِلَّا أَن یُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِیمٌ (25)

و هر دو به سوی در، دویدند (در حالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می کرد)؛ و پیراهن او را از پشت (کشید و) پاره کرد. و در این هنگام، آقای آن زن را دم در یافتند! آن زن گفت: «کیفر کسی که بخواهد نسبت به اهل تو خیانت کند، جز زندان و یا عذاب دردناک، چه خواهد بود؟!» (25)

قَالَ هِیَ رَاوَدَتْنِی عَن نَّفْسِی وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِن کَانَ قَمِیصُهُ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْکَاذِبِینَ (26)

(یوسف) گفت: «او مرا با اصرار به سوی خود دعوت کرد!» و در این هنگام، شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد که: «اگر پیراهن او از پیش رو پاره شده، آن آن راست می گوید، و او از دروغگویان است. (26)

وَإِن کَانَ قَمِیصُهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَکَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِینَ (27)

و اگر پیراهنش از پشت پاره شده، آن زن دروغ می گوید، و او از راستگویان است.» (27)

فَلَمَّا رَأی قَمِیصَهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِن کَیْدِکُنَّ إِنَّ کَیْدَکُنَّ عَظِیمٌ (28)

هنگامی که (عزیز مصر) دید پیراهن او [= یوسف] از پشت پاره شده، گفت: «این از مکر و حیله شما زنان است؛ که مکر و حیله شما زنان، عظیم است! (28)

یُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِی لِذَنبِکِ إِنَّکِ کُنتِ مِنَ الْخَاطِئِینَ (29)

یوسف از این موضوع، صرف نظر کن! و تو ای زن نیز از گناهت استغفار کن، که از خطاکاران بودی!» (29)

وَقَالَ نِسْوَهٌ فِی الْمَدِینَهِ امْرَأَتُ الْعَزِیزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ (30)

(این جریان در شهر منعکس شد؛) گروهی از زنان شهر گفتند: «همسر عزیز، جوانش [= غلامش] را بسوی خود دعوت می کند! عشق این جوان، در اعماق قلبش نفوذ کرده، ما او را در گمراهی آشکاری می بینیم!» (30)

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (31)

هنگامی که (همسر عزیز) از فکر آنها باخبر شد، به سراغشان فرستاد (و از آنها دعوت کرد)؛ و برای آنها پشتی (گرانبها، و مجلس باشکوهی) فراهم ساخت؛ و به دست هر کدام، چاقویی (برای بریدن میوه) داد؛ و در این موقع (به یوسف) گفت: «وارد مجلس آنان شو!» هنگامی که چشمشان به او افتاد، او را بسیار بزرگ (و زیبا) شمردند؛ و (بی توجه) دستهای خود را بریدند؛ و گفتند: «منزّه است خدا! این بشر نیست؛ این یک فرشته بزرگوار است!» (31)

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِينَ (32)

(همسر عزیز) گفت: «این همان کسی است که بخاطر (عشق) او مرا سرزنش کردید! (آری،) من او را به خویشتن دعوت کردم؛ و او خودداری کرد! و اگر آنچه را دستور می دهم انجام ندهد، به زندان خواهد افتاد؛ و مسلّماً خوار و ذلیل خواهد شد!» (32)

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ (33)

(یوسف) گفت: «پروردگارا! زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا بسوی آن می خوانند! و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، بسوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود!» (33)

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (34)

پروردگارش دعای او را اجابت کرد؛ و مکر آنان را از او بگردانید؛ چرا که او شنوا و داناست! (34)

ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّن بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّى حِينٍ (35)

و بعد از آنکه نشانه های (پاکی یوسف) را دیدند، تصمیم گرفتند او را تا مدّتی زندانی کنند! (35)

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّی أَرَانِی أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّی أَرَانِی أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِی خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (36)

و دو جوان، همراه او وارد زندان شدند؛ یکی از آن دو گفت: «من در خواب دیدم که (انگور برای) شراب می فشارم!» و دیگری گفت: «من در خواب دیدم که نان بر سرم حمل می کنم؛ و پرندگان از آن می خورند؛ ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می بینیم.» (36)

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَن يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِی رَبِّی إِنِّی تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (37)

(یوسف) گفت: «پیش از آنکه جیره غذایی شما فرا رسد، شما را از تعبیر خوابتان آگاه خواهم ساخت. این، از دانشی است که پروردگارم به من آموخته است. من آیین قومی را که به خدا ایمان ندارند، و به سرای دیگر کافرند، ترک گفتم (و شایسته چنین موهبتی شدم)! (37)

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِی إِبْرَاهِیمَ وَإِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ مَا کَانَ لَنَا أَن نُّشْرِکَ بِاللَّهِ مِن شَیْءٍ ذَلِکَ مِن فَضْلِ اللَّهِ عَلَیْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَشْکُرُونَ (38)

من از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردم! برای ما شایسته نبود چیزی را همتای خدا قرار دهیم؛ این از فضل خدا بر ما و بر مردم است؛ ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی کنند! (38)

یَا صَاحِبَیِ السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَیْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (39)

ای دوستان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟! (39)

مَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَّیْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُکُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ إِنِ الْحُکْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِیَّاهُ ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ (40)

این معبودهایی که غیر از خدا می پرستید، چیزی جز اسمهائی (بی مسمّا) که شما و پدرانتان آنها را خدا نامیده اید، نیست؛ خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده؛ حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (40)

یَا صَاحِبَیِ السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُکُمَا فَیَسْقِی رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَیُصْلَبُ فَتَأْکُلُ الطَّیْرُ مِن رَّأْسِهِ قُضِیَ الْأَمْرُ الَّذِی فِیهِ تَسْتَفْتِیَانِ (41)

ای دوستان زندانی من! امّا یکی از شما (دو نفر، آزاد می شود؛ و) ساقی شراب برای صاحب خود خواهد شد؛ و امّا دیگری به دار آویخته می شود؛ و پرندگان از سر او می خورند! و مطلبی که درباره آن (از من) نظر خواستید، قطعی و حتمی است!» (41)

وَقَالَ لِلَّذِی ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْکُرْنِی عِندَ رَبِّکَ فَأَنسَاهُ الشَّیْطَانُ ذِکْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِی السِّجْنِ بِضْعَ سِنِینَ (42)

و به آن یکی از آن دو نفر، که می دانست رهایی می یابد، گفت: «مرا نزد صاحبت [= سلطان مصر] یادآوری کن!» ولی شیطان یادآوری او را نزد

صاحبش از خاطر وی برد؛ و بدنبال آن، (یوسف) چند سال در زندان باقی ماند. (42)

وَقَالَ الْمَلِکُ إِنِّی أَرَی سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ یَأْکُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ یَابِسَاتٍ یَا أَیُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِی فِی رُؤْیَایَ إِن کُنتُمْ لِلرُّؤْیَا تَعْبُرُونَ (43)

پادشاه گفت: «من در خواب دیدم هفت گاو چاق را که هفت گاو لاغر آنها را می خورند؛ و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشکیده؛ (که خشکیده ها بر سبزها پیچیدند؛ و آنها را از بین بردند.) ای جمعیّت اشراف! درباره خواب من نظر دهید، اگر خواب را تعبیر می کنید!» (43)

قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ (44)

گفتند: «خوابهای پریشان و پراکنده ای است؛ و ما از تعبیر این گونه خوابها آگاه نیستیم !» (44)

وَقَالَ الَّذِی نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّهٍ أَنَا أُنَبِّئُكُم بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ (45)

و یکی از آن دو که نجات یافته بود -و بعد از مدّتی به خاطرش آمد- گفت: «من تأویل آن را به شما خبر می دهم؛ مرا (به سراغ آن جوان زندانی) بفرستید !» (45)

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِی سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَّعَلِّی أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ (46)

(او به زندان آمد، و چنین گفت:) یوسف، ای مرد بسیار راستگو! درباره این خواب اظهار نظر کن که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر می خورند؛ و هفت خوشه تر، و هفت خوشه خشکیده؛ تا من بسوی مردم بازگردم، شاید (از تعبیر این خواب) آگاه شوند ! (46)

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِی سُنبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ (47)

گفت: «هفت سال با جدیّت زراعت می کنید؛ و آنچه را درو کردید، جز کمی که می خورید، در خوشه های خود باقی بگذارید (و ذخیره نمایید). (47)

ثُمَّ يَأْتِی مِن بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ (48)

پس از آن، هفت سال سخت (و خشکی و قحطی) می آید، که آنچه را برای آن سالها ذخیره کرده اید، می خورند؛ جز کمی که (برای بذر) ذخیره خواهید کرد. (48)

ثُمَّ يَأْتِی مِن بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ (49)

سپس سالی فرامی رسد که باران فراوان نصیب مردم می شود؛ و در آن سال، مردم عصاره (میوه ها و دانه های روغنی را) می گیرند (و سال پر

برکتی است.)» (49)

وَقَالَ الْمَلِکُ ائْتُونِی بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَی رَبِّکَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَهِ اللَّاتِی قَطَّعْنَ أَیْدِیَهُنَّ إِنَّ رَبِّی بِکَیْدِهِنَّ عَلِیمٌ (50)

پادشاه گفت: «او را نزد من آورید!» ولی هنگامی که فرستاده او نزد وی [= یوسف] آمد گفت: «به سوی صاحبت بازگرد، و از او بپرس ماجرای زنانی که دستهای خود را بریدند چه بود؟ که خدای من به نیرنگ آنها آگاه است.» (50)

قَالَ مَا خَطْبُکُنَّ إِذْ رَاوَدتُّنَّ یُوسُفَ عَن نَّفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَیْهِ مِن سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِیزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِینَ (51)

(پادشاه آن زنان را طلبید و) گفت: «به هنگامی که یوسف را به سوی خویش دعوت کردید، جریان کار شما چه بود؟» گفتند: «منزّه است خدا، ما هیچ عیبی در او نیافتیم!» (در این هنگام) همسر عزیز گفت: «الآن حق آشکار گشت! من بودم که او را به سوی خود دعوت کردم؛ و او از راستگویان است! (51)

ذَلِکَ لِیَعْلَمَ أَنِّی لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَیْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا یَهْدِی کَیْدَ الْخَائِنِینَ (52)

این سخن را بخاطر آن گفتم تا بداند من در غیاب به او خیانت نکردم؛ و خداوند مکر خائنان را هدایت نمی کند! (52)

وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِی إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّی إِنَّ رَبِّی غَفُورٌ رَّحِیمٌ (53)

من هرگز خودم را تبرئه نمی کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر می کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! پروردگارم آمرزنده و مهربان است.» (53)

وَقَالَ الْمَلِکُ ائْتُونِی بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِی فَلَمَّا کَلَّمَهُ قَالَ إِنَّکَ الْیَوْمَ لَدَیْنَا مَکِینٌ أَمِینٌ (54)

پادشاه گفت: «او [= یوسف] را نزد من آورید، تا وی را مخصوص خود گردانم!» هنگامی که (یوسف نزد وی آمد و) با او صحبت کرد، (پادشاه به عقل و درایت او پی برد؛ و) گفت: «تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و مورد اعتماد هستی!» (54)

قَالَ اجْعَلْنِی عَلَی خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّی حَفِیظٌ عَلِیمٌ (55)

(یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» (55)

وَکَذَلِکَ مَکَّنَّا لِیُوسُفَ فِی الْأَرْضِ یَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَیْثُ یَشَاءُ نُصِیبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاءُ وَلَا نُضِیعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِینَ (56)

و این گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم، که هر جا می خواست در آن منزل می گزید (و تصرّف می کرد)! ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم (و شایسته بدانیم) میبخشیم؛ و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم! (56)

وَلَأَجْرُ الْآخِرَهِ خَیْرٌ لِّلَّذِینَ آمَنُوا وَکَانُوا یَتَّقُونَ (57)

(امّا) پاداش آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری داشتند، بهتر است! (57)

وَجَاءَ إِخْوَهُ یُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَیْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنکِرُونَ (58)

(سرزمین کنعان را قحطی فرا گرفت؛) برادران یوسف (در پی موادّ غذایی به مصر) آمدند؛ و بر او وارد شدند. او آنان را شناخت؛ ولی آنها او را نشناختند. (58)

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِی بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّی أُوفِی الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنزِلِينَ (59)

و هنگامی که (یوسف) بارهای آنان را آماده ساخت، گفت: «(نوبت آینده) آن برادری را که از پدر دارید، نزد من آورید! آیا نمی بینید من حق پیمانه را ادا می کنم، و من بهترین میزبانان هستم؟! (59)

فَإِن لَّمْ تَأْتُونِی بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِندِی وَلَا تَقْرَبُونِ (60)

و اگر او را نزد من نیاورید، نه کیل (و پیمانه ای از غلّه) نزد من خواهید داشت؛ و نه (اصلاً) به من نزدیک شوید!» (60)

قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ (61)

گفتند: «ما با پدرش گفتگو خواهیم کرد؛ (و سعی می کنیم موافقتش را جلب نمائیم؛) و ما این کار را خواهیم کرد!» (61)

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِی رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (62)

(سپس) به کارگزاران خود گفت: «آنچه را بعنوان قیمت پرداخته اند، در بارهایشان بگذارید! شاید پس از بازگشت به خانواده خویش، آن را بشناسند؛ و شاید برگردند!» (62)

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَى أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (63)

هنگامی که به سوی پدرشان بازگشتند، گفتند: «ای پدر! دستور داده شده که (بدون حضور برادرمان بنیامین) پیمانه ای (از غلّه) به ما ندهند؛ پس برادرمان را با ما بفرست، تا سهمی (از غلّه) دریافت داریم؛ و ما او را محافظت خواهیم کرد!» (63)

قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنتُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِن قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (64)

گفت: «آیا نسبت به او به شما اطمینان کنم همان گونه که نسبت به برادرش (یوسف) اطمینان کردم (و دیدید چه شد)؟! و (در هر حال،) خداوند بهترین حافظ، و مهربانترین مهربانان است» (64)

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ (65)

و هنگامی که متاع خود را گشودند، دیدند سرمایه آنها به آنها بازگردانده شده! گفتند: «پدر! ما دیگر چه میخواهیم؟! این سرمایه ماست که به ما باز پس گردانده شده است! (پس چه بهتر که برادر را با ما بفرستی؛) و ما برای خانواده خویش موادّ غذایی می آوریم؛ و برادرمان را حفظ خواهیم کرد؛ و یک بار شتر زیادتر دریافت خواهیم داشت؛ این پیمانه (بار) کوچکی است!» (65)

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (66)

گفت: «من هرگز او را با شما نخواهم فرستاد، تا پیمان مؤکّد الهی بدهید که او را حتماً نزد من خواهید آورد! مگر اینکه (بر اثر مرگ یا علّت دیگر،) قدرت از شما سلب گردد. و هنگامی که آنها پیمان استوار خود را در اختیار او گذاردند، گفت: «خداوند، نسبت به آنچه می گوییم، ناظر و نگهبان است!» (66)

وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنكُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (67)

و (هنگامی که می خواستند حرکت کنند، یعقوب) گفت: «فرزندان من! از یک در وارد نشوید؛ بلکه از درهای متفرّق وارد گردید (تا توجه مردم به سوی شما جلب نشود)! و (من با این دستور،) نمی توانم حادثه ای را که از سوی خدا حتمی است، از شما دفع کنم! حکم و فرمان، تنها از آنِ خداست! بر او توکّل کرده ام؛ و همه متوکّلان باید بر او توکّل کنند!» (67)

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِى عَنْهُم مِّنَ اللّهِ مِن شَىْءٍ إِلّا حَاجَةً فِى نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (68)

و هنگامی که از همان طریق که پدر به آنها دستور داده بود وارد شدند، این کار هیچ حادثه حتمی الهی را نمی توانست از آنها دور سازد، جز حاجتی در دل یعقوب (که از این طریق) انجام شد (و خاطرش آرام گرفت)؛ و او به خاطر تعلیمی که ما به او دادیم، علم فراوانی داشت؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (68)

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّى أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (69)

هنگامی که (برادران) بر یوسف وارد شدند، برادرش را نزد خود جای داد و گفت: «من برادر تو هستم، از آنچه آنها انجام می دادند، غمگین و ناراحت نباش!» (69)

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِی رَحْلِ أَخِیهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَیَّتُهَا الْعِیرُ إِنَّکُمْ لَسَارِقُونَ (70)

و هنگامی که (مأمور یوسف) بارهای آنها را بست، ظرف آبخوری پادشاه را در بارِ برادرش گذاشت؛ سپس کسی صدا زد؛ «ای اهل قافله، شما دزد هستید!» (70)

قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَیْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ (71)

آنها رو به سوی او کردند و گفتند: «چه چیز گم کرده اید؟» (71)

قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِکِ وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِیرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِیمٌ (72)

گفتند: «پیمانه پادشاه را! و هر کس آن را بیاورد، یک بار شتر (غلّه) به او داده می شود؛ و من ضامن این (پاداش) هستم!» (72)

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِی الْأَرْضِ وَمَا کُنَّا سَارِقِینَ (73)

گفتند: «به خدا سوگند شما می دانید ما نیامده ایم که در این سرزمین فساد کنیم؛ و ما (هرگز) دزد نبوده ایم!» (73)

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِن کُنتُمْ کَاذِبِینَ (74)

آنها گفتند: «اگر دروغگو باشید، کیفرش چیست؟» (74)

قَالُوا جَزَاؤُهُ مَن وُجِدَ فِی رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ کَذَلِکَ نَجْزِی الظَّالِمِینَ (75)

گفتند: «هر کس (آن پیمانه) در بارِ او پیدا شود، خودش کیفر آن خواهد بود؛ (و بخاطر این کار، برده شما خواهد شد؛) ما این گونه ستمگران را کیفر می دهیم!» (75)

فَبَدَأَ بِأَوْعِیَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِیهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَاءِ أَخِیهِ کَذَلِکَ کِدْنَا لِیُوسُفَ مَا کَانَ لِیَأْخُذَ أَخَاهُ فِی دِینِ الْمَلِکِ إِلَّا أَن یَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ وَفَوْقَ کُلِّ ذِی عِلْمٍ عَلِیمٌ (76)

در این هنگام، (یوسف) قبل از بار برادرش، به کاوش بارهای آنها پرداخت؛ سپس آن را از بارِ برادرش بیرون آورد؛ این گونه راه چاره را به یوسف یاد

دادیم! او هرگز نمی توانست برادرش را مطابق آیین پادشاه (مصر) بگیرد، مگر آنکه خدا بخواهد! درجات هر کس را بخواهیم بالا می بریم؛ و برتر از هر صاحب علمی، عالمی است! (76)

قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِن قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِى نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (77)

(برادران) گفتند: «اگر او [بنیامین] دزدی کند، (جای تعجب نیست؛) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد» یوسف (سخت ناراحت شد، و) این (ناراحتی) را در درون خود پنهان داشت، و برای آنها آشکار نکرد؛ (همین اندازه) گفت: «شما (از دیدگاه من،) از نظر منزلت بدّترین مردمید! و خدا از آنچه توصیف می کنید، آگاهتر است!» (77)

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (78)

گفتند: «ای عزیز! او پدر پیری دارد (که سخت ناراحت می شود)؛ یکی از ما را به جای او بگیر؛ ما تو را از نیکوکاران می بینیم!» (78)

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِندَهُ إِنَّا إِذًا لَّظَالِمُونَ (79)

گفت: «پناه بر خدا که ما غیر از آن کس که متاع خود را نزد او یافته ایم بگیریم؛ در آن صورت، از ظالمان خواهیم بود!» (79)

فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُم مَّوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطتُمْ فِى يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِى أَبِى أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِى وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (80)

هنگامی که (برادران) از او مأیوس شدند، به کناری رفتند و با هم به نجوا پرداختند؛ (برادر) بزرگشان گفت: «آیا نمی دانید پدرتان از شما پیمان الهی گرفته؛ و پیش از این درباره یوسف کوتاهی کردید؟! من از این سرزمین حرکت نمی کنم، تا پدرم به من اجازه دهد؛ یا خدا درباره من داوری کند، که او بهترین حکم کنندگان است!(80)

ارْجِعُوا إِلَى أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ (81)

شما به سوی پدرتان بازگردید و بگویید: پدر (جان)، پسرت دزدی کرد! و ما جز به آنچه می دانستیم گواهی ندادیم؛ و ما از غیب آگاه نبودیم!(81)

وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِى كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِى أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (82)

(و اگر اطمینان نداری،) از آن شهر که در آن بودیم سؤال کن، و نیز از آن قافله که با آن آمدیم (بپرس)! و ما (در گفتار خود) صادق هستیم!» (82)

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَن يَأْتِيَنِى بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (83)

(یعقوب) گفت: «(هوای) نفس شما، مسأله را چنین در نظرتان آراسته است! من صبر می کنم، صبری زیبا (و خالی از کفران)! امیدوارم خداوند همه آنها را به من بازگرداند؛ چرا که او دانا و حکیم است!(83)

وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ (84)

و از آنها روی برگرداند و گفت: «وا اسفا بر یوسف!» و چشمان او از اندوه سفید شد، اما خشم خود را فرو می برد (و هرگز کفران نمی کرد)! (84)

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ (85)

گفتند: «به خدا تو آنقدر یاد یوسف می کنی تا در آستانه مرگ قرار گیری، یا هلاک گردی!» (85)

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّی وَحُزْنِی إِلَی اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (86)

گفت: «من غم و اندوهم را تنها به خدا می گویم (و شکایت نزد او می برم)! و از خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید! (86)

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (87)

پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید؛ و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می شوند!» (87)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ (88)

هنگامی که آنها بر او [= یوسف] وارد شدند، گفتند: «ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فرا گرفته، و متاع کمی (برای خرید موادّ غذایی) با خود آورده ایم؛ پیمانه را برای ما کامل کن؛ و بر ما تصدّق و بخشش نما، که خداوند بخشندگان را پاداش می دهد!» (88)

قَالَ هَلْ عَلِمْتُم مَّا فَعَلْتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنتُمْ جَاهِلُونَ (89)

گفت: «آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید، آنگاه که جاهل بودید؟!» (89)

قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (90)

گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: «(آری،) من یوسفم، و این برادر من است! خداوند بر ما منّت گذارد؛ هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می شود؛) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند!» (90)

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَاطِئِينَ (91)

گفتند: «به خدا سوگند، خداوند تو را بر ما برتری بخشیده؛ و ما خطاکار بودیم!» (91)

قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (92)

(یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می بخشد؛ و او مهربانترین مهربانان است!» (92)

اذْهَبُوا بِقَمِيصِی هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَی وَجْهِ أَبِی يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِی بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ (93)

این پیراهن مرا ببرید، و بر صورت پدرم بیندازید، بینا می شود! و همه نزدیکان خود را نزد من بیاورید!» (93)

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّی لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَن تُفَنِّدُونِ (94)

هنگامی که کاروان (از سرزمین مصر) جدا شد، پدرشان [= یعقوب] گفت: «من بوی یوسف را احساس می کنم، اگر مرا به نادانی و کم عقلی نسبت ندهید!» (94)

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِی ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ (95)

گفتند: «به خدا تو در همان گمراهی سابقت هستی!» (95)

فَلَمَّا أَن جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّى أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (96)

امّا هنگامی که بشارت دهنده فرا رسید، آن (پیراهن) را بر صورت او افکند؛ ناگهان بینا شد! گفت: «آیا به شما نگفتم من از خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید؟!» (96)

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ (97)

گفتند: «پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه، که ما خطاکار بودیم!» (97)

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّى إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (98)

گفت: «بزودی برای شما از پروردگارم آمرزش می طلبم، که او آمرزنده و مهربان است!» (98)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ (99)

و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت، و گفت: «همگی داخل مصر شوید، که انشاء الله در امن و امان خواهید بود!» (99)

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَاىَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّى حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِى إِذْ أَخْرَجَنِى مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَن نَّزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِى وَبَيْنَ إِخْوَتِى إِنَّ رَبِّى لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (100)

و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند؛ و همگی بخاطر او به سجده افتادند؛ و گفت: «پدر! این تعبیر خوابی است که قبلاً دیدم؛ پروردگارم آن را حقّ قرار داد! و او به من نیکی کرد هنگامی که مرا از زندان بیرون آورد، و شما را از آن بیابان (به اینجا) آورد بعد از آنکه شیطان، میان من و برادرانم فساد کرد. پروردگارم نسبت به آنچه می خواهد (و شایسته می داند،) صاحب لطف است؛ چرا که او دانا و حکیم است!» (100)

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِی مِنَ الْمُلْکِ وَعَلَّمْتَنِی مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنتَ وَلِيِّی فِی الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ تَوَفَّنِی مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِينَ (101)

پروردگارا! بخشی (عظیم) از حکومت به من بخشیدی، و مرا از علم تعبیر خوابها آگاه ساختی! ای آفریننده آسمانها و زمین! تو ولیّ و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران؛ و به صالحان ملحق فرما!» (101)

ذَلِکَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْکَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ (102)

این از خبرهای غیب است که به تو وحی می فرستیم! تو (هرگز) نزد آنها نبودی هنگامی که تصمیم می گرفتند و نقشه می کشیدند! (102)

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ (103)

و بیشتر مردم، هر چند اصرار داشته باشی، ایمان نمی آورند! (103)

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (104)

و تو (هرگز) از آنها پاداشی نمی طلبی؛ آن نیست مگر تذکّری برای جهانیان! (104)

وَكَأَيِّن مِّنْ آيَةٍ فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ (105)

و چه بسیار نشانه ای (از خدا) در آسمانها و زمین که آنها از کنارش می گذرند، و از آن رویگردانند! (105)

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِاللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ (106)

و بیشتر آنها که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرکند! (106)

أَفَأَمِنُوا أَن تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (107)

آیا ایمن از آنند که عذاب فراگیری از سوی خدا به سراغ آنان بیاید، یا ساعت رستاخیز ناگهان فرارسد، در حالی که متوجّه نیستند؟! (107)

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِى أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِى وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (108)

بگو: «این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم! منزّه است خدا! و من از مشرکان نیستم!» (108)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِى إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِى الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ (109)

و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادیها که به آنها وحی می کردیم! آیا (مخالفان دعوت تو،) در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا فکر نمی کنید؟! (109)

حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مَن نَّشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (110)

(پیامبران به دعوت خود، و دشمنان آنها به مخالفت خود همچنان ادامه دادند) تا آنگاه که رسولان مأیوس شدند، و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است؛ در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد؛ آنان را که خواستیم نجات یافتند؛ و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده نمی شود! (110)

لَقَدْ كَانَ فِى قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُوْلِى الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَىْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (111)

در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! اینها داستان دروغین نبود؛ بلکه (وحی آسمانی است، و) هماهنگ است با آنچه پیش روی او (از کتب آسمانی پیشین) قرار دارد؛ و شرح هر چیزی (که پایه سعادت انسان است)؛ و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می آورند! (111)

سوره الرعد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ المر تِلْکَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِی أُنزِلَ إِلَيْکَ مِن رَّبِّکَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (1)

المر، اينها آيات كتاب (آسمانى) است؛ و آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حقّ است؛ ولى بيشتر مردم ايمان نمى آورند! (1)

اللَّهُ الَّذِی رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِی لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُم بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (2)

خدا همان كسى است كه آسمانها را، بدون ستونهايى كه براى شما ديدنى باشد، برافراشت، سپس بر عرش استيلا يافت (و زمام تدبير جهان را در كف قدرت گرفت)؛ و خورشيد و ماه را مسخّر ساخت، كه هر كدام تا زمان معينى حركت دارند! كارها را او تدبير مى كند؛ آيات را (براى شما) تشريح مى نمايد؛ شايد به لقاى پروردگارتان يقين پيدا كنيد! (2)

وَهُوَ الَّذِی مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِیَ وَأَنْهَارًا وَمِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِی اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (3)

و او كسى است كه زمين را گسترد؛ و در آن كوه ها و نهرهايى قرار داد؛ و در آن از تمام ميوه ها دو جفت آفريد؛ (پرده سياه) شب را بر روز مى پوشاند؛ در اينها آياتى است براى گروهى كه تفكر مى كنند! (3)

وَفِی الْأَرْضِ قِطَعٌ مُّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِی الْأُكُلِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (4)

و در روى زمين، قطعاتى در كنار هم قرار دارد كه با هم متفاوتند؛ و (نيز) باغهايى از انگور و زراعت و نخلها، (و درختان ميوه گوناگون) كه گاه بر يک پايه مى رويند و گاه بر دو پايه؛ (و عجيب تر آنكه) همه آنها از يک آب سيراب مى شوند! و با اين حال، بعضى از آنها را از جهت ميوه بر ديگرى برترى مى دهيم؛ در اينها نشانه هايى است براى گروهى كه عقل خويش را به كار مى گيرند! (4)

وَإِن تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلَهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَإِنَّا لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ أُولَئِکَ الَّذِینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِکَ الْأَغْلَالُ فِی أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (5)

و اگر (از چیزی) تعجب می کنی، عجیب گفتار آنهاست که می گویند: «آیا هنگامی که ما خاک شدیم، (بار دیگر زنده می شویم و) به خلقت جدیدی بازمی گردیم؟ !» آنها کسانی هستند که به پروردگارشان کافر شده اند؛ و آنان غل و زنجیرها در گردنشان است؛ و آنها اهل دوزخند، و جاودانه در آن خواهند ماند ! (5)

وَيَسْتَعْجِلُونَکَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِمُ الْمَثُلَاتُ وَإِنَّ رَبَّکَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّکَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ (6)

آنها پیش از حسنه (و رحمت)، از تو تقاضای شتاب در سیّئه (و عذاب) می کنند؛ با اینکه پیش از آنها بلاهای عبرت انگیز نازل شده است! و پروردگار تو نسبت به مردم -با اینکه ظلم می کنند- دارای مغفرت است؛ و (در عین حال،) پروردگارت دارای عذاب شدید است! (6)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (7)

کسانی که کافر شدند می گویند: «چرا آیه (و معجزه ای) از پروردگارش بر او نازل نشده؟!» تو فقط بیم دهنده ای! و برای هر گروهی هدایت کننده ای است (؛ و اینها همه بهانه است، نه برای جستجوی حقیقت)! (7)

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنثَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِندَهُ بِمِقْدَارٍ (8)

خدا از جنین هایی که هر (انسان یا حیوان) مادّه ای حمل می کند آگاه است؛ و نیز از آنچه رحمها کم می کنند (و پیش از موعد مقرّر می زایند)، و هم از آنچه افزون می کنند (و بعد از موقع میزایند)؛ و هر چیز نزد او مقدار معینی دارد. (8)

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ (9)

او از غیب و شهود آگاه، و بزرگ و متعالی است! (9)

سَوَاءٌ مِّنكُم مَّنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَن جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ (10)

برای او یکسان است کسانی از شما که پنهانی سخن بگویند، یا آن را آشکار سازند؛ و کسانی که شبانگاه مخفیانه حرکت می کنند، یا در روشنایی روز. (10)

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُم

مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ (11)

برای انسان، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رو، و از پشت سرش او را از فرمان خدا [= حوادث غیر حتمی] حفظ می کنند؛ (امّا) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی (بخاطر اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ و جز خدا، سرپرستی نخواهند داشت! (11)

هُوَ الَّذِی یُرِیکُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَیُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ (12)

او کسی است که برق را به شما نشان می دهد، که هم مایه ترس است و هم مایه امید؛ و ابرهای سنگین بار ایجاد می کند! (12)

وَیُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِکَهُ مِنْ خِیفَتِهِ وَیُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَیُصِیبُ بِهَا مَن یَشَاءُ وَهُمْ یُجَادِلُونَ فِی اللَّهِ وَهُوَ شَدِیدُ الْمِحَالِ (13)

و رعد، تسبیح و حمد او می گوید؛ و (نیز) فرشتگان از ترس او! و صاعقه ها را می فرستد؛ و هر کس را بخواهد گرفتار آن می سازد، (در حالی که آنها با مشاهده این همه آیات الهی، باز هم) درباره خدا به مجادله مشغولند! و او قدرتی بی انتها (و مجازاتی دردناک) دارد! (13)

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُم بِشَىْءٍ إِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِى ضَلَالٍ (14)

دعوت حق از آن اوست! و کسانی را که (مشرکان) غیر از خدا می خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی گویند! آنها همچون کسی هستند که کفهای (دست) خود را به سوی آب می گشاید تا آب به دهانش برسد، و هرگز نخواهد رسید! و دعای کافران، جز در ضلال (و گمراهی) نیست! (14)

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (15)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند -از روی اطاعت یا اکراه- و همچنین سایه هایشان، هر صبح و عصر برای خدا سجده می کنند. (15)

قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُم مِّن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِى الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِى الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَىْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (16)

بگو: «چه کسی پروردگار آسمانها و زمین است؟» بگو: «اللّه!» (سپس) بگو: «آیا اولیا (و خدایانی) غیر از او برای خود برگزیده اید که (حتّی) مالک سود و زیان خود نیستند (تا چه رسد به شما؟!)» بگو: «آیا نابینا و بینا یکسانند؟! یا ظلمتها و نور برابرند؟! آیا آنها همتایانی برای خدا قرار دادند بخاطر اینکه آنان همانند خدا آفرینشی داشتند، و این آفرینشها بر آنها مشتبه شده است؟!» بگو: «خدا خالق همه چیز است؛ و اوست یکتا و پیروز!» (16)

أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِى النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِى الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (17)

خداوند از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر درّه و رودخانه ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد؛ و از آنچه (در کوره ها،) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می کنند نیز کفهایی مانند آن به وجود می آید -خداوند، حق و باطل

را چنین مثل می زند!- امّا کفها به بیرون پرتاب می شوند، ولی آنچه به مردم سود می رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می ماند؛ خداوند اینچنین مثال می زند! (17)

لِلَّذِینَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَى وَالَّذِینَ لَمْ یَسْتَجِیبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَئِکَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (18)

برای آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند، (سرانجام و) نتیجه نیکوتر است؛ و کسانی که دعوت او را اجابت نکردند، (آنچنان در وحشت عذاب الهی فرو می روند، که) اگر تمام آنچه روی زمین است، و همانندش، از آن آنها باشد، همه را برای رهایی از عذاب می دهند! (ولی از آنها پذیرفته نخواهد شد!) برای آنها حساب بدی است؛ و جایگاهشان جهنم، و چه بد جایگاهی است! (18)

أَفَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْکَ مِن رَّبِّکَ الْحَقُّ کَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَکَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (19)

آیا کسی که می داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابیناست؟! تنها صاحبان اندیشه متذکّر می شوند... (19)

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ الْمِيثَاقَ (20)

آنها که به عهد الهی وفا می کنند، و پیمان را نمی شکنند... (20)

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (21)

و آنها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار میدارند؛ و از پروردگارشان می ترسند؛ و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند... (21)

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِکَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (22)

و آنها که بخاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می کنند؛ و نماز را برپا می دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می کنند؛ و با حسنات، سیئات را از میان می برند؛ پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست... (22)

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِکَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن کُلِّ بَابٍ (23)

(همان) باغهای جاویدان بهشتی که وارد آن می شوند؛ و همچنین پدران و همسران و فرزندان صالح آنها؛ و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می گردند... (23)

سَلَامٌ عَلَيْکُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (24)

(و به آنان می گویند:) سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتتان! چه نیکوست سرانجام آن سرا (ی جاویدان)! (24)

وَالّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللّهُ بِهِ أن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِى الْأَرْضِ أُولَئِکَ لَهُمُ اللَّعْنَهُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (25)

آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می کنند، و در روی زمین فساد می نمایند، لعنت برای آنهاست؛ و بدی (و مجازات) سرای آخرت! (25)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاهُ الدُّنْيَا فِى الْآخِرَهِ إِلَّا مَتَاعٌ (26)

خدا روزی را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) وسیع، برای هر کس بخواهد (و مصلحت بداند،) تنگ قرارمی دهد؛ ولی آنها [= کافران] به زندگی دنیا، شاد (و خوشحال) شدند؛ در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت، متاع ناچیزی است! (26)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَهٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِى إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ (27)

کسانی که کافر شدند می گویند: «چرا آیه (و معجزه) ای از پروردگارش بر او نازل نشده است؟!» بگو: «خداوند هر کس را بخواهد گمراه، و هر کس را که بازگردد، به سوی خودش هدایت می کند! (کمبودی در معجزه ها نیست؛ لجاجت آنها مانع است!)» (27)

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (28)

آنها کسانی هستند که ایمان آورده اند، و دلهایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد! (28)

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ (29)

آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه ترین (زندگی) نصیبشان است؛ و بهترین سرانجامها! (29)

كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ (30)

همان گونه (که پیامبران پیشین را مبعوث کردیم،) تو را به میان امّتی فرستادیم که پیش از آنها امّتهای دیگری آمدند و رفتند، تا آنچه را به تو وحی نموده ایم بر آنان بخوانی، در حالی که به رحمان [= خداوندی که رحمتش همگان را فراگرفته] کفر می ورزند؛ بگو: «او پروردگار من است! معبودی جز او نیست! بر او توکّل کردم؛ و بازگشتم بسوی اوست!» (30)

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَى بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (31)

اگر بوسیله قرآن، کوه ها به حرکت درآیند یا زمینها قطعه قطعه شوند، یا بوسیله آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد!) ولی همه کارها در اختیار خداست! آیا آنها که ایمان آورده اند نمی دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می کند (امّا هدایت اجباری سودی ندارد)! و پیوسته بلاهای کوبنده ای بر کافران بخاطر اعمالشان وارد می شود، و یا بنزدیکی خانه آنها فرود می آید، تا وعده (نهایی) خدا فرا رسد؛ به یقین خداوند در وعد؛ خود تخلّف نمی کند! (31)

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (32)

(تنها تو را استهزا نکردند،) پیامبران پیش از تو را نیز مورد استهزا قرار دادند؛ من به کافران مهلت دادم؛ سپس آنها را گرفتم؛ دیدی مجازات من چگونه بود؟! (32)

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِى الْأَرْضِ أَم بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (33)

آیا کسی که بالای سر همه ایستاده، (و حافظ و نگهبان و مراقب همه است،) و اعمال همه را می بیند (، همچون کسی است که هیچ یک از این صفات را ندارد)؟! آنان برای خدا همتایانی قرار دادند؛ بگو: «آنها را نام ببرید! آیا چیزی را به او خبر می دهید که از وجود آن در روی زمین بی خبر است، یا سخنان ظاهری (و تو خالی) می گویید؟!» (نه، شریکی برای خدا وجود ندارد؛) بلکه در نظر کافران، دروغهایشان زینت داده شده، (و بر اثر ناپاکی درون، چنین می پندارند که واقعیتی دارد؛) و آنها از راه (خدا) بازداشته شده اند؛ و هر کس را خدا گمراه کند، راهنمایی برای او وجود نخواهد داشت! (33)

لَّهُمْ عَذَابٌ فِى الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَهِ أَشَقُّ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ (34)

در دنیا، برای آنها عذابی (دردناک) است؛ و عذاب آخرت سخت تر است؛ و در برابر (عذاب) خدا، هیچ کس نمی تواند آنها را نگه دارد! (34)

مَّثَلُ الْجَنَّهِ الَّتِی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُکُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْکَ عُقْبَی الَّذِینَ اتَّقَوا وَّعُقْبَی الْکَافِرِینَ النَّارُ (35)

توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، (این است که) نهرهای آب از زیر درختانش جاری است، میوه آن همیشگی، و سایه اش دائمی است؛ این سرانجام کسانی است که پرهیزگاری پیشه کردند؛ و سرانجام کافران، آتش است! (35)

وَالَّذِینَ آتَیْنَاهُمُ الْکِتَابَ یَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَیْکَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَن یُنکِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِکَ بِهِ إِلَیْهِ أَدْعُو وَإِلَیْهِ مَآبِ (36)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، از آنچه بر تو نازل شده، خوشحالند؛ و بعضی از احزاب (و گروه ها)، قسمتی از آن را انکار می کنند؛ بگو: «من مأمورم که «اللّه» را بپرستم؛ و شریکی برای او قائل نشوم! به سوی او دعوت می کنم؛ و بازگشت من بسوی اوست!» (36)

وَکَذَلِکَ أَنزَلْنَاهُ حُکْمًا عَرَبِیًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم بَعْدَمَا جَاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَکَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِیٍّ وَلَا وَاقٍ (37)

همان گونه (که به پیامبران پیشین کتاب آسمانی دادیم،) بر تو نیز این (قرآن) را بعنوان فرمان روشن و صریحی نازل کردیم؛ و اگر از هوسهای آنان -بعد از آنکه آگاهی برای تو آمده- پیروی کنی، هیچ کس در برابر خدا، از تو حمایت و جلوگیری نخواهد کرد. (37)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِکَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّیَّةً وَمَا کَانَ لِرَسُولٍ أَن یَأْتِیَ بِآیَهٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِکُلِّ أَجَلٍ کِتَابٌ (38)

ما پیش از تو (نیز) رسولانی فرستادیم؛ و برای آنها همسران و فرزندانی قرار دادیم؛ و هیچ رسولی نمی توانست ا (ز پیش خود) معجزه ای بیاورد، مگر بفرمان خدا! هر زمانی نوشته ای دارد (و برای هر کاری، موعدی مقرّر است)! (38)

یَمْحُو اللَّهُ مَا یَشَاءُ وَیُثْبِتُ وَعِندَهُ أُمُّ الْکِتَابِ (39)

خداوند هر چه را بخواهد محو، و هر چه را بخواهد اثبات می کند؛ و «امّ الکتاب» [= لوح محفوظ] نزد اوست! (39)

وَإِن مَّا نُرِيَنَّکَ بَعْضَ الّذِی نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفّيَنَّکَ فَإِنَّمَا عَلَيْکَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ (40)

و اگر پاره ای از مجازاتها را که به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم، یا (پیش از فرا رسیدن این مجازاتها) تو را بمیرانیم، در هر حال تو فقط مأمور ابلاغ هستی؛ و حساب (آنها) برماست. (40)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِی الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (41)

آیا ندیدند که ما پیوسته به سراغ زمین می آییم و از اطراف (و جوانب) آن کم می کنیم؟! (و جامعه ها، تمدّنها، و دانشمندان تدریجاً از میان می روند.) و خداوند حکومت می کند؛ و هیچ کس را یارای جلوگیری یا ردّ احکام او نیست؛ و او سریع الحساب است! (41)

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ (42)

پیش از آنان نیز کسانی طرحها و نقشه ها کشیدند؛ ولی تمام طرحها و نقشه ها از آن خداست! او از کار هر کس آگاه است؛ و بزودی کفّار می دانند سرانجام (نیک و بد) در سرای دیگر از آن کیست! (42)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِندَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (43)

آنها که کافر شدند می گویند: «تو پیامبر نیستی!» بگو: «کافی است که خداوند، و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست، میان من و شما گواه باشند!» (43)

سوره ابراهیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (1)

الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکیها (ی شرک و ظلم و جهل،) به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی،) بفرمان پروردگارشان در آوری، بسوی راه خداوند عزیز و حمید. (1)

اللَّهِ الَّذِى لَهُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (2)

همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ وای بر کافران از مجازات شدید (الهی)! (2)

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِى ضَلَالٍ بَعِيدٍ (3)

همانها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند؛ و (مردم را) از راه خدا باز می دارند؛ و می خواهند راه حق را منحرف سازند؛ آنها در گمراهی دوری هستند! (3)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِى مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (4)

ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم؛ تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد؛ سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می کند؛ و او توانا و حکیم است. (4)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُم بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (5)

ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ (و دستور دادیم:) قومت را از ظلمات به نور بیرون آر! و «ایّام اللّه» را به آنان یاد آور! در این، نشانه هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار! (5)

ص: 255

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنجَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِى ذَلِكُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (6)

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را بر خود به یاد داشته باشید، زمانی که شما را از (چنگال) آل فرعون رهایی بخشید! همانها که شما را به بدترین وجهی عذاب می کردند؛ پسرانتان را سر می بریدند، و زنانتان را (برای خدمتگاری) زنده می گذاشتند؛ و در این، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود!» (6)

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِى لَشَدِيدٌ (7)

و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!» (7)

وَقَالَ مُوسَى إِن تَكْفُرُوا أَنتُمْ وَمَن فِى الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِىٌّ حَمِيدٌ (8)

و موسی (به بنی اسرائیل) گفت: «اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زیانی نمی رسد؛ چرا که) خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است!» (8)

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِى أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ وَإِنَّا لَفِى شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (9)

آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسید؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و آنها که پس از ایشان بودند؛ همانها که جز خداوند از آنان آگاه نیست؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، ولی آنها (از روی تعجّب و استهزا) دست بر دهان گرفتند و گفتند: «ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید، کافریم! و نسبت به آنچه ما را به سوی آن می خوانید، شکّ و تردید داریم!» (9)

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (10)

رسولان آنها گفتند: «آیا در خدا شکّ است؟! خدایی که آسمانها و زمین را آفریده؛ او شما را دعوت می کند تا گناهانتان را ببخشد، و تا موعد مقرّری شما را باقی گذارد!» آنها گفتند: «(ما اینها را نمی فهمیم! همین اندازه می دانیم که) شما انسانهایی همانند ما هستید، می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند بازدارید؛ شما دلیل و معجزه روشنی برای ما بیاورید!» (10)

ص: 256

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَن نَّأْتِيَكُم بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (11)

پیامبرانشان به آنها گفتند: «درست است که ما بشری همانند شما هستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته بداند)، نعمت می بخشد (و مقام رسالت عطا می کند)! و ما هرگز نمی توانیم معجزه ای جز بفرمان خدا بیاوریم! (و از تهدیدهای شما نمی هراسیم؛) افراد باایمان باید تنها بر خدا توکّل کنند! (11)

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (12)

و چرا بر خدا توکّل نکنیم، با اینکه ما را به راه های (سعادت) رهبری کرده است؟! و ما بطور مسلّم در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد (و دست از رسالت خویش بر نمی داریم)! و توکّل کنندگان، باید فقط بر خدا توکّل کنند!» (12)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُم مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (13)

(ولی) کافران به پیامبران خود گفتند: «ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه به آیین ما بازگردید!» در این حال، پروردگارشان به آنها وحی فرستاد که: «ما ظالمان را هلاک می کنیم! (13)

وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِن بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ (14)

و شما را بعد از آنان در زمین سکوت خواهیم داد، این (موفقیّت)، برای کسی است که از مقام (عدالت) من بترسد؛ و از عذاب (من) بیمناک باشد!» (14)

وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (15)

و آنها (از خدا) تقاضای فتح و پیروزی (بر کفار) کردند؛ و (سرانجام) هر گردنکش منحرفی نومید و نابود شد! (15)

مِّن وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِن مَّاءٍ صَدِيدٍ (16)

به دنبال او جهنم خواهد بود؛ و از آب بد بوی متعفّنی نوشانده می شود! (16)

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِن وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ (17)

بزحمت جرعه جرعه آن را سرمی کشد؛ و هرگز حاضر نیست به میل خود آن را بیاشامد؛ و مرگ از هرجا به سراغ او می آید؛ ولی با این همه نمی میرد! و بدنبال آن، عذاب شدیدی است! (17)

مَّثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَّا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (18)

اعمال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، همچون خاکستری است در برابر تندباد در یک روز طوفانی! آنها توانایی ندارند کمترین چیزی از آنچه را انجام داده اند، به دست آورند؛ و این همان گمراهی دور و دراز است! (18)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (19)

آیا ندیدی خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفریده است؟! اگر بخواهد، شما را می برد و خلق تازه ای می آورد! (19)

وَمَا ذَلِکَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (20)

و این کار برای خدا مشکل نیست! (20)

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِن شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِن مَّحِيصٍ (21)

و (در قیامت)، همه آنها در برابر خدا ظاهر می شوند؛ در این هنگام، ضعفا [= دنباله روان نادان] به مستکبران (و رهبران گمراه) می گویند: «ما پیروان شما بودیم! آیا (اکنون که بخاطر پیروی از شما گرفتار مجازات الهی شده ایم،) شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و از ما بردارید؟» آنها می گویند: «اگر خدا ما را هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت می کردیم! (ولی کار از اینها گذشته است،) چه بیتابی کنیم و چه شکیبایی، تفاوتی برای ما ندارد؛ راه گریزی برای ما نیست!» (21)

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدتُّكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنفُسَكُم مَّا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنتُم بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِن قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (22)

و شیطان، هنگامی که کار تمام می شود، می گوید: «خداوند به شما وعده حق داد؛ و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلّف کردم! من بر شما تسلّطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنابر این، مرا سرزنش نکنید؛ خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرک شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا همردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافرم!» مسلّماً ستمکاران عذاب دردناکی دارند! (22)

وَأدْخِلَ الّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلَوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ (23)

و کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، به باغهای بهشت وارد می کنند؛ باغهایی که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ به اذن پروردگارشان، جاودانه در آن می مانند؛ و تحیّت آنها در آن، «سلام» است. (23)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِی السَّمَاءِ (24)

آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟! (24)

تُؤْتِی أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (25)

هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می دهد. و خداوند برای مردم مثلها می زند، شاید متذکّر شوند (و پند گیرند)! (25)

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِن فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٍ (26)

(همچنین) «کلمه خبیثه» (و سخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده، و قرار و ثباتی ندارد. (26)

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِی الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (27)

خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می دارد؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر! و ستمگران را گمراه می سازد، (و لطف خود را از آنها برمی گیرد)؛ خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می دهد! (27)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ (28)

آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟! (28)

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ (29)

(سرای نیستی و نابودی، همان) جهنم است که آنها در آتش آن وارد می شوند؛ و بد قرارگاهی است! (29)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلُّوا عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ (30)

آنها برای خدا همتایانی قرار داده اند، تا (مردم را) از راه او (منحرف و) گمراه سازند؛ بگو: «(چند روزی از زندگی دنیا و لذّات آن) بهره گیرید؛ امّا عاقبت کار شما به سوی آتش (دوزخ) است!» (30)

قُل لِّعِبَادِیَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِیَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ (31)

به بندگان من که ایمان آورده اند بگو نماز را برپا دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده ایم، پنهان و آشکار، انفاق کنند؛ پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه در آن خرید و فروش است، و نه دوستی! (نه با مال می توانند از کیفر خدا رهایی یابند، و نه با پیوندهای مادی!) (31)

اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِیَ فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ (32)

خداوند همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید؛ و از آسمان، آبی نازل کرد؛ و با آن، میوه ها (ی مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد؛ و کشتی ها را مسخّر شما گردانید، تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند؛ و نهرها را (نیز) مسخّر شما نمود؛ (32)

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَیْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ (33)

و خورشید و ماه را -که با برنامه منظّمی درکارند- به تسخیر شما درآورد؛ و شب و روز را (نیز) مسخّر شما ساخت؛ (33)

وَآتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (34)

و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است! (34)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعْبُدَ الْأَصْنَامَ (35)

(به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این شهر [= مکّه] را شهر امنی قرار ده! و من و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگاه دار! (35)

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَن تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (36)

پروردگارا! آنها [= بتها] بسیاری از مردم را گمراه ساختند! هر کس از من پیروی کند از من است؛ و هر کس نافرمانی من کند، تو بخشنده و مهربانی! (36)

رَّبَّنَا إِنِّي أَسْكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِندَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُم مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (37)

پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دلهای گروهی از مردم را متوجّه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را بجای آورند! (37)

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِن شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (38)

پروردگارا! تو می دانی آنچه را ما پنهان و یا آشکار می کنیم؛ و چیزی در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست! (38)

الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِی وَهَبَ لِی عَلَی الْکِبَرِ إِسْمَاعِیلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّی لَسَمِیعُ الدُّعَاءِ (39)

حمد خدای را که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید؛ مسلّماً پروردگار من، شنونده (و اجابت کننده) دعاست. (39)

رَبِّ اجْعَلْنِی مُقِیمَ الصَّلَاهِ وَمِن ذُرِّیَّتِی رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (40)

پروردگارا: مرا برپا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا: دعای مرا بپذیر! (40)

رَبَّنَا اغْفِرْ لِی وَلِوَالِدَیَّ وَلِلْمُؤْمِنِینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحِسَابُ (41)

پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن روز که حساب برپا می شود، بیامرز! (41)

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا یَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا یُؤَخِّرُهُمْ لِیَوْمٍ تَشْخَصُ فِیهِ الْأَبْصَارُ (42)

گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می دهند، غافل است! (نه، بلکه کیفر) آنها را برای روزی تأخیر انداخته است که چشمها در آن (به خاطر ترس و وحشت) از حرکت بازمی ایستد... (42)

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِی رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ (43)

گردنها را کشیده، سرها را به آسمان بلندکرده، حتّی پلک چشمهایشان از حرکت بازمی ماند؛ (زیرا به هر طرف نگاه کنند، آثار عذاب آشکار است!) و (در این حال) دلهایشان (فرومی ریزد؛ و از اندیشه و امید،) خالی می گردد! (43)

وَأَنذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَی أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَکَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ أَوَلَمْ تَکُونُوا أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَکُم مِّن زَوَالٍ (44)

و مردم را از روزی که عذاب الهی به سراغشان می آید، بترسان! آن روز که ظالمان می گویند: «پروردگارا! مدّت کوتاهی ما را مهلت ده، تا دعوت تو را بپذیریم و از پیامبران پیروی کنیم!» (امّا پاسخ می شنوند که:) مگر قبلاً سوگند یاد نکرده بودید که زوال و فنایی برای شما نیست؟! (44)

وَسَکَنتُمْ فِی مَسَاکِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَکُمْ کَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَکُمُ الْأَمْثَالَ (45)

(آری شما بودید که) در منازل (و کاخهای) کسانی که به خویشتن ستم کردند، ساکن شدید؛ و برای شما آشکار شد چگونه با آنان رفتار کردیم؛ و برای شما، مثلها (از سرگذشت پیشینیان) زدیم (باز هم بیدار نشدید)! (45)

وَقَدْ مَکَرُوا مَکْرَهُمْ وَعِندَ اللَّهِ مَکْرُهُمْ وَإِن کَانَ مَکْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (46)

آنها نهایت مکر (و نیرنگ) خود را به کار زدند؛ و همه مکرها (و توطئه هایشان) نزد خدا آشکار است، هر چند مکرشان چنان باشد که کوه ها را از جا برکند! (46)

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (47)

پس گمان مبر که خدا وعده ای را که به پیامبرانش داده، تخلّف کند! چرا که خداوند قادر و انتقام گیرنده است. (47)

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (48)

در آن روز که این زمین به زمین دیگر، و آسمانها (به آسمانهای دیگری) مبدل می شود، و آنان در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می گردند! (48)

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِى الْأَصْفَادِ (49)

و در آن روز، مجرمان را با هم در غل و زنجیر می بینی! (که دستها و گردنهایشان را به هم بسته است!) (49)

سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهَهُمُ النَّارُ (50)

لباسهایشان از قطران [= ماده چسبنده بد بوی قابل اشتعال] است؛ و صورتهایشان را آتش می پوشاند... (50)

لِيَجْزِىَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (51)

تا خداوند هر کس را، هر آنچه انجام داده، جزا دهد! به یقین، خداوند سریع الحساب است! (51)

هَذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (52)

این (قرآن،) پیام (و ابلاغی) برای (عموم) مردم است؛ تا همه به وسیله آن انذار شوند، و بدانند او خدا یکتاست؛ و تا صاحبان مغز (و اندیشه) پند گیرند! (52)

جزء 14

سوره الحجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر تِلْکَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ (1)

الر، اين آيات كتاب، و قرآن مبين است. (1)

رُّبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (2)

كافران (هنگامى كه آثار شوم اعمال خود را ببينند،) چه بسا آرزو مى كنند كه اى كاش مسلمان بودند! (2)

ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (3)

بگذار آنها بخورند، و بهره گيرند، و آرزوها آنان را غافل سازد؛ ولى بزودى خواهند فهميد! (3)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ (4)

ما اهل هيچ شهر و ديارى را هلاک نكرديم مگر اينكه اجل معيّن (و زمان تغيير ناپذيرى) داشتند! (4)

مَّا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (5)

هيچ گروهى از اجل خود پيشى نمى گيرد؛ و از آن عقب نخواهد افتاد! (5)

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِى نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّکَ لَمَجْنُونٌ (6)

و گفتند: «اى كسى كه «ذكر» [= قرآن] بر او نازل شده، مسلماً تو ديوانه اى! (6)

لَّوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (7)

اگر راست مى گويى، چرا فرشتگان را نزد ما نمى زورى؟!» (7)

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذًا مُّنظَرِينَ (8)

(امّا اینها باید بدانند) ما فرشتگان را، جز بحق، نازل نمی کنیم،؛ و هرگاه نازل شوند، دیگر به اینها مهلت داده نمی شود (؛ و در صورت انکار، به عذاب الهی نابود می گردند) ! (8)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (9)

ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم ! (9)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ فِی شِیَعِ الْأَوَّلِینَ (10)

ما پیش از تو (نیز) پیامبرانی در میان امّتهای نخستین فرستادیم. (10)

وَمَا یَأْتِیهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِئُونَ (11)

هیچ پیامبری به سراغ آنها نمی آمد مگر اینکه او را مسخره می کردند. (11)

کَذَلِکَ نَسْلُکُهُ فِی قُلُوبِ الْمُجْرِمِینَ (12)

ما اینچنین (و از هر طریق ممکن) قرآن را به درون دلهای مجرمان راه می دهیم ! (12)

لَا یُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِینَ (13)

(اما با این حال،) آنها به آن ایمان نمی آورند؛ روش اقوام پیشین نیز چنین بود ! (13)

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَیْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِیهِ یَعْرُجُونَ (14)

و اگر دری از آسمان به روی آنان بگشاییم، و آنها پیوسته در آن بالا روند... (14)

لَقَالُوا إِنَّمَا سُکِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ (15)

باز می گویند: «ما را چشم بندی کرده اند؛ بلکه ما (سر تا پا) سحر شده ایم !» (15)

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِی السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَیَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِینَ (16)

ما در آسمان برجهایی قرار دادیم؛ و آن را برای بینندگان آراستیم. (16)

وَحَفِظْنَاهَا مِن کُلِّ شَیْطَانٍ رَّجِیمٍ (17)

و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ کردیم؛ (17)

إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِینٌ (18)

مگر آن کس که استراق سمع کند (و دزدانه گوش فرا دهد) که «شهاب مبین» او را تعقیب می کند (و می راند) (18)

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَیْنَا فِیهَا رَوَاسِیَ وَأَنبَتْنَا فِیهَا مِن کُلِّ شَیْءٍ مَّوْزُونٍ (19)

و زمین را گستردیم؛ و در آن کوه های ثابتی افکندیم؛ و از هر گیاه موزون، در آن رویاندیم؛ (19)

وَجَعَلْنَا لَکُمْ فِیهَا مَعَایِشَ وَمَن لَّسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِینَ (20)

و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم؛ همچنین برای کسانی که شما نمی توانید به آنها روزی دهید! (20)

وَإِن مِّن شَیْءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ (21)

و خزائن همه چیز، تنها نزد ماست؛ ولی ما جز به اندازه معیّن آن را نازل نمی کنیم! (21)

وَأَرْسَلْنَا الرِّیَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَیْنَاکُمُوهُ وَمَا أَنتُمْ لَهُ بِخَازِنِینَ (22)

ما بادها را برای بارور ساختن (ابرها و گیاهان) فرستادیم؛ و از آسمان آبی نازل کردیم، و شما را با آن سیراب ساختیم؛ در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید! (22)

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْیِی وَنُمِیتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ (23)

ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم؛ و ماییم وارث (همه جهان)! (23)

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ (24)

ما، هم پیشینیان شما را دانستیم؛ و هم متأخّران را! (24)

وَإِنَّ رَبَّکَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (25)

پروردگار تو، قطعاً آنها را (در قیامت) جمع و محشور می کند؛ چرا که او حکیم و داناست! (25)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (26)

ما انسان را از گِل خشکیده ای (همچون سفال) که از گِل بد بوی (تیره رنگی) گرفته شده بود آفریدیم! (26)

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ (27)

و جن را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان خلق کردیم! (27)

وَإِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (28)

و (به خاطر بیاور) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل خشکیده ای که از گل بدبویی گرفته شده، می آفرینم. (28)

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِی فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (29)

هنگامی که کار آن را به پایان رساندم، و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید!» (29)

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (30)

همه فرشتگان، بی استثنا، سجده کردند... (30)

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَن يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (31)

جز ابلیس، که ابا کرد از اینکه با سجده کنندگان باشد. (31)

ص: 263

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَکَ أَلَّا تَکُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (32)

(خداوند) فرمود: «ای ابلیس! چرا با سجده کنندگان نیستی؟!» (32)

قَالَ لَمْ أَکُن لِّأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (33)

گفت: «من هرگز برای بشری که او را از گل خشکیده ای که از گل بدبویی گرفته شده است آفریده ای، سجده نخواهم کرد!» (33)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّکَ رَجِيمٌ (34)

فرمود: «از صف آنها [= فرشتگان] بیرون رو، که رانده شده ای (از درگاه ما!). (34)

وَإِنَّ عَلَيْکَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (35)

و لعنت (و دوری از رحمت حق) تا روز قیامت بر تو خواهد بود!» (35)

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِی إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (36)

گفت: «پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار!)» (36)

قَالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (37)

فرمود: «تو از مهلت یافتگانی! (37)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (38)

(امّا نه تا روز رستاخیز، بلکه) تا روز وقت معیّنی.» (38)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِی لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (39)

گفت: «پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمتهای مادّی را) در زمین در نظر آنها زینت می دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت، (39)

إِلَّا عِبَادَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (40)

مگر بندگان مخلصت را.» (40)

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَیَّ مُسْتَقِیمٌ (41)

فرمود: «این راه مستقیمی است که بر عهده من است (و سنّت همیشگیم)... (41)

إِنَّ عِبَادِی لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْغَاوِینَ (42)

که بر بندگانم تسلّط نخواهی یافت؛ مگر گمراهانی که از تو پیروی می کنند؛ (42)

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِینَ (43)

و دوزخ، میعادگاه همه آنهاست! (43)

لَهَا سَبْعَهُ أَبْوَابٍ لِّکُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ (44)

هفت در دارد؛ و برای هر دری، گروه معیّنی از آنها تقسیم شده اند! (44)

إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ (45)

به یقین، پرهیزگاران در باغها (ی سرسبز بهشت) و در کنار چشمه ها هستند. (45)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِینَ (46)

(فرشتگان به آنها می گویند:) داخل این باغها شوید با سلامت و امنیّت! (46)

وَنَزَعْنَا مَا فِی صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَی سُرُرٍ مُّتَقَابِلِینَ (47)

هر گونه غلّ [= حسد و کینه و دشمنی] را از سینه آنها برمی کنیم (و روحشان را پاک می سازیم)؛ در حالی که همه برابرند، و بر تختها روبه روی یکدیگر قرار دارند. (47)

لَا یَمَسُّهُمْ فِیهَا نَصَبٌ وَمَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِینَ (48)

هیچ خستگی و تعبی در آنجا به آنها نمی رسد، و هیچ گاه از آن اخراج نمی گردند! (48)

نَبِّئْ عِبَادِی أَنِّی أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِیمُ (49)

بندگانم را آگاه کن که من بخشنده مهربانم! (49)

وَأَنَّ عَذَابِی هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِیمُ (50)

و (اینکه) عذاب و کیفر من، همان عذاب دردناک است! (50)

وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَیْفِ إِبْرَاهِیمَ (51)

و به آنها از مهمانهای ابراهیم خبر ده! (51)

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنكُمْ وَجِلُونَ (52)

هنگامی که بر او وارد شدند و سلام کردند؛ (ابراهیم) گفت: «ما از شما بیمناکیم !» (52)

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُکَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (53)

گفتند: «نترس، ما تو را به پسری دانا بشارت می دهیم !» (53)

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِی عَلَى أَن مَّسَّنِیَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ (54)

گفت: «آیا به من (چنین) بشارت می دهید با اینکه پیر شده ام؟ ! به چه چیز بشارت می دهید؟ !» (54)

قَالُوا بَشَّرْنَاکَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ (55)

گفتند: «تو را به حق بشارت دادیم؛ از مأیوسان مباش !» (55)

قَالَ وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (56)

گفت: «جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می شود؟ !» (56)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (57)

(سپس) گفت: «مأموریت شما چیست ای فرستادگان خدا؟» (57)

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (58)

گفتند: «ما به سوی قومی گنهکار مأموریت یافته ایم (تا آنها را هلاک کنیم) ! (58)

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ (59)

مگر خاندان لوط، که همگی آنها را نجات خواهیم داد... (59)

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ (60)

بجز همسرش، که مقدّر داشتیم از بازماندگان (در شهر، و هلاک شوندگان) باشد !» (60)

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ (61)

هنگامی که فرستادگان (خدا) به سراغ خاندان لوط آمدند... (61)

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ (62)

(لوط) گفت: «شما گروه ناشناسی هستید !» (62)

قَالُوا بَلْ جِئْنَاکَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ (63)

گفتند: «ما همان چیزی را برای تو آورده ایم که آنها [= کافران] در آن تردید داشتند (آری، ما مأمور عذابیم) ! (63)

وَأَتَيْنَاکَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (64)

ما واقعیّت مسلّمی را برای تو آورده ایم؛ و راست می گوییم ! (64)

فَأَسْرِ بِأَهْلِکَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ (65)

پس، خانواده ات را در اواخر شب با خود بردار، و از اینجا ببر؛ و خودت به دنبال آنها حرکت کن؛ و کسی از شما به پشت سر خویش ننگرد؛ به همانجا که مأمور هستید بروید !» (65)

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِکَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ (66)

و ما به لوط این موضوع را وحی فرستادیم که صبحگاهان، همه آنها ریشه کن خواهند شد. (66)

وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَهِ يَسْتَبْشِرُونَ (67)

(از سوی دیگر،) اهل شهر (از ورود میهمانان با خبر شدند، و بطرف خانه لوط) آمدند در حالی که شادمان بودند. (67)

قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِی فَلَا تَفْضَحُونِ (68)

(لوط) گفت: «اینها میهمانان منند؛ آبروی مرا نریزید! (68)

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ (69)

و از خدا بترسید، و مرا شرمنده نسازید!» (69)

قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَکَ عَنِ الْعَالَمِینَ (70)

گفتند: «مگر ما تو را از جهانیان نهی نکردیم (و نگفتیم کسی را به میهمانی نپذیر؟!» (70)

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِی إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (71)

گفت: «دختران من حاضرند، اگر می خواهید کار صحیحی انجام دهید (با آنها ازدواج کنید، و از گناه و آلودگی بپرهیزید!)» (71)

لَعَمْرُکَ إِنَّهُمْ لَفِی سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (72)

به جان تو سوگند، اینها در مستی خود سرگردانند (و عقل و شعور خود را از دست داده اند)! (72)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ (73)

سرانجام، هنگام طلوع آفتاب، صیحه (مرگبار -بصورت صاعقه یا زمین لرزه-) آنها را فراگرفت! (73)

فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ (74)

سپس (شهر و آبادی آنها را زیر و رو کردیم؛) بالای آن را پایین قرار دادیم؛ و بارانی از سنگ بر آنها فرو ریختیم! (74)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ (75)

در این (سرگذشت عبرت انگیز)، نشانه هایی است برای هوشیاران! (75)

وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ (76)

و ویرانه های سرزمین آنها، بر سر راه (کاروانها)، همواره ثابت و برقرار است؛ (76)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (77)

در این، نشانه ای است برای مؤمنان! (77)

وَإِن كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ (78)

«اصحاب الأیکه» [= صاحبان سرزمینهای پردرخت = قوم شعیب] مسلماً قوم ستمگری بودند! (78)

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ (79)

ما از آنها انتقام گرفتیم؛ و (شهرهای ویران شده) این دو [= قوم لوط و اصحاب الأیکه] بر سر راه (شما در سفرهای شام)، آشکار است! (79)

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ (80)

و «اصحاب حجر» [= قوم ثمود] پیامبران را تکذیب کردند! (80)

وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (81)

ما آیات خود را به آنان دادیم؛ ولی آنها از آن روی گرداندند! (81)

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ (82)

آنها خانه های امن در دل کوه ها می تراشیدند. (82)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ (83)

امّا سرانجام صیحه (مرگبار)، صبحگاهان آنان را فرا گرفت؛ (83)

فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (84)

و آنچه را به دست آورده بودند، آنها را از عذاب الهی نجات نداد! (84)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ (85)

ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز بحق نیافریدیم؛ و ساعت موعود [= قیامت] قطعاً فرا خواهد رسید (و جزای هر کس به او می رسد)! پس، از آنها به طرز شایسته ای صرف نظر کن (و آنها را بر نادانیهایشان ملامت ننما)! (85)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (86)

به یقین، پروردگار تو، آفریننده آگاه است! (86)

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (87)

ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم ! (87)

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْکَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَکَ لِلْمُؤْمِنِينَ (88)

(بنابر این،) هرگز چشم خود را به نعمتهای (مادّی)، که به گروه هایی از آنها [= کفّار] دادیم، میفکن ! و بخاطر آنچه آنها دارند، غمگین مباش ! و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر ! (88)

وَقُلْ إِنِّى أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ (89)

و بگو: «من انذارکننده آشکارم !» (89)

كَمَا أَنزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ (90)

(ما بر آنها عذابی می فرستیم) همان گونه که بر تجزیه گران (آیات الهی) فرستادیم ! (90)

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (91)

همانها که قرآن را تقسیم کردند (؛ آنچه را به سودشان بود پذیرفتند، و آنچه را بر خلاف هوسهایشان بود رها نمودند)! (91)

فَوَرَبِّکَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (92)

به پروردگارت سوگند، (در قیامت) از همه آنها سؤال خواهیم کرد... (92)

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (93)

از آنچه عمل می کردند! (93)

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (94)

آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی گردان (و به آنها اعتنا نکن)! (94)

إِنَّا كَفَيْنَاکَ الْمُسْتَهْزِئِينَ (95)

ما شرّ استهزاکنندگان را از تو دفع خواهیم کرد؛ (95)

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (96)

همانها که معبود دیگری با خدا قرار دادند؛ امّا بزودی می فهمند! (96)

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّکَ يَضِيقُ صَدْرُکَ بِمَا يَقُولُونَ (97)

ما می دانیم سینه ات از آنچه آنها می گویند تنگ می شود (و تو را سخت ناراحت می کنند). (97)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ (98)

(برای دفع ناراحتی آنان) پروردگارت را تسبیح و حمد گو! و از سجده کنندگان باش! (98)

وَاعْبُدْ رَبَّکَ حَتَّى يَأْتِيَکَ الْيَقِينُ (99)

و پروردگارت را عبادت کن تا یقین [= مرگ] تو فرا رسد ! (99)

سوره النحل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (1)

فرمان خدا (برای مجازات مشرکان و مجرمان،) فرا رسیده است؛ برای آن عجله نکنید ! منزّه و برتر است خداوند از آنچه همتای او قرارمی دهند ! (1)

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ (2)

فرشتگان را با روح (الهی) بفرمانش بر هر کس از بندگانش بخواهد نازل می کند؛ (و به آنها دستور می دهد) که مردم را انذار کنید؛ (و بگویید:) معبودی جز من نیست؛ از (مخالفت دستور) من، بپرهیزید ! (2)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (3)

آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ او برتر است از اینکه همتایی برای او قرار می دهند ! (3)

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (4)

انسان را از نطفه بی ارزشی آفرید؛ و سرانجام (او موجودی فصیح، و) مدافع آشکار از خویشتن گردید ! (4)

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (5)

و چهارپایان را آفرید؛ در حالی که در آنها، برای شما وسیله پوشش، و منافع دیگری است؛ و از گوشت آنها می خورید ! (5)

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ (6)

و در آنها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان بازمی گردانید، و هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می فرستید ! (6)

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (7)

آنها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می کنند که جز با مشقّت زیاد، به آن نمی رسیدید؛ پروردگارتان رؤوف و رحیم است (که این وسایل حیات را در اختیارتان قرار داده) ! (7)

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (8)

همچنین اسبها و استرها و الاغها را آفرید؛ تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد، و چیزهایی می آفریند که نمی دانید. (8)

وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (9)

و بر خداست که راه راست را (به بندگان) نشان دهد؛ امّا بعضی از راه ها بیراهه است ! و اگر خدا بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می کند (؛ ولی اجبار سودی ندارد). (9)

هُوَ الَّذِى أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَّكُم مِّنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (10)

او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که نوشیدن شما از آن است؛ و (همچنین) گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرا می برید، نیز از آن است. (10)

يُنبِتُ لَكُم بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (11)

خداوند با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور، و از همه میوه ها می رویاند؛ مسلماً در این، نشانه روشنی برای اندیشمندان است. (11)

وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (12)

او شب و روز و خورشید و ماه را مسخّر شما ساخت؛ و ستارگان نیز به فرمان او مسخّر شمایند؛ در این، نشانه هایی است (از عظمت خدا،) برای

گروهی که عقل خود را به کار می گیرند! (12)

وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِی الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِی ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (13)

(علاوه بر این،) مخلوقاتی را که در زمین به رنگهای گوناگون آفریده نیز مسخّر (فرمان شما) ساخت؛ در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکّر می شوند! (13)

وَهُوَ الَّذِی سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (14)

او کسی است که دریا را مسخّر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید؛ و کشتیها را می بینی که سینه دریا را می شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید؛ شاید شکر نعمتهای او را بجا آورید! (14)

وَأَلْقَى فِی الْأَرْضِ رَوَاسِیَ أَن تَمِیدَ بِکُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَّعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ (15)

و در زمین، کوه های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد؛ و نهرها و راه هایی ایجاد کرد، تا هدایت شوید. (15)

وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ (16)

و (نیز) علاماتی قرار داد؛ و (شب هنگام) به وسیله ستارگان هدایت می شوند. (16)

أَفَمَن یَخْلُقُ کَمَن لَّا یَخْلُقُ أَفَلَا تَذَکَّرُونَ (17)

آیا کسی که (این گونه مخلوقات را) می آفریند، همچون کسی است که نمی آفریند؟! آیا متذکّر نمی شوید؟! (17)

وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِیمٌ (18)

و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز نمی توانید آنها را احصا کنید؛ خداوند بخشنده و مهربان است! (18)

وَاللَّهُ یَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (19)

خداوند آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می سازید، می داند. (19)

وَالَّذِینَ یَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا یَخْلُقُونَ شَیْئًا وَهُمْ یُخْلَقُونَ (20)

معبودهایی را که غیر از خدا می خوانند، چیزی را خلق نمی کنند؛ بلکه خودشان هم مخلوقند! (20)

أَمْوَاتٌ غَیْرُ أَحْیَاءٍ وَمَا یَشْعُرُونَ أَیَّانَ یُبْعَثُونَ (21)

آنها مردگانی هستند که هرگز استعداد حیات ندارند؛ و نمی دانند (عبادت کنندگانشان) در چه زمانی محشور می شوند! (21)

إِلَهُکُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنکِرَةٌ وَهُم مُّسْتَکْبِرُونَ (22)

معبود شما خداوند یگانه است؛ امّا کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، دلهایشان (حق را) انکار می کند و مستکبرند. (22)

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ (23)

قطعاً خداوند از آنچه پنهان می دارند و آنچه آشکار می سازند با خبر است؛ او مستکبران را دوست نمی دارد! (23)

وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَا أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (24)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «پروردگار شما چه نازل کرده است؟» می گویند: «اینها (وحی الهی نیست؛) همان افسانه های دروغین پیشینیان است!» (24)

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (25)

آنها باید روز قیامت، (هم) بار گناهان خود را بطور کامل بر دوش کشند؛ و هم سهمی از گناهان کسانی که بخاطر جهل، گمراهشان می سازند! بدانید آنها بار سنگین بدی بر دوش می کشند! (25)

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُم مِّنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِن فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (26)

کسانی که قبل از ایشان بودند (نیز) از این توطئه ها داشتند؛ ولی خداوند به سراغ شالوده (زندگی) آنها رفت؛ و آن را از اساس ویران کرد؛ و سقف از بالا بر سرشان فرو ریخت؛ و عذاب (الهی) از آن جایی که نمی دانستند به سراغشان آمد! (26)

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَهِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ (27)

سپس روز قیامت خدا آنها را رسوا می سازد؛ و می گوید: «شریکانی که شما برای من ساختید، و بخاطر آنها با دیگران دشمنی می کردید، کجا هستند؟!» (در این هنگام،) کسانی که به آنها علم داده شده می گویند: «رسوایی و بدبختی، امروز بر کافران است!» (27)

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَهُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ فَأَلْقَوُا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِن سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (28)

همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می گیرند در حالی که به خود ظلم کرده بودند! در این موقع آنها تسلیم می شوند (و بدروغ می گویند:) ما کار بدی انجام نمی دادیم! آری، خداوند به آنچه انجام می دادید عالم است! (28)

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (29)

(به آنها گفته می شود:) اکنون از درهای جهنم وارد شوید در حالی که جاودانه در آن خواهید بود! چه جای بدی است جایگاه مستکبران! (29)

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِى هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَهٌ وَلَدَارُ الْآخِرَهِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ (30)

(ولی هنگامی که) به پرهیزگاران گفته می شد: «پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟» می گفتند: «خیر (و سعادت)» (آری،) برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است؛ و سرای آخرت از آن هم بهتر است؛ و چه خوب است سرای پرهیزگاران! (30)

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِى اللَّهُ الْمُتَّقِينَ (31)

باغهایی از بهشت جاویدان است که همگی وارد آن می شوند؛ نهرها از زیر درختانش می گذرد؛ هر چه بخواهند در آنجا هست؛ خداوند پرهیزگاران را چنین پاداش می دهد! (31)

الّذِينَ تَتَوَفّاهُمُ الْمَلَائِكَهُ طَيِّبِينَ يَقُولَونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلَوا الْجَنَّهَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (32)

همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می گیرند در حالی که پاک و پاکیزه اند؛ به آنها می گویند: «سلام بر شما! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می دادید!» (32)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَهُ أَوْ يَأْتِىَ أَمْرُ رَبِّکَ كَذَلِکَ فَعَلَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (33)

آیا آنها انتظاری جز این دارند که فرشتگان (قبض ارواح) به سراغشان بیایند، یا فرمان پروردگارت (برای مجازاتشان) فرا رسد (آنگاه توبه کنند؟! ولی توبه آنها در آن زمان بی اثر است! آری،) کسانی که پیش از ایشان بودند نیز چنین کردند! خداوند به آنها ستم نکرد؛ ولی آنان به خویشتن ستم می نمودند! (33)

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (34)

و سرانجام بدیهای اعمالشان به آنها رسید؛ و آنچه را (از وعده های عذاب) استهزا می کردند، بر آنان وارد شد. (34)

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ نَّحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (35)

مشرکان گفتند: «اگر خدا می خواست، نه ما و نه پدران ما، غیر او را پرستش نمی کردیم؛ و چیزی را بدون اجازه او حرام نمی ساختیم!» (آری،) کسانی که پیش از ایشان بودند نیز همین کارها را انجام دادند؛ ولی آیا پیامبران وظیفه ای جز ابلاغ آشکار دارند؟! (35)

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِی كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُم مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُم مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِی الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (36)

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود! (36)

إِن تَحْرِصْ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِی مَن يُضِلُّ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (37)

هر قدر بر هدایت آنها حریص باشی، (سودی ندارد؛ چرا) که خداوند کسی را که گمراه ساخت، هدایت نمی کند؛ و آنها یاورانی نخواهند داشت! (37)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (38)

آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می میرد، برنمی انگیزد!» آری، این وعده قطعی خداست (که همه مردگان را برای جزا بازمی گرداند)؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (38)

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِی يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ (39)

هدف این است که آنچه را در آن اختلاف داشتند، برای آنها روشن سازد؛ و کسانی که منکر شدند، بدانند دروغ می گفتند! (39)

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَن نَّقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ (40)

(رستاخیز مردگان برای ما مشکل نیست؛ زیرا) وقتی چیزی را اراده می کنیم، فقط به آن می گوییم: «موجود باش!» بلافاصله موجود می شود. (40)

وَالَّذِینَ هَاجَرُوا فِی اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَهِ أَکْبَرُ لَوْ کَانُوا یَعْلَمُونَ (41)

آنها که پس از ستم دیدن در راه خدا، هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آنها می دهیم؛ و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می دانستند! (41)

الَّذِینَ صَبَرُوا وَعَلَی رَبِّهِمْ یَتَوَکَّلُونَ (42)

آنها کسانی هستند که صبر و استقامت پیشه کردند، و تنها بر پروردگارشان توکّل می کنند. (42)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِی إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (43)

و پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می کردیم، نفرستادیم! اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید (تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام از میان همین مردان برانگیخته شده است)! (43)

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنزَلْنَا إِلَيْکَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (44)

(از آنها بپرسید که) از دلایل روشن و کتب (پیامبران پیشین آگاهند!) و ما این ذکر [= قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی؛ و شاید اندیشه کنند! (44)

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَن يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (45)

آیا توطئه گران از این ایمن گشتند که ممکن است خدا آنها را در زمین فروبرد، و یا مجازات (الهی)، از آن جا که انتظارش را ندارند، به سراغشان آید؟!... (45)

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِی تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ (46)

یا به هنگامی (که برای کسب مال و ثروت افزونتر) در رفت و آمدند، دامانشان را بگیرد در حالی که قادر به فرار نیستند؟!... (46)

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (47)

یا بطور تدریجی، با هشدارهای خوف انگیز آنان را گرفتار سازد؟! چرا که پروردگار شما، رؤوف و رحیم است. (47)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِن شَیْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِّلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ (48)

آیا آنها مخلوقات خدا را ندیدند که سایه هایشان از راست و چپ حرکت دارند، و با خضوع برای خدا سجده می کنند؟! (48)

وَلِلّهِ يَسْجُدُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ مِن دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (49)

(نه تنها سایه ها، بلکه) تمام آنچه در آسمانها و زمین از جنبندگان وجود دارد، و همچنین فرشتگان، برای خدا سجده می کنند و تکبّر نمی ورزند. (49)

يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (50)

آنها (تنها) از (مخالفت) پروردگارشان، که حاکم بر آنهاست، می ترسند؛ و آنچه را مأموریت دارند انجام می دهند. (50)

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَإِيَّاىَ فَارْهَبُونِ (51)

خداوند فرمان داده: «دو معبود (برای خود) انتخاب نکنید؛ معبود (شما) همان خدای یگانه است؛ تنها از (کیفر) من بترسید!» (51)

وَلَهُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ (52)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست؛ و دین خالص (نیز) همواره از آن او می باشد؛ آیا از غیر او می ترسید؟! (52)

وَمَا بِكُم مِّن نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ (53)

آنچه از نعمتها دارید، همه از سوی خداست! و هنگامی که ناراحتی به شما رسد، فقط او را می خوانید! (53)

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنكُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (54)

(امّا) هنگامی که ناراحتی و رنج را از شما برطرف می سازد، ناگاه گروهی از شما برای پروردگارشان همتا قائل می شوند. (54)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (55)

(بگذار) تا نعمتهایی را که به آنها داده ایم کفران کنند! (اکنون) چند روزی (از متاع دنیا) بهره گیرید، امّا بزودی خواهید دانست (سرانجام کارتان به کجا خواهد کشید)! (55)

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ (56)

آنان برای بتهایی که هیچ گونه سود و زیانی از آنها سراغ ندارند، سهمی از آنچه به آنان روزی داده ایم قرارمی دهند؛ به خدا سوگند، (در دادگاه قیامت،) از این افتراها که می بندید، بازپرسی خواهید شد! (56)

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُم مَّا يَشْتَهُونَ (57)

آنها (در پندار خود،) برای خداوند دختران قرارمی دهند؛ -منزّه است (از اینکه فرزندی داشته باشد)- ولی برای خودشان، آنچه را میل دارند قائل می شوند... (57)

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (58)

در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می شود؛ و به شدّت خشمگین می گردد؛... (58)

يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (59)

بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می گردد؛ (و نمی داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟! چه بد حکم می کنند! (59)

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (60)

برای آنها که به سرای آخرت ایمان ندارند، صفات زشت است؛ و برای خدا، صفات عالی است؛ و او قدرتمند و حکیم است. (60)

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللّهُ النَّاسَ بِظَلْمِهِم مَّا تَرَکَ عَلَيْهَا مِن دَابَّةٍ وَلَكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (61)

و اگر خداوند مردم را بخاطر ظلمشان مجازات می کرد، جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نمی گذارد؛ ولی آنها را تا زمان معیّنی به تأخیر می اندازد. و هنگامی که اجلشان فرا رسد، نه ساعتی تأخیر می کنند، و نه ساعتی پیشی می گیرند. (61)

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَى لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُم مُّفْرَطُونَ (62)

آنها برای خدا چیزهایی قرارمی دهند که خودشان از آن کراهت دارند [= فرزندان دختر]؛ با این حال زبانشان به دروغ می گوید سرانجام نیکی دارند! از این رو برای آنان آتش است؛ و آنها از پیشگامان (دوزخ) اند. (62)

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (63)

به خدا سوگند، به سوی امتهای پیش از تو پیامبرانی فرستادیم؛ امّا شیطان اعمالشان را در نظرشان آراست؛ و امروز او ولیّ و سرپرستشان است؛ و مجازات دردناکی برای آنهاست! (63)

وَمَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (64)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی؛ و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می آورند! (64)

وَاللَّهُ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (65)

خداوند از آسمان، آبی فرستاد؛ و زمین را، پس از آنکه مرده بود، حیات بخشید! در این، نشانه روشنی است برای جمعیّتی که گوش شنوا دارند! (65)

وَإِنَّ لَكُمْ فِی الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِی بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِّلشَّارِبِينَ (66)

و در وجود چهارپایان، برای شما (درسهای) عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می نوشانیم! (66)

وَمِن ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (67)

و از میوه های درختان نخل و انگور، مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می گیرید؛ در این، نشانه روشنی است برای جمعیّتی که اندیشه می کنند! (67)

وَأَوْحَى رَبُّکَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِی مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ (68)

و پروردگار تو به زنبور عسل «وحی» (و الهام غریزی) نمود که: «از کوه ها و درختان و داربستهایی که مردم می سازند، خانه هایی برگزین! (68)

ثُمَّ كُلِی مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِی سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِن بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (69)

سپس از تمام ثمرات (و شیره گلها) بخور و راه هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، براحتی بپیما! «از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگهای مختلف خارج می شود که در آن، شفا برای مردم است؛ به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای جمعیّتی که می اندیشند. (69)

وَاللّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفّاكُمْ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَىْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (70)

خداوند شما را آفرید؛ سپس شما را می میراند؛ بعضی از شما به نامطلوب ترین سنین بالای عمر می رسند، تا بعد از علم و آگاهی، چیزی ندانند (و همه چیز را فراموش کنند)؛ خداوند دانا و تواناست! (70)

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِى الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّى رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (71)

خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد (چرا که استعدادها و تلاشهایتان متفاوت است)! اما آنها که برتری داده شده اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگانشان بدهند و همگی در آن مساوی گردند؛ آیا آنان نعمت خدا را انکار می نمایند (که شکر او را ادا نمی کنند)؟! (71)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ (72)

خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه ها به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می آورند، و نعمت خدا را انکار می کنند؟! (72)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ (73)

آنها غیر از خدا، موجوداتی را می پرستند که هیچ رزقی را برای آنان از آسمانها و زمین در اختیار ندارند؛ و توان این کار را نیز ندارند. (73)

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (74)

پس، برای خدا امثال (و شبیه ها) قائل نشوید! خدا می داند، و شما نمی دانید. (74)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَّا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَن رَّزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (75)

خداوند مثالی زده: برده مملوکی را که قادر بر هیچ چیز نیست؛ و انسان (با ایمانی) را که از جانب خود، رزقی نیکو به او بخشیده ایم، و او پنهان و آشکار از آنچه خدا به او داده، انفاق می کند؛ آیا این دو نفر یکسانند؟! شکر مخصوص خداست، ولی اکثر آنها نمی دانند! (75)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُّ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَن يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (76)

خداوند مثالی (دیگر) زده است: دو نفر را، که یکی از آن دو، گنگ مادرزاد است؛ و قادر بر هیچ کاری نیست؛ و سربار صاحبش می باشد؛ او را در پی هر کاری بفرستد، خوب انجام نمی دهد؛ آیا چنین انسانی، با کسی که امر به عدل و داد می کند، و بر راهی راست قرار دارد، برابر است؟! (76)

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (77)

غیب آسمانها و زمین، مخصوص خداست (و او همه را می داند)؛ و امر قیامت (بقدری نزدیک و آسان است) درست همانند چشم برهم زدن، و یا از آن هم نزدیکتر؛ چرا که خدا بر هر چیزی تواناست! (77)

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (78)

و خداوند شما را از شكم مادرانتان خارج نمود در حالى كه هيچ چيز نمى دانستيد؛ و براى شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شكر نعمت او را بجا آوريد! (78)

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِى جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (79)

آيا آنها به پرندگانى كه بر فراز آسمانها نگه داشته شده، نظر نيفكندند؟ هيچ كس جز خدا آنها را نگاه نمى دارد؛ در اين امر، نشانه هايى (از عظمت و قدرت خدا) است براى كسانى كه ايمان مى آورند! (79)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّن بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ (80)

و خدا برای شما از خانه هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد؛ و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان، به آسانی می توانید آنها را جا به جا کنید؛ و از پشم و کرک و موی آنها، برای شما اثاث و متاع (و وسایل مختلف زندگی) تا زمان معیّنی قرار داد. (80)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ (81)

و (نیز) خداوند از آنچه آفریده است سایه هایی برای شما قرار داده؛ و از کوه ها پناهگاه هایی؛ و برای شما پیراهنهایی آفریده، که شما را از گرما (و سرما) حفظ می کند؛ و پیراهنهایی که به هنگام جنگ، حافظ شماست؛ این گونه نعمتهایش را بر شما کامل می کند، شاید تسلیم فرمان او شوید! (81)

فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (82)

(با این همه،) اگر روی برتابند، (نگران مباش؛) تو فقط وظیفه ابلاغ آشکار داری. (82)

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ (83)

آنها نعمت خدا را می شناسند؛ سپس آن را انکار می کنند؛ و اکثرشان کافرند! (83)

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (84)

(به خاطر بیاورید) روزی را که از هر امّتی گواهی بر آنان برمی انگیزیم؛ سپس به آنان که کفر ورزیدند، اجازه (سخن گفتن) داده نمی شود؛ (بلکه

دست و پا و گوش و چشم، حتّی پوست تن آنها گواهی می دهند!) و (نیز) اجازه عذرخواهی و تقاضای عفو به آنان نمی دهند! (84)

وَإِذَا رَأَی الَّذِینَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا یُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ یُنظَرُونَ (85)

و هنگامی که ظالمان عذاب را ببینند، نه به آنها تخفیف داده می شود، و نه مهلت! (85)

وَإِذَا رَأَی الَّذِینَ أَشْرَکُوا شُرَکَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَکَاؤُنَا الَّذِینَ کُنَّا نَدْعُو مِن دُونِکَ فَأَلْقَوْا إِلَیْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّکُمْ لَکَاذِبُونَ (86)

و هنگامی که مشرکان معبودهایی را که همتای خدا قرار دادند می بینند، می گویند: «پروردگارا! اینها همتایانی هستند که ما به جای تو، آنها را می خواندیم! «در این هنگام، معبودان به آنها می گویند: «شما دروغگو هستید! (شما هوای نفس خود را پرستش می کردید!)» (86)

وَأَلْقَوْا إِلَی اللَّهِ یَوْمَئِذٍ السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا کَانُوا یَفْتَرُونَ (87)

و در آن روز، همگی (ناگزیر) در پیشگاه خدا تسلیم می شوند؛ و تمام آنچه را (نسبت به خدا) دروغ می بستند، گم و نابود می شود! (87)

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ (88)

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، بخاطر فسادی که می کردند، عذابی بر عذابشان می افزاییم ! (88)

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِم مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (89)

(به یاد آورید) روزی را که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنها برمی انگیزیم؛ و تو را گواه بر آنان قرارمی دهیم ! و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است ! (89)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (90)

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند؛ خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکّر شوید ! (90)

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدتُّمْ وَلَا تَنقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (91)

و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید ! و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید، در حالی که خدا را کفیل و ضامن بر (سوگند) خود قرار داده اید، به یقین خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است ! (91)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِن بَعْدِ قُوَّةٍ أَنكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (92)

همانند آن زن (سبک مغز) نباشید که پشمهای تابیده خود را، پس از استحکام، وامی تابید ! در حالی که (سوگند و پیمان) خود را وسیله خیانت و فساد قرار می دهید؛ بخاطر اینکه گروهی، جمعیّتشان از گروه دیگر بیشتر

است (و کثرت دشمن را بهانه ای برای شکستن بیعت با پیامبر می شمرید)! خدا فقط شما را با این وسیله آزمایش می کند؛ و به یقین روز قیامت، آنچه را در آن اختلاف داشتید، برای شما روشن می سازد! (92)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِى مَن يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (93)

و اگر خدا می خواست، همه شما را امت واحدی قرارمی داد؛ (و همه را به اجبار وادار به ایمان می کرد؛ امّا ایمان اجباری فایده ای ندارد!) ولی خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و لایق بداند) هدایت می کند! (به گروهی توفیق هدایت داده، و از گروهی سلب می کند!) و یقیناً شما از آنچه انجام می دادید، بازپرسی خواهید شد! (93)

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدتُّمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (94)

سوگندهایتان را وسیله تقلّب و خیانت در میان خود قرار ندهید، مبادا گامی بعد از ثابت گشتن (بر ایمان) متزلزل شود؛ و به خاطر بازداشتن (مردم) از راه خدا، آثار سوء آن را بچشید! و برای شما، عذاب عظیمی خواهد بود! (94)

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (95)

و (هرگز) پیمان الهی را با بهای کمی مبادله نکنید (و هر بهایی در برابر آن ناچیز است!) آنچه نزد خداست، برای شما بهتر است اگر می دانستید. (95)

مَا عِندَكُمْ يَنفَدُ وَمَا عِندَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (96)

آنچه نزد شماست فانی می شود؛ امّا آنچه نزد خداست باقی است؛ و به کسانی که صبر و استقامت پیشه کنند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش خواهیم داد. (96)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (97)

هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد. (97)

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (98)

هنگامی که قرآن می خوانی، از شرّ شیطان مطرود، به خدا پناه بر! (98)

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (99)

چرا که او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکّل می کنند، تسلّطی ندارد. (99)

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُم بِهِ مُشْرِكُونَ (100)

تسلّط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده اند، و آنها که نسبت به او [= خدا] شرک می ورزند (و فرمان شیطان را به جای فرمان خدا، گردن می نهند) (100)

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (101)

و هنگامی که آیه ای را به آیه دیگر مبدّل کنیم [= حکمی را نسخ نماییم] -و خدا بهتر می داند چه حکمی را نازل کند- آنها می گویند: «تو افترا می بندی!» امّا بیشترشان (حقیقت را) نمی دانند! (101)

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّکَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (102)

بگو، روح القدس آن را از جانب پروردگارت بحقّ نازل کرده، تا افراد باایمان را ثابت قدم گرداند؛ و هدایت و بشارتی است برای عموم مسلمانان! (102)

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِی يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِیٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِیٌّ مُّبِينٌ (103)

ما می دانیم که آنها می گویند: «این آیات را انسانی به او تعلیم می دهد!» در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می دهند عجمی است؛ ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است! (103)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (104)

به یقین، کسانی که به آیات الهی ایمان نمی آورند، خدا آنها را هدایت نمی کند؛ و برای آنان عذاب دردناکی است. (104)

إِنَّمَا يَفْتَرِی الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ (105)

تنها کسانی دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند؛ (آری،) دروغگویان واقعی آنها هستند! (105)

مَن كَفَرَ بِاللَّهِ مِن بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِن مَّن شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (106)

کسانی که بعد از ایمان کافر شوند -بجز آنها که تحت فشار واقع شده اند در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است- آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده اند، غضب خدا بر آنهاست؛ و عذاب عظیمی در انتظارشان! (106)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِی الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (107)

این به خاطر آن است که زندگی دنیا (و پست را) بر آخرت ترجیح دادند؛ و خداوند افراد بی ایمان (لجوج) را هدایت نمی کند. (107)

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (108)

آنها کسانی هستند که (بر اثر فزونی گناه،) خدا بر قلب و گوش و چشمانشان مهر نهاده؛ (به همین دلیل نمی فهمند،) و غافلان واقعی همانها هستند! (108)

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِی الْآخِرَهِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (109)

و ناچار آنها در آخرت زیانکارند. (109)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّکَ لِلَّذِینَ هَاجَرُوا مِن بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّکَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِیمٌ (110)

امّا پروردگار تو نسبت به کسانی که بعد از فریب خوردن، (به ایمان بازگشتند و) هجرت کردند؛ سپس جهاد کردند و در راه خدا استقامت نمودند؛ پروردگارت، بعد از انجام این کارها، بخشنده و مهربان است (و آنها را مشمول رحمت خود می سازد). (110)

يَوْمَ تَأْتِی كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَن نَّفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (111)

(به یاد آورید) روزی را که هر کس (در فکر خویشتن است؛ و تنها) به دفاع از خود برمی خیزد؛ و نتیجه اعمال هر کسی، بی کم و کاست، به او داده می شود؛ و به آنها ظلم نخواهد شد! (111)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (112)

خداوند (برای آنان که کفران نعمت می کنند،) مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود؛ و همواره روزیش از هر جا می رسید؛ امّا به نعمتهای خدا ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید! (112)

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (113)

پیامبری از خودشان به سراغ آنها آمد، او را تکذیب کردند؛ از این رو عذاب الهی آنها را فراگرفت در حالی که ظالم بودند! (113)

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (114)

پس، از آنچه خدا روزیتان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید؛ و شکر نعمت خدا را بجا آورید اگر او را می پرستید! (114)

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (115)

خداوند، تنها مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را با نام غیر خدا سر بریده اند، بر شما حرام کرده است؛ امّا کسانی که ناچار شوند، در حالی که تجاوز و تعدّی از حدّ ننمایند، (خدا آنها را می بخشد؛ چرا که) خدا بخشنده و مهربان است. (115)

وَلَا تَقُولَوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَى اللّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (116)

به خاطر دروغی که بر زبانتان جاری می شود (و چیزی را مجاز و چیزی را ممنوع می کنید،) نگویید: «این حلال است و آن حرام»، تا بر خدا افترا ببندید به یقین کسانی که به خدا دروغ می بندند، رستگار نخواهند شد! (116)

مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (117)

بهره کمی است (که در این دنیا نصیبشان می شود)؛ و عذاب دردناکی در انتظار آنان است! (117)

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِن قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (118)

چیزهایی را که پیش از این برای تو شرح دادیم، بر یهود حرام کردیم؛ ما به آنها ستم نکردیم، اما آنها به خودشان ظلم و ستم می کردند! (118)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّکَ لِلَّذِینَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَهٍ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِکَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّکَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِیمٌ (119)

امّا پروردگارت نسبت به آنها که از روی جهالت، بدی کرده اند، سپس توبه کرده و در مقام جبران برآمده اند، پروردگارت بعد از آن آمرزنده و مهربان است. (119)

إِنَّ إِبْرَاهِیمَ کَانَ أُمَّهً قَانِتًا لِّلَّهِ حَنِیفًا وَلَمْ یَکُ مِنَ الْمُشْرِکِینَ (120)

ابراهیم (به تنهایی) امّتی بود مطیع فرمان خدا؛ خالی از هر گونه انحراف؛ و از مشرکان نبود؛ (120)

شَاکِرًا لِّأَنْعُمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ (121)

شکرگزار نعمتهای پروردگار بود؛ خدا او را برگزید؛ و به راهی راست هدایت نمود! (121)

وَآتَیْنَاهُ فِی الدُّنْیَا حَسَنَهً وَإِنَّهُ فِی الْآخِرَهِ لَمِنَ الصَّالِحِینَ (122)

ما در دنیا به او (همّت) نیکویی دادیم؛ و در آخرت از نیکان است! (122)

ثُمَّ أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّهَ إِبْرَاهِیمَ حَنِیفًا وَمَا کَانَ مِنَ الْمُشْرِکِینَ (123)

سپس به تو وحی فرستادیم که از آیین ابراهیم -که ایمانی خالص داشت و از مشرکان نبود- پیروی کن! (123)

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَی الَّذِینَ اخْتَلَفُوا فِیهِ وَإِنَّ رَبَّکَ لَیَحْکُمُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فِیمَا کَانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ (124)

(تحریمهای) روز شنبه (برای یهود) فقط بعنوان یک مجازات بود، که در آن هم اختلاف کردند؛ و پروردگارت روز قیامت، در آنچه اختلاف داشتند، میان آنها داوری می کند! (124)

ادْعُ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَجَادِلْهُم بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِیلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ (125)

با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت یافتگان داناتر است. (125)

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُم بِهِ وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ (126)

و هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها بمقداری که به شما تعدّی شده کیفر دهید! و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است. (126)

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُکَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَکُ فِی ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (127)

صبر کن، و صبر تو فقط برای خدا و به توفیق خدا باشد! و بخاطر (کارهای) آنها، اندوهگین و دلسرد مشو! و از توطئه های آنها، در تنگنا قرار مگیر! (127)

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوا وَّالَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ (128)

خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده اند، و کسانی که نیکوکارند. (128)

جزء 15

سوره الإسراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذِی بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (1)

پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی -که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم- برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست. (1)

وَآتَيْنَا مُوسَی الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًی لِّبَنِی إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِی وَكِيلًا (2)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ و آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل ساختیم؛ (و گفتیم:) غیر ما را تکیه گاه خود قرار ندهید ! (2)

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا (3)

ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم ! او بنده شکرگزاری بود. (شما هم مانند او باشید، تا نجات یابید !) (3)

وَقَضَيْنَا إِلَی بَنِی إِسْرَائِيلَ فِی الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا (4)

ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود. (4)

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِی بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا (5)

هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضدّ شما میانگیزیم (تا شما را سخت در هم کوبند؛ حتی برای به دست آوردن مجرمان)، خانه ها را جستجو می کنند؛ و این وعده ای است قطعی ! (5)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (6)

سپس شما را بر آنها چیره می کنیم؛ و شما را به وسیله داراییها و فرزندانی کمک خواهیم کرد؛ و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرارمی دهیم. (6)

إِنْ أَحْسَنتُمْ أَحْسَنتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَهِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّهٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا (7)

اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود می کنید. و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در صورتهایتان ظاهر می شود؛ و داخل مسجد (الاقصی) می شوند همان گونه که بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطه خود می گیرند، در هم می کوبند. (7)

عَسَى رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (8)

امید است پروردگارتان به شما رحم کند! هرگاه برگردید، ما هم بازمی گردیم؛ و جهنّم را برای کافران، زندان سختی قرار دادیم. (8)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (9)

این قرآن، به راهی که استوارترین راه هاست، هدایت می کند؛ و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می دهند، بشارت می دهد که برای آنها پاداش بزرگی است. (9)

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (10)

و اینکه آنها که به قیامت ایمان نمی آورند، عذاب دردناکی برای آنان آماده ساخته ایم. (10)

وَيَدْعُ الْإِنسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنسَانُ عَجُولًا (11)

انسان (بر اثر شتابزدگی)، بدیها را طلب می کند آن گونه که نیکیها را می طلبد؛ و انسان، همیشه عجول بوده است! (11)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا (12)

ما شب و روز را دو نشانه توحید و عظمت خود قرار دادیم؛ سپس نشانه شب را محو کرده، و نشانه روز را روشنی بخش ساختیم تا (در پرتو آن،) فضل پروردگارتان را بطلبید (و به تلاش زندگی برخیزید)، و عدد سالها و حساب را بدانید؛ و هر چیزی را بطور مشخّص و آشکار، بیان کردیم. (12)

وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (13)

و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته ایم؛ و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می بیند! (این همان نامهٔ اعمال اوست!) (13)

اقْرَأ كِتَابَکَ كَفَى بِنَفْسِکَ الْيَوْمَ عَلَيْکَ حَسِيبًا (14)

(و به او می گوییم:) کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی! (14)

مَّنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَمَا كُنَّآ مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (15)

هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته؛ و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است؛ و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد؛ و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند.) (15)

وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِکَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (16)

و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بیان می داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدّت درهم می کوبیم. (16)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَى بِرَبِّکَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (17)

چه بسیار مردمی که در قرون بعد از نوح، زندگی می کردند؛ (و طبق همین سنت،) آنها را هلاک کردیم! و کافی است که پروردگارت از گناهان بندگانش آگاه، و نسبت به آن بیناست. (17)

مَّن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا (18)

آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم -و به هر کس اراده کنیم- می دهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش می سوزد در حالی که نکوهیده و رانده (درگاه خدا) است. (18)

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِکَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا (19)

و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند -در حالی که ایمان داشته باشد- سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد. (19)

كُلًّا نُّمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّکَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّکَ مَحْظُورًا (20)

هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت، بهره و کمک می دهیم؛ و عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است. (20)

انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا (21)

ببین چگونه بعضی را (در دنیا بخاطر تلاششان) بر بعضی دیگر برتری بخشیده ایم؛ درجات آخرت و برتریهایش، از این هم بیشتر است! (21)

لَّا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا (22)

هرگز معبود دیگری را با خدا قرار مده، که نکوهیده و بی یار و یاور خواهی نشست! (22)

وَقَضَى رَبُّکَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَکَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (23)

و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو! (23)

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَهِ وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِى صَغِيرًا (24)

و بالهای تواضع خویش را از محبّت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!» (24)

رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِى نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا (25)

پروردگار شما از درون دلهایتان آگاهتر است؛ (اگر لغزشی در این زمینه داشتید) هر گاه صالح باشید (و جبران کنید) او بازگشت کنندگان را می بخشد. (25)

وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (26)

و حقّ نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تبذیر مکن، (26)

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (27)

چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود! (27)

وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّکَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلاً مَّيْسُورًا (28)

و هرگاه از آنان [= مستمندان] روی برتابی، و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمک کنی)، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو! (28)

وَلَا تَجْعَلْ يَدَکَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِکَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (29)

هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حدّ (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی! (29)

إِنَّ رَبَّکَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (30)

به یقین، پروردگارت روزی را برای هر کس بخواهد، گشاده یا تنگ می دارد؛ او نسبت به بندگانش، آگاه و بیناست. (30)

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا (31)

و فرزندانتان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی می دهیم؛ مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است! (31)

وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (32)

و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است! (32)

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِى حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِف فِّى الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا (33)

و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است! (33)

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِى هِىَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (34)

و به مال یتیم، جز به بهترین راه نزدیک نشوید، تا به سر حد بلوغ رسد! و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می شود! (34)

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (35)

و هنگامی که پیمانه می کنید، حق پیمانه را ادا نمایید، و با ترازوی درست وزن کنید! این برای شما بهتر، و عاقبتش نیکوتر است. (35)

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (36)

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤولند. (36)

وَلَا تَمْشِ فِى الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (37)

و روی زمین، با تکبر راه مرو! تو نمی توانی زمین را بشکافی، و طول قامتت هرگز به کوه ها نمی رسد! (37)

كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا (38)

همه اینها گناهش نزد پروردگار تو ناپسند است. (38)

ذَلِکَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْکَ رَبُّکَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِى جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا (39)

این (احکام)، از حکمتهایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده؛ و هرگز معبودی با خدا قرار مده، که در جهنم افکنده می شوی، در حالی که سرزنش شده، و رانده (درگاه خدا) خواهی بود! (39)

أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا (40)

آیا پروردگارتان فرزندان پسر را مخصوص شما ساخته، و خودش دخترانی از فرشتگان برگزیده است؟! شما سخن بزرگ (و بسیار زشتی) می گویید! (40)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِى هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (41)

ما در این قرآن، انواع بیانات مؤثر را آوردیم تا متذکر شوند! ولی (گروهی از کوردلان،) جز بر نفرتشان نمی افزاید. (41)

قُل لَّوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَّابْتَغَوْا إِلَى ذِى الْعَرْشِ سَبِيلًا (42)

بگو: «اگر آنچنان که آنها می گویند با او خدایانی بود، در این صورت، (خدایان) سعی می کردند راهی به سوی (خداوند) صاحب عرش پیدا کنند.» (42)

سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا (43)

او پاک و برتر است از آنچه آنها می گویند، بسیار برتر و منزه تر! (43)

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ وَإِن مِّن شَىْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (44)

آسمانهای هفتگانه و زمین و کسانی که در آنها هستند، همه تسبیح او می گویند؛ و هر موجودی، تسبیح و حمد او می گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید؛ او بردبار و آمرزنده است. (44)

وَإِذَا قَرَأتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَکَ وَبَيْنَ الّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجَابًا مَّسْتُورًا (45)

و هنگامی که قرآن می خوانی، میان تو و آنها که به آخرت ایمان نمی آورند، حجاب ناپیدایی قرارمی دهیم؛ (45)

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِى آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّکَ فِى الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا (46)

و بر دلهایشان پوششهایی، تا آن را نفهمند؛ و در گوشهایشان سنگینی؛ و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می کنی، آنها پشت می کنند و از تو روی بر می گردانند. (46)

نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْکَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلاً مَّسْحُورًا (47)

هنگامی که به سخنان تو گوش فرامی دهند، ما بهتر می دانیم برای چه گوش فرا می دهند؛ (و همچنین) در آن هنگام که با هم نجوا می کنند؛ آنگاه که ستمگران می گویند: «شما جز از انسانی که افسون شده، پیروی نمی کنید !» (47)

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَکَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلاً (48)

ببین چگونه برای تو مثلها زدند! در نتیجه گمراه شدند، و نمی توانند راه حق را پیدا کنند. (48)

وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (49)

و گفتند: «آیا هنگامی که ما، استخوانهای پوسیده و پراکنده ای شدیم، دگر بار آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟ !» (49)

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا (50)

بگو: «شما سنگ باشید یا آهن، (50)

أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَن يَكُونَ قَرِيبًا (51)

یا هر مخلوقی که در نظر شما، از آن هم سخت تر است (و از حیات و زندگی دورتر می باشد، باز خدا قادر است شما را به زندگی مجدد بازگرداند). آنها بزودی می گویند: «چه کسی ما را بازمی گرداند؟!» بگو: «همان کسی که نخستین بار شما را آفرید.» آنان سر خود را (از روی تعجب و انکار،) به سوی تو خم می کنند و می گویند: «در چه زمانی خواهد بود؟!» بگو: «شاید نزدیک باشد! (51)

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا (52)

همان روز که شما را (از قبرهایتان) فرامی خواند؛ شما هم اجابت می کنید در حالی که حمد او را می گویید؛ می پندارید تنها مدت کوتاهی (در جهان برزخ) درنگ کرده اید!» (52)

وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا (53)

به بندگانم بگو: «سخنی بگویند که بهترین باشد! چرا که (شیطان بوسیله سخنان ناموزون)، میان آنها فتنه و فساد می کند؛ همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است! (53)

رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (54)

پروردگار شما، از (نیات و اعمال) شما آگاهتر است؛ اگر بخواهد (و شایسته بداند)، شما را مشمول رحمت خود می سازد؛ و اگر بخواهد، مجازات می کند؛ و ما تو را بعنوان مأمور بر آنان نفرستاده ایم (که آنان را مجبور به ایمان کنی!) (54)

وَرَبُّکَ أَعْلَمُ بِمَن فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِیِّینَ عَلَی بَعْضٍ وَآتَیْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (55)

پروردگار تو، از حال همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند، آگاهتر است؛ و (اگر تو را بر دیگران برتری دادیم، بخاطر شایستگی توست،) ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم؛ و به داوود، زبور بخشیدیم. (55)

قُلِ ادْعُوا الَّذِینَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِ فَلَا یَمْلِکُونَ کَشْفَ الضُّرِّ عَنکُمْ وَلَا تَحْوِیلًا (56)

بگو: «کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می پندارید، بخوانید! آنها نه می توانند مشکلی را از شما برطرف سازند، و نه تغییری در آن ایجاد کنند.» (56)

أُولَئِکَ الَّذِینَ یَدْعُونَ یَبْتَغُونَ إِلَی رَبِّهِمُ الْوَسِیلَةَ أَیُّهُمْ أَقْرَبُ وَیَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَیَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّکَ کَانَ مَحْذُورًا (57)

کسانی را که آنان می خوانند، خودشان وسیله ای (برای تقرب) به پروردگارشان می جویند، وسیله ای هر چه نزدیکتر؛ و به رحمت او امیدوارند؛ و از عذاب او می ترسند؛ چرا که عذاب پروردگارت، همواره در خور پرهیز و وحشت است! (57)

وَإِن مِّن قَرْیَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِکُوهَا قَبْلَ یَوْمِ الْقِیَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِیدًا کَانَ ذَلِکَ فِی الْکِتَابِ مَسْطُورًا (58)

هیچ شهر و آبادی نیست مگر اینکه آن را پیش از روز قیامت هلاک می کنیم؛ یا (اگر گناهکارند،) به عذاب شدیدی گرفتارشان خواهیم ساخت؛ این، در کتاب الهی [= لوح محفوظ] ثبت است. (58)

وَمَا مَنَعَنَا أَن نُّرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَن كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (59)

هیچ چیز مانع ما نبود که این معجزات (درخواستی بهانه جویان) را بفرستیم جز اینکه پیشینیان (که همین درخواستها را داشتند، و با ایشان هماهنگ بودند)، آن را تکذیب کردند؛ (از جمله،) ما به (قوم) ثمود، ناقه دادیم؛ (معجزه ای) که روشنگر بود؛ اما بر آن ستم کردند (و ناقه را کشتند). ما معجزات را فقط برای بیم دادن (و اتمام حجت) می فرستیم. (59)

وَإِذْ قُلْنَا لَکَ إِنَّ رَبَّکَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِی أَرَيْنَاکَ إِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِی الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا کَبِيرًا (60)

(به یاد آور) زمانی را که به تو گفتیم: «پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد؛ (و از وضعشان کاملاً آگاه است.) و ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود؛ همچنین شجره ملعونه [= درخت نفرین شده] را که در قرآن ذکر کرده ایم. ما آنها را بیم داده (و انذار) می کنیم؛ اما جز طغیان عظیم، چیزی بر آنها نمی افزاید!» (60)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِکَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا (61)

(به یاد آورید) زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند، جز ابلیس که گفت: «آیا برای کسی سجده کنم که او را از خاک آفریده ای؟!» (61)

قَالَ أَرَأَيْتَکَ هَذَا الَّذِی کَرَّمْتَ عَلَیَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَی يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِکَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (62)

(سپس) گفت: «به من بگو، این کسی را که بر من برتری داده ای (به چه دلیل بوده است؟) اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندانش را، جز عده کمی، گمراه و ریشه کن خواهم ساخت!» (62)

قَالَ اذْهَبْ فَمَن تَبِعَکَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُکُمْ جَزَاءً مَّوْفُورًا (63)

فرمود: «برو! هر کس از آنان از تو تبعیت کند، جهنم کیفر شماست، کیفری است فراوان! (63)

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُم بِصَوْتِکَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِکَ وَرَجِلِکَ وَشَارِکْهُمْ فِی الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (64)

هر کدام از آنها را می توانی با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده ات را بر آنها گسیل دار! و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی! و آنان را با وعده ها سرگرم کن! -ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده ای به آنها نمی دهد- (64)

إِنَّ عِبَادِی لَيْسَ لَکَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَکَفَی بِرَبِّکَ وَکِيلًا (65)

(اما بدان) تو هرگز سلطه ای بر بندگان من، نخواهی یافت (و آنها هیچ گاه به دام تو گرفتار نمی شوند)! همین قدر کافی است که پروردگارت حافظ آنها باشد.» (65)

رَّبُّکُمُ الَّذِی يُزْجِی لَکُمُ الْفُلْکَ فِی الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ کَانَ بِکُمْ رَحِيمًا (66)

پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی آورد، تا از نعمت او بهره مند شوید؛ او نسبت به شما مهربان است. (66)

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِی الْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنسَانُ كَفُورًا (67)

و هنگامی که در دریا ناراحتی به شما برسد، جز او، تمام کسانی را که (برای حل مشکلات خود) می خوانید، فراموش می کنید؛ اما هنگامی که شما را به خشکی نجات دهد، روی می گردانید؛ و انسان، بسیار ناسپاس است! (67)

أَفَأَمِنتُمْ أَن يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا (68)

آیا از این ایمن هستید که در خشکی (با یک زلزله شدید) شما را در زمین فرو ببرد، یا طوفانی از سنگریزه بر شما بفرستد (و در آن مدفونتان کند)، سپس حافظ (و یاوری) برای خود نیابید؟! (68)

أَمْ أَمِنتُمْ أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا (69)

یا اینکه ایمن هستید که بار دیگر شما را به دریا بازگرداند، و تندباد کوبنده ای بر شما بفرستد، و شما را بخاطر کفرتان غرق کند، سپس دادخواه و خونخواهی در برابر ما پیدا نکنید؟! (69)

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِی آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (70)

ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم. (70)

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِیَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (71)

(به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می خوانند؛ و بقدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی شود! (71)

وَمَن كَانَ فِی هَذِهِ أَعْمَی فَهُوَ فِی الْآخِرَهِ أَعْمَی وَأَضَلّ سَبِیلاً (72)

اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراهتر است! (72)

وَإِن کَادُوا لَیَفْتِنُونَکَ عَنِ الَّذِی أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ لِتَفْتَرِیَ عَلَیْنَا غَیْرَهُ وَإِذًا لَّاتَّخَذُوکَ خَلِیلاً (73)

نزدیک بود آنها تو را (با وسوسه های خود) از آنچه بر تو وحی کرده ایم بفریبند، تا غیر آن را به ما نسبت دهی؛ و در آن صورت، تو را به دوستی خود برمیگزینند! (73)

وَلَوْلَا أَن ثَبَّتْنَاکَ لَقَدْ کِدتَّ تَرْکَنُ إِلَیْهِمْ شَیْئًا قَلِیلاً (74)

و اگر ما تو را ثابت قدم نمی ساختیم (و در پرتو مقام عصمت، مصون از انحراف نبودی)، نزدیک بود به آنان تمایل کنی. (74)

إِذًا لَّأَذَقْنَاکَ ضِعْفَ الْحَیَاهِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَکَ عَلَیْنَا نَصِیرًا (75)

اگر چنین می کردی، ما دو برابر مجازات (مشرکان) در زندگی دنیا، و دو برابر (مجازات) آنها را بعد از مرگ، به تو می چشاندیم؛ سپس در برابر ما، یاوری برای خود نمی یافتی! (75)

وَإِن كَادُوا لَيَسْتَفِزُّونَکَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوکَ مِنْهَا وَإِذًا لَّا يَلْبَثُونَ خِلَافَکَ إِلَّا قَلِيلًا (76)

و نزدیک بود (با نیرنگ و توطئه) تو را از این سرزمین بلغزانند، تا از آن بیرونت کنند! و هرگاه چنین می کردند، (گرفتار مجازات سخت الهی شده،) و پس از تو، جز مدت کمی باقی نمی ماندند! (76)

سُنَّةَ مَن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَکَ مِن رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (77)

این سنت (ما در مورد) پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم؛ و هرگز برای سنت ما تغییر و دگرگونی نخواهی یافت! (77)

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوکِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (78)

نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر [= نماز صبح] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است! (78)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّکَ عَسَى أَن يَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (79)

و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد! (79)

وَقُل رَّبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَل لِّي مِن لَّدُنکَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا (80)

و بگو: «پروردگارا! مرا (در هر کار،) با صداقت وارد کن، و با صداقت خارج ساز! و از سوی خود، حجتی یاری کننده برایم قرار ده!» (80)

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (81)

و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی است!» (81)

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (82)

و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی افزاید. (82)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا (83)

هنگامی که به انسان نعمت می بخشیم، (از حق) روی می گرداند و متکبرانه دور می شود؛ و هنگامی که (کمترین) بدی به او می رسد، (از همه چیز) مایوس می گردد! (83)

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا (84)

بگو: «هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می کند؛ و پروردگارتان کسانی را که راهشان نیکوتر است، بهتر می شناسد.» (84)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّى وَمَا أُوتِيتُم مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (85)

و از تو درباره «روح» سؤال می کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!» (85)

وَلَئِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِى أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا (86)

و اگر بخواهیم، آنچه را بر تو وحی فرستاده ایم، از تو می گیریم؛ سپس کسی را نمی یابی که در برابر ما، از تو دفاع کند... (86)

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّکَ إِنَّ فَضْلَهُ کَانَ عَلَيْکَ کَبِيرًا (87)

مگر رحمت پروردگارت (شامل حالت گردد،) که فضل پروردگارت بر تو بزرگ بوده است! (87)

قُل لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (88)

بگو: «اگر انسانها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند. (88)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِى هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (89)

ما در این قرآن، برای مردم از هر چیز نمونه ای آوردیم (و همه معارف در آن جمع است)؛ اما بیشتر مردم (در برابر آن، از هر کاری) جز انکار، ابا داشتند! (89)

وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَکَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنبُوعًا (90)

و گفتند: «ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا اینکه چشمه جوشانی از این سرزمین (خشک و سوزان) برای ما خارج سازی... (90)

أَوْ تَكُونَ لَکَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا (91)

یا باغی از نخل و انگور از آن تو باشد؛ و نهرها در لابه لای آن جاری کنی... (91)

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِىَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا (92)

یا قطعات (سنگهای) آسمان را -آنچنان که می پنداری- بر سر ما فرود آری؛ یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری... (92)

أَوْ يَكُونَ لَکَ بَيْتٌ مِّن زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِى السَّمَاءِ وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّکَ حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّى هَلْ كُنتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا (93)

یا برای تو خانه ای پر نقش و نگار از طلا باشد؛ یا به آسمان بالا روی؛ حتی اگر به آسمان روی، ایمان نمی آوریم مگر آنکه نامه ای بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم! «بگو:» منزه است پروردگارم (از این سخنان بی معنی)! مگر من جز انسانی فرستاده خدا هستم؟! (93)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى إِلَّا أَن قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَّسُولًا (94)

تنها چیزی که بعد از آمدن هدایت مانع شد مردم ایمان بیاورند، این بود (که از روی نادانی و بی خبری) گفتند: «آیا خداوند بشری را بعنوان رسول فرستاده است؟!» (94)

قُل لَّوْ كَانَ فِى الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَّسُولًا (95)

بگو: «(حتی) اگر در روی زمین فرشتگانی (زندگی می کردند، و) با آرامش گام برمی داشتند، ما فرشته ای را به عنوان رسول، بر آنها می فرستادیم!» (چرا که رهنمای هر گروهی باید از جنس خودشان باشد). (95)

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (96)

بگو: «همین کافی است که خداوند، میان من و شما گواه باشد؛ چرا که او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست! (96)

وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (97)

هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست؛ و هر کس را (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هادیان و سرپرستانی غیر خدا برای او نخواهی یافت؛ و روز قیامت، آنها را بر صورتهایشان محشور می کنیم، در حالی که نابینا و گنگ و کرند؛ جایگاهشان دوزخ است؛ هر زمان آتش آن فرونشیند، شعله تازه ای بر آنان می افزاییم! (97)

ذَلِکَ جَزَاؤُهُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (98)

این کیفر آنهاست، بخاطر اینکه نسبت به آیات ما کافر شدند و گفتند: «آیا هنگامی که ما استخوانهای پوسیده و خاکهای پراکنده ای شدیم، بار دیگر آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟!» (98)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا (99)

آیا نمی دانند خدایی که آسمانها و زمین را آفریده، قادر است مثل آنان را بیافریند (و به زندگی جدید بازشان گرداند)؟! و برای آنان سرآمدی قطعی -که شکّی در آن نیست- قرار داده؛ امّا ظالمان، جز کفر و انکار را پذیرا نیستند! (99)

قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَهِ رَبِّی إِذًا لَّأَمْسَكْتُمْ خَشْيَهَ الْإِنفَاقِ وَكَانَ الْإِنسَانُ قَتُورًا (100)

بگو: «اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید. در آن صورت، (بخاطر تنگ نظری) امساک می کردید، مبادا انفاق، مایه تنگدستی شما شود» و انسان تنگ نظر است! (100)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْأَلْ بَنِی إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّی لَأَظُنُّکَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا (101)

ما به موسی نه معجزه روشن دادیم؛ پس از بنی اسرائیل سؤال کن آن زمان که این (معجزات نه گانه) به سراغ آنها آمد (چگونه بودند)؟! فرعون به او گفت: «ای موسی! گمان می کنم تو دیوانه (یا ساحری)!» (101)

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّی لَأَظُنُّکَ یَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا (102)

(موسی) گفت: «تو می دانی این آیات را جز پروردگار آسمانها و زمین -برای روشنی دلها- نفرستاده؛ و من گمان می کنم ای فرعون، تو (بزودی) هلاک خواهی شد!» (102)

فَأَرَادَ أَن یَسْتَفِزَّهُم مِّنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ جَمِیعًا (103)

پس (فرعون) تصمیم گرفت آنان را از آن سرزمین ریشه کن سازد؛ ولی ما، او و تمام کسانی را که با او بودند، غرق کردیم. (103)

وَقُلْنَا مِن بَعْدِهِ لِبَنِی إِسْرَائِیلَ اسْکُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَهِ جِئْنَا بِکُمْ لَفِیفًا (104)

و بعد از آن به بنی اسرائیل گفتیم: «در این سرزمین [= مصر و شام] ساکن شوید! امّا هنگامی که وعده آخرت فرا رسد، همه شما را دسته جمعی (به آن دادگاه عدل) می آوریم» (104)

وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاکَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (105)

و ما قرآن را بحق نازل کردیم؛ و بحق نازل شد؛ و تو را، جز بعنوان بشارت دهنده و بیم دهنده، نفرستادیم! (105)

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا (106)

و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را بتدریج نازل کردیم. (106)

قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا (107)

بگو: «خواه به آن ایمان بیاورید، و خواه ایمان نیاورید، کسانی که پیش از آن به آنها دانش داده شده، هنگامی که (این آیات) بر آنان خوانده می شود، سجده کنان به خاک می افتند... (107)

وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا (108)

و می گویند: «منزّه است پروردگار ما، که وعده هایش به یقین انجام شدنی است!» (108)

وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا (109)

آنها (بی اختیار) به زمین می افتند و گریه می کنند؛ و (تلاوت این آیات، همواره) بر خشوعشان می افزاید. (109)

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِکَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِکَ سَبِيلًا (110)

بگو: ««اللّه» را بخوانید یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید، (ذات پاکش یکی است؛ و) برای او بهترین نامهاست!» و نمازت را زیاد بلند، یا خیلی آهسته نخوان؛ و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن! (110)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِیٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا (111)

و بگو: «ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه بخاطر ضعف و ذلّت، (حامی و) سرپرستی برای اوست!» و او را بسیار بزرگ بشمار! (111)

سوره الکهف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَنزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَل لَّهُ عِوَجًا (1)

حمد مخصوص خدایی است که این کتاب (آسمانی) را بر بنده (برگزیده) اش نازل کرد، و هیچ گونه کژی در آن قرار نداد... (1)

قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا (2)

در حالی که ثابت و مستقیم و نگاهبان کتابهای (آسمانی) دیگر است؛ تا (بدکاران را) از عذاب شدید او بترساند؛ و مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام می دهند، بشارت دهد که پاداش نیکویی برای آنهاست... (2)

مَّاكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا (3)

(همان بهشت برین) که جاودانه در آن خواهند ماند! (3)

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا (4)

و (نیز) آنها را که گفتند: «خداوند، فرزندی (برای خود) انتخاب کرده است»، انذار کند. (4)

مَّا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا (5)

نه آنها (هرگز) به این سخن یقین دارند، و نه پدرانشان! سخن بزرگی از دهانشان خارج می شود! آنها فقط دروغ می گویند! (5)

فَلَعَلَّکَ بَاخِعٌ نَّفْسَکَ عَلَى آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا (6)

] گویی می خواهی بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند! (6)

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (7)

ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می کنند! (7)

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا (8)

(ولی) این زرق و برقها پایدار نیست، و ما (سرانجام) قشر روی زمین را خاک بی گیاهی قرار می دهیم! (8)

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (9)

آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟! (9)

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنکَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (10)

زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند، و گفتند: «پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن، و راه نجاتی برای ما فراهم ساز!» (10)

فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (11)

ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم، و سالها در خواب فرو رفتند. (11)

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَیُّ الْحِزْبَیْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (12)

سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (و این امر آشکار گردد که) کدام یک از آن دو گروه، مدّت خواب خود را بهتر حساب کرده اند. (12)

نَّحْنُ نَقُصُّ عَلَیْکَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْیَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى (13)

ما داستان آنان را بحق برای تو بازگو می کنیم؛ آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم. (13)

وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَّدْعُوَ مِن دُونِهِ إِلَهًا لَّقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا (14)

و دلهایشان را محکم ساختیم در آن موقع که قیام کردند و گفتند: «پروردگار ما، پروردگار آسمانها و زمین است؛ هرگز غیر او معبودی را نمی خوانیم؛ که اگر چنین کنیم، سخنی بگزاف گفته ایم. (14)

هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّوْلَا یَأْتُونَ عَلَیْهِم بِسُلْطَانٍ بَیِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ کَذِبًا (15)

این قوم ما هستند که معبودهایی جز خدا انتخاب کرده اند؛ چرا دلیل آشکاری (بر این کار) نمی آورند؟ ! و چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ ببندد؟ !» (15)

وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنشُرْ لَكُمْ رَبُّكُم مِّن رَّحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُم مِّنْ أَمْرِكُم مِّرْفَقًا (16)

و (به آنها گفتیم:) هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می پرستند کناره گیری کردید، به غار پناه برید؛ که پروردگارتان (سایه) رحمتش را بر شما می گستراند؛ و در این امر، آرامشی برای شما فراهم می سازد! (16)

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَاوَرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِّنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا (17)

و (اگر در آنجا بودی) خورشید را می دیدی که به هنگام طلوع، به سمت راست غارشان متمایل می گردد؛ و به هنگام غروب، به سمت چپ؛ و آنها در محل وسیعی از آن (غار) قرار داشتند؛ این از آیات خداست! هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست؛ و هر کس را گمراه نماید، هرگز ولیّ و راهنمایی برای او نخواهی یافت! (17)

وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا (18)

و (اگر به آنها نگاه می کردی) می پنداشتی بیدارند؛ در حالی که در خواب فرو رفته بودند! و ما آنها را به سمت راست و چپ میگرداندیم (تا بدنشان سالم بماند). و سگ آنها دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود (و نگهبانی می کرد). اگر نگاهشان می کردی، از آنان می گریختی؛ و سر تا پای تو از ترس و وحشت پر می شد! (18)

وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُم بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا (19)

این گونه آنها را (از خواب) برانگیختیم تا از یکدیگر سؤال کنند؛ یکی از آنها گفت: «چه مدّت خوابیدید؟!» گفتند: «یک روز، یا بخشی از یک روز!» (و چون نتوانستند مدّت خوابشان را دقیقاً بدانند) گفتند: «پروردگارتان از مدّت خوابتان آگاهتر است! اکنون یک نفر از خودتان را با این سکّه ای که

دارید به شهر بفرستید، تا بنگرد کدام یک از آنها غذای پاکیزه تری دارند، و مقداری از آن برای روزی شما بیاورد. امّا باید دقّت کند، و هیچ کس را از وضع شما آگاه نسازد... (19)

إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِی مِلَّتِهِمْ وَلَن تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا (20)

چرا که اگر آنان از وضع شما آگاه شوند، سنگسارتان می کنند؛ یا شما را به آیین خویش بازمی گردانند؛ و در آن صورت، هرگز روی رستگاری را نخواهید دید!» (20)

وَكَذَلِکَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا (21)

و اینچنین مردم را متوّجه حال آنها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حقّ است؛ و در پایان جهان و قیام قیامت شکّی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند! و از آنها سخن نگویید که) پروردگارشان از وضع آنها آگاهتر است!» ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود.)» (21)

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّى أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا (22)

گروهی خواهند گفت: «آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان بود!» و گروهی می گویند: «پنج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود.» -همه اینها سخنانی بی دلیل است- و گروهی می گویند: «آنها هفت نفر بودند، و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاهتر است!» جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی دانند. پس درباره آنان جز با دلیل سخن مگو؛ و از هیچ کس درباره آنها سؤال مکن! (22)

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَلِکَ غَدًا (23)

و هرگز در مورد کاری نگو: «من فردا آن را انجام می دهم»... (23)

إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُر رَّبَّکَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَن يَهْدِيَنِ رَبِّى لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا (24)

مگر اینکه خدا بخواهد! و هرگاه فراموش کردی، (جبران کن) و پروردگارت را به خاطر بیاور؛ و بگو: «امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشنتر از این هدایت کند!» (24)

وَلَبِثُوا فِى كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا (25)

آنها در غارشان سیصد سال درنگ کردند، و نه سال (نیز) بر آن افزودند. (25)

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِى حُكْمِهِ أَحَدًا (26)

بگو: «خداوند از مدّت توقفشان آگاهتر است؛ غیب آسمانها و زمین از آن اوست! راستی چه بینا و شنواست! آنها هیچ ولیّ و سرپرستی جز او ندارند! و او هیچ کس را در حکم خود شرکت نمی دهد!» (26)

وَاتْلُ مَا أُوحِىَ إِلَيْکَ مِن كِتَابِ رَبِّکَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا (27)

آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن! هیچ چیز سخنان او را دگرگون نمی سازد؛ و هرگز پناهگاهی جز او نمی یابی! (27)

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاهِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَهَ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا (28)

با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می خوانند، و تنها رضای او را می طلبند! و هرگز بخاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برمگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است. (28)

وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِى الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا (29)

بگو: «این حقّ است از سوی پروردگارتان! هر کس می خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس میخواهد کافر گردد!» ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سراپرده اش آنان را از هر سو احاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان میاورند که همچون فلز گداخته صورتها را بریان می کند! چه بد نوشیدنی، و چه بد محل اجتماعی است! (29)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (30)

مسلّماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد! (30)

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (31)

آنها کسانی هستند که بهشت جاودان برای آنان است؛ باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختان و قصرهایش جاری است؛ در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می شوند؛ و لباسهایی (فاخر) به رنگ سبز، از حریر نازک و ضخیم، دربر می کنند؛ در حالی که بر تختها تکیه کرده اند. چه پاداش خوبی، و چه جمع نیکویی! (31)

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا (32)

(ای پیامبر!) برای آنان مثالی بزن: آن دو مرد، که برای یکی از آنها دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم؛ و گرداگرد آن دو (باغ) را با درختان نخل پوشاندیم؛ و در میانشان زراعت پر برکتی قراردادیم. (32)

كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا (33)

هر دو باغ، میوه آورده بود، (میوه های فراوان،) و چیزی فروگذار نکرده بود؛ و میان آن دو، نهر بزرگی جاری ساخته بودیم. (33)

وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا (34)

صاحب این باغ، درآمد فراوانی داشت؛ به همین جهت، به دوستش -در حالی که با او گفتگو می کرد- چنین گفت: «من از نظر ثروت از تو برتر، و از نظر نفرات نیرومندترم!» (34)

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا (35)

و در حالی که نسبت به خود ستمکار بود، در باغ خویش گام نهاد، و گفت: «من گمان نمی کنم هرگز این باغ نابود شود! (35)

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَى رَبِّى لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنقَلَبًا (36)

و باور نمی کنم قیامت برپا گردد! و اگر به سوی پروردگارم بازگردانده شوم (و قیامتی در کار باشد)، جایگاهی بهتر از این جا خواهم یافت!» (36)

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِى خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا (37)

دوست (با ایمان) وی -در حالی که با او گفتگو می کرد- گفت: «آیا به خدایی که تو را از خاک، و سپس از نطفه آفرید، و پس از آن تو را مرد کاملی قرار داد، کافر شدی؟! (37)

لَّكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّى وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّى أَحَدًا (38)

ولی من کسی هستم که «اللّه» پروردگار من است؛ و هیچ کس را شریک پروردگارم قرارنمی دهم! (38)

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا (39)

چرا هنگامی که وارد باغت شدی، نگفتی این نعمتی است که خدا خواسته است؟! قوّت (و نیرویی) جز از ناحیه خدا نیست! و اگر می بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم (مطلب مهمّی نیست)! (39)

فَعَسَى رَبِّى أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا (40)

شاید پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد؛ و مجازات حساب شده ای از آسمان بر باغ تو فروفرستد، بگونه ای که آن را به زمین بی گیاه لغزنده ای مبدّل کند! (40)

أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا (41)

و یا آب آن در اعمال زمین فرو رود، آن گونه که هرگز نتوانی آن را به دست آوری !» (41)

وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا (42)

(به هر حال عذاب الهی فرا رسید،) و تمام میوه های آن نابود شد؛ و او بخاطر هزینه هایی که در آن صرف کرده بود، پیوسته دستهای خود را به هم می مالید -در حالی که تمام باغ بر داربستهایش فرو ریخته بود- و می گفت: «ای کاش کسی را همتای پروردگارم قرار نداده بودم !» (42)

وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا (43)

و گروهی نداشت که او را در برابر (عذاب) خداوند یاری دهند؛ و از خودش (نیز) نمی توانست یاری گیرد. (43)

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (44)

در آنجا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است ! اوست که برترین ثواب، و بهترین عاقبت را (برای مطیعان) دارد ! (44)

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (45)

(ای پیامبر !) زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می فرستیم؛ و بوسیله آن، گیاهان زمین (سرسبز می شود و) در هم فرومیرود. امّا بعد از مدتی می خشکد؛ و بادها آن را به هر سو پراکنده می کند؛ و خداوند بر همه چیز تواناست ! (45)

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّکَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا (46)

مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست؛ و باقیات صالحات [= ارزشهای پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش تر است ! (46)

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا (47)

و روزی را به خاطر بیاور که کوه ها را به حرکت درآوریم؛ و زمین را آشکار (و مسطح) می بینی؛ و همه آنان [= انسانها] را برمی انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد ! (47)

وَعُرِضُوا عَلَى رَبِّکَ صَفًّا لَّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّهٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم مَّوْعِدًا (48)

آنها همه در یک صف به (پیشگاه) پروردگارت عرضه می شوند؛ (و به آنان گفته می شود:) همگی نزد ما آمدید، همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم ! اما شما گمان می کردید ما هرگز موعدی برایتان قرار نخواهیم داد ! (48)

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّکَ أَحَدًا (49)

و کتاب [= کتابی که نامه اعمال همه انسانهاست] در آن جا گذارده می شود، پس گنهکاران را می بینی که از آنچه در آن است، ترسان و هراسانند؛ و می گویند: «ای وای بر ما ! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟ ! و (این در حالی است که) همه اعمال خود را حاضر می بینند؛ و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند. (49)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِى وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (50)

به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس -که از جن بود- و از فرمان پروردگارش بیرون شد آیا (با این حال،) او و فرزندانش را به جای من اولیای خود انتخاب می کنید، در حالی که آنها دشمن شما هستند؟! (فرمانبرداری از شیطان و فرزندانش به جای اطاعت خدا،) چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران! (50)

مَّا أَشْهَدتُّهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنفُسِهِمْ وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا (51)

من هرگز آنها [= ابلیس و فرزندانش] را به هنگام آفرینش آسمانها و زمین، و نه به هنگام آفرینش خودشان، حاضر نساختم! و من هیچ گاه گمراه کنندگان را دستیار خود قرار نمی دهم! (51)

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا (52)

به خاطر بیاورید روزی را که (خداوند) می گوید: «همتایانی را که برای من می پنداشتید، بخوانید (تا به کمک شما بشتابند!)» ولی هر چه آنها را می خوانند، جوابشان نمی دهند؛ و در میان این دو گروه، کانون هلاکتی قرارداده ایم! (52)

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا (53)

و گنهکاران، آتش (دوزخ) را می بینند؛ و یقین می کنند که با آن درمی آمیزند، و هیچ گونه راه گریزی از آن نخواهند یافت. (53)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِی هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِن کُلِّ مَثَلٍ وَکَانَ الْإِنسَانُ أَکْثَرَ شَیْءٍ جَدَلًا (54)

و در این قرآن، از هر گونه مثلی برای مردم بیان کرده ایم؛ ولی انسان بیش از هر چیز، به مجادله می پردازد! (54)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن یُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَی وَیَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَن تَأْتِیَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِینَ أَوْ یَأْتِیَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا (55)

و چیزی مردم را بازنداشت از اینکه -وقتی هدایت به سراغشان آمد- ایمان بیاورند و از پروردگارشان طلب آمرزش کنند، جز اینکه (خیره سری کردند؛ گویی می خواستند) سرنوشت پیشینیان برای آنان بیاید، یا عذاب (الهی) در برابرشان قرار گیرد! (55)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِینَ إِلَّا مُبَشِّرِینَ وَمُنذِرِینَ وَیُجَادِلُ الَّذِینَ کَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِیُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آیَاتِی وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا (56)

ما پیامبران را، جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده، نمی فرستیم؛ اما کافران همواره مجادله به باطل می کنند، تا (به گمان خود،) حق را بوسیله آن از میان بردارند! و آیات ما، و مجازاتهایی را که به آنان وعده داده شده است، به باد مسخره گرفتند! (56)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُکِّرَ بِآیَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِیَ مَا قَدَّمَتْ یَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّةً أَن یَفْقَهُوهُ وَفِی آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَی الْهُدَی فَلَن یَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (57)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او تذکّر داده شده، و از آن روی گرداند، و آنچه را با دستهای خود پیش فرستاد فراموش کرد؟! ما بر دلهای اینها پرده هایی افکنده ایم تا نفهمند؛ و در گوشهایشان سنگینی قرار داده ایم (تا صدای حق را نشنوند)! و از این رو اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی شوند! (57)

وَرَبُّکَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ یُؤَاخِذُهُم بِمَا کَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَل لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن یَجِدُوا مِن دُونِهِ مَوْئِلًا (58)

و پروردگارت، آمرزنده و صاحب رحمت است؛ اگر می خواست آنان را به خاطر اعمالشان مجازات کند، عذاب را هر چه زودتر برای آنها می فرستاد؛ ولی برای آنان موعدی است که هرگز از آن راه فراری نخواهند داشت! (58)

وَتِلْکَ الْقُرَی أَهْلَکْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِکِهِم مَّوْعِدًا (59)

این شهرها و آبادیهایی است که ما آنها را هنگامی که ستم کردند هلاک نمودیم؛ و برای هلاکتشان موعدی قرار دادیم! (آنها ویرانه هایش را با چشم می بینند، و عبرت نمی گیرند!) (59)

وَإِذْ قَالَ مُوسَی لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّی أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَیْنِ أَوْ أَمْضِیَ حُقُبًا (60)

به خاطر بیاور هنگامی را که موسی به دوست خود گفت: دست از جستجو برنمی دارم تا به محل تلاقی دو دریا برسم؛ هر چند مدت طولانی به راه خود ادامه دهم! (60)

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَیْنِهِمَا نَسِیَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِیلَهُ فِی الْبَحْرِ سَرَبًا (61)

(ولی) هنگامی که به محل تلاقی آن دو دریا رسیدند، ماهی خود را (که برای تغذیه همراه داشتند) فراموش کردند؛ و ماهی راه خود را در دریا پیش گرفت (و روان شد). (61)

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا (62)

هنگامی که از آن جا گذشتند، (موسی) به یار همسفرش گفت: «غذای ما را بیاور، که سخت از این سفر خسته شده ایم!» (62)

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّى نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِى الْبَحْرِ عَجَبًا (63)

گفت: «به خاطر داری هنگامی که ما (برای استراحت) به کنار آن صخره پناه بردیم، من (در آن جا) فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم -و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد- و ماهی بطرز شگفت آوری راه خود را در دریا پیش گرفت!» (63)

قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا (64)

(موسی) گفت: «آن همان بود که ما می خواستیم!» سپس از همان راه بازگشتند، در حالی که پی جویی می کردند. (64)

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا (65)

(در آن جا) بنده ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. (65)

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا (66)

موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» (66)

قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا (67)

گفت: «تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی کنی! (67)

وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (68)

و چگونه می توانی در برابر چیزی که از رموزش آگاه نیستی شکیبا باشی؟! (68)

قَالَ سَتَجِدُنِی إِن شَاءَ اللّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِی لَکَ أَمْرًا (69)

(موسی) گفت: «به خواست خدا مرا شکیبا خواهی یافت؛ و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد!» (69)

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِی فَلَا تَسْأَلْنِی عَن شَیْءٍ حَتَّی أُحْدِثَ لَکَ مِنْهُ ذِکْرًا (70)

(خضر) گفت: «پس اگر می خواهی بدنبال من بیایی، از هیچ چیز مپرس تا خودم (به موقع) آن را برای تو بازگو کنم.» (70)

فَانطَلَقَا حَتَّی إِذَا رَکِبَا فِی السَّفِینَهِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَیْئًا إِمْرًا (71)

آن دو به راه افتادند؛ تا آن که سوار کشتی شدند، (خضر) کشتی را سوراخ کرد. (موسی) گفت: «آیا آن را سوراخ کردی که اهلش را غرق کنی؟! راستی که چه کار بدی انجام دادی!» (71)

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّکَ لَن تَسْتَطِیعَ مَعِیَ صَبْرًا (72)

گفت: «آیا نگفتم تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی کنی؟!» (72)

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِی بِمَا نَسِیتُ وَلَا تُرْهِقْنِی مِنْ أَمْرِی عُسْرًا (73)

(موسی) گفت: «مرا بخاطر این فراموشکاریم مؤاخذه مکن و از این کارم بر من سخت مگیر!» (73)

فَانطَلَقَا حَتَّی إِذَا لَقِیَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَکِیَّهً بِغَیْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَیْئًا نُّکْرًا (74)

باز به راه خود ادامه دادند، تا اینکه نوجوانی را دیدند؛ و او آن نوجوان را کشت. (موسی) گفت: «آیا انسان پاکی را، بی آنکه قتلی کرده باشد، کشتی؟! براستی کار زشتی انجام دادی!» (74)

جزء 16

ادامه سوره الكهف

قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّکَ إِنَّکَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا (75)

(باز آن مرد عالم) گفت: «آیا به تو نگفتم که تو هرگز نمی توانی با من صبر کنی؟ !» (75)

قَالَ إِن سَأَلْتُکَ عَن شَىْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِى قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّى عُذْرًا (76)

(موسی) گفت: «بعد از این اگر درباره چیزی از تو سؤال کردم، دیگر با من همراهی نکن؛ (زیرا) از سوی من معذور خواهی بود !» (76)

فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا (77)

باز به راه خود ادامه دادند تا به مردم قریه ای رسیدند؛ از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند؛ ولی آنان از مهمان کردنشان خودداری نمودند؛ (با این حال) در آن جا دیواری یافتند که می خواست فروریزد؛ و (آن مرد عالم) آن را برپا داشت. (موسی) گفت: «(لااقل) می خواستی در مقابل این کار مزدی بگیری !» (77)

قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِى وَبَيْنِکَ سَأُنَبِّئُکَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا (78)

او گفت: «اینک زمان جدایی من و تو فرا رسیده؛ اما بزودی راز آنچه را که نتوانستی در برابر آن صبر کنی، به تو خبر می دهم. (78)

أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِى الْبَحْرِ فَأَرَدتُّ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُم مَّلِکٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا (79)

اما آن کشتی مال گروهی از مستمندان بود که با آن در دریا کار می کردند؛ و من خواستم آن را معیوب کنم؛ (چرا که) پشت سرشان پادشاهی (ستمگر) بود که هر کشتی (سالمی) را بزور میگرفت ! (79)

وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا (80)

و اما آن نوجوان، پدر و مادرش با ایمان بودند؛ و بیم داشتیم که آنان را به طغیان و کفر وادارد! (80)

فَأَرَدْنَا أَن يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا (81)

از این رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او، فرزندی پاکتر و با محبت تر به آن دو بدهد! (81)

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا (82)

و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود؛ و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت؛ و پدرشان مرد صالحی بود؛ و پروردگار تو می خواست آنها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند؛ این رحمتی از پروردگارت بود؛ و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم؛ این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آنها شکیبایی به خرج دهی!» (82)

وَيَسْأَلُونَكَ عَن ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا (83)

و از تو درباره «ذو القرنین» می پرسند؛ بگو: «بزودی بخشی از سرگذشت او را برای شما بازگو خواهم کرد.» (83)

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِی الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِن كُلِّ شَیْءٍ سَبَبًا (84)

ما به او در روی زمین، قدرت و حکومت دادیم؛ و اسباب هر چیز را در اختیارش گذاشتیم. (84)

فَأَتْبَعَ سَبَبًا (85)

او از این اسباب، (پیروی و استفاده) کرد... (85)

حَتَّی إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِی عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِندَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا (86)

تا به غروبگاه آفتاب رسید؛ (در آن جا) احساس کرد (و در نظرش مجسّم شد) که خورشید در چشمه تیره و گل آلودی فرو می رود؛ و در آن جا قومی را یافت؛ گفتیم: «ای ذو القرنین! آیا می خواهی (آنان) را مجازات کنی، و یا روش نیکویی در مورد آنها انتخاب نمایی؟» (86)

قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَی رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكْرًا (87)

گفت: «اما کسی را که ستم کرده است، مجازات خواهیم کرد؛ سپس به سوی پروردگارش بازمی گردد، و خدا او را مجازات شدیدی خواهد کرد! (87)

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءً الْحُسْنَی وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا (88)

و اما کسی که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پاداشی نیکوتر خواهد داشت؛ و ما دستور آسانی به او خواهیم داد.» (88)

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا (89)

سپس (بار دیگر) از اسبابی (که در اختیار داشت) بهره گرفت... (89)

حَتَّی إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَی قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا (90)

تا به خاستگاه خورشید رسید؛ (در آن جا) دید خورشید بر جمعیّتی طلوع می کند که در برابر (تابش) آفتاب، پوششی برای آنها قرار نداده بودیم (و هیچ گونه سایبانی نداشتند). (90)

كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا (91)

(آری) اینچنین بود (کار ذو القرنین)! و ما بخوبی از امکاناتی که نزد او بود آگاه بودیم! (91)

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا (92)

(باز) از اسباب مهمّی (که در اختیار داشت) استفاده کرد... (92)

حَتَّى إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (93)

(و همچنان به راه خود ادامه داد) تا به میان دو کوه رسید؛ و در کنار آن دو (کوه) قومی را یافت که هیچ سخنی را نمی فهمیدند (و زبانشان مخصوص خودشان بود)! (93)

قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِى الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (94)

(آن گروه به او) گفتند: «ای ذو القرنین یأجوج و مأجوج در این سرزمین فساد می کنند؛ آیا ممکن است ما هزینه ای برای تو قرار دهیم، که میان ما و آنها سدّی ایجاد کنی؟!» (94)

قَالَ مَا مَكَّنِّى فِيهِ رَبِّى خَيْرٌ فَأَعِينُونِى بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا (95)

(ذو القرنین) گفت: «آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده، بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می کنید)! مرا با نیرویی یاری دهید، تا میان شما و آنها سدّ محکمی قرار دهم! (95)

آتُونِى زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِى أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا (96)

قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید (و آنها را روی هم بچینید)!» تا وقتی که کاملاً میان دو کوه را پوشانید، گفت: «(در اطراف آن آتش بیفروزید، و) در

آن بدمید!» (آنها دمیدند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، و گفت: «(اکنون) مس مذاب برایم بیاورید تا بر روی آن بریزم!» (96)

فَمَا اسْطَاعُوا أَن يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا (97)

(سرانجام چنان سدّ نیرومندی ساخت) که آنها [= طایفه یأجوج و مأجوج] قادر نبودند از آن بالا روند؛ و نمی توانستند نقبی در آن ایجاد کنند. (97)

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّی فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّی جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّی حَقًّا (98)

(آنگاه) گفت: «این از رحمت پروردگار من است! امّا هنگامی که وعده پروردگارم فرا رسد، آن را در هم می کوبد؛ و وعده پروردگارم حق است!» (98)

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِی بَعْضٍ وَنُفِخَ فِی الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا (99)

و در آن روز (که جهان پایان می گیرد)، ما آنان را چنان رها می کنیم که درهم موج می زنند؛ و در صور [= شیپور] دمیده می شود؛ و ما همه را جمع می کنیم! (99)

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا (100)

در آن روز، جهنم را بر کافران عرضه می داریم! (100)

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِی غِطَاءٍ عَن ذِكْرِی وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا (101)

همانها که پرده ای چشمانشان را از یاد من پوشانده بود، و قدرت شنوایی نداشتند! (101)

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِی مِن دُونِی أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا (102)

آیا کافران پنداشتند می توانند بندگانم را به جای من اولیای خود انتخاب کنند؟! ما جهنم را برای پذیرایی کافران آماده کرده ایم! (102)

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (103)

بگو: «آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ (103)

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِی الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (104)

آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده؛ با این حال، می پندارند کار نیک انجام می دهند!» (104)

أُولَئِکَ الّذِينَ کَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالَهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَزْنًا (105)

آنها کسانی هستند که به آيات پروردگارشان و لقای او کافر شدند؛ به همين جهت، اعمالشان حبط و نابود شد! از اين رو روز قيامت، ميزانی برای آنها برپا نخواهيم کرد! (105)

ذَلِکَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا کَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِی وَرُسُلِی هُزُوًا (106)

(آری،) اين گونه است! کيفرشان دوزخ است، بخاطر آنکه کافر شدند، و آيات من و پيامبرانم را به سخريه گرفتند! (106)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ کَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا (107)

امّا کسانی که ايمان آوردند و کارهای شايسته انجام دادند، باغهای بهشت برين محل پذيرايی آنان خواهد بود. (107)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا (108)

آنها جاودانه در آن خواهند ماند؛ و هرگز تقاضای نقل مکان از آن جا نمی کنند! (108)

قُل لَّوْ کَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّکَلِمَاتِ رَبِّی لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ کَلِمَاتُ رَبِّی وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا (109)

بگو: «اگر درياها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکّب شود، درياها پايان می گيرد. پيش از آنکه کلمات پروردگارم پايان يابد؛ هر چند همانند آن (درياها) را کمک آن قرار دهيم!» (109)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُکُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُکُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن کَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِکْ بِعِبَادَهِ رَبِّهِ أَحَدًا (110)

بگو: «من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتيازم اين است که) به من وحی می شود که تنها معبودتان معبود يگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگارش اميد دارد، بايد کاری شايسته انجام دهد، و هيچ کس را در عبادت پروردگارش شريک نکند! (110)

سوره مریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كهيعص (1)

كهيعص (1)

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّکَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا (2)

(این) یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده اش زکریا... (2)

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (3)

در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه (عبادت) پنهان خواند... (3)

قَالَ رَبِّ إِنِّى وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّى وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُن بِدُعَائِکَ رَبِّ شَقِيًّا (4)

گفت: «پروردگارا! استخوانم سست شده؛ و شعله پیری تمام سرم را فراگرفته؛ و من هرگز در دعای تو، از اجابت محروم نبوده ام! (4)

وَإِنِّى خِفْتُ الْمَوَالِىَ مِن وَرَائِى وَكَانَتِ امْرَأَتِى عَاقِرًا فَهَبْ لِى مِن لَّدُنکَ وَلِيًّا (5)

و من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند)! و (از طرفی) همسرم نازا و عقیم است؛ تو از نزد خود جانشینی به من ببخش... (5)

يَرِثُنِى وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (6)

که وارث من و دودمان یعقوب باشد؛ و او را مورد رضایتت قرار ده!» (6)

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُکَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَل لَّهُ مِن قَبْلُ سَمِيًّا (7)

ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می دهیم که نامش «یحیی» است؛ و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده ایم! (7)

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِى غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِى عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا (8)

گفت: «پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود؟! در حالی که همسرم نازا و عقیم است، و من نیز از شدّت پیری افتاده شده ام!» (8)

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا (9)

فرمود: «پروردگارت این گونه گفته (و اراده کرده)! این بر من آسان است؛ و قبلاً تو را آفریدم در حالی که چیزی نبودی!» (9)

قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (10)

عرض کرد: «پروردگارا! نشانه ای برای من قرار ده!» فرمود: «نشانه تو این است که سه شبانه روز قدرت تکلّم (با مردم) نخواهی داشت؛ در حالی که زبانت سالم است!» (10)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (11)

او از محراب عبادتش به سوی مردم بیرون آمد؛ و با اشاره به آنها گفت: «(بشکرانه این موهبت،) صبح و شام خدا را تسبیح گویید!» (11)

يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (12)

ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوّت بگیر! و ما فرمان نبوّت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم! (12)

وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا (13)

و رحمت و محبّتی از ناحیه خود به او بخشیدیم، و پاکی (دل و جان)! و او پرهیزگار بود! (13)

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا (14)

او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود؛ و جبّار (و متکّبر) و عصیانگر نبود! (14)

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (15)

سلام بر او، آن روز که تولّد یافت، و آن روز که می میرد، و آن روز که زنده برانگیخته می شود! (15)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (16)

و در این کتاب (آسمانی)، مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد، و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت؛ (16)

فَاتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (17)

و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد). در این هنگام، ما روح خود را بسوی او فرستادیم؛ و او در شکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد! (17)

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا (18)

او (سخت ترسید و) گفت: «من از شرّ تو، به خدای رحمان پناه می برم اگر پرهیزگاری! (18)

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا (19)

گفت: «من فرستاده پروردگار توام؛ (آمده ام) تا پسر پاکیزه ای به تو ببخشم!» (19)

قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِى غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِى بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا (20)

گفت: «چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟! در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده ای هم نبوده ام!» (20)

قَالَ كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَىَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا (21)

گفت: «مطلب همین است! پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است! (ما او را می آفرینیم، تا قدرت خویش را آشکار سازیم؛) و او را برای مردم نشانه ای قرار دهیم؛ و رحمتی باشد از سوی ما! و این امری است پایان یافته (و جای گفتگو ندارد)!» (21)

فَحَمَلَتْهُ فَانتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا (22)

سرانجام (مریم) به او باردار شد؛ و او را به نقطه دور دستی برد (و خلوت گزید) (22)

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِى مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا (23)

درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند؛ (آنقدر ناراحت شد که) گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم، و بکلّی فراموش می شدم!» (23)

فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِى قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا (24)

ناگهان از طرف پایین پایش او را صدا زد که: «غمگین مباش! پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی (گوارا) قرار داده است! (24)

وَهُزِّى إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا (25)

و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطب تازه ای بر تو فرو می ریزد! (25)

ص: 306

فَكُلِی وَاشْرَبِی وَقَرِّی عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِی إِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنسِيًّا (26)

(از این غذای لذیذ) بخور؛ و (از آن آب گوارا) بنوش؛ و چشمت را (به این مولود جدید) روشن دار! و هرگاه کسی از انسانها را دیدی، (با اشاره) بگو: من برای خداوند رحمان روزه ای نذر کرده ام؛ بنابراین امروز با هیچ انسانی هیچ سخن نمی گویم! (و بدان که این نوزاد، خودش از تو دفاع خواهد کرد!)» (26)

فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (27)

(مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد؛ گفتند: «ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! (27)

يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا (28)

ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بد کاره ای!!» (28)

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِی الْمَهْدِ صَبِيًّا (29)

(مریم) به او اشاره کرد؛ گفتند: «چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم؟!» (29)

قَالَ إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ آتَانِیَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِی نَبِيًّا (30)

(ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و) گفت: «من بنده خدایم؛ او کتاب (آسمانی) به من داده؛ و مرا پیامبر قرار داده است! (30)

وَجَعَلَنِی مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنتُ وَأَوْصَانِی بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (31)

و مرا -هر جا که باشم- وجودی پربرکت قرار داده؛ و تا زمانی که زنده ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است! (31)

وَبَرًّا بِوَالِدَتِی وَلَمْ يَجْعَلْنِی جَبَّارًا شَقِيًّا (32)

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده؛ و جبّار و شقی قرار نداده است! (32)

وَالسَّلَامُ عَلَیَّ یَوْمَ وُلِدتُّ وَیَوْمَ أَمُوتُ وَیَوْمَ أُبْعَثُ حَیًّا (33)

و سلام (خدا) بر من، در آن روز که متولّد شدم، و در آن روز که می میرم، و آن روز که زنده برانگیخته خواهم شد!» (33)

ذَلِکَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِی فِیهِ یَمْتَرُونَ (34)

این است عیسی پسر مریم؛ گفتار حقّی که در آن تردید می کنند! (34)

مَا کَانَ لِلَّهِ أَن یَتَّخِذَ مِن وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَی أَمْرًا فَإِنَّمَا یَقُولُ لَهُ کُن فَیَکُونُ (35)

هرگز برای خدا شایسته نبود که فرزندی اختیار کند! منزّه است او! هرگاه چیزی را فرمان دهد، می گوید: «موجود باش!» همان دم موجود می شود! (35)

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّی وَرَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِیمٌ (36)

و خداوند، پروردگار من و شماست! او را پرستش کنید؛ این است راه راست! (36)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِّلَّذِینَ کَفَرُوا مِن مَّشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیمٍ (37)

ولی (بعد از او) گروه هایی از میان پیروانش اختلاف کردند؛ وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ (رستاخیز)! (37)

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ یَوْمَ یَأْتُونَنَا لَکِنِ الظَّالِمُونَ الْیَوْمَ فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ (38)

در آن روز که نزد ما می آیند، چه گوشهای شنوا و چه چشمهای بینایی پیدا می کنند! ولی این ستمگران امروز در گمراهی آشکارند! (38)

وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِىَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِى غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (39)

آنان را از روز حسرت [= روز رستاخیز که برای همه مایه تأسف است] بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می یابد! و آنها در غفلتند و ایمان نمی آورند! (39)

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (40)

ما، زمین و تمام کسانی را که بر آن هستند، به ارث می بریم؛ و همگی بسوی ما بازگردانده می شوند! (40)

وَاذْكُرْ فِى الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا (41)

در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راستگو، و پیامبر (خدا) بود! (41)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِى عَنكَ شَيْئًا (42)

هنگامی که به پدرش گفت: «ای پدر! چرا چیزی را می پرستی که نه می شنود، و نه می بیند، و نه هیچ مشکلی را از تو حلّ می کند؟! (42)

يَا أَبَتِ إِنِّى قَدْ جَاءَنِى مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِى أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا (43)

ای پدر! دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است؛ بنابر این از من پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم! (43)

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا (44)

ای پدر! شیطان را پرستش مکن، که شیطان نسبت به خداوند رحمان، عصیانگر بود! (44)

يَا أَبَتِ إِنِّى أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (45)

ای پدر! من از این می ترسم که از سوی خداوند رحمان عذابی به تو رسد، در نتیجه از دوستان شیطان باشی!» (45)

قَالَ أَرَاغِبٌ أنتَ عَنْ آلِهَتِی یَا إِبْرَاهِیمُ لَئِن لّمْ تَنتَهِ لَأَرْجُمَنَّکَ وَاهْجُرْنِی مَلِیًّا (46)

گفت: «ای ابراهیم! آیا تو از معبودهای من روی گردانی؟! اگر (از این کار) دست برنداری، تو را سنگسار می کنم! و برای مدّتی طولانی از من دور شو!» (46)

قَالَ سَلَامٌ عَلَیْکَ سَأَسْتَغْفِرُ لَکَ رَبِّی إِنَّهُ کَانَ بِی حَفِیًّا (47)

(ابراهیم) گفت: «سلام بر تو! من بزودی از پروردگارم برایت تقاضای عفو می کنم؛ چرا که او همواره نسبت به من مهربان بوده است! (47)

وَأَعْتَزِلُکُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّی عَسَی أَلَّا أَکُونَ بِدُعَاءِ رَبِّی شَقِیًّا (48)

و از شما، و آنچه غیر خدا می خوانید، کناره گیری می کنم؛ و پروردگارم را می خوانم؛ و امیدوارم در خواندن پروردگارم بی پاسخ نمانم!» (48)

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا یَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ وَکُلًّا جَعَلْنَا نَبِیًّا (49)

هنگامی که از آنان و آنچه غیر خدا می پرستیدند کناره گیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم؛ و هر یک را پیامبری (بزرگ) قرار دادیم! (49)

وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِیًّا (50)

و از رحمت خود به آنان عطا کردیم؛ و برای آنها نام نیک و مقام برجسته ای (در میان همه امّتها) قرار دادیم! (50)

وَاذْکُرْ فِی الْکِتَابِ مُوسَی إِنَّهُ کَانَ مُخْلَصًا وَکَانَ رَسُولًا نَّبِیًّا (51)

و در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن، که او مخلص بود، و رسول و پیامبری والا مقام! (51)

وَنَادَيْنَاهُ مِن جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا (52)

ما او را از طرف راست (کوه) طور فراخواندیم؛ و نجواکنان او را (به خود) نزدیک ساختیم؛ (52)

وَوَهَبْنَا لَهُ مِن رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا (53)

و ما از رحمت خود، برادرش هارون را -که پیامبر بود- به او بخشیدیم. (53)

وَاذْكُرْ فِى الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولاً نَّبِيًّا (54)

و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده هایش صادق، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود! (54)

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (55)

او همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد؛ و همواره مورد رضایت پروردگارش بود. (55)

وَاذْكُرْ فِى الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا (56)

و در این کتاب، از ادریس (نیز) یاد کن، او بسیار راستگو و پیامبر (بزرگی) بود. (56)

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا (57)

و ما او را به مقام والایی رساندیم. (57)

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا (58)

آنها پیامبرانی بودند که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، از فرزندان آدم، و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم. آنها کسانی

بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می شد به خاک می افتادند، در حالی که سجده می کردند و گریان بودند. (58)

فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا (59)

امّا پس از آنان، فرزندان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و بزودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید! (59)

إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِکَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا (60)

مگر آنان که توبه کنند، و ایمان بیاورند، و کار شایسته انجام دهند؛ چنین کسانی داخل بهشت می شوند، و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد. (60)

جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا (61)

وارد باغهایی جاودانی می شوند که خداوند رحمان بندگانش را به آن وعده داده است؛ هر چند آن را ندیده اند؛ مسلماً وعده خدا تحقق یافتنی است! (61)

لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (62)

در آن جا هرگز گفتار لغو و بیهوده ای نمی شنوند؛ و جز سلام در آن جا سخنی نیست؛ و هر صبح و شام، روزی آنان در بهشت مقرّر است. (62)

تِلْکَ الْجَنَّةُ الَّتِی نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيًّا (63)

این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزگار خود، به ارث می دهیم. (63)

وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّکَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِکَ وَمَا كَانَ رَبُّکَ نَسِيًّا (64)

(پس از تأخیر وحی، جبرئیل به پیامبر عرض کرد:) ما جز بفرمان پروردگار تو، نازل نمی شویم؛ آنچه پیش روی ما، و پشت سر ما، و آنچه میان این دو می باشد، همه از آن اوست؛ و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده (و نیست)! (64)

ص: 309

رَّبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (65)

همان پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد! او را پرستش کن؛ و در راه عبادتش شکیبا باش! آیا مثل و مانندی برای او می یابی؟! (65)

وَيَقُولُ الْإِنسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا (66)

انسان می گوید: «آیا پس از مردن، زنده (از قبر) بیرون خواهم آمد؟!» (66)

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا (67)

آیا انسان به خاطر نمی آورد که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟! (67)

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (68)

سوگند به پروردگارت که همه آنها را همراه با شیاطین در قیامت جمع می کنیم؛ سپس همه را -در حالی که به زانو درآمده اند- گرداگرد جهنم حاضر می سازیم. (68)

ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا (69)

سپس از هر گروه و جمعیّتی، کسانی را که در برابر خداوند رحمان از همه سرکش تر بوده اند، جدا می کنیم. (69)

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَى بِهَا صِلِيًّا (70)

بعد از آن، ما بخوبی از کسانی که برای سوختن در آتش سزاوارترند، آگاهتریم! (70)

وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا (71)

و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می شوید؛ این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت! (71)

ثُمَّ نُنَجِّی الّذِینَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ الظّالِمِینَ فِیهَا جِثِیًّا (72)

سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می بخشیم؛ و ظالمان را -در حالی که (از ضعف و ذلّت) به زانو درآمده اند- در آن رها می سازیم. (72)

وَإِذَا تُتْلَی عَلَیْهِمْ آیَاتُنَا بَیِّنَاتٍ قَالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِلَّذِینَ آمَنُوا أَیُّ الْفَرِیقَیْنِ خَیْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِیًّا (73)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، کافران به مؤمنان می گویند: «کدام یک از دو گروه [= ما و شما] جایگاهش بهتر، و جلسات انس و مشورتش زیباتر، و بخشش او بیشتر است؟!» (73)

وَکَمْ أَهْلَکْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْیًا (74)

چه بسیار اقوامی را پیش از آنان نابود کردیم که هم مال و ثروتشان از آنها بهتر بود، و هم ظاهرشان آراسته تر! (74)

قُلْ مَن کَانَ فِی الضَّلَالَةِ فَلْیَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّی إِذَا رَأَوْا مَا یُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّکَانًا وَأَضْعَفُ جُندًا (75)

بگو: «کسی که در گمراهی است، باید خداوند به او مهلت دهد تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببینند: یا عذاب (این دنیا)، یا (عذاب) قیامت! (آن روز) خواهند دانست چه کسی جایش بدتر، و لشکرش ناتوانتر است!» (75)

وَیَزِیدُ اللَّهُ الَّذِینَ اهْتَدَوْا هُدًی وَالْبَاقِیَاتُ الصَّالِحَاتُ خَیْرٌ عِندَ رَبِّکَ ثَوَابًا وَخَیْرٌ مَّرَدًّا (76)

(امّا) کسانی که در راه هدایت گام نهادند، خداوند بر هدایتشان می افزاید؛ و آثار شایسته ای که (از انسان) باقی می ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوبتر است! (76)

أَفَرَأَيْتَ الَّذِی كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالاً وَوَلَدًا (77)

آيا ديدی كسی را كه به آيات ما كافر شد، و گفت: «اموال و فرزندان فراوانی به من داده خواهد شد»؟! (77)

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (78)

آيا او از غيب آگاه گشته، يا نزد خدا عهد و پيمانی گرفته است؟! (78)

كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا (79)

هرگز چنين نيست! ما بزودی آنچه را می گويد می نويسيم و عذاب را بر او مستمرّ خواهيم داشت! (79)

وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا (80)

آنچه را او می گويد (از اموال و فرزندان)، از او به ارث می بريم، و به صورت تنها نزد ما خواهد آمد! (80)

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا (81)

و آنان غير از خدا، معبودانی را برای خود برگزيدند تا مايه عزّتشان باشد! (چه پندار خامی!) (81)

كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا (82)

هرگز چنين نيست! به زودی (معبودها) منكر عبادت آنان خواهند شد؛ (بلكه) بر ضدّشان قيام می كنند! (82)

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا (83)

آيا نديدی كه ما شياطين را بسوی كافران فرستاديم تا آنان را شديداً تحريک كنند؟! (83)

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا (84)

پس درباره آنان شتاب مکن؛ ما آنها (و اعمالشان) را به دقت شماره میکنیم ! (84)

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا (85)

در آن روز که پرهیزگاران را دسته جمعی بسوی خداوند رحمان (و پاداشهای او) محشور می کنیم... (85)

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا (86)

و مجرمان را (همچون شتران تشنه کامی که به سوی آبگاه می روند) به جهنّم می رانیم... (86)

لَّا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (87)

آنان هرگز مالک شفاعت نیستند؛ مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد. (87)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا (88)

و گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود برگزیده است». (88)

لَّقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا (89)

راستی مطلب زشت و زننده ای گفتید ! (89)

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا (90)

نزدیک است به خاطر این سخن آسمانها از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود، و کوه ها بشدّت فرو ریزد... (90)

أَن دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا (91)

از این رو که برای خداوند رحمان فرزندی قائل شدند ! (91)

وَمَا يَنبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا (92)

در حالی که هرگز برای خداوند رحمان سزاوار نیست که فرزندی برگزیند! (92)

إِن كُلُّ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِی الرَّحْمَنِ عَبْدًا (93)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، بنده اویند! (93)

لَّقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا (94)

خداوند همه آنها را احصا کرده، و به دقّت شمرده است! (94)

وَكُلُّهُمْ آتِیهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَرْدًا (95)

و همگی روز رستاخیز، تک و تنها نزد او حاضر می شوند! (95)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (96)

مسلّماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند رحمان محبّتی برای آنان در دلها قرار می دهد! (96)

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِکَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُّدًّا (97)

و ما فقط آن [= قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بوسیله آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آنان انذار کنی. (97)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُم مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا (98)

چه بسیار اقوام (بی ایمان و گنهکاری) را که پیش از آنان هلاک کردیم؛ آیا احدی از آنها را احساس می کنی؟! یا کمترین صدایی از آنان می شنوی؟! (98)

سوره طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طه (1)

طه (1)

مَا أَنزَلْنَا عَلَيْکَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (2)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی! (2)

إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَى (3)

آن را فقط برای یادآوری کسانی که (از خدا) می ترسند نازل ساختیم. (3)

تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى (4)

(این قرآن) از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است. (4)

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (5)

همان بخشنده ای که بر عرشِ مسلّط است. (5)

لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَمَا بَیْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَی (6)

از آن اوست آنچه در آسمانها، و آنچه در زمین، و آنچه میان آن دو، و آنچه در زیر خاک (پنهان) است! (6)

وَإِن تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ یَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَی (7)

اگر سخن آشکارا بگویی (یا مخفی کنی)، او اسرار -و حتی پنهان تر از آن- را نیز می داند! (7)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی (8)

او خداوندی است که معبودی جز او نیست؛ و نامهای نیکوتر از آن اوست! (8)

وَهَلْ أَتَاکَ حَدِیثُ مُوسَی (9)

و آیا خبر موسی به تو رسیده است؟ (9)

إِذْ رَأَی نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْکُثُوا إِنِّی آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّی آتِیکُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَی النَّارِ هُدًی (10)

هنگامی که (از دور) آتشی مشاهده کرد، و به خانواده خود گفت: «(اندکی) درنگ کنید که من آتشی دیدم! شاید شعله ای از آن برای شما بیاورم؛ یا بوسیله این آتش راه را پیدا کنم!» (10)

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِیَ یَا مُوسَی (11)

هنگامی که نزد آتش آمد، ندا داده شد که: «ای موسی! (11)

إِنِّی أَنَا رَبُّکَ فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی (12)

من پروردگار توام! کفشهایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدّس «طوی» هستی! (12)

وَأَنَا اخْتَرْتُکَ فَاسْتَمِعْ لِمَا یُوحَی (13)

و من تو را (برای مقام رسالت) برگزیدم؛ اکنون به آنچه بر تو وحی می شود، گوش فراده ! (13)

إِنَّنِی أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِی وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِکْرِی (14)

من «اللّه» هستم؛ معبودی جز من نیست ! مرا بپرست، و نماز را برای یاد من بپادار ! (14)

إِنَّ السَّاعَةَ آتِیَةٌ أَکَادُ أُخْفِیهَا لِتُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَی (15)

بطور قطع رستاخیز خواهد آمد ! می خواهم آن را پنهان کنم، تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود، جزا داده شود ! (15)

فَلَا یَصُدَّنَّکَ عَنْهَا مَن لَّا یُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَی (16)

پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوسهای خویش پیروی می کند، تو را از آن بازدارد؛ که هلاک خواهی شد ! (16)

وَمَا تِلْکَ بِیَمِینِکَ یَا مُوسَی (17)

و آن چیست در دست راست تو، ای موسی؟ ! (17)

قَالَ هِیَ عَصَایَ أَتَوَکَّأُ عَلَیْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَی غَنَمِی وَلِیَ فِیهَا مَآرِبُ أُخْرَی (18)

گفت: «این عصای من است؛ بر آن تکیه می کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرومی ریزم؛ و مرا با آن کارها و نیازهای دیگری است. (18)

قَالَ أَلْقِهَا یَا مُوسَی (19)

گفت: «ای موسی ! آن را بیفکن.» (19)

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِیَ حَیَّةٌ تَسْعَی (20)

پس موسی آن (عصا) را افکند، که ناگهان اژدهایی شد که به هر سو می شتافت. (20)

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى (21)

گفت: «آن را بگیر و نترس، ما آن را به صورت اولش بازمی گردانیم. (21)

وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى (22)

و دستت را به گریبانت ببر، تا سفید و بی عیب بیرون آید؛ این نشانه دیگری (از سوی خداوند) است. (22)

لِنُرِيَكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى (23)

تا از نشانه های بزرگ خویش به تو نشان دهیم. (23)

اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (24)

اینک به سوی فرعون برو، که او طغیان کرده است.» (24)

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (25)

(موسی) گفت: «پروردگارا! سینه ام را گشاده کن؛ (25)

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (26)

و کارم را برایم آسان گردان! (26)

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي (27)

و گره از زبانم بگشای؛ (27)

يَفْقَهُوا قَوْلِي (28)

تا سخنان مرا بفهمند! (28)

وَاجْعَل لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي (29)

و وزیری از خاندانم برای من قرار ده... (29)

هَارُونَ أَخِی (30)

برادرم هارون را! (30)

اشْدُدْ بِهِ أَزْرِی (31)

با او پشتم را محکم کن؛ (31)

وَأَشْرِکْهُ فِی أَمْرِی (32)

و او را در کارم شریک ساز؛ (32)

کَیْ نُسَبِّحَکَ کَثِیرًا (33)

تا تو را بسیار تسبیح گوییم؛ (33)

وَنَذْکُرَکَ کَثِیرًا (34)

و تو را بسیار یاد کنیم؛ (34)

إِنَّکَ کُنتَ بِنَا بَصِیرًا (35)

چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده ای!» (35)

قَالَ قَدْ أُوتِیتَ سُؤْلَکَ یَا مُوسَی (36)

فرمود: «ای موسی! آنچه را خواستی به تو داده شد! (36)

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَیْکَ مَرَّةً أُخْرَی (37)

و ما بار دیگر تو را مشمول نعمت خود ساختیم... (37)

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّكَ مَا يُوحَى (38)

آن زمان که به مادرت آنچه لازم بود الهام کردیم... (38)

أَنِ اقْذِفِيهِ فِى التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِى الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّى وَعَدُوٌّ لَّهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّى وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِى (39)

که: «او را در صندوقی بیفکن، و آن صندوق را به دریا بینداز، تا دریا آن را به ساحل افکند؛ و دشمن من و دشمن او، آن را برگیرد!» و من محبّتی از خودم بر تو افکندم، تا در برابر دیدگان [= علم] من، ساخته شوی (و پرورش یابی)! (39)

إِذْ تَمْشِى أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِى أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَى قَدَرٍ يَا مُوسَى (40)

در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می رفت و می گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می کند (و دایه خوبی برای او خواهد بود)!» پس تو را به مادرت بازگرداندیم، تا چشمش به تو روشن شود؛ و غمگین نگردد! و تو یکی (از فرعونیان) را کشتی؛ اما ما تو را از اندوه نجات دادیم! و بارها تو را آزمودیم! پس از آن، سالیانی در میان مردم «مدین» توقف نمودی؛ سپس در زمان مقدّر (برای فرمان رسالت) به این جا آمدی، ای موسی! (40)

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِى (41)

و من تو را برای خودم ساختم (و پرورش دادم)! (41)

اذْهَبْ أَنتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِى وَلَا تَنِيَا فِى ذِكْرِى (42)

(اکنون) تو و برادرت با آیات من بروید، و در یاد من کوتاهی نکنید! (42)

اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (43)

بسوی فرعون بروید؛ که طغیان کرده است! (43)

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (44)

اما بنرمی با او سخن بگویید؛ شاید متذکّر شود، یا (از خدا) بترسد! (44)

قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَن يَطْغَى (45)

(موسی و هارون) گفتند: «پروردگارا! از این می ترسیم که بر ما پیشی گیرد (و قبل از بیان حق، ما را آزار دهد)؛ یا طغیان کند (و نپذیرد)!» (45)

قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِی مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى (46)

فرمود: «نترسید! من با شما هستم؛ (همه چیز را) می شنوم و می بینم! (46)

فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِی إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى (47)

به سراغ او بروید و بگویید: «ما فرستادگان پروردگار توئیم! بنی اسرائیل را با ما بفرست؛ و آنان را شکنجه و آزار مکن! ما نشانه روشنی از سوی پروردگارت برای تو آورده ایم! و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می کند! (47)

إِنَّا قَدْ أُوحِیَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّى (48)

به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) تکذیب کند و سرپیچی نماید!» (48)

قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَا مُوسَى (49)

(فرعون) گفت: «پروردگار شما کیست، ای موسی؟!» (49)

قَالَ رَبُّنَا الَّذِی أَعْطَى كُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (50)

گفت: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است!» (50)

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى (51)

گفت: «پس تکلیف نسلهای گذشته (که به اینها ایمان نداشتند) چه خواهد شد؟!» (51)

قَالَ عِلْمُهَا عِندَ رَبِّی فِی کِتَابٍ لَّا یَضِلُّ رَبِّی وَلَا یَنسَی (52)

گفت: «آگاهی مربوط به آنها، نزد پروردگارم در کتابی ثبت است؛ پروردگارم هرگز گمراه نمی شود، و فراموش نمی کند (و آنچه شایسته آنهاست به ایشان می دهد)! (52)

الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَکَ لَکُمْ فِیهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّی (53)

همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد؛ و راه هایی در آن ایجاد کرد؛ و از آسمان، آبی فرستاد!» که با آن، انواع گوناگون گیاهان را (از خاک تیره) برآوردیم. (53)

کُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَکُمْ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّأُولِی النُّهَی (54)

هم خودتان بخورید؛ و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید! مسلّماً در اینها نشانه های روشنی برای خردمندان است! (54)

مِنْهَا خَلَقْنَاکُمْ وَفِیهَا نُعِیدُکُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُکُمْ تَارَةً أُخْرَی (55)

ما شما را از آن [= زمین] آفریدیم؛ و در آن بازمی گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می آوریم! (55)

وَلَقَدْ أَرَیْنَاهُ آیَاتِنَا کُلَّهَا فَکَذَّبَ وَأَبَی (56)

ما همه آیات خود را به او نشان دادیم؛ اما او تکذیب کرد و سرباز زد! (56)

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِکَ یَا مُوسَی (57)

گفت: «ای موسی! آیا آمده ای که با سحر خود، ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟! (57)

فَلَنَأْتِیَنَّکَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَیْنَنَا وَبَیْنَکَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنتَ مَکَانًا سُوًی (58)

قطعاً ما هم سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد! هم اکنون (تاریخش را تعیین کن، و) موعدی میان ما و خودت قرار ده که نه ما و نه تو، از آن

تخلّف نکنیم؛ آن هم در مکانی که نسبت به همه یکسان باشد!» (58)

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزِّينَةِ وَأَن يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى (59)

گفت: «میعاد ما و شما روز زینت [= روز عید] است؛ به شرط اینکه همه مردم، هنگامی که روز، بالا می آید، جمع شوند!» (59)

فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى (60)

فرعون آن مجلس را ترک گفت؛ و تمام مکر و فریب خود را جمع کرد؛ و سپس همه را (در روز موعود) آورد. (60)

قَالَ لَهُم مُّوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى (61)

موسی به آنان گفت: «وای بر شما! دروغ بر خدا نبندید، که شما را با عذابی نابود می سازد! و هر کس که (بر خدا) دروغ ببندد، نومید (و شکست خورده) می شود!» (61)

فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى (62)

آنها در میان خود، در مورد ادامه راهشان به نزاع برخاستند؛ و مخفیانه و درگوشی با هم سخن گفتند. (62)

قَالُوا إِنْ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى (63)

گفتند: «این دو (نفر) مسلّماً ساحرند! می خواهند با سحرشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و راه و رسم نمونه شما را از بین ببرند! (63)

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى (64)

اکنون که چنین است، تمام نیرو و نقشه خود را جمع کنید، و در یک صف (به میدان مبارزه) بیایید؛ امروز رستگاری از آن کسی است که برتری خود را اثبات کند! (64)

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى (65)

(ساحران) گفتند: «ای موسی! آیا تو اول (عصای خود را) می افکنی، یا ما کسانی باشیم که اول بیفکنیم؟!» (65)

قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى (66)

گفت: «شما اول بیفکنید!» در این هنگام طنابها و عصاهای آنان بر اثر سحرشان چنان به نظر می رسید که حرکت می کند! (66)

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَى (67)

موسی ترس خفیفی در دل احساس کرد (مبادا مردم گمراه شوند)! (67)

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنتَ الْأَعْلَى (68)

گفتیم: «نترس! تو مسلّماً (پیروز و) برتری! (68)

وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى (69)

و آنچه را در دست راست داری بیفکن، تمام آنچه را ساخته اند می بلعد! آنچه ساخته اند تنها مکر ساحر است؛ و ساحر هر جا رود رستگار نخواهد شد!» (69)

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى (70)

(موسی عصای خود را افکند، و آنچه را که آنها ساخته بودند بلعید.) ساحران همگی به سجده افتادند و گفتند: «ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم!» (70)

قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى (71)

(فرعون) گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم به او ایمان آوردید؟! مسلّماً او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است! به یقین دستها و

پاهایتان را بطور مخالف قطع می کنم؛ و شما را از تنه های نخل به دار می آویزم؛ و خواهید دانست مجازات کدام یک از ما دردناکتر و پایدارتر است !» (71)

قَالُوا لَن نُّؤْثِرَکَ عَلَی مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَیِّنَاتِ وَالَّذِی فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِی هَذِهِ الْحَیَاةَ الدُّنْیَا (72)

گفتند: «سوگند به آن کسی که ما را آفریده، هرگز تو را بر دلایل روشنی که برای ما آمده، مقدّم نخواهیم داشت ! هر حکمی می خواهی بکن؛ تو تنها در این زندگی دنیا می توانی حکم کنی ! (72)

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِیَغْفِرَ لَنَا خَطَایَانَا وَمَا أَکْرَهْتَنَا عَلَیْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَیْرٌ وَأَبْقَی (73)

ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا گناهانمان و آنچه را از سحر بر ما تحمیل کردی ببخشاید؛ و خدا بهتر و پایدارتر است !» (73)

إِنَّهُ مَن یَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا یَمُوتُ فِیهَا وَلَا یَحْیَی (74)

هر کس در محضر پروردگارش خطاکار حاضر شود، آتش دوزخ برای اوست؛ در آن جا، نه می میرد و نه زندگی می کند ! (74)

وَمَن یَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِکَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَی (75)

و هر کس با ایمان نزد او آید، و اعمال صالح انجام داده باشد، چنین کسانی درجات عالی دارند... (75)

جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا وَذَلِکَ جَزَاءُ مَن تَزَکَّی (76)

باغهای جاویدان بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، در حالی که همیشه در آن خواهند بود؛ این است پاداش کسی که خود را پاک نماید ! (76)

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِى فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِى الْبَحْرِ يَبَسًا لَّا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى (77)

ما به موسی وحی فرستادیم که: «شبانه بندگانم را (از مصر) با خود ببر؛ و برای آنها راهی خشک در دریا بگشا؛ که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید، و نه از غرق شدن در دریا!» (77)

فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُم مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ (78)

(به این ترتیب) فرعون با لشکریانش آنها را دنبال کردند؛ و دریا آنان را (در میان امواج خروشان خود) بطور کامل پوشانید! (78)

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى (79)

فرعون قوم خود را گمراه ساخت؛ و هرگز هدایت نکرد! (79)

يَا بَنِى إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى (80)

ای بنی اسرائیل! ما شما را از چنگال دشمنتان نجات دادیم؛ و در طرف راست کوه طور، با شما وعده گذاردیم؛ و «منّ» و «سلوی» بر شما نازل کردیم! (80)

كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِى وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِى فَقَدْ هَوَى (81)

بخورید از روزیهای پاکیزه ای که به شما داده ایم؛ و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوب می کند! (81)

وَإِنِّى لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (82)

و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می آمرزم! (82)

وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يَا مُوسَى (83)

ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری، و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی؟! (83)

قَالَ هُمْ أُولَاءِ عَلَى أَثَرِی وَعَجِلْتُ إِلَيْکَ رَبِّ لِتَرْضَى (84)

عرض کرد: «پروردگارا! آنان در پی منند؛ و من به سوی تو شتاب کردم، تا از من خشنود شوی!» (84)

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَکَ مِن بَعْدِکَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِیُّ (85)

فرمود: «ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت!» (85)

فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدتُّمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِی (86)

موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: «ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدّت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟!» (86)

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَکَ بِمَلْكِنَا وَلَكِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِکَ أَلْقَى السَّامِرِیُّ (87)

گفتند: «ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلّف نکردیم؛ بلکه مقداری از زیورهای قوم را که با خود داشتیم افکندیم!» و سامری اینچنین القا کرد... (87)

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِىَ (88)

و برای آنان مجسّمه گوساله ای که صدایی همچون صدای گوساله (واقعی) داشت پدید آورد؛ و (به یکدیگر) گفتند: «این خدای شما، و خدای موسی است!» و او فراموش کرد (پیمانی را که با خدا بسته بود)! (88)

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (89)

آیا نمی بینند که (این گوساله) هیچ پاسخی به آنان نمی دهد، و مالک هیچ گونه سود و زیانی برای آنها نیست؟! (89)

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِن قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِى وَأَطِيعُوا أَمْرِى (90)

و پیش از آن، هارون به آنها گفته بود: «ای قوم من! شما به این وسیله مورد آزمایش قرار گرفته اید! پروردگار شما خداوند رحمان است! پس، از من پیروی کنید، و فرمانم را اطاعت نمایید!» (90)

قَالُوا لَن نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى (91)

ولی آنها گفتند: «ما همچنان گرد آن می گردیم (و به پرستش گوساله ادامه می دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد!» (91)

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا (92)

(موسی) گفت: «ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند... (92)

أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِى (93)

از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟!» (93)

قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِى وَلَا بِرَأْسِى إِنِّى خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِى إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِى (94)

(هارون) گفت: «ای فرزند مادرم! [= ای برادر!] ریش و سر مرا مگیر! من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به

کار نبستی !» (94)

قَالَ فَمَا خَطْبُکَ یَا سَامِرِیُّ (95)

(موسی رو به سامری کرد و) گفت: «تو چرا این کار را کردی، ای سامری؟ !» (95)

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ یَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَکَذَلِکَ سَوَّلَتْ لِی نَفْسِی (96)

گفت: «من چیزی دیدم که آنها ندیدند؛ من قسمتی از آثار رسول (و فرستاده خدا) را گرفتم، سپس آن را افکندم، و اینچنین (هوای) نفس من این کار را در نظرم جلوه داد !» (96)

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَکَ فِی الْحَیَاهِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَکَ مَوْعِدًا لَّن تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَی إِلَهِکَ الَّذِی ظَلْتَ عَلَیْهِ عَاکِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِی الْیَمِّ نَسْفًا (97)

(موسی) گفت: «برو، که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگوئی «با من تماس نگیر !» و تو میعادی (از عذاب خدا) داری، که هرگز تخلّف نخواهد شد ! (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می کردی ! و ببین ما آن را نخست می سوزانیم؛ سپس ذرّات آن را به دریا می پاشیم ! (97)

إِنَّمَا إِلَهُکُمُ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ کُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا (98)

معبود شما تنها خداوندی است که جز او معبودی نیست؛ و علم او همه چیز را فرا گرفته است !» (98)

كَذَلِکَ نَقُصُّ عَلَيْکَ مِنْ أَنبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاکَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا (99)

اين گونه بخشى از اخبار پيشين را براى تو بازگو مى كنيم؛ و ما از نزد خود، ذكر (و قرآنى) به تو داديم! (99)

مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وِزْرًا (100)

هر كس از آن روى گردان شود، روز قيامت بار سنگينى (از گناه و مسؤوليّت) بر دوش خواهد داشت! (100)

خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ حِمْلًا (101)

در حالى كه جاودانه در آن خواهند ماند؛ و بد بارى است براى آنها در روز قيامت! (101)

يَوْمَ يُنفَخُ فِى الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا (102)

همان روزى كه در «صور» دميده مى شود؛ و مجرمان را با بدنهاى كبود، در آن روز جمع مى كنيم! (102)

يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا (103)

آنها آهسته با هم گفتگو مى كنند؛ (بعضى مى گويند:) شما فقط ده (شبانه روز در عالم برزخ) توقّف كرديد! (و نمى دانند چقدر طولانى بوده است!) (103)

نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَهً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا (104)

ما به آنچه آنها مى گويند آگاهتريم، هنگامى كه نيكوروش ترين آنها مى گويد: «شما تنها يک روز درنگ كرديد!» (104)

وَيَسْأَلُونَکَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبِّى نَسْفًا (105)

و از تو درباره كوه ها سؤال مى كنند؛ بگو: «پروردگارم آنها را (متلاشى كرده) برباد مى دهد! (105)

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (106)

سپس زمین را صاف و هموار و بی آب و گیاه رها می سازد... (106)

لَّا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا (107)

به گونه ای که در آن، هیچ پستی و بلندی نمی بینی!» (107)

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (108)

در آن روز، همه از دعوت کننده الهی پیروی نموده، و قدرت بر مخالفت او نخواهند داشت (و همگی از قبرها برمی خیزند)؛ و همه صداها در برابر (عظمت) خداوند رحمان، خاضع می شود؛ و جز صدای آهسته چیزی نمی شنوی! (108)

يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا (109)

در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده، و به گفتار او راضی است. (109)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا (110)

آنچه را پیش رو دارند، و آنچه را (در دنیا) پشت سرگذاشته اند می داند؛ ولی آنها به (علم) او احاطه ندارند! (110)

وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا (111)

و (در آن روز) همه چهره ها در برابر خداوند حیّ قیوم، خاضع می شود؛ و مأیوس (و زیانکار) است آن که بار ستمی بر دوش دارد! (111)

وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا (112)

(امّا) آن کس که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ظلمی می ترسد، و نه از نقصان حقش. (112)

وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا (113)

و این گونه آن را قرآنی عربی [= فصیح و گویا] نازل کردیم، و انواع وعیدها (و انذارها) را در آن بازگو نمودیم، شاید تقوا پیشه کنند؛ یا برای آنان تذکّری پدید آورد! (113)

ص: 319

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِن قَبْلِ أَن يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُل رَّبِّ زِدْنِى عِلْمًا (114)

پس بلندمرتبه است خداوندی که سلطان حقّ است! پس نسبت به (تلاوت) قرآن عجله مکن، پیش از آنکه وحی آن بر تو تمام شود؛ و بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن!» (114)

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِىَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا (115)

پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم؛ امّا او فراموش کرد؛ و عزم استواری برای او نیافتیم! (115)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى (116)

و به یاد آور هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سرباز زد (و سجده نکرد)! (116)

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّهِ فَتَشْقَى (117)

پس گفتیم: «ای آدم! این (ابلیس) دشمن تو و (دشمن) همسر توست! مبادا شما را از بهشت بیرون کند؛ که به زحمت و رنج خواهی افتاد! (117)

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى (118)

(امّا تو در بهشت راحت هستی! و مزیّتش) برای تو این است که در آن گرسنه و برهنه نخواهی شد؛ (118)

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى (119)

و در آن تشنه نمی شوی، و حرارت آفتاب آزارت نمی دهد!» (119)

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَهِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى (120)

ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای آدم! آیا می خواهی تو را به درِخت زندگی جاوید، و ملکی بی زوال راهنمایی کنم؟!» (120)

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّهِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (121)

سرانجام هر دو از آن خوردند، (و لباس بهشتیشان فرو ریخت،) و عورتشان آشکار گشت و برای پوشاندن خود، از برگهای (درختان) بهشتی جامه دوختند! (آری) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد! (121)

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى (122)

سپس پروردگارش او را برگزید، و توبه اش را پذیرفت، و هدایتش نمود. (122)

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّى هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَاىَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى (123)

(خداوند) فرمود: «هر دو از آن (بهشت) فرود آیید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود! ولی هرگاه هدایت من به سراغ شما آید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می شود، و نه در رنج خواهد بود! (123)

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِى فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَعْمَى (124)

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محشور می کنیم!» (124)

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِى أَعْمَى وَقَدْ كُنتُ بَصِيرًا (125)

می گوید: «پروردگارا! چرا نابینا محشورم کردی؟! من که بینا بودم!» (125)

قَالَ كَذَلِکَ أَتَتْکَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِکَ الْيَوْمَ تُنسَى (126)

می فرماید: «آن گونه که آیات من برای تو آمد، و تو آنها را فراموش کردی؛ امروز نیز تو فراموش خواهی شد!» (126)

وَكَذَلِکَ نَجْزِی مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِن بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَهِ أَشَدُّ وَأَبْقَى (127)

و این گونه جزا می دهیم کسی را که اسراف کند، و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد! و عذاب آخرت، شدیدتر و پایدارتر است! (127)

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِی مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّأُولِی النُّهَى (128)

آیا برای هدایت آنان کافی نیست که بسیاری از نسلهای پیشین را (که طغیان و فساد کردند) هلاک نمودیم، و اینها در مسکنهای (ویران شده) آنان راه می روند! مسلّماً در این امر، نشانه های روشنی برای خردمندان است. (128)

وَلَوْلَا كَلِمَهٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّکَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى (129)

و اگر سنّت و تقدیر پروردگارت و ملاحظه زمان مقرّر نبود، عذاب الهی بزودی دامان آنان را می گرفت! (129)

فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّکَ تَرْضَى (130)

پس در برابر آنچه می گویند، صبر کن! و پیش از طلوع آفتاب، و قبل از غروب آن؛ تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور؛ و همچنین (برخی) از ساعات شب و اطراف روز (پروردگارت را) تسبیح گوی؛ باشد که (از الطاف الهی) خشنود شوی! (130)

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْکَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَهَ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّکَ خَيْرٌ وَأَبْقَى (131)

و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادّی، که به گروه هایی از آنان داده ایم، میفکن! اینها شکوفه های زندگی دنیاست؛ تا آنان را در آن بیازماییم؛ و

روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است! (131)

وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلَاهِ وَاصْطَبِرْ عَلَیْهَا لَا نَسْأَلُکَ رِزْقًا نَّحْنُ نَرْزُقُکَ وَالْعَاقِبَهُ لِلتَّقْوَی (132)

خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش! از تو روزی نمی خواهیم؛ (بلکه) ما به تو روزی می دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقواست! (132)

وَقَالُوا لَوْلَا یَأْتِینَا بِآیَهٍ مِّن رَّبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَیِّنَهُ مَا فِی الصُّحُفِ الْأُولَی (133)

گفتند: «چرا (پیامبر) معجزه و نشانه ای از سوی پروردگارش برای ما نمی آورد؟! (بگو:) آیا خبرهای روشنی که در کتابهای (آسمانی) نخستین بوده، برای آنها نیامد؟! (133)

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَکْنَاهُم بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَیْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آیَاتِکَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَی (134)

اگر ما آنان را پیش از آن (که قرآن نازل شود) با عذابی هلاک می کردیم، (در قیامت) می گفتند: «پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم!» (134)

قُلْ کُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِیِّ وَمَنِ اهْتَدَی (135)

بگو: «همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار وعده پیروزی، و شما در انتظار شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! امّا بزودی می دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است! (135)

جزء 17

سوره الأنبياء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِى غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ (1)

حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلتند و روی گردانند! (1)

مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ (2)

هیچ یادآوری تازه ای از طرف پروردگارشان برای آنها نمی آید، مگر آنکه با بازی (و شوخی) به آن گوش می دهند! (2)

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ (3)

این در حالی است که دلهایشان در لهو و بی خبری فرو رفته است! و ستمگران پنهانی نجوا کردند (و گفتند): «آیا جز این است که او بشری همانند شماست؟! آیا به سراغ سحر می روید، با اینکه (چشم دارید و) می بینید؟! (3)

قَالَ رَبِّى يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِى السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (4)

(پیامبر) گفت: «پروردگارم همه سخنان را، چه در آسمان باشد و چه در زمین، می داند؛ و او شنوا و داناست!» (4)

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ (5)

آنها گفتند: «(آنچه محمّد (ص) آورده وحی نیست؛) بلکه خوابهایی آشفته است! اصلاً آن را بدروغ به خدا بسته؛ نه، بلکه او یک شاعر است! (اگر راست می گوید) باید معجزه ای برای ما بیاورد؛ همان گونه که پیامبران پیشین (با معجزات) فرستاده شدند!» (5)

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (6)

تمام آبادیهایی که پیش از اینها هلاک کردیم (تقاضای معجزات گوناگون کردند، و خواسته آنان عملی شد، ولی) هرگز ایمان نیاوردند؛ آیا اینها ایمان می آورند؟! (6)

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَکَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِی إِلَیْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِن کُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (7)

ما پیش از تو، جز مردانی که به آنان وحی می کردیم، نفرستادیم! (همه انسان بودند، و از جنس بشر!) اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید. (7)

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا یَأْکُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا کَانُوا خَالِدِینَ (8)

آنان را پیکرهایی که غذا نخورند قرار ندادیم! عمر جاویدان هم نداشتند! (8)

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنجَیْنَاهُمْ وَمَن نَّشَاءُ وَأَهْلَکْنَا الْمُسْرِفِینَ (9)

سپس وعده ای را که به آنان داده بودیم، وفا کردیم! آنها و هر کس را که می خواستیم (از چنگ دشمنانشان) نجات دادیم؛ و مسرفان را هلاک نمودیم! (9)

لَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَیْکُمْ کِتَابًا فِیهِ ذِکْرُکُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (10)

ما بر شما کتابی نازل کردیم که وسیله تذکّر (و بیداری) شما در آن است! آیا نمی فهمید؟! (10)

وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ (11)

چه بسیار آبادیهای ستمگری را در هم شکستیم؛ و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم! (11)

فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُم مِّنْهَا يَرْكُضُونَ (12)

هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان پا به فرار گذاشتند! (12)

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ (13)

(گفتیم:) فرار نکنید؛ و به زندگی پر ناز و نعمت، و به مسکنهای پر زرق و برقتان بازگردید! شاید (سائلان بیایند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را محروم بازگردانید)! (13)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (14)

گفتند: «ای وای بر ما! به یقین ما ستمگر بودیم!» (14)

فَمَا زَالَت تِّلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ (15)

و همچنان این سخن را تکرار می کردند، تا آنها را درو کرده و خاموش ساختیم! (15)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (16)

ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم! (16)

لَوْ أَرَدْنَا أَن نَّتَّخِذَ لَهْوًا لَّاتَّخَذْنَاهُ مِن لَّدُنَّا إِن كُنَّا فَاعِلِينَ (17)

(بفرض محال) اگر می خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم، چیزی متناسب خود انتخاب می کردیم! (17)

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (18)

بلکه ما حق را بر سر باطل می کوبیم تا آن را هلاک سازد؛ و این گونه، باطل محو و نابود می شود! امّا وای بر شما از توصیفی که (درباره خدا و هدف آفرینش) می کنید! (18)

وَلَهُ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِندَهُ لَا یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا یَسْتَحْسِرُونَ (19)

از آن اوست آنان که در آسمانها و زمینند! و آنها که نزد اویند [= فرشتگان] هیچ گاه از عبادتش استکبار نمی ورزند، و هرگز خسته نمی شوند. (19)

یُسَبِّحُونَ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ لَا یَفْتُرُونَ (20)

(تمام) شب و روز را تسبیح می گویند؛ و سست نمی گردند. (20)

أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ یُنشِرُونَ (21)

آیا آنها خدایانی از زمین برگزیدند که (خلق می کنند و) منتشر می سازند؟! (21)

لَوْ کَانَ فِیهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا یَصِفُونَ (22)

اگر در آسمان و زمین، جز «اللّه» خدایان دیگری بود، فاسد می شدند (و نظام جهان به هم می خورد)! منزه است خداوند پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می کنند! (22)

لَا یُسْأَلُ عَمَّا یَفْعَلُ وَهُمْ یُسْأَلُونَ (23)

هیچ کس نمی تواند بر کار او خرده بگیرد؛ ولی در کارهای آنها، جای سؤال و ایراد است! (23)

أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَکُمْ هَذَا ذِکْرُ مَن مَّعِیَ وَذِکْرُ مَن قَبْلِی بَلْ أَکْثَرُهُمْ لَا یَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُم مُّعْرِضُونَ (24)

آیا آنها معبودانی جز خدا برگزیدند؟! بگو: «دلیلتان را بیاورید! این سخن کسانی است که با من هستند، و سخن کسانی [= پیامبرانی] است که پیش از من بودند!» امّا بیشتر آنها حق را نمی دانند؛ و به همین دلیل (از آن) روی گردانند. (24)

ص: 323

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِی إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ (25)

ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: «معبودی جز من نیست؛ پس تنها مرا پرستش کنید.» (25)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ (26)

آنها گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود انتخاب کرده است»! او منزه است (از این عیب و نقص)؛ آنها [= فرشتگان] بندگان شایسته اویند. (26)

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُم بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (27)

هرگز در سخن بر او پیشی نمی گیرند؛ و (پیوسته) به فرمان او عمل می کنند. (27)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُم مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ (28)

او اعمال امروز و آینده و اعمال گذشته آنها را می داند؛ و آنها جز برای کسی که خدا راضی (به شفاعت برای او) است شفاعت نمی کنند؛ و از ترس او بیمناکند. (28)

وَمَن يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّی إِلَهٌ مِّن دُونِهِ فَذَلِکَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِکَ نَجْزِی الظَّالِمِينَ (29)

و هر کس از آنها بگوید: «من جز خدا، معبودی دیگرم»، کیفر او را جهنم می دهیم! و ستمگران را این گونه کیفر خواهیم داد. (29)

أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (30)

آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی آورند؟! (30)

وَجَعَلْنَا فِی الْأَرْضِ رَوَاسِیَ أَن تَمِیدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِیهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ یَهْتَدُونَ (31)

و در زمین، کوه های ثابت و پابرجایی قرار دادیم، مبادا آنها را بلرزاند! و در آن، درّه ها و راه هایی قرار دادیم تا هدایت شوند! (31)

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آیَاتِهَا مُعْرِضُونَ (32)

و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم؛ ولی آنها از آیات آن روی گردانند. (32)

وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ (33)

او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید؛ هر یک در مداری در حرکتند! (33)

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِکَ الْخُلْدَ أَفَإِن مِّتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ (34)

پیش از تو (نیز) برای هیچ انسانی جاودانگی قرار ندادیم؛ (وانگهی آنها که انتظار مرگ تو را می کشند،) آیا اگر تو بمیری، آنان جاوید خواهند بود؟! (34)

کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوکُم بِالشَّرِّ وَالْخَیْرِ فِتْنَةً وَإِلَیْنَا تُرْجَعُونَ (35)

هر انسانی طعم مرگ را می چشد! و شما را با بدیها و خوبیها آزمایش می کنیم؛ و سرانجام بسوی ما بازگردانده می شوید! (35)

وَإِذَا رَآکَ الَّذِینَ کَفَرُوا إِن یَتَّخِذُونَکَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِی یَذْکُرُ آلِهَتَکُمْ وَهُم بِذِکْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ کَافِرُونَ (36)

هنگامی که کافران تو را می بینند، کاری جز استهزا کردن تو ندارند؛ (و می گویند:) آیا این همان کسی است که سخن از خدایان شما می گوید؟! در حالی که خودشان ذکر خداوند رحمان را انکار می کنند. (36)

خُلِقَ الْإِنسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِیکُمْ آیَاتِی فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ (37)

(آری،) انسان از عجله آفریده شده؛ ولی عجله نکنید؛ بزودی آیاتم را به شما نشان خواهم داد! (37)

وَیَقُولُونَ مَتَی هَذَا الْوَعْدُ إِن کُنتُمْ صَادِقِینَ (38)

آنها می گویند: «اگر راست میگویید، این وعده (قیامت) کی فرا می رسد؟!» (38)

لَوْ یَعْلَمُ الَّذِینَ کَفَرُوا حِینَ لَا یَکُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ یُنصَرُونَ (39)

ولی اگر کافران می دانستند زمانی که (فرا می رسد) نمی توانند شعله های آتش را از صورت و از پشتهای خود دور کنند، و هیچ کس آنان را یاری نمی کند (این قدر درباره قیامت شتاب نمی کردند)! (39)

بَلْ تَأْتِیهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا یَسْتَطِیعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ یُنظَرُونَ (40)

(آری، این مجازات الهی) بطور ناگهانی به سراغشان می آید و مبهوتشان می کند؛ آنچنان که توانایی دفع آن را ندارند، و به آنها مهلت داده نمی شود! (40)

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِکَ فَحَاقَ بِالَّذِینَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِئُونَ (41)

(اگر تو را استهزا کنند نگران نباش،) پیامبران پیش از تو را (نیز) استهزا کردند؛ امّا سرانجام، آنچه را استهزا می کردند دامان مسخره کنندگان را گرفت (و مجازات الهی آنها را در هم کوبید)! (41)

قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ (42)

بگو: «چه کسی شما را در شب و روز از (مجازات) خداوند بخشنده نگاه می دارد؟ !» ولی آنان از یاد پروردگارشان روی گردانند ! (42)

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ (43)

آیا آنها خدایانی دارند که می توانند در برابر ما از آنان دفاع کنند؟ ! (این خدایان ساختگی، حتّی) نمی توانند خودشان را یاری دهند (تا چه رسد به دیگران)؛ و نه از ناحیه ما با نیرویی یاری می شوند ! (43)

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِى الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ (44)

ما آنها و پدرانشان را (از نعمتها) بهره مند ساختیم، تا آنجا که عمر طولانی پیدا کردند (و مایه غرور و طغیانشان شد)؛ آیا نمی بینند که ما پیوسته به سراغ زمین آمده، و از آن (و اهلش) می کاهیم؟ ! آیا آنها غالبند (یا ما)؟ ! (44)

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (45)

بگو: «من تنها بوسیله وحی شما را انذار می کنم!» ولی آنها که گوشهایشان کر است، هنگامی که انذار می شوند، سخنان را نمی شنوند! (45)

وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّکَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (46)

اگر کمترین عذاب پروردگارت به آنان برسد، فریادشان بلند می شود که: «ای وای بر ما! ما همگی ستمگر بودیم!» (46)

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَهِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّهٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (47)

ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می کنیم؛ پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود؛ و اگر بمقدار سنگینی یک دانه خردل (کار نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می کنیم؛ و کافی است که ما حساب کننده باشیم! (47)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ (48)

ما به موسی و هارون، «فرقان» [= وسیله جدا کردن حق از باطل] و نور، و آنچه مایه یادآوری برای پرهیزگاران است، دادیم. (48)

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُم مِّنَ السَّاعَهِ مُشْفِقُونَ (49)

همانان که از پروردگارشان در نهان می ترسند، و از قیامت بیم دارند! (49)

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَاهُ أَفَأَنتُمْ لَهُ مُنكِرُونَ (50)

و این (قرآن) ذکر مبارکی است که (بر شما) نازل کردیم؛ آیا شما آن را انکار می کنید؟! (50)

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (51)

ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم؛ و از (شایستگی) او آگاه بودیم... (51)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِى أَنتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (52)

آن هنگام که به پدرش (آزر) و قوم او گفت: «این مجسمه های بی روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می کنید؟ !» (52)

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (53)

گفتند: «ما پدران خود را دیدیم که آنها را عبادت می کنند.» (53)

قَالَ لَقَدْ كُنتُمْ أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ (54)

گفت: «مسلّماً هم شما و هم پدرانتان، در گمراهی آشکاری بوده اید !» (54)

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ (55)

گفتند: «آیا مطلب حقّی برای ما آورده ای، یا شوخی می کنی؟ !» (55)

قَالَ بَل رَّبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِى فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَى ذَلِكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ (56)

گفت: «(کاملاً حقّ آورده ام) پروردگار شما همان پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را ایجاد کرده؛ و من بر این امر، از گواهانم ! (56)

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ (57)

و به خدا سوگند، در غیاب شما، نقشه ای برای نابودی بتهایتان می کشم !» (57)

فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ (58)

سرانجام (با استفاده از یک فرصت مناسب)، همه آنها -جز بت بزرگشان- را قطعه قطعه کرد؛ شاید سراغ او بیایند (و او حقایق را بازگو کند)! (58)

قَالُوا مَن فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ (59)

(هنگامی که منظره بتها را دیدند،) گفتند: «هر کس با خدایان ما چنین کرده، قطعاً از ستمگران است (و باید کیفر سخت ببیند)!» (59)

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ (60)

(گروهی) گفتند: «شنیدیم نوجوانی از (مخالفت با) بتها سخن می گفت که او را ابراهیم می گویند.» (60)

قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ (61)

(جمعیّت) گفتند: «او را در برابر دیدگان مردم بیاورید، تا گواهی دهند!» (61)

قَالُوا أَأَنتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ (62)

(هنگامی که ابراهیم را حاضر کردند،) گفتند: «تو این کار را با خدایان ما کرده ای، ای ابراهیم؟!» (62)

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِن كَانُوا يَنطِقُونَ (63)

گفت: «بلکه این کار را بزرگشان کرده است! از آنها بپرسید اگر سخن می گویند!» (63)

فَرَجَعُوا إِلَى أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنتُمُ الظَّالِمُونَ (64)

آنها به وجدان خویش بازگشتند؛ و (به خود) گفتند: «حقّا که شما ستمگرید!» (64)

ثُمَّ نُكِسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنطِقُونَ (65)

‴

سپس بر سرهایشان واژگونه شدند؛ (و حکم وجدان را بکلّی فراموش کردند و گفتند:) تو می دانی که اینها سخن نمی گویند! (65)

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ (66)

(ابراهیم) گفت: «آیا جز خدا چیزی را می پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زیانی به شما می رساند! (نه امیدی به سودشان دارید، و نه ترسی از زیانشان!) (66)

أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (67)

اف بر شما و بر آنچه جز خدا می پرستید! آیا اندیشه نمی کنید (و عقل ندارید)؟! (67)

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (68)

گفتند: «او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کاری از شما ساخته است!» (68)

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِى بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ (69)

(سرانجام او را به آتش افکندند؛ ولی ما) گفتیم: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش!» (69)

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (70)

آنها می خواستند ابراهیم را با این نقشه نابود کنند؛ ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم! (70)

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِى بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ (71)

و او و لوط را به سرزمین (شام) -که آن را برای همه جهانیان پربرکت ساختیم- نجات دادیم! (71)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ (72)

و اسحاق، و علاوه بر او، یعقوب را به وی بخشیدیم؛ و همه آنان را مردانی صالح قرار دادیم! (72)

ص: 327

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاهِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاهِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (73)

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می کردند؛ و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم؛ و تنها ما را عبادت می کردند. (73)

وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَهِ الَّتِى كَانَت تَّعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ (74)

و لوط را (به یاد آور) که به او حکومت و علم دادیم؛ و از شهری که اعمال زشت و کثیف انجام می دادند، رهایی بخشیدیم؛ چرا که آنها مردم بد و فاسقی بودند! (74)

وَأَدْخَلْنَاهُ فِى رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (75)

و او را در رحمت خود داخل کردیم؛ و او از صالحان بود. (75)

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِن قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (76)

و نوح را (به یاد آور) هنگامی که پیش از آن (زمان، پروردگار خود را) خواند! ما دعای او را مستجاب کردیم؛ و او و خاندانش را از اندوه بزرگ نجات دادیم؛ (76)

وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (77)

و او را در برابر جمعیّتی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری دادیم؛ چرا که قوم بدی بودند؛ از این رو همه آنها را غرق کردیم! (77)

وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِى الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ (78)

و داوود و سلیمان را (به خاطر بیاور) هنگامی که درباره کشتزاری که گوسفندان بی شبان قوم، شبانگاه در آن چریده (و آن را تباه کرده) بودند، داوری می کردند؛ و ما بر حکم آنان شاهد بودیم. (78)

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلّاً آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ (79)

ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان فهماندیم؛ و به هر یک از آنان (شایستگی) داوری، و علم فراوانی دادیم؛ و کوه ها و پرندگان را با داوود مسخّر ساختیم، که (همراه او) تسبیح (خدا) می گفتند؛ و ما این کار را انجام دادیم! (79)

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شَاكِرُونَ (80)

و ساختن زره را بخاطر شما به او تعلیم دادیم، تا شما را در جنگهایتان حفظ کند؛ آیا شکرگزار (این نعمتهای خدا) هستید؟ (80)

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِى بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِى بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَىْءٍ عَالِمِينَ (81)

و تندباد را مسخّر سلیمان ساختیم، که بفرمان او بسوی سرزمینی که آن را پربرکت کرده بودیم جریان می یافت؛ و ما از همه چیز آگاه بوده ایم. (81)

وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِکَ وَکُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ (82)

و گروهی از شیاطین (را نیز مسخّر او قرار دادیم، که در دریا) برایش غوّاصی می کردند؛ و کارهایی غیر از این (نیز) برای او انجام می دادند؛ و ما آنها را (از سرکشی) حفظ می کردیم! (82)

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّى مَسَّنِىَ الضُّرُّ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (83)

و ایّوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت): «بدحالی و مشکلات به من روی آورده؛ و تو مهربانترین مهربانانی!» (83)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِن ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ (84)

ما دعای او را مستجاب کردیم؛ و ناراحتیهایی را که داشت برطرف ساختیم؛ و خاندانش را به او بازگرداندیم؛ و همانندشان را بر آنها افزودیم؛ تا رحمتی از سوی ما و تذکّری برای عبادت کنندگان باشد. (84)

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ (85)

و اسماعیل و ادریس و ذاالکفل را (به یاد آور) که همه از صابران بودند. (85)

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِى رَحْمَتِنَا إِنَّهُم مِّنَ الصَّالِحِينَ (86)

و ما آنان را در رحمت خود وارد ساختیم؛ چرا که آنها از صالحان بودند. (86)

وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِى الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّى كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (87)

و ذاالنون [= یونس] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین می پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (امّا موقعی که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمتها (ی متراکم) صدا زد: «(خداوندا!) جز تو معبودی نیست! منزّهی تو! من از ستمکاران بودم!» (87)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِکَ نُنجِی الْمُؤْمِنِينَ (88)

ما دعای او را به اجابت رساندیم؛ و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم! (88)

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَأَنتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (89)

و زکریا را (به یاد آور) در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «پروردگار من! مرا تنها مگذار (و فرزند برومندی به من عطا کن)؛ و تو بهترین وارثانی!» (89)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِی الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ (90)

ما هم دعای او را پذیرفتیم، و یحیی را به او بخشیدیم؛ و همسرش را (که نازا بود) برایش آماده (بارداری) کردیم؛ چرا که آنان (خاندانی بودند که) همواره در کارهای خیر بسرعت اقدام می کردند؛ و در حال بیم و امید ما را می خواندند؛ و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند. (90)

وَالَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِیهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آیَةً لِّلْعَالَمِینَ (91)

و به یاد آور زنی را که دامان خود را پاک نگه داشت؛ و ما از روح خود در او دمیدیم؛ و او و فرزندش [= مسیح] را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم ! (91)

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّکُمْ فَاعْبُدُونِ (92)

این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امّت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید ! (92)

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَیْنَهُمْ کُلٌّ إِلَیْنَا رَاجِعُونَ (93)

(گروهی از پیروان ناآگاه آنها) کار خود را به تفرقه در میان خود کشاندند؛ (ولی سرانجام) همگی بسوی ما بازمی گردند ! (93)

فَمَن یَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا کُفْرَانَ لِسَعْیِهِ وَإِنَّا لَهُ کَاتِبُونَ (94)

و هر کس چیزی از اعمال شایسته بجا آورد، در حالی که ایمان داشته باشد، کوشش او ناسپاسی نخواهد شد؛ و ما تمام اعمال او را (برای پاداش) می نویسیم. (94)

وَحَرَامٌ عَلَی قَرْیَةٍ أَهْلَکْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا یَرْجِعُونَ (95)

و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا بازگردند؛) آنها هرگز باز نخواهند گشت ! (95)

حَتَّی إِذَا فُتِحَتْ یَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن کُلِّ حَدَبٍ یَنسِلُونَ (96)

تا آن زمان که «یأجوج» و «مأجوج» گشوده شوند؛ و آنها از هر محلّ مرتفعی بسرعت عبور می کنند. (96)

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِیَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِینَ کَفَرُوا یَا وَیْلَنَا قَدْ کُنَّا فِی غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ کُنَّا ظَالِمِینَ (97)

و وعده حقّ [= قیامت] نزدیک می شود؛ در آن هنگام چشمهای کافران از وحشت از حرکت بازمی ماند؛ (می گویند:) ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم؛ بلکه ما ستمکار بودیم ! (97)

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ (98)

شما و آنچه غیر خدا می پرستید، هیزم جهنّم خواهید بود؛ و همگی در آن وارد می شوید. (98)

لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ (99)

اگر اینها خدایانی بودند، هرگز وارد آن نمی شدند ! در حالی که همگی در آن جاودانه خواهند بود. (99)

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ (100)

برای آنان در آن [= دوزخ] ناله های دردناکی است و چیزی نمی شنوند. (100)

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ (101)

(امّا) کسانی که از قبل، وعده نیک از سوی ما به آنها داده شده [= مؤمنان صالح] از آن دور نگاهداشته می شوند. (101)

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِى مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ (102)

آنها صدای آتش دوزخ را نمی شوند؛ و در آنچه دلشان بخواهد، جاودانه متنعّم هستند. (102)

لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَهُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ (103)

وحشت بزرگ، آنها را اندوهگین نمی کند؛ و فرشتگان به استقبالشان می آیند، (و می گویند:) این همان روزی است که به شما وعده داده می شد! (103)

يَوْمَ نَطْوِى السَّمَاءَ كَطَىِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (104)

در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می پیچیم، (سپس) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی گردانیم؛ این وعده ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد. (104)

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِى الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِىَ الصَّالِحُونَ (105)

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!» (105)

إِنَّ فِى هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ (106)

در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیّت عبادت کنندگان! (106)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (107)

ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. (107)

قُلْ إِنَّمَا يُوحَى إِلَىَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (108)

بگو: «تنها چیزی که به من وحی می شود این است که معبود شما خدای یگانه است؛ آیا (با این حال) تسلیم (حقّ) می شوید؟ (و بتها را کنار می گذارید؟)» (108)

فَإِن تَوَلّوْا فَقُلْ آذَنتُكُمْ عَلَى سَوَاءٍ وَإِنْ أَدْرِى أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ (109)

اگر (باز) روی گردان شوند، بگو: «من به همه شما یکسان اعلام خطر می کنم؛ و نمی دانم آیا وعده (عذاب خدا) که به شما داده می شود نزدیک است یا دور! (109)

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ (110)

او سخنان آشکار را می داند، و آنچه را کتمان می کنید (نیز) می داند (و چیزی بر او پوشیده نیست)! (110)

وَإِنْ أَدْرِى لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (111)

و من نمی دانم شاید این آزمایشی برای شماست؛ و مایه بهره گیری تا مدّتی (معیّن)! (111)

قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (112)

(و پیامبر) گفت: «پروردگارا! بحق داوری فرما (و این طغیانگران را کیفر ده)! و پروردگار ما (خداوند) رحمان است که در برابر نسبتهای ناروای شما، از او استمداد می طلبم!» (112)

سوره الحج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَىْءٌ عَظِيمٌ (1)

ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله رستاخیز امر عظیمی است! (1)

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُم بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (2)

روزی که آن را می بینید، (آنچنان وحشت سراپای همه را فرامی گیرد که) هر مادر شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می کند؛ و هر بارداری جنین خود را بر زمین می نهد؛ و مردم را مست می بینی، در حالی که مست نیستند؛ ولی عذاب خدا شدید است! (2)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِى اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ (3)

گروهی از مردم، بدون هیچ علم و دانشی، به مجادله درباره خدا برمی خیزند؛ و از هر شیطان سرکشی پیروی می کنند. (3)

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ (4)

بر او نوشته شده که هر کس ولایتش را بر گردن نهد، بطور مسلّم گمراهش می سازد، و به آتش سوزان راهنماییش می کند! (4)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِى رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِى الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّى وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (5)

ای مردم! اگر در رستاخیز شک دارید، (به این نکته توجّه کنید که:) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه» [= چیزی شبیه گوشت جویده شده]، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل؛ تا برای شما روشن سازیم (که بر هر

چیز قادریم)! و جنین هایی را که بخواهیم تا مدّت معیّنی در رحم (مادران) قرارمی دهیم؛ (و آنچه را بخواهیم ساقط می کنیم؛) بعد شما را بصورت طفل بیرون می آوریم؛ سپس هدف این است که به حدّ رشد و بلوغ خویش برسید. در این میان بعضی از شما می میرند؛ و بعضی آن قدر عمر می کنند که به بدترین مرحله زندگی (و پیری) می رسند؛ آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی دانند! (از سوی دیگر،) زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می فرستیم، به حرکت درمی آید و می روید؛ و از هر نوع گیاهان زیبا می رویاند! (5)

ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِی الْمَوْتَی وَأَنَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ (6)

این بخاطر آن است که (بدانید) خداوند حق است؛ و اوست که مردگان را زنده می کند؛ و بر هر چیزی تواناست. (6)

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِی الْقُبُورِ (7)

و اینکه رستاخیز آمدنی است، و شکّی در آن نیست؛ و خداوند تمام کسانی را که در قبرها هستند زنده می کند. (7)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِی اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًی وَلَا کِتَابٍ مُّنِيرٍ (8)

و گروهی از مردم، بدون هیچ دانش و هیچ هدایت و کتاب روشنی بخشی، درباره خدا مجادله می کنند! (8)

ثَانِیَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِی الدُّنْيَا خِزْیٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ (9)

آنها با تکبّر و بی اعتنایی (نسبت به سخنان الهی)، می خواهند مردم را از راه خدا گمراه سازند! برای آنان در دنیا رسوایی است؛ و در قیامت، عذاب سوزان به آنها می چشانیم! (9)

ذَلِکَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاکَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (10)

(و به آنان می گوییم:) این در برابر چیزی است که دستهایتان از پیش برای شما فرستاده؛ و خداوند هرگز به بندگان ظلم نمی کند! (10)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَی حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انقَلَبَ عَلَی وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِکَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (11)

بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می پرستند (و ایمان قلبیشان بسیار ضعیف است)؛ همین که (دنیا به آنها رو کند و نفع و) خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می کنند؛ اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنها برسد، دگرگون می شوند (و به کفر رومی آورند)! (به این ترتیب) هم دنیا را از دست داده اند، و هم آخرت را؛ و این همان خسران و زیان آشکار است! (11)

يَدْعُو مِن دُونِ اللّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنفَعُهُ ذَلِکَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (12)

او جز خدا کسی را می خواند که نه زیانی به او می رساند، و نه سودی؛ این همان گمراهی بسیار عمیق است. (12)

يَدْعُو لَمَن ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ (13)

او کسی را می خواند که زیانش از نفعش نزدیکتر است؛ چه بد مولا و یاوری، و چه بد مونس و معاشری! (13)

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (14)

خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، در باغهایی از بهشت وارد می کند که نهرها زیر درختانش جاری است؛ (آری،) خدا هر چه را اراده کند انجام می دهد! (14)

مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ اللَّهُ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ (15)

هر کس گمان می کند که خدا پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد (و از این نظر عصبانی است، هر کاری از دستش ساخته است بکند)، ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد، و خود را حلق آویز و نفس خود را قطع کند (و تا لبه پرتگاه مرگ پیش رود)؛ ببیند آیا این کار خشم او را فرو می نشاند؟! (15)

وَكَذَلِکَ أَنزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِی مَن يُرِيدُ (16)

اين گونه ما آن [= قرآن] را بصورت آيات روشنی نازل كرديم؛ و خداوند هر كس را بخواهد هدايت می كند. (16)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَی وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ شَهِيدٌ (17)

مسلّماً كسانی كه ايمان آورده اند، و يهود و صابئان [= ستاره پرستان] و نصاری و مجوس و مشركان، خداوند در ميان آنان روز قيامت داوری می كند؛ (و حق را از باطل جدا می سازد؛) خداوند بر هر چيز گواه (و از همه چيز آگاه) است. (17)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَمَن فِی الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (18)

آيا نديدی كه تمام كسانی كه در آسمانها و كسانی كه در زمينند برای خدا سجده می كنند؟! و (همچنين) خورشيد و ماه و ستاركان و كوه ها و درختان و جنبندگان، و بسياری از مردم! امّا بسياری (ابا دارند، و) فرمان عذاب درباره آنان حتمی است؛ و هر كس را خدا خوار كند، كسی او را گرامی نخواهد داشت! خداوند هر كار را بخواهد (و صلاح بداند) انجام می دهد! (18)

هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِی رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ (19)

اينان دو گروهند كه درباره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند؛ كسانی كه كافر شدند، لباسهايی از آتش برای آنها بريده شده، و مايع سوزان و جوشان بر سرشان ريخته می شود؛ (19)

يُصْهَرُ بِهِ مَا فِی بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ (20)

آنچنان كه هم درونشان با آن آب می شود، و هم پوستهايشان. (20)

وَلَهُم مَّقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ (21)

و برای آنان گرزهایی از آهن (سوزان) است. (21)

كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (22)

هر گاه بخواهند از غم و اندوه های دوزخ خارج شوند، آنها را به آن بازمی گردانند؛ و (به آنان گفته می شود:) بچشید عذاب سوزان را! (22)

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (23)

خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، در باغهایی از بهشت وارد می کند که از زیر درختانش نهرها جاری است؛ آنان با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت می شوند؛ و در آنجا لباسهایشان از حریر است. (23)

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ (24)

و بسوی سخنان پاکیزه هدایت می شوند، و به راه خداوند شایسته ستایش، راهنمایی می گردند. (24)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (25)

کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می کنند یا از نقاط دور وارد می شوند (، مستحقّ عذابی دردناکند)؛ و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می چشانیم ! (25)

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَن لَّا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (26)

(به خاطر بیاور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند؛ و به او گفتیم:) چیزی را همتای من قرار مده ! و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجودکنندگان (از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی) پاک ساز ! (26)

وَأَذِّن فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (27)

و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دوری بسوی تو بیایند... (27)

لِّيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (28)

تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه حیاتبخش) باشند؛ و در ایّام معیّنی نام خدا را، بر چهارپایانی که به آنان داده است، (به هنگام قربانی کردن) ببرند؛ پس از گوشت آنها بخورید؛ و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید ! (28)

ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (29)

سپس، باید آلودگیهایشان را برطرف سازند؛ و به نذرهای خود وفا کنند؛ و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند. (29)

ذَلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ عِندَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (30)

(مناسک حج) این است! و هر کس برنامه های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است! و چهارپایان برای شما حلال شده، مگر آنچه (ممنوع بودنش) بر شما خوانده می شود. از پلیدیهای بتها اجتناب کنید! و از سخن باطل بپرهیزید! (30)

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِى بِهِ الرِّيحُ فِى مَكَانٍ سَحِيقٍ (31)

(برنامه و مناسک حج را انجام دهید) در حالی که همگی خالص برای خدا باشد! هیچ گونه همتایی برای او قائل نشوید! و هر کس همتایی برای خدا قرار دهد، گویی از آسمان سقوب کرده، و پرندگان (در وسط هوا) او را می ربایند؛ و یا تندباد او را به جای دوردستی پرتاب می کند! (31)

ذَلِکَ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ (32)

این است (مناسک حج)! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست. (32)

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ (33)

در آن (حیوانات قربانی)، منافعی برای شماست تا زمان معیّنی [= روز ذبح آنها] سپس محل آن، خانه قدیمی و گرامی (کعبه) است. (33)

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ (34)

برای هر امّتی قربانگاهی قرار دادیم، تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر چهارپایانی که به آنان روزی داده ایم ببرند، و خدای شما معبود واحدی است؛ در برابر (فرمان) او تسلیم شوید و بشارت ده متواضعان و تسلیم شوندگان را. (34)

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِى الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (35)

همانها که چون نام خدا برده می شود، دلهایشان پر از خوف (پروردگار) می گردد؛ و شکیبایان در برابر مصیبتهایی که به آنان می رسد؛ و آنها که نماز را برپا می دارند، و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند. (35)

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُم مِّن شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِکَ سَخَّرْنَاهَا

لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (36)

و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم؛ در آنها برای شما خیر و برکت است؛ نام خدا را (هنگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستاده اند بر آنها ببرید؛ و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت (و جان دادند)، از گوشت آنها بخورید، و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید! این گونه ما آنها را مسخّرتان ساختیم، تا شکر خدا را بجا آورید. (36)

لَن يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِن يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ (37)

نه گوشتها و نه خونهای آنها، هرگز به خدا نمی رسد. آنچه به او می رسد، تقوا و پرهیزگاری شماست. این گونه خداوند آنها را مسخّر شما ساخته، تا او را بخاطر آنکه شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید؛ و بشارت ده نیکوکاران را! (37)

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (38)

خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند؛ خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد! (38)

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (39)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست. (39)

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِم بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (40)

همانها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است. (40)

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (41)

همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست! (41)

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ (42)

اگر تو را تکذیب کنند، (امر تازه ای نیست؛) پیش از آنها قوم نوح و عاد و ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند. (42)

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ (43)

و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط؛ (43)

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (44)

و اصحاب مدین (قوم شعیب)؛ و نیز موسی (از سوی فرعونیان) تکذیب شد؛ امّا من به کافران مهلت دادم، سپس آنها را مجازات کردم. دیدی

چگونه (عمل آنها را) انکار نمودم (و چگونه به آنان پاسخ گفتم)؟! (44)

فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِىَ ظَالِمَةٌ فَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ (45)

چه بسیار شهرها و آبادیهایی که آنها را نابود و هلاک کردیم در حالی که (مردمش) ستمگر بودند، بگونه ای که بر سقفهای خود فروریخت! (نخست سقفها ویران گشت؛ و بعد دیوارها بر روی سقفها!) و چه بسیار چاه پر آب که بی صاحب ماند؛ و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع! (45)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِى الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِى فِى الصُّدُورِ (46)

آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دلهایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؛ یا گوشهای شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشمهای ظاهر نابینا نمی شود، بلکه دلهایی که در سینه هاست کور می شود. (46)

وَيَسْتَعْجِلُونَکَ بِالْعَذَابِ وَلَن يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِندَ رَبِّکَ کَأَلْفِ سَنَهٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ (47)

آنان از تو تقاضای شتاب در عذاب می کنند؛ در حالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلّف نخواهد کرد! و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که شما می شمرید! (47)

وَکَأَيِّن مِّن قَرْيَهٍ أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِىَ ظَالِمَهٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَىَّ الْمَصِيرُ (48)

و چه بسیار شهرها و آبادیهایی که به آنها مهلت دادم، در حالی که ستمگر بودند؛ (امّا از این مهلت برای اصلاح خویش استفاده نکردند.) سپس آنها را مجازات کردم؛ و بازگشت، تنها بسوی من است! (48)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَکُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (49)

بگو: «ای مردم! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم! (49)

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَهٌ وَرِزْقٌ کَرِيمٌ (50)

آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، آمرزش و روزی پر ارزشی برای آنهاست! (50)

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِى آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (51)

و آنها که در (محو) آیات ما تلاش کردند، و چنین می پنداشتند که می توانند بر اراده حتمی ما غالب شوند، اصحاب دوزخند!» (51)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِىٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِى أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِى الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْکِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَکِيمٌ (52)

هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه هرگاه آرزو می کرد (و طرحی برای پیشبرد اهداف الهی خود می ریخت)، شیطان القائاتی در آن می کرد؛ امّا خداوند القائات شیطان را از میان می برد، سپس آیات خود را استحکام می بخشید؛ و خداوند علیم و حکیم است. (52)

لَيَجْعَلَ مَا يُلْقِى الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لَّلَّذِينَ فِى قُلَوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَهِ قُلَوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِى شِقَاقٍ بَعِيدٍ (53)

هدف این بود که خداوند القای شیطان را آزمونی قرار دهد برای آنها که در دلهایشان بیماری است، و آنها که سنگدلند؛ و ظالمان در عداوت شدید دور از حقّ قرار گرفته اند! (53)

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّکَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (54)

و (نیز) هدف این بود که آگاهان بدانند این حقّی است از سوی پروردگارت، و در نتیجه به آن ایمان بیاورند، و دلهایشان در برابر آن خاضع گردد؛ و خداوند کسانی را که ایمان آوردند، بسوی صراط مستقیم هدایت می کند. (54)

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِى مِرْيَهٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَهُ بَغْتَهً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ (55)

کافران همواره در باره قرآن در شکّ هستند، تا آنکه روز قیامت بطور ناگهانی فرارسد، یا عذاب روز عقیم [= روزی که قادر بر جبران گذشته نیستند] به سراغشان آید! (55)

الْمُلْکُ یَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ فَالَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ (56)

حکومت و فرمانروایی در آن روز از آن خداست؛ و میان آنها داوری می کند: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در باغهای پرنعمت بهشتند؛ (56)

وَالَّذِینَ کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِآیَاتِنَا فَأُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِینٌ (57)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، عذاب خوارکننده ای برای آنهاست! (57)

وَالَّذِینَ هَاجَرُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَیَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ (58)

و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، خداوند به آنها روزی نیکویی می دهد؛ که او بهترین روزی دهندگان است! (58)

لَیُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا یَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِیمٌ حَلِیمٌ (59)

خداوند آنان را در محلی وارد می کند که از آن خشنود خواهند بود؛ و خداوند دانا و بردبار است. (59)

ذَلِکَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِیَ عَلَیْهِ لَیَنصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (60)

(آری،) مطلب چنین است! و هر کس به همان مقدار که به او ستم شده مجازات کند، سپس مورد تعدّی قرار گیرد، خدا او را یاری خواهد کرد؛ یقیناً خداوند بخشنده و آمرزنده است! (60)

ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ یُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَیُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ بَصِیرٌ (61)

این (وعده نصرت الهی) بخاطر آن است (که او بر هر چیز قادر است؛ خداوندی) که شب را در روز، و روز را در شب داخل می کند؛ و خداوند شنوا و بیناست! (61)

ذَلِکَ بِأَنَّ اللّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (62)

این بخاطر آن است که خداوند حقّ است؛ و آنچه را غیر از او می خوانند باطل است؛ و خداوند بلندمقام و بزرگ است! (62)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (63)

آیا ندیدی خداوند از آسمان، آبی فرستاد، و زمین (بر اثر آن) سرسبز و خرّم می گردد؟! و خداوند لطیف و آگاه است. (63)

لَّهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ (64)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست؛ و خداوند بی نیاز، و شایسته هر گونه ستایش است! (64)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِی الْأَرْضِ وَالْفُلْکَ تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِکُ السَّمَاءَ أَن تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (65)

آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است مسخّر شما کرد؛ و (نیز) کشتیهایی را که به فرمان او بر صفحه اقیانوسها حرکت می کنند؛ و آسمان [= کرات و سنگهای آسمانی] را نگه می دارد، تا جز بفرمان او، بر زمین فرو نیفتند؟ خداوند نسبت به مردم رحیم و مهربان است ! (65)

وَهُوَ الَّذِی أَحْيَاکُمْ ثُمَّ يُمِيتُکُمْ ثُمَّ يُحْيِيکُمْ إِنَّ الْإِنسَانَ لَکَفُورٌ (66)

و او کسی است که شما را زنده کرد، سپس می میراند، بار دیگر زنده می کند، امّا این انسان بسیار ناسپاس است. (66)

لِّکُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَکًا هُمْ نَاسِکُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّکَ فِی الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّکَ إِنَّکَ لَعَلَى هُدًى مُّسْتَقِيمٍ (67)

برای هر امّتی عبادتی قرار دادیم، تا آن عبادت را (در پیشگاه خدا) انجام دهند؛ پس نباید در این امر با تو به نزاع برخیزند ! بسوی پروردگارت دعوت کن، که بر هدایت مستقیم قرار داری (و راه راست همین است که تو می پویی). (67)

وَإِن جَادَلُوکَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (68)

و اگر آنان با تو به جدال برخیزند، بگو: «خدا از کارهایی که شما انجام می دهید آگاهتر است ! (68)

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (69)

و خداوند در روز قیامت، میان شما در آنچه اختلاف می کردید، داوری می کند !» (69)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِکَ فِی كِتَابٍ إِنَّ ذَلِکَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (70)

آیا نمی دانستی خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟ ! همه اینها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی پایان پروردگار)؛ و این بر

خداوند آسان است! (70)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُم بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ (71)

آنها غیر از خداوند، چیزهایی را می پرستند که او هیچ گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزهایی را که علم و آگاهی به آن ندارند! و برای ستمگران، یاور و راهنمایی نیست! (71)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (72)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، در چهره کافران آثار انکار مشاهده می کنی، آنچنان که نزدیک است برخیزند و با مشت به کسانی که آیات ما را بر آنها میخوانند حمله کنند! بگو: «آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ همان آتش سوزنده [= دوزخ] که خدا به کافران وعده داده؛ و بد سرانجامی است!» (72)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ (73)

ای مردم! مثلی زده شده است، به آن گوش فرا دهید: کسانی را که غیر از خدا می خوانید، هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست هم دهند! و هرگاه مگس چیزی از آنها برباید، نمی توانند آن را باز پس گیرند! هم این طلب کنندگان ناتوانند، و هم آن مطلوبان (هم این عابدان، و هم آن معبودان)! (73)

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِىٌّ عَزِيزٌ (74)

خدا را آن گونه که باید بشناسند نشناختند؛ خداوند قوّی و شکست ناپذیر است! (74)

اللَّهُ يَصْطَفِى مِنَ الْمَلَائِكَهِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (75)

خداوند از فرشتگان رسولانی برمی گزیند، و همچنین از مردم؛ خداوند شنوا و بیناست! (75)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (76)

آنچه را در پیش روی آنها و پشت سر آنهاست می داند؛ و همه امور بسوی خدا بازمی گردد. (76)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (77)

ای کسانی که ایمان آورده اید! رکوع کنید، و سجود بجا آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید! (77)

وَجَاهِدُوا فِى اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِى الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَفِى هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (78)

و در راه خدا جهاد کنید، و حقّ جهادش را ادا نمایید! او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد؛ از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد، و شما گواهان بر مردم! پس نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و به خدا تمسّک جویید، که او مولا و سرپرست شماست! چه مولای خوب، و چه یاور شایسته ای! (78)

جزء 18

سوره المؤمنون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (1)

مؤمنان رستگار شدند؛ (1)

الَّذِينَ هُمْ فِی صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (2)

آنها که در نمازشان خشوع دارند؛ (2)

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (3)

و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند؛ (3)

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاهِ فَاعِلُونَ (4)

و آنها که زکات را انجام می دهند؛ (4)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (5)

و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی عفتی) حفظ می کنند؛ (5)

إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (6)

تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره گیری از آنان ملامت نمی شوند؛ (6)

فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (7)

و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند ! (7)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (8)

و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می کنند؛ (8)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (9)

و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند؛ (9)

أُولَئِکَ هُمُ الْوَارِثُونَ (10)

(آری،) آنها وارثانند! (10)

الَّذِینَ یَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (11)

(وارثانی) که بهشت برین را ارث می برند، و جاودانه در آن خواهند ماند! (11)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَهٍ مِّن طِینٍ (12)

و ما انسان را از عصاره ای از گِل آفریدیم؛ (12)

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَهً فِی قَرَارٍ مَّکِینٍ (13)

سپس او را نطفه ای در قرارگاه مطمئن [= رحم] قرار دادیم؛ (13)

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَهَ عَلَقَهً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَهَ مُضْغَهً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَهَ عِظَامًا فَکَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِینَ (14)

سپس نطفه را بصورت علقه [= خون بسته]، و علقه را بصورت مضغه [= چیزی شبیه گوشت جویده شده]، و مضغه را بصورت استخوانهایی درآوردیم؛ و بر استخوانها گوشت پوشاندیم؛ سپس آن را آفرینش تازه ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است! (14)

ثُمَّ إِنَّکُم بَعْدَ ذَلِکَ لَمَیِّتُونَ (15)

سپس شما بعد از آن می میرید؛ (15)

ثُمَّ إِنَّکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ تُبْعَثُونَ (16)

سپس در روز قیامت برانگیخته می شوید! (16)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَکُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا کُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِینَ (17)

ما بر بالای سر شما هفت راه [= طبقات هفتگانه آسمان] قرار دادیم؛ و ما (هرگز) از خلق (خود) غافل نبوده ایم ! (17)

ص: 342

وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِی الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَی ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ (18)

و از آسمان، آبی به اندازه معیّن نازل کردیم؛ و آن را در زمین (در جایگاه مخصوصی) ساکن نمودیم؛ و ما بر از بین بردن آن کاملاً قادریم! (18)

فَأَنشَأْنَا لَکُم بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّخِیلٍ وَأَعْنَابٍ لَّکُمْ فِیهَا فَوَاکِهُ کَثِیرَهٌ وَمِنْهَا تَأْکُلُونَ (19)

سپس بوسیله آن باغهایی از درختان نخل و انگور برای شما ایجاد کردیم؛ باغهایی که در آن میوه های بسیار است؛ و از آن میخورید! (19)

وَشَجَرَهً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَیْنَاءَ تَنبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْآکِلِینَ (20)

و (نیز) درختی را که از طور سینا می روید [= درخت زیتون]، و از آن روغن و «نان خورش» برای خورندگان فراهم می گردد (آفریدیم)! (20)

وَإِنَّ لَکُمْ فِی الْأَنْعَامِ لَعِبْرَهً نُّسْقِیکُم مِّمَّا فِی بُطُونِهَا وَلَکُمْ فِیهَا مَنَافِعُ کَثِیرَهٌ وَمِنْهَا تَأْکُلُونَ (21)

و برای شما در چهارپایان عبرتی است؛ از آنچه در درون آنهاست [= از شیر] شما را سیراب می کنیم؛ و برای شما در آنها منافع بسیاری است؛ و از گوشت آنها می خورید؛ (21)

وَعَلَیْهَا وَعَلَی الْفُلْکِ تُحْمَلُونَ (22)

و بر آنها و بر کشتیها سوار می شوید! (22)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَی قَوْمِهِ فَقَالَ یَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَکُم مِّنْ إِلَهٍ غَیْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (23)

و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم؛ او به آنها گفت: «ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا (از پرستش بتها) پرهیز نمی کنید؟! (23)

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِینَ کَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُکُمْ یُرِیدُ أَن یَتَفَضَّلَ عَلَیْکُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِکَهً مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِی آبَائِنَا الْأَوَّلِینَ (24)

جمعیّت اشرافی (و مغرور) از قوم نوح که کافر بودند گفتند: «این مرد جز بشری همچون شما نیست، که می خواهد بر شما برتری جوید! اگر خدا می خواست (پیامبری بفرستد) فرشتگانی نازل می کرد؛ ما چنین چیزی را هرگز در نیاکان خود نشنیده ایم! (24)

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ (25)

او فقط مردی است که به نوعی جنون مبتلاست! پس مدّتی درباره او صبر کنید (تا مرگش فرا رسد، یا از این بیماری رهایی یابد!)» (25)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِی بِمَا كَذَّبُونِ (26)

(نوح) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری کن!» (26)

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِی فِی الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ (27)

ما به نوح وحی کردیم که: «کشتی را در حضور ما، و مطابق وحی ما بساز. و هنگامی که فرمان ما (برای غرق آنان) فرا رسد، و آب از تنور بجوشد (که نشانه فرا رسیدن طوفان است)، از هر یک از انواع حیوانات یک جفت در کشتی سوار کن؛ و همچنین خانواده ات را، مگر آنانی که قبلاً وعده هلاکشان داده شده [= همسر و فرزند کافرت]؛ و دیگر درباره ستمگران با من سخن مگو، که آنان همگی هلاک خواهند شد. (27)

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَکَ عَلَى الْفُلْکِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (28)

و هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند بر کشتی سوار شدید، بگو: «ستایش برای خدایی است که ما را از قوم ستمگر نجات بخشید!» (28)

وَقُل رَّبِّ أَنزِلْنِى مُنزَلًا مُّبَارَکًا وَأَنتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ (29)

و بگو: «پروردگارا! ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آر، و تو بهترین فرودآورندگانی!» (29)

إِنَّ فِى ذَلِکَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (30)

(آری،) در این ماجرا (برای صاحبان عقل و اندیشه) آیات و نشانه هایی است؛ و ما مسلّماً همگان را آزمایش می کنیم! (30)

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (31)

سپس جمعیّت دیگری را بعد از آنها به وجود آوردیم. (31)

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (32)

و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم که: «خدا را بپرستید؛ جز او معبودی برای شما نیست؛ آیا (با این همه، از شرک و بت پرستی) پرهیز نمی کنید؟!» (32)

وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِى الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (33)

ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را تکذیب می کردند، و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما؛ از آنچه می خورید می خورد؛ و از آنچه می نوشید می نوشد! (پس چگونه می تواند پیامبر باشد؟!) (33)

وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ (34)

و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلّماً زیانکارید. (34)

أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ (35)

آیا او به شما وعده می دهد هنگامی که مردید و خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدید، بار دیگر (از قبرها) بیرون آورده می شوید؟! (35)

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ (36)

هیهات، هیهات از این وعده هایی که به شما داده می شود! (36)

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (37)

مسلّماً غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست؛ پیوسته گروهی از ما می میریم، و نسل دیگری جای ما را می گیرد؛ و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد! (37)

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ (38)

او فقط مردی دروغگوست که بر خدا افترا بسته؛ و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد!» (38)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ (39)

(پیامبرشان) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری کن!» (39)

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ (40)

(خداوند) فرمود: «بزودی از کار خود پشیمان خواهند شد! (امّا زمانی که دیگر سودی به حالشان ندارد.)» (40)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (41)

سرانجام صیحه آسمانی آنها را بحق فرو گرفت؛ و ما آنها را همچون خاشاکی بر سیلاب قرار دادیم؛ دور باد قوم ستمگر (از رحمت خدا)! (41)

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ (42)

سپس اقوام دیگری را پس از آنها پدید آوردیم. (42)

ص: 344

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (43)

هیچ امتی بر اجل و سر رسید حتمی خود پیشی نمی گیرد، و از آن تأخیر نیز نمی کند. (43)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَى كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُم بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ (44)

سپس رسولان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم؛ هر زمان رسولی برای (هدایت) قومی می آمد، او را تکذیب می کردند؛ ولی ما این امّتهای سرکش را یکی پس از دیگری هلاک نمودیم، و آنها را احادیثی قرار دادیم (چنان محو شدند که تنها نام و گفتگویی از آنان باقی ماند.) دور باد (از رحمت خدا) قومی که ایمان نمی آورند! (44)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (45)

سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم... (45)

إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ (46)

بسوی فرعون و اطرافیان اشرافی او؛ امّا آنها تکبّر کردند، و آنها مردمی برتری جوی بودند. (46)

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (47)

آنها گفتند: «آیا ما به دو انسان همانند خودمان ایمان بیاوریم، در حالی که قوم آنها بردگان ما هستند؟!» (47)

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ (48)

(آری،) آنها این دو را تکذیب کردند؛ و سرانجام همگی هلاک شدند. (48)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (49)

و ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ شاید آنان [= بنی اسرائیل] هدایت شوند. (49)

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ (50)

و ما فرزند مریم [= عیسی] و مادرش را آیت و نشانه ای قرار دادیم؛ و آنها را در سرزمین مرتفعی که دارای امنیّت و آب جاری بود جای دادیم. (50)

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّى بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (51)

ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید، و عمل صالح انجام دهید، که من به آنچه انجام می دهید آگاهم. (51)

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (52)

و این امّت شما امّت واحدی است؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید! (52)

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (53)

امّا آنها کارهای خود را در میان خویش به پراکندگی کشاندند، و هر گروهی به راهی رفتند؛ (و عجب اینکه) هر گروه به آنچه نزد خود دارند خوشحالند! (53)

فَذَرْهُمْ فِى غَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ (54)

آنها را در جهل و غفلتشان بگذار تا زمانی (که مرگشان فرا رسد یا گرفتار عذاب الهی شوند). (54)

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَبَنِينَ (55)

آنها گمان می کنند اموال و فرزندانی که بعنوان کمک به آنان می دهیم... (55)

نُسَارِعُ لَهُمْ فِى الْخَيْرَاتِ بَل لَّا يَشْعُرُونَ (56)

برای این است که درهای خیرات را با شتاب به روی آنها بگشاییم!! (چنین نیست) بلکه آنها نمی فهمند (که این وسیله امتحانشان است). (56)

إِنَّ الَّذِينَ هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ (57)

مسلّماً کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناکند، (57)

وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (58)

و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می آورند، (58)

وَالَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ (59)

و آنها که به پروردگارشان شرک نمی ورزند، (59)

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (60)

و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می دهند و با این حال، دلهایشان هراسناک است از اینکه سرانجام بسوی پروردگارشان بازمی گردند، (60)

أُولَئِکَ يُسَارِعُونَ فِی الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ (61)

(آری) چنین کسانی در خیرات سرعت می کنند و از دیگران پیشی می گیرند (و مشمول عنایات ما هستند). (61)

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (62)

و ما هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی کنیم؛ و نزد ما کتابی است که (تمام اعمال بندگان را ثبت کرده و) بحق سخن می گوید؛ و به آنان هیچ ستمی نمی شود. (62)

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِی غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّن دُونِ ذَلِکَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ (63)

ولی دلهای آنها از این نامه اعمال (و روز حساب و آیات قرآن) در بی خبری فرورفته؛ و اعمال (زشت) دیگری جز این دارند که پیوسته آن را انجام می دهند... (63)

حَتَّى إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ (64)

تا زمانی که متنعّمان مغرور آنها را در چنگال عذاب گرفتار سازیم؛ در این هنگام، ناله های دردناک و استغاثه آمیز سرمی دهند! (64)

لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ (65)

(امّا به آنها گفته می شود:) امروز فریاد نکنید، زیرا از سوی ما یاری نخواهید شد! (65)

قَدْ كَانَتْ آيَاتِی تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ (66)

(آیا فراموش کرده اید که) در گذشته آیات من پیوسته بر شما خوانده می شد؛ امّا شما اعراض کرده به عقب بازمی گشتید؟! (66)

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ (67)

در حالی که در برابر او [=پیامبر] استکبار می کردید، و شبها در جلسات خود به بدگویی می پرداختید؟! (67)

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُم مَّا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (68)

آیا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟! (68)

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ (69)

یا اینکه پیامبرشان را نشناختند (و از سوابق او آگاه نیستند)، از این رو او را انکار می کنند؟! (69)

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (70)

یا می گویند او دیوانه است؟! ولی او حق را برای آنان آورده؛ امّا بیشترشان از حق کراهت دارند (و گریزانند). (70)

وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم مُّعْرِضُونَ (71)

و اگر حق از هوسهای آنها پیروی کند، آسمانها و زمین و همه کسانی که در آنها هستند تباه می شوند! ولی ما قرآنی به آنها دادیم که مایه یادآوری (و عزّت و شرف) برای آنهاست، امّا آنان از (آنچه مایه) یادآوریشان (است) رویگردانند! (71)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (72)

یا اینکه تو از آنها مزد و هزینه ای (در برابر دعوتت) می خواهی؟ با اینکه مزد پروردگارت بهتر، و او بهترین روزی دهندگان است! (72)

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (73)

بطور قطع و یقین، تو آنان را به راه راست دعوت می کنی. (73)

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ (74)

امّا کسانی که به آخرت ایمان ندارند از این راه منحرفند! (74)

ص: 346

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ لَّلَجُّوا فِی طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (75)

و اگر به آنان رحم کنید و گرفتاریها و مشکلاتشان را برطرف سازیم، (نه تنها بیدار نمی شوند، بلکه) در طغیانشان لجاجت می ورزند و (در این وادی) سرگردان می مانند! (75)

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ (76)

ما آنها را به عذاب و بلا گرفتار ساختیم (تا بیدار شوند)، امّا آنان نه در برابر پروردگارشان تواضع کردند، و نه به درگاهش تضرّع می کنند! (76)

حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (77)

(این وضع همچنان ادامه می یابد) تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم، (و چنان گرفتار می شوند که) ناگهان بکلّی مأیوس گردند. (77)

وَهُوَ الَّذِی أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (78)

و او کسی است که برای شما گوش و چشم و قلب [=عقل] ایجاد کرد؛ امّا کمتر شکر او را بجا می آورید. (78)

وَهُوَ الَّذِی ذَرَأَكُمْ فِی الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (79)

و او کسی است که شما را در زمین آفرید؛ و به سوی او محشور می شوید! (79)

وَهُوَ الَّذِی يُحْيِی وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (80)

و او کسی است که زنده می کند و می میراند؛ و رفت و آمد شب و روز از آن اوست؛ آیا اندیشه نمی کنید؟! (80)

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (81)

(نه،) بلکه آنان نیز مثل آنچه پیشینیان گفته بودند گفتند. (81)

قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (82)

آنها گفتند: «آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدیم، آیا بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟! (82)

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِن قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (83)

این وعده به ما و پدرانمان از قبل داده شده؛ این فقط افسانه های پیشینیان است!» (83)

قُل لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَن فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (84)

بگو: «زمین و کسانی که در آن هستند از آن کیست، اگر شما می دانید؟!» (84)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (85)

بزودی (در پاسخ تو) می گویند: «همه از آن خداست!» بگو: «آیا متذکّر نمی شوید؟!» (85)

قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (86)

بگو: «چه کسی پروردگار آسمانهای هفتگانه، و پروردگار عرش عظیم است؟» (86)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (87)

بزودی خواهند گفت: «همه اینها از آن خداست!» بگو: «آیا تقوا پیشه نمی کنید (و از خدا نمی ترسید و دست از شرک برنمی دارید)؟!» (87)

قُلْ مَن بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَىْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (88)

بگو: «اگر می دانید، چه کسی حکومت همه موجودات را در دست دارد، و به بی پناهان پناه می دهد، و نیاز به پناه دادن ندارد؟!» (88)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ (89)

خواهند گفت: «(همه اینها) از آن خداست» بگو: «با این حال چگونه می گویید سحر شده اید (و این سخنان سحر و افسون است)؟!» (89)

بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (90)

نه، (واقع این است که) ما حقّ را برای آنها آوردیم؛ و آنان دروغ می گویند! (90)

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِن وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ (91)

خدا هرگز فرزندی برای خود انتخاب نکرده؛ و معبود دیگری با او نیست؛ که اگر چنین می شد، هر یک از خدایان مخلوقات خود را تدبیر و اداره می کردند و بعضی بر بعضی دیگر برتری می جستند (و جهان هستی به تباهی کشیده می شد)؛ منزّه است خدا از آنچه آنان توصیف می کنند! (91)

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (92)

او دانای نهان و آشکار است؛ پس برتر است از آنچه برای او همتا قرار می دهند! (92)

قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِيَنِّى مَا يُوعَدُونَ (93)

بگو: «پروردگار من! اگر عذابهایی را که به آنان وعده داده می شود به من نشان دهی (و در زندگیم آن را ببینم)... (93)

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِى فِى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (94)

پروردگار من! مرا (در این عذابها) با گروه ستمگران قرار مده!» (94)

وَإِنَّا عَلَى أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ (95)

و ما تواناییم که آنچه را به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم! (95)

ادْفَعْ بِالَّتِى هِىَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (96)

بدی را به بهترین راه و روش دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی ده)! ما به آنچه توصیف می کنند آگاهتریم! (96)

وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ (97)

و بگو: «پروردگارا! از وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم! (97)

وَأَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَن یَحْضُرُونِ (98)

و از اینکه آنان نزد من حاضر شوند (نیز) -ای پروردگار من- به تو پناه می برم!» (98)

حَتَّی إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (99)

(آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می گوید: «پروردگار من! مرا بازگردانید! (99)

لَعَلِّی أَعْمَلُ صَالِحًا فِیمَا تَرَکْتُ کَلَّا إِنَّهَا کَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَی یَوْمِ یُبْعَثُونَ (100)

شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم!» (ولی به او می گویند:) چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است)! و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند! (100)

فَإِذَا نُفِخَ فِی الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَیْنَهُمْ یَوْمَئِذٍ وَلَا یَتَسَاءَلُونَ (101)

هنگامی که در «صور» دمیده شود، هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی میان آنها در آن روز نخواهد بود؛ و از یکدیگر تقاضای کمک نمی کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست)! (101)

فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِینُهُ فَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (102)

و کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است، همان رستگارانند! (102)

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِینُهُ فَأُولَئِکَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِی جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (103)

و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد، کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند! (103)

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِیهَا کَالِحُونَ (104)

شعله های سوزان آتش همچون شمشیر به صورتهایشان نواخته می شود؛ و در دوزخ چهره ای عبوس دارند. (104)

ص: 348

أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِى تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (105)

(به آنها گفته می شود:) آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد، پس آن را تکذیب می کردید؟! (105)

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ (106)

می گویند: «پروردگارا! بدبختی ما بر ما چیره شد، و ما قوم گمراهی بودیم! (106)

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ (107)

پروردگارا! ما را از این (دوزخ) بیرون آر، اگر بار دیگر تکرار کردیم قطعاً ستمگریم (و مستحق عذاب)!» (107)

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ (108)

(خداوند) می گوید: «دور شوید در دوزخ، و با من سخن مگویید! (108)

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِى يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (109)

(فراموش کرده اید) گروهی از بندگانم می گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم؛ ما را ببخش و بر ما رحم کن؛ و تو بهترین رحم کنندگانی! (109)

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ (110)

امّا شما آنها را به باد مسخره گرفتید تا شما را از یاد من غافل کردند؛ و شما به آنان می خندیدید! (110)

إِنِّى جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ (111)

ولی من امروز آنها را بخاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم؛ آنها پیروز و رستگارند!» (111)

قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِى الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ (112)

(خداوند) می گوید: «چند سال در روی زمین توقّف کردید؟» (112)

قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ (113)

(در پاسخ) می گویند: «تنها به اندازه یک روز، یا قسمتی از یک روز! از آنها که می توانند بشمارند بپرس!» (113)

قَالَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (114)

می گوید: «(آری،) شما مقدار کمی توقّف نمودید اگر می دانستید!» (114)

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (115)

آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده ایم، و بسوی ما باز نمی گردید؟ (115)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (116)

پس برتر است خداوندی که فرمانروای حقّ است (از اینکه شما را بی هدف آفریده باشد)! معبودی جز او نیست؛ و او پروردگار عرش کریم است! (116)

وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِندَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (117)

و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند -و مسلّماً هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت- حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛ یقیناً کافران رستگار نخواهند شد! (117)

وَقُل رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (118)

و بگو: «پروردگارا! مرا ببخش و رحمت کن؛ و تو بهترین رحم کنندگانی!» (118)

سوره النور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُورَةٌ أَنزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (1)

(این) سوره ای است که آن را فرو فرستادیم، و (عمل به آن را) واجب نمودیم، و در آن آیات روشنی نازل کردیم، شاید شما متذکّر شوید! (1)

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (2)

هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبّت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند! (2)

الزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (3)

مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند؛ و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود درنمی آورد؛ و این کار بر مؤمنان حرام شده است! (3)

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (4)

و کسانی که زنان پاکدامن را متهمّ می کنند، سپس چهار شاهد (بر مدّعای خود) نمی آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید؛ و آنها همان فاسقانند! (4)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (5)

مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند (که خداوند آنها را می بخشد) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است. (5)

وَالّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لّهُمْ شُهَدَاءُ إِلّا أنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (6)

و کسانی که همسران خود را (به عمل منافی عفّت) متهمّ می کنند، و گواهانی جز خودشان ندارند، هر یک از آنها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد که از راستگویان است؛ (6)

وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِن كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (7)

و در پنجمین بار بگوید که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد. (7)

وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَن تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (8)

آن زن نیز می تواند کیفر (زنا) را از خود دور کند، به این طریق که چهار بار خدا را به شهادت طلبد که آن مرد (در این نسبتی که به او می دهد) از دروغگویان است. (8)

وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِن كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ (9)

و بار پنجم بگوید که غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد. (9)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (10)

و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نبود و اینکه او توبه پذیر و حکیم است (بسیاری از شما گرفتار مجازات سخت الهی می شدید)! (10)

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُم مَّا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِى تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (11)

مسلّماً کسانی که آن تهمت عظیم را عنوان کردند گروهی (متشکّل و توطئه گر) از شما بودند؛ امّا گمان نکنید این ماجرا برای شما بد است، بلکه خیر شما در آن است؛ آنها هر کدام سهم خود را از این گناهی که مرتکب شدند دارند؛ و از آنان کسی که بخش مهمّ آن را بر عهده داشت عذاب عظیمی برای اوست! (11)

لَّوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (12)

چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود (و کسی که همچون خود آنها بود) گمان خیر نبردند و نگفتند این دروغی بزرگ و آشکار است؟! (12)

لَّوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِندَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ (13)

چرا چهار شاهد برای آن نیاوردند؟! اکنون که این گواهان را نیاوردند، آنان در پیشگاه خدا دروغگویانند! (13)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِى مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (14)

و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت شامل شما نمی شد، بخاطر این گناهی که کردید عذاب سختی به شما می رسید! (14)

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُم مَّا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِندَ اللَّهِ عَظِيمٌ (15)

به خاطر بیاورید زمانی را که این شایعه را از زبان یکدیگر می گرفتید، و با دهان خود سخنی می گفتید که به آن یقین نداشتید؛ و آن را کوچک می پنداشتید در حالی که نزد خدا بزرگ است! (15)

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُم مَّا يَكُونُ لَنَا أن نَّتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَکَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (16)

چرا هنگامی که آن را شنیدید نگفتید: «ما حق نداریم که به این سخن تکلّم کنیم؛ خداوندا منزّهی تو، این بهتان بزرگی است»؟! (16)

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَن تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (17)

خداوند شما را اندرز می دهد که هرگز چنین کاری را تکرار نکنید اگر ایمان دارید! (17)

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (18)

و خداوند آیات را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است. (18)

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِى الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (19)

کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛ و خداوند می داند و شما نمی دانید! (19)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (20)

و اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نبود و اینکه خدا مهربان و رحیم است (مجازات سختی دامانتان را می گرفت)! (20)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَن يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَى مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّى مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (21)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از گامهای شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می دهد! و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود، هرگز احدی از شما پاک نمی شد؛ ولی خداوند هر که را بخواهد تزکیه می کند، و خدا شنوا و داناست! (21)

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولِى الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (22)

آنها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند؛ آنها باید عفو کنند و چشم بپوشند؛ آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است! (22)

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (23)

کسانی که زنان پاکدامن و بی خبر (از هرگونه آلودگی) و مؤمن را متهم می سازند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی بدورند و عذاب بزرگی برای آنهاست. (23)

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (24)

در آن روز زبانها و دستها و پاهایشان بر ضدّ آنها به اعمالی که مرتکب می شدند گواهی می دهد! (24)

يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (25)

آن روز، خداوند جزای واقعی آنان را بی کم و کاست می دهد؛ و می دانند که خداوند حق آشکار است! (25)

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (26)

زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند، و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلّق دارند؛ و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند! اینان از نسبتهای ناروایی که (ناپاکان) به آنان می دهند مبرّا هستند؛ و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پرارزشی است! (26)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (27)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکّر شوید! (27)

فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (28)

و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید؛ این برای شما پاکیزه تر است؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است! (28)

لَّيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (29)

(ولی) گناهی بر شما نیست که وارد خانه های غیر مسکونی بشوید که در آن متاعی متعلّق به شما وجود دارد؛ و خدا آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارید، می داند! (29)

قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (30)

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است؛ خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است! (30)

وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (31)

و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را -جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان [=کنیزانشان]، یا افراد سفیه که

تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید! (31)

ص: 353

وَأَنكِحُوا الْأَيَامَى مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (32)

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است! (32)

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَن يُكْرِههُّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (33)

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند! و آن بردگانتان که خواستار مکاتبه [=قرار داد مخصوص برای آزاد شدن] هستند، با آنان قرار داد ببندید اگر رشد و صلاح در آنان احساس می کنید (که بعد از آزادی، توانایی زندگی مستقل را دارند)؛ و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید! و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خود فروشی نکنید اگر خودشان می خواهند پاک بمانند! و هر کس آنها را (بر این کار) اجبار کند، (سپس پشیمان گردد،) خداوند بعد از این اجبار آنها غفور و رحیم است! (توبه کنید و بازگردید، تا خدا شما را ببخشد!) (33)

وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (34)

ما بر شما آیاتی فرستادیم که حقایق بسیاری را تبیین می کند، و اخباری از کسانی که پیش از شما بودند، و موعظه و اندرزی برای پرهیزگاران! (34)

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (35)

خداوند نور آسمانها و زمین است؛ مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد، آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی

شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی؛ (روغنش آنچنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور شود؛ نوری است بر فراز نوری؛ و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می کند، و خداوند به هر چیزی داناست. (35)

فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (36)

(این چراغ پرفروغ) در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)؛ خانه هایی که نام خدا در آنها برده می شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می گویند... (36)

رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاهِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاهِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (37)

مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند؛ آنها از روزی می ترسند که در آن، دلها و چشمها زیر و رو می شود. (37)

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (38)

(آنها به سراغ این کارها می روند) تا خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده اند پاداش دهد، و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید؛ و خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می دهد (و از مواهب بی انتهای خویش بهره مند می سازد). (38)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَهٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِندَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (39)

کسانی که کافر شدند، اعمالشان همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه از دور آن را آب می پندارد؛ امّا هنگامی که به سراغ آن می آید چیزی نمی یابد، و خدا را نزد آن می یابد که حساب او را بطور کامل می دهد؛ و خداوند سریع الحساب است! (39)

أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِی بَحْرٍ لُّجِّیٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ (40)

یا همچون ظلماتی در یک دریای عمیق و پهناور که موج آن را پوشانده، و بر فراز آن موج دیگری، و بر فراز آن ابری تاریک است؛ ظلمتهایی است یکی بر فراز دیگری، آن گونه که هر گاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند! و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده، نوری برای او نیست! (40)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (41)

آیا ندیدی تمام آنان که در آسمانها و زمینند برای خدا تسبیح می کنند، و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده اند؟! هر یک از آنها نماز و تسبیح خود را می داند؛ و خداوند به آنچه انجام میدهند داناست! (41)

وَلِلَّهِ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَی اللَّهِ الْمَصِیرُ (42)

و از برای خداست حکومت و مالکیّت آسمانها و زمین؛ و بازگشت (تمامی موجودات) بسوی اوست! (42)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ یُزْجِی سَحَابًا ثُمَّ یُؤَلِّفُ بَیْنَهُ ثُمَّ یَجْعَلُهُ رُکَامًا فَتَرَی الْوَدْقَ یَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَیُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِن جِبَالٍ فِیهَا مِن بَرَدٍ فَیُصِیبُ بِهِ مَن یَشَاءُ وَیَصْرِفُهُ عَن مَّن یَشَاءُ یَکَادُ سَنَا بَرْقِهِ یَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (43)

آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می راند، سپس میان آنها پیوند می دهد، و بعد آن را متراکم می سازد؟! در این حال، دانه های باران را می بینی که از لابه لای آن خارج می شود؛ و از آسمان -از کوه هایی که در آن است [=ابرهایی که همچون کوه ها انباشته شده اند]- دانه های تگرگ نازل می کند، و هر کس را بخواهد بوسیله آن زیان می رساند، و از هر کس بخواهد این زیان را برطرف می کند؛ نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها) چشمها را ببرد! (43)

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَعِبْرَةً لِّأُولِی الْأَبْصَارِ (44)

خداوند شب و روز را دگرگون می سازد؛ در این عبرتی است برای صاحبان بصیرت ! (44)

وَاللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُم مَّن یَمْشِی عَلَی بَطْنِهِ وَمِنْهُم مَّن یَمْشِی عَلَی رِجْلَیْنِ وَمِنْهُم مَّن یَمْشِی عَلَی أَرْبَعٍ یَخْلُقُ اللَّهُ مَا یَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (45)

و خداوند هر جنبنده ای را از آبی آفرید؛ گروهی از آنها بر شکم خود راه می روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می روند؛ خداوند هر چه را بخواهد می آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست ! (45)

لَّقَدْ أَنزَلْنَا آیَاتٍ مُّبَیِّنَاتٍ وَاللَّهُ یَهْدِی مَن یَشَاءُ إِلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ (46)

ما آیات روشنگری نازل کردیم؛ و خدا هر که را بخواهد به صراط مستقیم هدایت می کند ! (46)

وَیَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ یَتَوَلَّی فَرِیقٌ مِّنْهُم مِّن بَعْدِ ذَلِکَ وَمَا أُولَئِکَ بِالْمُؤْمِنِینَ (47)

آنها می گویند: «به خدا و پیامبر ایمان داریم و اطاعت می کنیم !» ولی بعد از این ادّعا، گروهی از آنان رویگردان می شوند؛ آنها (در حقیقت) مؤمن نیستند ! (47)

وَإِذَا دُعُوا إِلَی اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ إِذَا فَرِیقٌ مِّنْهُم مُّعْرِضُونَ (48)

و هنگامی که از آنان دعوت شود که بسوی خدا و پیامبرش بیایند تا در میانشان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان رویگردان می شوند ! (48)

وَإِن یَکُن لَّهُمُ الْحَقُّ یَأْتُوا إِلَیْهِ مُذْعِنِینَ (49)

ولی اگر حق داشته باشند (و داوری به نفع آنان شود) با سرعت و تسلیم بسوی او می آیند ! (49)

أَفِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ ارْتَابُوا أَمْ یَخَافُونَ أَن یَحِیفَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ (50)

آیا در دلهای آنان بیماری است، یا شکّ و تردید دارند، یا می ترسند خدا و رسولش بر آنان ستم کنند؟! نه، بلکه آنها خودشان ستمگرند! (50)

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (51)

سخن مؤمنان، هنگامی که بسوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و اینها همان رستگاران واقعی هستند. (51)

وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ (52)

و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند! (52)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُل لَّا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (53)

آنها با نهایت تأکید سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، (از خانه و اموال خود) بیرون می روند (و جان را در طبق اخلاص گذارده تقدیم می کنند)؛ بگو: «سوگند یاد نکنید؛ شما طاعت خالصانه نشان دهید که خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است!» (53)

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُم مَّا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (54)

بگو: «خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید! و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شما مسؤول اعمال خود! امّا اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست!» (54)

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (55)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیّت و آرامش مبدّل می کند، آنچنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند. (55)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (56)

و نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و رسول (خدا) را اطاعت کنید تا مشمول رحمت (او) شوید. (56)

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ (57)

گمان مبر کافران می توانند از چنگال مجازات الهی در زمین فرار کنند! جایگاه آنان آتش است، و چه بد جایگاهی است! (57)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُم بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (58)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بردگان شما، و همچنین کودکانتان که به حدّ بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ امّا بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیّت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می کند، و خداوند دانا و حکیم است! (58)

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (59)

و هنگامی که اطفال شما به سنّ بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می گرفتند؛ اینچنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است! (59)

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَن يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (60)

و زنان از کارافتاده ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباسهای (رویین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط اینکه در برابر مردم خودآرایی نکنند؛ و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست. (60)

لَّيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنفُسِكُمْ أَن تَأْكُلُوا مِن بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكْتُم مَّفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُم بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (61)

بر نابینا و افراد لنگ و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند)، و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه های خودتان [=خانه های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می شود بدون اجازه خاصّی] غذا بخورید؛ و همچنین خانه های پدرانتان، یا خانه های مادرانتان، یا خانه های برادرانتان، یا خانه های خواهرانتان، یا خانه های عموهایتان، یا خانه های عمّه هایتان، یا خانه های داییهایتان، یا خانه های خاله هایتان، یا خانه ای که کلیدش در اختیار شماست، یا خانه های دوستانتان، بر شما گناهی نیست که بطور دسته جمعی یا جداگانه غذا بخورید؛ و هنگامی که داخل خانه ای شدید، بر خویشتن سلام کنید، سلام و تحیّتی از سوی خداوند، سلامی پربرکت و پاکیزه! این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می کند، باشد که بیندیشید! (61)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (62)

مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند و هنگامی که در کار مهمّی با او باشند، بی اجازه او جایی نمی روند؛ کسانی که از تو اجازه می گیرند، براستی به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند! در این صورت، هر گاه برای بعضی کارهای مهمّ خود از تو اجازه بخواهند، به هر یک از آنان که می خواهی (و صلاح می بینی) اجازه ده، و برایشان از خدا آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است! (62)

لَّا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُم بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (63)

صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهی؛ خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می شوند، و یکی پس از دیگری فرار می کنند می داند! پس آنان که فرمان او را مخالفت می کنند، باید بترسند از اینکه فتنه ای دامنشان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد! (63)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (64)

آگاه باشید که برای خداست آنچه در آسمانها و زمین است؛ او می داند آنچه را که شما بر آن هستید، و (می داند) روزی را که بسوی او بازمی گردند؛ و (در آن روز) آنها را از اعمالی که انجام دادند آگاه می سازد؛ و خداوند به هر چیزی داناست! (64)

سوره الفرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (1)

زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد. (1)

الَّذِی لَهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُن لَّهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَخَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِیرًا (2)

خداوندی که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست، و فرزندی برای خود انتخاب نکرد، و همتایی در حکومت و مالکیّت ندارد، و همه چیز را آفرید، و به دقّت اندازه گیری نمود! (2)

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا (3)

آنان غیر از خداوند معبودانی برای خود برگزیدند؛ معبودانی که چیزی را نمی آفرینند، بلکه خودشان مخلوقند، و مالک زیان و سود خویش نیستند، و نه مالک مرگ و حیات و رستاخیز خویشند. (3)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا (4)

و کافران گفتند: «این فقط دروغی است که او ساخته، و گروهی دیگر او را بر این کار یاری داده اند.» آنها (با این سخن،) ظلم و دروغ بزرگی را مرتکب شدند. (4)

وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (5)

و گفتند: «این همان افسانه های پیشینیان است که وی آن را رونویس کرده، و هر صبح و شام بر او املا می شود.» (5)

قُلْ أَنزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (6)

بگو: «کسی آن را نازل کرده که اسرار آسمانها و زمین را می داند؛ او (همیشه) آمرزنده و مهربان بوده است!» (6)

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا (7)

و گفتند: «چرا این پیامبر غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟! (نه سنّت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!) چرا فرشته ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انذار کند (و گواه صدق دعوی او باشد)؟! (7)

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (8)

یا گنجی (از آسمان) برای او فرستاده شود، یا باغی داشته باشد که از (میوه) آن بخورد (و امرار معاش کند)؟!» و ستمگران گفتند: «شما تنها از مردی مجنون پیروی می کنید!» (8)

انظَرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلاً (9)

ببین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند، آن گونه که قدرت پیدا کردن راه را ندارند! (9)

تَبَارَكَ الَّذِي إِن شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّن ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَل لَّكَ قُصُورًا (10)

زوال ناپذیر و بزرگ است خدایی که اگر بخواهد برای تو بهتر از این قرار می دهد: باغهایی که نهرها از زیر درختانش جاری است، و (اگر بخواهد) برای تو کاخهایی مجلّل قرارمی دهد. (10)

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَن كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا (11)

(اینها همه بهانه است) بلکه آنان قیامت را تکذیب کرده اند؛ و ما برای کسی که قیامت را تکذیب کند، آتشی شعله ور و سوزان فراهم کرده ایم! (11)

إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا (12)

هنگامی که این آتش آنان را از مکانی دور ببیند، صدای وحشتناک و خشم آلودش را که با نفس زدن شدید همراه است می شنوند. (12)

وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا (13)

و هنگامی که در جای تنگ و محدودی از آن افکنده شوند در حالی که در غل و زنجیرند، فریاد واویلای آنان بلند می شود! (13)

لَّا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا (14)

(به آنان گفته می شود:) امروز یک بار واویلا نگویید، بلکه بسیار واویلا بگویید! (14)

قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِى وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا (15)

(ای پیامبر!) بگو: «آیا این بهتر است یا بهشت جاویدانی که به پرهیزگاران وعده داده شده؟! بهشتی که پاداش اعمال آنها، و قرارگاهشان است.» (15)

لَّهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْئُولًا (16)

هر چه بخواهند در آنجا برایشان فراهم است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده ای است مسلّم که پروردگارت بر عهده گرفته است! (16)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِى هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ (17)

(به خاطر بیاور) روزی را که همه آنان و معبودهایی را که غیر از خدا می پرستند جمع می کند، آنگاه به آنها می گوید: «آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید یا خود آنان راه را گم کردند؟!» (17)

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنبَغِى لَنَا أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِن مَّتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا (18)

(در پاسخ) می گویند: «منزّهی تو! برای ما شایسته نبود که غیر از تو اولیایی برگزینیم، ولی آنان و پدرانشان را از نعمتها برخوردار نمودی تا اینکه (به جای شکر نعمت) یاد تو را فراموش کردند و تباه و هلاک شدند.» (18)

فَقَدْ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَن يَظْلِم مِّنكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا (19)

(خداوند به آنان می گوید: ببینید) این معبودان، شما را در آنچه می گویید تکذیب کردند! اکنون نمی توانید عذاب الهی را برطرف بسازید، یا از کسی یاری بطلبید! و هر کس از شما ستم کند، عذاب شدیدی به او می چشانیم! (19)

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَکَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِی الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّکَ بَصِيرًا (20)

ما هیچ یک از رسولان را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند؛ و بعضی از شما را وسیله امتحان بعضی دیگر قراردادیم، آیا صبر و شکیبایی می کنید (و از عهده امتحان برمی آیید)؟! و پروردگار تو همواره بصیر و بینا بوده است. (20)

جزء 19

ادامه سوره الفرقان

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِى أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا (21)

و کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند (و رستاخیز را انکار می کنند) گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند و یا پروردگارمان را با چشم خود نمی بینیم؟ !» آنها درباره خود تکبّر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند ! (21)

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا (22)

(آنها به آرزوی خود می رسند،) امّا روزی که فرشتگان را می بینند، روز بشارت برای مجرمان نخواهد بود (بلکه روز مجازات و کیفر آنان است) ! و می گویند: «ما را امان دهید، ما را معاف دارید !» (امّا سودی ندارد !) (22)

وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا (23)

و ما به سراغ اعمالی که انجام داده اند می رویم، و همه را همچون ذرّات غبار پراکنده در هوا قرار می دهیم ! (23)

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا (24)

بهشتیان در آن روز قرارگاهشان از همه بهتر، و استراحتگاهشان نیکوتر است ! (24)

وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنزِيلًا (25)

و (بخاطر آور) روزی را که آسمان با ابرها شکافته می شود، و فرشتگان نازل می گردند. (25)

الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا (26)

حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است؛ و آن روز، روز سختی برای کافران خواهد بود ! (26)

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِى اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (27)

و (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دست خود را (از شدّت حسرت) به دندان می گزد و می گوید: «ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! (27)

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِى لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (28)

ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! (28)

لَّقَدْ أَضَلَّنِى عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِى وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنسَانِ خَذُولًا (29)

او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود!» و شیطان همیشه خوارکنند* انسان بوده است! (29)

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِى اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (30)

و پیامبر عرضه داشت: «پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند». (30)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِىٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا (31)

(آری،) این گونه برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان قرار دادیم؛ امّا (برای تو) همین بس که پروردگارت هادی و یاور (تو) باشد! (31)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا (32)

و کافران گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نمی شود؟!» این بخاطر آن است که قلب تو را بوسیله آن محکم داریم، و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم. (32)

وَلَا يَأْتُونَکَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاکَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا (33)

آنان هیچ مثلی برای تو نمی آورند مگر اینکه ما حق را برای تو می آوریم، و تفسیری بهتر (و پاسخی دندان شکن که در برابر آن ناتوان شوند) ! (33)

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَى وُجُوهِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ أُولَئِکَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا (34)

(تو گمراه نیستی،) آنان که بر صورتهایشان بسوی جهنم محشور می شوند، بدترین محل را دارند و گمراه ترین افرادند ! (34)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا (35)

و ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ و برادرش هارون را یاور او قرار دادیم؛ (35)

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا (36)

و گفتیم: «به سوی این قوم که آیات ما را تکذیب کردند بروید !» (امّا آن مردم به مخالفت برخاستند) و ما به شدّت آنان را درهم کوبیدیم ! (36)

وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (37)

و قوم نوح را هنگامی که رسولان (ما) را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آنان را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم؛ و برای ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساخته ایم ! (37)

وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِکَ كَثِيرًا (38)

(همچنین) قوم عاد و ثمود و اصحاب الرّس [= گروهی که درختان صنوبر را می پرستیدند] و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند، هلاک کردیم ! (38)

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا (39)

و برای هر یک از آنها مثلها زدیم؛ و (چون سودی نداد،) همگی را نابود کردیم ! (39)

وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِى أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا (40)

آنها [= مشركان مكّه] از كنار شهرى كه باران شرّ [= بارانى از سنگهاى آسمانى] بر آن باريده بود [= ديار قوم لوط] گذشتند؛ آيا آن را نمى ديدند؟! (آرى، مى ديدند) ولى به رستاخيز ايمان نداشتند! (40)

وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِى بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (41)

و هنگامى كه تو را مى بينند، تنها به باد استهزايت مى گيرند (و مى گويند:) آيا اين همان كسى است كه خدا او را بعنوان پيامبر برانگيخته است؟! (41)

إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا (42)

اگر ما بر پرستش خدايانمان استقامت نمى كرديم، بيم آن مى رفت كه ما را گمراه سازد! امّا هنگامى كه عذاب الهى را ببينند، بزودى مى فهمند چه كسى گمراهتر بوده است! (42)

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا (43)

آيا ديدى كسى را كه هواى نفسش را معبود خود برگزيده است؟! آيا تو مى توانى او را هدايت كنى (يا به دفاع از او برخيزى)؟! (43)

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (44)

آیا گمان می بری بیشتر آنان می شنوند یا می فهمند؟! آنان فقط همچون چهارپایانند، بلکه گمراهترند! (44)

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (45)

آیا ندیدی چگونه پروردگارت سایه را گسترده ساخت؟! و اگر می خواست آن را ساکن قرار می داد؛ سپس خورشید را بر وجود آن دلیل قرار دادیم! (45)

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا (46)

سپس آن را آهسته جمع می کنیم (و نظام سایه و آفتاب را حاکم می سازیم)! (46)

وَهُوَ الَّذِى جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا (47)

او کسی است که شب را برای شما لباس قرار داد، و خواب را مایه استراحت، و روز را وسیله حرکت و حیات! (47)

وَهُوَ الَّذِى أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (48)

او کسی است که بادها را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاک کننده نازل کردیم... (48)

لِّنُحْيِىَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِىَّ كَثِيرًا (49)

تا بوسیله آن، سرزمین مرده ای را زنده کنیم؛ و آن را به مخلوقاتی که آفریده ایم -چهارپایان و انسانهای بسیار- می نوشانیم. (49)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (50)

...

ما این آیات را بصورتهای گوناگون برای آنان بیان کردیم تا متذکّر شوند، ولی بیشتر مردم از هر کاری جز انکار و کفر ابا دارند. (50)

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِی کُلِّ قَرْیَهٍ نَّذِیرًا (51)

و اگر می خواستیم، در هر شهر و دیاری بیم دهنده ای برمی انگیختیم (ولی این کار لزومی نداشت). (51)

فَلَا تُطِعِ الْکَافِرِینَ وَجَاهِدْهُم بِهِ جِهَادًا کَبِیرًا (52)

بنابر این از کافران اطاعت مکن، و بوسیله آن [= قرآن] با آنان جهاد بزرگی بنما! (52)

وَهُوَ الَّذِی مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَیْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا (53)

او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد؛ یکی گوارا و شیرین، و دیگر شور و تلخ؛ و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند (گویی هر یک به دیگری می گوید:) دور باش و نزدیک نیا! (53)

وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَکَانَ رَبُّکَ قَدِیرًا (54)

او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است. (54)

وَیَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا یَنفَعُهُمْ وَلَا یَضُرُّهُمْ وَکَانَ الْکَافِرُ عَلَی رَبِّهِ ظَهِیرًا (55)

آنان جز خدا چیزهایی را می پرستند که نه به آنان سودی می رساند و نه زیانی؛ و کافران همیشه در برابر پروردگارشان (در طریق کفر) پشتیبان یکدیگرند. (55)

وَمَا أَرْسَلْنَاکَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِیرًا (56)

(ای پیامبر!) ما تو را جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده نفرستادیم! (56)

قُلْ مَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاءَ أَن یَتَّخِذَ إِلَی رَبِّهِ سَبِیلاً (57)

بگو: «من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ گونه پاداشی از شما نمی طلبم؛ مگر کسی که بخواهد راهی بسوی پروردگارش برگزیند (این پاداش من است.)» (57)

وَتَوَکَّلْ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَکَفَی بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِیرًا (58)

و توکّل کن بر آن زنده ای که هرگز نمی میرد؛ و تسبیح و حمد او را بجا آور؛ و همین بس که او از گناهان بندگانش آگاه است! (58)

الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَیْنَهُمَا فِی سِتَّهِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَی عَلَی الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِیرًا (59)

همان (خدایی) که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت، او خداوند) رحمان است؛ از او بخواه که از همه چیز آگاه است! (59)

وَإِذَا قِیلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا (60)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «برای خداوند رحمان سجده کنید!» می گویند: «رحمان چیست؟! (ما اصلاً رحمان را نمی شناسیم!) آیا برای چیزی سجده کنیم که تو به ما دستور می دهی؟!» (این سخن را می گویند) و بر نفرتشان افزوده می شود! (60)

تَبَارَکَ الَّذِی جَعَلَ فِی السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِیهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُّنِیرًا (61)

جاودان و پربرکت است آن (خدایی) که در آسمان منزلگاه هائی برای ستارگان قرار داد؛ و در میان آن، چراغ روشن و ماه تابانی آفرید! (61)

وَهُوَ الّذِی جَعَلَ اللّیْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لَمَنْ أَرَادَ أَن یَذَّکّرَ أَوْ أَرَادَ شُکُورًا (62)

و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکّر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به عکس). (62)

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (63)

بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبّر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند)؛ (63)

وَالَّذِینَ یَبِیتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِیَامًا (64)

کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند؛ (64)

وَالَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا کَانَ غَرَامًا (65)

و کسانی که می گویند: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پر دوام است! (65)

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (66)

مسلّماً آن (جهنم)، بد جایگاه و بد محلّ اقامتی است!» (66)

وَالَّذِینَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَلَمْ یَقْتُرُوا وَکَانَ بَیْنَ ذَلِکَ قَوَامًا (67)

و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند. (67)

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِکَ يَلْقَ أَثَامًا (68)

و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمی کشند؛ و زنا نمی کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید! (68)

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا (69)

عذاب او در قیامت مضاعف می گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند! (69)

إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِکَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (70)

مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدّل می کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است! (70)

وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا (71)

و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت می کند (و پاداش خود را از او می گیرد.) (71)

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (72)

و کسانی که شهادت به باطل نمی دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می گذرند. (72)

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (73)

و کسانی که هرگاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کر و کور روی آن نمی افتند. (73)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (74)

و کسانی که می گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!» (74)

أُولَئِکَ یُجْزَوْنَ الْغُرْفَهَ بِمَا صَبَرُوا وَیُلَقَّوْنَ فِیهَا تَحِیَّهً وَسَلَامًا (75)

(آری،) آنها هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان پاداش داده می شود؛ و در آن، با تحیّت و سلام روبه رو می شوند. (75)

خَالِدِینَ فِیهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (76)

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه قرارگاه و محلّ اقامت خوبی! (76)

قُلْ مَا یَعْبَأُ بِکُمْ رَبِّی لَوْلَا دُعَاؤُکُمْ فَقَدْ کَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ یَکُونُ لِزَامًا (77)

بگو: «پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد؛ شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید، و (این عمل) دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد!» ظ (77)

سوره الشعراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسم (1)

طسم (1)

تِلْکَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (2)

این آیات کتاب روشنگر است. (2)

لَعَلَّکَ بَاخِعٌ نَّفْسَکَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (3)

گویی می خواهی جان خود را از شدّت اندوه از دست دهی بخاطر اینکه آنها ایمان نمی آورند ! (3)

إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (4)

اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه ای نازل می کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد ! (4)

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (5)

و هیچ ذکر تازه ای از سوی خداوند مهربان برای آنها نمی آید مگر اینکه از آن روی گردان می شوند ! (5)

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (6)

آنان تکذیب کردند؛ امّا بزودی اخبار (کیفر) آنچه را استهزا می کردند به آنان می رسد ! (6)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (7)

آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چقدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویاندیم؟ ! (7)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (8)

در این، نشانه روشنی است (بر وجود خدا)؛ ولی بیشترشان هرگز مؤمن نبوده اند! (8)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (9)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (9)

وَإِذْ نَادَی رَبُّکَ مُوسَی أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ (10)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمگر برو... (10)

قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا یَتَّقُونَ (11)

قوم فرعون، آیا آنان (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی کنند؟! (11)

قَالَ رَبِّ إِنِّی أَخَافُ أَن یُکَذِّبُونِ (12)

(موسی) عرض کرد: «پروردگارا! از آن بیم دارم که مرا تکذیب کنند، (12)

وَیَضِیقُ صَدْرِی وَلَا یَنطَلِقُ لِسَانِی فَأَرْسِلْ إِلَی هَارُونَ (13)

و سینه ام تنگ شود، و زبانم بقدر کافی گویا نیست؛ (برادرم) هارون را نیز رسالت ده (تا مرا یاری کند)! (13)

وَلَهُمْ عَلَیَّ ذَنبٌ فَأَخَافُ أَن یَقْتُلُونِ (14)

و آنان (به اعتقاد خودشان) بر گردن من گناهی دارند؛ می ترسم مرا بکشند (و این رسالت به پایان نرسد)! (14)

قَالَ کَلَّا فَاذْهَبَا بِآیَاتِنَا إِنَّا مَعَکُم مُّسْتَمِعُونَ (15)

فرمود: «چنین نیست، (آنان کاری نمی توانند انجام دهند)! شما هر دو با آیات ما (برای هدایتشان) بروید؛ ما با شما هستیم و (سخنانتان را) می شنویم! (15)

فَأْتِیَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِینَ (16)

به سراغ فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم؛ (16)

أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِی إِسْرَائِیلَ (17)

بنی اسرائیل را با ما بفرست!» (آنها به سراغ فرعون آمدند)؛ (17)

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّکَ فِینَا وَلِیدًا وَلَبِثْتَ فِینَا مِنْ عُمُرِکَ سِنِینَ (18)

(فرعون) گفت: «آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سالهایی از زندگیت را در میان ما نبودی؟! (18)

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَکَ الَّتِی فَعَلْتَ وَأَنتَ مِنَ الْکَافِرِینَ (19)

و سرانجام، آن کارت را (که نمی بایست انجام دهی) انجام دادی (و یک نفر از ما را کشتی)، و تو از ناسپاسانی!» (19)

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ (20)

(موسی) گفت: «من آن کار را انجام دادم در حالی که از بی خبران بودم! (20)

فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِی رَبِّی حُكْمًا وَجَعَلَنِی مِنَ الْمُرْسَلِينَ (21)

پس هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم؛ و پروردگارم به من حکمت و دانش بخشید، و مرا از پیامبران قرار داد! (21)

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَیَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِی إِسْرَائِيلَ (22)

آیا این منّتی است که تو بر من می گذاری که بنی اسرائیل را برده خود ساخته ای؟!» (22)

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ (23)

فرعون گفت: «پروردگار عالمیان چیست؟!» (23)

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ (24)

(موسی) گفت: «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر اهل یقین هستید!». (24)

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ (25)

(فرعون) به اطرافیانش گفت: «آیا نمی شنوید (این مرد چه می گوید)؟!» (25)

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (26)

(موسی) گفت: «او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!» (26)

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِی أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (27)

(فرعون) گفت: «پیامبری که بسوی شما فرستاده شده مسلّماً دیوانه است!» (27)

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ (28)

(موسی) گفت: «او پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است می باشد، اگر شما عقل و اندیشه خود را به کار می گرفتید!» (28)

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِی لَأَجْعَلَنَّکَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ (29)

(فرعون خشمگین شد و) گفت: «اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان قرار خواهم داد!» (29)

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُکَ بِشَیْءٍ مُّبِينٍ (30)

(موسی) گفت: «حتّی اگر نشانه آشکاری برای تو بیاورم (باز ایمان نمی آوری)؟!» (30)

قَالَ فَأْتِ بِهِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (31)

گفت: «اگر راست می گویی آن را بیاور!» (31)

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِیَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (32)

در این هنگام موسی عصای خود را افکند، و ناگهان مار عظیم و آشکاری شد؛ (32)

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِیَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ (33)

و دست خود را (در گریبان فرو برد و) بیرون آورد، و در برابر بینندگان سفید و روشن بود. (33)

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (34)

(فرعون) به گروهی که اطراف او بودند گفت: «این ساحر آگاه و ماهری است! (34)

يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (35)

او می خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان بیرون کند! شما چه نظر می دهید؟» (35)

قَالَوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِی الْمَدَائِنِ حَاشِرِینَ (36)

گفتند: «او و برادرش را مهلت ده؛ و مأموران را برای بسیج به تمام شهرها اعزام کن، (36)

یَأْتُوکَ بِکُلِّ سَحَّارٍ عَلِیمٍ (37)

تا هر ساحر ماهر و دانایی را نزد تو آورند!» (37)

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِیقَاتِ یَوْمٍ مَّعْلُومٍ (38)

سرانجام ساحران برای وعده گاه روز معیّنی جمع آوری شدند. (38)

وَقِیلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ (39)

و به مردم گفته شد: «آیا شما نیز (در این صحنه) اجتماع می کنید... (39)

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (40)

تا اگر ساحران پیروز شوند، از آنان پیروی کنیم؟ !» (40)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (41)

هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند: «آیا اگر ما پیروز شویم، پاداش مهمّی خواهیم داشت؟» (41)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (42)

گفت: «(آری،) و در آن صورت شما از مقرّبان خواهید بود !» (42)

قَالَ لَهُم مُّوسَى أَلْقُوا مَا أَنتُم مُّلْقُونَ (43)

(روز موعود فرا رسید و همگی جمع شدند؛) موسی به ساحران گفت: «آنچه را می خواهید بیفکنید، بیفکنید !» (43)

فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ (44)

آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: «به عزّت فرعون، ما قطعاً پیروزیم !» (44)

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (45)

سپس موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آنها را بلعید ! (45)

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (46)

فوراً همه ساحران به سجده افتادند. (46)

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (47)

گفتند: «ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم، (47)

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ (48)

پروردگار موسی و هارون !» (48)

قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (49)

(فرعون) گفت: «آیا پیش از اینکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! مسلّماً او بزرگ و استاد شماست که به شما سحر آموخته (و این یک توطئه است)! امّا بزودی خواهید دانست! دستها و پاهای شما را بعکس یکدیگر قطع می کنم، و همه شما را به دار می آویزم !» (49)

قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ (50)

گفتند: «مهّم نیست، (هر کاری از دستت ساخته است بکن)! ما بسوی پروردگارمان بازمی گردیم ! (50)

إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَن كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ (51)

ما امیدواریم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد، چرا که ما نخستین ایمان آورندگان بودیم !» (51)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ (52)

و به موسی وحی کردیم که شبانه بندگانم را (از مصر) کوچ ده، زیرا شما مورد تعقیب هستید !» (52)

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (53)

فرعون (از این ماجرا آگاه شد و) مأموران بسیج نیرو را به شهرها فرستاد، (53)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ (54)

(و گفت:) اینها مسلّماً گروهی اندکند؛ (54)

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ (55)

و اینها ما را به خشم آورده اند؛ (55)

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ (56)

و ما همگی آماده پیکاریم !» (56)

فَأَخْرَجْنَاهُم مِّن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (57)

(سرانجام فرعونیان مغلوب شدند،) و ما آنها را از باغها و چشمه ها بیرون راندیم، (57)

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (58)

و از گنجها و قصرهای مجلّل ! (58)

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِى إِسْرَائِيلَ (59)

(آری،) اینچنین کردیم ! و بنی اسرائیل را وارث آنها ساختیم ! (59)

فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ (60)

آنان به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند، و به هنگام طلوع آفتاب به آنها رسیدند. (60)

فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ (61)

هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!» (61)

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (62)

(موسی) گفت: «چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد!» (62)

فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ (63)

و بدنبال آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن!» (عصایش را به دریا زد،) و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود! (63)

وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخَرِينَ (64)

و در آنجا دیگران [= لشکر فرعون] را نیز (به دریا) نزدیک ساختیم! (64)

وَأَنجَيْنَا مُوسَى وَمَن مَّعَهُ أَجْمَعِينَ (65)

و موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم! (65)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ (66)

سپس دیگران را غرق کردیم! (66)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (67)

در این جریان، نشانه روشنی است ولی بیشترشان ایمان نیاوردند! (چرا که طالب حق نبودند) (67)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (68)

و پروردگارت شکست ناپذیر و مهربان است! (68)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ (69)

و بر آنان خبر ابراهیم را بخوان، (69)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (70)

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می پرستید؟!» (70)

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ (71)

گفتند: «بتهایی را می پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنهاییم.» (71)

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ (72)

گفت: «آیا هنگامی که آنها را می خوانید صدای شما را می شنوند؟! (72)

أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ (73)

یا سود و زیانی به شما می رسانند؟!» (73)

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (74)

گفتند: «ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می کنند.» (74)

قَالَ أَفَرَأَيْتُم مَّا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ (75)

گفت: «آیا دیدید (این) چیزهایی را که پیوسته پرستش می کردید... (75)

أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ (76)

شما و پدران پیشین شما، (76)

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّى إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ (77)

همه آنها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار عالمیان! (77)

الَّذِى خَلَقَنِى فَهُوَ يَهْدِينِ (78)

همان کسی که مرا آفرید، و پیوسته راهنمائیم می کند، (78)

وَالَّذِی هُوَ یُطْعِمُنِی وَیَسْقِینِ (79)

و کسی که مرا غذا می دهد و سیراب می نماید، (79)

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ (80)

و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می دهد، (80)

وَالَّذِی یُمِیتُنِی ثُمَّ یُحْیِینِ (81)

و کسی که مرا می میراند و سپس زنده می کند، (81)

وَالَّذِی أَطْمَعُ أَن یَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی یَوْمَ الدِّینِ (82)

و کسی که امید دارم گناهم را در روز جزا ببخشد! (82)

رَبِّ هَبْ لِی حُکْمًا وَأَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ (83)

پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن! (83)

وَاجْعَل لِّی لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ (84)

و برای من در میان امّتهای آینده، زبان صدق (و ذکر خیری) قرار ده! (84)

وَاجْعَلْنِی مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِیمِ (85)

و مرا وارثان بهشت پرنعمت گردان! (85)

وَاغْفِرْ لِأَبِی إِنَّهُ کَانَ مِنَ الضَّالِّینَ (86)

و پدرم [= عمویم] را بیامرز، که او از گمراهان بود! (86)

وَلَا تُخْزِنِی یَوْمَ یُبْعَثُونَ (87)

و در آن روز که مردم برانگیخته می شوند، مرا شرمنده و رسوا مکن! (87)

یَوْمَ لَا یَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (88)

در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی بخشد، (88)

إِلَّا مَنْ أَتَی اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِیمٍ (89)

مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید!» (89)

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِینَ (90)

(در آن روز،) بهشت برای پرهیزکاران نزدیک می شود، (90)

وَبُرِّزَتِ الْجَحِیمُ لِلْغَاوِینَ (91)

و دوزخ برای گمراهان آشکار می گردد، (91)

وَقِیلَ لَهُمْ أَیْنَ مَا کُنتُمْ تَعْبُدُونَ (92)

و به آنان گفته می شود: «کجا هستند معبودانی که آنها را پرستش می کردید... (92)

مِن دُونِ اللّهِ هَلْ يَنصُرُونَكُمْ أَوْ يَنتَصِرُونَ (93)

معبودهایی غیر از خدا؟! آیا آنها شما را یاری می کنند، یا کسی به یاری آنها می آید؟!» (93)

فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ (94)

در آن هنگام همه آن معبودان با عابدان گمراه به دوزخ افکنده می شوند؛ (94)

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ (95)

و همچنین همگی لشکریان ابلیس! (95)

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ (96)

آنها در آنجا در حالی که به مخاصمه برخاسته اند می گویند: (96)

تَاللَّهِ إِن كُنَّا لَفِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ (97)

«به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم، (97)

إِذْ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (98)

چون شما را با پروردگار عالمیان برابر می شمردیم! (98)

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ (99)

امّا کسی جز مجرمان ما را گمراه نکرد! (99)

فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ (100)

(افسوس که امروز) شفاعت کنندگانی برای ما وجود ندارد، (100)

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ (101)

و نه دوست گرم و پرمحبّتی! (101)

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (102)

ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازگردیم و از مؤمنان باشیم!» (102)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَةً وَمَا کَانَ أَکْثَرُهُم مُّؤْمِنِینَ (103)

در این ماجرا، نشانه (و عبرتی) است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (103)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (104)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (104)

کَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِینَ (105)

قوم نوح رسولان را تکذیب کردند، (105)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (106)

هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (106)

إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ (107)

مسلّماً من برای شما پیامبری امین هستم! (107)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُونِ (108)

تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (108)

وَمَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی رَبِّ الْعَالَمِینَ (109)

من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (109)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُونِ (110)

پس، تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!» (110)

قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَکَ وَاتَّبَعَکَ الْأَرْذَلُونَ (111)

گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بی ارزش از تو پیروی کرده اند؟ !» (111)

ص: 371

قَالَ وَمَا عِلْمِی بِمَا کَانُوا یَعْمَلُونَ (112)

(نوح) گفت: «من چه می دانم آنها چه کاری داشته اند! (112)

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَی رَبِّی لَوْ تَشْعُرُونَ (113)

حساب آنها تنها با پروردگار من است اگر شما می فهمیدید! (113)

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِینَ (114)

و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد. (114)

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِیرٌ مُّبِینٌ (115)

من تنها انذارکننده ای آشکارم.» (115)

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنتَهِ یَا نُوحُ لَتَکُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِینَ (116)

گفتند: «ای نوح! اگر (از حرفهایت) دست برنداری، سنگباران خواهی شد!» (116)

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِی کَذَّبُونِ (117)

گفت: «پروردگارا! قوم من، مرا تکذیب کردند! (117)

فَافْتَحْ بَیْنِی وَبَیْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِی وَمَن مَّعِیَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ (118)

اکنون میان من و آنها جدایی بیفکن؛ و مرا و مؤمنانی را که با من هستند رهایی بخش!» (118)

فَأَنجَیْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِی الْفُلْکِ الْمَشْحُونِ (119)

ما، او و کسانی را که با او بودند، در آن کشتی که پر (از انسان و انواع حیوانات) بود، رهایی بخشیدیم! (119)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِینَ (120)

سپس بقیه را غرق کردیم! (120)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَةً وَمَا کَانَ أَکْثَرُهُم مُّؤْمِنِینَ (121)

در این ماجرا نشانه روشنی است؛ امّا بیشتر آنان مؤمن نبودند. (121)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (122)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است. (122)

کَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِینَ (123)

قوم عاد (نیز) رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (123)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ (124)

هنگامی که برادرشان هود گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (124)

إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ (125)

مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم. (125)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُونِ (126)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (126)

وَمَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی رَبِّ الْعَالَمِینَ (127)

من در برابر این دعوت، هیچ اجر و پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر و پاداش من تنها بر پروردگار عالمیان است. (127)

أَتَبْنُونَ بِکُلِّ رِیعٍ آیَةً تَعْبَثُونَ (128)

آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه ای از روی هوا و هوس می سازید؟! (128)

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّکُمْ تَخْلُدُونَ (129)

و قصرها و قلعه های زیبا و محکم بنا می کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟! (129)

وَإِذَا بَطَشْتُم بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ (130)

و هنگامی که کسی را مجازات می کنید همچون جبّاران کیفر می دهید! (130)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (131)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (131)

وَاتَّقُوا الَّذِی أَمَدَّكُم بِمَا تَعْلَمُونَ (132)

و از (نافرمانی) خدایی بپرهیزید که شما را به نعمتهایی که می دانید امداد کرده؛ (132)

أَمَدَّكُم بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ (133)

شما را به چهارپایان و نیز پسران (لایق و برومند) امداد فرموده؛ (133)

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (134)

همچنین به باغها و چشمه ها! (134)

إِنِّی أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (135)

(اگر کفران کنید،) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم!» (135)

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُن مِّنَ الْوَاعِظِينَ (136)

آنها [= قوم عاد] گفتند: «برای ما تفاوت نمی کند، چه ما را انذار کنی یا نکنی؛ (بیهوده خود را خسته مکن)! (136)

إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ (137)

این همان روش (و افسانه های) پیشینیان است! (137)

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (138)

و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!» (138)

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (139)

آنان هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم؛ و در این، آیت و نشانه ای است (برای آگاهان)؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (139)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (140)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (140)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ (141)

قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (141)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (142)

هنگامی که صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (142)

إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (143)

من برای شما پیامبری امین هستم! (143)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (144)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (144)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (145)

من در برابر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (145)

أَتُتْرَكُونَ فِی مَا هَاهُنَا آمِنِینَ (146)

آیا شما تصوّر می کنید همیشه در نهایت امنیّت در نعمتهایی که اینجاست می مانید، (146)

فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ (147)

در این باغها و چشمه ها، (147)

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِیمٌ (148)

در این زراعتها و نخلهایی که میوه هایش شیرین و رسیده است؟! (148)

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُیُوتًا فَارِهِینَ (149)

و از کوه ها خانه هایی می تراشید، و در آن به عیش و نوش می پردازید! (149)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُونِ (150)

پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید! (150)

وَلَا تُطِیعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِینَ (151)

و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید! (151)

الَّذِینَ یُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ وَلَا یُصْلِحُونَ (152)

همانها که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند!» (152)

قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِینَ (153)

گفتند: «(ای صالح!) تو از افسون شدگانی (و عقل خود را از دست داده ای!) (153)

مَا أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآیَةٍ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِینَ (154)

تو فقط بشری همچون مائی؛ اگر راست می گویی آیت و نشانه ای بیاور!» (154)

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (155)

گفت: «این ناقه ای است (که آیت الهی است) برای او سهمی (از آب قریه)، و برای شما سهم روز معیّنی است! (155)

وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ (156)

کمترین آزاری به آن نرسانید، که عذاب روزی بزرگ شما را فرا خواهد گرفت!» (156)

فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ (157)

سرانجام بر آن (ناقه) حمله نموده آن را «پی» کردند؛ (و هلاک نمودند) سپس از کرده خود پشیمان شدند! (157)

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (158)

و عذاب الهی آنان را فرا گرفت؛ در این، آیت و نشانه ای است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (158)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (159)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (159)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ (160)

قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند، (160)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ (161)

هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (161)

إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ (162)

من برای شما پیامبری امین هستم! (162)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُونِ (163)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (163)

وَمَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی رَبِّ الْعَالَمِینَ (164)

من در برابر این دعوت، اجری از شما نمی طلبم، اجر من فقط بر پروردگار عالمیان است! (164)

أَتَأْتُونَ الذُّکْرَانَ مِنَ الْعَالَمِینَ (165)

آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می روید (و همجنس بازی می کنید، آیا این زشت و ننگین نیست؟!) (165)

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَکُمْ رَبُّکُم مِّنْ أَزْوَاجِکُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (166)

و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می کنید؟! (حقّاً) شما قوم تجاوزگری هستید!» (166)

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنتَهِ یَا لُوطُ لَتَکُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِینَ (167)

گفتند: «ای لوط! اگر (از این سخنان) دست برنداری، به یقین از اخراج شدگان خواهی بود!» (167)

قَالَ إِنِّی لِعَمَلِکُم مِّنَ الْقَالِینَ (168)

گفت: «من دشمن سرسخت اعمال شما هستم! (168)

رَبِّ نَجِّنِی وَأَهْلِی مِمَّا یَعْمَلُونَ (169)

پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه اینها انجام می دهند رهایی بخش!» (169)

فَنَجَّیْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِینَ (170)

ما او و تمامی خاندانش را نجات دادیم، (170)

إِلَّا عَجُوزًا فِی الْغَابِرِینَ (171)

جز پیرزنی که در میان بازماندگان بود! (171)

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِینَ (172)

سپس دیگران را هلاک کردیم! (172)

وَأَمْطَرْنَا عَلَیْهِم مَّطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِینَ (173)

و بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم؛ چه باران بدی بود باران انذارشدگان! (173)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَةً وَمَا کَانَ أَکْثَرُهُم مُّؤْمِنِینَ (174)

در این (ماجرای قوم لوط و سرنوشت شوم آنها) آیتی است؛ امّا بیشترشان مؤمن نبودند. (174)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (175)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (175)

کَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَیْکَةِ الْمُرْسَلِینَ (176)

اصحاب ایکه [= شهری نزدیک مدین] رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (176)

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ (177)

هنگامی که شعیب به آنها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (177)

إِنِّی لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (178)

مسلّماً من برای شما پیامبری امین هستم! (178)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (179)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (179)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (180)

من در برابر این دعوت، پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (180)

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ (181)

حق پیمانه را ادا کنید (و کم فروشی نکنید)، و دیگران را به خسارت نیفکنید! (181)

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (182)

و با ترازوی صحیح وزن کنید! (182)

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (183)

و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین تلاش برای فساد نکنید! (183)

وَاتَّقُوا الَّذِی خَلَقَکُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِینَ (184)

و از (نافرمانی) کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید بپرهیزید !» (184)

قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِینَ (185)

آنها گفتند: «تو فقط از افسون شدگانی ! (185)

وَمَا أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّکَ لَمِنَ الْکَاذِبِینَ (186)

تو بشری همچون مائی، تنها گمانی که درباره تو داریم این است که از دروغگویانی ! (186)

فَأَسْقِطْ عَلَیْنَا کِسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن کُنتَ مِنَ الصَّادِقِینَ (187)

اگر راست می گویی، سنگهایی از آسمان بر سر ما بباران !» (187)

قَالَ رَبِّی أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (188)

(شعیب) گفت: «پروردگار من به اعمالی که شما انجام می دهید داناتر است !» (188)

فَکَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ یَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ کَانَ عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ (189)

سرانجام او را تکذیب کردند، و عذاب روز سایبان (سایبانی از ابر صاعقه خیز) آنها را فراگرفت؛ یقیناً آن عذاب روز بزرگی بود ! (189)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَةً وَمَا کَانَ أَکْثَرُهُم مُّؤْمِنِینَ (190)

در این ماجرا، آیت و نشانه ای است؛ ولی بیشتر آنها مؤمن نبودند. (190)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (191)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است ! (191)

وَإِنَّهُ لَتَنزِیلُ رَبِّ الْعَالَمِینَ (192)

مسلّماً این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است ! (192)

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (193)

روح الامین آن را نازل کرده است... (193)

عَلَى قَلْبِکَ لِتَکُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (194)

بر قلب (پاک) تو، تا از انذارکنندگان باشی! (194)

بِلِسَانٍ عَرَبِیٍّ مُّبِينٍ (195)

آن را به زبان عربی آشکار (نازل کرد)! (195)

وَإِنَّهُ لَفِی زُبُرِ الْأَوَّلِينَ (196)

و توصیف آن در کتابهای پیشینیان نیز آمده است! (196)

أَوَلَمْ يَکُن لَّهُمْ آيَةً أَن يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِی إِسْرَائِيلَ (197)

آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل بخوبی از آن آگاهند؟! (197)

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ (198)

هرگاه ما آن را بر بعضی از عجم [= غیر عرب] ها نازل می کردیم... (198)

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِم مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ (199)

و او آن را بر ایشان می خواند، به آن ایمان نمی آورند! (199)

كَذَلِکَ سَلَکْنَاهُ فِی قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (200)

(آری،) این گونه (با بیانی رسا) قرآن را در دلهای مجرمان وارد می کنیم! (200)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (201)

(امّا) به آن ایمان نمی آورند تا عذاب دردناک را با چشم خود ببینند! (201)

فَيَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (202)

ناگهان به سراغشان می آید، در حالی که توجّه ندارند! (202)

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ (203)

و (در آن هنگام) می گویند: «آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟!» (203)

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (204)

آیا برای عذاب ما عجله می کنند؟! (204)

أَفَرَأَيْتَ إِن مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ (205)

به ما خبر ده، اگر (باز هم) سالیانی آنها را از این زندگی بهره مند سازیم... (205)

ثُمَّ جَاءَهُم مَّا كَانُوا يُوعَدُونَ (206)

سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید... (206)

مَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يُمَتَّعُونَ (207)

این تمتع و بهره گیری از دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت! (207)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ (208)

ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه انذارکنندگانی (از پیامبران الهی) داشتند. (208)

ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ (209)

تا متذکّر شوند؛ و ما هرگز ستمکار نبودیم! (که بدون اتمام حجّت مجازات کنیم) (209)

وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ (210)

شیاطین و جنیّان (هرگز) این آیات را نازل نکردند! (210)

وَمَا يَنبَغِى لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ (211)

و برای آنها سزاوار نیست؛ و قدرت ندارند! (211)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ (212)

آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمانها) برکنارند! (212)

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ (213)

(ای پیامبر!) هیچ معبودی را با خداوند مخوان، که از معذّبین خواهی بود! (213)

وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (214)

و خویشاوندان نزدیکت را انذار کن! (214)

وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (215)

و بال و پر خود را برای مؤمنانی که ِاز تو پیروی می کنند بگستر! (215)

فَإِنْ عَصَوْکَ فَقُلْ إِنِّی بَرِیءٌ مِّمَّا تَعْمَلَونَ (216)

اگر تو را نافرمانی کنند بگو: «من از آنچه شما انجام می دهید بیزارم!» (216)

وَتَوَکَّلْ عَلَی الْعَزِیزِ الرَّحِیمِ (217)

و بر خداوند عزیز و رحیم توکّل کن! (217)

الَّذِی یَرَاکَ حِینَ تَقُومُ (218)

همان کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) برمی خیزی می بیند؛ (218)

وَتَقَلُّبَکَ فِی السَّاجِدِینَ (219)

و (نیز) حرکت تو را در میان سجده کنندگان! (219)

إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (220)

اوست خدای شنوا و دانا. (220)

هَلْ أُنَبِّئُکُمْ عَلَی مَن تَنَزَّلُ الشَّیَاطِینُ (221)

آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟! (221)

تَنَزَّلُ عَلَی کُلِّ أَفَّاکٍ أَثِیمٍ (222)

آنها بر هر دروغگوی گنهکار نازل می گردند؛ (222)

یُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَکْثَرُهُمْ کَاذِبُونَ (223)

آنچه را می شنوند (به دیگران) القا می کنند؛ و بیشترشان دروغگو هستند! (223)

وَالشُّعَرَاءُ یَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (224)

(پیامبر اسلام شاعر نیست؛) شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می کنند. (224)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِی کُلِّ وَادٍ یَهِیمُونَ (225)

آیا نمی بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟ (225)

وَأَنَّهُمْ یَقُولُونَ مَا لَا یَفْعَلُونَ (226)

و سخنانی می گویند که (به آنها) عمل نمی کنند؟! (226)

إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَکَرُوا اللَّهَ کَثِیرًا وَانتَصَرُوا مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنقَلَبٍ یَنقَلِبُونَ (227)

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند و خدا را بسیار یاد می کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می شوند به دفاع از خویشتن (و مؤمنان) برمی خیزند (و از شعر در این راه کمک می گیرند)؛ آنها که ستم کردند به زودی می دانند که بازگشتشان به کجاست! (227)

سوره النمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طس تِلْکَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَکِتَابٍ مُّبِينٍ (1)

طس - اين آيات قرآن و كتاب مبين است، (1)

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (2)

وسيله هدايت و بشارت براى مؤمنان است؛ (2)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (3)

همان كسانى كه نماز را برپا مى دارند، و زكات را ادا مى كنند، و آنان به آخرت يقين دارند. (3)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (4)

كسانى كه به آخرت ايمان ندارند، اعمال (بد) شان را براى آنان زينت مى دهيم بطورى كه سرگردان مى شوند. (4)

أُولَئِکَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِى الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (5)

آنان كسانى هستند كه عذاب بد (و دردناک) براى آنهاست؛ و آنها در آخرت، زيانكارترين مردمند! (5)

وَإِنَّکَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (6)

به يقين اين قرآن از سوى حكيم و دانايى بر تو القا مى شود. (6)

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّى آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِيكُم بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (7)

(به خاطر بياور) هنگامى را كه موسى به خانواده خود گفت: «من آتشى از دور ديدم؛ (همين جا توقف كنيد؛) بزودى خبرى از آن براى شما مى آورم، يا شعله آتشى تا گرم شويد.» (7)

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِىَ أَن بُورِکَ مَن فِى النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (8)

هنگامی که نزد آتش آمد، ندایی برخاست که: «مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است [= فرشتگان و موسی] و منزّه است خداوندی که پروردگار جهانیان است! (8)

يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (9)

ای موسی! من خداوند عزیز و حکیمم! (9)

وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّى لَا يَخَافُ لَدَىَّ الْمُرْسَلُونَ (10)

و عصایت را بیفکن! -هنگامی که (موسی) به آن نگاه کرد، دید (با سرعت) همچون ماری به هر سو می دود (ترسید و) به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد- ای موسی! نترس، که رسولان در نزد من نمی ترسند! (10)

إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّى غَفُورٌ رَّحِيمٌ (11)

مگر کسی که ستم کند؛ سپس بدی را به نیکی تبدیل نماید، که (توبه او را می پذیرم، و) من غفور و رحیمم! (11)

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِى جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِى تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (12)

و دستت را در گریبانت داخل کن؛ هنگامی که خارج می شود، سفید و درخشنده است بی آنکه عیبی در آن باشد؛ این در زمره معجزات نه گانه ای است که تو با آنها بسوی فرعون و قومش فرستاده می شوی؛ آنان قومی فاسق و طغیانگرند!» (12)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (13)

و هنگامی که آیات روشنی بخش ما به سراغ آنها آمد گفتند: «این سحری است آشکار!» (13)

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (14)

و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند! پس بنگر سرانجام تبهکاران (و مفسدان) چگونه بود! (14)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (15)

و ما به داوود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم؛ و آنان گفتند: «ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.» (15)

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (16)

و سلیمان وارث داوود شد، و گفت: «ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده؛ این فضیلت آشکاری است.» (16)

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (17)

لشکریان سلیمان، از جنّ و انس و پرندگان، نزد او جمع شدند؛ آنقدر زیاد بودند که باید توقّف می کردند تا به هم ملحق شوند! (17)

حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (18)

(آنها حرکت کردند) تا به سرزمین مورچگان رسیدند؛ مورچه ای گفت: «به لانه های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی فهمند!» (18)

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (19)

سلیمان از سخن او تبسّمی کرد و خندید و گفت: «پروردگارا! شکر نعمتهایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای به من الهام کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا برحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد کن!» (19)

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ (20)

(سلیمان) در جستجوی آن پرنده [= هدهد] برآمد و گفت: «چرا هدهد را نمی بینم، یا اینکه او از غایبان است؟! (20)

لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (21)

قطعاً او را کیفر شدیدی خواهم داد، یا او را ذبح می کنم، یا باید دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد! (21)

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ (22)

چندان درنگ نکرد (که هدهد آمد و) گفت: «من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی؛ من از سرزمین «سبا» یک خبر قطعی برای تو آورده ام! (22)

إِنِّی وَجَدتُّ امْرَأَةً تَمْلِکُهُمْ وَأُوتِیَتْ مِن کُلِّ شَیْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِیمٌ (23)

من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می کند، و همه چیز در اختیار دارد، و (به خصوص) تخت عظیمی دارد! (23)

وَجَدتُّهَا وَقَوْمَهَا یَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِن دُونِ اللَّهِ وَزَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِیلِ فَهُمْ لَا یَهْتَدُونَ (24)

او و قومش را دیدم که برای غیر خدا -خورشید- سجده می کنند؛ و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته؛ و از این رو هدایت نمی شوند!» (24)

أَلَّا یَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِی یُخْرِجُ الْخَبْءَ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَیَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (25)

چرا برای خداوندی سجده نمی کنند که آنچه را در آسمانها و زمین پنهان است خارج (و آشکار) می سازد، و آنچه را پنهان می دارید یا آشکار می کنید می داند؟! (25)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ (26)

خداوندی که معبودی جز او نیست، و پروردگار عرش عظیم است! (26)

قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ کُنتَ مِنَ الْکَاذِبِینَ (27)

(سلیمان) گفت: «ما تحقیق می کنیم ببینیم راست گفتی یا از دروغگویان هستی؟ (27)

اذْهَب بِّکِتَابِی هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَیْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا یَرْجِعُونَ (28)

این نامه مرا ببر و بر آنان بیفکن؛ سپس برگرد (و در گوشه ای توقّف کن) ببین آنها چه عکس العملی نشان می دهند! (28)

قَالَتْ یَا أَیُّهَا الْمَلَأُ إِنِّی أُلْقِیَ إِلَیَّ کِتَابٌ کَرِیمٌ (29)

(ملکه سبا) گفت: «ای اشراف! نامه پرارزشی به سوی من افکنده شده! (29)

إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (30)

این نامه از سلیمان است، و چنین می باشد: به نام خداوند بخشنده مهربان (30)

أَلَّا تَعْلُوا عَلَىَّ وَأْتُونِى مُسْلِمِينَ (31)

توصیه من این است که نسبت به من برتری جویی نکنید، و بسوی من آیید در حالی که تسلیم حقّ هستید !» (31)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِى فِى أَمْرِى مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ (32)

(سپس) گفت: «ای اشراف (و ای بزرگان) ! نظر خود را در این امر مهمّ به من بازگو کنید، که من هیچ کار مهمّی را بدون حضور (و مشورت) شما انجام نداده ام ! (32)

قَالُوا نَحْنُ أُولُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِى مَاذَا تَأْمُرِينَ (33)

گفتند: «ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهایی با توست؛ ببین چه دستور می دهی !» (33)

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (34)

گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی می کشند، و عزیزان آنجا را ذلیل می کنند؛ (آری) کار آنان همین گونه است ! (34)

وَإِنِّى مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ (35)

و من (اکنون جنگ را صلاح نمی بینم،) هدیه گرانبهایی برای آنان می فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می آورند (و از این طریق آنها را بیازمایم) !» (35)

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُم بَلْ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ (36)

هنگامی که (فرستاده ملکه سبا) نزد سلیمان آمد، گفت: «می خواهید مرا با مال کمک کنید (و فریب دهید)؟! آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است؛ بلکه شما هستید که به هدیه هایتان خوشحال می شوید! (36)

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ (37)

بسوی آنان بازگرد (و اعلام کن) با لشکریانی به سراغ آنان می آییم که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند؛ و آنان را از آن (سرزمین آباد) با ذلّت و خواری بیرون می رانیم!» (37)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَن يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (38)

(سلیمان) گفت: «ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او را برای من می آورد پیش از آنکه به حال تسلیم نزد من آیند؟» (38)

قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ (39)

عفریتی از جنّ گفت: «من آن را نزد تو می آورم پیش از آنکه از مجلست برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم!» (39)

قَالَ الَّذِي عِندَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِندَهُ قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (40)

(امّا) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می آورم یا کفران می کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می کند؛ و هر کس کفران

نماید (بزیان خویش نموده است، که) پروردگار من، غنیّ و کریم است!» (40)

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ أَتَهْتَدِى أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (41)

(سلیمان) گفت: «تخت او را برایش ناشناس سازید؛ ببینم آیا متوجّه می شود یا از کسانی است که هدایت نخواهند شد؟! (41)

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ (42)

هنگامی که آمد، به او گفته شد: «آیا تخت تو این گونه است؟» گفت: گویا خود آن است! و ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده بودیم!» (42)

وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَافِرِينَ (43)

و او را از آنچه غیر از خدا میپرستید بازداشت، که او [= ملکه سبا] از قوم کافران بود. (43)

قِيلَ لَهَا ادْخُلِى الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (44)

به او گفته شد: «داخل حیاط (قصر) شو!» هنگامی که نظر به آن افکند، پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب بگذرد؛ امّا سلیمان) گفت: «(این آب نیست،) بلکه قصری است از بلور صاف!» (ملکه سبا) گفت: «پروردگارا! من به خود ستم کردم؛ و (اینک) با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم!» (44)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (45)

ما به سوی «ثمود»، برادرشان «صالح» را فرستادیم که: خدای یگانه را بپرستید! امّا آنان به دو گروه تقسیم شدند که به مخاصمه پرداختند. (45)

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (46)

(صالح) گفت: «ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می کنید (و عذاب الهی را می طلبید نه رحمت او را)؟! چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی کنید تا شاید مشمول رحمت (او) شوید؟!» (46)

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِندَ اللَّهِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (47)

آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم!» (صالح) گفت: «فال (نیک و) بد شما نزد خداست (و همه مقدّرات به قدرت او تعیین می گردد)؛ بلکه شما گروهی هستید فریب خورده! (47)

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (48)

و در آن شهر، نه گروهک بودند که در زمین فساد می کردند و اصلاح نمی کردند. (48)

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (49)

آنها گفتند: «بیایید قسم یاد کنید به خدا که بر او [= صالح] و خانواده اش شبیخون می زنیم (و آنها را به قتل می رسانیم؛) سپس به ولیّ دم او می گوییم: ما هرگز از هلاکت خانواده او خبر نداشتیم و در این گفتار خود صادق هستیم!» (49)

وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (50)

آنها نقشه مهمّی کشیدند، و ما هم نقشه مهمّی؛ در حالی که آنها درک نمی کردند! (50)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (51)

بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد، که ما آنها و قومشان همگی را نابود کردیم؛ (51)

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (52)

این خانه های آنهاست که بخاطر ظلم و ستمشان خالی مانده؛ و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند! (52)

وَأَنجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (53)

و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم! (53)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ (54)

و لوط را (به یاد آور) هنگامی که به قومش گفت: «آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی می روید در حالی که (نتایج شوم آن را) می بینید؟! (54)

أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (55)

آیا شما بجای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان می روید؟! شما قومی نادانید!» (55)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (56)

آنها پاسخی جز این نداشتند که (به یکدیگر) گفتند: «خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها افرادی پاکدامن هستند!» (56)

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ (57)

ما او و خانواده اش را نجات دادیم، بجز همسرش که مقدّر کردیم جزء باقی ماندگان (در آن شهر) باشد! (57)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ (58)

سپس بارانی (از سنگ) بر سر آنها باراندیم (و همگی زیر آن مدفون شدند)؛ و چه بد است باران انذارشدگان! (58)

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى آللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ (59)

بگو: «حمد مخصوص خداست؛ و سلام بر بندگان برگزیده اش!» آیا خداوند بهتر است یا بتهایی که همتای او قرارمی دهند؟! (59)

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَن تُنبِتُوا شَجَرَهَا أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ (60)

(آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمانها و زمین را آفریده؟! و برای شما از آسمان، آبی فرستاد که با آن، باغهایی زیبا و سرورانگیز رویاندیم؛ شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویانید! آیا معبود دیگری با خداست؟! نه، بلکه آنها گروهی هستند که (از روی نادانی، مخلوقات را) همطراز (پروردگارشان) قرار می دهند! (60)

أَمَّن جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (61)

یا کسی که زمین را مستقرّ و آرام قرار داد، و میان آن نهرهایی روان ساخت، و برای آن کوه های ثابت و پابرجا ایجاد کرد، و میان دو دریا مانعی قرار داد (تا با هم مخلوط نشوند؛ با این حال) آیا معبودی با خداست؟! نه، بلکه بیشتر آنان نمی دانند (و جاهلند)! (61)

أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (62)

یا کسی که دعای مضطرّ را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد، و شما را خلفای زمین قرارمی دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکّر می شوید! (62)

أَمَّن يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَن يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (63)

یا کسی که شما را در تاریکیهای صحرا و دریا هدایت می کند، و کسی که بادها را بعنوان بشارت پیش از نزول رحمتش می فرستد؛ آیا معبودی با خداست؟! خداوند برتر است از آنچه برای او شریک قرارمی دهند! (63)

أَمَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (64)

یا کسی که آفرینش را آغاز کرد، سپس آن را تجدید می کند، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؛ آیا معبودی با خداست؟ ! بگو: «دلیلتان را بیاورید اگر راست می گویید !» (64)

قُل لَّا يَعْلَمُ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (65)

بگو: «کسانی که در آسمانها و زمین هستند غیب نمی دانند جز خدا، و نمی دانند کی برانگیخته می شوند !» (65)

بَلِ ادَّارَکَ عِلْمُهُمْ فِی الْآخِرَهِ بَلْ هُمْ فِی شَکٍّ مِّنْهَا بَلْ هُم مِّنْهَا عَمُونَ (66)

آنها [= مشرکان] اطلاع صحیحی درباره آخرت ندارند؛ بلکه در اصل آن شکّ دارند؛ بلکه نسبت به آن نابینایند ! (66)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ (67)

و کافران گفتند: «آیا هنگامی که ما و پدرانمان خاک شدیم، (زنده می شویم و) از دل خاک بیرون می آییم؟ ! (67)

لَقَدْ وُعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِن قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (68)

این وعده ای است که به ما و پدرانمان از پیش داده شده؛ اینها همان افسانه های خرافی پیشینیان است !» (68)

قُلْ سِيرُوا فِی الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الْمُجْرِمِينَ (69)

بگو: «در روی زمین سیر کنید و ببینید عاقبت کار مجرمان به کجا رسید !» (69)

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُن فِی ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (70)

از (تکذیب و انکار) آنان غمگین مباش، و سینه ات از توطئه آنان تنگ نشود ! (70)

وَيَقُولَونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (71)

آنها می گویند: «این وعده (عذاب که به ما می دهید) کی خواهد آمد اگر راست می گویید؟ !» (71)

قُلْ عَسَى أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعْضُ الَّذِى تَسْتَعْجِلُونَ (72)

بگو: «شاید پاره ای از آنچه درباره آن شتاب می کنید، نزدیک و در کنار شما باشد !» (72)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (73)

مسلّماً پروردگار تو نسبت به مردم، فضل (و رحمت) دارد؛ ولی بیشترشان شکرگزار نیستند ! (73)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (74)

و پروردگارت آنچه را در سینه هایشان پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند بخوبی می داند ! (74)

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِى السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِى كِتَابٍ مُّبِينٍ (75)

و هیچ موجود پنهانی در آسمان و زمین نیست مگر اینکه در کتاب مبین (در لوح محفوظ و علم بی پایان پروردگار) ثبت است ! (75)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِى إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِى هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (76)

این قرآن اکثر چیزهایی را که بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنان بیان می کند؛ (76)

وَإِنَّهُ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (77)

و مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است! (77)

إِنَّ رَبَّکَ يَقْضِى بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (78)

پروردگار تو میان آنها در قیامت به حکم خود داوری می کند؛ و اوست قادر دانا. (78)

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّکَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ (79)

پس بر خدا توکّل کن، که تو بر حقّ آشکار هستی! (79)

إِنَّکَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (80)

مسلّماً تو نمی توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی، و نمی توانی کران را هنگامی که روی برمی گردانند و پشت می کنند فراخوانی! (80)

وَمَا أَنتَ بِهَادِى الْعُمْىِ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ (81)

و نیز نمی توانی کوران را از گمراهیشان برهانی؛ تو فقط میتوانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که آماده پذیرش ایمان به آیات ما هستند و در برابر حق تسلیمند! (81)

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (82)

و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنان تکلّم می کند (و می گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی آوردند. (82)

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ (83)

(به خاطر آور) روزی را که ما از هر امّتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند محشور می کنیم؛ و آنها را نگه می داریم تا به یکدیگر ملحق شوند! (83)

حَتَّى إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِى وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (84)

تا زمانی که (به پای حساب) می آیند، (به آنان) می گوید: «آیا آیات مرا تکذیب کردید و در صدد تحقیق برنیامدید؟! شما چه اعمالی انجام می دادید؟!» (84)

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنطِقُونَ (85)

در این هنگام، فرمان عذاب بخاطر ظلمشان بر آنها واقع می شود، و آنها سخنی ندارند که بگویند! (85)

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (86)

آیا ندیدند که ما شب را برای آرامش آنها قرار دادیم و روز را روشنی بخش؟! در این امور نشانه های روشنی است برای کسانی که ایمان می آورند (و آماده قبول حقند). (86)

وَيَوْمَ يُنفَخُ فِى الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِى السَّمَاوَاتِ وَمَن فِى الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ (87)

و (به خاطر آورید) روزی را که در «صور» دمیده می شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند در وحشت فرو می روند، جز کسانی که خدا خواسته؛ و همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می شوند! (87)

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِىَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِى أَتْقَنَ كُلَّ شَىْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ (88)

کوه ها را می بینی، و آنها را ساکن و جامد می پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکتند؛ این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده؛ او از کارهایی که شما انجام می دهید مسلّماً آگاه است! (88)

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ (89)

کسانی که کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت؛ و آنان از وحشت آن روز درامانند! (89)

وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَهِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (90)

و آنها که اعمال بدی انجام دهند، به صورت در آتش افکنده می شوند؛ آیا جزایی جز آنچه عمل می کردید خواهید داشت؟! (90)

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلْدَهِ الَّذِی حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَیْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (91)

(بگو:) من مأمورم پروردگار این شهر (مقدّس مکّه) را عبادت کنم، همان کسی که این شهر را حرمت بخشیده؛ در حالی که همه چیز از آن اوست! و من مأمورم که از مسلمین باشم؛ (91)

وَأَنْ أَتْلُوَ الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِی لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ (92)

و اینکه قرآن را تلاوت کنم! هر کس هدایت شود بسود خود هدایت شده؛ و هر کس گمراه گردد (زیانش متوجّه خود اوست؛) بگو: «من فقط از انذارکنندگانم!» (92)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (93)

بگو: «حمد و ستایش مخصوص ذات خداست؛ بزودی آیاتش را به شما نشان می دهد تا آن را بشناسید؛ و پروردگار تو از آنچه انجام می دهید غافل نیست! (93)

سوره القصص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسم (1)

طسم! (1)

تِلْکَ آیَاتُ الْکِتَابِ الْمُبِینِ (2)

اینها از آیات کتاب مبین است! (2)

نَتْلُو عَلَیْکَ مِن نَّبَإِ مُوسَی وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ (3)

ما از داستان موسی و فرعون بحقّ بر تو می خوانیم، برای گروهی که (طالب حقّند و) ایمان می آورند! (3)

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِی الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِیَعًا یَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ یُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَیَسْتَحْیِی نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ کَانَ مِنَ الْمُفْسِدِینَ (4)

فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می کشاند، پسرانشان را سر می برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می داشت؛ او به یقین از مفسدان بود! (4)

وَنُرِیدُ أَن نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ (5)

ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! (5)

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَنُرِیَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا یَحْذَرُونَ (6)

و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم؛ و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها [= بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم! (6)

وَأَوْحَیْنَا إِلَی أُمِّ مُوسَی أَنْ أَرْضِعِیهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَیْهِ فَأَلْقِیهِ فِی الْیَمِّ وَلَا تَخَافِی وَلَا تَحْزَنِی إِنَّا رَادُّوهُ إِلَیْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِینَ (7)

ما به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر ده؛ و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن؛ و نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو بازمی گردانیم، و او را از رسولان قرار می دهیم!» (7)

فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِیَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِینَ (8)

(هنگامی که مادر بفرمان خدا او را به دریا افکند) خاندان فرعون او را از آب گرفتند، تا سرانجام دشمن آنان و مایه اندوهشان گردد! مسلّماً فرعون و هامان و لشکریانشان خطاکار بودند. (8)

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَیْنٍ لِّی وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَی أَن یَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا یَشْعُرُونَ (9)

همسر فرعون (چون دید آنها قصد کشتن کودک را دارند) گفت: «نور چشم من و توست! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را بعنوان پسر خود برگزینیم!» و آنها نمی فهمیدند (که دشمن اصلی خود را در آغوش خویش می پرورانند)! (9)

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَی فَارِغًا إِن كَادَتْ لَتُبْدِی بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَی قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ (10)

(سرانجام) قلب مادر موسی از همه چیز (جز یاد فرزندش) تهی گشت؛ و اگر دل او را (بوسیله ایمان و امید) محکم نکرده بودیم، نزدیک بود مطلب را افشا کند! (10)

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (11)

و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «وضع حال او را پیگیری کن!» او نیز از دور ماجرا را مشاهده کرد در حالی که آنان بی خبر بودند. (11)

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ (12)

ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم (تا تنها به آغوش مادر بازگردد)؛ و خواهرش (که بیتابی مأموران را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد) گفت: «آیا شما را به خانواده ای راهنمایی کنم که می توانند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیرخواه او باشند؟!» (12)

فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (13)

ما او را به مادرش بازگرداندیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است؛ ولی بیشتر آنان نمی دانند! (13)

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ (14)

و هنگامی که (موسی) نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم؛ و این گونه نیکوکاران را جزا می دهیم! (14)

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِن شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِى مِن شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِى مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ (15)

او به هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد؛ ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند؛ یکی از پیروان او بود (و از بنی اسرائیل)، و دیگری از دشمنانش، آن که از پیروان او بود در برابر دشمنش از وی تقاضای کمک نمود؛ موسی مشت محکمی بر سینه او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مرد)؛ موسی گفت: «این (نزاع شما) از عمل شیطان بود، که او دشمن و گمراه کننده آشکاری است» (15)

قَالَ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَاغْفِرْ لِى فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (16)

(سپس) عرض کرد: «پروردگارا! من به خویشتن ستم کردم؛ مرا ببخش!» خداوند او را بخشید، که او غفور و رحیم است! (16)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَىَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ (17)

عرض کرد: «پروردگارا! بشکرانه نعمتی که به من دادی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود!» (17)

فَأَصْبَحَ فِى الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِى اسْتَنصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِىٌّ مُّبِينٌ (18)

موسی در شهر ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای (و در جستجوی اخبار)؛ ناگهان دید همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود فریاد می زند و از او کمک می خواهد، موسی به او گفت: «تو آشکارا انسان (ماجراجو و) گمراهی هستی!» (18)

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَن يَبْطِشَ بِالَّذِی هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَا مُوسَی أَتُرِيدُ أَن تَقْتُلَنِی كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِن تُرِيدُ إِلَّا أَن تَكُونَ جَبَّارًا فِی الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ (19)

و هنگامی که خواست با کسی که دشمن هر دوی آنها بود درگیر شود و با قدرت مانع او گردد، (فریادش بلند شد،) گفت: «ای موسی می خواهی! مرا بکشی همان گونه که دیروز انسانی را کشتی؟! تو فقط می خواهی جبّاری در روی زمین باشی، و نمی خواهی از مصلحان باشی!» (19)

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَی الْمَدِينَهِ يَسْعَی قَالَ يَا مُوسَی إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّی لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ (20)

(در این هنگام) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر [= مرکز فرعونیان] آمد و گفت: «ای موسی! این جمعیّت برای کشتن تو به مشورت نشسته اند؛ فوراً از شهر خارج شو، که من از خیرخواهان توام!» (20)

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (21)

موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای؛ عرض کرد: «پروردگارا! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش!» (21)

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّى أَن يَهْدِيَنِى سَوَاءَ السَّبِيلِ (22)

و هنگامی که متوجّه جانب مدین شد گفت: «امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند!» (22)

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِى حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ (23)

و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می کنند؛ و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند (و به چاه نزدیک نمی شوند؛ موسی) به آن دو گفت: «کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی دهید؟!)» گفتند: «ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپانها همگی خارج شوند؛ و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (و قادر بر این کارها نیست.)!» (23)

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّى لِمَا أَنزَلْتَ إِلَىَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ (24)

موسی برای (گوسفندان) آن دو آب کشید؛ سپس رو به سایه آورد و عرض کرد: «پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی، به آن نیازمندم!» (24)

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِى عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِى يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (25)

ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت، گفت: «پدرم از تو دعوت می کند تا مزد آب دادن (به گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد.» هنگامی که موسی نزد او [= شعیب] آمد و سرگذشت خود را شرح داد، گفت: «نترس، از قوم ظالم نجات یافتی!» (25)

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِىُّ الْأَمِينُ (26)

یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کسی است که قویّ و امین باشد (و او

همین مرد است) !» (26)

قَالَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنکِحَکَ إِحْدَی ابْنَتَیَّ هَاتَیْنِ عَلَی أَن تَأْجُرَنِی ثَمَانِیَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِکَ وَمَا أُرِیدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَیْکَ سَتَجِدُنِی إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِینَ (27)

(شعیب) گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی؛ و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، محبّتی از ناحیه توست؛ من نمی خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم؛ و ان شاء الله مرا از صالحان خواهی یافت» (27)

قَالَ ذَلِکَ بَیْنِی وَبَیْنَکَ أَیَّمَا الْأَجَلَیْنِ قَضَیْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَیَّ وَاللَّهُ عَلَی مَا نَقُولُ وَکِیلٌ (28)

(موسی) گفت: «(مانعی ندارد،) این قراردادی میان من و تو باشد؛ البته هر کدام از این دو مدّت را انجام دهم ستمی بر من نخواهد بود (و من در انتخاب آن آزادم) ! و خدا بر آنچه ما می گوییم گواه است !» (28)

فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِن جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّى آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّى آتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (29)

هنگامی که موسی مدّت خود را به پایان رسانید و همراه خانواده اش (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد، از جانب طور آتشی دید! به خانواده اش گفت: «درنگ کنید که من آتشی دیدم! (می روم) شاید خبری از آن برای شما بیاورم، یا شعله ای از آتش تا با آن گرم شوید!» (29)

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِىَ مِن شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِى الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَن يَا مُوسَى إِنِّى أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (30)

هنگامی که به سراغ آتش آمد، از کرانه راست درّه، در آن سرزمین پر برکت، از میان یک درخت ندا داده شد که: «ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهانیان! (30)

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ (31)

عصایت را بیفکن!» هنگامی که (عصا را افکند و) دید همچون ماری با سرعت حرکت می کند، ترسید و به عقب برگشت، و حتّی پشت سر خود را نگاه نکرد! ندا آمد: «برگرد و نترس، تو در امان هستی! (31)

اسْلُكْ يَدَكَ فِى جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (32)

دستت را در گریبان خود فروبر، هنگامی که خارج می شود سفید و درخشنده است بدون عیب و نقص؛ و دستهایت را بر سینه ات بگذار، تا ترس و وحشت از تو دور شود! این دو [= معجزه عصا و ید بیضا] برهان روشن از پروردگارت بسوی فرعون و اطرافیان اوست، که آنان قوم فاسقی هستند!» (32)

قَالَ رَبِّ إِنِّى قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ (33)

عرض کرد: «پروردگارا! من یک تن از آنان را کشته ام؛ می ترسم مرا به قتل برسانند! (33)

وَأَخِی هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّی لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِیَ رِدْءًا یُصَدِّقُنِی إِنِّی أَخَافُ أَن یُکَذِّبُونِ (34)

و برادرم هارون زبانش از من فصیحتر است؛ او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند؛ می ترسم مرا تکذیب کنند!» (34)

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِأَخِیکَ وَنَجْعَلُ لَکُمَا سُلْطَانًا فَلَا یَصِلُونَ إِلَیْکُمَا بِآیَاتِنَا أَنتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَکُمَا الْغَالِبُونَ (35)

فرمود: «بزودی بازوان تو را بوسیله برادرت محکم (و نیرومند) می کنیم، و برای شما سلطه و برتری قرارمی دهیم؛ و به برکت آیات ما، بر شما دست نمی یابند؛ شما و پیروانتان پیروزید!» (35)

فَلَمَّا جَاءَهُم مُّوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِى آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (36)

هنگامی که موسی معجزات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: «این چیزی جز سحر نیست که بدروغ به خدا بسته شده؛ ما هرگز چنین چیزی را در نیاکان خود نشنیده ایم !» (36)

وَقَالَ مُوسَى رَبِّى أَعْلَمُ بِمَن جَاءَ بِالْهُدَى مِنْ عِندِهِ وَمَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (37)

موسی گفت: «پروردگارم از حال کسانی که هدایت را از نزد او آورده اند، و کسانی که عاقبت نیک سرا (ی دنیا و آخرت) از آن آنهاست آگاهتر است ! مسلّماً ظالمان رستگار نخواهند شد !» (37)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرِى فَأَوْقِدْ لِى يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَل لِّى صَرْحًا لَّعَلِّى أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّى لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ (38)

فرعون گفت: «ای جمعیت اشراف ! من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم. (امّا برای تحقیق بیشتر،) ای هامان، برایم آتشی بر گل بیفروز (و آجرهای محکم بساز)، و برای من برج بلندی ترتیب ده تا از خدای موسی خبر گیرم؛ هر چند من گمان می کنم او از دروغگویان است !» (38)

وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِى الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ (39)

(سرانجام) فرعون و لشکریانش بدون حقّ در زمین استکبار کردند، و پنداشتند بسوی ما بازگردانده نمی شوند ! (39)

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِى الْيَمِّ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (40)

ما نیز او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم؛ اکنون بنگر پایان کار ظالمان چگونه بود ! (40)

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ (41)

و آنان [= فرعونیان] را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت مِی کنند؛ و روز رستاخیز یاری نخواهند شد ! (41)

وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِی هَذِهِ الدُّنْیَا لَعْنَةً وَیَوْمَ الْقِیَامَهِ هُم مِّنَ الْمَقْبُوحِینَ (42)

و در این دنیا نیز لعنتی بدنبال آنان قرار دادیم؛ و روز قیامت از زشت رویانند! (42)

وَلَقَدْ آتَیْنَا مُوسَی الْکِتَابَ مِن بَعْدِ مَا أَهْلَکْنَا الْقُرُونَ الْأُولَی بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًی وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (43)

و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم بعد از آنکه اقوام قرون نخستین را هلاک نمودیم؛ کتابی که برای مردم بصیرت آفرین بود، و مایه هدایت و رحمت؛ شاید متذکر شوند! (43)

وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِىِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ (44)

تو در جانب غربى نبودى هنگامى كه ما فرمان نبوّت را به موسى داديم؛ و تو از شاهدان نبودى (در آن هنگام كه معجزات را در اختيار موسى گذارديم)! (44)

وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنتَ ثَاوِيًا فِى أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (45)

ولى ما اقوامى را در اعصار مختلف خلق كرديم، و زمانهاى طولانى بر آنها گذشت (كه آثار انبيا از دلهايشان محو شد؛ پس تو را با كتاب آسمانيت فرستاديم)! تو هرگز در ميان مردم مدين اقامت نداشتى تا (از وضع آنان آگاه باشى و) آيات ما را براى آنها [= مشركان مكّه] بخوانى، ولى ما بوديم كه تو را فرستاديم (و اين آيات را در اختيارت قرار داديم)! (45)

وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (46)

تو در كنار طور نبودى زمانى كه ما ندا داديم؛ ولى اين رحمتى از سوى پروردگارت بود (كه اين اخبار را در اختيار تو نهاد) تا بوسيله آن قومى را انذار كنى كه پيش از تو هيچ انذاركننده اى براى آنان نيامده است؛ شايد متذكّر شوند! (46)

وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (47)

هرگاه (پيش از فرستادن پيامبرى) مجازات و مصيبتى بر اثر اعمالشان به آنان مى رسيد، مى گفتند: «پروردگارا! چرا رسولى براى ما نفرستادى تا از آيات تو پيروى كنيم و از مؤمنان باشيم؟!» (47)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِىَ مِثْلَ مَا أُوتِىَ مُوسَى أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِىَ مُوسَى مِن قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ (48)

ولى هنگامى كه حقّ از نزد ما براى آنها آمد گفتند: «چرا مثل همان چيزى كه به موسى داده شد به اين پيامبر داده نشده است؟!» مگر بهانه جويانى

همانند آنان، معجزاتی را که در گذشته به موسی داده شد، انکار نکردند و گفتند: «این دو نفر [= موسی و هارون] دو ساحرند که دست به دست هم داده اند (تا ما را گمراه کنند) و ما به هر دو کافریم»؟! (48)

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَّبِعْهُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (49)

بگو: «اگر راست می گویید (که تورات و قرآن از سوی خدا نیست)، کتابی هدایت بخش تر از این دو از نزد خدا بیاورید، تا من از آن پیروی کنم!» (49)

فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (50)

اگر این پیشنهاد تو را نپذیرند، بدان که آنان تنها از هوسهای خود پیروی می کنند! و آیا گمراهتر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می شود؟! مسلّماً خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند! (50)

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (51)

ما آیات قرآن را یکی پس از دیگری برای آنان آوردیم شاید متذکّر شوند! (51)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِن قَبْلِهِ هُم بِهِ يُؤْمِنُونَ (52)

کسانی که قبلاً کتاب آسمانی به آنان داده ایم به آن [= قرآن] ایمان می آورند! (52)

وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (53)

و هنگامی که بر آنان خوانده شود می گویند: «به آن ایمان آوردیم؛ اینها همه حق است و از سوی پروردگار ماست؛ ما پیش از این هم مسلمان بودیم!» (53)

أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (54)

آنها کسانی هستند که بخاطر شکیباییشان، اجر و پادششان را دو بار دریافت می دارند؛ و بوسیله نیکیها بدیها را دفع می کنند؛ و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می نمایند؛ (54)

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (55)

و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی می گردانند و می گویند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان؛ سلام بر شما (سلام وداع)؛ ما خواهان جاهلان نیستیم!» (55)

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (56)

تو نمی توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی؛ ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند؛ و او به هدایت یافتگان آگاهتر است! (56)

وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَىْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (57)

آنها گفتند: «ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم، ما را از سرزمینمان می ربایند!» آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی (از هر شهر و دیاری) بسوی آن آورده می شود؟! رزقی است از جانب ما؛ ولی بیشتر آنان نمی دانند! (57)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّن بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ (58)

و چه بسیار از شهرها و آبادیهایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم! این خانه های آنهاست (که ویران شده)، و بعد از آنان جز اندکی کسی در آنها سکونت نکرد؛ و ما وارث آنان بودیم! (58)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِى أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِى الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ (59)

و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند؛ و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند! (59)

وَمَا أُوتِيتُم مِّن شَىْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ (60)

آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است؛ و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است؛ آیا اندیشه نمی کنید؟! (60)

أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (61)

آیا کسی که به او وعده نیکو داده ایم و به آن خواهد رسید، همانند کسی است که متاع زندگی دنیا به او داده ایم سپس روز قیامت (برای حساب و جزا) از احضارشدگان خواهد بود؟! (61)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِىَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (62)

روزی را (به خاطر بیاورید) که خداوند آنان را ندا میدهد و میگوید: «کجا هستند همتایانی که برای من می پنداشتید؟!» (62)

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ (63)

گروهی (از معبودان) که فرمان عذاب درباره آنها مسلم شده است میگویند: «پروردگارا! ما اینها [= عابدان] را گمراه کردیم؛ (آری) ما آنها را گمراه کردیم همان گونه که خودمان گمراه شدیم؛ ما از آنان به سوی تو بیزاری می جوییم؛ آنان در حقیقت ما را نمی پرستیدند (بلکه هوای نفس خود را پرستش می کردند)!» (63)

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ (64)

و به آنها [= عابدان] گفته می شود: «معبودهایتان را که همتای خدا می پنداشتید بخوانید (تا شما را یاری کنند)!» معبودهایشان را می خوانند، ولی جوابی به آنان نمی دهند! و (در این هنگام) عذاب الهی را (با چشم خود) می بینند، و آرزو می کنند ای کاش هدایت یافته بودند! (64)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ (65)

(به خاطر آورید) روزی را که خداوند آنان را ندا می دهد و می گوید: «چه پاسخی به پیامبران (من) گفتید؟ !» (65)

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ (66)

در آن روز، همه اخبار به آنان پوشیده می ماند، (حتی نمی توانند) از یکدیگر سؤالی کنند ! (66)

فَأَمَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ (67)

اما کسی که توبه کند، و ایمان آورد و عمل صالحی انجام دهد، امید است از رستگاران باشد ! (67)

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (68)

پروردگار تو هر چه بخواهد می آفریند، و هر چه بخواهد برمی گزیند؛ آنان (در برابر او) اختیاری ندارند؛ منزه است خداوند، و برتر است از همتایانی که برای او قائل می شوند ! (68)

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (69)

و پروردگار تو می داند آنچه را که سینه هایشان پنهان می دارد و آنچه را آشکار می سازند ! (69)

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِى الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (70)

و او خدایی است که معبودی جز او نیست؛ ستایش برای اوست در این جهان و در جهان دیگر؛ حاکمیت (نیز) از آن اوست؛ و همه شما به سوی او بازگردانده می شوید ! (70)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ (71)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند شب را تا قیامت بر شما جاودان سازد، آیا معبودی جز خدا می تواند روشنایی برای شما بیاورد؟! آیا نمی شنوید؟!» (71)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (72)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودان کند، کدام معبود غیر از خداست که شبی برای شما بیاورد تا در آن آرامش یابید؟ آیا نمی بینید؟!» (72)

وَمِن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (73)

و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره گیری از فضل خدا تلاش کنید، و شاید شکر نعمت او را بجا آورید! (73)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (74)

(به خاطر آورید) روزی را که آنها را ندا می دهد و می گوید: «کجایند همتایانی که برای من می پنداشتید؟!» (74)

وَنَزَعْنَا مِن كُلِّ أُمَّهٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (75)

(در آن روز) از هر امتی گواهی برمی گزینیم و (به مشرکان) می گوییم: «دلیل خود را بیاورید!» اما آنها می دانند که حق از آن خداست، و تمام آنچه را افترا می بستند از (نظر) آنها گم خواهد شد! (75)

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَهِ أُولِي الْقُوَّهِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (76)

قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد؛ ما آنقدر از گنجها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی دارد! (76)

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاکَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنسَ نَصِيبَکَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِن كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْکَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِی الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (77)

و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد! (77)

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِندِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ (78)

(قارون) گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده ام!» آیا او نمی دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد،) مجرمان از گناهانشان سؤال نمی شوند. (78)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (79)

(روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!» (79)

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ (80)

اما کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود گفتند: «وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام می دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی کنند.» (80)

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ (81)

سپس ما، او و خانه اش را در زمین فرو بردیم، و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب الهی یاری کنند، و خود نیز نمی توانست خویشتن را یاری دهد. (81)

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَن مَّنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (82)

و آنها که دیروز آرزو می کردند بجای او باشند (هنگامی که این صحنه را دیدند) گفتند: «وای بر ما! گویی خدا روزی را بر هر کس از بندگانش

بخواهد گسترش می دهد یا تنگ می گیرد! اگر خدا بر ما منت ننهاده بود، ما را نیز به قعر زمین فرو می برد! ای وای گویی کافران هرگز رستگار نمی شوند! (82)

تِلْکَ الدَّارُ الْآخِرَهُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لَا یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ (83)

(آری،) این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرارمی دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است! (83)

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَیْرٌ مِّنْهَا وَمَن جَاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلَا یُجْزَی الَّذِینَ عَمِلُوا السَّیِّئَاتِ إِلَّا مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ (84)

کسی که کار نیکی انجام دهد، برای او پاداشی بهتر از آن است؛ و به کسانی که کارهای بد انجام دهند، مجازات بدکاران جز (به مقدار) اعمالشان نخواهد بود. (84)

إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرَادُّکَ إِلَی مَعَادٍ قُل رَّبِّی أَعْلَمُ مَن جَاءَ بِالْهُدَی وَمَنْ هُوَ فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ (85)

آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به جایگاهت [= زادگاهت] بازمی گرداند! بگو: «پروردگار من از همه بهتر می داند چه کسی (برنامه) هدایت آورده، و چه کسی در گمراهی آشکار است!» (85)

وَمَا کُنتَ تَرْجُو أَن یُلْقَی إِلَیْکَ الْکِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّکَ فَلَا تَکُونَنَّ ظَهِیرًا لِّلْکَافِرِینَ (86)

و تو هرگز امید نداشتی که این کتاب آسمانی به تو القا گردد؛ ولی رحمت پروردگارت چنین ایجاب کرد! اکنون که چنین است، هرگز از کافران پشتیبانی مکن! (86)

وَلَا یَصُدُّنَّکَ عَنْ آیَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَیْکَ وَادْعُ إِلَی رَبِّکَ وَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِکِینَ (87)

و هرگز (آنها) تو را از آیات خداوند، بعد از آنکه بر تو نازل گشت، بازندارند! و بسوی پروردگارت دعوت کن، و هرگز از مشرکان مباش! (87)

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ کُلُّ شَیْءٍ هَالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُکْمُ وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ (88)

معبود دیگری را با خدا مخوان، که هیچ معبودی جز او نیست؛ همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می شود؛ حاکمیت تنها از آن اوست؛ و همه بسوی او بازگردانده می شوید! (88)

سوره العنکبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الم (1)

الم (1)

أَحَسِبَ النَّاسُ أَن یُتْرَکُوا أَن یَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا یُفْتَنُونَ (2)

آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟ ! (2)

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (3)

ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می کنیم)؛ باید علم خدا درباره کسانی که راست می گویند و کسانی که دروغ می گویند تحقق یابد ! (3)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَن يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (4)

آیا کسانی که اعمال بد انجام می دهند گمان کردند بر قدرت ما چیره خواهند شد؟ ! چه بد داوری می کنند ! (4)

مَن كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (5)

کسی که امید به لقاء الله (و رستاخیز) دارد (باید در اطاعت فرمان او بکوشد !) زیرا سرآمدی را که خدا تعیین کرده فرامی رسد؛ و او شنوا و داناست ! (5)

وَمَن جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (6)

کسی که جهاد و تلاش کند، برای خود جهاد می کند؛ چرا که خداوند از همه جهانیان بی نیاز است. (6)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِی كَانُوا يَعْمَلُونَ (7)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، گناهان آنان را می پوشانیم (و می بخشیم) و آنان را به بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش می دهیم. (7)

وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِن جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِی مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَیَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (8)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری، از آنها پیروی مکن! بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می دادید با خبر خواهم ساخت! (8)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِی الصَّالِحِينَ (9)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنها را در زمره صالحان وارد خواهیم کرد! (9)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِیَ فِی اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِی صُدُورِ الْعَالَمِينَ (10)

و از مردم کسانی هستند که می گویند: «به خدا ایمان آورده ایم!» اما هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار می بینند، آزار مردم را همچون عذاب الهی می شمارند (و از آن سخت وحشت می کنند)؛ ولی هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت (برای شما) بیاید، می گویند: «ما هم با شما بودیم (و در این پیروزی شریکیم)»!! آیا خداوند به آنچه در سینه های جهانیان است آگاه تر نیست؟! (10)

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ (11)

مسلماً خداوند مؤمنان را می شناسد، و به یقین منافقان را (نیز) می شناسد. (11)

وَقَالَ الّذِينَ كَفَرُوا لِلّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُم بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُم مِّن شَىْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (12)

و کافران به مؤمنان گفتند: «شما از راه ما پیروی کنید، (و اگر گناهی دارد) ما گناهانتان را بر عهده خواهیم گرفت!» آنان هرگز چیزی از گناهان اینها را بر دوش نخواهند گرفت؛ آنان به یقین دروغگو هستند! (12)

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالاً مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (13)

آنها بار سنگین (گناهان) خویش را بر دوش می کشند، و (همچنین) بارهای سنگین دیگری را اضافه بر بارهای سنگین خود؛ و روز قیامت به یقین از تهمتهائی که می بستند سؤال خواهند شد! (13)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَهٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (14)

و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم؛ و او را در میان آنان هزار سال مگر پنجاه سال، درنگ کرد؛ اما سرانجام طوفان و سیلاب آنان را فراگرفت در حالی که ظالم بودند. (14)

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَهِ وَجَعَلْنَاهَا آيَهً لِّلْعَالَمِينَ (15)

ما او و سرنشینان کشتی را رهایی بخشیدیم، و آن را آیتی برای جهانیان قرار دادیم ! (15)

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (16)

ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید ! (16)

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِندَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (17)

شما غیر از خدا فقط بتهایی (از سنگ و چوب) را می پرستید و دروغی به هم می بافید؛ آنهایی را که غیر از خدا پرستش می کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید که بسوی او بازگشت داده می شوید ! (17)

وَإِن تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (18)

اگر شما (مرا) تکذیب کنید (جای تعجب نیست)، امتهایی پیش از شما نیز (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ وظیفه فرستاده (خدا) جز ابلاغ آشکار نیست». (18)

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (19)

آیا آنان ندیدند چگونه خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس بازمی گرداند؟ ! این کار برای خدا آسان است ! (19)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَهَ الْآخِرَهَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (20)

بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می کند؛ یقیناً خدا بر هر چیز توانا است! (20)

يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ (21)

هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) مجازات می کند، و هر کس را بخواهد مورد رحمت قرارمی دهد؛ و شما را به سوی او بازمی گردانند. (21)

وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِی الْأَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِیٍّ وَلَا نَصِيرٍ (22)

شما هرگز نمی توانید بر اراده خدا چیره شوید و از حوزه قدرت او در زمین و آسمان بگریزید؛ و برای شما جز خدا، ولی و یاوری نیست!» (22)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِی وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (23)

کسانی که به آیات خدا و دیدار او کافر شدند، از رحمت من مأیوسند؛ و برای آنها عذاب دردناکی است! (23)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (24)

اما جواب قوم او [= ابراهيم] جز اين نبود كه گفتند: «او را بكشيد يا بسوزانيد !» ولی خداوند او را از آتش رهايی بخشيد؛ در اين ماجرا نشانه هايی است برای كسانی كه ايمان می آورند. (24)

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِی الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ (25)

(ابراهيم) گفت: «شما غير از خدا بتهايی برای خود انتخاب كرده ايد كه مايه دوستی و محبت ميان شما در زندگی دنيا باشد؛ سپس روز قيامت از يكديگر بيزاری می جوييد و يكديگر را لعن می كنيد؛ و جايگاه (همه) شما آتش است و هيچ يار و ياوری برای شما نخواهد بود !» (25)

فَآمَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّی مُهَاجِرٌ إِلَی رَبِّی إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (26)

و لوط به او [= ابراهيم] ايمان آورد، و (ابراهيم) گفت: «من بسوی پروردگارم هجرت می كنم كه او صاحب قدرت و حكيم است !» (26)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِی ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِی الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِی الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (27)

و (در اواخر عمر،) اسحاق و يعقوب را به او بخشيديم و نبوت و كتاب آسمانی را در دودمانش قرار داديم و پاداش او را در دنيا داديم و او در آخرت از صالحان است ! (27)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ (28)

و لوط را فرستاديم هنگامی كه به قوم خود گفت: «شما عمل بسيار زشتی انجام می دهيد كه هيچ يک از مردم جهان پيش از شما آن را انجام نداده است ! (28)

أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِی نَادِیکُمُ الْمُنکَرَ فَمَا کَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِن کُنتَ مِنَ الصَّادِقِینَ (29)

آیا شما به سراغ مردان می روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می کنید و در مجلستان اعمال ناپسند انجام می دهید؟! «اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند:» اگر راست می گویی عذاب الهی را برای ما بیاور! (29)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِی عَلَی الْقَوْمِ الْمُفْسِدِینَ (30)

(لوط) عرض کرد: «پروردگارا! مرا در برابر این قوم تبهکار یاری فرما!» (30)

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُو أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ (31)

و هنگامی که فرستادگان ما (از فرشتگان) بشارت (تولد فرزند) برای ابراهیم آوردند، گفتند: «ما اهل این شهر و آبادی را [و به شهرهای قوم لوط اشاره کردند] هلاک خواهیم کرد، چرا که اهل آن ستمگرند!» (31)

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَن فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (32)

(ابراهیم) گفت: «در این آبادی لوط است!» گفتند: «ما به کسانی که در آن هستند آگاهتریم! او و خانواده اش را نجات می دهیم؛ جز همسرش که در میان قوم (گنهکار) باقی خواهد ماند.» (32)

وَلَمَّا أَن جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (33)

هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از دیدن آنها بدحال و دلتنگ شد؛ گفتند: «نترس و غمگین مباش، ما تو و خانواده ات را نجات خواهیم داد، جز همسرت که در میان قوم باقی می ماند. (33)

إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (34)

ما بر اهل این شهر و آبادی به خاطر گناهانشان، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت!» (34)

وَلَقَد تَّرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (35)

و از این آبادی نشانه روشنی (و درس عبرتی) برای کسانی که می اندیشند باقی گذاردیم! (35)

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (36)

و ما بسوی «مدین»، برادرشان «شعیب» را فرستادیم؛ گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، و به روز بازپسین امیدوار باشید، و در زمین فساد نکنید!» (36)

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِی دَارِهِمْ جَاثِمِینَ (37)

(ولی) آنها او را تکذیب کردند، و به این سبب زلزله آنان را فراگرفت، و بامدادان در خانه های خود به رو در افتاده و مرده بودند! (37)

وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَد تَّبَیَّنَ لَکُم مِّن مَّسَاکِنِهِمْ وَزَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِیلِ وَکَانُوا مُسْتَبْصِرِینَ (38)

ما طایفه «عاد» و «ثمود» را نیز (هلاک کردیم)، و مساکن (ویران شده) آنان برای شما آشکار است؛ شیطان اعمالشان را برای آنان آراسته بود، از این رو آنان را از راه (خدا) بازداشت در حالی که بینا بودند. (38)

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُم مُّوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِى الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ (39)

و «قارون» و «فرعون» و «هامان» را نيز هلاک كرديم؛ موسى با دلايل روشن به سراغشان آمد، امّا آنان در زمين برترى جويى كردند، ولى نتوانستند بر خدا پيشى گيرند! (39)

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُم مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُم مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُم مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُم مَّنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (40)

ما هر يک از آنان را به گناهانشان گرفتيم، بر بعضى از آنها طوفانى از سنگريزه فرستاديم، و بعضى از آنان را صيحه آسمانى فروگرفت، و بعضى ديگر را در زمين فرو برديم، و بعضى را غرق كرديم؛ خداوند هرگز به آنها ستم نكرد، ولى آنها خودشان بر خود ستم مى كردند! (40)

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (41)

مثَل كسانى كه غير از خدا را اولياى خود برگزيدند، مثَل عنكبوت است كه خانه اى براى خود انتخاب كرده؛ در حالى كه سست ترين خانه هاى خانه عنكبوت است اگر مى دانستند! (41)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ مِن شَىْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (42)

خداوند آنچه را غير از او مى خوانند مى داند، و او شكست ناپذير و حكيم است. (42)

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ (43)

اينها مثالهايى است كه ما براى مردم مى زنيم، و جز دانايان آن را درک نمى كنند. (43)

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (44)

خداوند، آسمانها و زمين را بحق آفريد؛ و در اين آيتى است براى مؤمنان. (44)

اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْکَ مِنَ الْکِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنکَرِ وَلَذِکْرُ اللَّهِ أَکْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (45)

آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه بازمی دارد، و یاد خدا بزرگتر است؛ و خداوند می داند شما چه کارهایی انجام می دهید! (45)

ص: 401

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِینَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِی أُنزِلَ إِلَیْنَا وَأُنزِلَ إِلَیْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (46)

با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند؛ و (به آنها) بگویید: «ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم !» (46)

وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَا إِلَیْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِینَ آتَیْنَاهُمُ الْكِتَابَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَن یُؤْمِنُ بِهِ وَمَا یَجْحَدُ بِآیَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ (47)

و این گونه، کتاب [= قرآن] را بر تو نازل کردیم، کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده ایم به این کتاب ایمان می آورند؛ و بعضی از این گروه [= مشرکان] نیز به آن مؤمن می شوند؛ و آیات ما را جز کافران انکار نمی کنند. (47)

وَمَا كُنتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِیَمِینِكَ إِذًا لَّارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ (48)

تو هرگز پیش از این کتابی نمی خواندی، و با دست خود چیزی نمی نوشتی، مبادا کسانی که در صدد (تکذیب و) ابطال سخنان تو هستند، شک و تردید کنند ! (48)

بَلْ هُوَ آیَاتٌ بَیِّنَاتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا یَجْحَدُ بِآیَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ (49)

ولی این آیات روشنی است که در سینه دانشوران جای دارد؛ و آیات ما را جز ستمگران انکار نمی کنند ! (49)

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَیْهِ آیَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآیَاتُ عِندَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِیرٌ مُّبِینٌ (50)

گفتند: «چرا معجزاتی از سوی پروردگارش بر او نازل نشده؟ !» بگو: «معجزات همه نزد خداست (و به فرمان او نازل می شود، نه به میل من

و شما)؛ من تنها بیم دهنده ای آشکارم! (50)

أَوَلَمْ یَکْفِهِمْ أَنَّا أَنزَلْنَا عَلَیْکَ الْکِتَابَ یُتْلَی عَلَیْهِمْ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَرَحْمَةً وَذِکْرَی لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ (51)

آیا برای آنان کافی نیست که این کتاب را بر تو نازل کردیم که پیوسته بر آنها تلاوت می شود؟! در این، رحمت و تذکّری است برای کسانی که ایمان می آورند (و این معجزه بسیار واضحی است). (51)

قُلْ کَفَی بِاللَّهِ بَیْنِی وَبَیْنَکُمْ شَهِیدًا یَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِینَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَکَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (52)

بگو: «همین بس که خدا میان من و شما گواه است؛ آنچه را در آسمانها و زمین است می داند؛ و کسانی که به باطل ایمان آوردند و به خدا کافر شدند زیانکاران واقعی هستند! (52)

وَيَسْتَعْجِلُونَکَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (53)

آنان با شتاب از تو عذاب را می طلبند؛ و اگر موعد مقرّری تعیین نشده بود، عذاب (الهی) به سراغ آنان می آمد؛ و سرانجام این عذاب بطور ناگهانی بر آنها نازل می شود در حالی که نمی دانند (و غافلند). (53)

يَسْتَعْجِلُونَکَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (54)

آنان با عجله از تو عذاب می طلبند، در حالی که جهنم به کافران احاطه دارد! (54)

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (55)

آن روز که عذاب (الهی) آنها را از بالای سر و پایین پایشان فرامی گیرد و به آنها می گوید: «بچشید آنچه را عمل می کردید» (روز سخت و دردناکی برای آنهاست!) (55)

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ (56)

ای بندگان من که ایمان آورده اید! زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید (و در برابر فشارهای دشمنان تسلیم نشوید)! (56)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (57)

هر انسانی مرگ را می چشد، سپس شما را بسوی ما بازمی گردانند. (57)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (58)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنان را در غرفه هایی از بهشت جای می دهیم که نهرها در زیر آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه خوب است پاداش عمل کنندگان! (58)

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (59)

همانها که (در برابر مشکلات) صبر (و استقامت) کردند و بر پروردگارشان توکّل می کنند. (59)

وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (60)

چه بسا جنبنده ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می دهد؛ و او شنوا و داناست. (60)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (61)

و هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده، و خورشید و ماه را مسخّر کرده است؟» می گویند: «اللّه»! پس با این حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف می سازند؟! (61)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ (62)

خداوند روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد گسترده می کند، و برای هر کس بخواهد محدود می سازد؛ خداوند به همه چیز داناست! (62)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (63)

و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن زمین را پس از مردنش زنده کرد؟ می گویند: «اللّه»! بگو: «حمد و ستایش مخصوص خداست!» امّا بیشتر آنها نمی دانند. (63)

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاهُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَهَ لَهِىَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (64)

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست؛ و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می دانستند! (64)

فَإِذَا رَكِبُوا فِى الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (65)

هنگامی که بر سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می خوانند (و غیر او را فراموش می کنند)؛ امّا هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می شوند! (65)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (66)

(بگذار) آنچه را (از آیات) به آنها داده ایم انکار کنند و از لذّات زودگذر زندگی بهره گیرند؛ امّا بزودی خواهند فهمید! (66)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَهِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ (67)

آیا ندیدند که ما حرم امنی (برای آنها) قرار دادیم در حالی که مردم را در اطراف آنان (در بیرون این حرم) می ربایند؟! آیا به باطل ایمان می آورند و نعمت خدا را کفران می کنند؟! (67)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ (68)

چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بسته یا حق را پس از آنکه به سراغش آمده تکذیب نماید؟! آیا جایگاه کافران در دوزخ نیست؟! (68)

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (69)

و آنها که در راه ما (با خلوص نیّت) جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است. (69)

سوره الروم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (1)

الم (1)

غُلِبَتِ الرُّومُ (2)

رومیان مغلوب شدند! (2)

فِی أَدْنَی الْأَرْضِ وَهُم مِّن بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (3)

(و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد؛ امّا آنان پس از (این) مغلوبیّت بزودی غلبه خواهند کرد... (3)

فِی بِضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِن قَبْلُ وَمِن بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (4)

در چند سال همه کارها از آن خداست؛ چه قبل و چه بعد (از این شکست و پیروزی)؛ و در آن روز، مؤمنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد... (4)

بِنَصْرِ اللَّهِ يَنصُرُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (5)

به سبب یاری خداوند؛ و او هر کس را بخواهد یاری می دهد؛ و او صاحب قدرت و رحیم است! (5)

وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (6)

این وعده ای است که خدا کرده؛ و خداوند هرگز از وعده اش تخلّف نمی کند؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (6)

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَهِ هُمْ غَافِلُونَ (7)

آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند! (7)

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِم مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (8)

آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است جز بحق و برای زمان معیّنی نیافریده است؟! ولی بسیاری از مردم (رستاخیز و) لقای پروردگارشان را منکرند! (8)

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّهً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (9)

آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (امّا آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می کردند! (9)

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَهَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوأَى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ (10)

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند! (10)

اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (11)

خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را بازمی گرداند، سپس شما را بسوی او باز می گردانند! (11)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ (12)

آن روز که قیامت برپا می شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می روند! (12)

وَلَمْ يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ (13)

و برای آنان شفیعانی از معبودانشان نخواهد بود، و نسبت به معبودهایی که آنها را همتای خدا قرار داده بودند کافر می شوند! (13)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ (14)

آن روز که قیامت برپا می گردد، (مردم) از هم جدا می شوند؛ (14)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِی رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ (15)

امّا آنان که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند، در باغی از بهشت شاد و مسرور خواهند بود. (15)

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَهِ فَأُولَئِکَ فِی الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (16)

و امّا آنان که به آیات ما و لقای آخرت کافر شدند، در عذاب الهی احضار می شوند. (16)

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِینَ تُمْسُونَ وَحِینَ تُصْبِحُونَ (17)

منزّه است خداوند به هنگامی که شام می کنید و صبح می کنید؛ (17)

وَلَهُ الْحَمْدُ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِیًّا وَحِینَ تُظْهِرُونَ (18)

و حمد و ستایش مخصوص اوست در آسمان و زمین، و به هنگام عصر و هنگامی که ظهر می کنید. (18)

یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَیُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَیُحْیِی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَکَذَلِکَ تُخْرَجُونَ (19)

او زنده را از مرده بیرون می آورد، و مرده را از زنده، و زمین را پس از مردنش حیات می بخشد، و به همین گونه روز قیامت (از گورها) بیرون آورده می شوید! (19)

وَمِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَکُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنتُم بَشَرٌ تَنتَشِرُونَ (20)

از نشانه های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس بناگاه انسانهایی شدید و در روی زمین گسترش یافتید! (20)

وَمِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُم مِّنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَاجًا لِّتَسْکُنُوا إِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُم مَّوَدَّهً وَرَحْمَهً إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ (21)

و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکّر می کنند! (21)

وَمِنْ آیَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِکُمْ وَأَلْوَانِکُمْ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّلْعَالِمِینَ (22)

و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین، و تفاوت زبانها و رنگهای شماست؛ در این نشانه هایی است برای عالمان! (22)

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (23)

و از نشانه های او خواب شما در شب و روز است و تلاش و کوششتان برای بهره گیری از فضل پروردگار (و تأمین معاش)؛ در این امور نشانه هایی است برای آنان که گوش شنوا دارند! (23)

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِى بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (24)

و از آیات او این است که برق و رعد را به شما نشان می دهد که هم مایه ترس و هم امید است (ترس از صاعقه، و امید به نزول باران)، و از آسمان آبی فرو می فرستد که زمین را بعد از مردنش بوسیله آن زنده می کند؛ در این نشانه هایی است برای جمعیّتی که می اندیشند! (24)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَن تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنتُمْ تَخْرُجُونَ (25)

و از آیات او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست؛ سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فراخواند، ناگهان همه خارج می شوید (و در صحنه محشر حضور می یابید)! (25)

وَلَهُ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ (26)

و از آن اوست تمام کسانی که در آسمانها و زمین اند و همگی در برابر او خاضع و مطیع اند! (26)

وَهُوَ الَّذِی يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (27)

او کسی است که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را بازمی گرداند، و این کار برای او آسانتر می باشد؛ و برای اوست توصیف برتر در آسمانها و زمین؛ و اوست توانمند و حکیم! (27)

ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ أَنفُسِكُمْ هَل لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُم مِّن شُرَكَاءَ فِی مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (28)

خداوند مثالی از خودتان، برای شما زده است: آیا (اگر مملوک و برده ای داشته باشید)، این برده های شما هرگز در روزیهایی که به شما داده ایم شریک شما می باشند؛ آنچنان که هر دو مساوی بوده و از تصرّف مستقل و بدون اجازه آنان بیم داشته باشید، آن گونه که در مورد شرکای آزاد خود بیم دارید؟! اینچنین آیات خود را برای کسانی که تعقّل می کنند شرح می دهیم. (28)

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَن يَهْدِی مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (29)

ولی ظالمان بدون علم و آگاهی، از هوی و هوسهای خود پیروی کردند! پس چه کسی می تواند آنان را که خدا گمراه کرده است هدایت کند؟! و برای آنها هیچ یاوری نخواهد بود! (29)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِى فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (30)

پس روی خود را متوجّه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی دانند! (30)

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (31)

این باید در حالی باشد که شما بسوی او بازگشت می کنید و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید... (31)

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (32)

از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته ها و گروه ها تقسیم شدند! و (عجب اینکه) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دلبسته و) خوشحالند! (32)

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُم مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (33)

هنگامی که رنج و زیانی به مردم برسد، پروردگار خود را می خوانند و توبه کنان بسوی او بازمی گردند؛ امّا همین که رحمتی از خودش به آنان بچشاند، بناگاه گروهی از آنان نسبت به پروردگارشان مشرک می شوند. (33)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (34)

(بگذار) نعمتهایی را که ما به آنها داده ایم کفران کنند! و (از نعمتهای زودگذر دنیا هر چه می توانید) بهره گیرید؛ امّا بزودی خواهید دانست (که نتیجه کفران و کامجوییهای بی حساب شما چه بوده است)! (34)

أَمْ أَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ (35)

آیا ما دلیل محکمی بر آنان فرستادیم که از شرکشان سخن می گوید (و آن را موجّه می شمارد)؟! (35)

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ (36)

و هنگامی که رحمتی به مردم بچشانیم، از آن خوشحال می شوند؛ و هرگاه رنج و مصیبتی بخاطر اعمالی که انجام داده اند به آنان رسد، ناگهان مأیوس می شوند! (36)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (37)

آیا ندیدند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترده یا تنگ می سازد؟! در این نشانه هایی است برای گروهی که ایمان می آورند. (37)

فَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (38)

پس حقّ نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن! این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگارانند. (38)

وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَ فِی أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِندَ اللّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِکَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ (39)

آنچه بعنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه را بعنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید (مایه برکت است؛ و) کسانی که چنین می کنند دارای پاداش مضاعفند. (39)

اللَّهُ الَّذِی خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذَلِكُم مِّن شَیْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (40)

خداوند همان کسی است که شما را آفرید، سپس روزی داد، بعد می میراند، سپس زنده می کند؛ آیا هیچ یک از همتایانی که برای خدا قرار داده اید چیزی از این کارها را می توانند انجام دهند؟! او منزّه و برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند. (40)

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِی النَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ الَّذِی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (41)

فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است؛ خدا می خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند! (41)

قُلْ سِيرُوا فِی الْأَرْضِ فَانظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الَّذِینَ مِن قَبْلُ کَانَ أَکْثَرُهُم مُّشْرِکِینَ (42)

بگو: «در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرک بودند! (42)

فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ الْقَیِّمِ مِن قَبْلِ أَن یَأْتِیَ یَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ یَوْمَئِذٍ یَصَّدَّعُونَ (43)

روی خود را بسوی آیین مستقیم و پایدار بدار، پیش از آنکه روزی فرا رسد که هیچ کس نمی تواند آن را از خدا بازگرداند؛ در آن روز مردم به گروه هایی تقسیم می شوند: (43)

مَن کَفَرَ فَعَلَیْهِ کُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ یَمْهَدُونَ (44)

هر کس کافر شود، کفرش بر زیان خود اوست؛ و آنها که کار شایسته انجام دهند، به سود خودشان آماده می سازند. (44)

لِیَجْزِیَ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْکَافِرِینَ (45)

این برای آن است که خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، از فضلش پاداش دهد؛ او کافران را دوست نمی دارد! (45)

وَمِنْ آیَاتِهِ أَن یُرْسِلَ الرِّیَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِیُذِیقَکُم مِّن رَّحْمَتِهِ وَلِتَجْرِیَ الْفُلْکُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (46)

و از آیات (عظمت) خدا این است که بادها را بعنوان بشارتگرانی می فرستد تا شما را از رحمتش بچشاند (و سیراب کند) و کشتیها بفرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید؛ شاید شکرگزاری کنید. (46)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ رُسُلًا إِلَی قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُم بِالْبَیِّنَاتِ فَانتَقَمْنَا مِنَ الَّذِینَ أَجْرَمُوا وَکَانَ حَقًّا عَلَیْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِینَ (47)

و پیش از تو پیامبرانی را بسوی قومشان فرستادیم؛ آنها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندرزها سودی نداد) از مجرمان

انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری کردیم)؛ و یاری مؤمنان، همواره حقّی است بر عهده ما! (47)

اللَّهُ الَّذِی یُرْسِلُ الرِّیَاحَ فَتُثِیرُ سَحَابًا فَیَبْسُطُهُ فِی السَّمَاءِ کَیْفَ یَشَاءُ وَیَجْعَلُهُ کِسَفًا فَتَرَی الْوَدْقَ یَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَن یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ یَسْتَبْشِرُونَ (48)

خداوند همان کسی است که بادها را می فرستد تا ابرهایی را به حرکت در آورند، سپس آنها را در پهنه آسمان آن گونه که بخواهد می گستراند و متراکم می سازد؛ در این هنگام دانه های باران را می بینی که از لا به لای آن خارج می شود، هنگامی که این (باران حیاتبخش) را به هر کس از بندگانش که بخواهد می رساند، ناگهان خوشحال می شوند... (48)

وَإِن کَانُوا مِن قَبْلِ أَن یُنَزَّلَ عَلَیْهِم مِّن قَبْلِهِ لَمُبْلِسِینَ (49)

و قطعاً پیش از آنکه بر آنان نازل شود مایوس بودند! (49)

فَانظُرْ إِلَی آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ کَیْفَ یُحْیِی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِکَ لَمُحْیِی الْمَوْتَی وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (50)

به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می کند؛ چنین کسی (که زمین مرده را زنده کرد) زنده کننده مردگان (در قیامت) است؛ و او بر همه چیز تواناست! (50)

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِن بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ (51)

و اگر ما بادی بفرستیم (داغ و سوزان)، و بر اثر آن زراعت و باغ خود را زرد و پژمرده ببینند، (مأیوس شده و) پس از آن راه کفران پیش می گیرند! (51)

فَإِنَّکَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (52)

تو نمی توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی، و نه سخنت را به گوش کران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند! (52)

وَمَا أَنتَ بِهَادِ الْعُمْيِ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ (53)

و (نیز) نمی توانی نابینایان را از گمراهیشان هدایت کنی؛ تو تنها سخنت را به گوش کسانی می رسانی که ایمان به آیات ما می آورند و در برابر حق تسلیمند! (53)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ (54)

خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید؛ سپس بعد از ناتوانی، قوّت بخشید و باز بعد از قوّت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد می آفریند، و دانا و تواناست. (54)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِکَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (55)

و روزی که قیامت برپا شود، مجرمان سوگند یاد می کنند که جز ساعتی (در عالم برزخ) درنگ نکردند! اینچنین از درک حقیقت بازگردانده می شوند. (55)

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (56)

ولی کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده می گویند: «شما بفرمان خدا تا روز قیامت (در عالم برزخ) درنگ کردید، و اکنون روز رستاخیز

است، امّا شما نمی دانستید !» (56)

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (57)

آن روز عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان ندارد، و توبه آنان پذیرفته نمی شود. (57)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِن جِئْتَهُم بِآيَةٍ لَّيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ (58)

ما برای مردم در این قرآن از هر گونه مثال و مطلبی بیان کردیم؛ و اگر آیه ای برای آنان بیاوری، کافران می گویند: «شما اهل باطلید (و اینها سحر و جادو است) !» (58)

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (59)

این گونه خداوند بر دلهای آنان که آگاهی ندارند مهر می نهد ! (59)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ (60)

اکنون که چنین است صبر پیشه کن که وعده خدا حق است؛ و هرگز کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین نسازند (و از راه خود منحرف نکنند) ! (60)

سوره لقمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (1)

الم (1)

تِلْکَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (2)

این آیات کتاب حکیم است (کتابی پرمحتوا و استوار)! (2)

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ (3)

مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران است. (3)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (4)

همانان که نماز را برپا می دارند، و زکات را می پردازند و آنها به آخرت یقین دارند. (4)

أُولَئِکَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (5)

آنان بر طریق هدایت از پروردگارشانند، و آنانند رستگاران! (5)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (6)

و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است! (6)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (7)

و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می شود، مستکبرانه روی برمی گرداند، گویی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوشهایش سنگین است! او را به عذابی دردناک بشارت ده! (7)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ (8)

(ولی) کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، باغهای پرنعمت بهشت از آن آنهاست؛ (8)

خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (9)

جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده حتمی الهی است؛ و اوست عزیز و حکیم (شکست ناپذیر و دانا). (9)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (10)

(او) آسمانها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوه هایی افکند تا شما را نلرزاند (و جایگاه شما آرام باشد) و از هر گونه جنبنده ای روی آن منتشر ساخت؛ و از آسمان آبی نازل کردیم و بوسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفتهای گیاهان پر ارزش رویاندیم. (10)

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (11)

این آفرینش خداست؛ امّا به من نشان دهید معبودانی غیر او چه چیز را آفریده اند؟! ولی ظالمان در گمراهی آشکارند. (11)

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (12)

ما به لقمان حکمت دادیم؛ (و به او گفتیم:) شکر خدا را بجای آور هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده؛ و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی رساند)؛ چرا که خداوند بی نیاز و ستوده است. (12)

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (13)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش -در حالی که او را موعظه می کرد- گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.» (13)

وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (14)

و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه ای را متحمّل می شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می یابد؛ (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است! (14)

وَإِن جَاهَدَاكَ عَلَى أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (15)

و هرگاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته ای رفتار کن؛ و از راه کسانی پیروی کن که توبه کنان به سوی من آمده اند؛ سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من شما را از آنچه عمل می کردید آگاه می کنم. (15)

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُن فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (16)

پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می آورد؛ خداوند دقیق و آگاه است! (16)

يَا بُنَیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (17)

پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهمّ است! (17)

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (18)

(پسرم!) با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبّر مغروری را دوست ندارد. (18)

وَاقْصِدْ فِی مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِن صَوْتِكَ إِنَّ أَنكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (19)

(پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت ترین صداها صدای خران است. (19)

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِی اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًی وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ (20)

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخّر شما کرده، و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟! ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می کنند! (20)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَی عَذَابِ السَّعِيرِ (21)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید!»، می گویند: «نه، بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم!» آیا حتّی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند (باز هم تبعیّت می کنند)؟! (21)

وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَی اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَی وَإِلَی اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (22)

کسی که روی خود را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار باشد، به دستگیره محکمی چنگ زده (و به تکیه گاه مطمئنی تکیه کرده است)؛ و عاقبت همه کارها به سوی خداست. (22)

وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (23)

و کسی که کافر شود، کفر او تو را غمگین نسازد؛ بازگشت همه آنان به سوی ماست و ما آنها را از اعمالی که انجام داده اند (و نتایج شوم آن) آگاه خواهیم ساخت؛ خداوند به آنچه درون سینه هاست آگاه است. (23)

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَی عَذَابٍ غَلِيظٍ (24)

ما اندکی آنها را از متاع دنیا بهره مند می کنیم، سپس آنها را به تحمّل عذاب شدیدی وادار می سازیم! (24)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولَنَّ اللّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (25)

و هرگاه از آنان سؤال کنی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» مسلّماً می گویند: «اللّه»، بگو: «الحمد للّه (که خود شما معترفید)!» ولی بیشتر آنان نمی دانند! (25)

لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ (26)

آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، چرا که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است! (26)

وَلَوْ أَنَّمَا فِی الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ یَمُدُّهُ مِن بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ کَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ (27)

و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکّب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود، اینها همه تمام می شود ولی کلمات خدا پایان نمی گیرد؛ خداوند عزیز و حکیم است. (27)

مَّا خَلْقُکُمْ وَلَا بَعْثُکُمْ إِلَّا کَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ بَصِیرٌ (28)

آفرینش و برانگیختن (و زندگی دوباره) همه شما (در قیامت) همانند یک فرد بیش نیست؛ خداوند شنوا و بیناست! (28)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِی النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِی إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (29)

آیا ندیدی که خداوند شب را در روز، و روز را در شب داخل می کند، و خورشید و ماه را مسخّر ساخته و هر کدام تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می دهند؟! خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (29)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِیُّ الْكَبِيرُ (30)

اینها همه دلیل بر آن است که خداوند حقّ است، و آنچه غیر از او می خوانند باطل است، و خداوند بلند مقام و بزرگ مرتبه است! (30)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِی ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (31)

آیا ندیدی کشتیها بر (صفحه) دریاها به فرمان خدا، و به (برکت) نعمت او حرکت می کنند تا بخشی از آیاتش را به شما نشان دهد؟! در اینها نشانه هایی است برای کسانی که شکیبا و شکرگزارند! (31)

وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ (32)

و هنگامی که (در سفر دریا) موجی همچون ابرها آنان را بپوشاند (و بالا رود و بالای سرشان قرار گیرد)، خدا را با اخلاص می خوانند؛ امّا وقتی آنها را به خشکی رساند و نجات داد، بعضی راه اعتدال را پیش می گیرند (و به ایمان خود وفادار می مانند، در حالی که بعضی دیگر فراموش کرده راه کفر پیش می گیرند)؛ ولی آیات ما را هیچ کس جز پیمان شکنان ناسپاس انکار نمی کنند! (32)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَّا يَجْزِی وَالِدٌ عَن وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (33)

ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمّل می کند، و نه فرزند چیزی از کیفر (اعمال) پدرش را؛ به

یقین وعده الهی حقّ است؛ پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد، و مبادا (شیطان) فریبکار شما را (به کرم) خدا مغرور سازد! (33)

إِنَّ اللَّهَ عِندَهُ عِلْمُ السَّاعَهِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِى الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِى نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِى نَفْسٌ بِأَىِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (34)

آگاهی از زمان قیام قیامت مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می کند، و آنچه را که در رحم ها (ی مادران) است می داند، و هیچ کس نمی داند فردا چه به دست می آورد، و هیچ کس نمی داند در چه سرزمینی می میرد؟ خداوند عالم و آگاه است! (34)

سوره السجده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (1)

الم (1)

تَنزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (2)

این کتابی است که از سوی پروردگار جهانیان نازل شده، و شک و تردیدی در آن نیست! (2)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (3)

ولی آنان می گویند: «(محمّد) آن را بدروغ به خدا بسته است»، امّا این سخن حقّی است از سوی پروردگارت تا گروهی را انذار کنی که پیش از تو هیچ انذارکننده ای برای آنان نیامده است، شاید (پند گیرند و) هدایت شوند! (3)

اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِی سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُم مِّن دُونِهِ مِن وَلِیٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (4)

خداوند کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز [= شش دوران] آفرید، سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت؛ هیچ سرپرست و شفاعت کننده ای برای شما جز او نیست؛ آیا متذکّر نمی شوید؟! (4)

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِی يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ (5)

امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سالهایی است که شما می شمرید بسوی او بالا می رود (و دنیا پایان می یابد). (5)

ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (6)

او خداوندی است که از پنهان و آشکار با خبر است، و شکست ناپذیر و مهربان است! (6)

الَّذِی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِینٍ (7)

او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید؛ و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد؛ (7)

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَهٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِینٍ (8)

سپس نسل او را از عصاره ای از آب ناچیز و بی قدر آفرید. (8)

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِیهِ مِن رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَهَ قَلِیلًا مَّا تَشْکُرُونَ (9)

سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید؛ و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد؛ امّا کمتر شکر نعمتهای او را بجا می آورید! (9)

وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِی الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ بَلْ هُم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ کَافِرُونَ (10)

آنها گفتند: «آیا هنگامی که ما (مردیم و) در زمین گم شدیم، آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟!» ولی آنان لقای پروردگارشان را انکار می کنند (و می خواهند با انکار معاد، آزادانه به هوسرانی خویش ادامه دهند). (10)

قُلْ یَتَوَفَّاکُم مَّلَکُ الْمَوْتِ الَّذِی وُکِّلَ بِکُمْ ثُمَّ إِلَی رَبِّکُمْ تُرْجَعُونَ (11)

بگو: «فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شما را می گیرد؛ سپس شما را بسوی پروردگارتان بازمی گردانند.» (11)

وَلَوْ تَرَى إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (12)

و اگر ببینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده، می گویند: «پروردگارا! آنچه وعده کرده بودی دیدیم و شنیدیم؛ ما را بازگردان تا کار شایسته ای انجام دهیم؛ ما (به قیامت) یقین داریم!» (12)

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّى لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (13)

و اگر می خواستیم به هر انسانی هدایت لازمش را (از روی اجبار بدهیم) می دادیم؛ ولی (من آنها را آزاد گذارده ام و) سخن و وعده ام حق است که دوزخ را (از افراد بی ایمان و گنهکار) از جنّ و انس همگی پر کنم! (13)

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (14)

(و به آنها می گویم:) بچشید (عذاب جهنم را)! بخاطر اینکه دیدار امروزتان را فراموش کردید، ما نیز شما را فراموش کردیم؛ و بچشید عذاب جاودان را به خاطر اعمالی که انجام می دادید! (14)

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (15)

تنها کسانی که به آیات ما ایمان می آورند که هر وقت این آیات به آنان یادآوری شود به سجده می افتند و تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می آورند، و تکبّر نمی کنند. (15)

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (16)

پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می شود (و بپا می خیزند و رو به درگاه خدا می آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند، و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند! (16)

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِىَ لَهُم مِّن قُرَّهِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (17)

هیچ کس نمی داند چه پاداشهای مهمّی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پاداش کارهائی است که انجام می دادند! (17)

أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ (18)

آیا کسی که باایمان باشد همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند. (18)

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (19)

امّا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغهای بهشت جاویدان از آن آنها خواهد بود، این وسیله پذیرایی (خداوند) از آنهاست به پاداش آنچه انجام می دادند. (19)

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِى كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ (20)

و امّا کسانی که فاسق شدند (و از اطاعت خدا سرباز زدند)، جایگاه همیشگی آنها آتش است؛ هر زمان بخواهند از آن خارج شوند، آنها را به آن بازمی گردانند و به آنان گفته می شود: «بچشید عذاب آتشی را که انکار می کردید!» (20)

وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (21)

به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می چشانیم، شاید بازگردند! (21)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ (22)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او یادآوری شده و او از آن اعراض کرده است؟! مسلّماً ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت! (22)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (23)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ و شک نداشته باش که او آیات الهی را دریافت داشت؛ و ما آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم! (23)

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (24)

و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند؛ چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند. (24)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (25)

البتّه پروردگار تو میان آنان روز قیامت در آنچه اختلاف داشتند داوری می کند (و هر کس را به سزای اعمالش می رساند)! (25)

أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ (26)

آیا برای هدایت آنها همین کافی نیست که افراد زیادی را که در قرن پیش از آنان زندگی داشتند هلاک کردیم؟! اینها در مساکن (ویران شده) آنان راه می روند؛ در این آیاتی است (از قدرت خداوند و مجازات دردناک مجرمان)؛ آیا نمی شنوند؟! (26)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ (27)

آیا ندیدند که ما آب را بسوی زمینهای خشک می رانیم و بوسیله آن زراعتهایی می رویانیم که هم چهارپایانشان از آن می خورند و هم خودشان تغذیه می کنند؛ آیا نمی بینند؟! (27)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (28)

آنان می گویند: «اگر راست می گویید، این پیروزی شما کی خواهد بود؟!» (28)

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (29)

بگو: «روز پیروزی، ایمان آوردن، سودی به حال کافران نخواهد داشت؛ و به آنها هیچ مهلت داده نمی شود!» (29)

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانتَظِرْ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ (30)

حال که چنین است، از آنها روی بگردان و منتظر باش؛ آنها نیز منتظرند! (تو منتظر رحمت خدا و آنها هم منتظر عذاب او!) (30)

سوره الأحزاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِىُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (1)

ای پیامبر! تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند عالم و حکیم است. (1)

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْکَ مِن رَّبِّکَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (2)

و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می شود پیروی کن که خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (2)

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً (3)

و بر خدا توکّل کن، و همین بس که خداوند حافظ و مدافع (انسان) باشد! (3)

مَّا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِى جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِى تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُم بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِى السَّبِيلَ (4)

خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده؛ و هرگز همسرانتان را که مورد «ظهار» قرارمی دهید مادران شما قرار نداده؛ و (نیز) فرزندخوانده های شما را فرزند حقیقی شما قرارنداده است؛ این سخن شماست که به دهان خود می گویید (سخنی باطل و بی پایه)؛ امّا خداوند حقّ را می گوید و او به راه راست هدایت می کند. (4)

ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِندَ اللَّهِ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِى الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُم بِهِ وَلَكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (5)

آنها را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی شناسید، آنها برادران دینی و موالی شما هستند؛ امّا گناهی بر شما نیست در خطاهایی که از شما سرمی زند (و بی توجّه آنها را به نام دیگران صدا می زنید)، ولی آنچه را از روی عمد می گویید (مورد حساب قرار خواهد داد)؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است. (5)

النَّبِىُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأولَو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِى كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَى أَوْلِيَائِكُم مَّعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِى الْكِتَابِ مَسْطُورًا (6)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسران او مادران آنها [= مؤمنان] محسوب می شوند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خدا مقرّر داشته اولی هستند، مگر اینکه بخواهید نسبت به دوستانتان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید)؛ این حکم در کتاب (الهی) نوشته شده است. (6)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (7)

(به خاطر آور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم (که در ادای مسؤولیت تبلیغ و رسالت کوتاهی نکنند)! (7)

لِّيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (8)

به این منظور که خدا راستگویان را از صدقشان (در ایمان و عمل صالح) سؤال کند؛ و برای کافران عذابی دردناک آماده ساخته است. (8)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (9)

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند؛ ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی دیدید (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم)؛ و خداوند همیشه به آنچه انجام می دهید بینا بوده است. (9)

إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (10)

(به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشمها از شدّت وحشت خیره شده و جانها به لب رسیده بود، و گمانهای گوناگون بدی به خدا می بردید. (10)

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (11)

آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند! (11)

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (12)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که منافقان و بیماردلان می گفتند: «خدا و پیامبرش جز وعده های دروغین به ما نداده اند!» (12)

وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (13)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست؛ به خانه های خود بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می خواستند و می گفتند: «خانه های ما بی حفاظ است!»، در حالی که بی حفاظ نبود؛ آنها فقط می خواستند (از جنگ) فرار کنند. (13)

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (14)

آنها چنان بودند که اگر دشمنان از اطراف مدینه بر آنان وارد می شدند و پیشنهاد بازگشت به سوی شرک به آنان می کردند می پذیرفتند، و جز مدّت کمی (برای انتخاب این راه) درنگ نمی کردند! (14)

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا (15)

(در حالی که) آنان قبل از این با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند؛ و عهد الهی مورد سؤال قرار خواهد گرفت (و در برابر آن مسؤولند)! (15)

قُل لَّن يَنفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم مِّنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا (16)

بگو: «اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، سودی به حال شما نخواهد داشت؛ و در آن هنگام جز بهره کمی از زندگانی نخواهید گرفت!» (16)

قُلْ مَن ذَا الَّذِی یَعْصِمُکُم مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِکُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِکُمْ رَحْمَةً وَلَا یَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِیًّا وَلَا نَصِیرًا (17)

بگو: «چه کسی می تواند شما را در برابر اراده خدا حفظ کند اگر او بدی یا رحمتی را برای شما اراده کند؟!» و آنها جز خدا هیچ سرپرست و یاوری برای خود نخواهند یافت. (17)

قَدْ یَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِینَ مِنکُمْ وَالْقَائِلِینَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَیْنَا وَلَا یَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِیلًا (18)

خداوند کسانی که مردم را از جنگ بازمی داشتند و کسانی را که به برادران خود می گفتند: «بسوی ما بیایید (و خود را از معرکه بیرون کشید)» بخوبی می شناسد؛ و آنها (مردمی ضعیفند و) جز اندکی پیکار نمی کنند! (18)

أَشِحَّةً عَلَیْکُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَیْتَهُمْ یَنظُرُونَ إِلَیْکَ تَدُورُ أَعْیُنُهُمْ کَالَّذِی یُغْشَی عَلَیْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوکُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَی الْخَیْرِ أُولَئِکَ لَمْ یُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَکَانَ ذَلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیرًا (19)

آنها در همه چیز نسبت به شما بخیلند؛ و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می بینی آنچنان به تو نگاه می کنند، و چشمهایشان در حدقه می چرخد، که گویی می خواهند قالب تهی کنند! امّا وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست، زبانهای تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می گشایند (و سهم خود را از غنایم مطالبه می کنند!) در حالی که در آن نیز حریص و بخیلند؛ آنها (هرگز) ایمان نیاورده اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد؛ و این کار بر خدا آسان است. (19)

یَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ یَذْهَبُوا وَإِن یَأْتِ الْأَحْزَابُ یَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُم بَادُونَ فِی الْأَعْرَابِ یَسْأَلُونَ عَنْ أَنبَائِکُمْ وَلَوْ کَانُوا فِیکُم مَّا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِیلًا (20)

آنها گمان می کنند هنوز لشکر احزاب نرفته اند؛ و اگر برگردند (از ترس آنان) دوست می دارند در میان اعراب بادیه نشین پراکنده (و پنهان) شوند و از اخبار شما جویا گردند؛ و اگر در میان شما باشند جز اندکی پیکار نمی کنند! (20)

لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (21)

مسلّماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند. (21)

وَلَمَّا رَأَی الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (22)

(امّا) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته اند!» و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. (22)

مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (23)

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. (23)

لِّيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (24)

هدف این است که خداوند صادقان را بخاطر صدقشان پاداش دهد، و منافقان را هرگاه اراده کند عذاب نماید یا (اگر توبه کنند) توبه آنها را بپذیرد؛ چرا که خداوند آمرزنده و رحیم است. (24)

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (25)

خدا کافران را با دلی پر از خشم بازگرداند بی آنکه نتیجه ای از کار خود گرفته باشند؛ و خداوند (در این میدان)، مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد)؛ و خدا قوّی و شکست ناپذیر است! (25)

وَأَنزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُم مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِن صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (26)

و خداوند گروهی از اهل کتاب [= یهود] را که از آنان [= مشرکان عرب] حمایت کردند از قلعه های محکمشان پایین کشید و در دلهایشان رعب افکند؛ (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می رساندید و گروهی را اسیر می کردید! (26)

وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَئُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (27)

و زمینها و خانه ها و اموالشان را در اختیار شما گذاشت، و (همچنین) زمینی را که هرگز در آن گام ننهاده بودید؛ و خداوند بر هر چیز تواناست! (27)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (28)

ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می خواهید بیایید با هدیه ای شما را بهره مند سازم و شما را بطرز نیکویی رها سازم! (28)

وَإِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا (29)

و اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را می خواهید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است.» (29)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (30)

ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دوچندان خواهد بود؛ و این برای خدا آسان است. (30)

وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُّؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (31)

و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو چندان خواهیم ساخت، و روزی پرارزشی برای او آماده کرده ایم. (31)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (32)

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید! (32)

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (33)

و در خانه های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیّت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. (33)

وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (34)

آنچه را در خانه های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می شود یاد کنید؛ خداوند لطیف و خبیر است! (34)

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ

وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (35)

به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. (35)

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا (36)

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است! (36)

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِی أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِی فِی نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَی النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَیْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِی أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (37)

(به خاطر بیاور) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی [به فرزند خوانده ات «زید»] می گفتی: «همسرت را نگاه دار و از خدا بپرهیز!» (و پیوسته این امر را تکرار می کردی)؛ و در دل چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند؛ و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی! هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سرآورد (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسر خوانده هایشان -هنگامی که طلاق گیرند- نباشد؛ و فرمان خدا انجام شدنی است (و سنّت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود). (37)

مَّا كَانَ عَلَى النَّبِیِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِی الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا (38)

هیچ گونه منعی بر پیامبر در آنچه خدا بر او واجب کرده نیست؛ این سنّت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده اند نیز جاری بوده؛ و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیقی است! (38)

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (39)

(پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالتهای الهی می کردند و (تنها) از او می ترسیدند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش دهنده اعمال آنها) است! (39)

مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا (40)

محمّد (ص) پدر هيچ يک از مردان شما نبوده و نيست؛ ولى رسول خدا و ختم كننده و آخرين پيامبران است؛ و خداوند به همه چيز آگاه است! (40)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (41)

اى كسانى كه ايمان آورده ايد! خدا را بسيار ياد كنيد، (41)

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (42)

و صبح و شام او را تسبيح گوييد! (42)

هُوَ الَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا (43)

او كسى است كه بر شما درود و رحمت مى فرستد، و فرشتگان او (نيز) براى شما تقاضاى رحمت مى كنند تا شما را از ظلمات (جهل و شرک گناه) به سوى نور (ايمان و علم و تقوا) رهنمون گردد؛ او نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است! (43)

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا (44)

تحیّت آنان در روزی که او را دیدار می کنند سلام است؛ و برای آنها پاداش پرارزشی فراهم ساخته است. (44)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (45)

ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذارکننده! (45)

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا (46)

و تو را دعوت کننده بسوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی بخش! (46)

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا (47)

و مؤمنان را بشارت ده که برای آنان از سوی خدا فضل بزرگی است. (47)

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (48)

و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و به آزارهای آنها اعتنا منما، و بر خدا توکّل کن، و همین بس که خدا حامی و مدافع (تو) است! (48)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (49)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که با زنان با ایمان ازدواج کردید و قبل از همبستر شدن طلاق دادید، عدّه ای برای شما بر آنها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید؛ آنها را با هدیه مناسبی بهره مند سازید و بطرز شایسته ای رهایشان کنید. (49)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي

أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْکَ حَرَجٌ وَكَانَ اللّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (50)

ای پیامبر! ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته ای برای تو حلال کردیم، و همچنین کنیزانی که از طریق غنایمی که خدا به تو بخشیده است مالک شده ای و دختران عموی تو، و دختران عمّه ها، و دختران دایی تو، و دختران خاله ها که با تو مهاجرت کردند (ازدواج با آنها برای تو حلال است) و هرگاه زن با ایمانی خود را به پیامبر ببخشد (و مهری برای خود نخواهد) چنانچه پیامبر بخواهد می تواند او را به همسری برگزیند؛ امّا چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه دیگر مؤمنان؛ ما می دانیم برای آنان در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرّر داشته ایم (و مصلحت آنان چه حکمی را ایجاب می کند)؛ این بخاطر آن است که مشکلی (در ادای رسالت) بر تو نباشد (و از این راه حامیان فزونتری فراهم سازی)؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است! (50)

تُرْجِی مَن تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِی إِلَیْکَ مَن تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَیْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْکَ ذَلِکَ أَدْنَی أَن تَقَرَّ أَعْیُنُهُنَّ وَلَا یَحْزَنَّ وَیَرْضَیْنَ بِمَا آتَیْتَهُنَّ کُلُّهُنَّ وَاللَّهُ یَعْلَمُ مَا فِی قُلُوبِکُمْ وَکَانَ اللَّهُ عَلِیمًا حَلِیمًا (51)

(موعد) هر یک از همسرانت را بخواهی می توانی به تأخیر اندازی، و هر کدام را بخواهی نزد خود جای دهی؛ و هرگاه بعضی از آنان را که برکنار ساخته ای بخواهی نزد خود جای دهی، گناهی بر تو نیست؛ این حکم الهی برای روشنی چشم آنان، و اینکه غمگین نباشند و به آنچه به آنان می دهی همگی راضی شوند نزدیکتر است؛ و خدا آنچه را در قلوب شماست می داند، و خداوند دانا و بردبار است (از مصالح بندگان خود با خبر است، و در کیفر آنها عجله نمی کند)! (51)

لَّا یَحِلُّ لَکَ النِّسَاءُ مِن بَعْدُ وَلَا أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَکَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَکَتْ یَمِینُکَ وَکَانَ اللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ رَّقِیبًا (52)

بعد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست، و نمی توانی همسرانت را به همسران دیگری مبدّل کنی [= بعضی را طلاق دهی و همسر دیگری به جای او برگزینی] هر چند جمال آنها مورد توجّه تو واقع شود، مگر آنچه که بصورت کنیز در ملک تو درآید! و خداوند ناظر و مراقب هر چیز است (و با این حکم فشار قبایل عرب را در اختیار همسر از آنان، از تو برداشتیم). (52)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلَّا أَن یُؤْذَنَ لَکُمْ إِلَی طَعَامٍ غَیْرَ نَاظِرِینَ إِنَاهُ وَلَکِنْ إِذَا دُعِیتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِینَ لِحَدِیثٍ إِنَّ ذَلِکُمْ کَانَ یُؤْذِی النَّبِیَّ فَیَسْتَحْیِی مِنکُمْ وَاللَّهُ لَا یَسْتَحْیِی مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِکُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِکُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا کَانَ لَکُمْ أَن تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَن تَنکِحُوا أَزْوَاجَهُ مِن بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِکُمْ کَانَ عِندَ اللَّهِ عَظِیمًا (53)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه های پیامبر داخل نشوید مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود، در حالی که (قبل از موعد نیایید و) در انتظار وقت غذا ننشینید؛ امّا هنگامی که دعوت شدید داخل شوید؛ و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشینید؛ این عمل، پیامبر را ناراحت می نماید، ولی از شما شرم می کند (و چیزی نمی گوید)؛ امّا خداوند از (بیان) حق شرم ندارد! و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان [= همسران پیامبر] می

خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دلهای شما و آنها بهتر است! و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید، و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود درآورید که این کار نزد خدا بزرگ است! (53)

إِن تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا (54)

اگر چیزی را آشکار کنید یا آن را پنهان دارید، خداوند از همه چیز آگاه است! (54)

لَّا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِی آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ شَهِيدًا (55)

بر آنان [= همسران پیامبر] گناهی نیست در مورد پدران و فرزندان و برادران و فرزندان برادران و فرزندان خواهران خود و زنان مسلمان و بردگان خویش (که بدون حجاب و پرده با آنها تماس بگیرند)؛ و تقوای الهی را پیشه کنید که خداوند نسبت به هر چیزی شاهد و آگاه است. (55)

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِیِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (56)

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید. (56)

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِی الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا (57)

آنها که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است. (57)

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (58)

و آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده اند آزار می دهند؛ بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده اند. (58)

يَا أَيُّهَا النَّبِیُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (59)

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها [= روسری های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است. (59)

لَّئِن لَّمْ يَنتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَهِ لَنُغْرِيَنَّکَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَکَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (60)

اگر منافقان و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه پخش می کنند دست از کار خود بر ندارند، تو را بر ضدّ آنان می شورانیم، سپس جز مدّت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند! (60)

مَّلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا (61)

و از همه جا طرد می شوند، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید! (61)

سُنَّهَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّهِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (62)

این سنّت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنّت الهی هیچ گونه تغییر نخواهی یافت! (62)

يَسْأَلُکَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَهِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيکَ لَعَلَّ السَّاعَهَ تَکُونُ قَرِيبًا (63)

مردم از تو درباره (زمان قیام) قیامت سؤال می کنند، بگو: «علم آن تنها نزد خداست !» و چه می دانی شاید قیامت نزدیک باشد ! (63)

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْکَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا (64)

خداوند کافران را لعن کرده (و از رحمت خود دور داشته) و برای آنان آتش سوزاننده ای آماده نموده است، (64)

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (65)

در حالی که همواره در آن تا ابد می مانند، و ولیّ و یاوری نخواهند یافت ! (65)

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِى النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا (66)

در آن روز که صورتهای آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (از کار خویش پشیمان می شوند و) می گویند: «ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم !» (66)

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَکُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا (67)

و می گویند: «پروردگارا ! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند ! (67)

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا کَبِيرًا (68)

پروردگارا ! آنان را از عذاب، دو چندان ده و آنها را لعن بزرگی فرما !» (68)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَکُونُوا کَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَکَانَ عِندَ اللَّهِ وَجِيهًا (69)

ای کسانی که ایمان آورده اید ! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند؛ و خداوند او را از آنچه در حق او می گفتند مبرا ساخت؛ و او نزد

خداوند، آبرومند (و گرانقدر) بود! (69)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (70)

ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید... (70)

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (71)

تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را بیامرزد؛ و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی) عظیمی دست یافته است! (71)

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (72)

ما امانت (تعهّد، تکلیف، و ولایت الهیّه) را بر آسمانها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ امّا انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)! (72)

لِّيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (73)

هدف این بود که خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را (از مؤمنان جدا سازد و آنان را) عذاب کند، و خدا رحمت خود را بر مردان و زنان باایمان بفرستد؛ خداوند همواره آمرزنده و رحیم است! (73)

سوره سبإ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِی الْآخِرَهِ وَهُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ (1)

حمد (و ستایش) مخصوص خداوندی است که تمام آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست؛ و (نیز) حمد (و سپاس) برای اوست در سرای آخرت؛ و او حکیم و آگاه است. (1)

یَعْلَمُ مَا یَلِجُ فِی الْأَرْضِ وَمَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا یَنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا یَعْرُجُ فِیهَا وَهُوَ الرَّحِیمُ الْغَفُورُ (2)

آنچه در زمین فرومی رود و آنچه را از آن برمی آید می داند، و (همچنین) آنچه از آسمان نازل می شود و آنچه بر آن بالا می رود؛ و او مهربان و آمرزنده است. (2)

وَقَالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لَا تَأْتِینَا السَّاعَهُ قُلْ بَلَی وَرَبِّی لَتَأْتِیَنَّکُمْ عَالِمِ الْغَیْبِ لَا یَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّهٍ فِی السَّمَاوَاتِ وَلَا فِی الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِن ذَلِکَ وَلَا أَکْبَرُ إِلَّا فِی کِتَابٍ مُّبِینٍ (3)

کافران گفتند: «قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد!» بگو: «آری به پروردگارم سوگند که به سراغ شما خواهد آمد، خداوندی که از غیب آگاه است و به اندازه سنگینی ذرّه ای در آسمانها و زمین از علم او دور نخواهد ماند، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر اینکه در کتابی آشکار ثبت است!» (3)

لِّیَجْزِیَ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِکَ لَهُم مَّغْفِرَهٌ وَرِزْقٌ کَرِیمٌ (4)

تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند پاداش دهد؛ برای آنان مغفرت و روزی پرارزشی است! (4)

وَالَّذِینَ سَعَوْا فِی آیَاتِنَا مُعَاجِزِینَ أُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِیمٌ (5)

و کسانی که سعی در (تکذیب) آیات ما داشتند و گمان کردند می توانند از حوزه قدرت ما بگریزند، عذابی بد و دردناک خواهند داشت! (5)

وَيَرَى الّذِينَ أوتُوا الْعِلْمَ الّذِى أنزِلَ إِلَيْکَ مِن رَّبِّکَ هُوَ الْحَقَّ وَيَهْدِى إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (6)

کسانی که به ایشان علم داده شده، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق می دانند و به راه خداوند عزیز و حمید هدایت می کند. (6)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍ (7)

و کافران گفتند: «آیا مردی را به شما نشان دهیم که به شما خبر می دهد هنگامی که (مُردید و) سخت از هم متلاشی شدید، (بار دیگر) آفرینش تازه ای خواهید یافت؟ ! (7)

أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِى الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ (8)

آیا او بر خدا دروغ بسته یا به نوعی جنون گرفتار است؟!» (چنین نیست)، بلکه کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، در عذاب و گمراهی دوری هستند (و نشانه گمراهی آنها همین انکار شدید است). (8)

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِن نَّشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ (9)

آیا به آنچه پیش رو و پشت سر آنان از آسمان و زمین قرار دارد نگاه نکردند (تا به قدرت خدا بر همه چیز واقف شوند)؟! اگر ما بخواهیم آنها را (با یک زمین لرزه) در زمین فرومی بریم، یا قطعه هایی از سنگهای آسمانی را بر آنها فرومی ریزیم؛ در این نشانه ای است (بر قدرت خدا) برای هر بنده توبه کار! (9)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِى مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ (10)

و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ (ما به کوه ها و پرندگان گفتیم:) ای کوه ها و ای پرندگان! با او هم آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گویید! و آهن را برای او نرم کردیم. (10)

أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِى السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّى بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (11)

(و به او گفتیم:) زره های کامل و فراخ بساز، و حلقه ها را به اندازه و متناسب کن! و عمل صالح بجا آورید که من به آنچه انجام میدهید بینا هستم! (11)

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (12)

و برای سلیمان باد را مسخّر ساختیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را؛ و چشمه مس (مذاب) را برای او

روان ساختیم؛ و گروهی از جنّ پیش روی او به اذن پروردگارش کار می کردند؛ و هر کدام از آنها که از فرمان ما سرپیچی می کرد، او را عذاب آتش سوزان می چشاندیم! (12)

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِن مَّحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (13)

آنها هر چه سلیمان می خواست برایش درست می کردند: معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا همانند حوضها، و دیگهای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود؛ و به آنان گفتیم:) ای آل داوود! شکر (این همه نعمت را) بجا آورید؛ ولی عده کمی از بندگان من شکرگزارند! (13)

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ (14)

(با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرّر داشتیم، کسی آنها را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده زمین [= موریانه] که عصای او را می خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد)؛ هنگامی که بر زمین افتاد جنّیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی ماندند! (14)

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِی مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ (15)

برای قوم «سبا» در محل سکونتشان نشانه ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه های فراوان؛ و به آنها گفتیم:) از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)! (15)

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَىْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَىْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ (16)

امّا آنها (از خدا) روی گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم، و دو باغ (پربرکت) شان را به دو باغ (بی ارزش) با میوه های تلخ و درختان شوره گز و اندکی درخت سدر مبدّل ساختیم! (16)

ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِی إِلَّا الْكَفُورَ (17)

این کیفر را بخاطر کفرانشان به آنها دادیم؛ و آیا جز کفران کننده را کیفر می دهیم؟! (17)

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِی بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِیَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ (18)

و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری قرار دادیم؛ و سفر در میان آنها را بطور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرّر داشتیم؛ (و به آنان گفتیم:) شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل) سفر کنید! (18)

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِی ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (19)

ولی (این ناسپاس مردم) گفتند: «پروردگارا! میان سفرهای ما دوری بیفکن» (تا بینوایان نتوانند دوش به دوش اغنیا سفر کنند! و به این طریق) آنها به خویشتن ستم کردند! و ما آنان را داستانهایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و جمعیّتشان را متلاشی ساختیم؛ در این ماجرا، نشانه های عبرتی برای هر صابر شکرگزار است. (19)

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (20)

(آری) بیقین، ابلیس گمان خود را درباره آنها محقّق یافت که همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان! (20)

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُؤْمِنُ بِالْآخِرَهِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِى شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ حَفِيظٌ (21)

او سلطه بر آنان نداشت جز برای اینکه مؤمنان به آخرت را از آنها که در شکّ هستند باز شناسیم؛ و پروردگار تو، نگاهبان همه چیز است! (21)

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ فِى السَّمَاوَاتِ وَلَا فِى الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُم مِّن ظَهِيرٍ (22)

بگو: «کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می پندارید بخوانید! (آنها هرگز گرهی از کار شما نمی گشایند، چرا که) آنها به اندازه ذرّه ای در آسمانها و زمین مالک نیستند، و نه در (خلقت و مالکیّت) آنها شریکند، و نه یاور او (در آفرینش) بودند. (22)

وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّى إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (23)

هیچ شفاعتی نزد او، جز برای کسانی که اذن داده، سودی ندارد! (در آن روز همه در اضطرابند) تا زمانی که اضطراب از دلهای آنان زایل گردد (و فرمان از ناحیه او صادر شود؛ در این هنگام مجرمان به شفیعان) می گویند: «پروردگارتان چه دستوری داده؟» می گویند: «حقّ را (بیان کرد و اجازه شفاعت درباره مستحقّان داد)؛ و اوست بلندمقام و بزرگ مرتبه!» (23)

قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (24)

بگو: «چه کسی شما را از آسمانها و زمین روزی می دهد؟» بگو: «اللّه! و ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم!» (24)

قُل لَّا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (25)

بگو: «شما از گناهی که ما کرده ایم سؤال نخواهید شد، (همان گونه که) ما در برابر اعمال شما مسؤول نیستیم!» (25)

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (26)

بگو: «پروردگار ما همه ما را جمع می کند، سپس در میان ما بحق داوری می نماید (و صفوف مجرمان را از نیکوکاران جدا می سازد)، و اوست داور (و جداکننده) آگاه!» (26)

قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُم بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (27)

بگو: «کسانی را که بعنوان شریک به او ملحق ساخته اید به من نشان دهید! هرگز چنین نیست! (او شریک و شبیهی ندارد)، بلکه او خداوند عزیز و حکیم است! (27)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (28)

و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پاداشهای الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (28)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (29)

می گویند: «اگر راست می گویید، این وعده (رستاخیز) کی خواهد بود؟!» (29)

قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ (30)

بگو: «وعده شما روزی خواهد بود که نه ساعتی از آن تأخیر می کنید و نه (بر آن) پیشی خواهید گرفت!» (30)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (31)

کافران گفتند: «ما هرگز به این قرآن و کتابهای دیگری که پیش از آن بوده ایمان نخواهیم آورد!» اگر ببینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و جزا) نگه داشته شده اند در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می اندازد (از وضع آنها تعجّب می کنی)! مستضعفان به مستکبران می گویند: «اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم!» (31)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُم بَلْ كُنتُم مُّجْرِمِينَ (32)

(امّا) مستکبران به مستضعفان پاسخ می دهند: «آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به سراغ شما آمد (و آن را بخوبی دریافتید)؟ ! بلکه شما خود مجرم بودید !» (32)

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَن نَّكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِى أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (33)

و مستضعفان به مستکبران می گویند: «وسوسه های فریبکارانه شما در شب و روز (مایه گمراهی ما شد)، هنگامی که به ما دستور می دادید که به خداوند کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم !» و آنان هنگامی که عذاب (الهی) را می بینند پشیمانی خود را پنهان می کنند (تا بیشتر رسوا نشوند) ! و ما غل و زنجیرها در گردن کافران می نهیم؛ آیا جز آنچه عمل می کردند به آنها جزا داده می شود؟ ! (33)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِى قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ (34)

و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده اید کافریم !» (34)

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (35)

و گفتند: «اموال و اولاد ما (از همه) بیشتر است (و این نشانه علاقه خدا به ماست !)؛ و ما هرگز مجازات نخواهیم شد !» (35)

قُلْ إِنَّ رَبِّى يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (36)

بگو: «پروردگار من روزی را برای هر کس بخواهد وسیع یا تنگ می کند، (این ربطی به قرب در درگاه او ندارد)؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند ! (36)

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُم بِالَّتِى تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِکَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِى الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ (37)

اموال و فرزندانتان هرگز شما را نزد ما مقرّب نمی سازد، جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالحی انجام دهند که برای آنان پاداش مضاعف در برابر کارهایی است که انجام داده اند؛ و آنها در غرفه های (بهشتی) در (نهایت) امنیّت خواهند بود! (37)

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِى آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِکَ فِى الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (38)

و کسانی که برای انکار و ابطال آیات ما تلاش می کنند و می پندارند از چنگ قدرت ما فرار خواهند کرد، در عذاب (الهی) احضار می شوند! (38)

قُلْ إِنَّ رَبِّى يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَىْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (39)

بگو: «پروردگارم روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می بخشد، و برای هر کس بخواهد تنگ (و محدود) می سازد؛ و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، عوض آن را می دهد (و جای آن را پر می کند)؛ و او بهترین روزی دهندگان است!» (39)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَهِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ (40)

(به خاطر بیاور) روزی را که خداوند همه آنان را بر می انگیزد، سپس به فرشتگان می گوید: «آیا اینها شما را پرستش می کردند؟ !» (40)

قَالُوا سُبْحَانَکَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِم بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُم بِهِم مُّؤْمِنُونَ (41)

آنها می گویند: «منزّهی (از اینکه همتایی داشته باشی) ! تنها تو ولیّ مائی، نه آنها؛ (آنها ما را پرستش نمی کردند) بلکه جنّ را پرستش می نمودند؛ و اکثرشان به آنها ایمان داشتند !» (41)

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِکُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِى كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (42)

(آری) امروز هیچ یک از شما نسبت به دیگری مالک سود و زیانی نیست ! و به ظالمان می گوییم: «بچشید عذاب آتشی را که تکذیب می کردید !» (42)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَن يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْکٌ مُّفْتَرًى وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (43)

و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنان خوانده می شود، می گویند: «او فقط مردی است که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند بازدارد !» و می گویند: «این جز دروغ بزرگی که (به خدا) بسته شده چیز دیگری نیست !» و کافران هنگامی که حق به سراغشان آمد گفتند: «این، جز افسونی آشکار نیست !» (43)

وَمَا آتَيْنَاهُم مِّن كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَکَ مِن نَّذِيرٍ (44)

ما (قبلا)ً چیزی از کتابهای آسمانی را به آنان نداده ایم که آن را بخوانند (و به اتکّای آن سخنان تو را تکذیب کنند)، و پیش از تو هیچ بیم دهنده [= پیامبری] برای آنان نفرستادیم ! (44)

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِى فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (45)

کسانی که پیش از آنان بودند (نیز آیات الهی را) تکذیب کردند، در حالی که اینها به یک دهم آنچه به آنان دادیم نمی رسند! (آری) آنها رسولان مرا تکذیب کردند؛ پس ببین مجازات من (نسبت به آنها) چگونه بود! (45)

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ أَن تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَىْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (46)

بگو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید این دوست و همنشین شما [= محمّد] هیچ گونه جنونی ندارد؛ او فقط بیم دهنده شما در برابر عذاب شدید (الهی) است!» (46)

قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ (47)

بگو: «هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام برای خود شماست؛ اجر من تنها بر خداوند است، و او بر همه چیز گواه است!» (47)

قُلْ إِنَّ رَبِّى يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (48)

بگو: «پروردگار من حق را (بر دل پیامبران خود) می افکند، که او دانای غیبها (و اسرار نهان) است.» (48)

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (49)

بگو: «حق آمد! و باطل (کاری از آن ساخته نیست و) نمی تواند آغازگر چیزی باشد و نه تجدیدکننده آن!» (49)

قُلْ إِن ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِى وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِى إِلَىَّ رَبِّى إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ (50)

بگو: «اگر من گمراه شوم، از ناحیه خود گمراه می شوم؛ و اگر هدایت یابم، به وسیله آنچه پروردگارم به من وحی می کند هدایت می یابم؛ او شنوای نزدیک است!» (50)

وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ (51)

اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می شود امّا نمی توانند (از عذاب الهی) بگریزند، و آنها را از جای نزدیکی (که حتّی انتظارش را ندارند) می گیرند (از درماندگی آنها تعجّب خواهی کرد)! (51)

وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (52)

و (در آن حال) می گویند: «به حقّ ایمان آوردیم!»، ولی چگونه می توانند از فاصله دور به آن دسترسی پیدا کنند! (52)

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِن قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (53)

آنها پیش از این (که در نهایت آزادی بودند) به آن کافر شدند و دورا دور، و غائبانه (و بدون آگاهی). نسبت های ناروا می دادند. (53)

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِى شَكٍّ مُّرِيبٍ (54)

(سرانجام) میان آنها و خواسته هایشان جدایی افکنده شد، همان گونه که با پیروان (و هم مسلکان) آنها از قبل عمل شد، چرا که آنها در شک و تردید بودند! (54)

سوره فاطر

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَهِ رُسُلًا أُولِى أَجْنِحَهٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِى الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (1)

ستایش مخصوص خداوندی است آفریننده آسمانها و زمین، که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه، او هر چه بخواهد در آفرینش می افزاید، و او بر هر چیزی تواناست! (1)

مَّا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَهٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِن بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (2)

هر رحمتی را خدا به روی مردم بگشاید، کسی نمی تواند جلو آن را بگیرد؛ و هر چه را امساک کند، کسی غیر از او قادر به فرستادن آن نیست؛ و او عزیز و حکیم است! (2)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (3)

ای مردم! به یاد آورید نعمت خدا را بر شما؛ آیا آفریننده ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟! هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می شوید؟! (3)

وَإِن يُكَذِّبُوکَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِکَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (4)

اگر تو را تکذیب کنند (غم مخور، موضوع تازه ای نیست) پیامبران پیش از تو نیز تکذیب شدند؛ و همه کارها بسوی خدا بازمی گردد. (4)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاهُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (5)

ای مردم! وعده خداوند حقّ است؛ مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد، و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد! (5)

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (6)

البتّه شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزبش را به این دعوت می کند که اهل آتش سوزان (جهنّم) باشند! (6)

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَهٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (7)

کسانی که راه کفر پیش گرفتند، برای آنان عذابی سخت است؛ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آمرزش و پاداش بزرگ از آن آنهاست! (7)

أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُکَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (8)

آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده و آن را خوب و زیبا می بیند (همانند کسی است که واقع را آنچنان که هست می یابد)؟! خداوند هر کس را بخواهد گمراه می سازد و هر کس را بخواهد هدایت می کند؛ پس جانت به خاطر شدّت تأسف بر آنان از دست نرود؛ خداوند به آنچه انجام می دهند داناست! (8)

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِکَ النُّشُورُ (9)

خداوند کسی است که بادها را فرستاد تا ابرهایی را به حرکت درآورند؛ سپس ما این ابرها را به سوی زمین مرده ای راندیم و به وسیله آن، زمین را پس از مردنش زنده می کنیم؛ رستاخیز نیز همین گونه است! (9)

مَن كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ (10)

کسی که خواهان عزّت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزّت برای خداست؛ سخنان پاکیزه به سوی او صعود می کند، و عمل صالح را بالا می برد؛ و آنها که نقشه های بد می کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (و تلاش افسادگرانه) آنان نابود می شود (و به جایی نمی رسد)! (10)

وَاللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِى كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (11)

خداوند شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه ای؛ سپس شما را بصورت زوجهایی قرار داد؛ هیچ جنس ماده ای باردار نمی شود و وضع حمل نمی کند مگر به علم او، و هیچ کس عمر طولانی نمی کند، یا از عمرش کاسته نمی شود مگر اینکه در کتاب (علم خداوند) ثبت است؛ اینها همه برای خداوند آسان است. (11)

وَمَا يَسْتَوِى الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (12)

دو دریا یکسان نیستند: این یکی دریایی است که آبش گوارا و شیرین و نوشیدنش خوشگوار است، و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر؛ (امّا) از هر دو گوشتی تازه می خورید و وسایل زینتی استخراج کرده می پوشید؛ و کشتیها را در آن می بینی که آنها را می شکافند (و به سوی مقصد پیش می روند) تا از فضل خداوند بهره گیرید، و شاید شکر (نعمتهای او را) بجا آورید! (12)

يُولِجُ اللَّيْلَ فِى النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ (13)

او شب را در روز داخل می کند و روز را در شب؛ و خورشید و ماه را مسخّر (شما) کرده، هر یک تا سرآمد معیّنی به حرکت خود ادامه می دهد؛ این است خداوند، پروردگار شما؛ حاکمیّت (در سراسر عالم) از آن اوست: و کسانی را که جز او می خوانید (و می پرستید) حتی به اندازه پوست نازک هسته خرما مالک نیستند! (13)

إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (14)

اگر آنها را بخوانید صدای شما را نمی شنوند، و اگر بشنوند به شما پاسخ نمی گویند؛ و روز قیامت، شرک (و پرستش) شما را منکر می شوند، و هیچ کس مانند (خداوند آگاه و) خبیر تو را (از حقایق) با خبر نمی سازد! (14)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِىُّ الْحَمِيدُ (15)

ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است! (15)

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (16)

اگر بخواهد شما را می برد و خلق جدیدی می آورد؛ (16)

وَمَا ذَلِکَ عَلَی اللَّهِ بِعَزِیزٍ (17)

و این برای خداوند مشکل نیست! (17)

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَی وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَی حِمْلِهَا لَا یُحْمَلْ مِنْهُ شَیْءٌ وَلَوْ کَانَ ذَا قُرْبَی إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِینَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَیْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَکَّی فَإِنَّمَا یَتَزَکَّی لِنَفْسِهِ وَإِلَی اللَّهِ الْمَصِیرُ (18)

هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد؛ و اگر شخص سنگین باری دیگری را برای حمل گناه خود بخواند، چیزی از آن را بر دوش نخواهد گرفت، هر چند از نزدیکان او باشد! تو فقط کسانی را بیم می دهی که از پروردگار خود در پنهانی می ترسند و نماز را برپا می دارند؛ و هر کس پاکی (و تقوا) پیشه کند، نتیجه آن به خودش بازمی گردد؛ و بازگشت (همگان) به سوی خداست! (18)

وَمَا يَسْتَوِى الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ (19)

و نابينا و بينا هرگز برابر نيستند، (19)

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ (20)

و نه ظلمتها و روشنايى، (20)

وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ (21)

و نه سايه (آرامبخش) و باد داغ و سوزان! (21)

وَمَا يَسْتَوِى الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِى الْقُبُورِ (22)

و هرگز مردگان و زندگان يكسان نيستند! خداوند پيام خود را به گوش هر كس بخواهد مى رساند، و تو نمى توانى سخن خود را به گوش آنان كه در گور خفته اند برسانى! (22)

إِنْ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ (23)

تو فقط انذاركننده اى، (اگر ايمان نياورند نگران نباش، وظيفه ات را انجام ده.) (23)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (24)

ما تو را بحق براى بشارت و انذار فرستاديم؛ و هر امّتى در گذشته انذاركننده اى داشته است! (24)

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (25)

اگر تو را تكذيب كنند (عجيب نيست)؛ كسانى كه پيش از آنان بودند (نيز پيامبران خود را) تكذيب كردند؛ آنها با دلايل روشن و كتابهاى پند و موعظه و كتب آسمانى روشنگر (مشتمل بر معارف و احكام) به سراغ آنان آمدند (امّا كوردلان ايمان نياوردند). (25)

ثُمَّ أَخَذْتُ الّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (26)

سپس من کافران را (بعد از اتمام حجّت) گرفتم (و سخت مجازات کردم)؛ مجازات من نسبت به آنان چگونه بود؟! (26)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ (27)

آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که بوسیله آن میوه هایی رنگارنگ (از زمین) خارج ساختیم و از کوه ها نیز (به لطف پروردگار) جاده هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگهای مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه! (27)

وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (28)

و از انسانها و جنبندگان و چهارپایان انواعی با رنگهای مختلف، (آری) حقیقت چنین است: از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می ترسند؛ خداوند عزیز و غفور است! (28)

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ (29)

کسانی که کتاب الهی را تلاوت می کنند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم پنهان و آشکار انفاق می کنند، تجارتی (پرسود و) بی زیان و خالی از کساد را امید دارند. (29)

لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (30)

(آنها این اعمال صالح را انجام می دهند) تا خداوند اجر و پاداش کامل به آنها دهد و از فضلش بر آنها بیفزاید که او آمرزنده و شکرگزار است! (30)

وَالَّذِی أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ مِنَ الْکِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَیْنَ یَدَیْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِیرٌ بَصِیرٌ (31)

و آنچه از کتاب به تو وحی کردیم حق است و تصدیق کننده و هماهنگ با کتب پیش از آن؛ خداوند نسبت به بندگانش خبیر و بیناست! (31)

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتَابَ الَّذِینَ اصْطَفَیْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَیْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَلِکَ هُوَ الْفَضْلُ الْکَبِیرُ (32)

سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم؛ (امّا) از میان آنها عده ای بر خود ستم کردند، و عده ای میانه رو بودند، و گروهی به اذن خدا در نیکیها (از همه) پیشی گرفتند، و این، همان فضیلت بزرگ است! (32)

جَنَّاتُ عَدْنٍ یَدْخُلُونَهَا یُحَلَّوْنَ فِیهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِیهَا حَرِیرٌ (33)

(پاداش آنان) باغهای جاویدان بهشت است که در آن وارد می شوند در حالی که با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته اند، و لباسشان در آنجا حریر است! (33)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَکُورٌ (34)

آنها می گویند: «حمد (و ستایش) برای خداوندی است که اندوه را از ما برطرف ساخت؛ پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است! (34)

الَّذِی أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَهِ مِن فَضْلِهِ لَا یَمَسُّنَا فِیهَا نَصَبٌ وَلَا یَمَسُّنَا فِیهَا لُغُوبٌ (35)

همان کسی که با فضل خود ما را در این سرای اقامت (جاویدان) جای داد که نه در آن رنجی به ما می رسد و نه سستی و واماندگی! (35)

وَالَّذِینَ کَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا یُقْضَى عَلَیْهِمْ فَیَمُوتُوا وَلَا یُخَفَّفُ عَنْهُم مِّنْ عَذَابِهَا کَذَلِکَ نَجْزِی کُلَّ کَفُورٍ (36)

و کسانی که کافر شدند، آتش دوزخ برای آنهاست؛ هرگز فرمان مرگشان صادر نمی شود تا بمیرند، و نه چیزی از عذابش از آنان تخفیف داده می

شود؛ این گونه هر کفران کننده ای را کیفر می دهیم ! (36)

وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِى كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ (37)

آنها در دوزخ فریاد می زنند: «پروردگارا ! ما را خارج کن تا عمل صالحی انجام دهیم غیر از آنچه انجام می دادیم !» (در پاسخ به آنان گفته می شود:) آیا شما را به اندازه ای که هر کس اهل تذکّر است در آن متذکّر می شود عمر ندادیم، و انذارکننده (الهی) به سراغ شما نیامد؟ ! اکنون بچشید که برای ظالمان هیچ یاوری نیست ! (37)

إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (38)

خداوند از غیب آسمانها و زمین آگاه است، و آنچه را در درون دلهاست می داند ! (38)

هُوَ الَّذِی جَعَلَکُمْ خَلَائِفَ فِی الْأَرْضِ فَمَن کَفَرَ فَعَلَیْهِ کُفْرُهُ وَلَا یَزِیدُ الْکَافِرِینَ کُفْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا یَزِیدُ الْکَافِرِینَ کُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا (39)

اوست که شما را جانشینانی در زمین قرار داد؛ هر کس کافر شود، کفر او به زیان خودش خواهد بود، و کافران را کفرشان جز خشم و غضب در نزد پروردگار چیزی نمی افزاید، و (نیز) کفرشان جز زیان و خسران چیزی بر آنها اضافه نمی کند! (39)

قُلْ أَرَأَیْتُمْ شُرَکَاءَکُمُ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَرُونِی مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْکٌ فِی السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَیْنَاهُمْ کِتَابًا فَهُمْ عَلَی بَیِّنَتٍ مِّنْهُ بَلْ إِن یَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُم بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (40)

بگو: «این معبودانی را که جز خدا می خوانید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده اند، یا اینکه شرکتی در (آفرینش و مالکیّت) آسمانها دارند؟! یا به آنان کتابی (آسمانی) داده ایم و دلیلی از آن برای (شرک) خود دارند؟!» نه هیچ یک از اینها نیست، ظالمان فقط وعده های دروغین به یکدیگر می دهند! (40)

إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَن تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَکَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّن بَعْدِهِ إِنَّهُ کَانَ حَلِیمًا غَفُورًا (41)

خداوند آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا از نظام خود منحرف نشوند؛ و هرگاه منحرف گردند، کسی جز او نمی تواند آنها را نگاه دارد، او بردبار و غفور است! (41)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَیْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِیرٌ لَّیَکُونُنَّ أَهْدَی مِنْ إِحْدَی الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِیرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (42)

آنان با نهایت تأکید به خدا سوگند خوردند که اگر پیامبری انذارکننده به سراغشان آید، هدایت یافته ترین امّتها خواهند بود؛ امّا چون پیامبری برای آنان آمد، جز فرار و فاصله گرفتن از (حق) چیزی بر آنها نیفزود! (42)

اسْتِکْبَارًا فِی الْأَرْضِ وَمَکْرَ السَّیِّئِ وَلَا یَحِیقُ الْمَکْرُ السَّیِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ یَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِینَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِیلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِیلًا (43)

اینها همه بخاطر استکبار در زمین و نیرنگهای بدشان بود؛ امّا این نیرنگها تنها دامان صاحبانش را می گیرد؛ آیا آنها چیزی جز سنّت پیشینیان و (عذابهای دردناک آنان) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنّت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنّت الهی تغییری نمی یابی! (43)

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِى الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَىْءٍ فِى السَّمَاوَاتِ وَلَا فِى الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (44)

آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همانها که از اینان قویتر (و نیرومندتر) بودند؛ نه چیزی در آسمانها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت؛ او دانا و تواناست! (44)

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِن دَابَّةٍ وَلَكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا (45)

اگر خداوند مردم را به سبب کارهایی که انجام داده اند مجازات کند، جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت! ولی (به لطفش) آنها را تا سرآمد معیّنی تأخیر می اندازد (و مهلت اصلاح می دهد) امّا هنگامی که اجل آنان فرا رسد، (خداوند هر کس را به مقتضای عملش جزا می دهد) او نسبت به بندگانش بیناست (و از اعمال و نیّات همه آگاه است)! (45)

سوره یس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يس (1)

يس. (1)

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (2)

سوگند به قرآن حکیم. (2)

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (3)

که تو قطعاً از رسولان (خداوند) هستی، (3)

عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (4)

بر راهی راست (قرار داری)؛ (4)

تَنزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (5)

این قرآنی است که از سوی خداوند عزیز و رحیم نازل شده است (5)

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (6)

تا قومی را بیم دهی که پدرانشان انذار نشدند، از این رو آنان غافلند! (6)

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (7)

فرمان (الهی) درباره بیشتر آنها تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی آورند! (7)

إِنَّا جَعَلْنَا فِی أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالاً فَهِیَ إِلَی الْأَذْقَانِ فَهُم مُّقْمَحُونَ (8)

ما در گردنهای آنان غلهایی قرار دادیم که تا چانه ها ادامه دارد و سرهای آنان را به بالا نگاه داشته است! (8)

وَجَعَلْنَا مِن بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْنَاهُمْ فَهُمْ لَا یُبْصِرُونَ (9)

و در پیش روی آنان سدّی قرار دادیم، و در پشت سرشان سدّی؛ و چشمانشان را پوشانده ایم، لذا نمی بینند! (9)

وَسَوَاءٌ عَلَیْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ (10)

برای آنان یکسان است: چه انذارشان کنی یا نکنی، ایمان نمی آورند! (10)

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّکْرَ وَخَشِیَ الرَّحْمَنَ بِالْغَیْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَهٍ وَأَجْرٍ کَرِیمٍ (11)

تو فقط کسی را انذار می کنی که از این یادآوری (الهی) پیروی کند و از خداوند رحمان در نهان بترسد؛ چنین کسی را به آمرزش و پاداشی پرارزش بشارت ده! (11)

إِنَّا نَحْنُ نُحْیِی الْمَوْتَی وَنَکْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَکُلَّ شَیْءٍ أَحْصَیْنَاهُ فِی إِمَامٍ مُّبِینٍ (12)

به یقین ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه را از پیش فرستاده اند و تمام آثار آنها را می نویسیم؛ و همه چیز را در کتاب آشکار کننده ای برشمرده ایم! (12)

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (13)

و برای آنها، اصحاب قریه (انطاکیه) را مثال بزن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند؛ (13)

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ (14)

هنگامی که دو نفر از رسولان را بسوی آنها فرستادیم، امّا آنان رسولان (ما) را تکذیب کردند؛ پس برای تقویت آن دو، شخص سوّمی فرستادیم، آنها همگی گفتند: «ما فرستادگان (خدا) به سوی شما هستیم !» (14)

قَالُوا مَا أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنزَلَ الرَّحْمَنُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (15)

امّا آنان (در جواب) گفتند: «شما جز بشری همانند ما نیستید، و خداوند رحمان چیزی نازل نکرده، شما فقط دروغ می گویید !» (15)

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ (16)

(رسولان ما) گفتند: «پروردگار ما آگاه است که ما قطعاً فرستادگان (او) به سوی شما هستیم، (16)

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (17)

و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست !» (17)

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (18)

آنان گفتند: «ما شما را به فال بد گرفته ایم (و وجود شما را شوم می دانیم)، و اگر (از این سخنان) دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد و شکنجه دردناکی از ما به شما خواهد رسید ! (18)

قَالُوا طَائِرُكُم مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (19)

(رسولان) گفتند: «شومی شما از خودتان است اگر درست بیندیشید، بلکه شما گروهی اسرافکارید !» (19)

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَهِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (20)

و مردی (با ایمان) از دورترین نقطه شهر با شتاب فرا رسید، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید! (20)

اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُم مُّهْتَدُونَ (21)

از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی خواهند و خود هدایت یافته اند! (21)

وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (22)

من چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده، و همگی به سوی او بازگشت داده می شوید؟! (22)

أَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ آلِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنقِذُونِ (23)

آیا غیر از او معبودانی را انتخاب کنم که اگر خداوند رحمان بخواهد زیانی به من برساند، شفاعت آنها کمترین فایده ای برای من ندارد و مرا (از مجازات او) نجات نخواهند داد! (23)

إِنِّي إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (24)

اگر چنین کنم، من در گمراهی آشکاری خواهم بود! (24)

إِنِّي آمَنتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ (25)

(به همین دلیل) من به پروردگارتان ایمان آوردم؛ پس به سخنان من گوش فرا دهید!» (25)

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّهَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (26)

(سرانجام او را شهید کردند و) به او گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای کاش قوم من می دانستند... (26)

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (27)

که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامی داشتگان قرار داده است!» (27)

ص: 441

جزء 23

ادامه سوره یس

وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِن جُندٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ (28)

و ما بعد از او بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنت ما بر این نبود؛ (28)

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (29)

(بلکه) فقط یک صیحه آسمانی بود، ناگهان همگی خاموش شدند! (29)

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (30)

افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را استهزا می کردند! (30)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (31)

آیا ندیدند چقدر از اقوام پیش از آنان را (بخاطر گناهانشان) هلاک کردیم، آنها هرگز به سوی ایشان بازنمی گردند (و زنده نمی شوند)! (31)

وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ (32)

و همه آنان (روز قیامت) نزد ما احضار می شوند! (32)

وَآيَةٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (33)

زمین مرده برای آنها آیتی است، ما آن را زنده کردیم و دانه های (غذایی) از آن خارج ساختیم که از آن می خورند؛ (33)

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ (34)

و در آن باغهایی از نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه هایی از آن جاری ساختیم، (34)

لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (35)

تا از میوه آن بخورند در حالی که دست آنان هیچ دخالتی در ساختن آن نداشته است! آیا شکر خدا را بجا نمی آورند؟! (35)

سُبْحَانَ الَّذِی خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (36)

منزه است کسی که تمام زوجها را آفرید، از آنچه زمین می رویاند، و از خودشان، و از آنچه نمی دانند! (36)

وَآيَةٌ لَّهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ (37)

شب (نیز) برای آنها نشانه ای است (از عظمت خدا)؛ ما روز را از آن برمی گیریم، ناگهان تاریکی آنان را فرا می گیرد! (37)

وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (38)

و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته بسوی قرارگاهش در حرکت است؛ این تقدیر خداوند قادر و داناست. (38)

وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (39)

و برای ماه منزلگاه هایی قرار دادیم، (و هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام بصورت «شاخه کهنه قوسی شکل و زرد رنگ خرما» در می آید. (39)

لَا الشَّمْسُ يَنبَغِی لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِی فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (40)

نه خورشید را سزاست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می گیرد؛ و هر کدام در مسیر خود شناورند. (40)

وَآيَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (41)

نشانه ای (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان است که ما فرزندانشان را در کشتیهایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم. (41)

وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (42)

و برای آنها مرکبهای دیگری همانند آن آفریدیم. (42)

وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ (43)

و اگر بخواهیم آنها را غرق می کنیم بطوری که نه فریادرسی داشته باشند و نه نجات داده شوند ! (43)

إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ (44)

مگر اینکه رحمت ما شامل حال آنان شود، و تا زمان معیّنی از این زندگی بهره گیرند ! (44)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (45)

و هرگاه به آنها گفته شود: «از آنچه پیش رو و پشت سر شماست [= از عذابهای الهی] بترسید تا مشمول رحمت الهی شوید !» (اعتنا نمی کنند). (45)

وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (46)

و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی آید مگر اینکه از آن روی گردان می شوند. (46)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ (47)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید !»، کافران به مؤمنان می گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست او را اطعام می کرد؟ ! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد)، شما فقط در گمراهی آشکارید» ! (47)

وَيَقُولَونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (48)

آنها می گویند: «اگر راست می گویید، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟! (48)

مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (49)

(امّا) جز این انتظار نمی کشند که یک صیحه عظیم (آسمانی) آنها را فراگیرد، در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند. (49)

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (50)

(چنان غافلگیر می شوند که حتّی) نمی توانند وصیّتی کنند یا به سوی خانواده خود بازگردند! (50)

وَنُفِخَ فِى الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ (51)

(بار دیگر) در «صور» دمیده می شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشان می روند! (51)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (52)

می گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری) این همان است که خداوند رحمان وعده داده، و فرستادگان (او) راست گفتند!» (52)

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ (53)

صیحه واحدی بیش نیست، (فریادی عظیم برمی خیزد) ناگهان همگی نزد ما احضار می شوند! (53)

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (54)

(و به آنها گفته می شود:) امروز به هیچ کس ذرّه ای ستم نمی شود، و جز آنچه را عمل می کردید جزا داده نمی شوید! (54)

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّهِ الْيَوْمَ فِی شُغُلٍ فَاکِهُونَ (55)

بهشتیان، امروز به نعمتهای خدا مشغول و مسرورند. (55)

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِی ظِلَالٍ عَلَی الْأَرَائِکِ مُتَّکِئُونَ (56)

آنها و همسرانشان در سایه های (قصرها و درختان بهشتی) بر تختها تکیه زده اند. (56)

لَهُمْ فِیهَا فَاکِهَهٌ وَلَهُم مَّا یَدَّعُونَ (57)

برای آنها در بهشت میوه بسیار لذّت بخشی است، و هر چه بخواهند در اختیار آنان خواهد بود! (57)

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِیمٍ (58)

بر آنها سلام (و درود الهی) است؛ این سخنی است از سوی پروردگاری مهربان! (58)

وَامْتَازُوا الْیَوْمَ أَیُّهَا الْمُجْرِمُونَ (59)

(و به آنها می گویند:) جدا شوید امروز ای گنهکاران! (59)

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَیْکُمْ یَا بَنِی آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّیْطَانَ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِینٌ (60)

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! (60)

وَأَنِ اعْبُدُونِی هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِیمٌ (61)

و اینکه مرا بپرستید که راه مستقیم این است؟! (61)

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنکُمْ جِبِلًّا کَثِیرًا أَفَلَمْ تَکُونُوا تَعْقِلُونَ (62)

او گروه زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟! (62)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِی کُنتُمْ تُوعَدُونَ (63)

این همان دوزخی است که به شما وعده داده می شد! (63)

اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (64)

امروز وارد آن شوید و به خاطر کفری که داشتید به آتش آن بسوزید! (64)

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (65)

امروز بر دهانشان مُهر می نهیم، و دستهایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می دادند شهادت می دهند! (65)

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ (66)

و اگر بخواهیم چشمانشان را محو کنیم؛ سپس برای عبور از راه، می خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند، امّا چگونه می توانند ببینند؟! (66)

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ (67)

و اگر بخواهیم آنها را در جای خود مسخ می کنیم (و به مجسمه هایی بی روح مبدّل می سازیم) تا نتوانند راه خود را ادامه دهند یا به عقب برگردند! (67)

وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِى الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ (68)

هر کس را طول عمر دهیم، در آفرینش واژگونه اش می کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می گردانیم)؛ آیا اندیشه نمی کنند؟! (68)

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِى لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ (69)

ما هرگز شعر به او [= پیامبر] نیاموختیم، و شایسته او نیست (شاعر باشد)؛ این (کتاب آسمانی) فقط ذکر و قرآن مبین است! (69)

لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (70)

تا افرادی را که زنده اند بیم دهد (و بر کافران اتمام حجّت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلّم گردد! (70)

ص: 444

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (71)

آیا ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده ایم چهارپایانی برای آنان آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟ ! (71)

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (72)

و آنها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می کنند؛ (72)

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (73)

و برای آنان بهره های دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنیهائی گوارا؛ آیا با این حال شکرگزاری نمی کنند؟ ! (73)

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ (74)

آنان غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند به این امید که یاری شوند ! (74)

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ (75)

ولی آنها قادر به یاری ایشان نیستند، و این (عبادت کنندگان در قیامت) لشکری برای آنها خواهند بود که در آتش دوزخ احضار می شوند ! (75)

فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (76)

پس سخنانشان تو را غمگین نسازد، ما آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند می دانیم ! (76)

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (77)

آیا انسان نمی داند که ما او را از نطفه ای بی ارزش آفریدیم؟ ! و او (چنان صاحب قدرت و شعور و نطق شد که) به مخاصمه آشکار (با ما) برخاست ! (77)

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَن يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (78)

و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: «چه کسی این استخوانها را زنده می کند در حالی که پوسیده است؟ !» (78)

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِی أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّهٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (79)

بگو: «همان کسی آن را زنده می کند که نخستین بار آن را آفرید؛ و او به هر مخلوقی داناست ! (79)

الَّذِی جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ (80)

همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید و شما بوسیله آن، آتش می افروزید !» (80)

أَوَلَيْسَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُم بَلَى وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (81)

آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید، نمی تواند همانند آنان [= انسانهای خاک شده] را بیافریند؟ ! آری (می تواند)، و او آفریدگار داناست ! (81)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ (82)

فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش !»، آن نیز بی درنگ موجود می شود ! (82)

فَسُبْحَانَ الَّذِی بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَىْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (83)

پس منزّه است خداوندی که مالکیّت و حاکمیّت همه چیز در دست اوست؛ و شما را به سوی او بازمی گردانند ! (83)

سوره الصافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا (1)

سوگند به (فرشتگان) صف کشیده (و منظّم) (1)

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا (2)

و به نهی کنندگان و (بازدارندگان) (2)

فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا (3)

و تلاوت کنندگان پیاپی آیات الهی... (3)

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ (4)

که معبود شما یگانه است؛ (4)

رَّبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ (5)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، و پروردگار مشرقها ! (5)

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ (6)

ما آسمان نزدیک [= پایین] را با ستارگان آراستیم، (6)

وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ (7)

تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم ! (7)

لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ (8)

آنها نمی توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرادهند، (و هرگاه چنین کنند) از هر سو هدف قرارمی گیرند ! (8)

دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (9)

آنها به شدّت به عقب رانده می شوند؛ و برای آنان مجازاتی دائم است! (9)

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (10)

مگر آنها که در لحظه ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک شوند، که «شهاب ثاقب» آنها را تعقیب می کند! (10)

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ (11)

از آنان بپرس: «آیا آفرینش (و معاد) آنان سخت تر است یا آفرینش فرشتگان (و آسمانها و زمین)؟! ما آنان را از گل چسبنده ای آفریدیم! (11)

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ (12)

تو از انکارشان تعجّب می کنی، ولی آنها مسخره می کنند! (12)

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ (13)

و هنگامی که به آنان تذکّر داده شود، هرگز متذکّر نمی شوند! (13)

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ (14)

و هنگامی که معجزه ای را ببینند، دیگران را نیز به استهزا دعوت می کنند! (14)

وَقَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (15)

و می گویند: «این فقط سحری آشکار است! (15)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (16)

آیا هنگامی که ما مُردیم و به خاک و استخوان مبدّل شدیم، بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟! (16)

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (17)

یا پدران نخستین ما (بازمی گردند)؟ !» (17)

قُلْ نَعَمْ وَأَنتُمْ دَاخِرُونَ (18)

بگو: «آری، همه شما زنده می شوید در حالی که خوار و کوچک خواهید بود ! (18)

فَإِنَّمَا هِیَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ یَنظُرُونَ (19)

تنها یک صیحه عظیم واقع می شود، ناگهان همه (از قبرها برمی خیزند و) نگاه می کنند ! (19)

وَقَالُوا یَا وَیْلَنَا هَذَا یَوْمُ الدِّینِ (20)

و می گویند: «ای وای بر ما، این روز جزاست !» (20)

هَذَا یَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِی کُنتُم بِهِ تُکَذِّبُونَ (21)

(آری) این همان روز جدایی (حقّ از باطل) است که شما آن را تکذیب می کردید ! (21)

احْشُرُوا الَّذِینَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا کَانُوا یَعْبُدُونَ (22)

(در این هنگام به فرشتگان دستور داده می شود:) ظالمان و همردیفانشان و آنچه را می پرستیدند... (22)

مِن دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَی صِرَاطِ الْجَحِیمِ (23)

(آری آنچه را) جز خدا می پرستیدند جمع کنید و بسوی راه دوزخ هدایتشان کنید ! (23)

وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْئُولُونَ (24)

آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند ! (24)

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ (25)

شما را چه شده که از هم یاری نمی طلبید؟! (25)

بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ (26)

ولی آنان در آن روز تسلیم قدرت خداوندند! (26)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (27)

(و در این حال) رو به یکدیگر کرده و از هم می پرسند... (27)

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ (28)

گروهی (می گویند: «شما رهبران گمراهی بودید که به ظاهر) از طریق خیرخواهی و نیکی وارد شدید امّا جز فریب چیزی در کارتان نبود)!» (28)

قَالُوا بَل لَّمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (29)

(آنها در جواب) می گویند: «شما خودتان اهل ایمان نبودید (تقصیر ما چیست)؟! (29)

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ (30)

ما هیچ گونه سلطه ای بر شما نداشتیم، بلکه شما خود قومی طغیانگر بودید! (30)

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ (31)

اکنون فرمان پروردگارمان بر همه ما مسلّم شده، و همگی از عذاب او می چشیم! (31)

فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ (32)

ما شما را گمراه کردیم، همان گونه که خود گمراه بودیم! (32)

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِى الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (33)

(آری) همه آنها [= پیشوایان و پیروان گمراه] در آن روز در عذاب الهی مشترکند ! (33)

إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (34)

ما این گونه با مجرمان رفتار می کنیم ! (34)

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (35)

چرا که وقتی به آنها گفته می شد: «معبودی جز خدا وجود ندارد»، تکبّر و سرکشی می کردند... (35)

وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُو آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (36)

و پیوسته می گفتند: «آیا ما معبودان خود را بخاطر شاعری دیوانه رها کنیم؟ !» (36)

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ (37)

چنین نیست، او حقّ را آورده و پیامبران پیشین را تصدیق کرده است ! (37)

إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ (38)

اما شما (مستکبران کوردل) بطور مسلّم عذاب دردناک (الهی) را خواهید چشید ! (38)

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (39)

و جز به آنچه انجام می دادید کیفر داده نمی شوید، (39)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (40)

جز بندگان مخلص خدا (که از این کیفرها برکنارند) ! (40)

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ (41)

برای آنان [= بندگان مخلص] روزی معیّن و ویژه ای است، (41)

فَوَاكِهُ وَهُم مُّكْرَمُونَ (42)

میوه ها (ی گوناگون پر ارزش)، و آنها گرامی داشته می شوند... (42)

فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ (43)

در باغهای پر نعمت بهشت؛ (43)

عَلَی سُرُرٍ مُّتَقَابِلِینَ (44)

در حالی که بر تختها رو به روی یکدیگر تکیه زده اند، (44)

یُطَافُ عَلَیْهِم بِکَأْسٍ مِّن مَّعِینٍ (45)

و گرداگردشان قدحهای لبریز از شراب طهور را می گردانند؛ (45)

بَیْضَاءَ لَذَّةٍ لِّلشَّارِبِینَ (46)

شرابی سفید و درخشنده، و لذّتبخش برای نوشندگان؛ (46)

لَا فِیهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا یُنزَفُونَ (47)

شرابی که نه در آن مایه تباهی عقل است و نه از آن مست می شوند! (47)

وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِینٌ (48)

و نزد آنها همسرانی زیبا چشم است که جز به شوهران خود عشق نمی ورزند. (48)

کَأَنَّهُنَّ بَیْضٌ مَّکْنُونٌ (49)

گویی از (لطافت و سفیدی) همچون تخم مرغهایی هستند که (در زیر بال و پر مرغ) پنهان مانده (و دست انسانی هرگز آن را لمس نکرده است)! (49)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ یَتَسَاءَلُونَ (50)

(در حالی که آنها غرق گفتگو هستند) بعضی رو به بعضی دیگر کرده می پرسند... (50)

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّی کَانَ لِی قَرِینٌ (51)

کسی از آنها می گوید: «من همنشینی داشتم... (51)

يَقُولُ أَإِنَّکَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ (52)

که پیوسته می گفت: آیا (به راستی) تو این سخن را باور کرده ای... (52)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ (53)

که وقتی ما مُردیم و به خاک و استخوان مبدّل شدیم، (بار دیگر) زنده می شویم و جزا داده خواهیم شد؟ !» (53)

قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ (54)

(سپس) می گوید: «آیا شما می توانید از او خبری بگیرید؟» (54)

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِی سَوَاءِ الْجَحِيمِ (55)

اینجاست که نگاهی می کند، ناگهان او را در میان دوزخ می بیند. (55)

قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ (56)

می گوید: «به خدا سوگند نزدیک بود مرا (نیز) به هلاکت بکشانی ! (56)

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّی لَكُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (57)

و اگر نعمت پروردگارم نبود، من نیز از احضارشدگان (در دوزخ) بودم ! (57)

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ (58)

(سپس به یاران خود می گوید: ای دوستان !) آیا ما هرگز نمی میریم (و در بهشت جاودانه خواهیم بود)، (58)

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (59)

و جز همان مرگ اول، مرگی به سراغ ما نخواهد آمد، و ما هرگز عذاب نخواهیم شد. (59)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (60)

راستی این همان پیروزی بزرگ است! (60)

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ (61)

آری، برای مثل این، باید عمل کنندگان عمل کنند! (61)

أَذَلِکَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ (62)

آیا این (نعمتهای جاویدان بهشتی) بهتر است یا درخت (نفرت انگیز) زقّوم؟! (62)

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ (63)

ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم! (63)

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِى أَصْلِ الْجَحِيمِ (64)

آن درختی است که از قعر جهنّم می روید! (64)

طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ (65)

شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است! (65)

فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (66)

آنها [= مجرمان] از آن می خورند و شکمها را از آن پر می کنند! (66)

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ (67)

سپس روی آن آب داغ متعفّنی می نوشند! (67)

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ (68)

سپس بازگشت آنها به سوی جهنّم است! (68)

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ (69)

چرا که آنها پدران خود را گمراه یافتند، (69)

فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ (70)

با این حال به سرعت بدنبال آنان کشانده می شوند! (70)

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ (71)

و قبل از آنها بیشتر پیشینیان (نیز) گمراه شدند! (71)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم مُّنذِرِينَ (72)

ما در میان آنها انذارکنندگانی فرستادیم، (72)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ (73)

ولی بنگر عاقبت انذارشوندگان چگونه بود! (73)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (74)

مگر بندگان مخلص خدا! (74)

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ (75)

و نوح، ما را خواند (و ما دعای او را اجابت کردیم)؛ و چه خوب اجابت کننده ای هستیم! (75)

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (76)

و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم، (76)

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ (77)

و فرزندانش را همان بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم، (77)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِى الْآخِرِينَ (78)

و نام نیک او را در میان امّتهای بعد باقی نهادیم. (78)

سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِى الْعَالَمِينَ (79)

سلام بر نوح در میان جهانیان باد! (79)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ (80)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (80)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (81)

چرا که او از بندگان باایمان ما بود! (81)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ (82)

سپس دیگران [= دشمنان او] را غرق کردیم! (82)

وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ (83)

و از پیروان او ابراهیم بود؛ (83)

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (84)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد؛ (84)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (85)

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «اینها چیست که می پرستید؟! (85)

أَئِفْكاً آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ (86)

آیا غیر از خدا به سراغ این معبودان دروغین می روید؟! (86)

فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (87)

شما درباره پروردگار عالمیان چه گمان می برید؟! (87)

فَنَظَرَ نَظْرَةً فِی النُّجُومِ (88)

(سپس) نگاهی به ستارگان افکند... (88)

فَقَالَ إِنِّی سَقِيمٌ (89)

و گفت: «من بیمارم (و با شما به مراسم جشن نمی آیم)!» (89)

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ (90)

آنها از او روی برتافته و به او پشت کردند (و بسرعت دور شدند.) (90)

فَرَاغَ إِلَى آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (91)

(او وارد بتخانه شد) مخفیانه نگاهی به معبودانشان کرد و از روی تمسخر گفت: «چرا (از این غذاها) نمی خورید؟! (91)

مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ (92)

(اصلاً) چرا سخن نمی گویید؟!» (92)

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ (93)

سپس بسوی آنها رفت و ضربه ای محکم با دست راست بر پیکر آنها فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را درهم شکست). (93)

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ (94)

آنها با سرعت به او روی آوردند. (94)

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ (95)

گفت: «آیا چیزی را می پرستید که با دست خود می تراشید؟! (95)

وَاللّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلَونَ (96)

با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی که می سازید!» (96)

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِى الْجَحِيمِ (97)

(بت پرستان) گفتند: «بنای مرتفعی برای او بسازید و او را در جهنّمی از آتش بیفکنید!» (97)

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ (98)

آنها طرحی برای نابودی ابراهیم ریخته بودند، ولی ما آنان را پست و مغلوب ساختیم! (98)

وَقَالَ إِنِّى ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّى سَيَهْدِينِ (99)

(او از این مهلکه بسلامت بیرون آمد) و گفت: «من به سوی پروردگارم می روم، او مرا هدایت خواهد کرد! (99)

رَبِّ هَبْ لِى مِنَ الصَّالِحِينَ (100)

پروردگارا! به من از صالحان [= فرزندان صالح] ببخش!» (100)

فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ (101)

ما او [= ابراهیم] را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم! (101)

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْىَ قَالَ يَا بُنَىَّ إِنِّى أَرَى فِى الْمَنَامِ أَنِّى أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِى إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (102)

هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم، نظر تو چیست؟» گفت «پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!» (102)

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ (103)

هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد... (103)

وَنَادَيْنَاهُ أَن يَا إِبْرَاهِيمُ (104)

او را ندا دادیم که: «ای ابراهیم! (104)

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ (105)

آن رؤیا را تحقق بخشیدی (و به مأموریت خود عمل کردی)!» ما این گونه، نیکوکاران را جزا می دهیم! (105)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (106)

این مسلّماً همان امتحان آشکار است! (106)

وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ (107)

ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم، (107)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِى الْآخِرِينَ (108)

و نام نیک او را در امّتهای بعد باقی نهادیم! (108)

سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ (109)

سلام بر ابراهیم! (109)

كَذَلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ (110)

این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (110)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (111)

او از بندگان باایمان ما است! (111)

وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ (112)

ما او را به اسحاق -پیامبری از شایستگان- بشارت دادیم ! (112)

وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ (113)

ما به او و اسحاق برکت دادیم؛ و از دودمان آن دو، افرادی بودند نیکوکار و افرادی آشکارا به خود ستم کردند ! (113)

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ (114)

ما به موسی و هارون نعمت بخشیدیم ! (114)

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (115)

و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم ! (115)

وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (116)

و آنها را یاری کردیم تا بر دشمنان خود پیروز شدند ! (116)

وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ (117)

ما به آن دو، کتاب روشنگر دادیم، (117)

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (118)

و آن دو را به راه راست هدایت نمودیم ! (118)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِى الْآخِرِينَ (119)

و نام نیکشان را در اقوام بعد باقی گذاردیم ! (119)

سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ (120)

سلام بر موسی و هارون ! (120)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ (121)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم ! (121)

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (122)

آن دو از بندگان مؤمن ما بودند! (122)

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (123)

و الیاس از رسولان (ما) بود! (123)

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ (124)

به خاطر بیاور هنگامی را که به قومش گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (124)

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (125)

آیا بت «بعل» را می خوانید و بهترین آفریدگارها را رها می سازید؟! (125)

اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (126)

خدایی که پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!» (126)

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (127)

امّا آنها او را تکذیب کردند؛ ولی به یقین همگی (در دادگاه عدل الهی) احضار می شوند! (127)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (128)

مگر بندگان مخلص خدا! (128)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِى الْآخِرِينَ (129)

ما نام نیک او را در میان امّتهای بعد باقی گذاردیم! (129)

سَلَامٌ عَلَى إِلْ يَاسِينَ (130)

سلام بر الیاسین! (130)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ (131)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (131)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (132)

او از بندگان مؤمن ما است! (132)

وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ (133)

و لوط از رسولان (ما) است! (133)

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (134)

و به خاطر بیاور زمانی را که او و خاندانش را همگی نجات دادیم، (134)

إِلَّا عَجُوزًا فِى الْغَابِرِينَ (135)

مگر پیرزنی که از بازماندگان بود (و به سرنوشت آنان گرفتار شد)! (135)

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ (136)

سپس بقیه را نابود کردیم! (136)

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِم مُّصْبِحِينَ (137)

و شما پیوسته صبحگاهان از کنار (ویرانه های شهرهای) آنها می گذرید... (137)

وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (138)

و (همچنین) شبانگاه؛ آیا نمی اندیشید؟! (138)

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (139)

و یونس از رسولان (ما) است! (139)

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (140)

به خاطر بیاور زمانی را که به سوی کشتی پر (از جمعیّت و بار) فرار کرد. (140)

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ (141)

و با آنها قرعه افکند، (و قرعه به نام او افتاد و) مغلوب شد! (141)

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ (142)

(او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که مستحقّ سرزنش بود! (142)

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ (143)

و اگر او از تسبیح کنندگان نبود... (143)

لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (144)

تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند! (144)

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ (145)

(به هر حال ما او را رهایی بخشیدیم و) او را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود! (145)

وَأَنبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَقْطِينٍ (146)

و بوته کدوئی بر او رویاندیم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد)! (146)

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ (147)

و او را به سوی جمعیّت یکصد هزار نفری -یا بیشتر- فرستادیم! (147)

فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ (148)

آنها ایمان آوردند، از این رو تا مدّت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره مند ساختیم! (148)

فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ (149)

از آنان بپرس: آیا پروردگارت دخترانی دارد و پسران از آن آنهاست؟! (149)

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ (150)

آیا ما فرشتگان را مؤنث آفریدیم و آنها ناظر بودند؟! (150)

أَلَا إِنَّهُم مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ (151)

بدانید آنها با این تهمت بزرگشان می گویند: (151)

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (152)

«خداوند فرزند آورده!» ولی آنها به یقین دروغ می گویند! (152)

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ (153)

آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است؟! (153)

ص: 451

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (154)

شما را چه شده است؟! چگونه حکم می کنید؟! (هیچ می فهمید چه می گویید؟!) (154)

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (155)

آیا متذکّر نمی شوید؟! (155)

أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ (156)

یا شما دلیل روشنی در این باره دارید؟ (156)

فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (157)

کتابتان را بیاورید اگر راست می گویید! (157)

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (158)

آنها [= مشرکان] میان او [= خداوند] و جنّ، (خویشاوندی و) نسبتی قائل شدند؛ در حالی که جنّیان بخوبی می دانند که این بت پرستان در دادگاه الهی احضار می شوند! (158)

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ (159)

منزّه است خداوند از آنچه توصیف می کنند، (159)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (160)

مگر بندگان مخلص خدا! (160)

فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ (161)

شما و آنچه را پرستش می کنید، (161)

مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ (162)

هرگز نمی توانید کسی را (با آن) فریب دهید، (162)

إِلّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ (163)

مگر آنها که در آتش دوزخ وارد می شوند! (163)

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ (164)

و هیچ یک از ما نیست جز آنکه مقام معلومی دارد؛ (164)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ (165)

و ما همگی (برای اطاعت فرمان خداوند) به صف ایستاده ایم؛ (165)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (166)

و ما همه تسبیح گوی او هستیم! (166)

وَإِن كَانُوا لَيَقُولُونَ (167)

آنها پیوسته می گفتند: (167)

لَوْ أَنَّ عِندَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ (168)

«اگر یکی از کتابهای پیشینیان نزد ما بود، (168)

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (169)

به یقین، ما بندگان مخلص خدا بودیم!» (169)

فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (170)

(امّا هنگامی که این کتاب بزرگ آسمانی بر آنها نازل شد،) به آن کافر شدند؛ ولی بزودی (نتیجه کار خود را) خواهند دانست! (170)

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (171)

وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلّم شده... (171)

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ (172)

که آنان یاری شدگانند، (172)

وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (173)

و لشکر ما پیروزند! (173)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ (174)

از آنها [= کافران] روی بگردان تا زمان معیّنی (که فرمان جهاد فرارسد)! (174)

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (175)

و وضع آنها را بنگر (چه بی محتواست) اما بزودی (نتیجه اعمال خود را) می بینند! (175)

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (176)

آیا آنها برای عذاب ما شتاب می کنند؟! (176)

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ (177)

امّا هنگامی که عذاب ما در آستانه خانه هایشان فرود آید، انذارشدگان صبحگاه بدی خواهند داشت! (177)

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ (178)

از آنان روی بگردان تا زمان معیّنی! (178)

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (179)

و وضع کارشان را ببین؛ آنها نیز به زودی (نتیجه اعمال خود را) می بینند! (179)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (180)

منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزّت (و قدرت) از آنچه آنان توصیف می کنند. (180)

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (181)

و سلام بر رسولان! (181)

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (182)

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است! (182)

سوره ص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ص وَالْقُرْآنِ ذِى الذِّكْرِ (1)

ص، سوگند به قرآنى كه داراى ذكر است (كه اين كتاب، معجزه الهى است). (1)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِى عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ (2)

ولى كافران گرفتار غرور اختلافند! (2)

كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ (3)

چه بسيار اقوامى را كه پيش از آنها هلاك كرديم؛ و به هنگام نزول عذاب فرياد مى زدند (و كمك مى خواستند) ولى وقت نجات گذشته بود! (3)

وَعَجِبُوا أَن جَاءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (4)

آنها تعجّب كردند كه پيامبر بيم دهنده اى از ميان آنان به سويشان آمده؛ و كافران گفتند: اين ساحر بسيار دروغگويى است! (4)

أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَىْءٌ عُجَابٌ (5)

آيا او بجاى اينهمه خدايان، خداى واحدى قرار داده؟! اين براستى چيز عجيبى است!» (5)

وَانطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَىْءٌ يُرَادُ (6)

سركردگان آنها بيرون آمدند و گفتند: «برويد و خدايانتان را محكم بچسبيد، اين چيزى است كه خواسته اند (شما را گمراه كنند)! (6)

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِى الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ (7)

ما هرگز چنين چيزى در آيين ديگرى نشنيده ايم؛ اين تنها يک آئين ساختگى است! (7)

أَأُنزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِى شَكٍّ مِّن ذِكْرِى بَل لَّمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ (8)

آیا از میان همه ما، قرآن تنها بر او [= محمّد] نازل شده؟!» آنها در حقیقت در اصل وحی من تردید دارند، بلکه آنان هنوز عذاب الهی را نچشیده اند (که این چنین گستاخانه سخن می گویند)! (8)

أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّکَ الْعَزِیزِ الْوَهَّابِ (9)

مگر خزاین رحمت پروردگار توانا و بخشنده ات نزد آنهاست (تا به هر کس میل دارند بدهند)؟! (9)

أَمْ لَهُم مُّلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَیْنَهُمَا فَلْیَرْتَقُوا فِی الْأَسْبَابِ (10)

یا اینکه مالکیّت و حاکمیّت آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است از آن آنهاست؟! (اگر چنین است) با هر وسیله ممکن به آسمانها بروند (و جلو نزول وحی را بر قلب پاک محمّد بگیرند)! (10)

جُندٌ مَّا هُنَالِکَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ (11)

(آری) اینها لشکر کوچک شکست خورده ای از احزابند! (11)

کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (12)

پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند! (12)

وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَیْکَةِ أُولَئِکَ الْأَحْزَابُ (13)

و (نیز) قوم ثمود و لوط و اصحاب الأیکه [= قوم شعیب]، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند)! (13)

إِن کُلٌّ إِلَّا کَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ (14)

هر یک (از این گروه ها) رسولان را تکذیب کردند، و عذاب الهی درباره آنان تحقق یافت! (14)

وَمَا یَنظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَیْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِن فَوَاقٍ (15)

اینها (با این اعمالشان) جز یک صیحه آسمانی را انتظار نمی کشند که هیچ مهلت و بازگشتی برای آن وجود ندارد (و همگی را نابود می سازد)! (15)

وَقَالَوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (16)

آنها (از روی خیره سری) گفتند: «پروردگارا! بهره ما را از عذاب هر چه زودتر قبل از روز حساب به ما ده!» (16)

ص: 453

اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (17)

در برابر آنچه می گویند شکیبا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را، که او بسیار توبه کننده بود! (17)

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ (18)

ما کوه ها را مسخّر او ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می گفتند! (18)

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ (19)

پرندگان را نیز دسته جمعی مسخّر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند)؛ و همه اینها بازگشت کننده به سوی او بودند! (19)

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ (20)

و حکومت او را استحکام بخشیدیم، (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه! (20)

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ (21)

آیا داستان شاکیان هنگامی که از محراب (داوود) بالا رفتند به تو رسیده است؟! (21)

إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ (22)

در آن هنگام که (بی مقدمه) بر او وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد؛ گفتند: «نترس، دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده؛ اکنون در میان ما بحق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن! (22)

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ (23)

این برادر من است؛ و او نود و نه میش دارد و من یکی بیش ندارم امّا او اصرار می کند که: این یکی را هم به من واگذار؛ و در سخن بر من غلبه کرده است!» (23)

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَکَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِکَ إِلَی نِعَاجِهِ وَإِنَّ کَثِیرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَیَبْغِی بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِیلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاکِعًا وَأَنَابَ (24)

(داوود) گفت: «مسلّماً او با درخواست یک میش تو برای افزودن آن به میشهایش، بر تو ستم نموده؛ و بسیاری از شریکان (و دوستان) به یکدیگر ستم می کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند؛ امّا عدّه آنان کم است!» داوود دانست که ما او را (با این ماجرا) آزموده ایم، از این رو از پروردگارش طلب آمرزش نمود و به سجده افتاد و توبه کرد. (24)

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِکَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَی وَحُسْنَ مَآبٍ (25)

ما این عمل را بر او بخشیدیم؛ و او نزد ما دارای مقامی والا و سرانجامی نیکوست! (25)

یَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاکَ خَلِیفَةً فِی الْأَرْضِ فَاحْکُم بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَی فَیُضِلَّکَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِینَ یَضِلُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ بِمَا نَسُوا یَوْمَ الْحِسَابِ (26)

ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛ کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند! (26)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِکَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (27)

ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کافران است؛ وای بر کافران از آتش (دوزخ)! (27)

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِی الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (28)

آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند همچون مفسدان در زمین قرار می دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟! (28)

كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْکَ مُبَارَکٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (29)

این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکّر شوند! (29)

وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (30)

ما سلیمان را به داوود بخشیدیم؛ چه بنده خوبی! زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می کرد (و به یاد او بود)! (30)

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِیِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ (31)

به خاطر بیاور هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابک تندرو را بر او عرضه داشتند، (31)

فَقَالَ إِنِّی أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّی حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (32)

گفت: «من این اسبان را بخاطر پروردگارم دوست دارم (و می خواهم از آنها در جهاد استفاده کنم»، او همچنان به آنها نگاه می کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند. (32)

رُدُّوهَا عَلَیَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ (33)

(آنها به قدری جالب بودند که گفت:) بار دیگر آنها را نزد من بازگردانید! و دست به ساقها و گردنهای آنها کشید (و آنها را نوازش داد). (33)

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ (34)

ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم؛ سپس او به درگاه خداوند توبه کرد. (34)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِی وَهَبْ لِی مُلْكًا لَّا يَنبَغِی لِأَحَدٍ مِّن بَعْدِی إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ (35)

گفت: پروردگارا! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد، که تو بسیار بخشنده ای! (35)

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِی بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ (36)

پس ما باد را مسخّر او ساختیم تا به فرمانش بنرمی حرکت کند و به هر جا او می خواهد برود! (36)

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ (37)

و شیاطین را مسخّر او کردیم، هر بنّا و غوّاصی از آنها را! (37)

وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِی الْأَصْفَادِ (38)

و گروه دیگری (از شیاطین) را در غل و زنجیر (تحت سلطه او) قرار دادیم، (38)

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (39)

(و به او گفتیم:) این عطای ما است، به هر کس می خواهی (و صلاح می بینی) ببخش، و از هر کس می خواهی امساک کن، و حسابی بر تو نیست (تو امین هستی)! (39)

وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ (40)

و برای او [= سلیمان] نزد ما مقامی ارجمند و سرانجامی نیکوست! (40)

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّی مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ (41)

و به خاطر بیاور بنده ما ایّوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا!) شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است. (41)

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ (42)

(به او گفتیم:) پای خود را بر زمین بکوب! این چشمه آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است! (42)

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَى لِأُولِى الْأَلْبَابِ (43)

و خانواده اش را به او بخشيديم، و همانند آنها را بر آنان افزوديم، تا رحمتى از سوى ما باشد و تذكّرى براى انديشمندان. (43)

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِب بِّهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (44)

(و به او گفتيم:) بسته اى از ساقه هاى گندم (يا مانند آن) را برگير و با آن (همسرت را) بزن و سوگند خود را مشكن! ما او را شكيبا يافتيم؛ چه بنده خوبى كه بسيار بازگشت كننده (به سوى خدا) بود! (44)

وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِى الْأَيْدِى وَالْأَبْصَارِ (45)

و به خاطر بياور بندگان ما ابراهيم و اسحاق و يعقوب را، صاحبان دستها (ى نيرومند) و چشمها (ى بينا)! (45)

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ (46)

ما آنها را با خلوص ويژه اى خالص كرديم، و آن يادآورى سراى آخرت بود! (46)

وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ (47)

و آنها نزد ما از برگزيدگان و نيكانند! (47)

وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ (48)

و به خاطر بياور «اسماعيل» و «اليسع» و «ذا الكفل» را كه همه از نيكان بودند! (48)

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ (49)

اين يک يادآورى است، و براى پرهيزكاران فرجام نيكويى است: (49)

جَنَّاتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ (50)

باغهای جاویدان بهشتی که درهایش به روی آنان گشوده است، (50)

مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ (51)

در حالی که در آن بر تختها تکیه کرده اند و میوه های بسیار و نوشیدنیها در اختیار آنان است ! (51)

وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ (52)

و نزد آنان همسرانی است که تنها چشم به شوهرانشان دوخته اند، و همسن و سالند ! (52)

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (53)

این همان است که برای روز حساب به شما وعده داده می شود (وعده ای تخلّف ناپذیر) ! (53)

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ (54)

این روزی ما است که هرگز آن را پایانی نیست ! (54)

هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ (55)

این (پاداش پرهیزگاران است)، و برای طغیانگران بدترین محل بازگشت است: (55)

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ (56)

دوزخ، که در آن وارد می شوند؛ و چه بستر بدی است ! (56)

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ (57)

این نوشابه «حمیم» و «غسّاق» است [= دو مایع سوزان و تیره رنگ] که باید از آن بچشند ! (57)

وَآخَرُ مِن شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ (58)

و جز اینها کیفرهای دیگری همانند آن دارند ! (58)

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُو النَّارِ (59)

(به آنان گفته می شود:) این گروهی است که همراه شما وارد دوزخ می شوند (اینها همان سران گمراهیند)؛ خوشامد بر آنها مباد، همگی در آتش خواهند سوخت! (59)

قَالُوا بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ (60)

آنها (به رؤسای خود) می گویند: «بلکه خوشامد بر شما مباد که این عذاب را شما برای ما فراهم ساختید! چه بد قرارگاهی است اینجا!» (60)

قَالُوا رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِی النَّارِ (61)

(سپس) می گویند: «پروردگارا! هر کس این عذاب را برای ما فراهم ساخته، عذابی مضاعف در آتش بر او بیفزا!» (61)

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ (62)

آنها می گویند: «چرا مردانی را که ما از اشرار می شمردیم (در اینجا، در آتش دوزخ) نمی بینیم؟ ! (62)

أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ (63)

آیا ما آنان را به مسخره گرفتیم یا (به اندازه ای حقیرند که) چشمها آنها را نمی بیند؟ ! (63)

إِنَّ ذَلِکَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (64)

این یک واقعیت است گفتگوهای خصمانه دوزخیان ! (64)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (65)

بگو: «من تنها یک بیم دهنده ام؛ و هیچ معبودی جز خداوند یگانه قهّار نیست ! (65)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (66)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، پروردگار عزیز و غفّار !» (66)

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (67)

بگو: «این خبری بزرگ است، (67)

أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (68)

که شما از آن روی گردانید ! (68)

مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ (69)

من از ملأ اعلی (و فرشتگان عالم بالا) به هنگامی که (درباره آفرینش آدم) مخاصمه می کردند خبر ندارم ! (69)

إِن يُوحَى إِلَىَّ إِلّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (70)

تنها چیزی که به من وحی می شود این است که من انذارکننده آشکاری هستم !» (70)

إِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَهِ إِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِینٍ (71)

و به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می آفرینم ! (71)

فَإِذَا سَوَّیْتُهُ وَنَفَخْتُ فِیهِ مِن رُّوحِی فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِینَ (72)

هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید !» (72)

فَسَجَدَ الْمَلَائِکَهُ کُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (73)

در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند، (73)

إِلَّا إِبْلِیسَ اسْتَکْبَرَ وَکَانَ مِنَ الْکَافِرِینَ (74)

جز ابلیس که تکبّر ورزید و از کافران بود ! (74)

قَالَ یَا إِبْلِیسُ مَا مَنَعَکَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِیَدَیَّ أَسْتَکْبَرْتَ أَمْ کُنتَ مِنَ الْعَالِینَ (75)

گفت: «ای ابلیس ! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟ ! آیا تکبّر کردی یا از برترینها بودی؟ ! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود !)» (75)

قَالَ أَنَا خَیْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِی مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِینٍ (76)

گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده ای و او را از گل !» (76)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّکَ رَجِیمٌ (77)

فرمود: «از آسمانها (و صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده درگاه منی ! (77)

وَإِنَّ عَلَيْکَ لَعْنَتِی إِلَی يَوْمِ الدِّينِ (78)

و مسلّماً لعنت من بر تو تا روز قيامت خواهد بود ! (78)

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِی إِلَی يَوْمِ يُبْعَثُونَ (79)

گفت: «پروردگارا ! مرا تا روزی که انسانها برانگيخته می شوند مهلت ده !» (79)

قَالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (80)

فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی، (80)

إِلَی يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (81)

ولی تا روز و زمان معيّن !» (81)

قَالَ فَبِعِزَّتِکَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (82)

گفت: «به عزّتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، (82)

إِلَّا عِبَادَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (83)

مگر بندگان خالص تو، از ميان آنها !» (83)

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ (84)

فرمود: «به حق سوگند، و حق می گویم، (84)

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنکَ وَمِمَّن تَبِعَکَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (85)

که جهنّم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!» (85)

قُلْ مَا أَسْأَلُکُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفِينَ (86)

(ای پیامبر!) بگو: «من برای دعوت نبوّت هیچ پاداشی از شما نمی طلبم، و من از متکلّفین نیستم! (سخنانم روشن و همراه با دلیل است!)» (86)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (87)

این (قرآن) تذکّری برای همه جهانیان است؛ (87)

وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (88)

و خبر آن را بعد از مدّتی می شنوید! (88)

سوره الزمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَنزِيلُ الْکِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَکِيمِ (1)

این کتابی است که از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است. (1)

إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْکَ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ (2)

ما این کتاب را بحقّ بر تو نازل کردیم؛ پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان! (2)

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْکُمُ بَيْنَهُمْ فِى مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِى مَنْ هُوَ کَاذِبٌ کَفَّارٌ (3)

آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند و دلیلشان این بود که: «اینها را نمی پرستیم مگر بخاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند»، خداوند روز قیامت میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می کند؛ خداوند آن کس را که دروغگو و کفران کننده است هرگز هدایت نمی کند! (3)

لَّوْ أَرَادَ اللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّاصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (4)

اگر (بفرض محال) خدا می خواست فرزندی انتخاب کند، از میان مخلوقاتش آنچه را می خواست برمیگزید؛ منزّه است (از اینکه فرزندی داشته باشد)! او خداوند یکتای پیروز است! (4)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (5)

آسمانها و زمین را بحقّ آفرید؛ شب را بر روز می پیچد و روز را بر شب؛ و خورشید و ماه را مسخّر فرمان خویش قرار داد؛ هر کدام تا سرآمد معیّنی به حرکت خود ادامه می دهند؛ آگاه باشید که او قادر و آمرزنده است! (5)

خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (6)

او شما را از یک نفس آفرید، و همسرش را از (باقیمانده گِل) او خلق کرد؛ و برای شما هشت زوج از چهارپایان ایجاد کرد؛ او شما را در شکم مادرانتان آفرینشی بعد از آفرینش دیگر، در میان تاریکیهای سه گانه، می بخشد! این است خداوند، پروردگار شما که حکومت (عالم هستی) از آن اوست؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ پس چگونه از راه حق منحرف می شوید؟! (6)

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (7)

اگر کفران کنید، خداوند از شما بی نیاز است و هرگز کفران را برای بندگانش نمی پسندد؛ و اگر شکر او را بجا آورید آن را برای شما می پسندد! و هیچ گنهکاری گناه دیگری را بر دوش نمی کشد! سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می دادید آگاه می سازد؛ چرا که او به آنچه در سینه هاست آگاه است! (7)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ (8)

هنگامی که انسان را زیانی رسد، پروردگار خود را می خواند و بسوی او باز می گردد؛ امّا هنگامی که نعمتی از خود به او عطا کند، آنچه را به خاطر آن قبلاً خدا را می خواند از یاد می برد و برای خداوند همتایانی قرارمی دهد تا مردم را از راه او منحرف سازد؛ بگو: «چند روزی از کفرت بهره گیر که از دوزخیانی!» (8)

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (9)

(آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می ترسد و به

رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکّر می شوند!» (9)

قُلْ یَا عِبَادِ الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّکُمْ لِلَّذِینَ أَحْسَنُوا فِی هَذِهِ الدُّنْیَا حَسَنَهٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَهٌ إِنَّمَا یُوَفَّی الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَیْرِ حِسَابٍ (10)

بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده اید! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند پاداش نیکی است! و زمین خدا وسیع است، (اگر تحت فشار سران کفر بودید مهاجرت کنید) که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می دارند! (10)

قُلْ إِنِّی أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّینَ (11)

بگو: «من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم، (11)

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَکُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِینَ (12)

و مأمورم که نخستین مسلمان باشم ! (12)

قُلْ إِنِّی أَخَافُ إِنْ عَصَیْتُ رَبِّی عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ (13)

بگو: «من اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می ترسم !» (13)

قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهُ دِینِی (14)

بگو: «من تنها خدا را می پرستم در حالی که دینم را برای او خالص می کنم. (14)

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُم مِّن دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِینَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِیهِمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَلَا ذَلِکَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِینُ (15)

شما هر چه را جز او می خواهید بپرستید !» بگو: «زیانکاران واقعی آنانند که سرمایه وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده اند ! آگاه باشید زیان آشکار همین است !» (15)

لَهُم مِّن فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِکَ یُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ یَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (16)

برای آنان از بالای سرشان سایبانهایی از آتش، و در زیر پایشان نیز سایبانهایی از آتش است؛ این چیزی است که خداوند با آن بندگانش را می ترساند ! ای بندگان من ! از نافرمانی من بپرهیزید ! (16)

وَالَّذِینَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَن یَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَی اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَی فَبَشِّرْ عِبَادِ (17)

و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن آنهاست؛ پس بندگان مرا بشارت ده! (17)

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِکَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِکَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (18)

همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند. (18)

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِی النَّارِ (19)

آیا تو می توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده رهایی بخشی؟! آیا تو میتوانی کسی را که در درون آتش است برگیری و نجات دهی؟! (19)

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّن فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ (20)

ولی آنها که تقوای الهی پیشه کردند، غرفه هایی در بهشت دارند که بر فراز آنها غرفه های دیگری بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است این وعده الهی است، و خداوند در وعده خود تخلّف نمی کند! (20)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِی الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِی ذَلِکَ لَذِكْرَی لِأُولِی الْأَلْبَابِ (21)

آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد و آن را بصورت چشمه هایی در زمین وارد نمود، سپس با آن زراعتی را خارج می سازد که رنگهای مختلف دارد؛ بعد آن گیاه خشک می شود، بگونه ای که آن را زرد و بی روح می بینی؛ سپس آن را در هم می شکند و خرد می کند؛ در این مثال تذکّری است برای خردمندان (از ناپایداری دنیا)! (21)

أَفَمَن شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِکَ فِی ضَلَالٍ مُّبِينٍ (22)

آیا کسی که خدا سینه اش را برای اسلام گشاده است و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلان گمراه است؟!) وای بر آنان که قلبهایی سخت در برابر ذکر خدا دارند! آنها در گمراهی آشکاری هستند! (22)

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِیَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِکَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِی بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (23)

خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است؛ آیاتی مکرّر دارد (با تکراری شوق انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می ترسند می افتد؛ سپس برون و درونشان نرم و متوجّه ذکر خدا می شود؛ این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می کند؛ و هر کس را خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود! (23)

أَفَمَن يَتَّقِی بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (24)

آیا کسی که با صورت خود عذاب دردناک (الهی) را در روز قیامت دور می سازد (همانند کسی است که هرگز آتش دوزخ به او نمی رسد)؟! و به ظالمان گفته می شود: «بچشید آنچه را به دست می آوردید (و انجام می دادید)!» (24)

كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (25)

کسانی که قبل از آنها بودند نیز (آیات ما را) تکذیب نمودند، و عذاب (الهی) از جایی که فکر نمی کردند به سراغشان آمد! (25)

فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْیَ فِی الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (26)

پس خداوند خواری را در زندگی این دنیا به آنها چشانید، و عذاب آخرت شدیدتر است اگر می دانستند. (26)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِی هَذَا الْقُرْآنِ مِن کُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (27)

ما برای مردم در این قرآن از هر نوع مثَلی زدیم، شاید متذکّر شوند. (27)

قُرْآنًا عَرَبِیًّا غَیْرَ ذِی عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ (28)

قرآنی است فصیح و خالی از هر گونه کجی و نادرستی، شاید آنان پرهیزگاری پیشه کنند! (28)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِیهِ شُرَکَاءُ مُتَشَاکِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ یَسْتَوِیَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لَا یَعْلَمُونَ (29)

خداوند مثالی زده است: مردی را که مملوک شریکانی است که درباره او پیوسته با هم به مشاجره مشغولند، و مردی که تنها تسلیم یک نفر است؛ آیا این دو یکسانند؟! حمد، مخصوص خداست، ولی بیشتر آنان نمی دانند. (29)

إِنَّکَ مَیِّتٌ وَإِنَّهُم مَّیِّتُونَ (30)

تو می میری و آنها نیز خواهند مرد! (30)

ثُمَّ إِنَّکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ عِندَ رَبِّکُمْ تَخْتَصِمُونَ (31)

سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان مخاصمه می کنید. (31)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (32)

پس چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که بر خدا دروغ ببندد و سخن راست را هنگامی که به سراغ او آمده تکذیب کند؟! آیا در جهنّم جایگاهی برای کافران نیست؟! (32)

وَالَّذِى جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (33)

امّا کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارانند! (33)

لَهُم مَّا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ذَلِکَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (34)

آنچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنان موجود است؛ و این است جزای نیکوکاران! (34)

لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِى عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ الَّذِى كَانُوا يَعْمَلُونَ (35)

تا خداوند بدترین اعمالی را که انجام داده اند (در سایه ایمان و صداقت آنها) بیامرزد، و آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش دهد! (35)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَکَ بِالَّذِينَ مِن دُونِهِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (36)

آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده اش کافی نیست؟! امّا آنها تو را از غیر او می ترسانند. و هر کس را خداوند گمراه کند، هیچ هدایت کننده ای ندارد! (36)

وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِى انتِقَامٍ (37)

و هر کس را خدا هدایت کند، هیچ گمراه کننده ای نخواهد داشت آیا خداوند توانا و دارای مجازات نیست؟! (37)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (38)

و اگر از آنها بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده؟» حتماً می گویند: «خدا!» بگو: «آیا هیچ درباره معبودانی که غیر از خدا می خوانید اندیشه می کنید که اگر خدا زیانی برای من بخواهد، آیا آنها می توانند گزند او را برطرف سازند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها می توانند جلو رحمت او را بگیرند؟!» بگو: «خدا مرا کافی است؛ و همه متوکّلان تنها بر او توکّل می کنند!» (38)

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (39)

بگو: «ای قوم من! شما هر چه در توان دارید انجام دهید، من نیز به وظیفه خود عمل می کنم؛ امّا بزودی خواهید دانست... (39)

مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (40)

چه کسی عذاب خوارکننده ای (در دنیا) به سراغش می آید، و (سپس) عذابی جاویدان (در آخرت) بر او وارد می گردد!» (40)

إِنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْکَ الْکِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (41)

ما این کتاب (آسمانی) را برای مردم بحق بر تو نازل کردیم؛ هر کس هدایت را پذیرد به نفع خود اوست؛ و هر کس گمراهی را برگزیند، تنها به زیان خود گمراه می گردد؛ و تو مأمور اجبار آنها به هدایت نیستی. (41)

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِى لَمْ تَمُتْ فِى مَنَامِهَا فَيُمْسِکُ الَّتِى قَضَى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِى ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَکَّرُونَ (42)

خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می کند، و ارواحی را که نمرده اند نیز به هنگام خواب می گیرد؛ سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده نگه می دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) بازمی گرداند تا سرآمدی معیّن؛ در این امر نشانه های روشنی است برای کسانی که اندیشه می کنند! (42)

أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ (43)

آیا آنان غیر از خدا شفیعانی گرفته اند؟! به آنان بگو: «آیا (از آنها شفاعت می طلبید) هر چند مالک چیزی نباشند و درک و شعوری برای آنها نباشد؟!» (43)

قُل لِّلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَّهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (44)

بگو: «تمام شفاعت از آن خداست، (زیرا) حاکمیّت آسمانها و زمین از آن اوست و سپس همه شما را به سوی او بازمی گردانند!» (44)

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (45)

هنگامی که خداوند به یگانگی یاد می شود، دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند مشمئزّ (و متنفّر) می گردد؛ امّا هنگامی که از معبودهای دیگر یاد می شود، آنان خوشحال می شوند. (45)

قُلِ اللّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَهِ أنتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِکَ فِی مَا کَانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ (46)

بگو: «خداوندا! ای آفریننده آسمانها و زمین، و آگاه از اسرار نهان و آشکار، تو در میان بندگانت در آنچه اختلاف داشتند داوری خواهی کرد!» (46)

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا مَا فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِن سُوءِ الْعَذَابِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَبَدَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مَا لَمْ یَکُونُوا یَحْتَسِبُونَ (47)

اگر ستمکاران تمام آنچه را روی زمین است مالک باشند و همانند آن بر آن افزوده شود، حاضرند همه را فدا کنند تا از عذاب شدید روز قیامت رهایی یابند؛ و از سوی خدا برای آنها اموری ظاهر می شود که هرگز گمان نمی کردند! (47)

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (48)

در آن روز اعمال بدی را که انجام داده اند برای آنها آشکار می شود، و آنچه را استهزا می کردند بر آنها واقع می گردد. (48)

فَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (49)

هنگامی که انسان را زیانی رسد، ما را (برای حلّ مشکلش) می خواند؛ سپس هنگامی که از جانب خود به او نعمتی دهیم، می گوید: «این نعمت را بخاطر کاردانی خودم به من داده اند»؛ ولی این وسیله آزمایش (آنها) است، امّا بیشترشان نمی دانند. (49)

قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (50)

این سخن را کسانی که قبل از آنها بودند نیز گفتند، ولی آنچه را به دست می آوردند برای آنها سودی نداشت! (50)

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ (51)

سپس بدیهای اعمالشان به آنها رسید؛ و ظالمان این گروه [= اهل مکّه] نیز بزودی گرفتار بدیهای اعمالی که انجام داده اند خواهند شد، و هرگز نمی توانند از چنگال عذاب الهی بگریزند. (51)

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (52)

آیا آنها ندانستند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترده یا تنگ می سازد؟! در این، آیات و نشانه هایی است برای گروهی که ایمان می آورند. (52)

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (53)

بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و

مهربان است. (53)

وَأَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (54)

و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید ! (54)

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (55)

و از بهترین دستورهائی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید !» (55)

أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطتُ فِى جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ (56)

(این دستورها برای آن است که) مبادا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهیهایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره کنندگان (آیات او) بودم !» (56)

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِی لَکُنتُ مِنَ الْمُتَّقِینَ (57)

یا بگوید: «اگر خداوند مرا هدایت می کرد، از پرهیزگاران بودم !» (57)

أَوْ تَقُولَ حِینَ تَرَی الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِی کَرَّةً فَأَکُونَ مِنَ الْمُحْسِنِینَ (58)

یا هنگامی که عذاب را می بیند بگوید: «ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازمی گشتم و از نیکوکاران بودم !» (58)

بَلَی قَدْ جَاءَتْکَ آیَاتِی فَکَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَکْبَرْتَ وَکُنتَ مِنَ الْکَافِرِینَ (59)

آری، آیات من به سراغ تو آمد، امّا آن را تکذیب کردی و تکبّر نمودی و از کافران بودی ! (59)

وَیَوْمَ الْقِیَامَهِ تَرَی الَّذِینَ کَذَبُوا عَلَی اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّهٌ أَلَیْسَ فِی جَهَنَّمَ مَثْوًی لِّلْمُتَکَبِّرِینَ (60)

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می بینی که صورتهایشان سیاه است؛ آیا در جهنّم جایگاهی برای متکبّران نیست؟ ! (60)

وَیُنَجِّی اللَّهُ الَّذِینَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا یَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ (61)

و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری رهایی می بخشد؛ هیچ بدی به آنان نمی رسد و هرگز غمگین نخواهند شد. (61)

اللَّهُ خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ وَکِیلٌ (62)

خداوند آفریدگار همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه اشیا است. (62)

لَّهُ مَقَالِیدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِینَ کَفَرُوا بِآیَاتِ اللَّهِ أُولَئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (63)

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست؛ و کسانی که به آیات خداوند کافر شدند زیانکارانند. (63)

قُلْ أَفَغَیْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّی أَعْبُدُ أَیُّهَا الْجَاهِلُونَ (64)

بگو: «آیا به من دستور می دهید که غیر خدا را بپرستم ای جاهلان؟!» (64)

وَلَقَدْ أُوحِیَ إِلَیْکَ وَإِلَی الَّذِینَ مِن قَبْلِکَ لَئِنْ أَشْرَکْتَ لَیَحْبَطَنَّ عَمَلُکَ وَلَتَکُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِینَ (65)

به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی، تمام اعمالت تباه می شود و از زیانکاران خواهی بود! (65)

بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَکُن مِّنَ الشَّاکِرِینَ (66)

بلکه تنها خداوند را عبادت کن و از شکرگزاران باش! (66)

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِیعًا قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا یُشْرِکُونَ (67)

آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمانها پیچیده در دست او؛ خداوند منزّه و بلندمقام است از شریکیهایی که برای او می پندارند (67)

وَنُفِخَ فِی الصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَمَن فِی الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِیهِ أُخْرَی فَإِذَا هُمْ قِیَامٌ یَنظُرُونَ (68)

و در «صور» دمیده می شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینند می میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در «صور» دمیده می شود، ناگهان همگی به پا می خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند. (68)

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْکِتَابُ وَجِیءَ بِالنَّبِیِّینَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِیَ بَیْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ (69)

و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می شود، و نامه های اعمال را پیش می نهند و پیامبران و گواهان را حاضر می سازند، و میان آنها بحق داوری می شود و به آنان ستم نخواهد شد! (69)

وَوُفِّیَتْ کُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا یَفْعَلُونَ (70)

و به هر کس آنچه انجام داده است بی کم و کاست داده می شود؛ و او نسبت به آنچه انجام می دادند از همه آگاهتر است. (70)

وَسِیقَ الَّذِینَ کَفَرُوا إِلَی جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّی إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ یَأْتِکُمْ رُسُلٌ مِّنکُمْ یَتْلُونَ عَلَیْکُمْ آیَاتِ رَبِّکُمْ وَیُنذِرُونَکُمْ لِقَاءَ یَوْمِکُمْ هَذَا قَالُوا بَلَی وَلَکِنْ حَقَّتْ کَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَی الْکَافِرِینَ (71)

و کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنّم رانده می شوند؛ وقتی به دوزخ می رسند، درهای آن گشوده می شود و نگهبانان دوزخ به آنها می گویند: «آیا رسولانی از میان شما به سویتان نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند و از ملاقات این روز شما را بر حذر دارند؟!» می گویند: «آری، (پیامبران آمدند و آیات الهی را بر ما خواندند، و ما مخالفت کردیم!) ولی فرمان عذاب الهی بر کافران مسلّم شده است. (71)

قِیلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِینَ فِیهَا فَبِئْسَ مَثْوَی الْمُتَکَبِّرِینَ (72)

به آنان گفته می شود: «از درهای جهنّم وارد شوید، جاودانه در آن بمانید؛ چه بد جایگاهی است جایگاه متکبّران!» (72)

وَسِيقَ الّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّهِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (73)

و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می شوند؛ هنگامی که به آن می رسند درهای بهشت گشوده می شود و نگهبانان به آنان می گویند: «سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمتها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید!» (73)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّهِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (74)

آنها می گویند: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم؛ چه نیکوست پاداش عمل کنندگان!» (74)

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (75)

(در آن روز) فرشتگان را می بینی که بر گرد عرش خدا حلقه زده اند و با ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند؛ و در میان بندگان بحق داوری می شود؛ و (سرانجام) گفته خواهد شد: «حمد مخصوص خدا پروردگار جهانیان است!» (75)

سوره غافر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (1)

حم. (1)

تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (2)

این کتابی است که از سوی خداوند قادر و دانا نازل شده است. (2)

غَافِرِ الذَّنبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (3)

خداوندی که آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، دارای مجازات سخت، و صاحب نعمت فراوان است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ و بازگشت (همه شما) تنها بسوی اوست. (3)

مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ (4)

تنها کسانی در آیات ما مجادله می کنند که (از روی عناد) کافر شده اند؛ پس مبادا رفت و آمد آنان در شهرها (و قدرت نمایی آنان) تو را بفریبد! (4)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِن بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (5)

پیش از آنها قوم نوح و اقوامی که بعد از ایشان بودند (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ و هر امّتی در پی آن بود که توطئه کند و پیامبرش را بگیرد

(و آزار دهد)، و برای محو حق به مجادله باطل دست زدند؛ امّا من آنها را گرفتم (و سخت مجازات کردم)؛ ببین که مجازات من چگونه بود! (5)

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّکَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (6)

و این گونه فرمان پروردگارت درباره کسانی که کافر شدند مسلّم شده که آنها همه اهل آتشند! (6)

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَىْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَکَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (7)

فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها که گرداگرد آن (طواف می کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند (و می گویند:) پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است؛ پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می کنند بیامرز، و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار! (7)

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدتَّهُمْ وَمَن صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّکَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَکِيمُ (8)

پروردگارا! آنها را در باغهای جاویدان بهشت که به آنها وعده فرموده ای وارد کن، همچنین از پدران و همسران و فرزندانشان هر کدام که صالح بودند، که تو توانا و حکیمی! (8)

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَن تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (9)

و آنان را از بدیها نگاه دار، و هر کس را که در آن روز از بدیها نگاه داری، مشمول رحمتت ساخته ای؛ و این است همان رستگاری عظیم! (9)

إِنَّ الَّذِينَ کَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَکْبَرُ مِن مَّقْتِکُمْ أَنفُسَکُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَکْفُرُونَ (10)

کسانی را که کافر شدند روز قیامت صدا می زنند که عداوت و خشم خداوند نسبت به شما از عداوت و خشم خودتان نسبت به خودتان بیشتر است، چرا که بسوی ایمان دعوت می شدید، ولی انکار می کردید! (10)

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ (11)

آنها می گویند: «پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی؛ اکنون به گناهان خود معترفیم؛ آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟» (11)

ذَلِکُم بِأَنَّهُ إِذَا دُعِىَ اللَّهُ وَحْدَهُ کَفَرْتُمْ وَإِن يُشْرَکْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُکْمُ لِلَّهِ الْعَلِىِّ الْکَبِيرِ (12)

این بخاطر آن است که وقتی خداوند به یگانگی خوانده می شد انکار می کردید، و اگر برای او همتایی می پنداشتند ایمان می آوردید؛ اکنون داوری مخصوص خداوند بلندمرتبه و بزرگ است (و شما را مطابق عدل خود کیفر می دهد). (12)

هُوَ الَّذِی یُرِیکُمْ آیَاتِهِ وَیُنَزِّلُ لَکُم مِّنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا یَتَذَکَّرُ إِلَّا مَن یُنِیبُ (13)

او کسی است که آیات خود را به شما نشان می دهد و از آسمان برای شما روزی (با ارزشی) می فرستد؛ تنها کسانی متذکّر این حقایق می شوند که بسوی خدا باز می گردند. (13)

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ (14)

(تنها) خدا را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هرچند کافران ناخشنود باشند! (14)

رَفِیعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ یُلْقِی الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَی مَن یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِیُنذِرَ یَوْمَ التَّلَاقِ (15)

او درجات (بندگان صالح) را بالا می برد، او صاحب عرش است، روح (مقدّس) را به فرمانش بر هر کس از بندگانش که بخواهد القاء می کند تا (مردم را) از روز ملاقات [= روز رستاخیز] بیم دهد! (15)

یَوْمَ هُم بَارِزُونَ لَا یَخْفَی عَلَی اللَّهِ مِنْهُمْ شَیْءٌ لِّمَنِ الْمُلْکُ الْیَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (16)

روزی که همه آنان آشکار می شوند و چیزی از آنها بر خدا پنهان نخواهد ماند؛ (و گفته می شود:) حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای قهّار است! (16)

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (17)

امروز هر کس در برابر کاری که انجام داده است پاداش داده می شود؛ امروز هیچ ظلمی نیست؛ خداوند سریع الحساب است! (17)

وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ (18)

و آنها را از روز نزدیک بترسان، هنگامی که از شدّت وحشت دلها به گلوگاه می رسد و تمامی وجود آنها مملوّ از اندوه می گردد؛ برای ستمکاران دوستی وجود ندارد، و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود. (18)

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (19)

او چشمهایی را که به خیانت می گردد و آنچه را سینه ها پنهان می دارند، می داند. (19)

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (20)

خداوند بحقّ داوری می کند، و معبودهایی را که غیر از او می خوانند هیچ گونه داوری ندارند؛ خداوند شنوا و بیناست! (20)

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ (21)

آیا آنها روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟! آنها در قدرت و ایجاد آثار مهمّ در زمین از اینها برتر بودند؛ ولی خداوند ایشان را به گناهانشان گرفت، و در برابر عذاب او مدافعی نداشتند! (21)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (22)

این برای آن بود که پیامبرانشان پیوسته با دلایل روشن به سراغشان می آمدند، ولی آنها انکار می کردند؛ خداوند هم آنان را گرفت (و کیفر داد) که او قوّی و مجازاتش شدید است! (22)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (23)

ما موسی را با آیات خود و دلیل روشن فرستادیم... (23)

إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (24)

بسوی فرعون و هامان و قارون؛ ولی آنها گفتند: «او ساحری بسیار دروغگو است!» (24)

فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (25)

و هنگامی که حقّ را از سوی ما برای آنها آورد، گفتند: «پسران کسانی را که با موسی ایمان آورده اند بکشید و زنانشان را (برای اسارت و خدمت) زنده بگذارید!» امّا نقشه کافران جز در گمراهی نیست (و نقش بر آب می شود). (25)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِی أَقْتُلْ مُوسَی وَلْیَدْعُ رَبَّهُ إِنِّی أَخَافُ أَن یُبَدِّلَ دِینَکُمْ أَوْ أَن یُظْهِرَ فِی الْأَرْضِ الْفَسَادَ (26)

و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم، و او پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد) ! زیرا من می ترسم که آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد بر پا کند !» (26)

وَقَالَ مُوسَی إِنِّی عُذْتُ بِرَبِّی وَرَبِّکُم مِّن کُلِّ مُتَکَبِّرٍ لَّا یُؤْمِنُ بِیَوْمِ الْحِسَابِ (27)

موسی گفت: «من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می برم از هر متکبّری که به روز حساب ایمان نمی آورد !» (27)

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَکْتُمُ إِیمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَن یَقُولَ رَبِّیَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَکُم بِالْبَیِّنَاتِ مِن رَّبِّکُمْ وَإِن یَکُ کَاذِبًا فَعَلَیْهِ کَذِبُهُ وَإِن یَکُ صَادِقًا یُصِبْکُم بَعْضُ الَّذِی یَعِدُکُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا یَهْدِی مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ کَذَّابٌ (28)

و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می داشت گفت: «آیا می خواهید مردی را بکشید بخاطر اینکه می گوید: پروردگار من «اللّه» است، در حالی که دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟ ! اگر دروغگو باشد، دروغش دامن خودش را خواهد گرفت؛ و اگر راستگو باشد، (لااقل) بعضی از عذابهایی را که وعده می دهد به شما خواهد رسید؛ خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغگوست هدایت نمی کند. (28)

یَا قَوْمِ لَکُمُ الْمُلْکُ الْیَوْمَ ظَاهِرِینَ فِی الْأَرْضِ فَمَن یَنصُرُنَا مِن بَأْسِ اللَّهِ إِن جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِیکُمْ إِلَّا مَا أَرَی وَمَا أَهْدِیکُمْ إِلَّا سَبِیلَ الرَّشَادِ (29)

ای قوم من ! امروز حکومت از آن شماست و در این سرزمین پیروزید؛ اگر عذاب خدا به سراغ ما آید، چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟ !» فرعون گفت: «من جز آنچه را معتقدم به شما ارائه نمی دهم، و شما را جز به راه صحیح راهنمایی نمی کنم ! (دستور، همان قتل موسی است !)» (29)

وَقَالَ الَّذِی آمَنَ یَا قَوْمِ إِنِّی أَخَافُ عَلَیْکُم مِّثْلَ یَوْمِ الْأَحْزَابِ (30)

آن مرد باایمان گفت: «ای قوم من! من بر شما از روزی همانند روز (عذاب) اقوام پیشین بیمناکم! (30)

مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ (31)

و از عادتی همچون عادت قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند (از شرک و کفر و طغیان) می ترسم؛ و خداوند ظلم و ستمی بر بندگانش نمی خواهد. (31)

وَيَا قَوْمِ إِنِّى أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ (32)

ای قوم من! من بر شما از روزی که مردم یکدیگر را صدا می زنند (و از هم یاری می طلبند و صدایشان به جایی نمی رسد) بیمناکم! (32)

يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (33)

همان روزی که روی می گردانید و فرار می کنید؛ امّا هیچ پناهگاهی در برابر عذاب خداوند برای شما نیست؛ و هر کس را خداوند (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هدایت کننده ای برای او نیست! (33)

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِن قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِی شَكٍّ مِّمَّا جَاءَكُم بِهِ حَتَّی إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ مِن بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ (34)

پیش از این یوسف دلایل روشن برای شما آورد، ولی شما همچنان در آنچه او برای شما آورده بود تردید داشتید؛ تا زمانی که از دنیا رفت، گفتید: هرگز خداوند بعد از او پیامبری مبعوث نخواهد کرد! این گونه خداوند هر اسرافکار تردیدکننده ای را گمراه می سازد! (34)

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِی آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ وَعِندَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَی كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ (35)

همانها که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برایشان آمده باشد به مجادله برمی خیزند؛ (این کارشان) خشم عظیمی نزد خداوند و نزد آنان که ایمان آورده اند به بار می آورد؛ این گونه خداوند بر دل هر متکبّر جبّاری مُهر می نهد!» (35)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِی صَرْحًا لَّعَلِّی أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ (36)

فرعون گفت: «ای هامان! برای من بنای مرتفعی بساز، شاید به وسایلی دست یابم، (36)

أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَی إِلَهِ مُوسَی وَإِنِّی لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِی تَبَابٍ (37)

وسایل (صعود به) آسمانها تا از خدای موسی آگاه شوم؛ هر چند گمان می کنم او دروغگو باشد!» اینچنین اعمال بد فرعون در نظرش آراسته جلوه کرد و از راه حق باز داشته شد؛ و توطئه فرعون (و همفکران او) جز به نابودی نمی انجامد! (37)

وَقَالَ الَّذِی آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ (38)

کسی که (از قوم فرعون) ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه درست هدایت کنم. (38)

يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِیَ دَارُ الْقَرَارِ (39)

ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است؛ و آخرت سرای همیشگی است! (39)

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ (40)

هر کس بدی کند، جز بمانند آن کیفر داده نمی شود؛ ولی هر کس کار شایسته ای انجام دهد -خواه مرد یا زن- در حالی که مؤمن باشد آنها وارد بهشت می شوند و در آن روزی بی حسابی به آنها داده خواهد شد. (40)

وَيَا قَوْمِ مَا لِی أَدْعُوکُمْ إِلَی النَّجَاهِ وَتَدْعُونَنِی إِلَی النَّارِ (41)

ای قوم من! چرا من شما را به سوی نجات دعوت می کنم، امّا شما مرا بسوی آتش فرا می خوانید؟! (41)

تَدْعُونَنِی لِأَکْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِکَ بِهِ مَا لَیْسَ لِی بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوکُمْ إِلَی الْعَزِیزِ الْغَفَّارِ (42)

مرا دعوت می کنید که به خداوند یگانه کافر شوم و همتایی که به آن علم ندارم برای او قرار دهم، در حالی که من شما را بسوی خداوند عزیز غفّار دعوت می کنم! (42)

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِی إِلَیْهِ لَیْسَ لَهُ دَعْوَهٌ فِی الدُّنْیَا وَلَا فِی الْآخِرَهِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَی اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِینَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (43)

قطعاً آنچه مرا بسوی آن می خوانید، نه دعوت (و حاکمیّتی) در دنیا دارد و نه در آخرت؛ و تنها بازگشت ما در قیامت بسوی خداست؛ و مسرفان اهل آتشند! (43)

فَسَتَذْکُرُونَ مَا أَقُولُ لَکُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ (44)

و بزودی آنچه را به شما می گویم به خاطر خواهید آورد! من کار خود را به خدا واگذارم که خداوند نسبت به بندگانش بیناست!» (44)

فَوَقَاهُ اللَّهُ سَیِّئَاتِ مَا مَکَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ (45)

خداوند او را از نقشه های سوء آنها نگه داشت، و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد! (45)

النَّارُ یُعْرَضُونَ عَلَیْهَا غُدُوًّا وَعَشِیًّا وَیَوْمَ تَقُومُ السَّاعَهُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ (46)

عذاب آنها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می شوند؛ و روزی که قیامت برپا شود (می فرماید:) «آل فرعون را در سخت ترین عذابها وارد کنید!» (46)

وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِی النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ (47)

به خاطر بیاور هنگامی را که در آتش دوزخ با هم محاجّه می کنند؛ ضعیفان به مستکبران می گویند: «ما پیرو شما بودیم، آیا شما (امروز) سهمی از آتش را بجای ما پذیرا می شوید؟ !» (47)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ (48)

مستکبران می گویند: «ما همگی در آن هستیم، زیرا خداوند در میان بندگانش (بعدالت) حکم کرده است !» (48)

وَقَالَ الَّذِينَ فِی النَّارِ لِخَزَنَهِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ (49)

و آنها که در آتشند به مأموران دوزخ می گویند: «از پروردگارتان بخواهید یک روز عذاب را از ما بردارد !» (49)

قَالُوا أَوَلَمْ تَکُ تَأْتِیکُمْ رُسُلُکُم بِالْبَیِّنَاتِ قَالُوا بَلَی قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْکَافِرِینَ إِلَّا فِی ضَلَالٍ (50)

آنها می گویند: «آیا پیامبران شما دلایل روشن برایتان نیاوردند؟!» می گویند: «آری!» آنها می گویند: «پس هر چه می خواهید (خدا را) بخوانید؛ ولی دعای کافران (به جایی نمی رسد و) جز در ضلالت نیست!» (50)

إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیَاهِ الدُّنْیَا وَیَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهَادُ (51)

ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم! (51)

یَوْمَ لَا یَنفَعُ الظَّالِمِینَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَهُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (52)

روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشد؛ و لعنت خدا برای آنها، و خانه (و جایگاه) بد نیز برای آنان است. (52)

وَلَقَدْ آتَیْنَا مُوسَی الْهُدَی وَأَوْرَثْنَا بَنِی إِسْرَائِیلَ الْکِتَابَ (53)

و ما به موسی هدایت بخشیدیم، و بنی اسرائیل را وارثان کتاب (تورات) قرار دادیم. (53)

هُدًی وَذِکْرَی لِأُولِی الْأَلْبَابِ (54)

کتابی که مایه هدایت و تذکّر برای صاحبان عقل بود! (54)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِکَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ بِالْعَشِیِّ وَالْإِبْکَارِ (55)

پس (ای پیامبر!) صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خدا حقّ است، و برای گناهت استغفار کن، و هر صبح و شام تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور! (55)

إِنَّ الَّذِینَ یُجَادِلُونَ فِی آیَاتِ اللَّهِ بِغَیْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِن فِی صُدُورِهِمْ إِلَّا کِبْرٌ مَّا هُم بِبَالِغِیهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ (56)

کسانی که در آیات خداوند بدون دلیلی که برای آنها آمده باشد ستیزه جویی می کنند، در سینه هایشان فقط تکبّر (و غرور) است، و هرگز به خواسته خود نخواهند رسید، پس به خدا پناه بر که او شنوا و بیناست! (56)

لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (57)

آفرینش آسمانها و زمین از آفرینش انسانها مهمتر است، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (57)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ (58)

هرگز نابینا و بینا یکسان نیستند؛ همچنین کسانی که ایمان آورده، و اعمال صالح انجام داده اند با بدکاران یکسان نخواهند بود؛ امّا کمتر متذکّر می شوید! (58)

إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (59)

روز قیامت به یقین آمدنی است، و شکّی در آن نیست؛ ولی اکثر مردم ایمان نمی آورند! (59)

وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِی سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (60)

پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبّر می ورزند به زودی با ذلّت وارد دوزخ می شوند!» (60)

اللَّهُ الَّذِی جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (61)

خداوند کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیاسایید، و روز را روشنی بخش قرار داد؛ خداوند نسبت به مردم صاحب فضل و کرم است؛ ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی کنند! (61)

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَیْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (62)

این است خداوند، پروردگار شما که آفریننده همه چیز است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه از راه حق منحرف می شوید؟! (62)

كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (63)

اینچنین کسانی که آیات خدا را انکار می کردند (از راه راست) منحرف می شوند! (63)

اللَّهُ الَّذِی جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (64)

خداوند کسی است که زمین را برای شما جایگاه امن و آرامش قرار داد و آسمان را همچون سقفی (بالای سرتان)؛ و شما را صورتگری کرد، و صورتتان را نیکو آفرید؛ و از چیزهایی پاکیزه به شما روزی داد؛ این است خداوند پروردگار شما! جاوید و پربرکت است خداوندی که پروردگار عالمیان است! (64)

هُوَ الْحَیُّ لَا إِلَهَ إِلّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ (65)

زنده (واقعی) اوست؛ معبودی جز او نیست؛ پس او را بخوانید در حالی که دین خود را برای او خالص کرده اید! ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است! (65)

قُلْ إِنِّی نُهِیتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِیَ الْبَیِّنَاتُ مِن رَّبِّی وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِینَ (66)

بگو: «من نهی شده ام از اینکه معبودهایی را که شما غیر از خدا می خوانید بپرستم، چون دلایل روشن از جانب پروردگارم برای من آمده است؛ و مأمورم که تنها در برابر پروردگار عالمیان تسلیم باشم!» (66)

هُوَ الَّذِی خَلَقَکُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَهٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَهٍ ثُمَّ یُخْرِجُکُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ ثُمَّ لِتَکُونُواْ شُیُوخًا وَمِنکُم مَّن یُتَوَفَّی مِن قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلاً مُّسَمًّی وَلَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ (67)

او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، سپس از علقه (خون بسته شده)، سپس شما را بصورت طفلی (از شکم مادر) بیرون می فرستد، بعد به مرحله کمال قوّت خود می رسید، و بعد از آن پیر می شوید و (در این میان) گروهی از شما پیش از رسیدن به این مرحله می میرند و در نهایت به سرآمد عمر خود می رسید؛ و شاید تعقّل کنید! (67)

هُوَ الَّذِی یُحْیِی وَیُمِیتُ فَإِذَا قَضَی أَمْرًا فَإِنَّمَا یَقُولُ لَهُ کُن فَیَکُونُ (68)

او کسی است که زنده می کند و می میراند؛ و هنگامی که کاری را مقرّر کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش!» بی درنگ موجود می شود! (68)

أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ یُجَادِلُونَ فِی آیَاتِ اللَّهِ أَنَّی یُصْرَفُونَ (69)

آیا ندیدی کسانی را که در آیات خدا مجادله می کنند، چگونه از راه حقّ منحرف می شوند؟! (69)

الَّذِینَ کَذَّبُوا بِالْکِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ (70)

همان کسانی که کتاب (آسمانی) و آنچه رسولان خود را بدان فرستاده ایم تکذیب کردند؛ امّا بزودی (نتیجه کار خود را) می دانند! (70)

إِذِ الْأَغْلَالُ فِی أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ یُسْحَبُونَ (71)

در آن هنگام که غل و زنجیرها بر گردن آنان قرار گرفته و آنها را می کشند... (71)

فِی الْحَمِیمِ ثُمَّ فِی النَّارِ یُسْجَرُونَ (72)

و در آب جوشان وارد می کنند؛ سپس در آتش دوزخ افروخته می شوند! (72)

ثُمَّ قِیلَ لَهُمْ أَیْنَ مَا کُنتُمْ تُشْرِکُونَ (73)

سپس به آنها گفته می شود: «کجایند آنچه را همتای خدا قرار می دادید، (73)

مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَّدْعُو مِن قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ (74)

همان معبودهایی را که جز خدا پرستش می کردید؟!» آنها می گویند: «همه از نظر ما پنهان و گم شدند؛ بلکه ما اصلاً پیش از این چیزی را پرستش نمی کردیم»! این گونه خداوند کافران را گمراه می سازد! (74)

ذَلِكُم بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِى الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ (75)

این (عذاب) بخاطر آن است که بناحقّ در زمین شادی می کردید و از روی غرور و مستی به خوشحالی می پرداختید! (75)

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (76)

از درهای جهنّم وارد شوید و جاودانه در آن بمانید؛ و چه بد است جایگاه متکبّران! (76)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِى نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (77)

پس (ای پیامبر) صبر کن که وعده خدا حقّ است؛ و هرگاه قسمتی از مجازاتهایی را که به آنها وعده داده ایم در حال حیاتت به تو ارائه دهیم، یا تو را (پیش از آن) از دنیا ببریم (مهمّ نیست)؛ چرا که همه آنان را تنها بسوی ما باز می گردانند! (77)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِکَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَيْکَ وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْکَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِکَ الْمُبْطِلُونَ (78)

ما پیش از تو رسولانی فرستادیم؛ سرگذشت گروهی از آنان را برای تو بازگفته، و گروهی را برای تو بازگو نکرده ایم؛ و هیچ پیامبری حق نداشت معجزه ای جز بفرمان خدا بیاورد و هنگامی که فرمان خداوند (برای مجازات آنها) صادر شود، بحق داوری خواهد شد؛ و آنجا اهل باطل زیان خواهند کرد! (78)

اللَّهُ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْکَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (79)

خداوند کسی است که چهارپایان را برای شما آفرید تا بعضی را سوار شوید و از بعضی تغذیه کنید. (79)

وَلَکُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِی صُدُورِکُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَی الْفُلْکِ تُحْمَلُونَ (80)

و برای شما در آنها منافع بسیاری (جز اینها) است، تا بوسیله آنها به مقصدی که در دل دارید برسید؛ و بر آنها و بر کشتیها سوار می شوید. (80)

وَيُرِيکُمْ آيَاتِهِ فَأَیَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنکِرُونَ (81)

او آیاتش را همواره به شما نشان می دهد؛ پس کدام یک از آیات او را انکار می کنید؟! (81)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِی الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا کَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِی الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَی عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (82)

آیا روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! همانها که نفراتشان از اینها بیشتر، و نیرو و آثارشان در زمین فزونتر بود؛ امّا هرگز آنچه را به دست می آوردند نتوانست آنها را بی نیاز سازد (و عذاب الهی را از آنان دور کند)! (82)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِندَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (83)

هنگامی که رسولانشان دلایل روشنی برای آنان آوردند، به دانشی که خود داشتند خوشحال بودند (و غیر آن را هیچ می شمردند)؛ ولی آنچه را (از عذاب) به تمسخر می گرفتند آنان را فراگرفت! (83)

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ (84)

هنگامی که عذاب (شدید) ما را دیدند گفتند: «هم اکنون به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به معبودهایی که همتای او می شمردیم کافر شدیم!» (84)

فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِى قَدْ خَلَتْ فِى عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ (85)

امّا هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها سودی نداشت! این سنّت خداوند است که همواره در میان بندگانش اجرا شده، و آنجا کافران زیانکار شدند! (85)

سوره فصلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (1)

حم (1)

تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (2)

این کتابی است که از سوی خداوند رحمان و رحیم نازل شده است؛ (2)

كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (3)

کتابی که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده، در حالی که فصیح و گویاست برای جمعیّتی که آگاهند ! (3)

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (4)

قرآنی که بشارت دهنده و بیم دهنده است؛ ولی بیشتر آنان روی گردان شدند؛ از این رو چیزی نمی شنوند ! (4)

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ (5)

آنها گفتند: «قلبهای ما نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می کنی در پوششهایی قرار گرفته و در گوشهای ما سنگینی است، و میان ما و تو حجابی وجود دارد؛ پس تو بدنبال عمل خود باش، ما هم برای خود عمل می کنیم !» (5)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ (6)

بگو: من فقط انسانی مثل شما هستم؛ این حقیقت بر من وحی می شود که معبود شما معبودی یگانه است؛ پس تمام توجّه خویش را به او کنید و از وی آمرزش طلبید؛ وای بر مشرکان ! (6)

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (7)

همانها که زکات را نمی پردازند، و آخرت را منکرند! (7)

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ (8)

امّا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، پاداشی دائمی دارند! (8)

قُلْ أَئِنَّکُمْ لَتَکْفُرُونَ بِالَّذِی خَلَقَ الْأَرْضَ فِی یَوْمَیْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِکَ رَبُّ الْعَالَمِینَ (9)

بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید کافر هستید و برای او همانندهایی قرارمی دهید؟! او پروردگار جهانیان است! (9)

وَجَعَلَ فِیهَا رَوَاسِیَ مِن فَوْقِهَا وَبَارَکَ فِیهَا وَقَدَّرَ فِیهَا أَقْوَاتَهَا فِی أَرْبَعَهِ أَیَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِینَ (10)

او در زمین کوه های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و موادّ غذایی آن را مقدّر فرمود، - اینها همه در چهار روز بود - درست به اندازه نیاز تقاضا کنندگان! (10)

ثُمَّ اسْتَوَی إِلَی السَّمَاءِ وَهِیَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِیَا طَوْعًا أَوْ کَرْهًا قَالَتَا أَتَیْنَا طَائِعِینَ (11)

سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که بصورت دود بود؛ به آن و به زمین دستور داد: «به وجود آیید (و شکل گیرید)، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه!» آنها گفتند: «ما از روی طاعت می آییم (و شکل می گیریم)!» (11)

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِی یَوْمَیْنِ وَأَوْحَی فِی کُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَیَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْیَا بِمَصَابِیحَ وَحِفْظاً ذَلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ (12)

در این هنگام آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرّر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغهایی [= ستارگان] زینت بخشیدیم، و (با شهابها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند توانا و دانا! (12)

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُکُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَهِ عَادٍ وَثَمُودَ (13)

اگر آنها روی گردان شوند، بگو: من شما را از صاعقه ای همانند صاعقه عاد و ثمود می ترسانم! (13)

إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِن بَیْنِ أَیْدِیهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَائِکَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ کَافِرُونَ (14)

در آن هنگام که رسولان از پیش رو و پشت سر (و از هر سو) به سراغشان آمدند (و آنان را دعوت کردند) که جز خدا را نپرستید آنها گفتند: «اگر پروردگار ما می خواست فرشتگانی نازل می کرد؛ از این رو ما به آنچه شما مبعوث به آن هستید کافریم!» (14)

فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَکْبَرُوا فِی الْأَرْضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ یَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِی خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَکَانُوا بِآیَاتِنَا یَجْحَدُونَ (15)

امّا قوم عاد بناحق در زمین تکبّر ورزیدند و گفتند: «چه کسی از ما نیرومندتر است؟!» آیا نمی دانستند خداوندی که آنان را آفریده از آنها قویتر است؟ و (به خاطر این پندار) پیوسته آیات ما را انکار می کردند. (15)

فَأَرْسَلْنَا عَلَیْهِمْ رِیحًا صَرْصَرًا فِی أَیَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِیقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْیِ فِی الْحَیَاهِ الدُّنْیَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَهِ أَخْزَی وَهُمْ لَا یُنصَرُونَ (16)

سرانجام تندبادی شدید و هول انگیز و سرد و سخت در روزهایی شوم و پرغبار بر آنها فرستادیم تا عذاب خوارکننده را در زندگی دنیا به آنها بچشانیم؛ و عذاب آخرت از آن هم خوارکننده تر است، و (از هیچ طرف) یاری نمی شوند! (16)

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (17)

امّا ثمود را هدایت کردیم، ولی آنها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند؛ به همین جهت صاعقه -آن عذاب خوارکننده- به خاطر اعمالی که انجام می دادند آنها را فروگرفت! (17)

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (18)

و کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزگار بودند نجات بخشیدیم! (18)

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (19)

به خاطر بیاورید روزی را که دشمنان خدا را جمع کرده به سوی دوزخ می برند، و صفوف پیشین را نگه می دارند (تا صفهای بعد به آنها ملحق شوند!) (19)

حَتَّى إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (20)

وقتی به آن می رسند، گوشها و چشمها و پوستهای تنشان به آنچه می کردند گواهی می دهند. (20)

وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِى أَنطَقَ كُلَّ شَىْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (21)

آنها به پوستهای تنشان می گویند: «چرا بر ضدّ ما گواهی دادید؟!» آنها جواب می دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته؛ و او شما را نخستین بار آفرید، و بازگشتتان بسوی اوست! (21)

وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ (22)

شما اگر گناهانتان را مخفی می کردید نه بخاطر این بود که از شهادت گوش و چشمها و پوستهای تنتان بیم داشتید، بلکه شما گمان می کردید که خداوند بسیاری از اعمالی را که انجام می دهید نمی داند! (22)

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِى ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ الْخَاسِرِينَ (23)

آری این گمان بدی بود که درباره پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاکت شما گردید، و سرانجام از زیانکاران شدید! (23)

فَإِن يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ وَإِن يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُم مِّنَ الْمُعْتَبِينَ (24)

اگر صبر کنند (یا نکنند، به هر حال) دوزخ جایگاه آنهاست؛ و اگر تقاضای عفو کنند، مورد عفو قرار نمی گیرند! (24)

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِى أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (25)

ما برای آنها همنشینانی (زشت سیرت) قرار دادیم که زشتیها را از پیش رو و پشت سر آنها در نظرشان جلوه دادند؛ و فرمان الهی در باره آنان تحقق یافت و به سرنوشت اقوام گمراهی از جنّ و انس که قبل از آنها بودند گرفتار شدند؛ آنها مسلّماً زیانکار بودند! (25)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ (26)

کافران گفتند: «گوش به این قرآن فراندهید؛ و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید!» (26)

فَلَنُذِيقَنَّ الّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأ الّذِى كَانُوا يَعْمَلَونَ (27)

به یقین به کافران عذاب شدیدی می چشمانیم، و آنها را به بدترین اعمالی که انجام می دادند کیفر می دهیم ! (27)

ذَلِکَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (28)

این آتش کیفر دشمنان خدا است، سرای جاویدشان در آن خواهد بود، کیفری است بخاطر اینکه آیات ما را انکار می کردند. (28)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا اللَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ (29)

کافران گفتند: «پروردگارا ! آنهایی که از جنّ و انس ما را گمراه کردند به ما نشان ده تا زیر پای خود نهیم (و لگدمالشان کنیم) تا از پست ترین مردم باشند !» (29)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ (30)

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است! (30)

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِى الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِى الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِى أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ (31)

ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم؛ و برای شما هر چه دلتان بخواهد در بهشت فراهم است، و هر چه طلب کنید به شما داده می شود! (31)

نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ (32)

اینها وسیله پذیرایی از سوی خداوند غفور و رحیم است!» (32)

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِى مِنَ الْمُسْلِمِينَ (33)

چه کسی خوش گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می کند و عمل صالح انجام می دهد و می گوید: «من از مسلمانانم»؟! (33)

وَلَا تَسْتَوِى الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِى هِىَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِى بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِىٌّ حَمِيمٌ (34)

هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است! (34)

وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (35)

امّا جز کسانی که دارای صبر و استقامتند به این مقام نمی رسند، و جز کسانی که بهره عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند به آن نایل نمی گردند! (35)

وَإِمَّا يَنزَغَنَّکَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (36)

و هرگاه وسوسه هایی از شیطان متوجّه تو گردد، از خدا پناه بخواه که او شنوده و داناست! (36)

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (37)

و از نشانه های او، شب و روز و خورشید و ماه است؛ برای خورشید و ماه سجده نکنید، برای خدایی که آفریننده آنهاست سجده کنید اگر می خواهید او را بپرستید! (37)

فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِندَ رَبِّکَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ (38)

و اگر (از عبادت پروردگار) تکبّر کنند، کسانی که نزد پروردگار تو هستند شب و روز برای او تسبیح می گویند و خسته نمی شوند! (38)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (39)

و از آيات او اين است كه زمين را خشک (و بی جان) می بينی، امّا هنگامی كه آب (باران) بر آن می فرستيم به جنبش درمی آيد و نموّ می كند؛ همان كسی كه آن را زنده كرد، مردگان را نيز زنده می كند؛ او بر هر چيز تواناست ! (39)

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَن يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَم مَّن يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (40)

كسانی كه آيات ما را تحريف می كنند بر ما پوشيده نخواهند بود ! آيا كسی كه در آتش افكنده می شود بهتر است يا كسی كه در نهايت امن و امان در قيامت به عرصه محشر می آيد؟ ! هر كاری می خواهيد بكنيد، او به آنچه انجام می دهيد بيناست ! (40)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (41)

كسانی كه به اين ذكر [= قرآن] هنگامی كه به سراغشان آمد كافر شدند (نيز بر ما مخفی نخواهد ماند) ! و اين كتابی است قطعاً شكست ناپذير... (41)

لَّا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (42)

كه هيچ گونه باطلی، نه از پيش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی آيد؛ چرا كه از سوی خداوند حكيم و شايسته ستايش نازل شده است ! (42)

مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (43)

آنچه به ناروا درباره تو می گويند همان است كه درباره پيامبران قبل از تو نيز گفته شده؛ پروردگار تو دارای مغفرت و (هم) دارای مجازات دردناكی است ! (43)

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَّقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى

أولَئِکَ یُنَادَوْنَ مِن مَّکَانٍ بَعِیدٍ (44)

هرگاه آن را قرآنی عجمی قرار می دادیم حتماً می گفتند: «چرا آیاتش روشن نیست؟! قرآن عجمی از پیغمبری عربی؟!» بگو: «این (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده اند هدایت و درمان است؛ ولی کسانی که ایمان نمی آورند، در گوشهایشان سنگینی است و گویی نابینا هستند و آن را نمی بینند؛ آنها (همچون کسانی هستند که گوئی) از راه دور صدا زده می شوند!» (44)

وَلَقَدْ آتَیْنَا مُوسَی الْکِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِیهِ وَلَوْلَا کَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّکَ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِی شَکٍّ مِّنْهُ مُرِیبٍ (45)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ سپس در آن اختلاف شد؛ و اگر فرمانی از ناحیه پروردگارت در این باره صادر نشده بود (که باید به آنان مهلت داد تا اتمام حجّت شود)، در میان آنها داوری می شد (و به کیفر می رسیدند)؛ ولی آنها هنوز درباره آن شکّی تهمت انگیز دارند! (45)

مَّنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَیْهَا وَمَا رَبُّکَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِیدِ (46)

کسی که عمل صالحی انجام دهد، سودش برای خود اوست؛ و هر کس بدی کند، به خویشتن بدی کرده است؛ و پروردگارت هرگز به بندگان ستم نمی کند! (46)

جزء 25

ادامه سوره فصلت

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِن ثَمَرَاتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِى قَالُوا آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٍ (47)

علم به قیامت (و لحظه وقوع آن) تنها به خدا بازمی گردد؛ هیچ میوه ای از غلاف خود خارج نمی شود، و هیچ زنی باردار نمی گردد و وضع حمل نمی کند مگر به علم او؛ و آن روز که آنها را ندا می دهد (و می گوید:) کجایند شریکانی که برای من می پنداشتید؟! می گویند: «(پروردگارا!) ما عرضه داشتیم که هیچ گواهی بر گفته خود نداریم!» (47)

وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَدْعُونَ مِن قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ (48)

و همه معبودانی را که قبلاً می خواندند محو و گم می شوند؛ و می دانند هیچ گریزگاهی ندارند! (48)

لَّا يَسْأَمُ الْإِنسَانُ مِن دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ (49)

انسان هرگز از تقاضای نیکی (و نعمت) خسته نمی شود؛ و هرگاه شرّ و بدی به او رسد، بسیار مأیوس و نومید می گردد! (49)

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِن بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِى وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّجِعْتُ إِلَى رَبِّى إِنَّ لِى عِندَهُ لَلْحُسْنَى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (50)

و هرگاه او را رحمتی از سوی خود بعد از ناراحتی که به او رسیده بچشانیم می گوید: «این بخاطر شایستگی و استحقاق من بوده، و گمان نمی کنم قیامت برپا شود؛ و (بفرض که قیامتی باشد،) هرگاه بسوی پروردگارم بازگردانده شوم، برای من نزد او پاداشهای نیک است. ما کافران را از اعمالی که انجام داده اند (بزودی) آگاه خواهیم کرد و از عذاب شدید به آنها می چشانیم. (50)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ (51)

و هرگاه به انسان (غافل و بی خبر) نعمت دهیم، روی می گرداند و به حال تکبّر از حق دور می شود؛ ولی هرگاه مختصر ناراحتی به او رسد، تقاضای فراوان و مستمرّ (برای بر طرف شدن آن) دارد! (51)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُم بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِی شِقَاقٍ بَعِيدٍ (52)

بگو: «به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خداوند باشد و شما به آن کافر شوید، چه کسی گمراهتر خواهد بود از کسی که در مخالفت شدیدی قرار دارد؟! (52)

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَفِی أَنفُسِهِمْ حَتَّی يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ شَهِيدٌ (53)

به زودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است؛ آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟! (53)

أَلَا إِنَّهُمْ فِی مِرْيَةٍ مِّن لِّقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَیْءٍ مُّحِيطٌ (54)

آگاه باشید که آنها از لقای پروردگارشان در شکّ و تردیدند؛ و آگاه باشید که خداوند به همه چیز احاطه دارد! (54)

سوره الشوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (1)

حم. (1)

عسق (2)

عسق. (2)

كَذَلِكَ يُوحِى إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (3)

این گونه خداوند عزیز و حکیم به تو و پیامبرانی که پیش از تو بودند وحی می کند. (3)

لَهُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِىُّ الْعَظِيمُ (4)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست؛ و او بلندمرتبه و بزرگ است ! (4)

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (5)

نزدیک است آسمانها (بخاطر نسبتهای ناروای مشرکان) از بالا متلاشی شوند و فرشتگان پیوسته تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می آورند و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می کنند؛ آگاه باشید خداوند آمرزنده و مهربان است. (5)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (6)

کسانی که غیر خدا را ولیّ خود انتخاب کردند، خداوند حساب همه اعمال آنها را نگه می دارد؛ و تو مأمور نیستی که آنان را مجبور به قبول حقّ کنی ! (6)

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِى الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِى السَّعِيرِ (7)

و این گونه قرآنی عربی [= فصیح و گویا] را بر تو وحی کردیم تا «امّ القری» [= مکّه] و مردم پیرامون آن را انذار کنی و آنها را از روزی که همه خلایق در آن روز جمع می شوند و شکّ و تردید در آن نیست بترسانی؛ گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان! (7)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِی رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِیٍّ وَلَا نَصِیرٍ (8)

و اگر خدا می خواست همه آنها را امّت واحدی قرار می داد (و به زور هدایت می کرد، ولی هدایت اجباری سودی ندارد)؛ امّا خداوند هر کس را بخواهد در رحمتش وارد می کند، و برای ظالمان ولیّ و یاوری نیست. (8)

أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِیَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِیُّ وَهُوَ یُحْیِی الْمَوْتَی وَهُوَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (9)

آیا آنها غیر از خدا را ولیّ خود برگزیدند؟! در حالی که «ولیّ» فقط خداوند است و اوست که مردگان را زنده می کند، و اوست که بر هر چیزی تواناست! (9)

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِیهِ مِن شَیْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَی اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّی عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَیْهِ أُنِیبُ (10)

در هر چیز اختلاف کنید، داوریش با خداست؛ این است خداوند، پروردگار من، بر او توکّل کرده ام و به سوی او بازمی گردم! (10)

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (11)

او آفریننده آسمانها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفتهایی از چهارپایان آفرید؛ و شما را به این وسیله [= بوسیله همسران] زیاد می کند؛ هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست! (11)

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ (12)

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست؛ روزی را برای هر کس بخواهد گسترش می دهد یا محدود می سازد؛ او به همه چیز داناست. (12)

شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِى أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِى إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِى إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ (13)

آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می کند. (13)

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِىَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِن بَعْدِهِمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (14)

آنان پراکنده نشدند مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد؛ و این تفرقه جویی بخاطر انحراف از حق (و عداوت و حسد) بود؛ و اگر فرمانی از سوی پروردگارت صادر نشده بود که تا سرآمد معیّنی (زنده و آزاد) باشند، در میان آنها داوری می شد؛ و کسانی که بعد از آنها وارثان کتاب شدند نسبت به آن در شک و تردیدند، شکی همراه با بدبینی! (14)

فَلِذَلِکَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِن کِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَکُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّکُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَکُمْ أَعْمَالُکُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَکُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (15)

پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آنچنان که مأمور شده ای استقامت نما، و از هوی و هوسهای آنان پیروی مکن، و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم؛ خداوند پروردگار ما و شماست؛ نتیجه اعمال ما از آن ما است و نتیجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست؛ و خداوند ما و شما را در یکجا جمع می کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست!» (15)

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِی اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (16)

کسانی که (از روی لجاجت) درباره خدا بعد از پذیرفتن (و ایمان به) او، محاجّه می کنند، دلیلشان نزد پروردگارشان باطل و بی پایه است؛ و غضب بر آنهاست و عذابی شدید دارند. (16)

اللَّهُ الَّذِی أَنزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ (17)

خداوند کسی است که کتاب را بحق نازل کرد و میزان (سنجش حق و باطل و خبر قیامت) را نیز؛ تو چه می دانی شاید ساعت (قیام قیامت) نزدیک باشد! (17)

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِی السَّاعَةِ لَفِی ضَلَالٍ بَعِيدٍ (18)

کسانی که به قیامت ایمان ندارند درباره آن شتاب می کنند؛ ولی آنها که ایمان آورده اند پیوسته از آن هراسانند، و می دانند آن حق است؛ آگاه باشید کسانی که در قیامت تردید می کنند، در گمراهی عمیقی هستند. (18)

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِيزُ (19)

خداوند نسبت به بندگانش لطف (و آگاهی) دارد؛ هر کس را بخواهد روزی می دهد و او قوّی و شکست ناپذیر است! (19)

مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِی حَرْثِهِ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِی الْآخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ (20)

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می دهیم و بر محصولش می افزاییم؛ و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می دهیم امّا در آخرت هیچ بهره ای ندارد! (20)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُم مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَن بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِیَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (21)

آیا معبودانی دارند که بی اذن خداوند آیینی برای آنها ساخته اند؟! اگر مهلت معیّنی برای آنها نبود، در میانشان داوری می شد (و دستور عذاب صادر می گشت) و برای ظالمان عذاب دردناکی است! (21)

تَرَی الظَّالِمِینَ مُشْفِقِینَ مِمَّا کَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِی رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُم مَّا یَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ذَلِکَ هُوَ الْفَضْلُ الْکَبِیرُ (22)

(در آن روز) ستمگران را می بینی که از اعمالی که انجام داده اند سخت بیمناکند، ولی آنها را فرامی گیرد! امّا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند در باغهای بهشتند و هر چه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنها فراهم است؛ این است فضل (و بخشش) بزرگ! (22)

ذَلِکَ الَّذِی یُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُل لَّا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی وَمَن یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِیهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ (23)

این همان چیزی است که خداوند بندگانش را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند به آن نوید می دهد! بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [= اهل بیتم]؛ و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی اش می افزاییم؛ چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است. (23)

أَمْ یَقُولُونَ افْتَرَی عَلَی اللَّهِ کَذِبًا فَإِن یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلَی قَلْبِکَ وَیَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَیُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (24)

آیا می گویند: «او بر خدا دروغ بسته است»؟! در حالی که اگر خدا بخواهد بر قلب تو مُهر می نهد (و اگر خلاف بگوئی قدرت اظهار این آیات را از تو می گیرد) و باطل را محو می کند و حقّ را بفرمانش پابرجا می سازد؛ چرا که او از آنچه درون سینه هاست آگاه است. (24)

وَهُوَ الَّذِی یَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَیَعْفُو عَنِ السَّیِّئَاتِ وَیَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (25)

او کسی است که توبه را از بندگانش می پذیرد و بدیها را می بخشد، و آنچه را انجام می دهید می داند. (25)

وَیَسْتَجِیبُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَیَزِیدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَالْکَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ (26)

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده اند می پذیرد و از فضل خود بر آنها می افزاید؛ امّا برای کافران عذاب شدیدی است! (26)

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِی الْأَرْضِ وَلَکِن یُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا یَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِیرٌ بَصِیرٌ (27)

هرگاه خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد، در زمین طغیان و ستم می کنند؛ از این رو بمقداری که می خواهد (و مصلحت می داند) نازل می کند، که نسبه به بندگانش آگاه و بیناست! (27)

وَهُوَ الّذِی یُنَزِّلُ الْغَیْثَ مِن بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَیَنشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِیُّ الْحَمِیدُ (28)

او کسی است که باران سودمند را پس از آنکه مأیوس شدند نازل می کند و رحمت خویش را می گستراند؛ و او ولیّ و (سرپرست) و ستوده است! (28)

وَمِنْ آیَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِیهِمَا مِن دَابَّهٍ وَهُوَ عَلَی جَمْعِهِمْ إِذَا یَشَاءُ قَدِیرٌ (29)

و از آیات اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر نموده؛ و او هرگاه بخواهد بر جمع آنها تواناست! (29)

وَمَا أَصَابَکُم مِّن مُّصِیبَهٍ فَبِمَا کَسَبَتْ أَیْدِیکُمْ وَیَعْفُو عَن کَثِیرٍ (30)

هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده اید، و بسیاری را نیز عفو می کند! (30)

وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِینَ فِی الْأَرْضِ وَمَا لَکُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِیٍّ وَلَا نَصِیرٍ (31)

و شما هرگز نمی توانید در زمین از قدرت خداوند فرار کنید؛ و غیر از خدا هیچ ولیّ و یاوری برای شما نیست. (31)

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِى الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (32)

از نشانه های او کشتیهایی است که در دریا همچون کوه ها به نظر می رسند! (32)

إِن يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (33)

اگر او اراده کند، باد را ساکن می سازد تا آنها بر پشت دریا بی حرکت بمانند؛ در این نشانه هایی است برای هر صبرکننده شکرگزار! (33)

أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ (34)

یا اگر بخواهد آنها را بخاطر اعمالی که سرنشینانش مرتکب شده اند نابود می سازد؛ و در عین حال بسیاری را می بخشد. (34)

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِى آيَاتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ (35)

کسانی که در آیات ما مجادله می کنند بدانند هیچ گریزگاهی ندارند! (35)

فَمَا أُوتِيتُم مِّن شَىْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (36)

آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکّل می کنند بهتر و پایدارتر است. (36)

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (37)

همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می ورزند، و هنگامی که خشمگین شوند عفو می کنند. (37)

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاهَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (38)

و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی

داده ایم انفاق می کنند، (38)

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْىُ هُمْ يَنتَصِرُونَ (39)

و کسانی که هرگاه ستمی به آنها رسد، (تسلیم ظلم نمی شوند و) یاری می طلبند! (39)

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (40)

کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست؛ خداوند ظالمان را دوست ندارد! (40)

وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ (41)

و کسی که بعد از مظلوم شدن یاری طلبد، ایرادی بر او نیست؛ (41)

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِى الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (42)

ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می کنند و در زمین بناحق ظلم روا می دارند؛ برای آنان عذاب دردناکی است! (42)

وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (43)

امّا کسانی که شکیبایی و عفو کنند، این از کارهای پرارزش است! (43)

وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن وَلِىٍّ مِّن بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ (44)

کسی را که خدا گمراه کند، ولیّ و یاوری جز او نخواهد داشت؛ و ظالمان را (روز قیامت) می بینی هنگامی که عذاب الهی را مشاهده می کنند میگویند: «آیا راهی به سوی بازگشت (و جبران) وجود دارد؟!» (44)

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِى عَذَابٍ مُّقِيمٍ (45)

و آنها را می بینی که بر آتش عرضه می شوند در حالی که از شدّت مذلّت خاشعند و زیر چشمی (به آن) نگاه می کنند؛ و کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «زیانکاران واقعی آنانند که خود و خانواده خویش را روز قیامت از دست داده اند؛ آگاه باشید که ظالمان (آن روز) در عذاب دائمند!» (45)

وَمَا كَانَ لَهُم مِّنْ أَوْلِيَاءَ يَنصُرُونَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن سَبِيلٍ (46)

آنها جز خدا اولیا و یاورانی ندارند که یاریشان کنند؛ و هر کس را خدا گمراه سازد، هیچ راه نجاتی برای او نیست! (46)

اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُم مِّن مَّلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٍ (47)

اجابت کنید دعوت پروردگار خود را پیش از آنکه روزی فرا رسد که بازگشتی برای آن در برابر اراده خدا نیست؛ و در آن روز، نه پناهگاهی دارید و نه مدافعی! (47)

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنسَانَ كَفُورٌ (48)

و اگر روی گردان شوند (غمگین مباش)، ما تو را حافظ آنان (و مأمور اجبارشان) قرار نداده ایم؛ وظیف ه تو تنها ابلاغ رسالت است! و هنگامی که ما رحمتی از سوی خود به انسان بچشانیم به آن دلخوش می شود، و اگر بلایی بخاطر اعمالی که انجام داده اند به آنها رسد (به کفران می پردازند)، چرا که انسان بسیار کفران کننده است! (48)

لِّلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ (49)

مالکیّت و حاکمیّت آسمانها و زمین از آن خداست؛ هر چه را بخواهد می آفریند؛ به هر کس اراده کند دختر می بخشد و به هر کس بخواهد پسر، (49)

أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (50)

یا (اگر بخواهد) پسر و دختر -هر دو- را برای آنان جمع میکند و هر کس را بخواهد عقیم می گذارد؛ زیرا که او دانا و قادر است. (50)

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ (51)

و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب، یا رسولی می فرستد و بفرمان او آنچه را بخواهد وحی می کند؛ چرا که او بلندمقام و حکیم است! (51)

وَكَذَٰلِکَ أَوْحَيْنَا إِلَيْکَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنتَ تَدْرِى مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِى بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّکَ لَتَهْدِى إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (52)

همان گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را بفرمان خود وحی کردیم؛ تو پیش از این نمی دانستی کتاب و ایمان چیست (و از محتوای قرآن آگاه نبودی)؛ ولی ما آن را نوری قرار دادیم که بوسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می کنیم؛ و تو مسلّماً به سوی راه راست هدایت می کنی. (52)

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِى لَهُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (53)

راه خداوندی که تمامی آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست؛ آگاه باشید که همه کارها تنها بسوی خدا بازمی گردد! (53)

سوره الزخرف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (1)

حم. (1)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (2)

سوگند به کتاب مبین (و روشنگر)، (2)

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (3)

که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما (آن را) درک کنید! (3)

وَإِنَّهُ فِى أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِىٌّ حَكِيمٌ (4)

و آن در «امّ الکتاب» [= لوح محفوظ] نزد ما بلندپایه و استوار است! (4)

أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ (5)

آیا این ذکر [= قرآن] را از شما بازگیریم بخاطر اینکه قومی اسرافکارید؟! (5)

وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِىٍّ فِى الْأَوَّلِينَ (6)

چه بسیار پیامبرانی که (برای هدایت) در میان اقوام پیشین فرستادیم؛ (6)

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِىٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (7)

ولی هیچ پیامبری به سوی آنها نمی آمد مگر اینکه او را استهزا می کردند. (7)

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا وَمَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ (8)

ولی ما کسانی را که نیرومندتر از آنها بودند هلاک کردیم، و داستان پیشینیان گذشت. (8)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (9)

هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» مسلّماً می گویند: «خداوند قادر و دانا آنها را آفریده است»! (9)

الَّذِى جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (10)

همان کسی که زمین را محل آرامش شما قرار داد، و برای شما در آن راه هایی آفرید باشد، که هدایت شوید (و به مقصد برسید)! (10)

وَالَّذِی نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (11)

همان کسی که از آسمان آبی فرستاد بمقدار معیّن، و بوسیله آن سرزمین مرده را حیات بخشیدیم؛ همین گونه (در قیامت از قبرها) شما را خارج می سازند! (11)

وَالَّذِی خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (12)

و همان کسی که همه زوجها را آفرید، و برای شما از کشتیها و چهارپایان مرکبهایی قرارداد که بر آن سوار می شوید، (12)

لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (13)

تا بر پشت آنها بخوبی قرار گیرید؛ سپس هنگامی که بر آنها سوار شدید، نعمت پروردگارتان را متذکّر شوید و بگویید: «پاک و منزّه است کسی که این را مسخّر ما ساخت، وگرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم؛ (13)

وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ (14)

و ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم!» (14)

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ (15)

آنها برای خداوند از میان بندگانش جزئی قرار دادند (و ملائکه را دختران خدا خواندند)؛ انسان کفران کننده آشکاری است! (15)

أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ (16)

آیا از میان مخلوقاتش دختران را برای خود انتخاب کرده و پسران را برای شما برگزیده است؟! (16)

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (17)

در حالی که هرگاه یکی از آنها را به همان چیزی که برای خداوند رحمان شبیه قرار داده [= به تولّد دختر] بشارت دهند، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می شود و خشمگین می گردد! (17)

أَوَمَن يُنَشَّأُ فِی الْحِلْیَهِ وَهُوَ فِی الْخِصَامِ غَیْرُ مُبِینٍ (18)

آیا کسی را که در لابلای زینتها پرورش می یابد و به هنگام جدال قادر به تبیین مقصود خود نیست (فرزند خدا می خوانید)؟! (18)

وَجَعَلُوا الْمَلَائِکَهَ الَّذِینَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُکْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَیُسْأَلُونَ (19)

آنها فرشتگان را که بندگان خداوند رحمانند مؤنّث پنداشتند؛ آیا شاهد آفرینش آنها بوده اند؟! گواهی آنان نوشته می شود و (از آن) بازخواست خواهند شد! (19)

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُم مَّا لَهُم بِذَلِکَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا یَخْرُصُونَ (20)

آنان گفتند: «اگر خداوند رحمان می خواست ما آنها را پرستش نمی کردیم!» ولی به این امر هیچ گونه علم و یقین ندارند و جز دروغ چیزی نمی گویند! (20)

أَمْ آتَیْنَاهُمْ کِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِکُونَ (21)

یا اینکه ما کتابی پیش از این به آنان داده ایم و آنها به آن تمسّک می جویند؟! (21)

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَی أُمَّهٍ وَإِنَّا عَلَی آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ (22)

بلکه آنها می گویند: «ما نیاکان خود را بر آئینی یافتیم، و ما نیز به پیروی آنان هدایت یافته ایم.» (22)

وَكَذَلِکَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ فِی قَرْیَهٍ مِّن نَّذِیرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَی أُمَّهٍ وَإِنَّا عَلَی آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ (23)

و این گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر انذارکننده ای نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: «ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می کنیم.» (23)

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُکُم بِأَهْدَی مِمَّا وَجَدتُّمْ عَلَیْهِ آبَاءَکُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ کَافِرُونَ (24)

(پیامبرشان) گفت: «آیا اگر من آیینی هدایت بخش تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم (باز هم انکار می کنید)؟ !» گفتند: «(آری،) ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید کافریم !» (24)

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الْمُکَذِّبِینَ (25)

به همین جهت از آنها انتقام گرفتیم؛ بنگر پایان کار تکذیب کنندگان چگونه بود ! (25)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِیمُ لِأَبِیهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِی بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ (26)

و به خاطر بیاور هنگامی را که ابراهیم به پدرش [= عمویش آزر] و قومش گفت: «من از آنچه شما می پرستید بیزارم. (26)

إِلَّا الَّذِی فَطَرَنِی فَإِنَّهُ سَیَهْدِینِ (27)

مگر آن کسی که مرا آفریده، که او هدایتم خواهد کرد !» (27)

وَجَعَلَهَا کَلِمَهً بَاقِیَهً فِی عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ (28)

او کلمه توحید را کلمه پاینده ای در نسلهای بعد از خود قرار داد، شاید به سوی خدا باز گردند ! (28)

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّی جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِینٌ (29)

ولی من این گروه و پدرانشان را از مواهب دنیا بهره مند ساختم تا حق و فرستاده آشکار (الهی) به سراغشان آمد؛ (29)

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (30)

هنگامی که حق به سراغشان آمد؛ گفتند: «این سحر است، و ما نسبت به آن کافریم» ! (30)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ (31)

و گفتند: «چرا این قرآن بر مرد بزرگ (و ثروتمندی) از این دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است؟ !» (31)

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (32)

آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟ ! ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده (و با هم تعاون نمایند)؛ و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع آوری می کنند بهتر است ! (32)

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (33)

اگر (تمکّن کفّار از مواهب مادی) سبب نمی شد که همه مردم امت واحد (گمراهی) شوند، ما برای کسانی که به (خداوند) رحمان کافر می شدند خانه هایی قرار می دادیم با سقفهایی از نقره و نردبانهایی که از آن بالا روند، (33)

وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ (34)

و برای خانه هایشان درها و تختهایی (زیبا و نقره ای) قرار می دادیم که بر آن تکیه کنند؛ (34)

وَزُخْرُفًا وَإِن كُلُّ ذَلِکَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَهُ عِندَ رَبِّکَ لِلْمُتَّقِينَ (35)

و انواع زیورها؛ ولی تمام اینها بهره زندگی دنیاست، و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است! (35)

وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (36)

و هر کس از یاد خدا روی گردان شود شیطان را به سراغ او میفرستیم پس همواره قرین اوست! (36)

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ (37)

و آنها [= شیاطین] این گروه را از راه خدا بازمی دارند، در حالی که گمان می کنند هدایت یافتگان حقیقی آنها هستند! (37)

حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِى وَبَيْنَکَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ (38)

تا زمانی که (در قیامت) نزد ما حاضر شود می گوید: ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود؛ چه بد همنشینی بودی! (38)

وَلَن يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِى الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (39)

(ولی به آنها می گوییم:) هرگز این گفتگوها امروز به حال شما سودی ندارد، چرا که ظلم کردید؛ و همه در عذاب مشترکید! (39)

أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِى الْعُمْىَ وَمَن كَانَ فِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ (40)

(ای پیامبر!) آیا تو می توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکاری هستند هدایت کنی؟! (40)

فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِکَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ (41)

و هرگاه تو را از میان آنها ببریم، حتماً از آنان انتقام خواهیم گرفت؛ (41)

أَوْ نُرِيَنَّکَ الَّذِی وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ (42)

یا اگر (زنده بمانی و) و آنچه را (از عذاب) به آنان وعده داده ایم به تو نشان دهیم، باز ما بر آنها مسلّطیم ! (42)

فَاسْتَمْسِکْ بِالَّذِی أُوحِیَ إِلَيْکَ إِنَّکَ عَلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (43)

آنچه را بر تو وحی شده محکم بگیر که تو بر صراط مستقیمی. (43)

وَإِنَّهُ لَذِکْرٌ لَّکَ وَلِقَوْمِکَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ (44)

و این مایه یادآوری (و عظمت) تو و قوم تو است و بزودی سؤال خواهید شد. (44)

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ مِن رُّسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ (45)

از رسولانی که پیش از تو فرستادیم بپرس: آیا غیر از خداوند رحمان معبودانی برای پرستش قرار دادیم؟ ! (45)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَی بِآيَاتِنَا إِلَی فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّی رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (46)

ما موسی را با آیات خود به سوی فرعون و درباریان او فرستادیم؛ (موسی به آنها) گفت: «من فرستاده پروردگار جهانیانم» (46)

فَلَمَّا جَاءَهُم بِآيَاتِنَا إِذَا هُم مِّنْهَا يَضْحَکُونَ (47)

ولی هنگامی که او آیات ما را برای آنها آورد، به آن می خندیدند ! (47)

وَمَا نُرِيهِم مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِىَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (48)

ما هیچ آیه (و معجزه ای) به آنان نشان نمی دادیم مگر اینکه از دیگری بزرگتر (و مهمتر) بود؛ و آنها را به (انواع) عذاب گرفتار کردیم شاید بازگردند! (48)

وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّکَ بِمَا عَهِدَ عِندَکَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ (49)

(وقتی گرفتار بلا می شدند می) گفتند: «ای ساحر! پروردگارت را به عهدی که با تو کرده بخوان (تا ما را از این بلا برهاند) که ما هدایت خواهیم یافت (و ایمان می آوریم)!» (49)

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ (50)

امّا هنگامی که عذاب را از آنها برطرف می ساختیم پیمان خود را می شکستند! (50)

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِى قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِى مُلْکُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِى مِن تَحْتِى أَفَلَا تُبْصِرُونَ (51)

فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی بینید؟ (51)

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِى هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ (52)

مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی تواند فصیح سخن بگوید برترم؟ (52)

فَلَوْلَا أُلْقِىَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (53)

(اگر راست می گوید) چرا دستبندهای طلا به او داده نشده، یا اینکه چرا فرشتگان دوشادوش او نیامده اند (تا گفتارش را تأیید کنند)؟! (53)

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (54)

(فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند! (54)

فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (55)

امّا هنگامی که ما را به خشم آوردند، از آنها انتقام گرفتیم و همه را غرق کردیم. (55)

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ (56)

و آنها را پیشگامان (در عذاب) و عبرتی برای دیگران قرار دادیم. (56)

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ (57)

و هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده شد، ناگهان قوم تو بخاطر آن داد و فریاد راه انداختند. (57)

وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ (58)

و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او [= مسیح]؟! (اگر معبودان ما در دوزخند، مسیح نیز در دوزخ است، چرا که معبود واقع شده) !» ولی آنها این مثل را جز از طریق جدال (و لجاج) برای تو نزدند؛ آنان گروهی کینه توز و پرخاشگرند! (58)

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِى إِسْرَائِيلَ (59)

مسیح فقط بنده ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگوئی برای بنی اسرائیل قرار دادیم. (59)

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَائِكَةً فِى الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ (60)

و هرگاه بخواهیم به جای شما در زمین فرشتگانی قرار می دهیم که جانشین (شما) گردند! (60)

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (61)

و او [= مسیح] سبب آگاهی بر روز قیامت است. (زیرا نزول عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است)؛ هرگز در آن تردید نکنید؛ و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است! (61)

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (62)

و شیطان شما را (از راه خدا) باز ندارد، که او دشمن آشکار شماست! (62)

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُم بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعْضَ الَّذِى تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (63)

و هنگامی که عیسی دلایل روشن (برای آنها) آورد گفت: «من برای شما حکمت آورده ام، و آمده ام تا برخی از آنچه را که در آن اختلاف دارید روشن کنم؛ پس تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمایید! (63)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّى وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (64)

خداوند پروردگار من و پروردگار شماست؛ (تنها) او را پرستش کنید که راه راست همین است!» (64)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ (65)

ولی گروه هایی از میان آنها (درباره مسیح) اختلاف کردند (و بعضی او را خدا پنداشتند)؛ وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک! (65)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (66)

آیا جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان به سراغشان آید در حالی که نمی فهمند؟ (66)

الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (67)

دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزگاران! (67)

يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ (68)

ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین می شوید! (68)

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ (69)

همان کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند. (69)

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ (70)

(به آنها خطاب می شود:) شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید! (70)

يُطَافُ عَلَيْهِم بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (71)

(این در حالی است که) ظرفها (ی غذا) و جامهای طلائی (شراب طهور) را گرداگرد آنها می گردانند؛ و در آن (بهشت) آنچه دلها می خواهد و چشمها از آن لذت می برد موجود است؛ و شما همیشه در آن خواهید ماند! (71)

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِى أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (72)

این بهشتی است که شما وارث آن می شوید بخاطر اعمالی که انجام می دادید! (72)

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ (73)

و در آن برای شما میوه های فراوان است که از آن می خورید. (73)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِی عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (74)

(ولی) مجرمان در عذاب دوزخ جاودانه می مانند. (74)

لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (75)

هرگز عذاب آنان تخفیف نمی یابد، و در آنجا از همه چیز مأیوسند. (75)

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ (76)

ما به آنها ستم نکردیم، آنان خود ستمکار بودند! (76)

وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُم مَّاكِثُونَ (77)

آنها فریاد می کشند: «ای مالک دوزخ! (ای کاش) پروردگارت ما را بمیراند (تا آسوده شویم)!» می گوید: «شما در این جا ماندنی هستید!» (77)

لَقَدْ جِئْنَاكُم بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (78)

ما حق را برای شما آوردیم؛ ولی بیشتر شما از حق کراهت داشتید! (78)

أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ (79)

بلکه آنها تصمیم محکم بر توطئه گرفتند؛ ما نیز اراده محکمی (درباره آنها) داریم! (79)

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُم بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ (80)

آیا آنان می پندارند که ما اسرار نهانی و سخنان درگوشی آنان را نمی شنویم؟ آری، رسولان (و فرشتگان) ما نزد آنها هستند و می نویسند! (80)

قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ (81)

بگو: «اگر برای خداوند فرزندی بود، من نخستین پرستنده او بودم!» (81)

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (82)

منزه است پروردگار آسمانها و زمین، پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می کنند! (82)

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِى يُوعَدُونَ (83)

آنان را به حال خود واگذار تا در باطل غوطه ور باشند و سرگرم بازی شوند تا روزی را که به آنها وعده داده شده است ملاقات کنند (و نتیجه کار خود را ببینند)! (83)

وَهُوَ الَّذِى فِى السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِى الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (84)

او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود؛ و او حکیم و علیم است! (84)

وَتَبَارَكَ الَّذِى لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (85)

پر برکت و پایدار است کسی که حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است از آن اوست؛ و آگاهی از قیام قیامت نزد اوست و به سوی او بازگردانده می شوید! (85)

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (86)

کسانی را که غیر از او می خوانند قادر بر شفاعت نیستند؛ مگر آنها که شهادت به حق داده اند و بخوبی آگاهند! (86)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (87)

و اگر از آنها بپرسی چه کسی آنان را آفریده، قطعاً می گویند: خدا؛ پس چگونه از عبادت او منحرف می شوند؟! (87)

وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ (88)

آنها چگونه از شکایت پیامبر که می گوید: «پروردگارا! اینها قومی هستند که ایمان نمی آورند» (غافل می شوند؟!) (88)

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (89)

پس (اکنون که چنین است) از آنان روی برگردان و بگو: «سلام بر شما»، امّا بزودی خواهند دانست! (89)

ص: 495

سوره الدخان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (1)

حم (1)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (2)

سوگند به این کتاب روشنگر، (2)

إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِی لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ (3)

که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره انذارکننده بوده ایم! (3)

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (4)

در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می گردد. (4)

أَمْرًا مِّنْ عِندِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (5)

(آری، نزول قرآن) فرمانی بود از سوی ما؛ ما (محمد (ص) را) فرستادیم! (5)

رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (6)

اینها همه بخاطر رحمتی است از سوی پروردگارت، که شنونده و داناست! (6)

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ (7)

(همان) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، اگر اهل یقین هستید! (7)

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِی وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (8)

هیچ معبودی جز او نیست؛ زنده می کند و می میراند؛ او پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شماست! (8)

بَلْ هُمْ فِی شَکٍّ یَلْعَبُونَ (9)

ولی آنها در شکند و (با حقایق) بازی می کنند. (9)

فَارْتَقِبْ یَوْمَ تَأْتِی السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِینٍ (10)

پس منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد... (10)

یَغْشَی النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِیمٌ (11)

که همه مردم را فرامی گیرد؛ این عذاب دردناکی است! (11)

رَّبَّنَا اکْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (12)

(می گویند:) پروردگارا! عذاب را از ما برطرف کن که ایمان می آوریم. (12)

أَنَّی لَهُمُ الذِّکْرَی وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِینٌ (13)

چگونه: و از کجا متذکر می شوند با اینکه رسول روشنگر (با معجزات و منطق روشن) به سراغشان آمد! (13)

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ (14)

سپس از او روی گردان شدند و گفتند: «او تعلیم یافته ای دیوانه است!» (14)

إِنَّا کَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِیلاً إِنَّکُمْ عَائِدُونَ (15)

ما عذاب را کمی برطرف می سازیم، ولی باز به کارهای خود بازمی گردید! (15)

یَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْکُبْرَی إِنَّا مُنتَقِمُونَ (16)

(ما از آنها انتقام می گیریم) در آن روز که آنها را با قدرت خواهیم گرفت؛ آری ما انتقام گیرنده ایم! (16)

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ کَرِیمٌ (17)

ما پیش از اینها قوم فرعون را آزمودیم و رسول بزرگواری به سراغشان آمد، (17)

أَنْ أَدُّوا إِلَیَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ (18)

(و به آنان گفت: امور) بندگان خدا را به من واگذارید که من فرستاده امینی برای شما هستم! (18)

ص: 496

وَأَن لَّا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّى آتِيكُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (19)

و در برابر خداوند تکبر نورزید که من برای شما دلیل روشنی آورده ام! (19)

وَإِنِّى عُذْتُ بِرَبِّى وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ (20)

و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از اینکه مرا متهم کنید! (20)

وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا لِى فَاعْتَزِلُونِ (21)

و اگر به من ایمان نمی آورید، از من کناره گیری کنید (و مانع ایمان آوردن مردم نشوید)! (21)

فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ (22)

(آنها هیچ یک از این پندها را نپذیرفتند، و موسی) به پیشگاه پروردگارش عرضه داشت: اینها قومی مجرمند! (22)

فَأَسْرِ بِعِبَادِى لَيْلًا إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ (23)

(به او دستور داده شد:) بندگان مرا شبانه حرکت ده که شما تعقیب می شوید! (23)

وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ (24)

(هنگامی که از دریا گذشتید) دریا را آرام و گشاده بگذار (و بگذر) که آنها لشکری غرق شده خواهند بود! (24)

كَمْ تَرَكُوا مِن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (25)

(سرانجام همگی نابود شدند و) چه بسیار باغها و چشمه ها که از خود به جای گذاشتند، (25)

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (26)

و زراعتها و قصرهای زیبا و گرانقیمت، (26)

وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ (27)

و نعمتهای فراوان دیگر که در آن (غرق) بودند! (27)

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ (28)

اینچنین بود ماجرای آنان! و ما (اموال و حکومت) اینها را میراث برای اقوام دیگری قرار دادیم! (28)

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ (29)

نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین، و نه به آنها مهلتی داده شد! (29)

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِى إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ (30)

ما بنی اسرائیل را از عذاب ذلّت بار رهایی بخشیدیم؛ (30)

مِن فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ (31)

از فرعون که مردی متکبر و از اسرافکاران بود! (31)

وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (32)

ما آنها را با علم (خویش) بر جهانیان برگزیدیم و برتری دادیم، (32)

وَآتَيْنَاهُم مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ (33)

و آیاتی (از قدرت خویش) را به آنها دادیم که آزمایش آشکاری در آن بود (ولی آنان کفران کردند و مجازات شدند)! (33)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ (34)

اینها [= مشرکان] می گویند: (34)

إِنْ هِىَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ (35)

«مرگ ما جز همان مرگ اول نیست و هرگز برانگیخته نخواهیم شد! (35)

فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (36)

اگر راست می گویید پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید (تا گواهی دهند)!» (36)

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (37)

آیا آنان بهترند یا قوم «تبّع» و کسانی که پیش از آنها بودند؟! ما آنان را هلاک کردیم، چرا که مجرم بودند! (37)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (38)

ما آسمانها و زمین و آنچه را که در میان این دو است به بازی (و بی هدف) نیافریدیم! (38)

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (39)

ما آن دو را جز بحق نیافریدیم؛ ولی بیشتر آنان نمی دانند! (39)

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ (40)

روز جدایی (حق از باطل) وعده گاه همه آنهاست! (40)

يَوْمَ لَا يُغْنِى مَوْلًى عَن مَّوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (41)

روزی که هیچ دوستی کمترین کمکی به دوستش نمی کند، و از هیچ سو یاری نمی شوند؛ (41)

إِلَّا مَن رَّحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (42)

مگر کسی که خدا او را مورد رحمت قرار داده، چرا که او عزیز و رحیم است! (42)

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ (43)

مسلّماً درخت زقّوم... (43)

طَعَامُ الْأَثِيمِ (44)

غذای گنهکاران است، (44)

كَالْمُهْلِ يَغْلِى فِى الْبُطُونِ (45)

همانند فلز گداخته در شکمها می جوشد؛ (45)

كَغَلْيِ الْحَمِيمِ (46)

جوششی همچون آب سوزان! (46)

خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ (47)

(آنگاه به مأموران دوزخ خطاب می شود:) این کافر مجرم را بگیرید و به میان دوزخ پرتابش کنید! (47)

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ (48)

سپس بر سر او از عذاب جوشان بریزید! (48)

ذُقْ إِنَّکَ أنتَ الْعَزِیزُ الْکَرِیمُ (49)

(به او گفته می شود:) بچش که (به پندار خود) بسیار قدرتمند و محترم بودی! (49)

إِنَّ هَذَا مَا کُنتُم بِهِ تَمْتَرُونَ (50)

این همان چیزی است که پیوسته در آن تردید می کردید! (50)

إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی مَقَامٍ أَمِینٍ (51)

(ولی) پرهیزگاران در جایگاه امنی قرار دارند، (51)

فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ (52)

در میان باغها و چشمه ها؛ (52)

یَلْبَسُونَ مِن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِینَ (53)

آنها لباسهایی از حریر نازک و ضخیم می پوشند و در مقابل یکدیگر می نشینند؛ (53)

کَذَلِکَ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِینٍ (54)

اینچنین اند بهشتیان؛ و آنها را با «حور العین» تزویج می کنیم! (54)

یَدْعُونَ فِیهَا بِکُلِّ فَاکِهَةٍ آمِنِینَ (55)

آنها در آنجا هر نوع میوه ای را بخواهند در اختیارشان قرارمی گیرد، و در نهایت امنیّت به سر می برند! (55)

لَا یَذُوقُونَ فِیهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِیمِ (56)

هرگز مرگی جز همان مرگ اوّل (که در دنیا چشیده اند) نخواهند چشید، و خداوند آنها را از عذاب دوزخ حفظ می کند؛ (56)

فَضْلًا مِّن رَّبِّکَ ذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ (57)

این فضل و بخششی است از سوی پروردگارت، این همان رستگاری بزرگ است! (57)

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِکَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَکَّرُونَ (58)

ما آن [= قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم، شاید آنان متذکّر شوند! (58)

فَارْتَقِبْ إِنَّهُم مُّرْتَقِبُونَ (59)

(امّا اگر نپذیرفتند) منتظر باش، آنها نیز منتظرند (تو منتظر پیروزی الهی و آنها منتظر عذاب و شکست)! (59)

سوره الجاثیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (1)

حم (1)

تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (2)

این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است! (2)

إِنَّ فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ (3)

بی شکّ در آسمانها و زمین نشانه های (فراوانی) برای مؤمنان وجود دارد؛ (3)

وَفِى خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (4)

و نیز در آفرینش شما و جنبندگانی که (در سراسر زمین) پراکنده ساخته، نشانه هایی است برای جمعیّتی که اهل یقینند. (4)

وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن رِّزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (5)

و نیز در آمد و شد شب و روز، و رزق (و بارانی) که خداوند از آسمان نازل کرده و بوسیله آن زمین را بعد از مردنش حیات بخشیده و همچنین در وزش بادها، نشانه های روشنی است برای گروهی که اهل تفکّرند! (5)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَىِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (6)

اینها آیات خداوند است که ما آن را بحقّ بر تو تلاوت می کنیم؛ اگر آنها به این آیات ایمان نیاورند، به کدام سخن بعد از سخن خدا و آیاتش ایمان می آورند؟! (6)

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (7)

وای بر هر دروغگوی گنهکار... (7)

يَسْمَعُ آيَاتِ اللّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأن لّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (8)

که پیوسته آیات خدا را می شنود که بر او تلاوت می شود، امّا از روی تکبّر اصرار بر مخالفت دارد؛ گویی اصلاً آن را هیچ نشنیده است؛ چنین کسی را به عذابی دردناک بشارت ده! (8)

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (9)

و هرگاه از بعضی آیات ما آگاه شود، آن را به باد استهزا می گیرد؛ برای آنان عذاب خوارکننده ای است! (9)

مِّن وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِی عَنْهُم مَّا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (10)

و پشت سرشان دوزخ است؛ و هرگز آنچه را به دست آورده اند آنها را (از عذاب الهی) رهایی نمی بخشد، و نه اولیایی که غیر از خدا برای خود برگزیدند (مایه نجاتشان خواهند بود)؛ و عذاب بزرگی برای آنهاست! (10)

هَذَا هُدًی وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ (11)

این (قرآن) مایه هدایت است، و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند، عذابی سخت و دردناک دارند! (11)

اللَّهُ الَّذِی سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِیَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (12)

خداوند همان کسی است که دریا را مسخّر شما کرد تا کشتیها بفرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره گیرید، و شاید شکر نعمتهایش را بجا آورید! (12)

وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِی ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (13)

او آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخّر شما ساخته؛ در این نشانه های (مهمّی) است برای کسانی که اندیشه می کنند! (13)

قُل لِّلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (14)

به مؤمنان بگو: «کسانی را که امید به ایّام اللّه [= روز رستاخیز] ندارند مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می دادند جزا دهد»! (14)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (15)

هر کس کار شایسته ای بجا آورد، برای خود بجا آورده است؛ و کسی که کار بد می کند، به زیان خود اوست؛ سپس همه شما به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید! (15)

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (16)

ما بنی اسرائیل را کتاب (آسمانی) و حکومت و نبّوت بخشیدیم و از روزیهای پاکیزه به آنها عطا کردیم و آنان را بر جهانیان (و مردم عصر خویش) برتری بخشیدیم؛ (16)

وَآتَيْنَاهُم بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (17)

و دلایل روشنی از امر نبّوت و شریعت در اختیارشان قرار دادیم؛ آنها اختلاف نکردند مگر بعد از علم و آگاهی؛ و این اختلاف بخاطر ستم و برتری جویی آنان بود؛ امّا پروردگارت روز قیامت در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می کند. (17)

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (18)

سپس تو را بر شریعت و آیین حقّی قرار دادیم؛ از آن پیروی کن و از هوسهای کسانی که آگاهی ندارند پیروی مکن! (18)

إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ (19)

آنها هرگز نمی توانند تو را در برابر خداوند بی نیاز کنند (و از عذابش برهانند)؛ و ظالمان یار و یاور یکدیگرند، امّا خداوند یار و یاور پرهیزگاران است! (19)

هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (20)

این (قرآن و شریعت آسمانی) وسایل بینایی و مایه هدایت و رحمت است برای مردمی که (به آن) یقین دارند! (20)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (21)

آیا کسانی که مرتکب بدیها و گناهان شدند گمان کردند که ما آنها را همچون کسانی قرارمی دهیم که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند که حیات و مرگشان یکسان باشد؟! چه بد داوری می کنند! (21)

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (22)

و خداوند آسمانها و زمین را بحقّ آفریده است تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است جزا داده شود؛ و به آنها ستمی نخواهد شد! (22)

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (23)

آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مُهر زده و بر چشمش پرده ای افکنده است؟! با این حال چه کسی می تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکّر نمی شوید؟! (23)

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (24)

آنها گفتند: «چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست؛ گروهی از ما می میرند و گروهی جای آنها را می گیرند؛ و جز طبیعت و روزگار ما را هلاک نمی کند!» آنان به این سخن که می گویند علمی ندارند، بلکه تنها حدس می زنند (و گمانی بی پایه دارند)! (24)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا ائْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (25)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می شود، دلیلی در برابر آن ندارند جز اینکه می گویند: «اگر راست می گویید پدران ما را (زنده کنید) و بیاورید (تا گواهی دهند)!» (25)

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (26)

بگو: «خداوند شما را زنده می کند، سپس می میراند، بار دیگر در روز قیامت که در آن تردیدی نیست گردآوری می کند؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.» (26)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَهُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ (27)

مالکیّت و حاکمیّت آسمانها و زمین برای خداست؛ و آن روز که قیامت برپا شود اهل باطل زیان می بینند! (27)

وَتَرَى كُلّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (28)

در آن روز هر امّتی را می بینی (که از شدّت ترس و وحشت) بر زانو نشسته؛ هر امّتی بسوی کتابش خوانده می شود، و (به آنها می گویند:) امروز جزای آنچه را انجام می دادید به شما می دهند! (28)

هَذَا كِتَابُنَا يَنطِقُ عَلَيْكُم بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (29)

این کتاب ما است که بحق با شما سخن می گوید (و اعمال شما را بازگو می کند)؛ ما آنچه را انجام می دادید می نوشتیم! (29)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِى رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (30)

امّا کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پروردگارشان آنها را در رحمت خود وارد می کند؛ این همان پیروزی بزرگ است! (30)

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِى تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (31)

امّا کسانی که کافر شدند (به آنها گفته می شود:) مگر آیات من بر شما خوانده نمی شد و شما استکبار کردید و قوم مجرمی بودید؟! (31)

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُم مَّا نَدْرِى مَا السَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ (32)

و هنگامی که گفته می شد: «وعده خداوند حقّ است، و در قیامت هیچ شکّی نیست»، شما می گفتید: «ما نمی دانیم قیامت چیست؟ ما تنها گمانی در این باره داریم، و به هیچ وجه یقین نداریم!» (32)

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (33)

و بدیهای اعمالشان برای آنان آشکار می شود، و سرانجام آنچه را استهزا می کردند آنها را فرامی گیرد! (33)

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ (34)

و به آنها گفته می شود: «امروز شما را فراموش می کنیم همان گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش کردید؛ و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یاوری ندارید! (34)

ذَلِكُم بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (35)

این بخاطر آن است که شما آیات خدا را به مسخره گرفتید و زندگی دنیا شما را فریب داد! «امروز نه آنان را از دوزخ بیرون می آورند، و نه هیچ گونه عذری از آنها پذیرفته می شود! (35)

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (36)

پس حمد و ستایش مخصوص خداست، پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار همه جهانیان! (36)

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (37)

و برای اوست کبریا و عظمت در آسمانها و زمین، و اوست عزیز و حکیم! (37)

جزء 26

سوره الأحقاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (1)

حم (1)

تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (2)

این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است! (2)

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ (3)

ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان این دو است جز بحق و برای سرآمد معیّنی نیافریدیم؛ امّا کافران از آنچه انذار می شوند روی گردانند! (3)

قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَرُونِى مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِى السَّمَاوَاتِ ائْتُونِى بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (4)

به آنان بگو: «این معبودهایی را که غیر از خدا پرستش می کنید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده اند، یا شرکتی در آفرینش آسمانها دارند؟ کتابی آسمانی پیش از این، یا اثر علمی از گذشتگان برای من بیاورید (که دلیل صدق گفتار شما باشد) اگر راست می گویید!» (4)

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ (5)

چه کسی گمراهتر است از آن کس که معبودی غیر خدا را می خواند که تا قیامت هم به او پاسخ نمی گوید و از خواندن آنها (کاملا) بی خبر است؟! (و صدای آنها را هیچ نمی شنود!) (5)

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ (6)

و هنگامی که مردم محشور می شوند، معبودهای آنها دشمنانشان خواهند بود؛ حتّی عبادت آنها را انکار می کنند ! (6)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (7)

هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، کافران در برابر حقّی که برای آنها آمده می گویند: «این سحری آشکار است !» (7)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِى مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيدًا بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (8)

بلکه می گویند: «این آیات را بر خدا افترا بسته است !» بگو: «اگر من آن را بدروغ به خدا نسبت داده باشم (لازم است مرا رسوا کند و) شما نمی توانید در برابر خداوند از من دفاع کنید ! او کارهایی را که شما در آن وارد می شوید بهتر می داند؛ همین بس که خداوند گواه میان من و شما باشد؛ و او آمرزنده و مهربان است !» (8)

قُلْ مَا كُنتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِى مَا يُفْعَلُ بِى وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَىَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (9)

بگو: «من پیامبر نوظهوری نیستم؛ و نمی دانم با من و شما چه خواهد شد؛ من تنها از آنچه بر من وحی می شود پیروی می کنم، و جز بیم دهنده آشکاری نیستم !» (9)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَكَفَرْتُم بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّن بَنِى إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (10)

بگو: «به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خدا باشد و شما به آن کافر شوید، در حالی که شاهدی از بنی اسرائیل بر آن شهادت دهد، و او ایمان آورد و شما استکبار کنید (چه کسی گمراهتر از شما خواهد بود)؟ ! خداوند گروه ستمگر را هدایت نمی کند !» (10)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ (11)

کافران درباره مؤمنان چنین گفتند: «اگر (اسلام) چیز خوبی بود، هرگز آنها (در پذیرش آن) بر ما پیشی نمی گرفتند!» و چون خودشان بوسیله آن هدایت نشدند می گویند: «این یک دروغ قدیمی است!» (11)

وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ (12)

و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (نشانه های آن را بیان کرده)، و این کتاب هماهنگ با نشانه های تورات است در حالی که به زبان عربی و فصیح و گویاست، تا ظالمان را بیم دهد و برای نیکوکاران بشارتی باشد! (12)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (13)

کسانی که گفتند: «پروردگار ما اللّه است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می شوند. (13)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (14)

آنها اهل بهشتند و جاودانه در آن می مانند؛ این پاداش اعمالی است که انجام می دادند. (14)

وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِى أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِى أَنْعَمْتَ عَلَىَّ وَعَلَى وَالِدَىَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِى فِى ذُرِّيَّتِى إِنِّى تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّى مِنَ الْمُسْلِمِينَ (15)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می گوید: «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم و کار شایسته ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو بازمی گردم و توبه می کنم، و من از مسلمانانم!» (15)

أُولَئِکَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَن سَيِّئَاتِهِمْ فِى أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِى كَانُوا يُوعَدُونَ (16)

آنها کسانی هستند که ما بهترین اعمالشان را قبول می کنیم و از گناهانشان می گذریم و در میان بهشتیان جای دارند؛ این وعده راستی است که وعده داده می شدند. (16)

وَالَّذِى قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِنِى أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِن قَبْلِى وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللَّهَ وَيْلَکَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (17)

و کسی که به پدر و مادرش می گوید: «اف بر شما! آیا به من وعده می دهید که من روز قیامت مبعوث می شوم؟! در حالی که پیش از من اقوام زیادی بودند (و هرگز مبعوث نشدند)! و آن دو پیوسته فریاد می کشند و خدا را به یاری می طلبند که: وای بر تو، ایمان بیاور که وعده خدا حق است امّا او پیوسته می گوید:» اینها چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست! (17)

أُولَئِکَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِى أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (18)

آنها کسانی هستند که فرمان عذاب درباره آنان همراه اقوام (کافری) که پیش از آنان از جنّ و انس بودند مسلّم شده، چرا که همگی زیانکار بودند!

(18)

وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (19)

و برای هر کدام از آنها درجاتی است بر طبق اعمالی که انجام داده اند، تا خداوند کارهایشان را بی کم و کاست به آنان تحویل دهد؛ و به آنها هیچ ستمی نخواهد شد! (19)

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِى حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِى الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ (20)

آن روز که کافران را بر آتش عرضه می کنند (به آنها گفته می شود:) از طیّبات و لذائذ در زندگی دنیا خود استفاده کردید و از آن بهره گرفتید؛ اما امروز عذاب ذلّت بار بخاطر استکباری که در زمین بناحق کردید و بخاطر گناهانی که انجام می دادید؛ جزای شما خواهد بود! (20)

وَاذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّی أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (21)

(سرگذشت هود) برادر قوم عاد را یاد کن، آن زمان که قومش را در سرزمین «احقاف» بیم داد در حالی که پیامبران زیادی قبل از او در گذشته های دور و نزدیک آمده بودند که: جز خدای یگانه را نپرستید! (و گفت:) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم! (21)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (22)

آنها گفتند: «آیا آمده ای که ما را (با دروغهایت) از معبودانمان بازگردانی؟! اگر راست می گویی عذابی را که به ما وعده می دهی بیاور!» (22)

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِندَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُم مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّی أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (23)

گفت: «علم (آن) تنها نزد خداست (و او می داند چه زمانی شما را مجازات کند)؛ من آنچه را به آن فرستاده شده ام به شما می رسانم، (وظیفه من همین است!) ولی شما را قومی می بینیم که پیوسته در نادانی هستید!» (23)

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُم بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (24)

هنگامی که آن (عذاب الهی) را بصورت ابر گسترده ای دیدند که بسوی درّه ها و آبگیرهای آنان در حرکت است (خوشحال شدند) گفتند: «این ابری است که بر ما می بارد!» (ولی به آنها گفته شد:) این همان چیزی است که برای آمدنش شتاب می کردید، تندبادی است (وحشتناک) که عذاب دردناکی در آن است! (24)

تُدَمِّرُ كُلَّ شَیْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِی الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (25)

همه چیز را بفرمان پروردگارش در هم میکوبد و نابود میکند (آری) آنها صبح کردند در حالی که چیزی جز خانه هایشان به چشم نمی خورد؛ ما این گونه گروه مجرمان را کیفر می دهیم! (25)

وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِن مَّكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُم مِّن شَىْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (26)

ما به آنها [= قوم عاد] قدرتی دادیم که به شما ندادیم، و برای آنان گوش و چشم و دل قرار دادیم؛ (امّا به هنگام نزول عذاب) نه گوشها و چشمها و نه عقلهایشان برای آنان هیچ سودی نداشت، چرا که آیات خدا را انکار می کردند؛ و سرانجام آنچه را استهزا می کردند بر آنها وارد شد! (26)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُم مِّنَ الْقُرَى وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (27)

ما آبادیهایی را که پیرامون شما بودند نابود ساختیم، و آیات خود را بصورتهای گوناگون (برای مردم آنها) بیان کردیم شاید بازگردند! (27)

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (28)

پس چرا معبودانی را که غیر از خدا برگزیدند -به گمان اینکه به خدا نزدیکشان سازد- آنها را یاری نکردند؟! بلکه از میانشان گم شدند! این بود نتیجه دروغ آنها و آنچه افترا می بستند! (28)

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْکَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِىَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ (29)

(به یاد آور) هنگامی که گروهی از جنّ را به سوی تو متوجّه ساختیم که قرآن را بشنوند؛ وقتی حضور یافتند به یکدیگر گفتند: «خاموش باشید و بشنوید!» و هنگامی که پایان گرفت، به سوی قوم خود بازگشتند و آنها را بیم دادند! (29)

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِى إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ (30)

گفتند: «ای قوم ما! ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، هماهنگ با نشانه های کتابهای پیش از آن، که به سوی حقّ و راه راست هدایت می کند. (30)

يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِىَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (31)

ای قوم ما! دعوت کننده الهی را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا گناهانتان را ببخشد و شما را از عذابی دردناک پناه دهد! (31)

وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِىَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِى الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِکَ فِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ (32)

و هر کس به دعوت کننده الهی پاسخ نگوید، هرگز نمی تواند از چنگال عذاب الهی در زمین فرار کند، و غیر از خدا یار و یاوری برای او نیست؛ چنین کسانی در گمراهی آشکارند!» (32)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِى خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْىَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَى أَن يُحْيِىَ الْمَوْتَى بَلَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (33)

آیا آنها نمی دانند خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده و از آفرینش آنها ناتوان نشده است، می تواند مُردگان را زنده کند؟! آری او بر هر چیز تواناست! (33)

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (34)

روزی را به یاد آور که کافران را بر آتش عرضه می دارند (و به آنها گفته می شود:) آیا این حقّ نیست؟! می گویند: «آری، به پروردگارمان سوگند (که حقّ است)!» (در این هنگام خداوند) می گوید: «پس عذاب را بخاطر کفرتان بچشید!» (34)

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِل لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ (35)

پس صبر کن آن گونه که پیامبران «اُولو العزم» صبر کردند، و برای (عذاب) آنان شتاب مکن! هنگامی که وعده هایی را که به آنها داده می شود ببینند، احساس می کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز (در دنیا) توقّف داشتند؛ این ابلاغی است برای همگان؛ آیا جز قوم فاسق هلاک می شوند؟! (35)

سوره محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (1)

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، (خداوند) اعمالشان را نابود می کند! (1)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ (2)

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد (ص) نازل شده -و همه حقّ است و از سوی پروردگارشان- نیز ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را می بخشد و کارشان را اصلاح می کند! (2)

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (3)

این بخاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از حقّی که از سوی پروردگارشان بود تبعیّت نمودند؛ این گونه خداوند برای مردم مثَلهای (زندگی) آنان را بیان می کند! (3)

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُم بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (4)

و هنگامی که با کافران (جنایت پیشه) در میدان جنگ روبه رو شدید گردنهایشان را بزنید، (و این کار را همچنان ادامه دهید) تا به اندازه کافی دشمن را در هم بکوبید؛ در این هنگام اسیران را محکم ببندید؛ سپس یا بر آنان منّت گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنان فدیه [= غرامت] بگیرید؛ (و این وضع باید همچنان ادامه یابد) تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد، (آری) برنامه این است! و اگر خدا می خواست خودش آنها را مجازات می کرد، اما می خواهد بعضی از شما را با بعضی

دیگر بیازماید؛ و کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را از بین نمی برد! (4)

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ (5)

بزودی آنان را هدایت نموده و کارشان را اصلاح می کند؛ (5)

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ (6)

و آنها را در بهشت (جاویدانش) که اوصاف آن را برای آنان بازگو کرده وارد می کند. (6)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (7)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار می دارد. (7)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (8)

و کسانی که کافر شدند، مرگ بر آنان! و اعمالشان نابود باد! (8)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (9)

این بخاطر آن است که از آنچه خداوند نازل کرده کراهت داشتند؛ از این رو خدا اعمالشان را حبط و نابود کرد! (9)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا (10)

آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! خداوند آنها را هلاک کرد؛ و برای کافران امثال این مجازاتها خواهد بود! (10)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (11)

این برای آن است که خداوند مولا و سرپرست کسانی است که ایمان آوردند؛ امّا کافران مولایی ندارند! (11)

ص: 507

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ (12)

خداوند کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند وارد باغهایی از بهشت می کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است؛ در حالی که کافران از متاع زودگذر دنیا بهره می گیرند و همچون چهارپایان می خورند، و سرانجام آتش دوزخ جایگاه آنهاست! (12)

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِىَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ الَّتِى أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ (13)

و چه بسیار شهرهایی که از شهری که تو را بیرون کرد نیرومندتر بودند؛ ما همه آنها را نابود کردیم و هیچ یاوری نداشتند! (13)

أَفَمَن كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُم (14)

آیا کسی که دلیل روشنی از سوی پروردگارش دارد، همانند کسی است که زشتی اعمالش در نظرش آراسته شده و از هوای نفسشان پیروی می کنند؟! (14)

مَّثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِى وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِى النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ (15)

توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، چنین است: در آن نهرهایی از آب صاف و خالص که بدبو نشده، و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذّت نوشندگان است، و نهرهایی از عسل مصفّاست، و برای آنها در آن از همه انواع میوه ها وجود دارد؛ و (از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارشان! آیا اینها همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخند و از آب جوشان نوشانده می شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می کند؟! (15)

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (16)

گروهی از آنان به سخنانت گوش فرامی دهند، امّا هنگامی که از نزد تو خارج می شوند به کسانی که علم و دانش به آنان بخشیده شده (از روی استهزا) می گویند: «(این مرد) الان چه گفت؟!» آنها کسانی هستند که خداوند بر دلهایشان مُهر نهاده و از هوای نفسشان پیروی کرده اند (از این رو چیزی نمی فهمند)! (16)

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (17)

کسانی که هدایت یافته اند، خداوند بر هدایتشان می افزاید و روح تقوا به آنان می بخشد! (17)

فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ (18)

آیا آنها [= کافران] جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان فرا رسد (آنگاه ایمان آورند)، در حالی که هم اکنون نشانه های آن آمده است؛ اما هنگامی که بیاید، تذکّر (و ایمان) آنها سودی نخواهد داشت! (18)

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِکَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ (19)

پس بدان که معبودی جز «اللّه» نیست؛ و برای گناه خود و مردان و زنان باایمان استغفار کن! و خداوند محل حرکت و قرارگاه شما را می داند! (19)

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يَنظُرُونَ إِلَيْکَ نَظَرَ الْمَغْشِیِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَى لَهُمْ (20)

کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «چرا سوره ای نازل نمی شود (که در آن فرمان جهاد باشد)؟!» امّا هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل می گردد که در آن سخنی از جنگ است، منافقان بیماردل را می بینی که همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می کنند؛ پس مرگ و نابودی برای آنان سزاوارتر است! (20)

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ (21)

(ولی) اطاعت و سخن سنجیده برای آنان بهتر است؛ و اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی می شود به خدا راست گویند (و از در صدق و صفا درآیند) برای آنها بهتر می باشد! (21)

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ (22)

اگر (از این دستورها) روی گردان شوید، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟! (22)

أُولَئِکَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَى أَبْصَارَهُمْ (23)

آنها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوشهایشان را کر و چشمهایشان را کور کرده است! (23)

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (24)

آیا آنها در قرآن تدبّر نمی کنند، یا بر دلهایشان قفل نهاده شده است؟! (24)

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ (25)

کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانیِ فریفته است! (25)

ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ قَالَوا لِلّذِینَ کَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللّهُ سَنُطِیعُکُمْ فِی بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللّهُ یَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ (26)

این بخاطر آن است که آنان به کسانی که نزول وحی الهی را کراهت داشتند گفتند: «ما در بعضی از امور از شما پیروی می کنیم؟» در حالی که خداوند پنهانکاری آنان را می داند. (26)

فَکَیْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِکَهُ یَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ (27)

حال آنها چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان (مرگ) بر صورت و پشت آنان می زنند و جانشان را می گیرند؟! (27)

ذَلِکَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَکَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (28)

این بخاطر آن است که آنها از آنچه خداوند را به خشم می آورد پیروی کردند، و آنچه را موجب خشنودی اوست کراهت داشتند؛ از این رو (خداوند) اعمالشان را نابود کرد! (28)

أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن یُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ (29)

آیا کسانی که در دلهایشان بیماری است گمان کردند خدا کینه هایشان را آشکار نمی کند؟! (29)

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِی لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ یَعْلَمُ أَعْمَالَکُمْ (30)

و اگر ما بخواهیم آنها را به تو نشان می دهیم تا آنان را با قیافه هایشان بشناسی، هر چند می توانی آنها را از طرز سخنانشان بشناسی؛ و خداوند اعمال شما را می داند! (30)

وَلَنَبْلُوَنَّکُمْ حَتَّی نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِینَ مِنکُمْ وَالصَّابِرِینَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَکُمْ (31)

ما همه شما را قطعاً می آزمائیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند، و اخبار شما را بیازماییم! (31)

إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِیلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی لَن یَضُرُّوا اللَّهَ شَیْئًا وَسَیُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ (32)

آنان که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند و بعد از روشن شدن هدایت برای آنان (باز) به مخالفت با رسول (خدا) برخاستند، هرگز زیانی به خدا نمی رسانند و (خداوند) بزودی اعمالشان را نابود می کند! (32)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَکُمْ (33)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول (خدا) را، و اعمال خود را باطل نسازید! (33)

إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ کُفَّارٌ فَلَن یَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (34)

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند سپس در حال کفر از دنیا رفتند، خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید. (34)

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَی السَّلْمِ وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَکُمْ وَلَن یَتِرَکُمْ أَعْمَالَکُمْ (35)

پس هرگز سست نشوید و (دشمنان را) به صلح (ذلّت بار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی کند! (35)

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ (36)

زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی است؛ و اگر ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، پاداشهای شما را می دهد و اموال شما را نمی طلبد، (36)

إِن يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ (37)

چرا که هر گاه اموال شما را مطالبه کند و حتّی اصرار نماید، بخل می ورزید؛ و کینه و خشم شما را آشکار می سازد! (37)

هَا أَنتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنكُم مَّن يَبْخَلُ وَمَن يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُم (38)

آری، شما همان گروهی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می شوید، بعضی از شما بخل می ورزند؛ و هر کس بخل ورزد، نسبت به خود بخل کرده است؛ و خداوند بی نیاز است و شما همه نیازمندید؛ و هرگاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می آورد پس آنها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می کنند). (38)

سوره الفتح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُّبِينًا (1)

ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم !... (1)

لِّيَغْفِرَ لَکَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِکَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْکَ وَيَهْدِيَکَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (2)

تا خداوند گناهان گذشته و آینده ای را که به تو نسبت می دادند ببخشد (و حقّانیت تو را ثابت نموده) و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایتت فرماید؛ (2)

وَيَنصُرَکَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا (3)

و پیروزی شکست ناپذیری نصیب تو کند. (3)

هُوَ الَّذِی أَنزَلَ السَّکِينَةَ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَکَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَکِيمًا (4)

او کسی است که آرامش را در دلهای مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند؛ لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند دانا و حکیم است. (4)

لِّيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُکَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَکَانَ ذَلِکَ عِندَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا (5)

هدف (دیگر از آن فتح مبین) این بود که مردان و زنان با ایمان را در باغهایی (از بهشت) وارد کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، در حالی که جاودانه در آن می مانند، و گناهانشان را می بخشد، و این نزد خدا رستگاری بزرگی است ! (5)

وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِکِينَ وَالْمُشْرِکَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (6)

و (نیز) مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می برند مجازات کند؛ (آری) حوادث ناگواری (که برای مؤمنان انتظار می کشند) تنها بر خودشان نازل می شود! خداوند بر آنان غضب کرده و از رحمت خود دورشان ساخته و جهنم را برای آنان آماده کرده؛ و چه بد سرانجامی است! (6)

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (7)

لشکریان آسمانها و زمین تنها از آن خداست؛ و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است.! (7)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (8)

به یقین ما تو را گواه (بر اعمال آنها) و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم، (8)

لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (9)

تا (شما مردم) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از او دفاع کنید و او را بزرگ دارید، و خدا را صبح و شام تسبیح گویید. (9)

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (10)

کسانی که با تو بیعت می کنند (در حقیّقت) تنها با خدا بیعت می نمایند، و دست خدا بالای دست آنهاست؛ پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است؛ و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد. (10)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِم مَّا لَيْسَ فِى قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ لَكُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (11)

بزودی متخلّفان از اعراب بادیه نشین (عذرتراشی کرده) می گویند: «(حفظ) اموال و خانواده های ما، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستیم در سفر حدیبیّه تو را همراهی کنیم)، برای ما طلب آمرزش کن!» آنها به زبان خود چیزی می گویند که در دل ندارند! بگو: «چه کسی می تواند در برابر خداوند از شما دفاع کند هرگاه زیانی برای شما بخواهد، و یا اگر نفعی اراده کند (مانع گردد)؟! و خداوند به همه کارهایی که انجام می دهید آگاه است!» (11)

بَلْ ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَنقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَلِكَ فِى قُلُوبِكُمْ وَظَنَنتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنتُمْ قَوْمًا بُورًا (12)

ولی شما گمان کردید پیامبر و مؤمنان هرگز به خانواده های خود بازنخواهند گشت؛ و این (پندار غلط) در دلهای شما زینت یافته بود و گمان بد کردید؛ و سرانجام (در دام شیطان افتادید و) هلاک شدید! (12)

وَمَن لَّمْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا (13)

آن کس که به خدا و پیامبرش ایمان نیاورده (سرنوشتش دوزخ است)، چرا که ما برای کافران آتش فروزان آماده کرده ایم! (13)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (14)

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خداست؛ هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد، و هر کس را بخواهد مجازات می کند؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است. (14)

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِن قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا (15)

هنگامی که شما برای به دست آوردن غنایمی حرکت کنید، متخلّفان (حدیبیّه) می گویند: «بگذارید ما هم در پی شما بیائیم، آنها می خواهند کلام خدا را تغییر دهند؛ بگو: «هرگز نباید بدنبال ما بیایید؛ این گونه خداوند از قبل گفته است!» آنها به زودی می گویند: «شما نسبت به ما حسد می ورزید!» ولی آنها جز اندکی نمی فهمند! (15)

قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِن تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِن تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (16)

به متخلّفان از اعراب بگو: «بزودی از شما دعوت می شود که بسوی قومی نیرومند و جنگجو بروید و با آنها پیکار کنید تا اسلام بیاورند؛ اگر اطاعت کنید، خداوند پاداش نیکی به شما می دهد؛ و اگر سرپیچی نمایید -همان گونه که در گذشته نیز سرپیچی کردید- شما را با عذاب دردناکی کیفر می دهد!» (16)

لَّيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا (17)

بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست (اگر در میدان جهاد شرکت نکنند)؛ و هر کس خدا و رسولش را اطاعت نماید، او را در باغهای (از بهشت) وارد می کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است؛ و آن کس که سرپیچی کند، او را به عذاب دردناکی گرفتار می سازد! (17)

لَّقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (18)

خداوند از مؤمنان -هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند- راضی و خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می دانست؛ از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی بعنوان پاداش نصیب آنها فرمود؛ (18)

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (19)

و (همچنین) غنایم بسیاری که آن را به دست می آورید؛ و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است! (19)

وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (20)

خداوند غنایم فراوانی به شما وعده داده بود که آنها را به دست می آورید، ولی این یکی را زودتر برای شما فراهم ساخت؛ و دست تعدّی مردم [= دشمنان] را از شما بازداشت تا نشانه ای برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست هدایت کند! (20)

وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (21)

و نیز غنایم و فتوحات دیگری (نصیبتان می کند) که شما توانایی آن را ندارید، ولی قدرت خدا به آن احاطه دارد؛ و خداوند بر همه چیز تواناست! (21)

وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (22)

و اگر کافران (در سرزمین حدیبیّه) با شما پیکار می کردند بزودی فرار می کردند، سپس ولیّ و یاوری نمی یافتند! (22)

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (23)

این سنّت الهی است که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سنّت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت! (23)

وَهُوَ الَّذِی کَفَّ أَیْدِیَهُمْ عَنکُمْ وَأَیْدِیَکُمْ عَنْهُم بِبَطْنِ مَکَّهَ مِن بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَکُمْ عَلَیْهِمْ وَکَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرًا (24)

او کسی است که دست آنها را از شما، و دست شما را از آنان در دل مکّه کوتاه کرد، بعد از آنکه شما را بر آنها پیروز ساخت؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست ! (24)

هُمُ الَّذِینَ کَفَرُوا وَصَدُّوکُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْیَ مَعْکُوفًا أَن یَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَن تَطَئُوهُمْ فَتُصِیبَکُم مِّنْهُم مَّعَرَّهٌ بِغَیْرِ عِلْمٍ لِّیُدْخِلَ اللَّهُ فِی رَحْمَتِهِ مَن یَشَاءُ لَوْ تَزَیَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِیمًا (25)

آنها کسانی هستند که کافر شدند و شما را از (زیارت) مسجد الحرام و رسیدن قربانیهایتان به محل قربانگاه بازداشتند؛ و هرگاه مردان و زنان با ایمانی در این میان بدون آگاهی شما، زیر دست و پا، از بین نمی رفتند که از این راه عیب و عاری ناآگاهانه به شما می رسید، (خداوند هرگز مانع این جنگ نمی شد) ! هدف این بود که خدا هر کس را می خواهد در رحمت خود وارد کند؛ و اگر مؤمنان و کفّار (در مکه) از هم جدا می شدند، کافران را عذاب دردناکی می کردیم ! (25)

إِذْ جَعَلَ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی قُلُوبِهِمُ الْحَمِیَّهَ حَمِیَّهَ الْجَاهِلِیَّهِ فَأَنزَلَ اللَّهُ سَکِینَتَهُ عَلَی رَسُولِهِ وَعَلَی الْمُؤْمِنِینَ وَأَلْزَمَهُمْ کَلِمَهَ التَّقْوَی وَکَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَکَانَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمًا (26)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دلهای خود خشم و نخوت جاهلیّت داشتند؛ و (در مقابل،) خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته تر و اهل آن بودند؛ و خداوند به همه چیز دانا است. (26)

لَّقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْیَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِینَ مُحَلِّقِینَ رُءُوسَکُمْ وَمُقَصِّرِینَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَلِکَ فَتْحًا قَرِیبًا (27)

خداوند آنچه را به پیامبرش در عالم خواب نشان داد راست گفت؛ بطور قطع همه شما بخواست خدا وارد مسجد الحرام می شوید در نهایت امنیّت

و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید؛ ولی خداوند چیزهایی را می دانست که شما نمی دانستید (و در این تأخیر حکمتی بود)؛ و قبل از آن، فتح نزدیکی (برای شما) قرار داده است. (27)

هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَکَفَی بِاللَّهِ شَهِیدًا (28)

او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادایان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد! (28)

مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاهِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (29)

محمّد (ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفّار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نموّ و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است. (29)

سوره الحجرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (1)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزی را بر خدا و رسولش مقدّم نشمرید (و پیشی مگیرید)، و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و داناست! (1)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (2)

ای کسانی که ایمان آورده اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و در برابر او بلند سخن مگویید (و داد و فریاد نزنید) آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی دانید! (2)

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (3)

آنها که صدای خود را نزد رسول خدا کوتاه می کنند همان کسانی هستند که خداوند دلهایشان را برای تقوا خالص نموده، و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است! (3)

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (4)

(ولی) کسانی که تو را از پشت حجره ها بلند صدا می زنند، بیشترشان نمی فهمند! (4)

ص: 515

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (5)

اگر آنها صبر می کردند تا خود به سراغشان آیی، برای آنان بهتر بود؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است ! (5)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (6)

ای کسانی که ایمان آورده اید ! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید ! (6)

وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (7)

و بدانید رسول خدا در میان شماست؛ هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقّت خواهید افتاد؛ ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دلهایتان زینت بخشیده، و (به عکس) کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافتگانند ! (7)

فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (8)

(و این برای شما بعنوان) فضل و نعمتی از سوی خداست؛ و خداوند دانا و حکیم است. ! (8)

وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (9)

و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد. (9)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللّهَ لَعَلّكُمْ تُرْحَمُونَ (10)

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید! (10)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَى أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَى أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (11)

ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند! (11)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (12)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسّس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است! (12)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (13)

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست،) گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است! (13)

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِى قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (14)

عربهای بادیه نشین گفتند: «ایمان آورده ایم» بگو: «شما ایمان نیاورده اید، ولی بگویید اسلام آورده ایم، امّا هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است! و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی کند، خداوند، آمرزنده مهربان است.» (14)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (15)

مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند، سپس هرگز شکّ و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده اند؛ آنها راستگویانند. (15)

قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ (16)

بگو: «آیا خدا را از ایمان خود با خبر می سازید؟! او تمام آنچه را در آسمانها و زمین است می داند؛ و خداوند از همه چیز آگاه است!» (16)

يَمُنُّونَ عَلَيْکَ أَنْ أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (17)

آنها بر تو منّت می نهند که اسلام آورده اند؛ بگو: «اسلام آوردن خود را بر من منّت نگذارید، بلکه خداوند بر شما منّت می نهد که شما را به سوی ایمان هدایت کرده است، اگر (در ادّعای ایمان) راستگو هستید! (17)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (18)

خداوند غیبت آسمانها و زمین را می داند و نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست!» (18)

سوره ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ (1)

ق، سوگند به قرآن مجید (که قیامت و رستاخیز حقّ است)! (1)

بَلْ عَجِبُوا أَن جَاءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَىْءٌ عَجِيبٌ (2)

آنها تعجّب کردند که پیامبری انذارگر از میان خودشان آمده؛ و کافران گفتند: «این چیز عجیبی است! (2)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ (3)

آیا هنگامی که مُردیم و خاک شدیم (دوباره به زندگی بازمی گردیم)؟! این بازگشتی بعید است!» (3)

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ (4)

ولی ما می دانیم آنچه را زمین از بدن آنها می کاهد؛ و نزد ما کتابی است که همه چیز در آن محفوظ است! (4)

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِى أَمْرٍ مَّرِيجٍ (5)

آنها حقّ را هنگامی که به سراغشان آمد تکذیب کردند؛ از این رو پیوسته در کار پراکنده خود متحیّرند! (5)

أَفَلَمْ يَنظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ (6)

آیا آنان به آسمان بالای سرشان نگاه نکردند که چگونه ما آن را بنا کرده ایم، و چگونه آن را (بوسیله ستارگان) زینت بخشیده ایم و هیچ شکاف و شکستی در آن نیست؟! (6)

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِىَ وَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (7)

و زمین را گسترش دادیم و در آن کوه هائی عظیم و استوار افکندیم و از هر نوع گیاه بهجت انگیز در آن رویاندیم، (7)

تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ (8)

تا وسیله بینایی و یادآوری برای هر بنده توبه کاری باشد! (8)

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ (9)

و از آسمان، آبی پربرکت نازل کردیم، و بوسیله آن باغها و دانه هایی را که درو می کند رویاندیم، (9)

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ (10)

و نخلهای بلندقامت که میوه های متراکم دارند؛ (10)

رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ (11)

همه اینها برای روزی بخشیدن به بندگان است و بوسیله باران سرزمین مرده را زنده کردیم؛ (آری) زنده شدن مُردگان نیز همین گونه است! (11)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ (12)

پیش از آنان قوم نوح و «اصحاب الرسّ» [= قومی که در یمامه زندگی می کردند و پیامبری به نام حنظله داشتند] و قوم ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند، (12)

وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ (13)

و همچنین قوم عاد و فرعون و قوم لوط، (13)

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ (14)

و «اصحاب الایکه» [= قوم شعیب] و قوم تبّع (که در سرزمین یمن زندگی می کردند)، هر یک از آنها فرستادگان الهی را تکذیب کردند و وعده عذاب درباره آنان تحقّق یافت! (14)

أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ (15)

آیا ما از آفرینش نخستین عاجز ماندیم (که قادر بر آفرینش رستاخیز نباشیم)؟! ولی آنها (با این همه دلایل روشن) باز در آفرینش جدید تردید دارند! (15)

ص: 518

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (16)

ما انسان را آفریدیم و وسوسه های نفس او را می دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیکتریم! (16)

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ (17)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسانند اعمال او را دریافت می دارند؛ (17)

مَّا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (18)

انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر اینکه همان دم، فرشته ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است! (18)

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنتَ مِنْهُ تَحِيدُ (19)

و سرانجام، سکرات (و بیخودی در آستانه) مرگ بحق فرامی رسد (و به انسان گفته می شود:) این همان چیزی است که تو از آن می گریختی! (19)

وَنُفِخَ فِى الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ (20)

و در «صور» دمیده می شود؛ آن روز، روز تحقّق وعده وحشتناک است! (20)

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (21)

هر انسانی وارد محشر می گردد در حالی که همراه او حرکت دهنده و گواهی است! (21)

لَّقَدْ كُنتَ فِى غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (22)

(به او خطاب می شود:) تو از این صحنه (و دادگاه بزرگ) غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است! (22)

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىَّ عَتِيدٌ (23)

فرشته همنشین او می گوید: «این نامه اعمال اوست که نزد من حاضر و آماده است!» (23)

أَلْقِيَا فِی جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (24)

(خداوند فرمان می دهد:) هر کافر متکبّر لجوج را در جهنّم افکنید! (24)

مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ (25)

آن کسی که به شدّت مانع خیر و متجاوز و در شکّ و تردید است (حتی دیگران را به تردید می افکند)؛ (25)

الَّذِی جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِی الْعَذَابِ الشَّدِيدِ (26)

همان کسی که معبود دیگری با خدا قرار داده، (آری) او را در عذاب شدید بیفکنید! (26)

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِن كَانَ فِی ضَلَالٍ بَعِيدٍ (27)

و همنشینش (از شیاطین) می گوید: «پروردگارا! من او را به طغیان واداشتم، لکن او خود در گمراهی دور و درازی بود!» (27)

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَىَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ (28)

(خداوند) می گوید: «نزد من جدال و مخاصمه نکنید؛ من پیشتر به شما هشدار داده ام (و اتمام حجّت کرده ام)! (28)

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَىَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (29)

سخن من تغییر ناپذیر است، و من هرگز به بندگان ستم نخواهم کرد!» (29)

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ (30)

(به خاطر بیاورید) روزی را که به جهنّم می گوییم: «آیا پر شده ای؟» و او می گوید: «آیا افزون بر این هم هست؟!» (30)

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ (31)

(در آن روز) بهشت را به پرهیزگاران نزدیک می کنند، و فاصله ای از آنان ندارد! (31)

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ (32)

این چیزی است که به شما وعده داده می شود، و برای کسانی است که بسوی خدا بازمی گردند و پیمانها و احکام او را حفظ می کنند، (32)

مَّنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ (33)

آن کس که از خداوند رحمان در نهان بترسد و با قلبی پرانابه در محضر او حاضر شود! (33)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (34)

(به آنان گفته می شود:) بسلامت وارد بهشت شوید، امروز روز جاودانگی است! (34)

لَهُم مَّا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (35)

هر چه بخواهند در آنجا برای آنها هست، و نزد ما نعمتهای بیشتری است (که به فکر هیچ کس نمی رسد)! (35)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُم بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِی الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِیصٍ (36)

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم، اقوامی که از آنان قویتر بودند و شهرها (و کشورها) را گشودند؛ آیا راه فراری (از عذاب الهی) وجود دارد! (36)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَذِکْرَی لِمَن کَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَی السَّمْعَ وَهُوَ شَهِیدٌ (37)

در این تذکّری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرادهد در حالی که حاضر باشد! (37)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَیْنَهُمَا فِی سِتَّهِ أَیَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ (38)

ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز [= شش دوران] آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید! (با این حال چگونه زنده کردن مُردگان برای ما مشکل است؟!) (38)

فَاصْبِرْ عَلَی مَا یَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ (39)

در برابر آنچه آنها می گویند شکیبا باش، و پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور، (39)

وَمِنَ اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ (40)

و در بخشی از شب او را تسبیح کن، و بعد از سجده ها! (40)

وَاسْتَمِعْ یَوْمَ یُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّکَانٍ قَرِیبٍ (41)

و گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می دهد، (41)

یَوْمَ یَسْمَعُونَ الصَّیْحَهَ بِالْحَقِّ ذَلِکَ یَوْمُ الْخُرُوجِ (42)

روزی که همگان صیحه رستاخیز را بحق می شنوند؛ آن روز، روز خروج (از قبرها) است! (42)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِی وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ (43)

ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم، و بازگشت تنها بسوی ماست! (43)

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِکَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (44)

روزی که زمین به سرعت از روی آنها شکافته می شود و (از قبرها) خارج می گردند؛ و این جمع کردن برای ما آسان است! (44)

نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ (45)

ما به آنچه آنها می گویند آگاهتریم، و تو مأمور به اجبار آنها (به ایمان) نیستی؛ پس بوسیله قرآن، کسانی را که از عذاب من می ترسند متذکّر ساز (وظیفه تو همین است)! (45)

سوره الذاریات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا (1)

سوگند به بادهایی که (ابرها را) به حرکت درمی آورند، (1)

فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا (2)

سوگند به آن ابرها که بار سنگینی (از باران را) با خود حمل می کنند، (2)

فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا (3)

و سوگند به کشتیهایی که به آسانی به حرکت درمی آیند، (3)

فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا (4)

و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می کنند، (4)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ (5)

(آری سوگند به همه اینها) که آنچه به شما وعده شده قطعاً راست است؛ (5)

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ (6)

و بی شکّ (رستاخیز) و جزای اعمال واقع شدنی است! (6)

ص: 520

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ (7)

قسم به آسمان که دارای چین و شکنهای زیباست، (7)

إِنَّكُمْ لَفِی قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ (8)

که شما (درباره قیامت) در گفتاری مختلف و گوناگونید! (8)

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (9)

(تنها) کسی از ایمان به آن منحرف می شود که از قبول حقّ سرباز می زند! (9)

قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ (10)

کشته باد دروغگویان (و مرگ بر آنها)! (10)

الَّذِينَ هُمْ فِی غَمْرَةٍ سَاهُونَ (11)

همانها که در جهل و غفلت فرو رفته اند، (11)

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ (12)

و پیوسته سؤال می کنند: «روز جزا چه موقع است؟!» (12)

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ (13)

(آری) همان روزی است که آنها را بر آتش می سوزانند! (13)

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِی كُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (14)

(و گفته می شود:) بچشید عذاب خود را، این همان چیزی است که برای آن شتاب داشتید! (14)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِی جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (15)

به یقین، پرهیزگاران در باغهای بهشت و در میان چشمه ها قرار دارند، (15)

آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِکَ مُحْسِنِينَ (16)

و آنچه پروردگارشان به آنها بخشیده دریافت می دارند، زیرا پیش از آن (در سرای دنیا) از نیکوکاران بودند! (16)

كَانُوا قَلِيلاً مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (17)

آنها کمی از شب را می خوابیدند، (17)

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (18)

و در سحرگاهان استغفار می کردند، (18)

وَفِى أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (19)

و در اموال آنها حقّی برای سائل و محروم بود! (19)

وَفِى الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ (20)

و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است، (20)

وَفِى أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (21)

و در وجود خود شما (نیز آیاتی است)؛ آیا نمی بینید؟! (21)

وَفِى السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (22)

و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می شود! (22)

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ (23)

سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حقّ است همان گونه که شما سخن می گویید! (23)

هَلْ أَتَاکَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ (24)

آیا خبر مهمانهای بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ (24)

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ (25)

دَر آن زمان که بر او وارد شدند و گفتند: «سلام بر تو!» او گفت: «سلام بر شما که جمعیّتی ناشناخته اید!» (25)

فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ (26)

سپس پنهانی به سوی خانواده خود رفت و گوساله فربه (و بریان شده ای را برای آنها) آورد، (26)

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (27)

و نزدیک آنها گذارد، (ولی با تعجّب دید دست بسوی غذا نمی برند) گفت: «آیا شما غذا نمی خورید؟!» (27)

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (28)

و از آنها احساس وحشت کرد، گفتند: «نترس (ما رسولان و فرشتگان پروردگار توایم)!» و او را بشارت به تولّد پسری دانا دادند. (28)

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِی صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (29)

در این هنگام همسرش جلو آمد در حالی که (از خوشحالی و تعجّب) فریاد می کشید به صورت خود زد و گفت: «(آیا پسری خواهم آورد در حالی که) پیرزنی نازا هستم؟!» (29)

قَالُوا كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (30)

گفتند: «پروردگارت چنین گفته است، و او حکیم و داناست!» (30)

جزء 27

ادامه سوره الذاریات

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (31)

(ابراهیم) گفت: «مأموریت شما چیست ای فرستادگان (خدا)؟» (31)

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (32)

گفتند: «ما به سوی قوم مجرمی فرستاده شده ایم... (32)

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ (33)

تا بارانی از «سنگ - گِل» بر آنها بفرستیم؛ (33)

مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ (34)

سنگهایی که از ناحیه پروردگارت برای اسرافکاران نشان گذاشته شده است !» (34)

فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (35)

ما مؤمنانی را که در آن شهرها (ی قوم لوط) زندگی می کردند (قبل از نزول عذاب) خارج کردیم، (35)

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ (36)

ولی جز یک خانواده باایمان در تمام آنها نیافتیم ! (36)

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (37)

و در آن (شهرهای بلا دیده) نشانه ای روشن برای کسانی که از عذاب دردناک می ترسند به جای گذاردیم. (37)

وَفِى مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (38)

و در (زندگی) موسی نیز (نشانه و درس عبرتی بود) هنگامی که او را با دلیلی آشکار به سوی فرعون فرستادیم؛ (38)

فَتَوَلّی بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (39)

امّا او با تمام وجودش از وی روی برتافت و گفت: «این مرد یا ساحر است یا دیوانه !» (39)

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِی الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ (40)

از این رو ما او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم در حالی که در خور سرزنش بود ! (40)

وَفِی عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ (41)

و (همچنین) در سرگذشت «عاد» (آیتی است) در آن هنگام که تندبادی بی باران بر آنها فرستادیم، (41)

مَا تَذَرُ مِن شَیْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ (42)

که بر هیچ چیز نمی گذشت مگر اینکه آن را همچون استخوانهای پوسیده می ساخت. (42)

وَفِی ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّی حِينٍ (43)

و نیز در سرگذشت قوم «ثمود» عبرتی است در آن هنگام که به آنان گفته شد: «مدّتی کوتاه بهره مند باشید (و سپس منتظر عذاب) !» (43)

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنظُرُونَ (44)

آنها از فرمان پروردگارشان سرباز زدند، و صاعقه آنان را فراگرفت در حالی که (خیره خیره) نگاه می کردند (بی آنکه قدرت دفاع داشته باشند) ! (44)

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنتَصِرِينَ (45)

چنان بر زمین افتادند که توان برخاستن نداشتند و نتوانستند از کسی یاری طلبند ! (45)

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (46)

همچنین قوم نوح را پیش از آنها هلاک کردیم، چرا که قوم فاسقی بودند! (46)

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (47)

و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم، و همواره آن را وسعت می بخشیم! (47)

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (48)

و زمین را گستردیم، و چه خوب گستراننده ای هستیم! (48)

وَمِن كُلِّ شَىْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (49)

و از هر چیز دو جفت آفریدیم، شاید متذکّر شوید! (49)

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (50)

پس به سوی خدا بگریزید، که من از سوی او برای شما بیم دهنده ای آشکارم! (50)

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (51)

و با خدا معبود دیگری قرار ندهید، که من برای شما از سوی او بیم دهنده ای آشکارم! (51)

كَذَلِکَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (52)

این گونه است که هیچ پیامبری قبل از اینها بسوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: «او ساحر است یا دیوانه !» (52)

أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (53)

آیا یکدیگر را به آن سفارش می کردند (که همه چنین تهمتی بزنند)؟ ! نه، بلکه آنها قومی طغیانگرند. (53)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنتَ بِمَلُومٍ (54)

حال که چنین است از آنها روی بگردان که هرگز در خور ملامت نخواهی بود؛ (54)

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (55)

و پیوسته تذکّر ده، زیرا تذکّر مؤمنان را سود می بخشد. (55)

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (56)

من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند) ! (56)

مَا أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَن يُطْعِمُونِ (57)

هرگز از آنها روزی نمی خواهم، و نمی خواهم مرا اطعام کنند ! (57)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (58)

خداوند روزی دهنده و صاحب قوّت و قدرت است ! (58)

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِّثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ (59)

و برای کسانی که ستم کردند، سهم بزرگی از عذاب است همانند سهم یارانشان (از اقوام ستمگر پیشین)؛ بنابر این عجله نکنند ! (59)

فَوَيْلٌ لَّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن يَوْمِهِمُ الَّذِى يُوعَدُونَ (60)

پس وای بر کسانی که کافر شدند از روزی که به آنها وعده داده می شود! (60)

سوره الطور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالطُّورِ (1)

سوگند به کوه طور، (1)

وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ (2)

و کتابی که نوشته شده، (2)

فِى رَقٍّ مَّنشُورٍ (3)

در صفحه ای گسترده، (3)

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (4)

و سوگند به «بیت المعمور»، (4)

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ (5)

و سقف برافراشته، (5)

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (6)

و دریای مملوّ و برافروخته، (6)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ (7)

که عذاب پروردگارت واقع می شود، (7)

مَّا لَهُ مِن دَافِعٍ (8)

و چیزی از آن مانع نخواهد بود! (8)

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا (9)

(این عذاب الهی) در آن روزی است که آسمان به شدّت به حرکت درمی آید، (9)

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا (10)

و کوه ها از جا کنده و متحرّک می شوند! (10)

فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (11)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان، (11)

الَّذِينَ هُمْ فِى خَوْضٍ يَلْعَبُونَ (12)

همانها که در سخنان باطل به بازی مشغولند! (12)

يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا (13)

در آن روز که آنها را بزور به سوی آتش دوزخ می رانند! (13)

هَذِهِ النَّارُ الَّتِى كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (14)

(به آنها می گویند:) این همان آتشی است که آن را انکار می کردید. (14)

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنتُمْ لَا تُبْصِرُونَ (15)

آیا این سحر است یا شما نمی بینید؟! (15)

اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (16)

در آن وارد شوید و بسوزید؛ می خواهید صبر کنید یا نکنید، برای شما یکسان است؛ چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می شوید! (16)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِی جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ (17)

ولی پرهیزگاران در میان باغهای بهشت و نعمتهای فراوان جای دارند، (17)

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (18)

و از آنچه پروردگارشان به آنها داده و آنان را از عذاب دوزخ نگاه داشته است شاد و مسرورند! (18)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (19)

(به آنها گفته می شود:) بخورید و بیاشامید گوارا؛ اینها در برابر اعمالی است که انجام می دادید! (19)

مُتَّكِئِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ (20)

این در حالی که بر تختهای صف کشیده در کنار هم تکیه می زنند، و «حور العین» را به همسری آنها درمی آوریم! (20)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَىْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ (21)

کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می کنیم؛ و از (پاداش) عملشان چیزی نمی کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خویش است! (21)

وَأَمْدَدْنَاهُم بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (22)

و همواره از انواع میوه ها و گوشتها -از هر نوع که بخواهند- در اختیارشان می گذاریم ! (22)

يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ (23)

آنها در بهشت جامهای پر از شراب طهور را که نه بیهوده گویی در آن است و نه گناه، از یکدیگر می گیرند ! (23)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ (24)

و پیوسته بر گردشان نوجوانانی برای (خدمت) آنان گردش می کنند که همچون مرواریدهای درون صدفند ! (24)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (25)

در این هنگام رو به یکدیگر کرده (از گذشته) سؤال می نمایند؛ (25)

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِى أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ (26)

می گویند: «ما در میان خانواده خود ترسان بودیم (مبادا گناهان آنها دامن ما را بگیرد) ! (26)

فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ (27)

امّا خداوند بر ما منّت نهاد و از عذاب کشنده ما را حفظ کرد ! (27)

إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ (28)

ما از پیش او را می خواندیم (و می پرستیدیم)، که اوست نیکوکار و مهربان !» (28)

فَذَكِّرْ فَمَا أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ (29)

پس تذکّر ده، که به لطف پروردگارت تو کاهن و مجنون نیستی ! (29)

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ (30)

بلکه آنها می گویند: «او شاعری است که ما انتظار مرگش را می کشیم !» (30)

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّی مَعَکُم مِّنَ الْمُتَرَبِّصِینَ (31)

بگو: «انتظار بکشید که من هم با (شما انتظار می کشم شما انتظار مرگ مرا، و من انتظار نابودی شما را با عذاب الهی) !» (31)

ص: 524

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُم بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (32)

آیا عقلهایشان آنها را به این اعمال دستور می دهد، یا قومی طغیانگرند؟ (32)

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ (33)

یا می گویند: «قرآن را به خدا افترا بسته»، ولی آنان ایمان ندارند. (33)

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ (34)

اگر راست می گویند سخنی همانند آن بیاورند! (34)

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَىْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ (35)

یا آنها بی هیچ آفریده شده اند، یا خود خالق خویشند؟! (35)

أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَل لَّا يُوقِنُونَ (36)

آیا آنها آسمانها و زمین را آفریده اند؟! بلکه آنها جویای یقین نیستند! (36)

أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ (37)

آیا خزاین پروردگارت نزد آنهاست؟! یا بر همه چیز عالم سیطره دارند؟! (37)

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (38)

آیا نردبانی دارند (که به آسمان بالا می روند) و بوسیله آن اسرار وحی را می شنوند؟! کسی که از آنها این ادّعا را دارد دلیل روشنی بیاورد! (38)

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ (39)

آیا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران (که فرشتگان را دختران خدا می نامید)؟! (39)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ (40)

آیا تو از آنها پاداشی می طلبی که در زیر بار گران آن قرار دارند؟! (40)

أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (41)

آیا اسرار غیب نزد آنهاست و از روی آن می نویسند؟! (41)

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ (42)

آیا می خواهند نقشه شیطانی برای تو بکشند؟! ولی بدانند خود کافران در دام این نقشه ها گرفتار می شوند! (42)

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (43)

یا معبودی غیر خداوند دارند (که قول یاری به آنها داده)؟! منزّه است خدا از آنچه همتای او قرارمی دهند! (43)

وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ (44)

آنها (چنان لجوجند که) اگر ببینند قطعه سنگی از آسمان (برای عذابشان) سقوط می کند می گویند: «این ابر متراکمی است!» (44)

فَذَرْهُمْ حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ (45)

حال که چنین است آنها را رها کن تا روز مرگ خود را ملاقات کنند؛ (45)

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (46)

روزی که نقشه های آنان سودی به حالشان نخواهد داشت و (از هیچ سو) یاری نمی شوند! (46)

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (47)

و برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان)؛ ولی بیشترشان نمی دانند! (47)

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (48)

در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو در حفاظت کامل ما قرار داری! و هنگامی که برمی خیزی پروردگارت را تسبیح و حمد گوی! (48)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ (49)

(همچنین) به هنگام شب او را تسبیح کن و به هنگام پشت کردن ستارگان (و طلوع صبح)! (49)

سوره النجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى (1)

سوگند به ستاره هنگامی که افول می کند، (1)

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى (2)

که هرگز دوست شما [= محمّد «ص»] منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است، (2)

وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَى (3)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید ! (3)

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْىٌ يُوحَى (4)

آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست ! (4)

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى (5)

آن کس که قدرت عظیمی دارد [= جبرئیل امین] او را تعلیم داده است؛ (5)

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى (6)

همان کس که توانایی فوق العاده دارد؛ او سلطه یافت... (6)

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى (7)

در حالی که در اُفق اعلی قرار داشت ! (7)

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى (8)

سپس نزدیکتر و نزدیکتر شد... (8)

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى (9)

تا آنکه فاصله او (با پیامبر) به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر بود؛ (9)

فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى (10)

در اینجا خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده اش وحی نمود. (10)

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى (11)

قلب (پاک او) در آنچه دید هرگز دروغ نگفت. (11)

أَفَتُمَارُونَهُ عَلَى مَا يَرَى (12)

آیا با او درباره آنچه (با چشم خود) دیده مجادله می کنید؟! (12)

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى (13)

و بار دیگر نیز او را مشاهده کرد، (13)

عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى (14)

نزد «سدره المنتهی»، (14)

عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى (15)

که «جنت المأوی» در آنجاست! (15)

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى (16)

در آن هنگام که چیزی [= نور خیره کننده ای] سدره المنتهی را پوشانده بود، (16)

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى (17)

چشم او هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد (آنچه دید واقعیّت بود)! (17)

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (18)

او پاره ای از آیات و نشانه های بزرگ پروردگارش را دید! (18)

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى (19)

به من خبر دهید آیا بتهای «لات» و «عزّی»... (19)

وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى (20)

و «منات» که سوّمین آنهاست (دختران خدا هستند)؟! (20)

أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَى (21)

آیا سهم شما پسر است و سهم او دختر؟! (در حالی که بزعم شما دختران کم ارزش ترند!) (21)

تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى (22)

در این صورت این تقسیمی ناعادلانه است! (22)

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ الْهُدَى (23)

اینها فقط نامهایی است که شما و پدرانتان بر آنها گذاشته اید (نامهایی بی محتوا و اسمهایی بی مسمّا)، و هرگز خداوند دلیل و حجتی بر آن نازل نکرده؛ آنان فقط از گمانهای بی اساس و هوای نفس پیروی می کنند در حالی که هدایت از سوی پروردگارشان برای آنها آمده است! (23)

أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّى (24)

یا آنچه انسان تمنّا دارد به آن می رسد؟! (24)

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى (25)

در حالی که آخرت و دنیا از آن خداست! (25)

وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِن بَعْدِ أَن يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَى (26)

و چه بسیار فرشتگان آسمانها که شفاعت آنها سودی نمی بخشد مگر پس از آنکه خدا برای هر کس بخواهد و راضی باشد اجازه (شفاعت) دهد!

(26)

ص: 526

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَهَ تَسْمِيَهَ الْأُنثَى (27)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را دختر (خدا) نامگذاری می کنند! (27)

وَمَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِى مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا (28)

آنها هرگز به این سخن دانشی ندارند، تنها از گمان بی پایه پیروی می کنند با اینکه «گمان» هرگز انسان را از حقّ بی نیاز نمی کند! (28)

فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّى عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاهَ الدُّنْيَا (29)

حال که چنین است از کسی که از یاد ما روی می گرداند و جز زندگی مادی دنیا را نمی طلبد، اعراض کن! (29)

ذَلِكَ مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى (30)

این آخرین حدّ آگاهی آنهاست؛ پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده اند بهتر می شناسد، و (همچنین) هدایت یافتگان را از همه بهتر می شناسد! (30)

وَلِلَّهِ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ لِيَجْزِىَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِىَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى (31)

و برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا بدکاران را به کیفر کارهای بدشان برساند و نیکوکاران را در برابر اعمال نیکشان پاداش دهد! (31)

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَهِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنتُمْ أَجِنَّهٌ فِى بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى (32)

همانها که از گناهان بزرگ و اعمال زشت دوری می کنند، جز گناهان صغیره (که گاه آلوده آن می شوند)؛ آمرزش پروردگار تو گسترده است؛ او نسبت به شما از همه آگاهتر است از آن هنگام که شما را از زمین آفرید و

در آن موقع که بصورت جنینهایی در شکم مادرانتان بودید؛ پس خودستایی نکنید، او پرهیزگاران را بهتر می شناسد! (32)

أَفَرَأَيْتَ الَّذِی تَوَلَّی (33)

آیا دیدی آن کس را که (از اسلام -یا انفاق-) روی گردان شد؟! (33)

وَأَعْطَی قَلِيلًا وَأَكْدَی (34)

و کمی عطا کرد، و از بیشتر امساک نمود! (34)

أَعِندَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَی (35)

آیا نزد او علم غیب است و می بیند (که دیگران می توانند گناهان او را بر دوش گیرند)؟! (35)

أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِی صُحُفِ مُوسَی (36)

یا از آنچه در کتب موسی نازل گردیده با خبر نشده است؟! (36)

وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِی وَفَّی (37)

و در کتب ابراهیم، همان کسی که وظیفه خود را بطور کامل ادا کرد، (37)

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَی (38)

که هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی گیرد، (38)

وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَی (39)

و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست، (39)

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَی (40)

و اینکه تلاش او بزودی دیده می شود، (40)

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَی (41)

سپس به او جزای کافی داده خواهد شد! (41)

وَأَنَّ إِلَى رَبِّکَ الْمُنتَهَى (42)

(و آیا از کتب پیشین انبیا به او نرسیده است) که همه امور به پروردگارت منتهی می گردد؟! (42)

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَکَ وَأَبْکَى (43)

و اینکه اوست که خنداند و گریاند، (43)

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا (44)

و اوست که میراند و زنده کرد، (44)

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (45)

و اوست که دو زوج نر و مادّه را آفرید... (45)

مِن نُّطْفَهٍ إِذَا تُمْنَى (46)

از نطفه ای هنگامی که خارج می شود (و در رحم می ریزد)، (46)

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى (47)

و اینکه بر خداست ایجاد عالم دیگر (تا عدالت اجرا گردد)، (47)

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى (48)

و اینکه اوست که بی نیاز کرد و سرمایه باقی بخشید، (48)

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرَى (49)

و اینکه اوست پروردگار ستاره «شعرا» ! (49)

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى (50)

(و آیا به انسان نرسیده است که در کتب انبیای پیشین آمده) که خداوند قوم «عاد نخستین» را هلاک کرد؟ ! (50)

وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَى (51)

و همچنین قوم «ثمود» را، و کسی از آنان را باقی نگذارد ! (51)

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَى (52)

و نیز قوم نوح را پیش از آنها، چرا که آنان از همه ظالمتر و طغیانگرتر بودند ! (52)

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى (53)

و نیز شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) را فرو کوبید، (53)

فَغَشَّاهَا مَا غَشَّى (54)

سپس آنها را با عذاب سنگین پوشانید! (54)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى (55)

(بگو:) در کدام یک از نعمتهای پروردگارت تردید داری؟! (55)

هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النُّذُرِ الْأُولَى (56)

این (پیامبر) بیم دهنده ای از بیم دهندگان پیشین است! (56)

أَزِفَتِ الْآزِفَةُ (57)

آنچه باید نزدیک شود، نزدیک شده است (و قیامت فرامی رسد)، (57)

لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ (58)

و هیچ کس جز خدا نمی تواند سختیهای آن را برطرف سازد! (58)

أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ (59)

آیا از این سخن تعجّب می کنید، (59)

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ (60)

و می خندید و نمی گریید، (60)

وَأَنتُمْ سَامِدُونَ (61)

و پیوسته در غفلت و هوسرانی به سر می برید؟! (61)

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا (62)

حال که چنین است همه برای خدا سجده کنید و او را بپرستید! (62)

سوره القمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانشَقَّ الْقَمَرُ (1)

قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت! (1)

وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ (2)

و هرگاه نشانه و معجزه ای را ببینند روی گردانده، می گویند: «این سحری مستمر است»! (2)

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ (3)

آنها (آیات خدا را) تکذیب کردند و از هوای نفسشان پیروی نمودند؛ و هر امری قرارگاهی دارد! (3)

وَلَقَدْ جَاءَهُم مِّنَ الْأَنبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ (4)

به اندازه کافی برای بازداشتن از بدیها اخبار (انبیا و امّتهای پیشین) به آنان رسیده است! (4)

حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ (5)

این آیات، حکمت بالغه الهی است؛ امّا انذارها (برای افراد لجوج) فایده نمی دهد! (5)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَىْءٍ نُّكُرٍ (6)

بنابر این از آنها روی بگردان، و روزی را به یاد آور که دعوت کننده الهی مردم را به امر وحشتناکی دعوت می کند (دعوت به حساب اعمال)! (6)

خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ (7)

آنان در حالی که چشمهایشان از شدّت وحشت به زیر افتاده، همچون ملخهای پراکنده از قبرها خارج می شوند، (7)

مُّهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ (8)

در حالی که (بر اثر وحشت و اضطراب) بسوی این دعوت کننده گردن می کشند؛ کافران می گویند: «امروز روز سخت و دردناکی است!» (8)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ (9)

پیش از آنها قوم نوح تکذیب کردند، (آری) بنده ما (نوح) را تکذیب کرده و گفتند: «او دیوانه است!» و (با انواع آزارها از ادامه رسالتش) بازداشته شد. (9)

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّى مَغْلُوبٌ فَانتَصِرْ (10)

او به درگاه پروردگار عرضه داشت: «من مغلوب (این قوم طغیانگر) شده ام، انتقام مرا از آنها بگیر!» (10)

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ (11)

در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و پی درپی گشودیم؛ (11)

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ (12)

و زمین را شکافتیم و چشمه های زیادی بیرون فرستادیم؛ و این دو آب به اندازه مقدّر با هم درآمیختند (و دریای وحشتناکی شد)! (12)

وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ (13)

و او را بر مرکبی از الواح و میخهایی ساخته شده سوار کردیم؛ (13)

تَجْرِى بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِّمَن كَانَ كُفِرَ (14)

مرکبی که زیر نظر ما حرکت می کرد! این کیفری بود برای کسانی که (به او) کافر شده بودند! (14)

وَلَقَد تَّرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (15)

ما این ماجرا را بعنوان نشانه ای در میان امّتها باقی گذاردیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟! (15)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِى وَنُذُرِ (16)

(اکنون بنگرید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (16)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (17)

ما قرآن را برای تذکّر آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکّر شود؟! (17)

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِى وَنُذُرِ (18)

قوم عاد (نیز پیامبر خود را) تکذیب کردند؛ پس (ببینید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (18)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِى يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ (19)

ما تندباد وحشتناک و سردی را در یک روز شوم مستمر بر آنان فرستادیم... (19)

تَنزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ (20)

که مردم را همچون تنه های نخل ریشه کن شده از جا برمی کند! (20)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِى وَنُذُرِ (21)

پس (ببینید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (21)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (22)

ما قرآن را برای تذکّر آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکّر شود! (22)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (23)

طایفه ثمود (نیز) انذارهای الهی را تکذیب کردند، (23)

فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَّفِی ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (24)

و گفتند: «آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟! اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود! (24)

أَأُلْقِیَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (25)

آیا از میان ما تنها بر او وحی نازل شده؟! نه، او آدم بسیار دروغگوی هوسبازی است! (25)

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَّنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ (26)

ولی فردا می فهمند چه کسی دروغگوی هوسباز است! (26)

إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَهِ فِتْنَهً لَّهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ (27)

ما «ناقه» را برای آزمایش آنها می فرستیم؛ در انتظار پایان کار آنان باش و صبر کن! (27)

وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ (28)

و به آنها خبر ده که آب (قریه) باید در میانشان تقسیم شود، (یک روز سهم ناقه، و یک روز برای آنها) و هر یک در نوبت خود باید حاضر شوند! (28)

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ (29)

آنها یکی از یاران خود را صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه را) پی کرد! (29)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِى وَنُذُرِ (30)

پس (بنگرید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (30)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ (31)

ما فقط یک صیحه [= صاعقه عظیم] بر آنها فرستادیم و بدنبال آن همگی بصورت گیاه خشکی درآمدند که صاحب چهارپایان (در آغل) جمع آوری می کند! (31)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (32)

ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکّر شود؟! (32)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ (33)

قوم لوط انذارها(ی پی درپی پیامبرشان) را تکذیب کردند؛ (33)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُم بِسَحَرٍ (34)

ما بر آنها تندبادی که ریگها را به حرکت درمی آورد فرستادیم (و همه را هلاک کردیم)، جز خاندان لوط را که سحرگاهان نجاتشان دادیم! (34)

نِّعْمَةً مِّنْ عِندِنَا كَذَلِكَ نَجْزِى مَن شَكَرَ (35)

این نعمتی بود از ناحیه ما؛ این گونه هر کسی را که شکر کند پاداش می دهیم ! (35)

وَلَقَدْ أَنذَرَهُم بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ (36)

او آنها را از مجازات ما بیم داد، ولی بر آنها اصرار بر مجادله و القای شکّ داشتند ! (36)

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِى وَنُذُرِ (37)

آنها از لوط خواستند میهمانانش را در اختیارشان بگذارد؛ ولی ما چشمانشان را نابینا و محو کردیم (و گفتیم:) بچشید عذاب و انذارهای مرا ! (37)

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ (38)

سرانجام صبحگاهان و در اول روز عذابی پایدار و ثابت به سراغشان آمد ! (38)

فَذُوقُوا عَذَابِى وَنُذُرِ (39)

(و گفتیم:) پس بچشید عذاب و انذارهای مرا ! (39)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (40)

ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکّر شود؟ ! (40)

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ (41)

و (همچنین) انذارها و هشدارها (یکی پس از دیگری) به سراغ آل فرعون آمد، (41)

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ (42)

امّا آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، و ما آنها را گرفتیم و مجازات کردیم، گرفتن شخصی قدرتمند و توانا ! (42)

أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أُولَئِكُمْ أَمْ لَكُم بَرَاءَةٌ فِى الزُّبُرِ (43)

آیا کفّار شما بهتر از آنانند یا برای شما امان نامه ای در کتب آسمانی نازل شده است؟! (43)

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ (44)

یا می گویند: «ما جماعتی متحّد و نیرومند و پیروزیم»؟! (44)

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ (45)

(ولی بدانند) که بزودی جمعشان شکست می خورد و پا به فرارمی گذارند! (45)

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَى وَأَمَرُّ (46)

(علاوه بر این) رستاخیز موعد آنهاست، و مجازات قیامت هولناکتر و تلختر است! (46)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِى ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (47)

مجرمان در گمراهی و شعله های آتشند، (47)

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِى النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ (48)

در آن روز که در آتش دوزخ به صورتشان کشیده می شوند (و به آنها گفته می شود:) بچشید آتش دوزخ را! (48)

إِنَّا كُلَّ شَىْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (49)

البته ما هر چیز را به اندازه آفریدیم! (49)

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَهٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ (50)

و فرمان ما یک امر بیش نیست، همچون یک چشم بر هم زدن ! (50)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (51)

ما کسانی را که در گذشته شبیه شما بودند هلاک کردیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟ ! (51)

وَكُلُّ شَىْءٍ فَعَلُوهُ فِى الزُّبُرِ (52)

و هر کاری را انجام دادند در نامه های اعمالشان ثبت است، (52)

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌ (53)

و هر کار کوچک و بزرگی نوشته شده است. (53)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِى جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ (54)

یقیناً پرهیزگاران در باغها و نهرهای بهشتی جای دارند، (54)

فِى مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (55)

در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر ! (55)

سوره الرحمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّحْمَنُ (1)

خداوند رحمان، (1)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (2)

قرآن را تعلیم فرمود، (2)

خَلَقَ الْإِنسَانَ (3)

انسان را آفرید، (3)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (4)

و به او «بیان» را آموخت. (4)

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (5)

خورشید و ماه با حساب منظّمی می گردند، (5)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (6)

و گیاه و درخت برای او سجده می کنند! (6)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (7)

و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) گذاشت، (7)

أَلَّا تَطْغَوْا فِی الْمِيزَانِ (8)

تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، (8)

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (9)

و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید! (9)

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (10)

زمین را برای خلایق آفرید، (10)

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (11)

که در آن میوه ها و نخلهای پرشکوفه است، (11)

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (12)

و دانه هایی که همراه با ساقه و برگی است که بصورت کاه درمی آید، و گیاهان خوشبو! (12)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (13)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید (شما ای گروه جنّ و انس)؟! (13)

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (14)

انسان را از گِل خشکیده ای همچون سفال آفرید، (14)

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ (15)

و جنّ را از شعله های مختلط و متحرّک آتش خلق کرد! (15)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (16)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (16)

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (17)

او پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است! (17)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (18)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (18)

مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیَانِ (19)

دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند؛ (19)

بَیْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا یَبْغِیَانِ (20)

در میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی کند (و به هم نمی آمیزند)! (20)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (21)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (21)

یَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (22)

از آن دو، لؤلؤ و مرجان خارج می شود. (22)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (23)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (23)

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِی الْبَحْرِ کَالْأَعْلَامِ (24)

و برای اوست کشتیهای ساخته شده که در دریا به حرکت درمی آیند و همچون کوهی هستند! (24)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (25)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (25)

كُلّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (26)

همه کسانی که روی آن [= زمین] هستند فانی می شوند، (26)

وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّکَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (27)

و تنها ذات ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می ماند ! (27)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (28)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟ ! (28)

يَسْأَلُهُ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ (29)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او تقاضا می کنند، و او هر روز در شأن و کاری است ! (29)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (30)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟ ! (30)

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ (31)

بزودی به حساب شما می پردازیم ای دو گروه انس و جنّ ! (31)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (32)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟ ! (32)

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (33)

ای گروه جنّ و انس ! اگر می توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده) ! (33)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (34)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟ ! (34)

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ (35)

شعله هایی از آتش بی دود، و دودهایی متراکم بر شما فرستاده می شود؛ و نمی توانید از کسی یاری بطلبید! (35)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (36)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (36)

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (37)

در آن هنگام که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد (حوادث هولناکی رخ می دهد که تاب تحمل آن را نخواهید داشت)! (37)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (38)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (38)

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَن ذَنبِهِ إِنسٌ وَلَا جَانٌّ (39)

در آن روز هیچ کس از انس و جنّ از گناهش سؤال نمی شود (و همه چیز روشن است)! (39)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (40)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (40)

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِى وَالْأَقْدَامِ (41)

مجرمان از چهره هایشان شناخته می شوند؛ و آنگاه آنها را از موهای پیش سر، و پاهایشان می گیرند (و به دوزخ می افکنند)! (41)

فَبِأَىِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (42)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (42)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِى يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (43)

این همان دوزخی است که مجرمان آن را انکار می کردند! (43)

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ (44)

امروز در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند! (44)

فَبِأَىِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (45)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (45)

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ (46)

و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی است! (46)

فَبِأَىِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (47)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (47)

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ (48)

(آن دو باغ بهشتی) دارای انواع نعمتها و درختان پرطراوت است! (48)

فَبِأَىِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (49)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (49)

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (50)

در آنها دو چشمه همیشه جاری است! (50)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (51)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (51)

فِیهِمَا مِن کُلِّ فَاکِهَهٍ زَوْجَانِ (52)

در آن دو، از هر میوه ای دو نوع وجود دارد (هر یک از دیگری بهتر)! (52)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (53)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (53)

مُتَّکِئِینَ عَلَی فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَی الْجَنَّتَیْنِ دَانٍ (54)

این در حالی است که آنها بر فرشهایی تکیه کرده اند با آسترهائی از دیبا و ابریشم، و میوه های رسیده آن دو باغ بهشتی در دسترس است! (54)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (55)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (55)

فِیهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ یَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (56)

در آن باغهای بهشتی زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی ورزند؛ و هیچ انس و جنّ پیش از اینها با آنان تماس نگرفته است. (56)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (57)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (57)

کَأَنَّهُنَّ الْیَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (58)

آنها همچون یاقوت و مرجانند! (58)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (59)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (59)

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (60)

آیا جزای نیکی جز نیکی است؟! (60)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (61)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (61)

وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (62)

و پایین تر از آنها، دو باغ بهشتی دیگر است. (62)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (63)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (63)

مُدْهَامَّتَانِ (64)

هر دو خرّم و سرسبزند! (64)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (65)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (65)

فِیهِمَا عَیْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (66)

در آنها دو چشمه جوشنده است! (66)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (67)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (67)

فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ (68)

در آنها میوه های فراوان و درخت خرما و انار است! (68)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (69)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (69)

فِیهِنَّ خَیْرَاتٌ حِسَانٌ (70)

و در آن باغهای بهشتی زنانی نیکو خلق و زیبایند! (70)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (71)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (71)

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِی الْخِیَامِ (72)

حوریانی که در خیمه های بهشتی مستورند! (72)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (73)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (73)

لَمْ یَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (74)

هیچ انس و جنّ پیش از ایشان با آنها تماس نگرفته (و دوشیزه اند)! (74)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (75)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (75)

مُتَّکِئِینَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِیٍّ حِسَانٍ (76)

این در حالی است که بهشتیان بر تختهایی تکیه زده اند که با بهترین و زیباترین پارچه های سبزرنگ پوشانده شده است. (76)

فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ (77)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟ ! (77)

تَبَارَکَ اسْمُ رَبِّکَ ذِی الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ (78)

پربرکت و زوال ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگوار تو ! (78)

سوره الواقعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَهُ (1)

هنگامی که واقعه عظیم (قیامت) واقع شود، (1)

لَیْسَ لِوَقْعَتِهَا کَاذِبَهٌ (2)

هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند ! (2)

خَافِضَهٌ رَّافِعَهٌ (3)

(این واقعه) گروهی را پایین می آورد و گروهی را بالا می برد ! (3)

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا (4)

در آن هنگام که زمین بشدّت به لرزه درمی آید، (4)

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا (5)

و کوه ها در هم کوبیده می شود، (5)

فَکَانَتْ هَبَاءً مُّنبَثًّا (6)

و بصورت غبار پراکنده درمی آید، (6)

وَکُنتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَهً (7)

و شما سه گروه خواهید بود ! (7)

فَأَصْحَابُ الْمَیْمَنَهِ مَا أَصْحَابُ الْمَیْمَنَهِ (8)

(نخست) سعادتمندان و خجستگان (هستند)؛ چه سعادتمندان و خجستگانی! (8)

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَهِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَهِ (9)

گروه دیگر شقاوتمندان و شومانند، چه شقاوتمندان و شومانی! (9)

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (10)

و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامند، (10)

أُولَئِکَ الْمُقَرَّبُونَ (11)

آنها مقرّبانند! (11)

فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ (12)

در باغهای پرنعمت بهشت (جای دارند)! (12)

ثُلَّهٌ مِّنَ الْأَوَّلِینَ (13)

گروه زیادی (از آنها) از امّتهای نخستینند، (13)

وَقَلِیلٌ مِّنَ الْآخِرِینَ (14)

و اندکی از امّت آخرین! (14)

عَلَی سُرُرٍ مَّوْضُونَهٍ (15)

آنها [= مقرّبان] بر تختهایی که صف کشیده و به هم پیوسته است قراردارند، (15)

مُّتَّکِئِینَ عَلَیْهَا مُتَقَابِلِینَ (16)

در حالی که بر آن تکیه زده و رو به روی یکدیگرند! (16)

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ (17)

نوجوانانی جاودان (در شکوه و طراوت) پیوسته گرداگرد آنان می گردند، (17)

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ (18)

با قدحها و کوزه ها و جامهایی از نهرهای جاری بهشتی (و شراب طهور)! (18)

لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ (19)

امّا شرابی که از آن درد سر نمی گیرند و نه مست می شوند! (19)

وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (20)

و میوه هایی از هر نوع که انتخاب کنند، (20)

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (21)

و گوشت پرنده از هر نوع که مایل باشند! (21)

وَحُورٌ عِينٌ (22)

و همسرانی از حور العین دارند، (22)

كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ (23)

همچون مروارید در صدف پنهان! (23)

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (24)

اینها پاداشی است در برابر اعمالی که انجام می دادند! (24)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (25)

در آن (باغهای بهشتی) نه لغو و بیهوده ای می شنوند نه سخنان گناه آلود؛ (25)

إِلّا قِيلاَ سَلَامًا سَلَامًا (26)

تنها چیزی که می شنوند «سلام» است «سلام»! (26)

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (27)

و اصحاب یمین و خجستگان، چه اصحاب یمین و خجستگانی! (27)

فِی سِدْرٍ مَّخْضُودٍ (28)

آنها در سایه درختان «سِدر» بی خار قرار دارند، (28)

وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ (29)

و در سایه درخت «طلح» پربرگ [= درختی خوشرنگ و خوشبو]، (29)

وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ (30)

و سایه کشیده و گسترده، (30)

وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ (31)

و در کنار آبشارها، (31)

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ (32)

و میوه های فراوان، (32)

لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (33)

که هرگز قطع و ممنوع نمی شود، (33)

وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ (34)

و همسرانی بلندمرتبه! (34)

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً (35)

ما آنها را آفرینش نوینی بخشیدیم، (35)

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا (36)

و همه را دوشیزه قرار دادیم، (36)

عُرُبًا أَتْرَابًا (37)

زنانی که تنها به همسرشان عشق می ورزند و خوش زبان و فصیح و هم سن و سالند! (37)

لِّأَصْحَابِ الْيَمِينِ (38)

اینها همه برای اصحاب یمین است، (38)

ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ (39)

که گروهی از امّتهای نخستینند، (39)

وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ (40)

و گروهی از امّتهای آخرین! (40)

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ (41)

و اصحاب شمال، چه اصحاب شمالی (که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده می شود)! (41)

فِی سَمُومٍ وَحَمِيمٍ (42)

آنها در میان بادهای کشنده و آب سوزان قرار دارند، (42)

وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ (43)

و در سایه دودهای متراکم و آتشزا! (43)

لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ (44)

سایه ای که نه خنک است و نه آرامبخش! (44)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ (45)

آنها پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند، (45)

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ (46)

و بر گناهان بزرگ اصرار می ورزیدند، (46)

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (47)

و می گفتند: «هنگامی که ما مُردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟! (47)

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (48)

یا نیاکان نخستین ما (برانگیخته می شوند)؟!» (48)

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ (49)

بگو: «اوّلین و آخرین، (49)

لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (50)

همگی در موعد روز معیّنی گردآوری می شوند، (50)

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ (51)

سپس شما ای گمراهان تکذیب کننده ! (51)

لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ (52)

قطعاً از درخت زقّوم می خورید، (52)

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (53)

و شکمها را از آن پر می کنید، (53)

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ (54)

و روی آن از آب سوزان می نوشید، (54)

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ (55)

و همچون شتران مبتلا به بیماری عطش، از آن می آشامید ! (55)

هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (56)

این است وسیله پذیرایی از آنها در قیامت ! (56)

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ (57)

» ما شما را آفریدیم؛ پس چرا (آفرینش مجدّد را) تصدیق نمی کنید؟ ! (57)

أَفَرَأَيْتُم مَّا تُمْنُونَ (58)

آیا از نطفه ای که در رحم می ریزید آگاهید؟ ! (58)

أَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (59)

آیا شما آن را (در دوران جنینی) آفرینش (پی در پی) می دهید یا ما آفریدگاریم؟ ! (59)

نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (60)

ما در میان شما مرگ را مقدّر ساختیم؛ و هرگز کسی بر ما پیشی نمی گیرد! (60)

عَلَى أَن نُّبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِى مَا لَا تَعْلَمُونَ (61)

تا گروهی را به جای گروه دیگری بیاوریم و شما را در جهانی که نمی دانید آفرینش تازه ای بخشیم! (61)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (62)

شما عالم نخستین را دانستید؛ چگونه متذکّر نمی شوید (که جهانی بعد از آن است)؟! (62)

أَفَرَأَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ (63)

آیا هیچ درباره آنچه کشت می کنید اندیشیده اید؟! (63)

أَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (64)

آیا شما آن را می رویانید یا ما می رویانیم؟! (64)

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (65)

هرگاه بخواهیم آن را مبدّل به کاه در هم کوبیده می کنیم که تعجّب کنید! (65)

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ (66)

(بگونه ای که بگویید:) براستی ما زیان کرده ایم، (66)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (67)

بلکه ما بکلّی محرومیم! (67)

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِى تَشْرَبُونَ (68)

آیا به آبی که می نوشید اندیشیده اید؟! (68)

أَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ (69)

آیا شما آن را از ابر نازل کرده اید یا ما نازل می کنیم؟! (69)

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (70)

هرگاه بخواهیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می دهیم؛ پس چرا شکر نمی کنید؟! (70)

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِی تُورُونَ (71)

آیا درباره آتشی که می افروزید فکر کرده اید؟! (71)

أَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ (72)

آیا شما درخت آن را آفریده اید یا ما آفریده ایم؟! (72)

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ (73)

ما آن را وسیله یادآوری (برای همگان) و وسیله زندگی برای مسافران قرار داده ایم! (73)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّکَ الْعَظِيمِ (74)

حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن (و او را پاک و منزّه بشمار)! (74)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (75)

سوگند به جایگاه ستارگان (و محل طلوع و غروب آنها)! (75)

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (76)

و این سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید! (76)

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (77)

که آن، قرآن کریمی است، (77)

فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ (78)

که در کتاب محفوظی جای دارد، (78)

لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (79)

و جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند [= دست یابند]. (79)

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (80)

آن از سوی پروردگار عالمیان نازل شده؛ (80)

أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ (81)

آیا این سخن را [= این قرآن را با اوصافی که گفته شد] سست و کوچک می شمرید، (81)

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ (82)

و به جای شکر روزیهایی که به شما داده شده آن را تکذیب می کنید؟! (82)

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ (83)

پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می رسد (توانایی بازگرداندن آن را ندارید)؟! (83)

وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ (84)

و شما در این حال نظاره می کنید (و کاری از دستتان ساخته نیست)؛ (84)

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَكِن لَّا تُبْصِرُونَ (85)

و ما از شما به او نزدیکتریم ولی نمی بینید! (85)

فَلَوْلَا إِن كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ (86)

اگر هرگز در برابر اعمالتان جزا داده نمی شوید، (86)

تَرْجِعُونَهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (87)

پس آن (روح) را بازگردانید اگر راست می گویید ! (87)

فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (88)

پس اگر او از مقرّبان باشد، (88)

فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ (89)

در رَوح و ریحان و بهشت پرنعمت است ! (89)

وَأَمَّا إِن كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (90)

امّا اگر از اصحاب یمین باشد، (90)

فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (91)

(به او گفته می شود:) سلام بر تو از سوی دوستانت که از اصحاب یمینند ! (91)

وَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (92)

امّا اگر او از تکذیب کنندگان گمراه باشد، (92)

فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ (93)

با آب جوشان دوزخ از او پذیرایی می شوید ! (93)

وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ (94)

و سرنوشت او ورود در آتش جهنّم است، (94)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (95)

این مطلب حقّ و یقین است! (95)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّکَ الْعَظِیمِ (96)

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن (و او را منزّه بشمار)! (96)

سوره الحدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (1)

آنچه در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می گویند؛ و او عزیز و حکیم است. (1)

لَهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (2)

مالکیّت (و حاکمیّت) آسمانها و زمین از آن اوست؛ زنده می کند و می میراند؛ و او بر هر چیز توانا است! (2)

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ (3)

اوّل و آخر و پیدا و پنهان اوست؛ و او به هر چیز داناست. (3)

هُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِی سِتَّهِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَی عَلَی الْعَرْشِ یَعْلَمُ مَا یَلِجُ فِی الْأَرْضِ وَمَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا یَنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا یَعْرُجُ فِیهَا وَهُوَ مَعَکُمْ أَیْنَ مَا کُنتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ (4)

او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس بر تخت قدرت قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت)؛ آنچه را در زمین فرو می رود می داند، و آنچه را از آن خارج می شود و آنچه از آسمان نازل می گردد و آنچه به آسمان بالا می رود؛ و هر جا باشید او با شما است، و خداوند نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست ! (4)

لَّهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَی اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (5)

مالکیّت آسمانها و زمین از آن اوست؛ و همه کارها به سوی او بازمی گردد. (5)

یُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَیُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَهُوَ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (6)

شب را در روز می کند و روز را در شب؛ و او به آنچه در دل سینه ها وجود دارد داناست. (6)

آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَکُم مُّسْتَخْلَفِینَ فِیهِ فَالَّذِینَ آمَنُوا مِنکُمْ وَأَنفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ کَبِیرٌ (7)

به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید؛ (زیرا) کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند ! (7)

وَمَا لَکُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولُ یَدْعُوکُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّکُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِیثَاقَکُمْ إِن کُنتُم مُّؤْمِنِینَ (8)

چرا به خدا ایمان نیاورید در حالی که رسول (او) شما را می خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید، و از شما پیمان گرفته است (پیمانی از طریق فطرت و خِرد)، اگر آماده ایمان آوردنید. (8)

هُوَ الَّذِی یُنَزِّلُ عَلَی عَبْدِهِ آیَاتٍ بَیِّنَاتٍ لِّیُخْرِجَکُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِکُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِیمٌ (9)

او کسی است که آیات روشنی بر بنده اش [= محمد] نازل می کند تا شما را از تاریکیها به سوی نور برد؛ و خداوند نسبت به شما مهربان و رحیم است. (9)

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنفِقُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِیرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا یَسْتَوِی مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِینَ أَنفَقُوا مِن بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ (10)

چرا در راه خدا انفاق نکنید در حالی که میراث آسمانها و زمین همه از آن خداست (و کسی چیزی را با خود نمی برد)! کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلندمقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوند به هر دو وعده نیک داده؛ و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. (10)

مَّن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِیمٌ (11)

کیست که به خدا وام نیکو دهد (و از اموالی که به او ارزانی داشته انفاق کند) تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند؟ و برای او پاداش پرارزشی است! (11)

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِم بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (12)

(این پاداش بزرگ) در روزی است که مردان و زنان باایمان را می نگری که نورشان پیش رو و در سمت راستشان بسرعت حرکت می کند (و به آنها می گویند:) بشارت باد بر شما امروز به باغهایی از بهشت که نهرها زیر (درختان) آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهید ماند! و این همان رستگاری بزرگ است! (12)

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِن قِبَلِهِ الْعَذَابُ (13)

روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گویند: «نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی برگیریم!» به آنها گفته می شود: «به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید!» در این هنگام دیواری میان آنها زده می شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب! (13)

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَلَكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِىُّ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (14)

آنها را صدا می زنند: «مگر ما با شما نبودیم؟!» می گویند: «آری، ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار (مرگ پیامبر را) کشیدید، و (در همه چیز) شکّ و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید، و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد! (14)

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِىَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (15)

پس امروز نه از شما فدیه ای پذیرفته می شود، و نه از کافران؛ و جایگاهتان آتش است و همان سرپرستتان می باشد؛ و چه بد جایگاهی است! (15)

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ

فَاسِقُونَ (16)

آیا وقت آن نرسیده است که دلهای مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حقّ نازل کرده است خاشع گردد؟! و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلبهایشان قساوت پیدا کرد؛ و بسیاری از آنها گنهکارند! (16)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِى الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (17)

بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند! ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید! (17)

إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (18)

مردان و زنان انفاق کننده، و آنها که (از این راه) به خدا «قرض الحسنه» دهند، (این قرض الحسنه) برای آنان مضاعف می شود و پاداش پرارزشی دارند! (18)

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِکَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِندَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (19)

کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند، آنها صدّیقین و شهدا نزد پروردگارشانند؛ برای آنان است پاداش (اعمال) شان و نور (ایمان) شان؛ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنها دوزخیانند. (19)

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (20)

بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمّل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می برد، سپس خشک می شود بگونه ای که آن را زردرنگ می بینی؛ سپس تبدیل به کاه می شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی؛ و (به هر حال) زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست! (20)

سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِکَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (21)

به پیش تازید برای رسیدن به مغفرت پروردگارتان و بهشتی که پهنه آن مانند پهنه آسمان و زمین است و برای کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آورده اند؛ آماده شده است، این فضل خداوند است که به هر کس بخواهد می دهد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است! (21)

مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِکَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (22)

هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی دهد مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است؛ و این امر برای خدا آسان است! (22)

لَكَيْلَا تَأسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللّهُ لَا يُحِبُّ كُلّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (23)

این بخاطر آن است که برای آنچه از دست داده اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دلبسته و شادمان نباشید؛ و خداوند هیچ متکبّر فخرفروشی را دوست ندارد! (23)

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (24)

همانها که بخل می ورزند و مردم را به بخل دعوت می کنند؛ و هر کس (از این فرمان) روی گردان شود، (به خود زیان می رساند نه به خدا)، چرا که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است! (24)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (25)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حقّ از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کند بی آنکه او را ببینند؛ خداوند قوّی و شکست ناپذیر است! (25)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِى ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُم مُّهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (26)

ما نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در دودمان آن دو نبوّت و کتاب قرار دادیم؛ بعضی از آنها هدایت یافته اند و بسیاری از آنها گنهکارند. (26)

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِى قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (27)

سپس در پی آنان رسولان دیگر خود را فرستادیم، و بعد از آنان عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دل کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت قرار دادیم؛ و رهبانیّتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرّر نداشته بودیم؛ گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حقّ آن را رعایت نکردند؛ از این رو ما به کسانی از آنها که ایمان آوردند پاداششان را دادیم؛ و بسیاری از آنها فاسقند! (27)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (28)

ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد؛ و خداوند غفور و رحیم است. (28)

لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّن فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (29)

تا اهل کتاب بدانند که قادر بر چیزی از فضل خدا نیستند، و تمام فضل (و رحمت) به دست اوست، به هر کس بخواهد آن را می بخشد؛ و خداوند دارای فضل عظیم است! (29)

ص: 541

جزء 28

سوره المجادله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِى تُجَادِلُکَ فِى زَوْجِهَا وَتَشْتَکِى إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَکُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (1)

خداوند سخن زنى را که درباره شوهرش به تو مراجعه کرده بود و به خداوند شکايت مى کرد شنيد (و تقاضاى او را اجابت کرد)؛ خداوند گفتگوى شما را با هم (و اصرار آن زن را درباره حل مشکلش) مى شنيد؛ و خداوند شنوا و بيناست. (1)

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنکُم مِّن نِّسَائِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِى وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنکَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (2)

کسانى که از شما نسبت به همسرانشان «ظهار» مى کنند (و مى گويند: «أَنتِ عَلَىَّ کَظهَرِ أُمّى = تو نسبت به من بمنزله مادرم هستى»)، آنان هرگز مادرانشان نيستند؛ مادرانشان تنها کسانى اند که آنها را به دنيا آورده اند! آنها سخنى زشت و باطل مى گويند؛ و خداوند بخشنده و آمرزنده است! (2)

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا ذَلِکُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (3)

کسانى که همسران خود را «ظِهار» مى کنند، سپس از گفته خود بازمى گردند، بايد پيش از آميزش جنسى با هم، برده اى را آزاد کنند؛ اين دستورى است که به آن اندرز داده مى شويد؛ و خداوند به آنچه انجام مى دهيد آگاه است! (3)

فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْکِينًا ذَلِکَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْکَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْکَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (4)

و کسى که توانايى (آزاد کردن برده اى) نداشته باشد، دو ماه پياپى قبل از آميزش روزه بگيرد؛ و کسى که اين را هم نتواند، شصت مسکين را اطعام کند؛ اين براى آن است که به خدا و رسولش ايمان بياوريد؛ اينها مرزهاى الهى است؛ و کسانى که با آن مخالفت کنند، عذاب دردناکى دارند! (4)

إِنَّ الّذِينَ يُحَادُّونَ اللّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَقَدْ أنزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (5)

کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند خوار و ذلیل شدند آن گونه که پیشینیان خوار و ذلیل شدند؛ ما آیات روشنی نازل کردیم، و برای کافران عذاب خوارکننده ای است... (5)

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ (6)

در آن روز که خداوند همه آنها را برمی انگیزد و از اعمالی که انجام دادند با خبر می سازد، اعمالی که خداوند حساب آن را نگه داشته و آنها فراموشش کردند؛ و خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است ! (6)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِن ذَٰلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِيمٌ (7)

آیا نمی دانی که خداوند آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می داند؛ هیچ گاه سه نفر با هم نجوا نمی کنند مگر اینکه خداوند چهارمین آنهاست، و هیچ گاه پنج نفر با هم نجوا نمی کنند مگر اینکه خداوند ششمین آنهاست، و نه تعدادی کمتر و نه بیشتر از آن مگر اینکه او همراه آنهاست هر جا که باشند، سپس روز قیامت آنها را از اعمالشان آگاه می سازد، چرا که خداوند به هر چیزی داناست! (7)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِی أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ (8)

آیا ندیدی کسانی را که از نجوا [= سخنان درگوشی] نهی شدند، سپس به کاری که از آن نهی شده بودند بازمی گردند و برای انجام گناه و تعدّی و نافرمانی رسول خدا به نجوا می پردازند و هنگامی که نزد تو می آیند تو را تحیّتی (و خوشامدی) می گویند که خدا به تو نگفته است، و در دل می گویند: «چرا خداوند ما را بخاطر گفته هایمان عذاب نمی کند؟!» جهنم برای آنان کافی است، وارد آن می شوند، و چه بد فرجامی است! (8)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (9)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که نجوا می کنید، و به گناه و تعدّی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا نکنید، و به کار نیک و تقوا نجوا کنید، و از خدایی که همگی نزد او جمع می شوید بپرهیزید! (9)

إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (10)

نجوا تنها از سوی شیطان است؛ می خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند؛ ولی نمی تواند هیچ گونه ضرری به آنها برساند جز بفرمان خدا؛ پس

مؤمنان تنها بر خدا توکّل کنند! (10)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (11)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که به شما گفته شود: «مجلس را وسعت بخشید (و به تازه واردها جا دهید)»، وسعت بخشید، خداوند (بهشت را) برای شما وسعت می بخشد؛ و هنگامی که گفته شود: «برخیزید»، برخیزید؛ اگر چنین کنید، خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است! (11)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (12)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که می خواهید با رسول خدا نجوا کنید (و سخنان درگوشی بگویید)، قبل از آن صدقه ای (در راه خدا) بدهید؛ این برای شما بهتر و پاکیزه تر است و اگر توانایی نداشته باشید، خداوند غفور و رحیم است! (12)

أَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (13)

آیا ترسیدید فقیر شوید که از دادن صدقات قبل از نجوا خودداری کردید؟! اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت، نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و (بدانید) خداوند از آنچه انجام می دهید با خبر است! (13)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم مَّا هُم مِّنكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (14)

آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند ریختند؟! آنها نه از شما هستند و نه از آنان! سوگند دروغ یاد می کنند (که از شما هستند) در حالی که خودشان می دانند (دروغ نمی گویند)! (14)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (15)

خداوند عذاب شدیدی برای آنان فراهم ساخته، چرا که اعمال بدی انجام می دادند! (15)

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (16)

آنها سوگندهای خود را سپری قرار دادند و مردم را از راه خدا بازداشتند؛ از این رو برای آنان عذاب خوارکننده ای است! (16)

لَّن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (17)

هرگز اموال و اولادشان آنها را از عذاب الهی حفظ نمی کند؛ آنها اهل آتشند و جاودانه در آن می مانند! (17)

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَى شَىْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ (18)

(به خاطر بیاورید) روزی را که خداوند همه آنها را برمی انگیزد، آنها برای خدا نیز سوگند (دروغ) یاد می کنند همان گونه که (امروز) برای شما یاد می کنند؛ و گمان می کنند کاری می توانند انجام دهند؛ بدانید آنها دروغگویانند! (18)

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (19)

شیطان بر آنان مسلّط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده؛ آنان حزب شیطانند! بدانید حزب شیطان زیانکارانند! (19)

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِى الْأَذَلِّينَ (20)

کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند، آنها در زُمره ذلیل ترین افرادند.! (20)

كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِى إِنَّ اللَّهَ قَوِىٌّ عَزِيزٌ (21)

خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می شویم؛ چرا که خداوند قوّی و شکست ناپذیر است! (21)

لَّا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِکَ كَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (22)

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می مانند؛ خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند؛ آنها «حزب اللّه» اند؛ بدانید «حزب اللّه» پیروزان و رستگارانند. (22)

سوره الحشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (1)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح می گوید؛ و او عزیز و حکیم است! (1)

هُوَ الَّذِی أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِن دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنتُمْ أَن يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم مِّنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِی الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِی الْأَبْصَارِ (2)

او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از خانه هایشان بیرون راند! گمان نمی کردید آنان خارج شوند، و خودشان نیز گمان می کردند که دِژهای محکمشان آنها را از عذاب الهی مانع می شود؛ امّا خداوند از آنجا که گمان نمی کردند به سراغشان آمد و در دلهایشان ترس و وحشت افکند، بگونه ای که خانه های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می کردند؛ پس عبرت بگیرید ای صاحبان چشم! (2)

وَلَوْلَا أن كَتَبَ اللّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِی الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِی الْآخِرَهِ عَذَابُ النَّارِ (3)

و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرّر داشته بود، آنها را در همین دنیا مجازات می کرد؛ و برای آنان در آخرت نیز عذاب آتش است! (3)

ص: 545

ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَن يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (4)

این به خاطر آن است که آنها با خدا و رسولش دشمنی کردند؛ و هر کس با خدا دشمنی کند (باید بداند) که خدا مجازات شدیدی دارد! (4)

مَا قَطَعْتُم مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ (5)

هر درخت باارزش نخل را قطع کردید یا آن را به حال خود واگذاشتید، همه به فرمان خدا بود؛ و برای این بود که فاسقان را خوار و رسوا کند! (5)

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (6)

و آنچه را خدا از آنان [= یهود] به رسولش بازگردانده (و بخشیده) چیزی است که شما برای به دست آوردن آن (زحمتی نکشیدید،) نه اسبی تاختید و نه شتری؛ ولی خداوند رسولان خود را بر هر کس بخواهد مسلّط می سازد؛ و خدا بر هر چیز توانا است! (6)

مَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (7)

آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است! (7)

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ (8)

این اموال برای فقیران مهاجرانی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می طلبند و خدا و

رسولش را یاری می کنند؛ و آنها راستگویانند! (8)

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِى صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (9)

و برای کسانی است که در این سرا [= سرزمین مدینه] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدّم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارانند! (9)

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّکَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (10)

(همچنین) کسانی که بعد از آنها [= بعد از مهاجران و انصار] آمدند و می گویند: «پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دلهایمان حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده! پروردگارا، تو مهربان و رحیمی!» (10)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (11)

آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران کفارشان از اهل کتاب می گفتند: «هرگاه شما را (از وطن) بیرون کنند، ما هم با شما بیرون خواهیم رفت و هرگز سخن هیچ کس را درباره شما اطاعت نخواهیم کرد؛ و اگر با شما پیکار شود، یاریتان خواهیم نمود!» خداوند شهادت می دهد که آنها دروغگویانند! (11)

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ (12)

اگر آنها را بیرون کنند با آنان بیرون نمی روند، و اگر با آنها پیکار شود یاریشان نخواهند کرد، و اگر یاریشان کنند پشت به میدان کرده فرار می کنند؛ سپس کسی آنان را یاری نمی کند! (12)

لَأَنتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِی صُدُورِهِم مِّنَ اللَّهِ ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (13)

وحشت از شما در دلهای آنها بیش از ترس از خداست؛ این به خاطر آن است که آنها گروهی نادانند! (13)

لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِی قُرًى مُّحَصَّنَةٍ أَوْ مِن وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُم بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ (14)

آنها هرگز با شما بصورت گروهی نمی جنگند جز در دژهای محکم یا از پشت دیوارها! پیکارشان در میان خودشان شدید است، (امّا در برابر شما

ضعیف!) آنها را متّحد می پنداری، در حالی که دلهایشان پراکنده است؛ این به خاطر آن است که آنها قومی هستند که تعقّل نمی کنند! (14)

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (15)

کار این گروه از یهود همانند کسانی است که کمی قبل از آنان بودند، طعم تلخ کار خود را چشیدند و برای آنها عذابی دردناک است! (15)

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّى بَرِىءٌ مِّنكَ إِنِّى أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (16)

کار آنها همچون شیطان است که به انسان گفت: «کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم)!» امّا هنگامی که کافر شد گفت: «من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار عالمیان است بیم دارم!» (16)

فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِی النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِکَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (17)

سرانجام کارشان این شد که هر دو در آتش دوزخ خواهند بود، جاودانه در آن می مانند؛ و این است کیفر ستمکاران! (17)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (18)

ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است! (18)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِکَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (19)

و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آنها فاسقانند. (19)

لَا يَسْتَوِی أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ (20)

هرگز دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند؛ اصحاب بهشت رستگار و پیروزند! (20)

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَی جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْکَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (21)

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می شود و از خوف خدا می شکافد! اینها مثالهایی است که برای مردم می زنیم، شاید در آن بیندیشید! (21)

هُوَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (22)

او خدایی است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، و او رحمان و رحیم است! (22)

هُوَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (23)

و خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی یتم نمی کند، امنیّت بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می کند، و شایسته عظمت است؛ خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرارمی دهند! (23)

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (24)

او خداوندی است خالق، آفریننده ای بی سابقه، و صورتگری (بی نظیر)؛ برای او نامهای نیک است؛ آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می گویند؛ و او عزیز و حکیم است! (24)

سوره الممتحنه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُم مِّنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَن تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِن كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِی سَبِيلِی وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِی تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنتُمْ وَمَن يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (1)

ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبّت می کنید، در حالی که آنها به آنچه از حقّ برای شما آمده کافر شده اند و رسول اللّه و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می سازید از همه داناترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است! (1)

إِن يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ (2)

اگر آنها بر شما مسلّط شوند، دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی کردن نسبت به شما می گشایند، و دوست دارند شما به کفر بازگردید! (2)

لَن تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (3)

هرگز بستگان و فرزندانتان روز قیامت سودی به حالتان نخواهند داشت؛ میان شما جدایی می افکند؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست. (3)

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ فِی إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَهُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّی تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن شَیْءٍ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (4)

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید! -جز آن سخن ابراهیم که به پدرش [= عمویش آزر] گفت (و وعده داد) که برای تو آمرزش طلب می کنم، و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم) !- پروردگارا! ما بر تو توکّل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و همه فرجامها بسوی تو است! (4)

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (5)

پروردگارا! ما را مایه گمراهی کافران قرار مده، و ما را ببخش، ای پروردگار ما که تو عزیز و حکیمی!» (5)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (6)

(آری) برای شما در زندگی آنها اسوه حسنه (و سرمشق نیکویی) بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند؛ و هر کس سرپیچی کند به خویشتن ضرر زده است، زیرا خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است ! (6)

عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (7)

امید است خدا میان شما و کسانی از مشرکین که با شما دشمنی کردند (از راه اسلام) پیوند محبّت برقرار کند؛ خداوند تواناست و خداوند آمرزنده و مهربان است. (7)

لَّا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (8)

خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. (8)

إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (9)

تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است ! (9)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُم مَّا أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (10)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که زنان باایمان بعنوان هجرت نزد شما آیند، آنها را آزمایش کنید -خداوند به ایمانشان آگاهتر است- هرگاه آنان را مؤمن یافتید، آنها را بسوی کفّار بازنگردانید؛ نه آنها برای کفّار حلالند و نه کفّار برای آنها حلال؛ و آنچه را همسران آنها (برای ازدواج با این زنان) پرداخته اند به آنان بپردازید؛ و گناهی بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید هرگاه مَهرشان را به آنان بدهید و هرگز زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد و به بلاد کفر فرار کرد،) حق دارید مَهری را که پرداخته اید مطالبه کنید همان گونه که آنها حق دارند مهر زنانشان را که از آنان جدا شده اند) از شما مطالبه کنند؛ این حکم خداوند است که در میان شما حکم می کند، و خداوند دانا و حکیم است! (10)

وَإِن فَاتَكُمْ شَىْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُم مِّثْلَ مَا أَنفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِى أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ (11)

و اگر بعضی از همسران شما از دستتان بروند (و به سوی کفار بازگردند) و شما در جنگی بر آنان پیروز شدید و غنایمی گرفتید، به کسانی که همسرانشان رفته اند، همانند مهری را که پرداخته اند بدهید؛ و از (مخالفت) خداوندی که همه به او ایمان دارید بپرهیزید! (11)

يَا أَيُّهَا النَّبِیُّ إِذَا جَاءَکَ الْمُؤْمِنَاتُ یُبَایِعْنَکَ عَلَی أَن لَّا یُشْرِکْنَ بِاللَّهِ شَیْئًا وَلَا یَسْرِقْنَ وَلَا یَزْنِینَ وَلَا یَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا یَأْتِینَ بِبُهْتَانٍ یَفْتَرِینَهُ بَیْنَ أَیْدِیهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا یَعْصِینَکَ فِی مَعْرُوفٍ فَبَایِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (12)

ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است! (12)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ قَدْ یَئِسُوا مِنَ الْآخِرَهِ کَمَا یَئِسَ الْکُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (13)

ای کسانی که ایمان آورده اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید؛ آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می باشند! (13)

سوره الصف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (1)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه تسبیح خدا می گویند؛ و او شکست ناپذیر و حکیم است! (1)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (2)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گویید که عمل نمی کنید؟! (2)

کَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (3)

نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی کنید! (3)

إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُم بُنْیَانٌ مَّرْصُوصٌ (4)

خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او پیکار می کنند گوئی بنایی آهنین اند! (4)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِى وَقَد تَّعْلَمُونَ أَنِّى رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (5)

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «ای قوم من! چرا مرا آزار می دهید با اینکه می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟!» هنگامی که آنها از حق منحرف شدند، خداوند قلوبشان را منحرف ساخت؛ و خدا فاسقان را هدایت نمی کند! (5)

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِى إِسْرَائِيلَ إِنِّى رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُم مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَىَّ مِنَ التَّوْرَاهِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِى مِن بَعْدِى اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (6)

و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: «ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده [= تورات] می باشم، و بشارت دهنده به رسولی که بعد از من می آید و نام او احمد است!» هنگامی که او [= احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: «این سحری است آشکار»! (6)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (7)

چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته در حالی که دعوت به اسلام می شود؟! خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند! (7)

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (8)

آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند! (8)

هُوَ الَّذِى أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (9)

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند! (9)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (10)

ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتی راهنمائی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می بخشد؟! (10)

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (11)

به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما (از هر چیز) بهتر است اگر بدانید! (11)

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِى جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (12)

(اگر چنین کنید) گناهانتان را می بخشد و شما را در باغهایی از بهشت داخل می کند که نهرها از زیر درختانش جاری است و در مسکنهای پاکیزه در بهشت جاویدان جای می دهد؛ و این پیروزی عظیم است! (12)

وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (13)

و (نعمت) دیگری که آن را دوست دارید به شما می بخشد، و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک است؛ و مؤمنان را بشارت ده (به این پیروزی بزرگ)! (13)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنصَارِى إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ فَآمَنَت طَّائِفَةٌ مِّن بَنِى إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَت طَّائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (14)

ای کسانی که ایمان آورده اید! یاوران خدا باشید همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «چه کسانی در راه خدا یاوران من هستند؟!» حواریون گفتند: «ما یاوران خدائیم» در این هنگام گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند؛ ما کسانی را که ایمان آورده بودند در برابر دشمنانشان تأیید کردیم و سرانجام بر آنان پیروز شدند! (14)

سوره الجمعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (1)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همواره تسبیح خدا می گویند، خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی مبرا، و عزیز و حکیم است ! (1)

هُوَ الَّذِى بَعَثَ فِى الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ (2)

و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند ! (2)

وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (3)

و (همچنین) رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده اند؛ و او عزیز و حکیم است ! (3)

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (4)

این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است ! (4)

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (5)

کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند درازگوشی هستند که کتابهایی حمل می کند، (آن را بر دوش می کشد اما چیزی از آن نمی فهمد) ! گروهی که آیات خدا را انکار کردند مثال بدی دارند، و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند ! (5)

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (6)

بگو: «ای یهودیان! اگر گمان می کنید که (فقط) شما دوستان خدائید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می گویید (تا به لقای محبوبتان برسید)!» (6)

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (7)

ولی آنان هرگز تمنای مرگ نمی کنند بخاطر اعمالی که از پیش فرستاده اند؛ و خداوند ظالمان را بخوبی می شناسد! (7)

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِی تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِیكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (8)

بگو: «این مرگی که از آن فرار می کنید سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد؛ سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است بازگردانده می شوید؛ آنگاه شما را از آنچه انجام می دادید خبر می دهد!» (8)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِیَ لِلصَّلَاهِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَهِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (9)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می دانستید! (9)

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاهُ فَانتَشِرُوا فِی الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (10)

و هنگامی که نماز پایان گرفت (شما آزادید) در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید! (10)

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَهً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (11)

هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می شوند و به سوی آن می روند و تو را ایستاده به حال خود رها می کنند؛ بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است. (11)

سوره المنافقون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (1)

هنگامی که منافقان نزد تو آیند می گویند: «ما شهادت می دهیم که یقیناً تو رسول خدایی!» خداوند می داند که تو رسول او هستی، ولی خداوند شهادت می دهد که منافقان دروغگو هستند (و به گفته خود ایمان ندارند). (1)

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّهً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (2)

آنها سوگندهایشان را سپر ساخته اند تا مردم را از راه خدا باز دارند، و کارهای بسیار بدی انجام می دهند! (2)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (3)

این بخاطر آن است که نخست ایمان آوردند سپس کافر شدند؛ از این رو بر دلهای آنان مهر نهاده شده، و حقیقت را درک نمی کنند! (3)

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِن يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (4)

هنگامی که آنها را می بینی، جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می برد؛ و اگر سخن بگویند، به سخنانشان گوش فرا می دهی؛ اما گویی چوبهای خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده اند! هر فریادی از هر جا بلند شود بر ضد خود می پندارند؛ آنها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش! خداوند آنها را بکشد، چگونه از حق منحرف می شوند؟! (4)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ (5)

هنگامی که به آنان گفته شود: «بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند!»، سرهای خود را (از روی استهزا و کبر و غرور) تکان می دهند؛ و آنها را می بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می ورزند! (5)

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (6)

برای آنها تفاوت نمی کند، خواه استغفار برایشان کنی یا نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی بخشد؛ زیرا خداوند قوم فاسق را هدایت نمی کند! (6)

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُوا عَلَى مَنْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنفَضُّوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (7)

آنها کسانی هستند که می گویند: «به افرادی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند!» (غافل از اینکه) خزاین آسمانها و زمین از آن خداست، ولی منافقان نمی فهمند! (7)

يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَهِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّهُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (8)

آنها می گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان ذلیلان را بیرون می کنند!» در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی دانند! (8)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (9)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند! (9)

وَأَنفِقُوا مِن مَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِى إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ (10)

از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: «پروردگارا! چرا (مرگ) مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا (در راه خدا) صدقه دهم و از صالحان باشم؟ !» (10)

وَلَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (11)

خداوند هرگز مرگ کسی را هنگامی که اجلش فرا رسد به تأخیر نمی اندازد، و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (11)

سوره التغابن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (1)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است براى خدا تسبيح مى گويند؛ مالكيت و حكومت از آن اوست و ستايش از آن او؛ و او بر همه چيز تواناست ! (1)

هُوَ الَّذِى خَلَقَكُمْ فَمِنكُمْ كَافِرٌ وَمِنكُم مُّؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (2)

او كسى است كه شما را آفريد (و به شما آزادى و اختيار داد)؛ گروهى از شما كافريد و گروهى مؤمن؛ و خداوند به آنچه انجام مى دهيد بيناست ! (2)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (3)

آسمانها و زمين را بحق آفريد؛ و شما را (در عالم جنين) تصوير كرد، تصويرى زيبا و دلپذير؛ و سرانجام (همه) بسوى اوست. (3)

يَعْلَمُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (4)

آنچه را در آسمانها و زمين است مى داند، و از آنچه پنهان يا آشكار مى كنيد با خبر است؛ و خداوند از آنچه در درون سينه هاست آگاه است. (4)

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (5)

آيا خبر كسانى كه پيش از اين كافر شدند به شما نرسيده است؟ ! (آرى) آنها طعم كيفر گناهان بزرگ خود را چشيدند؛ و عذاب دردناك براى آنهاست ! (5)

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوا وَّاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِىٌّ حَمِيدٌ (6)

اين بخاطر آن است كه رسولان آنها (پيوسته) با دلايل روشن به سراغشان مى آمدند، ولى آنها (از روى كبر و غرور) گفتند: «آيا بشرهايى (مثل ما) مى خواهند ما را هدايت كنند؟ !» از اين رو كافر شدند و روى برگرداندند؛

و خداوند (از ایمان و طاعتشان) بی نیاز بود، و خدا غنی و شایسته ستایش است ! (6)

زَعَمَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَن لَّن یُبْعَثُوا قُلْ بَلَی وَرَبِّی لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیرٌ (7)

کافران پنداشتند که هرگز برانگیخته نخواهند شد، بگو: «آری به پروردگارم سوگند که همه شما (در قیامت) برانگیخته خواهید شد، سپس آنچه را عمل می کردید به شما خبر داده می شود، و این برای خداوند آسان است !» (7)

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِی أَنزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ (8)

حال که چنین است، به خدا و رسول او و نوری که نازل کرده ایم ایمان بیاورید؛ و بدانید خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است ! (8)

یَوْمَ یَجْمَعُکُمْ لِیَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِکَ یَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَن یُؤْمِن بِاللَّهِ وَیَعْمَلْ صَالِحًا یُکَفِّرْ عَنْهُ سَیِّئَاتِهِ وَیُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ (9)

این در زمانی خواهد بود که همه شما را در روز اجتماع [= روز رستاخیز] گردآوری می کند؛ آن روز روز تغابن است (روز احساس خسارت و پشیمانی) ! و هر کس به خدا ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، گناهان او را می بخشد و او را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد می کند، جاودانه در آن می مانند؛ و این پیروزی بزرگ است ! (9)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (10)

اما کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند اصحاب دوزخند، جاودانه در آن می مانند، و (سرانجام آنها) سرانجام بدی است! (10)

مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (11)

هیچ مصیبتی رخ نمی دهد مگر به اذن خدا! و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می کند؛ و خدا به هر چیز داناست! (11)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (12)

اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر را؛ و اگر روی گردان شوید، رسول ما جز ابلاغ آشکار وظیفه ای ندارد! (12)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (13)

خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست، و مؤمنان باید فقط بر او توکل کنند! (13)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (14)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بعضی از همسران و فرزندانتان دشمنان شما هستند، از آنها برحذر باشید؛ و اگر عفو کنید و چشم بپوشید و ببخشید، (خدا شما را می بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است! (14)

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (15)

اموال و فرزندانتان فقط وسیله آزمایش شما هستند؛ و خداست که پاداش عظیم نزد اوست! (15)

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنفِقُوا خَيْرًا لِّأَنفُسِكُمْ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (16)

پس تا می توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است؛ و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند! (16)

إِن تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (17)

اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را می بخشد؛ و خداوند شکرکننده و بردبار است! (17)

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (18)

او دانای پنهان و آشکار است؛ و او عزیز و حکیم است! (18)

سوره الطلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِىُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِن بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِى لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (1)

ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، آنها را طلاق گویید [= زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند]، و حساب عدّه را نگه دارید؛ و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید؛ نه شما آنها را از خانه هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عدّه) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند؛ این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده؛ تو نمی دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند! (1)

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَىْ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا (2)

و چون عده آنها سرآمد، آنها را بطرز شایسته ای نگه دارید یا بطرز شایسته ای از آنان جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید؛ و شهادت را برای خدا برپا دارید؛ این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، (2)

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَىْءٍ قَدْرًا (3)

و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد؛ و هر کس بر خدا توکّل کند، کفایت امرش را می کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است! (3)

وَاللَّائِى يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِن نِّسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِى لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (4)

و از زنانتان، آنان که از عادت ماهانه مأیوسند، اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شک کنید، عده آنان سه ماه است، و همچنین آنها که عادت ماهانه ندیده اند؛ و عده زنان باردار این است که بار خود را بر زمین بگذارند؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می سازد! (4)

ذَلِکَ أَمْرُ اللَّهِ أَنزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا (5)

این فرمان خداست که بر شما نازل کرده؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهانش را می بخشد و پاداش او را بزرگ می دارد! (5)

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِن كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَى (6)

آنها [= زنان مطلّقه] را هر جا خودتان سكونت داريد و در توانايى شماست سكونت دهيد؛ و به آنها زيان نرسانيد تا كار را بر آنان تنگ كنيد (و مجبور به ترک منزل شوند)؛ و اگر باردار باشند، نفقه آنها را بپردازيد تا وضع حمل كنند؛ و اگر براى شما (فرزند را) شير مى دهند، پاداش آنها را بپردازيد؛ و (درباره فرزندان، كار را) با مشاوره شايسته انجام دهيد؛ و اگر به توافق نرسيديد، آن ديگرى شيردادن آن بچه را بر عهده مى گيرد. (6)

لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (7)

آنان كه امكانات وسيعى دارند، بايد از امكانات وسيع خود انفاق كنند و آنها كه تنگدستند، از آنچه كه خدا به آنها داده انفاق نمايند؛ خداوند هيچ كس را جز به مقدار توانايى كه به او داده تكليف نمى كند؛ خداوند بزودى بعد از سختيها آسانى قرار مى دهد ! (7)

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا (8)

چه بسيار شهرها و آباديها كه اهل آن از فرمان خدا و رسولانش سرپيچى كردند و ما بشدّت به حسابشان رسيديم و به مجازات كم نظيرى گرفتار ساختيم ! (8)

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا (9)

آنها آثار سوء كار خود را چشيدند؛ و عاقبت كارشان خسران بود ! (9)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِى الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (10)

خداوند عذاب سختى براى آنها فراهم ساخته؛ پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهيزيد اى خردمندانى كه ايمان آورده ايد ! (زيرا) خداوند چيزى كه مايه تذكّر است بر شما نازل كرده؛ (10)

رَّسُولاً يَتْلَو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا (11)

رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، از تاریکیها بسوی نور خارج سازد! و هر کس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد، او را در باغهایی از بهشت وارد سازد که از زیر (درختانش) نهرها جاری است، جاودانه در آن می مانند، و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است! (11)

اللَّهُ الَّذِى خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَىْءٍ عِلْمًا (12)

خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را؛ فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می آید تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و اینکه علم او به همه چیز احاطه دارد! (12)

سوره التحریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَکَ تَبْتَغِی مَرْضَاتَ أَزْوَاجِکَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (1)

ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده بخاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می کنی؟! و خداوند آمرزنده و رحیم است. (1)

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَکُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِکُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاکُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَکِيمُ (2)

خداوند راه گشودن سوگندهایتان را (در این گونه موارد) روشن ساخته؛ و خداوند مولای شماست و او دانا و حکیم است. (2)

وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنبَأَکَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (3)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت، ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت، قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود؛ هنگامی که پیامبر همسرش را از آن خبر داد، گفت: «چه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟» فرمود: «خداوند عالم و آگاه مرا باخبر ساخت!» (3)

إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُکُمَا وَإِن تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِکَةُ بَعْدَ ذَلِکَ ظَهِيرٌ (4)

اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دلهایتان از حق منحرف گشته؛ و اگر بر ضدّ او دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند. (4)

عَسَى رَبُّهُ إِن طَلَّقَکُنَّ أَن يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنکُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْکَارًا (5)

امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع،

توبه کار، عابد، هجرت کننده، زنانی غیرباکره و باکره ! (5)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (6)

ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند (به طور کامل) اجرا می نمایند ! (6)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (7)

ای کسانی که کافر شده اید امروز عذرخواهی نکنید، چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می شوید ! (7)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِى اللَّهُ النَّبِىَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (8)

ای کسانی که ایمان آورده اید بسوی خدا توبه کنید، توبه ای خالص؛ امید است (با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی کند؛ این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است، و می گویند: «پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانائی!» (8)

يَا أَيُّهَا النَّبِىُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (9)

ای پیامبر! با کفّار و منافقین پیکار کن و بر آنان سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است، و بد فرجامی است! (9)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ (10)

خداوند برای کسانی که کافر شده اند به همسر نوح و همسر لوط مثَل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می شوند!» (10)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِى عِندَكَ بَيْتًا فِى الْجَنَّةِ وَنَجِّنِى مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِى مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (11)

و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثَل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!» (11)

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ (12)

و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود! (12)

ص: 561

جزء 29

سوره الملک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَکَ الَّذِی بِيَدِهِ الْمُلْکُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ (1)

پربرکت و زوال ناپذير است کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست، و او بر هر چيز تواناست. (1)

الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَکُمْ أَيُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (2)

آن کس که مرگ و حيات را آفريد تا شما را بيازمايد که کدام يک از شما بهتر عمل می کنيد، و او شکست ناپذير و بخشنده است. (2)

الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَی فِی خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَی مِن فُطُورٍ (3)

همان کسی که هفت آسمان را بر فراز يکديگر آفريد؛ در آفرينش خداوند رحمان هيچ تضادّ و عيبی نمی بينی! بار ديگر نگاه کن، آيا هيچ شکاف و خللی مشاهده می کنی؟! (3)

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ کَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْکَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (4)

بار ديگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می گردد در حالی که خسته و ناتوان است! (4)

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِّلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (5)

ما آسمان پايين (نزديک) را با چراغهای فروزانی زينت بخشيديم، و آنها [= شهابها] را تيرهايی برای شياطين قرار داديم، و برای آنان عذاب آتش فروزان فراهم ساختيم! (5)

وَلِلَّذِينَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (6)

و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند عذاب جهنّم است، و بد فرجامی است! (6)

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (7)

هنگامی که در آن افکنده شوند صدای وحشتناکی از آن می شنوند، و این در حالی است که پیوسته می جوشد! (7)

تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (8)

نزدیک است (دوزخ) از شدّت غضب پاره پاره شود؛ هر زمان که گروهی در آن افکنده می شوند، نگهبانان دوزخ از آنها می پرسند: «مگر بیم دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟!» (8)

قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ (9)

می گویند: «آری، بیم دهنده به سراغ ما آمد، ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هرگز چیزی نازل نکرده، و شما در گمراهی بزرگی هستید!» (9)

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (10)

و می گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقّل می کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!» (10)

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِّأَصْحَابِ السَّعِيرِ (11)

اینجاست که به گناه خود اعتراف می کنند؛ دور باشند دوزخیان از رحمت خدا! (11)

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (12)

(امّا) کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند، مسلّماً آمرزش و پاداش بزرگی دارند! (12)

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (13)

گفتار خود را پنهان کنید یا آشکار (تفاوتی نمی کند)، او به آنچه در سینه هاست آگاه است! (13)

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (14)

آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست؟! در حالی که او (از اسرار دقیق) باخبر و آگاه است! (14)

هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِی مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (15)

او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید و از روزیهای خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست! (15)

أَأَمِنتُم مَّن فِی السَّمَاءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِیَ تَمُورُ (16)

آیا خود را از عذاب کسی که حاکم بر آسمان است در امان می دانید که دستور دهد زمین بشکافد و شما را فرو برد و به لرزش خود ادامه دهد؟! (16)

أَمْ أَمِنتُم مَّن فِی السَّمَاءِ أَن يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ (17)

یا خود را از عذاب خداوند آسمان در امان می دانید که تندبادی پر از سنگریزه بر شما فرستد؟! و بزودی خواهید دانست تهدیدهای من چگونه است! (17)

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (18)

کسانی که پیش از آنان بودند (آیات الهی را) تکذیب کردند، امّا (ببین) مجازات من چگونه بود! (18)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَیْءٍ بَصِيرٌ (19)

آیا به پرندگانی که بالای سرشان است، و گاه بالهای خود را گسترده و گاه جمع می کنند، نگاه نکردند؟! جز خداوند رحمان کسی آنها را بر فراز آسمان نگه نمی دارد، چرا که او به هر چیز بیناست! (19)

أَمَّنْ هَذَا الَّذِی هُوَ جُندٌ لَّكُمْ يَنصُرُكُم مِّن دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِی غُرُورٍ (20)

آیا این کسی که لشکر شماست می تواند شما را در برابر خداوند یاری دهد؟ ولی کافران تنها گرفتار فریبند! (20)

أَمَّنْ هَذَا الَّذِی يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَل لَّجُّوا فِی عُتُوٍّ وَنُفُورٍ (21)

یا آن کسی که شما را روزی می دهد، اگر روزیش را بازدارد (چه کسی می تواند نیاز شما را تأمین کند)؟! ولی آنها در سرکشی و فرار از حقیقت لجاجت می ورزند! (21)

أَفَمَن يَمْشِی مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّن يَمْشِی سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (22)

آیا کسی که به رو افتاده حرکت می کند به هدایت نزدیکتر است یا کسی که راست قامت در صراط مستقیم گام برمی دارد؟! (22)

قُلْ هُوَ الَّذِی أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (23)

بگو: «او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد؛ امّا کمتر سپاسگزاری می کنید!» (23)

قُلْ هُوَ الَّذِی ذَرَأَكُمْ فِی الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (24)

بگو: «او کسی است که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید!» (24)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (25)

آنها می گویند: «اگر راست می گویید این وعده قیامت چه زمانی است؟!» (25)

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِندَ اللّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (26)

بگو: «علم آن تنها نزد خداست؛ و من فقط بیم دهنده آشکاری هستم!» (26)

ص: 563

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِی كُنتُم بِهِ تَدَّعُونَ (27)

هنگامی که آن (وعده الهی) را از نزدیک می بینند، صورت کافران زشت و سیاه می گردد، و به آنها گفته می شود: «این همان چیزی است که تقاضای آن را داشتید» ! (27)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِیَ اللَّهُ وَمَن مَّعِیَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (28)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند مرا و تمام کسانی را که با من هستند هلاک کند، یا مورد ترحّم قرار دهد، چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می دهد؟ !» (28)

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِی ضَلَالٍ مُّبِينٍ (29)

بگو: «او خداوند رحمان است، ما به او ایمان آورده و بر او توکّل کرده ایم؛ و بزودی می دانید چه کسی در گمراهی آشکار است !» (29)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَاءٍ مَّعِينٍ (30)

بگو: «به من خبر دهید اگر آبهای (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟ !» (30)

سوره القلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (1)

ن، سوگند به قلم و آنچه مینویسند، (1)

مَا أَنتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (2)

که به نعمت پروردگارت تو مجنون نیستی، (2)

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (3)

و برای تو پاداشی عظیم و همیشگی است ! (3)

وَإِنَّکَ لَعَلَی خُلَقٍ عَظِیمٍ (4)

و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری! (4)

فَسَتُبْصِرُ وَیُبْصِرُونَ (5)

و بزودی تو می بینی و آنان نیز می بینند، (5)

بِأَییِّکُمُ الْمَفْتُونُ (6)

که کدام یک از شما مجنونند! (6)

إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِیلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ (7)

پروردگارت بهتر از هر کس می داند چه کسی از راه او گمراه شده، و هدایت یافتگان را نیز بهتر می شناسد! (7)

فَلَا تُطِعِ الْمُکَذِّبِینَ (8)

حال که چنین است از تکذیب کنندگان اطاعت مکن! (8)

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَیُدْهِنُونَ (9)

آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها (هم) نرمش نشان دهند (نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق)! (9)

وَلَا تُطِعْ کُلَّ حَلَّافٍ مَّهِینٍ (10)

و از کسی که بسیار سوگند یاد می کند و پست است اطاعت مکن، (10)

هَمَّازٍ مَّشَّاءٍ بِنَمِیمٍ (11)

کسی که بسیار عیبجوست و به سخن چینی آمد و شد می کند، (11)

مَّنَّاعٍ لِّلْخَیْرِ مُعْتَدٍ أَثِیمٍ (12)

و بسیار مانع کار خیر، و متجاوز و گناهکار است؛ (12)

عُتُلٍّ بَعْدَ ذَلِکَ زَنِیم (13)

علاوه بر اینها کینه ً توز و پرخور و خشن و بدنام است ! (13)

أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (14)

مبادا بخاطر اینکه صاحب مال و فرزندان فراوان است (از او پیروی کنی) ! (14)

إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (15)

هنگامی که آیات ما بر او خوانده می شود می گوید: «اینها افسانه های خرافی پیشینیان است !» (15)

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ (16)

(ولی) ما بزودی بر بینی او علامت و داغ ننگ می نهیم! (16)

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (17)

ما آنها را آزمودیم، همان گونه که «صاحبان باغ» را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند یاد کردند که میوه های باغ را صبحگاهان (دور از چشم مستمندان) بچینند. (17)

وَلَا يَسْتَثْنُونَ (18)

و هیچ از آن استثنا نکنند؛ (18)

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (19)

امّا عذابی فراگیر (شب هنگام) بر (تمام) باغ آنها فرود آمد در حالی که همه در خواب بودند، (19)

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (20)

و آن باغ سرسبز همچون شب سیاه و ظلمانی شد! (20)

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ (21)

صبحگاهان یکدیگر را صدا زدند، (21)

أَنِ اغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَارِمِينَ (22)

که بسوی کشتزار و باغ خود حرکت کنید اگر قصد چیدن میوه ها را دارید! (22)

فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ (23)

آنها حرکت کردند در حالی که آهسته با هم می گفتند:» (23)

أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ (24)

«مواظب باشید امروز حتی یک فقیر وارد بر شما نشود !» (24)

وَغَدَوْا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ (25)

(آری) آنها صبحگاهان تصمیم داشتند که با قدرت از مستمندان جلوگیری کنند. (25)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ (26)

هنگامی که (وارد باغ شدند و) آن را دیدند گفتند: «حقّاً» ما گمراهیم ! (26)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (27)

(آری، همه چیز از دست ما رفته) بلکه ما محرومیم !» (27)

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ (28)

یکی از آنها که از همه عاقلتر بود گفت: «آیا به شما نگفتم چرا تسبیح خدا نمی گویید؟ ! (28)

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (29)

گفتند: «منزّه است پروردگار ما، مسلّماً ما ظالم بودیم !» (29)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ (30)

سپس رو به یکدیگر کرده به ملامت هم پرداختند، (30)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ (31)

(و فریادشان بلند شد) گفتند: «وای بر ما که طغیانگر بودیم ! (31)

عَسَى رَبُّنَا أَن يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ (32)

امیدواریم پروردگارمان (ما را ببخشد و) بهتر از آن به جای آن به ما بدهد، چرا که ما به او علاقه مندیم !» (32)

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (33)

این گونه است عذاب (خداوند در دنیا)، و عذاب آخرت از آن هم بزرگتر است اگر می دانستند! (33)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (34)

مسلّماً برای پرهیزگاران نزد پروردگارشان باغهای پر نعمت بهشت است! (34)

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (35)

آیا مؤمنان را همچون مجرمان قرار می دهیم؟! (35)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (36)

شما را چه می شود؟! چگونه داوری می کنید؟! (36)

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (37)

آیا کتابی دارید که از آن درس می خوانید... (37)

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ (38)

که آنچه را شما انتخاب می کنید از آن شماست؟! (38)

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ (39)

یا اینکه عهد و پیمان مؤکّد و مستمرّی تا روز قیامت بر ما دارید که هر چه را حکم کنید برای شما باشد؟! (39)

سَلْهُمْ أَيُّهُم بِذَلِكَ زَعِيمٌ (40)

از آنها بپرس کدام یک از آنان چنین چیزی را تضمین می کند؟! (40)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِن كَانُوا صَادِقِينَ (41)

یا اینکه معبودانی دارند که آنها را شریک خدا قرار داده اند (و برای آنان شفاعت می کنند)؟! اگر راست می گویند معبودان خود را بیاورند! (41)

يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (42)

(به خاطر بیاورید) روزی را که ساق پاها (از وحشت) برهنه می گردد و دعوت به سجود می شوند، امّا نمی توانند (سجود کنند). (42)

ص: 565

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ (43)

این در حالی است که چشمهایشان (از شدّت شرمساری) به زیر افتاده، و ذلّت و خواری وجودشان را فراگرفته؛ آنها پیش از این دعوت به سجود می شدند در حالی که سالم بودند (ولی امروز دیگر توانایی آن را ندارند)! (43)

فَذَرْنِی وَمَن يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (44)

اکنون مرا با آنها که این سخن را تکذیب می کنند واگذار! ما آنان را از آنجا که نمی دانند به تدریج به سوی عذاب پیش می بریم. (44)

وَأُمْلِی لَهُمْ إِنَّ كَيْدِی مَتِينٌ (45)

و به آنها مهلت (بازگشت) می دهم؛ چرا که نقشه های من محکم و دقیق است! (45)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ (46)

یا اینکه تو از آنها مُزدی می طلبی که پرداختش برای آنها سنگین است؟! (46)

أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (47)

یا اسرار غیب نزد آنهاست و آن را می نویسند (و به یکدیگر می دهند)؟! (47)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ (48)

اکنون که چنین است صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش، و مانند صاحب ماهی [= یونس] مباش (که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شد) در آن زمان که با نهایت اندوه خدا را خواند. (48)

لَّوْلَا أَن تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (49)

و اگر رحمت خدا به یاریش نیامده بود، (از شکم ماهی) بیرون افکنده می شد در حالی که نکوهیده بود ! (49)

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (50)

ولی پروردگارش او را برگزید و از صالحان قرار داد ! (50)

وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (51)

نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می شنوند با چشم زخم خود تو را از بین ببرند، و می گویند: «او دیوانه است !» (51)

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (52)

در حالی که این (قرآن) جز مایه بیداری برای جهانیان نیست ! (52)

سوره الحاقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَاقَّةُ (1)

(روز رستاخیز) روزی است که مسلّماً واقع می شود ! (1)

مَا الْحَاقَّةُ (2)

چه روز واقع شدنی ! (2)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (3)

و تو چه می دانی آن روز واقع شدنی چیست؟ ! (3)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ (4)

قوم «ثمود» و «عاد» عذاب کوبنده الهی را انکار کردند (و نتیجه شومش را دیدند) ! (4)

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (5)

امّا قوم «ثمود» با عذابی سرکش هلاک شدند ! (5)

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَهٍ (6)

و امّا قوم «عاد» با تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا به هلاکت رسیدند، (6)

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَهَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَهٍ (7)

(خداوند) این تندباد بنیان کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلّط ساخت، (و اگر آنجا بودی) می دیدی که آن قوم همچون تنه های پوسیده و تو خالی درختان نخل در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاک شده اند! (7)

فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّن بَاقِيَهٍ (8)

آیا کسی از آنها را باقی می بینی؟! (8)

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَن قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَهِ (9)

و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و همچنین اهل شهرهای زیر و رو شده [=قوم لوط] مرتکب گناهان بزرگ شدند، (9)

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَهً رَّابِيَهً (10)

و با فرستاده پروردگارشان مخالفت کردند؛ و خداوند (نیز) آنها را به عذاب شدیدی گرفتار ساخت! (10)

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِى الْجَارِيَهِ (11)

و هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را سوار بر کشتی کردیم، (11)

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَهً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَهٌ (12)

تا آن را وسیله تذکّری برای شما قرار دهیم و گوشهای شنوا آن را دریابد و بفهمد. (12)

فَإِذَا نُفِخَ فِى الصُّورِ نَفْخَهٌ وَاحِدَهٌ (13)

به محض اینکه یک بار در «صور» دمیده شود، (13)

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّهً وَاحِدَهً (14)

و زمین و کوه ها از جا برداشته شوند و یکباره در هم کوبیده و متلاشی گردند، (14)

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَهُ (15)

در آن روز «واقعه عظیم» روی می دهد، (15)

وَانشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِىَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَهٌ (16)

و آسمان از هم می شکافد و سست می گردد و فرومی ریزد! (16)

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَهٌ (17)

فرشتگان در اطراف آسمان قرارمی گیرند (و برای انجام مأموریتها آماده می شوند)؛ و آن روز عرش پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه آنها حمل می کنند! (17)

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنكُمْ خَافِيَةٌ (18)

در آن روز همگی به پیشگاه خدا عرضه می شوید و چیزی از کارهای شما پنهان نمی ماند! (18)

فَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَهْ (19)

پس کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند (از شدّت شادی و مباهات) فریاد می زند که: «(ای اهل محشر!) نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید! (19)

إِنِّى ظَنَنتُ أَنِّى مُلَاقٍ حِسَابِيَهْ (20)

من یقین داشتم که (قیامتی در کار است و) به حساب اعمالم می رسم!» (20)

فَهُوَ فِى عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ (21)

او در یک زندگی (کاملاً) رضایتبخش قرار خواهد داشت، (21)

فِى جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (22)

در بهشتی عالی، (22)

قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ (23)

که میوه هایش در دسترس است! (23)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِى الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ (24)

(و به آنان گفته می شود:) بخورید و بیاشامید گوارا در برابر اعمالی که در ایّام گذشته انجام دادید! (24)

وَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِى لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ (25)

امّا کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می گوید: «ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی دادند. (25)

وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ (26)

و نمی دانستم حساب من چیست ! (26)

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَهَ (27)

ای کاش مرگم فرا می رسید ! (27)

مَا أَغْنَى عَنِّى مَالِيَهْ (28)

مال و ثروتم هرگز مرا بی نیاز نکرد، (28)

هَلَکَ عَنِّى سُلْطَانِيَهْ (29)

قدرت من نیز از دست رفت !» (29)

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ (30)

او را بگیرید و دربند و زنجیرش کنید ! (30)

ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ (31)

سپس او را در دوزخ بیفکنید ! (31)

ثُمَّ فِى سِلْسِلَهٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (32)

بعد او را به زنجیری که هفتاد ذراع است ببندید؛ (32)

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (33)

چرا که او هرگز به خداوند بزرگ ایمان نمی آورد، (33)

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (34)

و هرگز مردم را بر اطعام مستمندان تشویق نمی نمود؛ (34)

ص: 567

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (35)

از این رو امروز هم در اینجا یار مهربانی ندارد، (35)

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ (36)

و نه طعامی، جز از چرک و خون! (36)

لَّا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ (37)

غذایی که جز خطاکاران آن را نمی خورند! (37)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ (38)

سوگند به آنچه می بینید، (38)

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (39)

و آنچه نمی بینید، (39)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (40)

که این قرآن گفتار رسول بزرگواری است، (40)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ (41)

و گفته شاعری نیست، امّا کمتر ایمان می آورید! (41)

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (42)

و نه گفته کاهنی، هر چند کمتر متذکّر می شوید! (42)

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (43)

کلامی است که از سوی پروردگار عالمیان نازل شده است! (43)

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (44)

اگر او سخنی دروغ بر ما می بست، (44)

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (45)

ما او را با قدرت می گرفتیم، (45)

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (46)

سپس رگ قلبش را قطع می کردیم، (46)

فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (47)

و هیچ کس از شما نمی توانست از (مجازات) او مانع شود! (47)

وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (48)

و آن مسلّماً تذکری برای پرهیزگاران است! (48)

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ (49)

و ما می دانیم که بعضی از شما (آن را) تکذیب می کنید! (49)

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (50)

و آن مایه حسرت کافران است! (50)

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (51)

و آن یقین خالص است! (51)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (52)

حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی! (52)

سوره المعارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (1)

تقاضاکننده ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد! (1)

لَلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (2)

این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند، (2)

مِّنَ اللَّهِ ذِی الْمَعَارِجِ (3)

از سوی خداوند ذی المعارج [= خداوندی که فرشتگانش بر آسمانها صعود و عروج می کنند]! (3)

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِی يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (4)

فرشتگان و روح [= فرشته مقرّب خداوند] بسوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است! (4)

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (5)

پس صبر جمیل پیشه کن، (5)

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (6)

زیرا آنها آن روز را دور می بینند، (6)

وَنَرَاهُ قَرِيبًا (7)

و ما آن را نزدیک می بینیم! (7)

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (8)

همان روز که آسمان همچون فلز گداخته می شود، (8)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (9)

و کوه ها مانند پشم رنگین متلاشی خواهد بود، (9)

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (10)

و هیچ دوست صمیمی سراغ دوستش را نمی گیرد! (10)

ص: 568

يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِى مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ (11)

آنها را نشانشان می دهند (ولی هر کس گرفتار کار خویشتن است)، چنان است که گنهکار دوست می دارد فرزندان خود را در برابر عذاب آن روز فدا کند، (11)

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ (12)

و همسر و برادرش را، (12)

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِى تُؤْوِيهِ (13)

و قبیله اش را که همیشه از او حمایت می کرد، (13)

وَمَن فِى الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنجِيهِ (14)

و همه مردم روی زمین را تا مایه نجاتش گردند؛ (14)

كَلَّا إِنَّهَا لَظَى (15)

امّا هرگز چنین نیست (که با اینها بتوان نجات یافت، آری) شعله های سوزان آتش است، (15)

نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى (16)

دست و پا و پوست سر را می کند و می برد! (16)

تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى (17)

و کسانی را که به فرمان خدا پشت کردند صدا می زند، (17)

وَجَمَعَ فَأَوْعَى (18)

و (همچنین آنها که) اموال را جمع و ذخیره کردند! (18)

إِنَّ الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (19)

به یقین انسان حریص و کم طاقت آفریده شده است، (19)

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (20)

هنگامی که بدی به او رسد بیتابی می کند، (20)

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (21)

و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می شود (و بخل می ورزد)، (21)

إِلَّا الْمُصَلِّينَ (22)

مگر نمازگزاران، (22)

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (23)

آنها که نمازها را پیوسته بجا می آورند، (23)

وَالَّذِينَ فِى أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (24)

و آنها که در اموالشان حق معلومی است... (24)

لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (25)

برای تقاضاکننده و محروم، (25)

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (26)

و آنها که به روز جزا ایمان دارند، (26)

وَالَّذِينَ هُم مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ (27)

و آنها که از عذاب پروردگارشان بیمناکند، (27)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ (28)

چرا که هیچ کس از عذاب پروردگارش در امان نیست، (28)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (29)

و آنها که دامان خویش را (از بی عفّتی) حفظ می کنند، (29)

إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (30)

جز با همسران و کنیزان (که در حکم همسرند آمیزش ندارند)، چرا که در بهره گیری از اینها مورد سرزنش نخواهند بود! (30)

فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (31)

و هر کس جز اینها را طلب کند، متجاوز است! (31)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (32)

و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می کنند، (32)

وَالَّذِينَ هُم بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ (33)

و آنها که با ادای شهادتشان قیام می نمایند، (33)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (34)

و آنها که بر نماز مواظبت دارند، (34)

أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ (35)

آنان در باغهای بهشتی (پذیرایی و) گرامی داشته می شوند. (35)

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ (36)

این کافران را چه می شود که با سرعت نزد تو می آیند... (36)

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ (37)

از راست و چپ، گروه گروه (و آرزوی بهشت دارند)! (37)

أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (38)

آیا هر یک از آنها (با این اعمال زشتش) طمع دارد که او را در بهشت پر نعیم الهی وارد کنند؟! (38)

كَلّا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّمَّا يَعْلَمُونَ (39)

هرگز چنین نیست؛ ما آنها را از آنچه خودشان می دانند آفریده ایم! (39)

ص: 569

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (40)

سوگند به پروردگار مشرقها و مغربها که ما قادریم... (40)

عَلَى أَن نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (41)

که جای آنان را به کسانی بدهیم که از آنها بهترند؛ و ما هرگز مغلوب نخواهیم شد! (41)

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِى يُوعَدُونَ (42)

آنان را به حال خود واگذار تا در باطل خود فرورونـد و بازی کنند تا زمانی که روز موعود خود را ملاقات نمایند! (42)

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ (43)

همان روز که از قبرها بسرعت خارج می شوند، گویی به سوی بتها می دوند... (43)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِى كَانُوا يُوعَدُونَ (44)

در حالی که چشمهایشان از شرم و وحشت به زیر افتاده، و پرده ای از ذلّت و خواری آنها را پوشانده است! این همان روزی است که به آنها وعده داده می شد! (44)

سوره نوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (1)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: «قوم خود را انذار کن پیش از آنکه عذاب دردناک به سراغشان آید!» (1)

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّى لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (2)

گفت: «ای قوم! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم، (2)

أَنِ اعْبُدُوا اللّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ (3)

که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او بپرهیزید و مرا اطاعت نمایید! (3)

يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (4)

اگر چنین کنید، خدا گناهانتان را می آمرزد و تا زمان معیّنی شما را عمر می دهد؛ زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد، تأخیری نخواهد داشت اگر می دانستید!» (4)

قَالَ رَبِّ إِنِّى دَعَوْتُ قَوْمِى لَيْلًا وَنَهَارًا (5)

(نوح) گفت: «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (بسوی تو) دعوت کردم، (5)

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِى إِلَّا فِرَارًا (6)

امّا دعوت من چیزی جز فرار از حقّ بر آنان نیفزود! (6)

وَإِنِّى كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِى آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (7)

و من هر زمان آنها را دعوت کردم که (ایمان بیاورند و) تو آنها را بیامرزی، انگشتان خویش را در گوشهایشان قرار داده و لباسهایشان را بر خود پیچیدند، و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدّت استکبار کردند! (7)

ثُمَّ إِنِّى دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا (8)

سپس من آنها را با صدای بلند (به اطاعت فرمان تو) دعوت کردم، (8)

ثُمَّ إِنِّى أَعْلَنتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (9)

سپس آشکارا و نهان (حقیقت توحید و ایمان را) برای آنان بیان داشتم! (9)

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (10)

به آنها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است... (10)

ص: 570

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا (11)

تا بارانهای پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد، (11)

وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَارًا (12)

و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغهای سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد! (12)

مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (13)

چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید؟! (13)

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (14)

در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید (تا از نطفه به انسان کامل رسیدید)! (14)

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (15)

آیا نمی دانید چگونه خداوند هفت آسمان را یکی بالای دیگری آفریده است، (15)

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا (16)

و ماه را در میان آسمانها مایه روشنایی، و خورشید را چراغ فروزانی قرار داده است؟! (16)

وَاللَّهُ أَنبَتَكُم مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (17)

و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویانید، (17)

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا (18)

سپس شما را به همان زمین بازمی گرداند، و بار دیگر شما را خارج می سازد! (18)

وَاللّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطاً (19)

و خداوند زمین را برای شما فرش گسترده ای قرار داد... (19)

لِّتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلاً فِجَاجًا (20)

تا از راههای وسیع و دره های آن بگذرید (و به هر جا می خواهید بروید)!» (20)

قَالَ نُوحٌ رَّبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِی وَاتَّبَعُوا مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا (21)

نوح (بعد از نومیدی از هدایت آنان) گفت: «پروردگارا! آنها نافرمانی من کردند و از کسانی پیروی نمودند که اموال و فرزندانشان چیزی جز زیانکاری بر آنها نیفزوده است! (21)

وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا (22)

و (این رهبران گمراه) مکر عظیمی به کار بردند... (22)

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا (23)

و گفتند: دست از خدایان و بتهای خود برندارید (به خصوص) بتهای «وَد»، «سواع»، «یغوث»، «یعوق» و «نسر» را رها نکنید! (23)

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا (24)

و آنها گروه بسیاری را گمراه کردند! خداوندا، ظالمان را جز ضلالت میفزا!» (24)

مِّمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَنصَارًا (25)

(آری، سرانجام) همگی بخاطر گناهانشان غرق شدند و در آتش دوزخ وارد گشتند، و جز خدا یاورانی برای خود نیافتند! (25)

وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا (26)

نوح گفت: «پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار! (26)

إِنَّکَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلّوا عِبَادَکَ وَلَا يَلِدُوا إِلّا فَاجِرًا كَفَّارًا (27)

چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگانت را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند! (27)

رَّبِّ اغْفِرْ لِی وَلِوَالِدَیَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِیَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (28)

پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و جمیع مردان و زنان باایمان را بیامرز؛ و ظالمان را جز هلاکت میفزا!» (28)

سوره الجن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (1)

بگو: به من وحی شده است که جمعی از جنّ به سخنانم گوش فراداده اند، سپس گفته اند: «ما قرآن عجیبی شنیده ایم... (1)

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (2)

که به راه راست هدایت می کند، پس ما به آن ایمان آورده ایم و هرگز کسی را شریک پروردگارمان قرارنمی دهیم ! (2)

وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (3)

و اینکه بلند است مقام باعظمت پروردگار ما، و او هرگز برای خود همسر و فرزندی انتخاب نکرده است ! (3)

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (4)

و اینکه سفیه ما (ابلیس) درباره خداوند سخنان ناروا می گفت ! (4)

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن تَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (5)

و اینکه ما گمان می کردیم که انس و جنّ هرگز بر خدا دروغ نمی بندند ! (5)

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (6)

و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جنّ پناه می بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می شدند ! (6)

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (7)

و اینکه آنها گمان کردند -همان گونه که شما گمان می کردید- که خداوند هرگز کسی را (به نبوّت) مبعوث نمی کند ! (7)

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا (8)

و اینکه ما آسمان را جستجو کردیم و همه را پر از محافظان قوّی و تیرهای شهاب یافتیم ! (8)

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَن يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا (9)

و اینکه ما پیش از این به استراق سمع در آسمانها می نشستیم؛ امّا اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می یابد ! (9)

وَأَنَّا لَا نَدْرِی أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِی الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (10)

و اینکه (با این اوضاع) ما نمی دانیم آیا اراده شرّی درباره اهل زمین شده یا پروردگارشان خواسته است آنان را هدایت کند؟ ! (10)

وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِکَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا (11)

و اینکه در میان ما، افرادی صالح و افرادی غیر صالحند؛ و ما گروه های متفاوتی هستیم ! (11)

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن نُّعْجِزَ اللَّهَ فِی الْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُ هَرَبًا (12)

و اینکه ما یقین داریم هرگز نمی توانیم بر اراده خداوند در زمین غالب شویم و نمی توانیم از (پنجه قدرت) او بگریزیم ! (12)

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَن يُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (13)

و اینکه ما هنگامی که هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ و هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از نقصان می ترسد و نه از ظلم ! (13)

وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِکَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (14)

و اینکه گروهی از ما مسلمان و گروهی ظالمند؛ هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده است، (14)

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَکَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (15)

و امّا ظالمان آتشگیره و هیزم دوزخند! (15)

وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا (16)

و اینکه اگر آنها [= جنّ و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می کنیم! (16)

لِّنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (17)

هدف این است که ما آنها را با این نعمت فراوان بیازماییم؛ و هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب شدید و فزاینده ای گرفتار می سازد! (17)

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (18)

و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید! (18)

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (19)

و اینکه هنگامی که بنده خدا [= محمّد (ص)] به عبادت برمی خاست و او را می خواند، گروهی پیرامون او بشدّت ازدحام می کردند!» (19)

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّى وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (20)

بگو: «من تنها پروردگارم را می خوانم و هیچ کس را شریک او قرار نمی دهم!» (20)

قُلْ إِنِّى لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (21)

بگو: «من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم!» (21)

قُلْ إِنِّی لَن یُجِیرَنِی مِنَ اللّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا (22)

بگو: «(اگر من نیز بر خلاف فرمانش رفتار کنم) هیچ کس مرا در برابر او حمایت نمی کند و پناهگاهی جز او نمی یابم؛ (22)

إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَن یَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا (23)

تنها وظیفه من ابلاغ از سوی خدا و رساندن رسالات اوست؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند، آتش دوزخ از آن اوست و جاودانه در آن می مانند! (23)

حَتَّی إِذَا رَأَوْا مَا یُوعَدُونَ فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا (24)

(این کار شکنی کفّار همچنان ادامه می یابد) تا آنچه را به آنها وعده داده شده ببینند؛ آنگاه می دانند چه کسی یاورش ضعیفتر و جمعیّتش کمتر است! (24)

قُلْ إِنْ أَدْرِی أَقَرِیبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ یَجْعَلُ لَهُ رَبِّی أَمَدًا (25)

بگو: «من نمی دانم آنچه به شما وعده داده شده نزدیک است یا پروردگارم زمانی برای آن قرارمی دهد؟! (25)

عَالِمُ الْغَیْبِ فَلَا یُظْهِرُ عَلَی غَیْبِهِ أَحَدًا (26)

دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد، (26)

إِلَّا مَنِ ارْتَضَی مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ یَسْلُکُ مِن بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (27)

مگر رسولانی که آنان را برگزیده و مراقبینی از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می دهد... (27)

لِّیَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَیْهِمْ وَأَحْصَی کُلَّ شَیْءٍ عَدَدًا (28)

تا بداند پیامبرانش رسالتهای پروردگارشان را ابلاغ کرده اند؛ و او به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را احصاء کرده است!» (28)

سوره المزمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (1)

ای جامه به خود پیچیده ! (1)

قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (2)

شب را، جز کمی، بپاخیز ! (2)

نِّصْفَهُ أَوِ انقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (3)

نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن، (3)

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (4)

یا بر نصف آن بیفزا، و قرآن را با دقّت و تأمّل بخوان؛ (4)

إِنَّا سَنُلْقِى عَلَيْکَ قَوْلًا ثَقِيلًا (5)

چرا که ما بزودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد ! (5)

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِىَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (6)

مسلّماً نماز و عبادت شبانه پابرجاتر و با استقامت تر است ! (6)

إِنَّ لَکَ فِى النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (7)

و تو در روز تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت ! (7)

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّکَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (8)

و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند ! (8)

رَّبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (9)

همان پروردگار شرق و غرب که معبودی جز او نیست، او را نگاهبان و وکیل خود انتخاب کن، (9)

وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولَونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلاً (10)

و در برابر آنچه (دشمنان) می گویند شکیبا باش و بطرزی شایسته از آنان دوری گزین ! (10)

وَذَرْنِى وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِى النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلاً (11)

و مرا با تکذیب کنندگان صاحب نعمت واگذار، و آنها را کمی مهلت ده، (11)

إِنَّ لَدَيْنَا أَنكَالاً وَجَحِيمًا (12)

که نزد ما غل و زنجیرها و (آتش) دوزخ است، (12)

وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا (13)

و غذایی گلوگیر، و عذابی دردناک، (13)

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلاً (14)

در آن روز که زمین و کوه ها سخت به لرزه درمی آید، و کوه ها (چنان درهم کوبیده می شود که) به شکل توده هایی از شن نرم درمی آید ! (14)

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولاً شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولاً (15)

ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که گواه بر شماست، همان گونه که به سوی فرعون رسولی فرستادیم ! (15)

فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً (16)

(ولی) فرعون به مخالفت و نافرمانی آن رسول برخاست، و ما او را سخت مجازات کردیم ! (16)

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (17)

شما (نیز) اگر کافر شوید، چگونه خود را (از عذاب الهی) بر کنار می دارید؟ ! در آن روز که کودکان را پیر می کند، (17)

السَّمَاءُ مُنفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولاً (18)

و آسمان از هم شکافته می شود، و وعده او شدنی و حتمی است. (18)

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلاً (19)

این هشدار و تذکّری است، پس هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند! (19)

ص: 574

إِنَّ رَبَّکَ يَعْلَمُ أَنَّکَ تَقُومُ أَدْنَى مِن ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَکَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْکُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَکُونُ مِنکُم مَّرْضَى وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِکُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (20)

پروردگارت می داند که تو و گروهی از آنها که با تو هستند نزدیک دو سوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می خیزند؛ خداوند شب و روز را اندازه گیری می کند؛ او می داند که شما نمی توانید مقدار آن را (به دقّت) اندازه گیری کنید (برای عبادت کردن)، پس شما را بخشید؛ اکنون آنچه برای شما میسّر است قرآن بخوانید او می داند بزودی گروهی از شما بیمار می شوند، و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی) به سفر می روند، و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می کنند (و از تلاوت قرآن بازمی مانند)، پس به اندازه ای که برای شما ممکن است از آن تلاوت کنید و نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید و به خدا «قرض الحسنه» دهید [= در راه او انفاق نمایید] و (بدانید) آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستید نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند آمرزنده و مهربان است! (20)

سوره المدثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ (1)

ای جامه خواب به خود پیچیده (و در بستر آرمیده)! (1)

قُمْ فَأَنذِرْ (2)

برخیز و انذار کن (و عالمیان را بیم ده)، (2)

وَرَبَّکَ فَکَبِّرْ (3)

و پروردگارت را بزرگ بشمار، (3)

وَثِيَابَکَ فَطَهِّرْ (4)

و لباست را پاک کن، (4)

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ (5)

و از پلیدی دوری کن، (5)

وَلَا تَمْنُن تَسْتَكْثِرُ (6)

و منّت مگذار و فزونی مطلب، (6)

وَلِرَبِّکَ فَاصْبِرْ (7)

و بخاطر پروردگارت شکیبایی کن! (7)

فَإِذَا نُقِرَ فِی النَّاقُورِ (8)

هنگامی که در «صور» دمیده شود، (8)

فَذَلِکَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ (9)

آن روز، روز سختی است، (9)

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ (10)

و برای کافران آسان نیست! (10)

ذَرْنِی وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا (11)

مرا با کسی که او را خود به تنهایی آفریده ام واگذار! (11)

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا (12)

همان کسی که برای او مال گسترده ای قرار دادم، (12)

وَبَنِينَ شُهُودًا (13)

و فرزندانی که همواره نزد او (و در خدمت او) هستند، (13)

وَمَهَّدتُّ لَهُ تَمْهِيدًا (14)

و وسایل زندگی را از هر نظر برای وی فراهم ساختم! (14)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (15)

باز هم طمع دارد که بر او بیفزایم! (15)

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا (16)

هرگز چنین نخواهد شد؛ چرا که او نسبت به آیات ما دشمنی می ورزد! (16)

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا (17)

و بزودی او را مجبور می کنم که از قلّه زندگی بالا رود (سپس او را به زیر می افکنم)! (17)

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ (18)

او (برای مبارزه با قرآن) اندیشه کرد و مطلب را آماده ساخت! (18)

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (19)

مرگ بر او باد! چگونه (برای مبارزه با حق) مطلب را آماده کرد! (19)

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (20)

باز هم مرگ بر او، چگونه مطلب (و نقشه شیطانی خود را) آماده نمود! (20)

ثُمَّ نَظَرَ (21)

سپس نگاهی افکند، (21)

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ (22)

بعد چهره درهم کشید و عجولانه دست به کار شد؛ (22)

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (23)

سپس پشت (به حقّ) کرد و تکبّر ورزید، (23)

فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ (24)

و سرانجام گفت: «این (قرآن) چیزی جز افسون و سحری همچون سحرهای پیشینیان نیست! (24)

إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (25)

این فقط سخن انسان است (نه گفتار خدا)!» (25)

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ (26)

(امّا) بزودی او را وارد سَقَر [= دوزخ] می کنم! (26)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا سَقَرُ (27)

و تو نمی دانی «سقر» چیست! (27)

لَا تُبْقِی وَلَا تَذَرُ (28)

(آتشی است که) نه چیزی را باقی می گذارد و نه چیزی را رها می سازد! (28)

لَوَّاحَةٌ لِّلْبَشَرِ (29)

پوست تن را بکلّی دگرگون می کند! (29)

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (30)

نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن گمارده شده اند! (30)

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِی مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِیَ إِلَّا ذِكْرَی لِلْبَشَرِ (31)

مأموران دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معیّن نکردیم تا اهل کتاب [= یهود و نصاری] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید، و اهل کتاب و مؤمنان (در حقّانیّت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و بیماردلان و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!» (آری) این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می سازد و هر کس را بخواهد هدایت می کند! و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی داند، و این جز هشدار و تذکّری برای انسانها نیست! (31)

كَلَّا وَالْقَمَرِ (32)

اینچنین نیست که آنها تصوّر می کنند سوگند به ماه، (32)

وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ (33)

و به شب، هنگامی که (دامن برچیند و) پشت کند، (33)

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ (34)

و به صبح هنگامی که چهره بگشاید، (34)

إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ (35)

که آن (حوادث هولناک قیامت) از مسائل مهم است! (35)

نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ (36)

هشدار و انذاری است برای همه انسانها، (36)

لِمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (37)

برای کسانی از شما که می خواهند پیش افتند یا عقب بمانند [= بسوی هدایت و نیکی پیش روند یا نروند]! (37)

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (38)

(آری) هر کس در گرو اعمال خویش است، (38)

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (39)

مگر «اصحاب یمین» (که نامه اعمالشان را به نشانه ایمان و تقوایشان به دست راستشان می دهند)! (39)

فِى جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (40)

آنها در باغهای بهشتند، و سؤال می کنند... (40)

عَنِ الْمُجْرِمِينَ (41)

از مجرمان: (41)

مَا سَلَكَكُمْ فِى سَقَرَ (42)

چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟!» (42)

قَالَوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ (43)

می گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم، (43)

وَلَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکِینَ (44)

و اطعام مستمند نمی کردیم، (44)

وَکُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِینَ (45)

و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم، (45)

وَکُنَّا نُکَذِّبُ بِیَوْمِ الدِّینِ (46)

و همواره روز جزا را انکار می کردیم، (46)

حَتَّی أَتَانَا الْیَقِینُ (47)

تا زمانی که مرگ ما فرا رسید!» (47)

ص: 576

فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (48)

از این رو شفاعت شفاعت کنندگان به حال آنها سودی نمی بخشد. (48)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ (49)

چرا آنها از تذکّر روی گردانند؟! (49)

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنفِرَةٌ (50)

گویی گورخرانی رمیده اند، (50)

فَرَّتْ مِن قَسْوَرَةٍ (51)

که از (مقابل) شیری فرار کرده اند! (51)

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُؤْتَى صُحُفًا مُّنَشَّرَةً (52)

بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد نامه جداگانه ای (از سوی خدا) برای او فرستاده شود! (52)

كَلَّا بَل لَّا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ (53)

چنین نیست که آنان می گویند، بلکه آنها از آخرت نمی ترسند! (53)

كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ (54)

چنین نیست که آنها می گویند، آن (قرآن) یک تذکّر و یادآوری است! (54)

فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ (55)

هر کس بخواهد از آن پند می گیرد؛ (55)

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (56)

و هیچ کس پند نمی گیرد مگر اینکه خدا بخواهد؛ او اهل تقوا و اهل آمرزش است! (56)

سوره القیامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَهِ (1)

سوگند به روز قیامت، (1)

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَهِ (2)

و سوگند به (نفس لوّامه و) وجدان بیدار و ملامتگر (که رستاخیز حقّ است)! (2)

أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُ (3)

آیا انسان می پندارد که هرگز استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد؟! (3)

بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُ (4)

آری قادریم که (حتّی خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتّب کنیم! (4)

بَلْ يُرِيدُ الْإِنسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (5)

(انسان شک در معاد ندارد) بلکه او می خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند! (5)

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَهِ (6)

(از این رو) می پرسد: «قیامت کی خواهد بود»! (6)

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (7)

(بگو:) در آن هنگام که چشمها از شدّت وحشت به گردش درآید، (7)

وَخَسَفَ الْقَمَرُ (8)

و ماه بی نور گردد، (8)

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (9)

و خورشید و ماه یک جا جمع شوند، (9)

يَقُولُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ (10)

آن روز انسان می گوید: «راه فرار کجاست؟!» (10)

كَلَّا لَا وَزَرَ (11)

هرگز چنین نیست، راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد! (11)

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (12)

آن روز قرارگاه نهایی تنها بسوی پروردگار تو است؛ (12)

يُنَبَّأُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ (13)

و در آن روز انسان را از تمام کارهایی که از پیش یا پس فرستاده آگاه می کنند! (13)

بَلِ الْإِنسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (14)

بلکه انسان خودش از وضع خود آگاه است، (14)

وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ (15)

هر چند (در ظاهر) برای خود عذرهایی بتراشد! (15)

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (16)

زبانت را بخاطر عجله برای خواندن آن [= قرآن] حرکت مده، (16)

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (17)

چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست! (17)

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (18)

پس هر گاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن! (18)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (19)

سپس بیان و (توضیح) آن (نیز) بر عهده ماست! (19)

ص: 577

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (20)

چنین نیست که شما می پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی دانید)؛ بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید (و هوسرانی بی قید و شرط را)! (20)

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (21)

و آخرت را رها می کنید! (21)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ (22)

(آری) در آن روز صورتهایی شاداب و مسرور است، (22)

إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (23)

و به پروردگارش می نگرد! (23)

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (24)

و در آن روز صورتهایی عبوس و در هم کشیده است، (24)

تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (25)

زیرا می داند عذابی در پیش دارد که پشت را در هم می شکند! (25)

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ (26)

چنین نیست (که انسان می پندارد! او ایمان نمی آورد) تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد، (26)

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ (27)

و گفته شود: «آیا کسی هست که (این بیمار را از مرگ) نجات دهد؟!» (27)

وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (28)

و به جدائی از دنیا یقین پیدا کند، (28)

وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (29)

و ساق پاها (از سختی جان دادن) به هم بپیچد! (29)

إِلَى رَبِّکَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ (30)

(آری) در آن روز مسیر همه بسوی (دادگاه) پروردگارت خواهد بود! (30)

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى (31)

(در آن روز گفته می شود:) او هرگز ایمان نیاورد و نماز نخواند، (31)

وَلَكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّى (32)

بلکه تکذیب کرد و روی گردان شد، (32)

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى (33)

سپس بسوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبّرانه قدم برمی داشت! (33)

أَوْلَى لَکَ فَأَوْلَى (34)

(با این اعمال) عذاب الهی برای تو شایسته تر است، شایسته تر! (34)

ثُمَّ أَوْلَى لَکَ فَأَوْلَى (35)

سپس عذاب الهی برای تو شایسته تر است، شایسته تر! (35)

أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَن يُتْرَکَ سُدًى (36)

آیا انسان گمان می کند بی هدف رها می شود؟! (36)

أَلَمْ يَکُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَى (37)

آیا او نطفه ای از منی که در رحم ریخته می شود نبود؟! (37)

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى (38)

سپس بصورت خون بسته در آمد، و خداوند او را آفرید و موزون ساخت، (38)

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (39)

و از او دو زوج مرد و زن آفرید ! (39)

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَى (40)

آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟ ! (40)

سوره الانسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا (1)

آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟ ! (1)

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (2)

ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می آزماییم؛ (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم ! (2)

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (3)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس ! (3)

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا (4)

ما برای کافران، زنجیرها و غلها و شعله های سوزان آتش آماده کرده ایم ! (4)

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (5)

به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است، (5)

ص: 578

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (6)

از چشمه ای که بندگان خاص خدا از آن می نوشند، و از هر جا بخواهند آن را جاری می سازند! (6)

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (7)

آنها به نذر خود وفا می کنند، و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است می ترسند، (7)

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (8)

و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند! (8)

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (9)

(و می گویند:) ما شما را بخاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم! (9)

إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (10)

ما از پروردگارمان خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است! (10)

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (11)

(بخاطر این عقیده و عمل) خداوند آنان را از شرّ آن روز نگه می دارد و آنها را می پذیرد در حالی که غرق شادی و سرورند! (11)

وَجَزَاهُم بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا (12)

و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر بهشتی را به آنها پاداش می دهد! (12)

مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (13)

این در حالی است که در بهشت بر تختهای زیبا تکیه کرده اند، نه آفتاب را در آنجا می بینند و نه سرما را! (13)

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا (14)

و در حالی است که سایه های درختان بهشتی بر آنها فرو افتاده و چیدن میوه هایش بسیار آسان است! (14)

وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِآنِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا (15)

و در گرداگرد آنها ظرفهایی سیمین و قدحهایی بلورین می گردانند (پر از بهترین غذاها و نوشیدنی ها)، (15)

قَوَارِيرَ مِن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا (16)

ظرفهای بلورینی از نقره، که آنها را به اندازه مناسب آماده کرده اند! (16)

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا (17)

و در آنجا از جامهایی سیراب می شوند که لبریز از شراب طهوری آمیخته با زنجبیل است، (17)

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا (18)

از چشمه ای در بهشت که نامش سلسبیل است! (18)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا (19)

و بر گردشان (برای پذیرایی) نوجوانانی جاودانی می گردند که هرگاه آنها را ببینی گمان می کنی مروارید پراکنده اند! (19)

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا (20)

و هنگامی که آنجا را ببینی نعمتها و ملک عظیمی را می بینی! (20)

عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (21)

بر اندام آنها [= بهشتیان] لباسهایی است از حریر نازک سبزرنگ، و از دیبای ضخیم، و با دستبندهایی از نقره آراسته اند، و پروردگارشان شراب طهور به آنان می نوشاند! (21)

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا (22)

این پاداش شماست، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است! (22)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْکَ الْقُرْآنَ تَنزِيلًا (23)

مسلّماً ما قرآن را بر تو نازل کردیم! (23)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّکَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا (24)

پس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکیبا (و با استقامت) باش، و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن! (24)

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّکَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (25)

و نام پروردگارت را هر صبح و شام به یاد آور! (25)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (26)

و در شبانگاه برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی ! (26)

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (27)

آنها زندگی زودگذر دنیا را دوست دارند، در حالی که روز سختی را پشت سر خود رها می کنند ! (27)

نَّحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا (28)

ما آنها را آفریدیم و پیوندهای وجودشان را محکم کردیم، و هر زمان بخواهیم جای آنان را به گروه دیگری می دهیم ! (28)

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا (29)

این یک تذکر و یادآوری است، و هر کس بخواهد (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند ! (29)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (30)

و شما هیچ چیز را نمی خواهید مگر اینکه خدا بخواهد، خداوند دانا و حکیم بوده و هست ! (30)

يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (31)

و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) در رحمت (وسیع) خود وارد می کند، و برای ظالمان عذاب دردناکی آماده ساخته است ! (31)

سوره المرسلات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (1)

سوگند به فرشتگانی که پی در پی فرستاده می شوند، (1)

فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (2)

و آنها که همچون تند باد حرکت می کنند، (2)

وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا (3)

و سوگند به آنها که (ابرها را) می گسترانند، (3)

فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا (4)

و آنها که جدا می کنند، (4)

فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا (5)

و سوگند به آنها که آیات بیدارگر (الهی) را (به انبیا) القا می نمایند، (5)

عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (6)

برای اتمام حجّت یا برای انذار، (6)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ (7)

که آنچه به شما (درباره قیامت) وعده داده می شود، یقیناً واقع شدنی است! (7)

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (8)

در آن هنگام که ستارگان محو و تاریک شوند، (8)

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (9)

و (کرات) آسمان از هم بشکافند، (9)

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ (10)

و در آن زمان که کوه ها از جا کنده شوند، (10)

وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ (11)

و در آن هنگام که برای پیامبران (بمنظور ادای شهادت) تعیین وقت شود! (11)

لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ (12)

(این امر) برای چه روزی به تأخیر افتاده؟ (12)

لِيَوْمِ الْفَصْلِ (13)

برای روز جدایی (حق از باطل)! (13)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ (14)

تو چه می دانی روز جدایی چیست! (14)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (15)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (15)

أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ (16)

آیا ما اقوام (مجرم) نخستین را هلاک نکردیم؟! (16)

ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ (17)

سپس دیگر (مجرمان) را به دنبال آنها می فرستیم! (17)

كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (18)

(آری) این گونه با مجرمان رفتار می کنیم! (18)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (19)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (19)

أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ (20)

آیا شما را از آبی پست و ناچیز نیافریدیم، (20)

فَجَعَلْنَاهُ فِی قَرَارٍ مَّكِينٍ (21)

سپس آن را در قرارگاهی محفوظ و آماده قرار دادیم، (21)

إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ (22)

تا مدّتی معیّن؟! (22)

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ (23)

ما قدرت بر این کار داشتیم، پس ما قدرتمند خوبی هستیم (و امر معاد برای ما آسان است)! (23)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (24)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (24)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (25)

آیا زمین را مرکز اجتماع انسانها قرار ندادیم، (25)

أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا (26)

هم در حال حیاتشان و هم مرگشان؟! (26)

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُم مَّاءً فُرَاتًا (27)

و در آن کوه های استوار و بلندی قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشاندیم! (27)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (28)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (28)

انطَلِقُوا إِلَى مَا كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ (29)

(در آن روز به آنها گفته می شود:) بی درنگ، به سوی همان چیزی که پیوسته آن را تکذیب می کردید بروید! (29)

انطَلِقُوا إِلَى ظِلٍّ ذِی ثَلَاثِ شُعَبٍ (30)

بروید به سوی سایه سه شاخه (دودهای خفقان بار و آتش زا)! (30)

لَّا ظَلِیلٍ وَلَا یُغْنِی مِنَ اللَّهَبِ (31)

سایه ای که نه آرامبخش است و نه از شعله های آتش جلوگیری می کند! (31)

إِنَّهَا تَرْمِی بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (32)

شراره هایی از خود پرتاب می کند مانند یک کاخ! (32)

كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ (33)

گویی (در سرعت و کثرت) همچون شتران زردرنگی هستند (که به هر سو پراکنده می شوند)! (33)

وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِینَ (34)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (34)

هَذَا یَوْمُ لَا یَنطِقُونَ (35)

امروز روزی است که سخن نمی گویند (و قادر بر دفاع از خویشتن نیستند)، (35)

وَلَا یُؤْذَنُ لَهُمْ فَیَعْتَذِرُونَ (36)

و به آنها اجازه داده نمی شود که عذرخواهی کنند! (36)

وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِینَ (37)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان ! (37)

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ (38)

(و به آنها گفته می شود:) امروز همان روز جدایی (حق از باطل) است که شما و پیشینیان را در آن جمع کرده ایم ! (38)

فَإِن كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ (39)

اگر چاره ای در برابر من (برای فرار از چنگال مجازات) دارید انجام دهید ! (39)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (40)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان ! (40)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِى ظِلَالٍ وَعُيُونٍ (41)

(در آن روز) پرهیزگاران در سایه های (درختان بهشتی) و در میان چشمه ها قرار دارند، (41)

وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ (42)

و میوه هایی از آنچه مایل باشند ! (42)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (43)

بخورید و بنوشید گوارا، اینها در برابر اعمالی است که انجام می دادید ! (43)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ (44)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم ! (44)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (45)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان ! (45)

كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلاً إِنَّكُم مُّجْرِمُونَ (46)

(و به مجرمان بگو:) بخورید و بهره گیرید در این مدت کم (از زندگی دنیا، ولی بدانید عذاب الهی در انتظار شماست) چرا که شما مجرمید! (46)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (47)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (47)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ (48)

و هنگامی که به آنها گفته شود رکوع کنید رکوع نمی کنند! (48)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (49)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (49)

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (50)

(و اگر آنها به این قرآن ایمان نمی آورند) پس به کدام سخن بعد از آن ایمان می آورند؟! (50)

جزء 30

سوره النبإ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (1)

آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند؟ ! (1)

عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ (2)

از خبر بزرگ و پراهمیّت (رستاخیز) ! (2)

الَّذِى هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (3)

همان خبری که پیوسته در آن اختلاف دارند ! (3)

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (4)

چنین نیست که آنها فکر می کنند، و بزودی می فهمند ! (4)

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (5)

باز هم چنین نیست که آنها می پندارند، و بزودی می فهمند (که قیامت حق است) ! (5)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (6)

آیا زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم؟ ! (6)

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (7)

و کوه ها را میخهای زمین؟ ! (7)

وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (8)

و شما را بصورت زوجها آفریدیم ! (8)

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (9)

و خواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم، (9)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا (10)

و شب را پوششی (برای شما)، (10)

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (11)

و روز را وسیله ای برای زندگی و معاش! (11)

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (12)

و بر فراز شما هفت (آسمان) محکم بنا کردیم! (12)

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا (13)

و چراغی روشن و حرارت بخش آفریدیم! (13)

وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا (14)

و از ابرهای باران زا آبی فراوان نازل کردیم، (14)

لِّنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (15)

تا بوسیله آن دانه و گیاه بسیار برویانیم، (15)

وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (16)

و باغهایی پردرخت! (16)

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (17)

(آری) روز جدایی، میعاد همگان است! (17)

يَوْمَ يُنفَخُ فِى الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (18)

روزی که در «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج (به محشر) می آیید! (18)

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (19)

و آسمان گشوده می شود و بصورت درهای متعددی درمی آید! (19)

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (20)

و کوه ها به حرکت درمی آید و بصورت سرابی می شود! (20)

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (21)

مسلّماً (در آن روز) جهنّم کمینگاهی است بزرگ، (21)

لِّلطَّاغِينَ مَآبًا (22)

و محل بازگشتی برای طغیانگران! (22)

لَّابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا (23)

مدّتهای طولانی در آن می مانند! (23)

لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (24)

در آنجا نه چیز خنکی می چشند و نه نوشیدنی گوارایی، (24)

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا (25)

جز آبی سوزان و مایعی از چرک و خون! (25)

جَزَاءً وِفَاقًا (26)

این مجازاتی است موافق و مناسب (اعمالشان)! (26)

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (27)

چرا که آنها هیچ امیدی به حساب نداشتند، (27)

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا (28)

و آیات ما را بکلی تکذیب کردند! (28)

وَكُلّ شَىْءٍ أحْصَيْنَاهُ كِتَابًا (29)

و ما همه چیز را شمارش و ثبت کرده ایم ! (29)

فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (30)

پس بچشید که چیزی جز عذاب بر شما نمی افزاییم ! (30)

ص: 582

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (31)

مسلّماً برای پرهیزگاران نجات و پیروزی بزرگی است: (31)

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (32)

باغهایی سرسبز، و انواع انگورها، (32)

وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا (33)

و حوریانی بسیار جوان و هم سن و سال، (33)

وَكَأْسًا دِهَاقًا (34)

و جامهایی لبریز و پیاپی (از شراب طهور)! (34)

لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا (35)

در آنجا نه سخن لغو و بیهوده ای می شنوند و نه دروغی! (35)

جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (36)

این کیفری است از سوی پروردگارت و عطیه ای است کافی! (36)

رَّبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (37)

همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است، پروردگار رحمان! و (در آن روز) هیچ کس حق ندارد بی اجازه او سخنی بگوید (یا شفاعتی کند)! (37)

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (38)

روزی که «روح» و «ملائکه» در یک صف می ایستند و هیچ یک، جز به اذن خداوند رحمان، سخن نمی گویند، و (آنگاه که می گویند) درست می گویند! (38)

ذَلِکَ الْیَوْمُ الْحَقُّ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَی رَبِّهِ مَآبًا (39)

آن روز حق است؛ هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند! (39)

إِنَّا أَنذَرْنَاکُمْ عَذَابًا قَرِیبًا یَوْمَ یَنظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ یَدَاهُ وَیَقُولُ الْکَافِرُ یَا لَیْتَنِی کُنتُ تُرَابًا (40)

و ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم! این عذاب در روزی خواهد بود که انسان آنچه را از قبل با دستهای خود فرستاده می بیند، و کافر می گوید: «ای کاش خاک بودم (و گرفتار عذاب نمی شدم)!» (40)

سوره النازعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا (1)

سوگند به فرشتگانی که (جان مجرمان را بشدّت از بدنهایشان) برمی کشند، (1)

وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا (2)

و فرشتگانی که (روح مؤمنان) را با مدارا و نشاط جدا می سازند، (2)

وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا (3)

و سوگند به فرشتگانی که (در اجرای فرمان الهی) با سرعت حرکت می کنند، (3)

فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (4)

و سپس بر یکدیگر سبقت می گیرند، (4)

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (5)

و آنها که امور را تدبیر می کنند! (5)

یَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (6)

آن روز که زلزله های وحشتناک همه چیز را به لرزه درمی آورد، (6)

تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ (7)

و بدنبال آن، حادثه دومین [= صیحه عظیم محشر] رخ می دهد، (7)

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (8)

دلهایی در آن روز سخت مضطرب است، (8)

أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (9)

و چشمهای آنان از شدّت ترس فروافتاده است! (9)

يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِی الْحَافِرَةِ (10)

(ولی امروز) می گویند: «آیا ما به زندگی مجدّد بازمی گردیم؟! (10)

أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً (11)

آیا هنگامی که استخوانهای پوسیده ای شدیم (ممکن است زنده شویم)؟!» (11)

قَالُوا تِلْکَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (12)

می گویند: «اگر قیامتی در کار باشد، بازگشتی است زیانبار!» (12)

فَإِنَّمَا هِیَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (13)

ولی (بدانید) این بازگشت تنها با یک صیحه عظیم است! (13)

فَإِذَا هُم بِالسَّاهِرَةِ (14)

ناگهان همگی بر عرصه زمین ظاهر می گردند! (14)

هَلْ أَتَاکَ حَدِيثُ مُوسَى (15)

آیا داستان موسی به تو رسیده است؟! (15)

ص: 583

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (16)

در آن هنگام که پروردگارش او را در سرزمین مقدّس «طوی» ندا داد (و گفت): (16)

اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (17)

به سوی فرعون برو که طغیان کرده است! (17)

فَقُلْ هَل لَّکَ إِلَى أَن تَزَکَّى (18)

و به او بگو: «آیا می خواهی پاکیزه شوی؟! (18)

وَأَهْدِيَکَ إِلَى رَبِّکَ فَتَخْشَى (19)

و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا از او بترسی (و گناه نکنی)؟!» (19)

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى (20)

سپس موسی بزرگترین معجزه را به او نشان داد! (20)

فَكَذَّبَ وَعَصَى (21)

امّا او تکذیب و عصیان کرد! (21)

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى (22)

سپس پشت کرد و پیوسته (برای محو آیین حق) تلاش نمود! (22)

فَحَشَرَ فَنَادَى (23)

و ساحران را جمع کرد و مردم را دعوت نمود، (23)

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى (24)

و گفت: «من پروردگار برتر شما هستم!» (24)

فَأَخَذَهُ اللّهُ نَكَالَ الآخِرَهِ وَالأولَى (25)

از این رو خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت! (25)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَعِبْرَهً لِّمَن یَخْشَی (26)

در این عبرتی است برای کسی که (از خدا) بترسد! (26)

أَأَنتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا (27)

آیا آفرینش شما (بعد از مرگ) مشکل تر است یا آفرینش آسمان که خداوند آن را بنا نهاد؟! (27)

رَفَعَ سَمْکَهَا فَسَوَّاهَا (28)

سقف آن را برافراشت و آن را منظّم ساخت، (28)

وَأَغْطَشَ لَیْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (29)

و شبش را تاریک و روزش را آشکار نمود! (29)

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِکَ دَحَاهَا (30)

و زمین را بعد از آن گسترش داد، (30)

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا (31)

و از آن آب و چراگاهش را بیرون آورد، (31)

وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا (32)

و کوه ها را ثابت و محکم نمود! (32)

مَتَاعًا لَّکُمْ وَلِأَنْعَامِکُمْ (33)

همه اینها برای بهره گیری شما و چهارپایانتان است! (33)

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّهُ الْکُبْرَی (34)

هنگامی که آن حادثه بزرگ رخ دهد، (34)

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ مَا سَعَى (35)

در آن روز انسان به یاد کوششهایش می افتد، (35)

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَى (36)

و جهنّم برای هر بیننده ای آشکار می گردد، (36)

فَأَمَّا مَن طَغَى (37)

امّا آن کسی که طغیان کرده، (37)

وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (38)

و زندگی دنیا را مقدّم داشته، (38)

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (39)

مسلّماً دوزخ جایگاه اوست ! (39)

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (40)

و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد، (40)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (41)

قطعاً بهشت جایگاه اوست ! (41)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا (42)

و از تو درباره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود؟ ! (42)

فِيمَ أَنتَ مِن ذِكْرَاهَا (43)

تو را با یادآوری این سخن چه کار؟ ! (43)

إِلَى رَبِّکَ مُنتَهَاهَا (44)

نهایت آن به سوی پروردگار تو است (و هیچ کس جز خدا از زمانش آگاه نیست)! (44)

إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخْشَاهَا (45)

کار تو فقط بیم دادن کسانی است که از آن می ترسند! (45)

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (46)

آنها در آن روز که قیام قیامت را می بینند چنین احساس می کنند که گویی توقّفشان (در دنیا و برزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است! (46)

سوره عبس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَبَسَ وَتَوَلَّى (1)

چهره در هم کشید و روی برتافت... (1)

أَن جَاءَهُ الْأَعْمَى (2)

از اینکه نابینایی به سراغ او آمده بود ! (2)

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى (3)

تو چه می دانی شاید او پاکی و تقوا پیشه کند، (3)

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ الذِّكْرَى (4)

یا متذکّر گردد و این تذکّر به حال او مفید باشد ! (4)

أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى (5)

امّا آن کس که توانگر است، (5)

فَأَنتَ لَهُ تَصَدَّى (6)

تو به او روی می آوری، (6)

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (7)

در حالی که اگر او خود را پاک نسازد، چیزی بر تو نیست ! (7)

وَأَمَّا مَن جَاءَكَ يَسْعَى (8)

امّا کسی که به سراغ تو می آید و کوشش می کند، (8)

وَهُوَ يَخْشَى (9)

و از خدا ترسان است، (9)

فَأنتَ عَنْهُ تَلَهَّى (10)

تو از او غافل می شوی ! (10)

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (11)

هرگز چنین نیست که آنها می پندارند؛ این (قرآن) تذکّر و یادآوری است، (11)

فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ (12)

و هر کس بخواهد از آن پند می گیرد ! (12)

فِی صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (13)

در الواح پرارزشی ثبت است، (13)

مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (14)

الواحی والاقدر و پاکیزه، (14)

بِأَيْدِی سَفَرَةٍ (15)

به دست سفیرانی است (15)

كِرَامٍ بَرَرَةٍ (16)

والا مقام و فرمانبردار و نیکوکار ! (16)

قُتِلَ الْإِنسَانُ مَا أَكْفَرَهُ (17)

مرگ بر این انسان، چقدر کافر و ناسپاس است ! (17)

مِنْ أَیِّ شَیْءٍ خَلَقَهُ (18)

(خداوند) او را از چه چیز آفریده است؟ ! (18)

مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (19)

او را از نطفه ناچیزی آفرید، سپس اندازه گیری کرد و موزون ساخت، (19)

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (20)

سپس راه را برای او آسان کرد، (20)

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (21)

بعد او را میراند و در قبر پنهان نمود، (21)

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ (22)

سپس هرگاه بخواهد او را زنده می کند! (22)

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (23)

چنین نیست که او می پندارد؛ او هنوز آنچه را (خدا) فرمان داده، اطاعت نکرده است! (23)

فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (24)

انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد! (24)

أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (25)

ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم، (25)

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (26)

سپس زمین را از هم شکافتیم، (26)

فَأَنبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (27)

و در آن دانه های فراوانی رویاندیم، (27)

وَعِنَبًا وَقَضْبًا (28)

و انگور و سِبزی بسیار، (28)

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (29)

و زیتون و نخل فراوان، (29)

وَحَدَائِقَ غُلْبًا (30)

و باغهای پردرخت، (30)

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (31)

و میوه و چراگاه، (31)

مَّتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (32)

تا وسیله ای برای بهره گیری شما و چهارپایانتان باشد! (32)

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ (33)

هنگامی که آن صدای مهیب [= صیحه رستاخیز] بیاید، (کافران در اندوه عمیقی فرومی روند)! (33)

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (34)

در آن روز که انسان از برادر خود می گریزد، (34)

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (35)

و از مادر و پدرش، (35)

وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (36)

و زن و فرزندانش؛ (36)

لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (37)

در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می سازد! (37)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (38)

چهره هائی َ در آن روز گشاده و نورانی است، (38)

ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (39)

خندان و مسرور است؛ (39)

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ (40)

و صورتهایی در آن روز غبارآلود است، (40)

تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ (41)

و دود تاریکی آنها را پوشانده است، (41)

أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ (42)

آنان همان کافران فاجرند! (42)

سوره التکویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (1)

در آن هنگام که خورشید در هم پیچیده شود، (1)

وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ (2)

و در آن هنگام که ستارگان بی فروغ شوند، (2)

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (3)

و در آن هنگام که کوه ها به حرکت درآیند، (3)

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (4)

و در آن هنگام که باارزش ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود، (4)

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (5)

و در آن هنگام که وحوش جمع شوند، (5)

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (6)

و در آن هنگام که دریاها برافروخته شوند، (6)

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (7)

و در آن هنگام که هر کس با همسان خود قرین گردد، (7)

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (8)

و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود: (8)

بِأَيِّ ذَنبٍ قُتِلَتْ (9)

به کدامین گناه کشته شدند؟! (9)

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (10)

و در آن هنگام که نامه های اعمال گشوده شود، (10)

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (11)

و در آن هنگام که پرده از روی آسمان برگرفته شود، (11)

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ (12)

و در آن هنگام که دوزخ شعله ور گردد، (12)

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ (13)

و در آن هنگام که بهشت نزدیک شود، (13)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ (14)

(آری در آن هنگام) هر کس می داند چه چیزی را آماده کرده است! (14)

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ (15)

سوگند به ستارگانی که بازمی گردند، (15)

الْجَوَارِ الْكُنَّسِ (16)

حرکت می کنند و از دیده ها پنهان می شوند، (16)

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ (17)

و قسم به شب، هنگامی که پشت کند و به آخر رسد، (17)

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (18)

و به صبح، هنگامی که تنفّس کند، (18)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (19)

که این (قرآن) کلام فرستاده بزرگواری است [= جبرئیل امین] (19)

ذِی قُوَّةٍ عِندَ ذِی الْعَرْشِ مَکِینٍ (20)

که صاحب قدرت است و نزد (خداوند) صاحب عرش، مقام والائی دارد! (20)

مُّطَاعٍ ثَمَّ أَمِینٍ (21)

در آسمانها مورد اطاعت (فرشتگان) و امین است! (21)

وَمَا صَاحِبُکُم بِمَجْنُونٍ (22)

و مصاحب شما [= پیامبر] دیوانه نیست! (22)

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِینِ (23)

او (جبرئیل) را در اُفق روشن دیده است! (23)

وَمَا هُوَ عَلَی الْغَیْبِ بِضَنِینٍ (24)

و او نسبت به آنچه از طریق وحی دریافت داشته بخل ندارد! (24)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَیْطَانٍ رَّجِیمٍ (25)

این (قرآن) گفته شیطان رجیم نیست! (25)

فَأَیْنَ تَذْهَبُونَ (26)

پس به کجا می روید؟! (26)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ لِّلْعَالَمِینَ (27)

این قرآن چیزی جز تذکّری برای جهانیان نیست، (27)

لِمَن شَاءَ مِنکُمْ أَن یَسْتَقِیمَ (28)

برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم در پیش گیرد! (28)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن یَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ (29)

و شما اراده نمی کنید مگر اینکه خداوند -پروردگار جهانیان- اراده کند و بخواهد! (29)

ص: 586

سوره الإنفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ (1)

آن زمان که آسمان [= کرات آسمانی] از هم شکافته شود، (1)

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ (2)

و آن زمان که ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند، (2)

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (3)

و آن زمان که دریاها به هم پیوسته شود، (3)

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (4)

و آن زمان که قبرها زیر و رو گردد (و مردگان خارج شوند)، (4)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (5)

(در آن زمان) هر کس می داند آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است. (5)

يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (6)

ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟! (6)

الَّذِى خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (7)

همان خدایی که تو را آفرید و سامان داد و منظّم ساخت، (7)

فِى أَىِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ (8)

و در هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود. (8)

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ (9)

(آری) آن گونه که شما می پندارید نیست؛ بلکه شما روز جزا را منکرید! (9)

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ (10)

و بی شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده... (10)

كِرَامًا كَاتِبِينَ (11)

والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما)، (11)

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (12)

که می دانند شما چه می کنید! (12)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ (13)

به یقین نیکان در نعمتی فراوانند. (13)

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِى جَحِيمٍ (14)

و بدکاران در دوزخند، (14)

يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ (15)

روز جزا وارد آن می شوند و می سوزند، (15)

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ (16)

و آنان هرگز از آن غایب و دور نیستند! (16)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (17)

تو چه می دانی روز جزا چیست؟! (17)

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (18)

باز چه می دانی روز جزا چیست؟! (18)

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (19)

روزی است که هیچ کس قادر بر انجام کاری به سود دیگری نیست، و همه امور در آن روز از آن خداست! (19)

سوره المطففين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (1)

وای بر کم فروشان! (1)

الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (2)

آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند، حق خود را بطور کامل می گیرند؛ (2)

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (3)

امّا هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می گذارند! (3)

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ (4)

آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند، (4)

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (5)

در روزی بزرگ؛ (5)

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (6)

روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند. (6)

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِی سِجِّينٍ (7)

چنین نیست که آنها (درباره قیامت) می پندارند، به یقین نامه اعمال بدکاران در «سجّین» است! (7)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا سِجِّينٌ (8)

تو چه می دانی «سجّین» چیست؟ (8)

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (9)

نامه ای است رقم زده شده و سرنوشتی است حتمی! (9)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (10)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (10)

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (11)

همانها که روز جزا را انکار می کنند. (11)

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (12)

تنها کسی آن را انکار می کند که متجاوز و گنهکار است! (12)

إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (13)

(همان کسی که) وقتی آیات ما بر او خوانده می شود می گوید: «این افسانه های پیشینیان است!» (13)

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (14)

چنین نیست که آنها می پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دلهایشان نشسته است! (14)

كَلَّا إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ (15)

چنین نیست که می پندارند، بلکه آنها در آن روز از پروردگارشان محجوبند! (15)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ (16)

سپس آنها به یقین وارد دوزخ می شوند! (16)

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِی كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ (17)

بعد به آنها گفته می شود: «این همان چیزی است که آن را انکار می کردید!» (17)

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِی عِلِّيِّينَ (18)

چنان نیست که آنها (درباره معاد) می پندارند، بلکه نامه اعمال نیکان در «علیّین» است! (18)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ (19)

و تو چه می دانی «علیّین» چیست! (19)

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (20)

نامه ای است رقم خورده و سرنوشتی است قطعی، (20)

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (21)

که مقربان شاهد آنند! (21)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِی نَعِيمٍ (22)

مسلّماً نیکان در انواع نعمت اند: (22)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ (23)

بر تختهای زیبای بهشتی تکیه کرده و (به زیباییهای بهشت) می نگرند! (23)

تَعْرِفُ فِی وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (24)

در چهره هایشان طراوت و نشاط نعمت را می بینی و می شناسی! (24)

يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ (25)

آنها از شراب (طهور) زلال دست نخورده و سربسته ای سیراب می شوند! (25)

خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِى ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (26)

مهری که بر آن نهاده شده از مشک است؛ و در این نعمتهای بهشتی راغبان باید بر یکدیگر پیشی گیرند! (26)

وَمِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ (27)

این شراب (طهور) آمیخته با «تسنیم» است، (27)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (28)

همان چشمه ای که مقرّبان از آن می نوشند. (28)

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (29)

بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می خندیدند، (29)

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (30)

و هنگامی که از کنارشان می گذشتند آنان را با اشاره تمسخر می کردند، (30)

وَإِذَا انقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمُ انقَلَبُوا فَكِهِينَ (31)

و چون به سوی خانواده خود بازمی گشتند مسرور و خندان بودند، (31)

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (32)

و هنگامی که آنها را می دیدند می گفتند: «اینها گمراهانند!» (32)

وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ (33)

در حالی که هرگز مأمور مراقبت و متکفّل آنان [= مؤمنان] نبودند! (33)

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (34)

ولی امروز مؤمنان به کفار می خندند، (34)

ص: 588

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ (35)

در حالی که بر تختهای آراسته بهشتی نشسته و (به سرنوشت شوم آنها) می نگرند! (35)

هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (36)

آیا (با این حال) کافران پاداش اعمال خود را گرفتند؟! (36)

سوره الإنشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (1)

در آن هنگام که آسمان [= کرات آسمانی] شکافته شود، (1)

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (2)

و تسلیم فرمان پروردگارش شود -و سزاوار است چنین باشد- (2)

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (3)

و در آن هنگام که زمین گسترده شود، (3)

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (4)

و آنچه در درون دارد بیرون افکنده و خالی شود، (4)

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (5)

و تسلیم فرمان پروردگارش گردد -و شایسته است که چنین باشد- (5)

يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (6)

ای انسان! تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد! (6)

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (7)

پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، (7)

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (8)

بزودی حساب آسانی برای او می شود، (8)

وَيَنقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا (9)

و خوشحال به اهل و خانواده اش بازمی گردد. (9)

وَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (10)

و امّا کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شود، (10)

فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (11)

بزودی فریاد می زند وای بر من که هلاک شدم! (11)

وَيَصْلَى سَعِيرًا (12)

و در شعله های سوزان آتش می سوزد. (12)

إِنَّهُ كَانَ فِى أَهْلِهِ مَسْرُورًا (13)

چرا که او در میان خانواده اش پیوسته (از کفر و گناه خود) مسرور بود! (13)

إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ (14)

او گمان می کرد هرگز بازگشت نمی کند! (14)

بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (15)

آری، پروردگارش نسبت به او بینا بود (و اعمالش را برای حساب ثبت کرد)! (15)

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (16)

سوگند به شفق، (16)

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (17)

و سوگند به شب و آنچه را جمع آوری می کند، (17)

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (18)

و سوگند به ماه آنگاه که بَدر کامل می شود، (18)

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ (19)

که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید (تا به کمال برسید). (19)

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (20)

پس چرا آنان ایمان نمی آورند؟! (20)

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (21)

و هنگامی که قرآن بر آنها خوانده می شود سجده نمی کنند؟! (21)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ (22)

بلکه کافران پیوسته آیات الهی را انکار می کنند! (22)

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (23)

و خداوند آنچه را در دل پنهان می دارند بخوبی می داند! (23)

فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (24)

پس آنها را به عذابی دردناک بشارت ده! (24)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (25)

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، که برای آنان پاداشی است قطع نشدنی! (25)

سوره البروج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (1)

سوگند به آسمان که دارای برجهای بسیار است، (1)

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (2)

و سوگند به آن روز موعود، (2)

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ (3)

و سوگند به «شاهد» و «مشهود»! [«شاهد»: پیامبر و گواهان اعمال، و «مشهود»: اعمال امّت است] (3)

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (4)

مرگ بر شکنجه گران صاحب گودال (آتش)، (4)

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ (5)

آتشی عظیم و شعله ور! (5)

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (6)

هنگامی که در کنار آن نشسته بودند، (6)

وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (7)

و آنچه را با مؤمنان انجام می دادند (با خونسردی و قساوت) تماشا می کردند! (7)

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (8)

آنها هیچ ایرادی بر مؤمنان نداشتند جز اینکه به خداوند عزیز و حمید ایمان آورده بودند؛ (8)

الَّذِى لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ (9)

همان کسی که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست و خداوند بر همه چیز گواه است! (9)

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (10)

کسانی که مردان و زنان باایمان را شکنجه دادند سپس توبه نکردند، برای آنها عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان است! (10)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (11)

و برای کسانی که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند، باغهایی از بهشت است که نهرها زیر درختانش جاری است؛ و این نجات و پیروزی بزرگ است! (11)

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (12)

گرفتن قهرآمیز و مجازات پروردگارت به یقین بسیار شدید است! (12)

إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ (13)

اوست که آفرینش را آغاز می کند و بازمی گرداند، (13)

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (14)

و او آمرزنده و دوستدار (مؤمنان) است، (14)

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (15)

صاحب عرش و دارای مجد و عظمت است، (15)

فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ (16)

و آنچه را می خواهد انجام می دهد! (16)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ (17)

آیا داستان لشکرها به تو رسیده است، (17)

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ (18)

لشکریان فرعون و ثمود؟! (18)

بَلِ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی تَکْذِیبٍ (19)

ولی کافران پیوسته در تکذیب حقند، (19)

وَاللَّهُ مِن وَرَائِهِم مُّحِیطٌ (20)

و خداوند به همه آنها احاطه دارد! (20)

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِیدٌ (21)

(این آیات، سحر و دروغ نیست،) بلکه قرآن باعظمت است... (21)

فِی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ (22)

که در لوح محفوظ جای دارد! (22)

سوره الطارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (1)

سوگند به آسمان و کوبنده شب ! (1)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا الطَّارِقُ (2)

و تو نمی دانی کوبنده شب چیست ! (2)

النَّجْمُ الثَّاقِبُ (3)

همان ستاره درخشان و شکافنده تاریکیهاست ! (3)

إِن کُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (4)

(به این آیت بزرگ الهی سوگند) که هر کس مراقب و محافظی دارد ! (4)

فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ (5)

انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است ! (5)

خُلِقَ مِن مَّاءٍ دَافِقٍ (6)

از یک آب جهنده آفریده شده است، (6)

يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (7)

آبی که از میان پشت و سینه ها خارج می شود ! (7)

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (8)

مسلّماً او [= خدائی که انسان را از چنین چیز پستی آفرید] می تواند او را بازگرداند ! (8)

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (9)

در آن روز که اسرار نهان (انسان) آشکار میشود، (9)

فَمَا لَهُ مِن قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (10)

و برای او هیچ نیرو و یاوری نیست ! (10)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (11)

سوگند به آسمان پرباران، (11)

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (12)

و سوگند به زمین پرشکاف (که گیاهان از آن سر برمی آورند)، (12)

إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ (13)

که این (قرآن) سخنی است که حقّ را از باطل جدا می کند، (13)

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (14)

و هرگز شوخی نیست ! (14)

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (15)

آنها پیوسته حیله می کنند، (15)

وَأَكِيدُ كَيْدًا (16)

و من هم در برابر آنها چاره می کنم ! (16)

فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا (17)

حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده (تا سزای اعمالشان را ببینند) ! (17)

سوره الأعلى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (1)

منزّه شمار نام پروردگار بلندمرتبه ات را ! (1)

الّذِی خَلَقَ فَسَوَّی (2)

همان خداوندی که آفرید و منظم کرد، (2)

وَالَّذِی قَدَّرَ فَهَدَی (3)

و همان که اندازه گیری کرد و هدایت نمود، (3)

وَالَّذِی أَخْرَجَ الْمَرْعَی (4)

و آن کس را که چراگاه را به وجود آورد، (4)

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَی (5)

سپس آن را خشک و تیره قرار داد! (5)

سَنُقْرِئُکَ فَلَا تَنسَی (6)

ما بزودی (قرآن را) بر تو می خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد، (6)

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ یَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا یَخْفَی (7)

مگر آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و نهان را می داند! (7)

وَنُیَسِّرُکَ لِلْیُسْرَی (8)

و ما تو را برای انجام هر کار خیر آماده می کنیم! (8)

فَذَکِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّکْرَی (9)

پس تذکّر ده اگر تذکّر مفید باشد! (9)

سَیَذَّکَّرُ مَن یَخْشَی (10)

و بزودی کسی که از خدا می ترسد متذکّر می شود. (10)

وَیَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَی (11)

امّا بدبخت ترین افراد از آن دوری می گزیند، (11)

الّذِی یَصْلَی النَّارَ الْکُبْرَی (12)

همان کسی که در آتش بزرگ وارد می شود، (12)

ثُمَّ لَا یَمُوتُ فِیهَا وَلَا یَحْیَی (13)

سپس در آن آتش نه می میرد و نه زنده می شود! (13)

قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَکَّی (14)

به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد)، رستگار شد. (14)

وَذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّی (15)

و (آن که) نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند! (15)

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (16)

ولی شما زندگی دنیا را مقدم می دارید، (16)

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (17)

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است! (17)

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (18)

این دستورها در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده است، (18)

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (19)

در کتب ابراهیم و موسی. (19)

سوره الغاشیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (1)

آیا داستان غاشیه [= روز قیامت که حوادث وحشتناکش همه را می پوشاند] به تو رسیده است؟! (1)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (2)

چهره هایی در آن روز خاشع و ذلّت بارند، (2)

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ (3)

آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده اند (و نتیجه ای عایدشان نشده است)، (3)

تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً (4)

و در آتش سوزان وارد می گردند؛ (4)

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ (5)

از چشمه ای بسیار داغ به آنان می نوشانند؛ (5)

لَّيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ (6)

غذائی جز از ضَریع [= خار خشک تلخ و بدبو] ندارند؛ (6)

لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِى مِن جُوعٍ (7)

غذایی که نه آنها را فربه می کند و نه از گرسنگی می رهاند! (7)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ (8)

چهره هایی در آن روز شاداب و باطراوتند، (8)

لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (9)

و از سعی و تلاش خود خشنودند، (9)

فِى جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (10)

در بهشتی عالی جای دارند، (10)

لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً (11)

که در آن هیچ سخن لغو و بیهوده ای نمی شنوند! (11)

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (12)

در آن چشمه ای جاری است، (12)

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ (13)

در آن تختهای زیبای بلندی است، (13)

وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ (14)

و قدحهایی (که در کنار این چشمه) نهاده، (14)

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (15)

و بالشها و پشتیهای صف داده شده، (15)

وَزَرَابِیُّ مَبْثُوثَةٌ (16)

و فرشهای فاخر گسترده ! (16)

أَفَلَا یَنظُرُونَ إِلَی الْإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ (17)

آیا آنان به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است؟ ! (17)

وَإِلَی السَّمَاءِ کَیْفَ رُفِعَتْ (18)

و به آسمان نگاه نمی کنند که چگونه برافراشته شده؟ ! (18)

وَإِلَی الْجِبَالِ کَیْفَ نُصِبَتْ (19)

و به کوه ها که چگونه در جای خود نصب گردیده ! (19)

وَإِلَی الْأَرْضِ کَیْفَ سُطِحَتْ (20)

و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟ ! (20)

فَذَکِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَکِّرٌ (21)

پس تذکّر ده که تو فقط تذکّر دهنده ای ! (21)

لَّسْتَ عَلَیْهِم بِمُصَیْطِرٍ (22)

تو سلطه گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی، (22)

إِلَّا مَن تَوَلَّی وَکَفَرَ (23)

مگر کسی که پشت کند و کافر شود، (23)

فَیُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَکْبَرَ (24)

که خداوند او را به عذاب بزرگ مجازات می کند ! (24)

إِنَّ إِلَیْنَا إِیَابَهُمْ (25)

به یقین بازگشت (همه) آنان به سوی ماست، (25)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم (26)

و مسلّماً حسابشان (نیز) با ماست! (26)

ص: 592

سوره الفجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْفَجْرِ (1)

به سپیده دم سوگند، (1)

وَلَيَالٍ عَشْرٍ (2)

و به شبهای دهگانه، (2)

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (3)

و به زوج و فرد، (3)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (4)

و به شب، هنگامی که (به سوی روشنایی روز) حرکت می کند سوگند (که پروردگارت در کمین ظالمان است)! (4)

هَلْ فِی ذَلِکَ قَسَمٌ لِّذِی حِجْرٍ (5)

آیا در آنچه گفته شد، سوگند مهمّی برای صاحبان خرد نیست؟! (5)

أَلَمْ تَرَ کَيْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِعَادٍ (6)

آیا ندیدی پروردگارت با قوم «عاد» چه کرد؟! (6)

إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (7)

و با آن شهر «اِرَم» باعظمت، (7)

الَّتِی لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِی الْبِلَادِ (8)

همان شهری که مانندش در شهرها آفریده نشده بود! (8)

وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (9)

و قوم «ثمود» که صخره های عظیم را از (کنار) درّه می بریدند (و از آن خانه و کاخ می ساختند) ! (9)

وَفِرْعَوْنَ ذِی الْأَوْتَادِ (10)

و فرعونی که قدرتمند و شکنجه گر بود، (10)

الَّذِینَ طَغَوْا فِی الْبِلَادِ (11)

همان اقوامی که در شهرها طغیان کردند، (11)

فَأَكْثَرُوا فِیهَا الْفَسَادَ (12)

و فساد فراوان در آنها به بار آوردند؛ (12)

فَصَبَّ عَلَیْهِمْ رَبُّکَ سَوْطَ عَذَابٍ (13)

به همین سبب خداوند تازیانه عذاب را بر آنان فرو ریخت ! (13)

إِنَّ رَبَّکَ لَبِالْمِرْصَادِ (14)

به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است ! (14)

فَأَمَّا الْإِنسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَیَقُولُ رَبِّی أَكْرَمَنِ (15)

امّا انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، اکرام می کند و نعمت می بخشد (مغرور می شود و) می گوید: «پروردگارم مرا گرامی داشته است !» (15)

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَیْهِ رِزْقَهُ فَیَقُولُ رَبِّی أَهَانَنِ (16)

و امّا هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می گیرد (مأیوس می شود و) می گوید: «پروردگارم مرا خوار کرده است !» (16)

كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْیَتِیمَ (17)

چنان نیست که شما می پندارید؛ شما یتیمان را گرامی نمی دارید، (17)

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (18)

و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی کنید، (18)

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا (19)

و میراث را (از راه مشروع و نامشروع) جمع کرده می خورید، (19)

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (20)

و مال و ثروت را بسیار دوست دارید (و بخاطر آن گناهان زیادی مرتکب می شوید)! (20)

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (21)

چنان نیست که آنها می پندارند! در آن هنگام که زمین سخت در هم کوبیده شود، (21)

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (22)

و فرمان پروردگارت فرا رسد و فرشتگان صف در صف حاضر شوند، (22)

وَجِىءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى (23)

و در آن روز جهنم را حاضر می کنند؛ (آری) در آن روز انسان متذکّر می شود؛ امّا این تذکّر چه سودی برای او دارد؟! (23)

يَقُولُ يَا لَيْتَنِى قَدَّمْتُ لِحَيَاتِى (24)

می گوید: «ای کاش برای (این) زندگیم چیزی از پیش فرستاده بودم!» (24)

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (25)

در آن روز هیچ کس همانند او [= خدا] عذاب نمی کند، (25)

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (26)

و هیچ کس همچون او کسی را به بند نمی کشد! (26)

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (27)

تو ای روح آرام یافته! (27)

ارْجِعِى إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (28)

به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، (28)

فَادْخُلِى فِى عِبَادِى (29)

پس در سلک بندگانم درآی، (29)

وَادْخُلِى جَنَّتِى (30)

و در بهشتم وارد شو! (30)

سوره البلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (1)

قسم به این شهر مقدّس [= مکّه]، (1)

وَأَنتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (2)

شهری که تو در آن ساکنی، (2)

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ (3)

و قسم به پدر و فرزندش [= ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل ذبیح]، (3)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِی کَبَدٍ (4)

که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنجهاست) ! (4)

أَیَحْسَبُ أَن لَّن یَقْدِرَ عَلَیْهِ أَحَدٌ (5)

آیا او گمان می کند که هیچ کس نمی تواند بر او دست یابد؟ ! (5)

یَقُولُ أَهْلَکْتُ مَالًا لُّبَدًا (6)

می گوید: «مال زیادی را (در کارهای خیر) نابود کرده ام !» (6)

أَیَحْسَبُ أَن لَّمْ یَرَهُ أَحَدٌ (7)

آیا (انسان) گمان می کند هیچ کس او را ندیده (که عمل خیری انجام نداده) است؟ ! (7)

أَلَمْ نَجْعَل لَّهُ عَیْنَیْنِ (8)

آیا برای او دو چشم قرار ندادیم، (8)

وَلِسَانًا وَشَفَتَیْنِ (9)

و یک زبان و دو لب؟ ! (9)

وَهَدَیْنَاهُ النَّجْدَیْنِ (10)

و او را به راه خیر و شرّ هدایت کردیم ! (10)

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَهَ (11)

ولی ِاو از آن گِردنه مهمّ نگذشت ! (11)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا الْعَقَبَهُ (12)

و تو نمی دانی آن گردنه چیست! (12)

فَکُّ رَقَبَهٍ (13)

آزادکردن برده ای، (13)

أَوْ إِطْعَامٌ فِی یَوْمٍ ذِی مَسْغَبَهٍ (14)

یا غذا دادن در روز گرسنگی... (14)

یَتِیمًا ذَا مَقْرَبَهٍ (15)

یتیمی از خویشاوندان، (15)

أَوْ مِسْکِینًا ذَا مَتْرَبَهٍ (16)

یا مستمندی خاک نشین را، (16)

ثُمَّ کَانَ مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَهِ (17)

سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی و رحمت توصیه می کنند! (17)

أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْمَیْمَنَهِ (18)

آنها «اصحاب الیمین» اند (که نامه اعمالشان را به دست راستشان می دهند)! (18)

وَالَّذِینَ کَفَرُوا بِآیَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَهِ (19)

و کسانی که آیات ما را انکار کرده اند افرادی شومند (که نامه اعمالشان به دست چپشان داده می شود). (19)

عَلَیْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَهٌ (20)

بر آنها آتشی است فروبسته (که راه فراری از آن نیست)! (20)

ص: 594

سوره الشمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (1)

به خورشید و گسترش نور آن سوگند، (1)

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا (2)

و به ماه هنگامی که بعد از آن درآید، (2)

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا (3)

و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد، (3)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (4)

و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند، (4)

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (5)

و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرده، (5)

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (6)

و به زمین و کسی که آن را گسترانیده، (6)

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (7)

و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظّم ساخته، (7)

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (8)

سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است، (8)

قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا (9)

که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده؛ (9)

وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا (10)

و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است! (10)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (11)

قوم «ثمود» بر اثر طغیان، (پیامبرشان را) تکذیب کردند، (11)

إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا (12)

آنگاه که شقی ترین آنها بپاخاست، (12)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (13)

و فرستاده الهی [= صالح] به آنان گفت: «ناقه خدا [= همان شتری که معجزه الهی بود] را با آبشخورش واگذارید (و مزاحم آن نشوید)!» (13)

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا (14)

ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند)؛ از این رو پروردگارشان آنها (و سرزمینشان) را بخاطر گناهانشان در هم کوبید و با خاک یکسان و صاف کرد! (14)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (15)

و او هرگز از فرجام این کار [= مجازات ستمگران] بیم ندارد! (15)

سوره الليل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى (1)

قسم به شب در آن هنگام که (جهان را) بپوشاند، (1)

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (2)

و قسم به روز هنگامی که تجلّی کند، (2)

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (3)

و قسم به آن کس که جنس مذکّر و مؤنّث را آفرید، (3)

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى (4)

که سعی و تلاش شما مختلف است: (4)

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى (5)

امّا آن کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد، (5)

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى (6)

و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند، (6)

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى (7)

ما او را در مسیر آسانی قرار می دهیم ! (7)

وَأَمَّا مَن بَخِلَ وَاسْتَغْنَى (8)

امّا کسی که بخل ورزد و (از این راه) بی نیازی طلبد، (8)

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى (9)

و پاداش نیک (الهی) را انکار کند، (9)

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى (10)

بزودی او را در مسیر دشواری قرار می دهیم؛ (10)

وَمَا يُغْنِى عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (11)

و در آن هنگام که (در جهنّم) سقوط می کند، اموالش به حال او سودی نخواهد داشت ! (11)

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى (12)

به یقین هدایت کردن بر ماست، (12)

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأولَى (13)

و آخرت و دنیا از آن ماست، (13)

فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى (14)

و من شما را از آتشی که زبانه می کشد بیم می دهم، (14)

ص: 595

لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى (15)

کسی جز بدبخت ترین مردم وارد آن نمی شود؛ (15)

الَّذِی کَذَّبَ وَتَوَلَّی (16)

همان کس که (آیات خدا را) تکذیب کرد و به آن پشت نمود! (16)

وَسَیُجَنَّبُهَا الْأَتْقَی (17)

و بزودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می شود، (17)

الَّذِی یُؤْتِی مَالَهُ یَتَزَکَّی (18)

همان کس که مال خود را (در راه خدا) می بخشد تا پاک شود. (18)

وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَی (19)

و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد (به این وسیله) او را جزا دهد، (19)

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَی (20)

بلکه تنها هدفش جلب رضای پروردگار بزرگ اوست؛ (20)

وَلَسَوْفَ یَرْضَی (21)

و بزودی راضی و خشنود می شود! (21)

سوره الضحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالضُّحَی (1)

قسم به روز در آن هنگام که آفتاب برآید (و همه جا را فراگیرد)، (1)

وَاللَّیْلِ إِذَا سَجَی (2)

و سوگند به شب در آن هنگام که آرام گیرد، (2)

مَا وَدَّعَکَ رَبُّکَ وَمَا قَلَی (3)

که خداوند هرگز تو را وانگذاشته و مورد خشم قرار نداده است ! (3)

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّکَ مِنَ الْأُولَی (4)

و مسلّماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است ! (4)

وَلَسَوْفَ يُعْطِيکَ رَبُّکَ فَتَرْضَی (5)

و بزودی پروردگارت آنقدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی ! (5)

أَلَمْ يَجِدْکَ يَتِيمًا فَآوَی (6)

آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟ ! (6)

وَوَجَدَکَ ضَالًّا فَهَدَی (7)

و تو را گمشده یافت و هدایت کرد، (7)

وَوَجَدَکَ عَائِلًا فَأَغْنَی (8)

و تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود، (8)

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (9)

حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن، (9)

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (10)

و سؤال کننده را از خود مران، (10)

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ (11)

و نعمتهای پروردگارت را بازگو کن ! (11)

سوره الشرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ (1)

آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم، (1)

وَوَضَعْنَا عَنکَ وِزْرَکَ (2)

و بار سنگین تو را از تو برنداشتیم؟! (2)

الَّذِی أَنقَضَ ظَهْرَکَ (3)

همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد! (3)

وَرَفَعْنَا لَکَ ذِکْرَکَ (4)

و آوازه تو را بلند ساختیم! (4)

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرًا (5)

به یقین با (هر) سختی آسانی است! (5)

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرًا (6)

(آری) مسلّماً با (هر) سختی آسانی است، (6)

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (7)

پس هنگامی که از کار مهمّی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز، (7)

وَإِلَی رَبِّکَ فَارْغَب (8)

و به سوی پروردگارت توجّه کن! (8)

سوره التين

بِّسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ (1)

قسم به انجير و زيتون [يا: قسم به سرزمين شام و بيت المقدّس]، (1)

وَطُورِ سِينِينَ (2)

و سوگند به «طور سينين»، (2)

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (3)

و قسم به اين شهر امن [= مكّه]، (3)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِى أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (4)

كه ما انسان را در بهترين صورت و نظام آفريديم، (4)

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (5)

سپس او را به پايين ترين مرحله بازگردانديم، (5)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (6)

مگر كسانى كه ايمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند كه براى آنها پاداشى تمام نشدنى است! (6)

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ (7)

پس چه چيز سبب مى شود كه بعد از اين همه (دلايل روشن) روز جزا را انكار كنى؟! (7)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ (8)

آيا خداوند بهترين حكم كنندگان نيست؟! (8)

سوره العلق

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأ بِاسْمِ رَبِّکَ الّذِی خَلَقَ (1)

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید، (1)

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ (2)

همان کس که انسان را از خون بسته ای خلق کرد! (2)

اقْرَأْ وَرَبُّکَ الْأَکْرَمُ (3)

بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، (3)

الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (4)

همان کسی که بوسیله قلم تعلیم نمود، (4)

عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ (5)

و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد! (5)

کَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَیَطْغَی (6)

چنین نیست (که شما می پندارید) به یقین انسان طغیان می کند، (6)

أَن رَّآهُ اسْتَغْنَی (7)

از اینکه خود را بی نیاز ببیند! (7)

إِنَّ إِلَی رَبِّکَ الرُّجْعَی (8)

و به یقین بازگشت (همه) به سوی پروردگار تو است! (8)

أَرَأَیْتَ الَّذِی یَنْهَی (9)

به من خبر ده آیا کسی که نهی می کند، (9)

عَبْدًا إِذَا صَلَّی (10)

بنده ای را به هنگامی که نماز می خواند (آیا مستحق عذاب الهی نیست)؟! (10)

أَرَأَيْتَ إِن كَانَ عَلَى الْهُدَى (11)

به من خبر ده اگر این بنده به راه هدایت باشد، (11)

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى (12)

یا مردم را به تقوا فرمان دهد (آیا نهی کردن او سزاوار است)؟! (12)

أَرَأَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّى (13)

به من خبر ده اگر (این طغیانگر) حق را انکار کند و به آن پشت نماید (آیا مستحق مجازات الهی نیست)؟! (13)

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (14)

آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می بیند؟! (14)

كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَهِ (15)

چنان نیست که او خیال می کند، اگر دست از کار خود برندارد، ناصیه اش [= موی پیش سرش] را گرفته (و به سوی عذاب می کشانیم)، (15)

نَاصِيَهٍ كَاذِبَهٍ خَاطِئَهٍ (16)

همان ناصیه دروغگوی خطاکار را! (16)

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (17)

سپس هر که را می خواهد صدا بزند (تا یاریش کند)! (17)

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَهَ (18)

ما هم بزودی مأموران دوزخ را صدا می زنیم (تا او را به دوزخ افکنند)! (18)

كَلّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِب (19)

چنان نیست (که آن طغیانگر می پندارد)؛ هرگز او را اطاعت مکن، و سجده نما و (به خدا) تقرّب جوی! (19)

سوره القدر

بِّسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ (1)

ما آن [= قرآن] را در شب قدر نازل کردیم ! (1)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا لَيْلَهُ الْقَدْرِ (2)

و تو چه می دانی شب قدر چیست؟ ! (2)

لَيْلَهُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (3)

شب قدر بهتر از هزار ماه است ! (3)

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن کُلِّ أَمْرٍ (4)

فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می شوند. (4)

سَلَامٌ هِىَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (5)

شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده ! (5)

سوره البینه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَمْ يَکُنِ الَّذِينَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتَابِ وَالْمُشْرِکِينَ مُنفَکِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَهُ (1)

کافران از اهل کتاب و مشرکان (می گفتند:) دست از آیین خود برنمی دارند تا دلیل روشنی برای آنها بیاید، (1)

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَهً (2)

پیامبری از سوی خدا (بیاید) که صحیفه های پاکی را (بر آنها) بخواند، (2)

فِيهَا کُتُبٌ قَيِّمَهٌ (3)

و در آن نوشته های صحیح و پرارزشی باشد! (ولی هنگامی که آمد ایمان نیاوردند، مانند اهل کتاب). (3)

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ (4)

اهل کتاب (نیز در دین خدا) اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه دلیل روشن برای آنان آمد! (4)

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ (5)

و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را بپرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند؛ و این است آیین مستقیم و پایدار! (5)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (6)

کافران از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند، جاودانه در آن می مانند؛ آنها بدترین مخلوقاتند! (6)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (7)

(امّا) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات (خدا) یند! (7)

جَزَاؤُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا رَّضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِکَ لِمَنْ خَشِیَ رَبَّهُ (8)

پاداش آنها نزد پروردگارشان باغهای بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن می مانند! (هم) خدا از آنها خشنود است و (هم) آنها از خدا خشنودند؛ و این (مقام والا) برای کسی است که از پروردگارش بترسد! (8)

سوره الزلزله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (1)

هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید، (1)

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (2)

و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد! (2)

وَقَالَ الْإِنسَانُ مَا لَهَا (3)

و انسان می گوید: «زمین را چه می شود (که این گونه می لرزد)؟!» (3)

یَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (4)

در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می کند؛ (4)

بِأَنَّ رَبَّکَ أَوْحَی لَهَا (5)

چرا که پروردگارت به او وحی کرده است! (5)

یَوْمَئِذٍ یَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّیُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (6)

در آن روز مردم بصورت گروه های پراکنده (از قبرها) خارج می شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود! (6)

فَمَن یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَیْرًا یَرَهُ (7)

پس هر کس هموزن ذرّه ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند! (7)

وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (8)

و هر کس هموزن ذرّه ای کار بد کرده آن را می بیند ! (8)

سوره العادیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (1)

سوگند به اسبان دونده (مجاهدان) در حالی که نفس زنان به پیش می رفتند، (1)

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (2)

و سوگند به افروزندگان جرقه آتش (در برخورد سمهایشان با سنگهای بیابان)، (2)

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (3)

و سوگند به هجوم آوران سپیده دم (3)

فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا (4)

که گرد و غبار به هر سو پراکندند، (4)

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (5)

و (ناگهان) در میان دشمن ظاهر شدند، (5)

إِنَّ الْإِنسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (6)

که انسان در برابر نعمتهای پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است؛ (6)

وَإِنَّهُ عَلَى ذَلِكَ لَشَهِيدٌ (7)

و او خود (نیز) بر این معنی گواه است ! (7)

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (8)

و او علاقه شدید به مال دارد ! (8)

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِی الْقُبُورِ (9)

آیا نمی داند در آن روز که تمام کسانی که در قبرها هستند برانگیخته می شوند، (9)

ص: 599

وَحُصِّلَ مَا فِی الصُّدُورِ (10)

و آنچه در درون سینه هاست آشکار می گردد، (10)

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ یَوْمَئِذٍ لَّخَبِیرٌ (11)

در آن روز پروردگارشان از آنها کاملاً باخبر است ! (11)

سوره القارعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الْقَارِعَهُ (1)

آن حادثه کوبنده، (1)

مَا الْقَارِعَهُ (2)

و چه حادثه کوبنده ای ! (2)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا الْقَارِعَهُ (3)

و تو چه می دانی که حادثه کوبنده چیست؟ ! (آن حادثه همان روز قیامت است !) (3)

یَوْمَ یَکُونُ النَّاسُ کَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (4)

روزی که مردم مانند پروانه های پراکنده خواهند بود، (4)

وَتَکُونُ الْجِبَالُ کَالْعِهْنِ الْمَنفُوشِ (5)

و کوه ها مانند پشم رنگین حلاّجی شده می گردد ! (5)

فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَازِینُهُ (6)

امّا کسی که (در آن روز) ترازوهای اعمالش سنگین است، (6)

فَهُوَ فِی عِیشَهٍ رَّاضِیَهٍ (7)

در یک زندگی خشنودکننده خواهد بود ! (7)

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (8)

و امّا کسی که ترازوهایش سبک است، (8)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (9)

پناهگاهش «هاویه» [= دوزخ] است ! (9)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا هِيَهْ (10)

و تو چه می دانی «هاویه» چیست؟ ! (10)

نَارٌ حَامِيَةٌ (11)

آتشی است سوزان ! (11)

سوره التکاثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلْهَاکُمُ التَّکَاثُرُ (1)

افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است. (1)

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (2)

تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را برشمردید و به آن افتخار کردید) ! (2)

کَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (3)

چنین نیست که می پندارید، (آری) بزودی خواهید دانست ! (3)

ثُمَّ کَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (4)

باز چنان نیست که شما می پندارید؛ بزودی خواهید دانست ! (4)

کَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (5)

چنان نیست که شما خیال می کنید؛ اگر شما علم الیقین (به آخرت) داشتید (افزون طلبی شما را از خدا غافل نمی کرد) ! (5)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (6)

قطعاً شما جهنّم را خواهید دید ! (6)

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (7)

سپس (با ورود در آن) آن را به عین الیقین خواهید دید. (7)

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (8)

سپس در آن روز (همه شما) از نعمتهایی که داشته اید بازپرسی خواهید شد ! (8)

سوره العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ (1)

به عصر سوگند، (1)

إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِى خُسْرٍ (2)

که انسانها همه در زیانند؛ (2)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (3)

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند! (3)

سوره الهمزه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (1)

وای بر هر عیبجوی مسخره کننده ای! (1)

الَّذِى جَمَعَ مَالاً وَعَدَّدَهُ (2)

همان کس که مال فراوانی جمع آوری و شماره کرده (بی آنکه مشروع و نامشروع آن را حساب کند)! (2)

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (3)

او گمان می کند که اموالش او را جاودانه می سازد! (3)

كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِى الْحُطَمَةِ (4)

چنین نیست که می پندارد؛ بزودی در «حُطَمه» [= آتشی خردکننده] پرتاب می شود! (4)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (5)

و تو چه می دانی «حُطمه» چیست؟! (5)

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَهُ (6)

آتش برافروخته الهی است، (6)

الَّتِی تَطَّلِعُ عَلَی الْأَفْئِدَهِ (7)

آتشی که از دلها سرمی زند! (7)

إِنَّهَا عَلَیْهِم مُّؤْصَدَهٌ (8)

این آتش بر آنها فروبسته شده، (8)

فِی عَمَدٍ مُّمَدَّدَهٍ (9)

در ستونهای کشیده و طولانی! (9)

سوره الفیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ أَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِأَصْحَابِ الْفِیلِ (1)

آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران [= لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند] چه کرد؟! (1)

أَلَمْ یَجْعَلْ کَیْدَهُمْ فِی تَضْلِیلٍ (2)

آیا نقشه آنها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟! (2)

وَأَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْرًا أَبَابِیلَ (3)

و بر سر آنها پرندگانی را گروه گروه فرستاد، (3)

تَرْمِیهِم بِحِجَارَهٍ مِّن سِجِّیلٍ (4)

که با سنگهای کوچکی آنان را هدف قرارمی دادند؛ (4)

فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَّأْکُولٍ (5)

سرانجام آنها را همچون کاه خورده شده (و متلاشی) قرار داد! (5)

ص: 601

سوره قریش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ (1)

(کیفر لشکر فیل سواران) بخاطر این بود که قریش (به این سرزمین مقدس) الفت گیرند (و زمینه ظهور پیامبر فراهم شود)! (1)

إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (2)

الفت آنها در سفرهای زمستانه و تابستانه (و بخاطر این الفت به آن بازگردند)! (2)

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (3)

پس (بشکرانه این نعمت بزرگ) باید پروردگار این خانه را عبادت کنند، (3)

الَّذِی أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَآمَنَهُم مِّنْ خَوْفٍ (4)

همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت. (4)

سوره الماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَرَأَيْتَ الَّذِی يُكَذِّبُ بِالدِّينِ (1)

آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می کند دیدی؟ (1)

فَذَلِكَ الَّذِی يَدُعُّ الْيَتِيمَ (2)

او همان کسی است که یتیم را با خشونت می راند، (2)

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (3)

و (دیگران را) به اطعام مسکین تشویق نمی کند! (3)

فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ (4)

پس وای بر نمازگزارانی که... (4)

الّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (5)

در نماز خود سهل انگاری می کنند، (5)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (6)

همان کسانی که ریا می کنند، (6)

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (7)

و دیگران را از وسایل ضروری زندگی منع می نمایند ! (7)

سوره الکوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (1)

ما به تو کوثر [= خیر و برکت فراوان] عطا کردیم ! (1)

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (2)

پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن ! (2)

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (3)

(و بدان) دشمن تو قطعاً بریده نسل و بی عقب است ! (3)

سوره الکافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (1)

بگو: ای کافران ! (1)

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (2)

آنچه را شما می پرستید من نمی پرستم ! (2)

وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (3)

و نه شما آنچه را من می پرستم می پرستید، (3)

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدتُّمْ (4)

و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده اید می پرستم، (4)

وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (5)

و نه شما آنچه را که من می پرستم پرستش می کنید؛ (5)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (6)

(حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم ! (6)

سوره النصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (1)

هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرارسد، (1)

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (2)

و ببینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می شوند، (2)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (3)

پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است ! (3)

سوره المسد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَّتْ يَدَا أَبِى لَهَبٍ وَتَبَّ (1)

بریده باد هر دو دست ابولهب (و مرگ بر او باد) ! (1)

مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (2)

هرگز مال و ثروتش و آنچه را به دست آورد به حالش سودی نبخشید ! (2)

سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (3)

و بزودی وارد آتشی شعله ور و پرلهیب می شود؛ (3)

وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (4)

و (نیز) همسرش، در حالی که هیزم کش (دوزخ) است، (4)

فِى جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (5)

و در گردنش طنابی است از لیف خرما ! (5)

سوره الإخلاص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (1)

بگو: خداوند، یکتا و یگانه است؛ (1)

اللَّهُ الصَّمَدُ (2)

خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می کنند؛ (2)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (3)

(هرگز) نزاد، و زاده نشد، (3)

وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ (4)

و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است! (4)

سوره الفلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (1)

بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده صبح، (1)

مِن شَرِّ مَا خَلَقَ (2)

از شرّ تمام آنچه آفریده است؛ (2)

وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (3)

و از شرّ هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می شود؛ (3)

وَمِن شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِى الْعُقَدِ (4)

و از شرّ آنها که با افسون در گره ها می دمند (و هر تصمیمی را سست می کنند)؛ (4)

وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (5)

و از شرّ هر حسودی هنگامی که حسد می ورزد ! (5)

سوره الناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (1)

بگو: پناه می برم به پروردگار مردم، (1)

مَلِكِ النَّاسِ (2)

به مالک و حاکم مردم، (2)

إِلَهِ النَّاسِ (3)

به (خدا و) معبود مردم، (3)

مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (4)

از شرّ وسوسه گر پنهانکار، (4)

الَّذِى يُوَسْوِسُ فِى صُدُورِ النَّاسِ (5)

که در درون سینه انسانها وسوسه می کند، (5)

مِنَ الْجِنَّهِ وَالنَّاسِ (6)

خواه از جنّ باشد یا از انسان ! (6)

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 09132000109
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109